**سخن نو**

**در**

**تفسیر قرآن**

**از : جمال گنجه ای**

جلد ششم

****

فهرست

تفسیر تحلیلی سوره مومنون صفحه 8

تفسیر تحلیلی سوره ابراهیم صفحه 62

تفسیر تحلیلی سوره اِسراء صفحه 93

تفسیر تحلیلی سوره هود صفحه 174

تفسیر تحلیلی سوره شعراء صفحه 231

تفسیر تحلیلی سوره یونس صفحه 274

تفسیر تحلیلی سوره انبیاء صفحه 335

تفسیر تحلیلی سوره صافات صفحه 395

تفسیر تحلیلی سوره ص صفحه 435

**از اول بخــوانید**

**مطالب این تفسیر را از جلد اول بخوانید.**

**ما از ابتدای این تفسیر بعضاً مطالبی عرض کرده­ایم که در سوره­های بعدی در محل­های نیاز به مطرح کردن آنها ، تکرار نکرده­ایم .**

**گرچه ارجاع داده­ایم اما می­دانیم بسیاری از خوانندگان آن توضیحات را ناخوانده می­گذارند ، لذا خواهشمندیم مطالعه این کتاب را از اول آغاز کنید .**

**توضیح خلاصه در باره این تفسیر**

چنانکه خوهید دید ، در این تفسیر در هر پاراگراف ، همه **کلید های** **اصلی** را بکار گرفته ایم . از بهترین **لیست ترتیب نزول** استفاده کرده ایم ، **عصاره مطالب** سوره و پاراگراف را در «درس» سوره و «درب» پاراگراف ذکر نموده و در «توضیح مقدماتی» نیز به نحو متفاوت از اولین پاراگراف هر سوره تا پاراگراف مورد نظر مجددا آورده ایم ، **تقطیع منطقی** مطالب را هم در قالب پاراگراف ها رعایت نموده ایم ، از بین **ترجمه** های ممکن ، آن را که با عصاره مطلب تناسب دارد اختیار کرده ایم ، مطالب **فرعی** و مطالب **پرانتزی** را در بین { } ، و اگر بعضی مطالب «فرعی در فرعی» یا «پرانتز در پرانتز»ی باشد دربین {{ }} یا {{{ }}} و مطالب مربوط به **واگذاری به مخاطب** و نیز مطالب مربوط به تغییر مخاطب یا **التفات** را نیز در [ ] قرار داده ایم . اگر هم در جائی لازم دیده شد توضیح اضافه ای عرض شود ، در بین ( ) قرار داده شده است .

با وجود همه اینها ، دراینجا لازم است مطلبی را با تاکید یاد آور شویم که پس از اتمام کارِ تفسیرِ هر پاراگراف ، دو قدم دیگر باقی مانده است (که به شرحی که در محلِ نظیر در سوره عصر گفته ایم) به عهده خودتان است وقبل از اینکه به مرحله بعد بروید انجامش دهید و گرنه لذت معنوی تان کامل نخواهد بود .

**از این پس دیگر از هر دوراه نمی رویم**

در جلد اول در تفسیر هر پاراگراف یکبار از طریقی که در قسمت «مبانی» در جلد اول نشان داده ایم مبادرت به استخراج «عصاره محتوا»ی سوره نموده و از روی آن «عصاره محتوای» پاراگراف را استخراج کرده ایم ، و در عین حال «عصاره محتوا»ی پاراگراف را از راهی متفاوت نیز استخراج کرده و تطابق آنها را نشان داده ایم .

در جلد دوم نیز در هر پاراگراف از هر دو راه رفته و باز هم این تطابق را نشان داده ایم .

در این جلد دیگر همه آن کار ها را تکرار ننموده و با فرض اینکه از تطابق آنهمه موارد در 52 پاراگراف قبلی میتوان نتیجه گرفت که این تطابق در همه جا وجود دارد فقط به ذکر نتیجه پرداخته ایم .

**مرحله ششم**

**افزايش فشارها**

**و**

**دلداري خداوند به**

**پيامبر و مومنان**

**و اميد پيروزي**

**سوره مومنون**

**﴿ بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾**

**قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ﴿1﴾ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ ﴿2﴾ وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ ﴿3﴾ وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ ﴿4﴾ وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ ﴿5﴾ إِلَّا عَلَى أَزْوَاجِهِمْ أوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ ﴿6﴾ فَمَنِ ابْتَغَى وَرَاء ذَلِكَ فَأُوْلَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ ﴿7﴾ وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ ﴿8﴾ وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ ﴿9﴾ أُوْلَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ ﴿10﴾ الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿11﴾ وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ مِن سُلَالَةٍ مِّن طِينٍ ﴿12﴾ ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ ﴿13﴾ ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ ﴿14﴾ ثُمَّ إِنَّكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ لَمَيِّتُونَ ﴿15﴾ ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُبْعَثُونَ ﴿16﴾ وَلَقَدْ خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَائِقَ وَمَا كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ غَافِلِينَ ﴿17﴾ وَأَنزَلْنَا مِنَ السَّمَاء مَاء بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَّاهُ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّا عَلَى ذَهَابٍ بِهِ لَقَادِرُونَ ﴿18﴾ فَأَنشَأْنَا لَكُم بِهِ جَنَّاتٍ مِّن نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ لَّكُمْ فِيهَا فَوَاكِهُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿19﴾ وَشَجَرَةً تَخْرُجُ مِن طُورِ سَيْنَاء تَنبُتُ بِالدُّهْنِ وَصِبْغٍ لِّلْآكِلِينَ ﴿20﴾ وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً نُّسقِيكُم مِّمَّا فِي بُطُونِهَا وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿21﴾ وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ ﴿22﴾**

**البته مومنان رستگار خواهندشد (1) همان کسانی که در نمازهایشان فروتن اند (2) و همانها که از چيزهاي بيهوده روی برميگردانند (3) و همانها که پرداخت کننده زکاتند (4) و همانها که راجع به آميزش جنسي عفیفند (5) مگر با همسرانشان يا مملوکانشان که درخور سرزنشي نیستند (6) و اگر کسي بيش از اين بخواهد تجاوز کار است (7) و همانها که عهد و امانت را رعايت مي کنند (8) و همانها که مواظب نمازهاي خويش ميباشند (9) آنها همان وارثانند (10) که فردوس را ارث ميبرند و در آن جاودانند (11) والبته همه انسان ها را از خلاصه اي از گِل آفريده ايم (12) سپس او را در جايگاهي نگهدارنده ، نطفه اي نموديم (13) سپس آن نطفه را علقه و آن علقه را مضغه و آن مضغه را استخواني نموديم و بر آن استخوان نيز گوشتي پوشانديم . آنگاه آن را به حالت آفرينش نهايي ساختيم ، پس توجه داشته باشید که برای شما بسیار پر منفعت است خداوند که بهترين آفرينشگر است (14) آنگاه شماها پس از آن خواهيد مُرد (15) آنگاه شماها روز قيامت حتمأ برانگيخته خواهيد گردید (16) و البته بالا سرتان هفت راه آفريديم و هرگز از آفريدگان غافل نبوده ايم (17) و از آسمان آبي به اندازه فرستاديم و آن را در زمين جاي داديم و البته برای ازبين بردن آن توانائيم (18) و بوسيله آن براي شما باغهايي از خرماها و انگورها درست کرديم که در آن ميوه هاي زياد دارید و از آنها مي­خوريد (19) و نیز درختي که از طور سيناء مي­رويد که براي خورندگان روغن و خورش دارد (20) و البته در خصوص چارپايان نيز برايتان عبرتي است ، از آنچه در شکمهايشان است به شما مي­نوشانيم و در آنها منافع زيادي داريد و از گوشت آنها ميخوريد (21) و بر آنها و بر کشتي سوار مي­شويد (22)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

تاکنون ، در پنج جلد قبلی این تفسیر ، در ابتدای پاراگراف اول هر سوره ، ذیل تیتر فوق ، لااقل دو جدول اول و آخر طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یا همان «درس» سوره) را می آوردیم ، اینک که خواننده محترم به اندازه کافی آنها را دیده و دانسته که طرز استخراج چگونه است ، به علت علاقه به رعایت اختصار ، دیگر جدول های مذکور را که دائما طولانی تر میشود ، ذکر نمیکنیم ، و اگر کسی بخواهد، میتواند همه آنها را در کتاب ما بنام «راهنمای تحلیلی» ببیند.

**درس: پيامبران با مردمي مواجه بودند که از خداوند وآيات و الطافش غفلت داشتند و آخرت و پيامبران را تکذيب ميکردند و در نتيجه در دو جهان زيانکار گشتند.**

برآیند «درس» مذکور و متن این پاراگراف دو سطر ذیل خواهد بود، که آن را «درب» نامیده ایم و «عصاره محتوا»ی این پاراگراف است.

**درب: ارائه اعمال مطلوبي که بهتر است مومنان داشته باشند تا در دو جهان رستگار گردند ، و نیز اینکه از الطاف و نعمت های الهی غفلت نورزند .**

**2 - سوالات**

1 – زکات در آیه 4 به معنی لغوی آمده یا اصطلاحی؟

2 – در آیه 1 چرا از زمان ماضی استفاده شده؟

3– با توجه به روال سخن در این پاراگراف مراحل تکوین جنینی را یاد داشت نموده و آنگاه با توجه به بدیهیات پزشکی ، کلماتی مانند نطفه و علقه و مضغه و غیره را معنی کنید .

4 - کلمه «طین» به معنی لغوی آمده یا اصطلاحی؟

5 – آیا این مطالب که به بخش «مادی» مکانیزم آفرینش تک تک افراد بشر اشاره دارد ، ربطی به داستان حضرت آدم دارد؟

6 – چرا مراحل خرد و کلان (علقه و مضغه و .... و موت و بعث) را با هم ذکر فرموده؟

7 - «طرائق» (آیه 17) جمعِ چیست؟ (طریق؟ طریقه؟ یا. . . ؟)

8 – منظور از «عن الخلق» چیست؟ («خلقنا» ؟ «کم» ؟ یا . . ؟)

9 – چرا مفسران «سبع» را به «زیاد» تعبیر کرده اند؟

10 - منظور از «الخلق» در همان آیه چیست؟ (مخلوقات؟ آن آفرینش خاص که در کلمه «خلقنا»ی ابتدای آیه آمده؟

**3 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

در بازه زمانی از نزول سوره معارج تا مقارن نزول این سوره ، چنانکه از آیات 1 تا 11 بر می آید ، کیفیت های ایمانی مومنان ارتقاء قابل ملاحظه داشته، که از مقایسه چک لیست موجود در آیات مذکور و چک لیست موجود در سوره معارج به وضوح مشهود است .

از آیه 20 معلوم میشود مردم مقارن نزول این سوره از کالاهای مورد استفاده در شامات استفاده میکرده اند .

از آیه 22 فهمیده میشود مردم عرب این دوره با مسافرت های دریایی آشنا بوده اند.

**4 – زاویه با تفاسیر رایج**

**1** :(المیزان) : در اين سوره بر ايمان به خدا و روز قيامت دعوت شده و فرقهايى كه ميان مؤمنين و كفار هست شمرده شده است

درس : پیامبران با مردمی مواجه بودند که از خداوند و آیات و الطافش غفلت داشتند و آخرت و پیامبران را تکذیب میکردند و در نتیجه در دو جهان زیانکار شدند .

2 – بحثی که ذیلا تحت عنوان «مراحل مختلف» در آفرینش انسان ، در بخش شرح مختصر کرده ایم با تفاسیر رایج زاویه دارد، ولی گرچه در اینجا نیاورده ایم، اما توصیه مطالعه آن را از این باب نیز داریم .

**5 - پیشگوئی های تحقق یافته**

اطلات عمومیِ تاریخی به ما میگوید که تمدن های قدیم از قبیل یونان و مصر و ایران باستان و غیره ، و نیز قرون وسطا ، نوعی کالبد شکافی داشته اند .

اما این جزئیات دقیقی که در این پاراگراف ذکر شده ، خیلی بالاتر از حد اکثر توان علمی و پژوهشی تمام آن دوره ها بوده ، و تنها دویست سال اخیر در حد لیاقت فهم جزئیات ذکر شده در این پاراگراف است ، و این هم برگ زرین دیگری است که باید به کتاب پربرگ اعجاز علمی قرآنی افزوده شود .

**6 – کلیدهای تفسیری**

**پرانتزها :** آیه 6 فرع بر آیه 5 است و آیه 7 فرع بر آن است یعنی آیه 6 فرعی و آیه 7 فرعی در فرعی و بقیه آیات اصلی است .

1 - جمله فتبارک الله احسن الخالقین فرع بر آیات قبل از خویش است .

آیه های 6 و 7 فرع است بر ماقبل خویش .

**مطلب، تفسیر، اشاره :** در آیه 1 یک مورد بارز تیتر فوق را می­بینید ، آنجا که می­فرماید «قد افلح ...» (حتماً رستگار شد ...)

به عبارت دیگر آیات 2 تا 9 این پاراگراف دارد جمله «قد افلح من زکیها»ی سوره شمس را تفسیر می­کند .

مثل این است که کسی درسوره شمس بپرسد «رشد دهد .....» یعنی چه؟ و جواب بشنود: یعنی به مدول آیات 2 تا 9 سوره مؤمنون عمل می­کند .

**ریزکردن پاراگراف تا حدممکن:**

**1**

**﴿ بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾**

**قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ﴿1﴾ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ ﴿2﴾ وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ ﴿3﴾ وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ ﴿4﴾ وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ ﴿5﴾ إِلَّا عَلَى أَزْوَاجِهِمْ أوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ ﴿6﴾ فَمَنِ ابْتَغَى وَرَاء ذَلِكَ فَأُوْلَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ ﴿7﴾ وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ ﴿8﴾ وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ ﴿9﴾ أُوْلَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ ﴿10﴾ الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿11﴾**

**درس: پيامبران با مردمي مواجه بودند که از خداوند وآيات و الطافش غفلت داشتند و آخرت و پيامبران را تکذيب ميکردند و در نتيجه در دو جهان زيانکار گشتند.**

**درب: ارائه اعمال مطلوبي که بهتر است مومنان داشته باشند تا در دو جهان رستگار گردند ، و نیز اینکه از الطاف و نعمت های الهی غفلت نورزند .**

**2**

**وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ مِن سُلَالَةٍ مِّن طِينٍ ﴿12﴾ ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ ﴿13﴾ ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ ﴿14﴾**

**درس: پيامبران با مردمي مواجه بودند که از خداوند وآيات و الطافش غفلت داشتند و آخرت و پيامبران را تکذيب ميکردند و در نتيجه در دو جهان زيانکار گشتند.**

**درب: ذکر نمونه ای از آیات الهی در زمینه خلق انسان ها.**

**3**

**ثُمَّ إِنَّكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ لَمَيِّتُونَ ﴿15﴾ ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُبْعَثُونَ ﴿16﴾**

**درس: پيامبران با مردمي مواجه بودند که از خداوند وآيات و الطافش غفلت داشتند و آخرت و پيامبران را تکذيب ميکردند و در نتيجه در دو جهان زيانکار گشتند.**

**درب: ذکر نمونه ای از آیات الهی در زمینه ای کلی تر.**

**4**

**وَلَقَدْ خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَائِقَ وَمَا كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ غَافِلِينَ ﴿17﴾ وَأَنزَلْنَا مِنَ السَّمَاء مَاء بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَّاهُ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّا عَلَى ذَهَابٍ بِهِ لَقَادِرُونَ ﴿18﴾ فَأَنشَأْنَا لَكُم بِهِ جَنَّاتٍ مِّن نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ لَّكُمْ فِيهَا فَوَاكِهُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿19﴾ وَشَجَرَةً تَخْرُجُ مِن طُورِ سَيْنَاء تَنبُتُ بِالدُّهْنِ وَصِبْغٍ لِّلْآكِلِينَ ﴿20﴾ وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً نُّسقِيكُم مِّمَّا فِي بُطُونِهَا وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿21﴾ وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ ﴿22﴾**

**درس: پيامبران با مردمي مواجه بودند که از خداوند وآيات و الطافش غفلت داشتند و آخرت و پيامبران را تکذيب ميکردند و در نتيجه در دو جهان زيانکار گشتند.**

**درب: ذکر نمونه ای از آیات الهی در زمینه عمومیِ حاکم بر زندگیِ فعلی.**

**7 - آیات برجسته این پاراگراف**

آیات 1 تا 11 از لحاظ کثرت تکرارشان در کاشیکاری های مساجد و زیارتگاه ها قطعا داخل عنوان فوق میشوند، اما به نظر این قلم، از لحاظ محتوا نیز نقش قویِ «چک لیست»ی مجموعه آیات مذکور، از آنجا که بار سازندگی بالائی دارند، به آنها برجستگی خاصی میدهند.

همچنین است موقعیت جمله انتهائیِ آیه 14 که از بس در محاورات مردم تکرار میشود برجستگی خاصی یافته است.

**8 - آیات مشکل**

آیه 17 از این لحاظ که در باره «سبع طرائق» بین مفسران اختلافات زیادی وجود دارد ذیل تیتر فوق قرار میگیرد، البته ما هم با توجه به درس و درب عرض خویش را ذیلا تقدیم نموده ایم.

**9 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

موضوع «سبع طرائق» از آنجا که هنوز در باره اش سخن فصل الخطاب مرضیّ عموم یافت نشده، فوق ذهنیات مخاطب امروز است، و به طریق اولی فوق ذهنیات مخاطبان اولیه نیز هست.

موضوع ثابت بودن تقریبیِ مقدار نزولات آسمانی (ماء بقدر) چیزی نیست که تا قبل از قرن 18 میلادی مکشوف بشر بوده باشد، و لذا این نیز بطور قطع فوق ذهنیات آنان بوده است.

**10 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

در باره آیات این پاراگراف ، حتی امروز نیز ، با توجه به معانی والای آن ، حتی برخی مفسران هم ، درک مقبولی از آن ندارند ، چه رسد به مخاطبان اولیه! در عین حالیکه کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در این هزار و چند صد سال ، تغییر معنای قابل توجهی نیافته اند!

**11 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

چک لیست اعمال مطلوبي که بهتر است مومنان داشته باشند تا در دو جهان رستگار گردند ، و اینکه از الطاف و نعمت های الهی غفلت نورزند .

**12 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

غیر از آیات 6 و 7 و 8 و 15 و 16 بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است.

**شرح مختصر**

**«لغو» یک مفهوم نسبی است**

در آیه 3 «لغو» یک مفهوم نِسبی است و بستگی به تشخیص هر کسی دارد.

در حالیکه تعریف آن (= چیزی که فایده دنیائی و آخرتی نداشته باشد، حتی اگر از مشعول شدن به آن خوشمان بیاید) واضح است اما تشخیص مصادیق آن (با رعایت صداقت شخص نسبت به خویش) ممکن است از هر کس تا دیگری فرق کند.

مثلاً از نظر کسی حل کردن جدول لغو است و از نظر دیگری ورزش فکری و یافتن آموزش عمومی و مبارزه با بیماری آلزایمر است و لذا نه تنها لغو نیست بلکه لازم و ضروری هم هست.

**«ارث بردن» فردوس**

چرا در آیه 11 فرموده آنها فردوس را «به ارث» می­برند؟

اگر توجه نموده باشید در مورد ارث، چیزی به کسی می­رسد که برای آن زحمت چندانی نکشیده است.

در این نوع بیان، این نکته هم هست که مقام «فردوس» یک مقام بالائی است و حق بدست آوردن آن، این است که شخص برای آن خیلی زحمت بکشد، اما خداوند به کسانی که تا این حد – که در آیات فوق اشاره شده - مقید به افکار و اعمال دینی باشند ( که کار چندان سختی هم نیست) آن مقام را «به راحتی» به آنها می­دهد.

**«چک لیست» ، اما در سطح بالاتر**

در این پاراگراف، به چند مشخصه رفتاریِ مؤمنان اشاره نموده و آنها را برنده نهائی و خوشبخت واقعی، و ساکن جاودانی فردوس قلمداد کرده اما اشاره­ای به افکار و عقاید آنها ننموده، در حالیکه در کل سوره، در مواضع عدیده­ای، ضمن برشمردن رفتارهای غلط و باطل کافران، به عقاید باطل و غلط آنها نیز به تفصیل پرداخته و آنها را بطور مستدل رد نموده است.

علت اینکه در این پاراگراف، راجع به مؤمنان، به عقاید صحیح آنها نپرداخته، شاید این باشد که این رفتارهای ذکر شده فقط از صاحب عقیده و فکر صحیح بر می­آید و نیاز به ذکر آن نیست.

صفات و اعمالی که در این پاراگراف، آنها را ذکر نموده، بطور خلاصه چنین است:

1- اهمیت دادن به نماز،

2- پرداختن به زکات،

3- رعایت عهد و امانت،

4- دوری از لغو.

شبیه به همین آیات (آیات از 2 تا 9) قبلاً در سوره معارج نیز آمده بود، منتها آن آیات تفاوتهائی با این آیات داشت.

در سوره معارج بجای آیه 4 این سوره، داشت «و آنهائی که در اموالشان حق معینی برای سائل و محروم هست»، اما در این سوره صراحتاً راجع به «زکات» تصریح نموده، و طبیعی است، زیرا این سوره بعد از سوره معارج نازل شده و این حکم در آنجا حالت داوطلبانه داشت و در اینجا الزامی است.

دیگر اینکه در سوره معارج، صفتی که برای نماز مسلمانها ذکر شده بود، «دوام» آن بود یعنی اینطور نباشد گاهی نماز بخوانند گاهی نخوانند بلکه نمازشان باید مرتب و همیشگی باشد.

در فاصله زمانیِ ازنزول آن سوره تا این سوره؛ ظاهراً موضوعِ نماز خواندن و دائمی بودن آن در بین مسلمانان جا افتاده و عادت شده بود و لذا در اینجا به کیفیت آن می­پردازد که نمازشان را با «خشوع» بخوانند.

بعبارت دیگر، در اثر گذشت زمان و رشد شخصیتی مسلمانان، از آن تاریخ (نزول سوره معارج) تاکنون (نزول سوره مؤمنون) کمّیت نماز جا افتاده و اینک برای بهبود کیفیت آن توصیه می­شود.

نکته دیگر اینکه در سوره معارج، به واجدین آن شرایط، وعده «مورد احترام بودن در بهشت­ها» را می­دهد اما در اینجا سطح وعده بالاتر است. در اینجا وعده بدست آوردنِ آسان «فردوس» و جاودانگی در آن را می­دهد.

البته این خودش شامل سه وعده است: 1- رسیدن به «فردوس»، 2- براحتی بدست آوردن آن، 3- جاودانگی در آن.

از آنجا که «فردوس» درجه خاصی است از بهشت، و بالاتر از مطلق «بهشت­هائی» است، نتیجه می­شود که سطح شخصیتی و روحی عده­ای از مسلمانان در فاصلۀ زمانیِ نزول این دو سوره، تفاوت قابل توجهی در جهت اعتلاء نموده است.

**«مراحل مختلف» در آفرینش انسان**

ممکن است آفرینش انسان از «خلاصه­ای از گِل» مربوط به همان دوره­ای باشد که در ابتدای سوره دهر دیدیم (لم یکن شیئا مذکوراً)

به این معنی که در آن دوره چیزی داشته شکل می­گرفته ، نوعی مواد رسوبی داشته بوجود می­آمده ، که اولین سلول­های زنده از آنها بوجود آمده که عبارت «سلاله من طین = خلاصه­ای از گِل» اشاره به آن دوره داشته باشد که آن ماده اصل و اساس هر نوع حیات ، اعم از دریایی و سپس دوزیستی و آنگاه جانداران زمینی بوده است .

بنابراین اگر بگوییم انسان بدست خداوند آفریده شده صحیح است ، و اگر هم بگوییم از خاک آفریده شده با توجه به معنی فوق باز هم صحیح است ، و اگر هم بگوییم از علق آفریده شده ، باز هم صحیح است ، و اگر هم بگوییم از پدر و مادرش آفریده شده ، باز هم صحیح است .

در باره آیات این پاراگراف ، حتی امروز نیز ، با توجه به معانی والای آن ، حتی برخی مفسران هم ، درک مقبولی از آن ندارند ، چه رسد به مخاطبان اولیه! در عین حالیکه کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در این هزار و چند صد سال ، تغییر معنای قابل توجهی نیافته اند !

**آفرینش آدم از خاک یعنی چه؟**

«ال» در ابتدای «الانسان» ازچه نوع است ؟

بطور قطع الف لام مذکور از نوع الف لام جنس است ، یعنی همه انسانها . زیرا اگر آن را از نوع الف لام عهد یا الف لام تعریف بگیریم با بقیه آیه سازگاری ندارد . زیرا اگر سازگاری داشت می باید قرینه ای در آیه یا آیات بعد می بود که بر آن دلالت کند و نیست .

لذا می توانیم این نتیجه را بگیریم که «همه انسان ها» (و طبعا آدم هم که یکی از انسان ها است) از نطفه و علقه و مضغه و .... بوجود آمده است .

البته اینکه همه انسانها از عصاره ای از خاک آفریده شده اند به این معنی است که قبل از نطفه بصورت مواد غذائی که از خاک بوجود می آیند در بدن انسان به صورت سلول های تشکیل دهنده اسپرم و اوول در دستگاه های تناسلی مرد و زن وجود دارند .

بنا بر این آفرینش آدم از خاک مانند آفرینش همه ما انسان ها از خاک است که از طریق مواد غذائیِ حاصل از خاک صورت میگیرد .

البته باید توجه داشت که مواد غذائی حیوانی از قبیل گوشت و شیر و مشتقات آن نیز منشاء خاکی دارد .

بنا براین «از خاک آفریده شدن آدم» ، هم ، همانطور است که من و شما از خاک آفریده شده ایم ، و همانطور است که همه میلیارها انسان از خاک آفریده شده اند و میشوند و خواهند شد .

**فرق «علقه» در اینجا و «علق» در سوره علق**

آنچه در سوره علق گفته ایم اشاره به اسپرم دارد و آنچه در اینجا مطرح است به ترکیب اسپرم و اوول که از طریق رگ خونی (که لوله تغذیه موجود جدید است) به جدار رحم آویزان است مربوط میشود والبته هردو آویزان اند ، اولی به اوول و دومی به رحم .

این هم یک نمونه از هزاران مورد کمکی است که رعایت ترتیب نزول به فهم قرآن میکند !

**هفت راه در بالای سرتان**

اکثر قریب به اتفاق مفسران و مترجمان «سبع طرائق» مذکور در آیه 17 را به «آسمان­­های هفتگانه» تعبیر کرده اند .

البته ما برای فهم آن به درس و درب دسترسی داریم و طبق آن میدانیم که این پاراگراف دارد گوشه ای از نعمت های الهی را به یاد بشر می آورد .

البته باید توجه داشته باشیم که «طرائقِ» ذکر شده جمع «طریقه» است و ترجمه مناسب آن «روش ها» و «منش ها» است و ضمناً با توجه به اینکه خود عدد «هفت» نیز در ادبیات قرآنی نمادِ «زیاد» است ترجمه کلمه «طرائق» «روش های زیاد» و یا «روش های دارای تنوع زیاد» میباشد .

چه نعمتهایی را در قرآن می شناسیم که «از راه های بالا ی ما» بسویمان می آید؟

چیزهایی که در جواب سوال فوق فورا به ذهن می آید اینها است : 1 – باران ، 2 – وحی ، 3 – وقوع قیامت ، 4 – ملائکه ، 5 – روح ، 6 – تقدیرات ، 7 - ؟

البته اینهائی که در سطر فوق بر شمردیم برخی «در طول» و برخی «در عرض» یکدیگرند و علم ما فعلا در آن حدودی نیست که بتوانیم دقیقا تعیین کنیم که چه با چه رابطه طولی یا عرضی دارد و یا اینکه اساسا نازل شونده هایِ از آن «طرائق» منحصر به همانها که برشمردیم است یا نه (گرچه اجمالا عرض میکنیم که به نظر نمی آید منحصر به آنها باشد) اما ، هرچه باشد ، خودِ بکار بردن کلمه «طریقة» در آیه مذکور نشان میدهد که «راه» مورد نظر از قبیل «سبیل» و «صراط» نیست، بلکه یکنوع «راه هوشمند» است .

در آیات 18 تا 22 فقط به یکی از آن نعمت ها و مشتقات آن ، که از آن راه ها به ما میرسد ، یعنی باران ، اشاره های کوتاهی فرموده ، ولی راجع به نعمت های دیگر به عهده خودمان گذاشته که در آنها بیندیشیم .

**«به اندازه» بودن نزولات آسمانی**

امروزه جزء بدیهیات علمی ما است که بارانِ سالانه مقدار ثابتی است ، گر چه این امر خیلی دور از دسترس علم و فهم مردم آن روزها بوده و این خودش یکی از عناصر **معجره علمی** است.

ضمناً با توجه به جمله «فاسکناه فی­الارض» (و آن را در زمین جای دادیم) به منابع روی زمینی (دریاها و دریاچه ها) و نیز منابع زیرزمینی آب اشاره فرموده است .

**زیتون**

آیه 20 اشاره به زیتون دارد که آن روزها بر خلاف امروز در همه جا کشت نمی­شده و یک نوع «کالای مدیترانه­ای» بوده و عبارت «طور سینا» به قسمت فلسطینی آن اشاره دارد .

**«منافع» از چارپایان**

«منافع»ی که از چارپایان داریم که در آیه 21 به آن اشاره شده ، غیر از شیر که در آیه تقریبا تصریح شده ، چه بسا مو و پشم و کرک باشد ، «و از آنها می­خورید» یعنی از گوشت آنها می­خورید ، و در سوره یس نیز مطالبی در خصوص آنها گذشت . اما ، دائما به دامنه استفاده از حیوانات اضافه میشود ، مثلا تهیه پودر استخوان، تهیه فراورده های خونی، وغیره ، و معلوم نیست در آینده چه قلمرو های جدیدی در این قسمت باز خواهد شد .

**جمع بندی و تفسیر**

**البته مومنان رستگار شدند (1) همانها که در نمازشان فروتن اند (2) و همانها که از چيزهاي بيهوده روبر ميگردانند (3) و همانها که انجام دهنده زکاة اند (4) و همانها که راجع به آميزش جنسي خويشتندارند (5)** {مگر در خصوص همسرانشان يا مملوکانشان که درخور سرزنشي نیستند (6) و اگر کسي بيش از اين بخواهد تجاوز کار است} (7) **و همانها که عهد و امانت را رعايت مي کنند (8) و همانها که مواظب نمازهاي خويش ميباشند (9) آنها همان وارثانند (10) که فردوس را ارث ميبرند و در آن جاودانند (11)** **والبته** (همه) **انسان** (ها) **را از خلاصه اي از گِل آفريديم (12) سپس او را در جايگاهي نگهدارنده ، نطفه اي نموديم (13) سپس آن نطفه را علقه اي و آن علقه را مضغه اي و آن مضغه را استخواني نموديم و بر آن استخوان نيز گوشتي پوشانديم . آنگاه آن را به حالت آفرينش نهايي ساختيم** {پس [ توجه داشته باشید که] بسیار پر منفعت است (نسبت به شما) خداوند که بهترين آفرينشگر است }(14)  **آنگاه شماها پس از آن خواهيد مرد (15) آنگاه شماها روز قيامت حتمأ برانگيخته خواهيد گردید (16)** **و البته بالا سرتان هفت راه آفريديم** {و هرگز از آفريدگان غافل نبوده ايم }(17) **و از آسمان آبي به اندازه فرستاديم و آن را در زمين جاي داديم** {و البته به از بين بردن آن توانائيم }(18)  **و بوسيله آن براي شما باغهايي از خرماها و انگورها درست کرديم که در آن ميوه هاي زيادي دارید و از آنها مي­خوريد (19) و** (نیز ازمحصولات آن آب است) **درختي که از طور سيناء مي­رويد که براي خورندگان روغن و خورش دارد (20) و البته در خصوص چارپايان نيز** (که از همان آب آفریدهایم) **برايتان عبرتي است ، از آنچه در شکمهايشان است به شما مي­نوشانيم و در آنها منافع زيادي داريد و از** (گوشت) **آنها ميخوريد (21) و بر آنها و بر کشتي سوار مي­شويد (22)**

**مومنون2 آیات23تا54**

**وَ َلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿23﴾ فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن قَوْمِهِ مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُرِيدُ أَن يَتَفَضَّلَ عَلَيْكُمْ وَلَوْ شَاء اللَّهُ لَأَنزَلَ مَلَائِكَةً مَّا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ ﴿24﴾ إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ بِهِ جِنَّةٌ فَتَرَبَّصُوا بِهِ حَتَّى حِينٍ ﴿25﴾ قَالَ رَبِّ انصُرْنِي بِمَا كَذَّبُونِ ﴿26﴾ فَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ أَنِ اصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا فَإِذَا جَاء أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ فَاسْلُكْ فِيهَا مِن كُلٍّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَن سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ مِنْهُمْ وَلَا تُخَاطِبْنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُم مُّغْرَقُونَ ﴿27﴾ فَإِذَا اسْتَوَيْتَ أَنتَ وَمَن مَّعَكَ عَلَى الْفُلْكِ فَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي نَجَّانَا مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿28﴾ وَقُل رَّبِّ أَنزِلْنِي مُنزَلًا مُّبَارَكًا وَأَنتَ خَيْرُ الْمُنزِلِينَ ﴿29﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ وَإِن كُنَّا لَمُبْتَلِينَ ﴿30﴾ ثُمَّ أَنشَأْنَا مِن بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ ﴿31﴾ فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿32﴾ وَقَالَ الْمَلَأُ مِن قَوْمِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِلِقَاء الْآخِرَةِ وَأَتْرَفْنَاهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُونَ ﴿33﴾ وَلَئِنْ أَطَعْتُم بَشَرًا مِثْلَكُمْ إِنَّكُمْ إِذًا لَّخَاسِرُونَ ﴿34﴾ أَيَعِدُكُمْ أَنَّكُمْ إِذَا مِتُّمْ وَكُنتُمْ تُرَابًا وَعِظَامًا أَنَّكُم مُّخْرَجُونَ ﴿35﴾ هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ لِمَا تُوعَدُونَ ﴿36﴾ إِنْ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ ﴿37﴾ إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا وَمَا نَحْنُ لَهُ بِمُؤْمِنِينَ ﴿38﴾ قَالَ رَبِّ انصُرْنِي بِمَا كَذَّبُونِ ﴿39﴾ قَالَ عَمَّا قَلِيلٍ لَيُصْبِحُنَّ نَادِمِينَ ﴿40﴾ فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ بِالْحَقِّ فَجَعَلْنَاهُمْ غُثَاء فَبُعْدًا لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿41﴾ ثُمَّ أَنشَأْنَا مِن بَعْدِهِمْ قُرُونًا آخَرِينَ ﴿42﴾ مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ ﴿43﴾ ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرَا كُلَّ مَا جَاء أُمَّةً رَّسُولُهَا كَذَّبُوهُ فَأَتْبَعْنَا بَعْضَهُم بَعْضًا وَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ فَبُعْدًا لِّقَوْمٍ لَّا يُؤْمِنُونَ ﴿44﴾ ثُمَّ أَرْسَلْنَا مُوسَى وَأَخَاهُ هَارُونَ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُّبِينٍ ﴿45﴾ إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا عَالِينَ ﴿46﴾ فَقَالُوا أَنُؤْمِنُ لِبَشَرَيْنِ مِثْلِنَا وَقَوْمُهُمَا لَنَا عَابِدُونَ ﴿47﴾ فَكَذَّبُوهُمَا فَكَانُوا مِنَ الْمُهْلَكِينَ ﴿48﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ ﴿49﴾ وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ آيَةً وَآوَيْنَاهُمَا إِلَى رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَمَعِينٍ ﴿50﴾ يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ﴿51﴾ وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ ﴿52﴾ فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُم بَيْنَهُمْ زُبُرًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ ﴿53﴾ فَذَرْهُمْ فِي غَمْرَتِهِمْ حَتَّى حِينٍ ﴿54﴾**

**و نوح را بسوي قومش فرستاديم و گفت اي قوم خدا را عبادت کنيد که هيچ معبودي غير از او نداريد. آيا پروا نمي کنيد؟ (23) بزرگان کافران قومش گفتند اين جز بشري مثل شما نيست که ميخواهد بر شما برتري يابد و اگر خدا ميخواست حتمأ فرشتگاني ميفرستاد. راجع به اين از نياکان خويش چيزي نشنيده ايم (24) جز اين نيست که به جنون مبتلا شده لذا تا مدتي با او سر کنيد (25) نوح گفت پروردگارا راجع به اينکه تکذيبم کردند ياريم فرما (26) پس به او وحي کرديم که زير نظرمان و بر اساس وحيمان آن کشتي را بساز . و وقتي که امر ما آمد و آن تنور فوران کرد ، اهل خود واز هر نوعي از حيوانات دو جفت به داخل آن ببر ، غير از آنانکه آن قولِ فرود آمدن عذاب بر تکذیبگران بر آنان رفته، که آنان را با خود به داخل آن کشتی مبر و درباره ظالمان مرا به دعا مخوان زیرا که آنها حتمأ غرق خواهند شد (27) پس هنگامي که خودت و همراهانت در کشتي مستقر شديد بگو سپاس خداوندي را سزاست که ما را از قوم ظالمان نجات داد (28) و بگو پروردگارا ما را به منزل پربرکتي فرود آر که تو بهترين فرود آورنده اي (29) ای پیامبر! در اين داستان نوح ، البته ، نشانه های بزرگی هست و البته این ما نبودیم که مورد ابتلاء واقع شدیم! (30) سپس ، پس از قوم نوح ، قومي ديگر بوجود آورديم (31) و رسولي از خودشان به ميانشان فرستاديم که می گفت خداوند را عبادت کنيد که خدائي غير از او نداريد آيا پروا نميکنيد؟ (32) و بزرگاني از قوم آنان که کافر بودند و ديدار آخرت را تکذيب مينمودند و در زندگي اين جهان نيز به آنان رفاه داده بوديم ميگفتند اين شخص جز بشري مانند خودتان نيست . همان چيزي را ميخورد که شما ميخوريد و همان چيز ي را مينوشد که شما مينوشيد (33) و اگر شما اطاعت بشري مثل خودتان را کنيد در آن صورت حتما زيانکار خواهيد بود (34) آيا وعده تان ميدهد که وقتي مرديد و خاک و استخوان شديد دوباره براي زندگي مجدد بيرون خواهيد آمد؟ (35) چيزي که وعده تان ميدهد چه بسيار بعید است (36) زندگي فقط همين زندگي دنياست که زندگي ميکنيم و ميميريم و برانگيخته نخواهيم شد (37) اين مرد کسي نيست جز اينکه بر خداوند دروغ مي بندد و ما باورش نداريم (38) آن رسول میگفت پروردگارا در مورد تکذيبي که ميکنند ياريم کن (39) خداوند در جواب میگفت به همين زوديها به سختي پشيمان خواهند گرديد (40) پس آن صداي مهيبِ ناگهاني به حق بگرفتشان و آنگاه آنها را مانند خاشاک نموديم . و رحمت الهی را از آن قوم ظالمان دور نمودیم (41) سپس بعد از آنها اقوامي ديگر بوجود آورديم (42) هيچ قومي از سرآمد خويش نه جلو مي افتد و نه از آن عقب ميماند (43) آنگاه رسولانمان را يکي پس از ديگري فرستاديم . هرقومي که رسولشان بسويشان آمد تکذيبش کردند و ما نيز آنها را نابود کرده و پي اقوام قبلي فرستاديم و تبديل به داستانهاي گذشتگان گرديدند . و رحمت الهی را از آن قوم ظالمان دور نمودیم (44) سپس موسي و برادرش هارون را با آياتمان و دليلي آشکار فرستاديم (45) بسوي فرعون وسركردگانش. و آنها گردنفرازي ميكردند و خود را قومي بلند مرتبه قلمداد نمودند (46) و گفتند آيا ما به دو نفر بشر مانند خودمان ايمان بياوريم؟ آنهم در صورتيکه قوم آنها ما را بندگي ميکنند؟ (47) پس تکذيبشان کردند و از هلاک شدگان گرديدند (48) و ما البته آن کتاب را به موسي داديم شايد هدايت شوند (49) و پسر مريم و مادرش را نشانه اي قرار داديم و آنها را در سرزميني بلند که هموار وداراي چشمه سارهائی بود جاي داديم (50) اي رسولان! از چيزهاي پاکيزه بخوريد و عمل شايسته کنيد که من به آنچه ميکنيد دانايم (51) و اين مردم نيز که همه يکجورند و اعتقاد واحد دارند امت شما هستند، و من نيز پروردگارتان هستم ، پس ، از من پروا کنيد (52) ای پیامبر! بدان که آنها امر خويش را بين خود قطعه قطعه کردند ، و هر گروهي به آنچه نزد خودشان بود دل خوش نمودند (53) لذا آنها را تا مدتي در گرفتاري شان واگذار (54)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: پيامبران با مردمي مواجه بودند که از خداوند وآيات و الطافش غفلت داشتند و آخرت و پيامبران را تکذيب ميکردند و در نتيجه در دو جهان زيانکار گشتند.**

**درب: قوم نوح و اقوام پس از نوح پيامبرشان و آخرت را تکذيب نمودند و نابود شدند. ای پیامبر ! دو پیامبر قبل از تو نیز همین مشکل را داشتند و بطور کلی ، گروندگانِ پیامبران ، پس از مدتی دچار همین مشکل می­شدند.**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 مؤمنان را مژده میدهد که وارث فردوس می­باشند و در آن جاودان خواهند بود . به عبارت دیگر خداوند دارد به آن دسته از مسلمانان که استعداد بیشتری برای صعود درنردبان فضیلت ومعنویت دارند ، «برنامه» ای برای خودسازی و«ورزش معنوی» میدهد و مراحل قبلی و بعدی آفرینش انسان­ها را به اشاره به یاد می آورد که ببینید درآفرینش شما چه ظرائف ودقایقی بکاررفته ! اینها را ازپروردگارتان دارید ، آیا سزاست به توصیه های همان پروردگار (که بـه نفعتان هم هست) بی اعتنائی کنید؟ و فرستاده اش راتکذیب نموده ، و نامهای ناصحیح بر او بگذارید ؟ و نیز برخی از نعمت­هایی که همه انسـان­ها مستمرا از آن استفاده می­کنند (بطوری که عادتشان شده) را یادآوری فرموده ، با این زمینه که ای انسان ها ! خداوند همان کسـی است که اینهمه آیات ونعمتها را از او دارید ، آیا آن رفتارها نسبت به فرستاده اش سزا است؟

در این پاراگراف می فرماید : ای کافران! درصورتی که میخواهید آن چیزهائی راکه باید به آنها توجه کنید مورد بی اعتنائی قراردهید ممکن است به عاقبتی دچارشوید که قوم نوح و اقوام برخی پیامبران دیگر دچارش شدند. و ضمنا به پیامبر میفرماید دنبال پیشرفت امور رسالتت بطور معجزه آسا نباش ، امت­های سابق هم راه تفرقه پیمودند ، لذا فعلا مخالفانت را به حال خویش واگذار .

**3 - سوالات**

1 – در آیه 30 ، «ان» چه ماهیتی دارد؟ (نافیه؟ یا ...؟)

2 – با توجه به آیه 27 ، وحی چه نقشی در تکامل حیات انسانی دارد؟ و با توجه به اینکه اینک درِ وحی بسته شده ، نقش مذکور هم تعطیل شده؟

3 – در همان آیه ، « کلّ» یعنی چه؟

4- در آیه 40 فاعل «قال» کیست؟

5- منظور از «قرن» (آیه42» چیست؟

6- در این پاراگراف یکی از قوانین حاکم بر جوامع بشری ذکر شده است ، آن را پیدا کنید .

7 - «فبعدا للقوم الظالمین» (آیه 41) یعنی چه ؟ (نوعی اظهار خشم به معنی رحمت ما از قوم ظالمان دور باد؟ یا...؟) «فبعدا لقوم لا یومنون» (آیه 44) چطور ؟

8 – آیه 44 چه موقعیتی دارد؟(جمع بندی؟ یا . . ؟)

9 – چرا در باره حضرت موسی به سلطان مبین و فرعون و مشکلات رسالتش با آنهمه جزئیات اشاره فرموده اما راجع به حضرت عیسی به وجود خود آن دو بزرگوار و اینکه خود وجود آنها «آیه» بوده متمرکز شده؟

10 – در آیه 50 چرا بجای «الی» نفرموده «فی»؟

11– ذکرِ رفاه اعطا شده به حضرت عیسی و مادرش در اینجا برای چیست؟ (دلداری؟ وعده تلویحیِ تغییر وضعیت پیامبر و پیروانش در آینده نزدیک؟ یا....؟)

12– چرا حضرت عیسی را به عنوان «پسر مریم» ذکر فرموده؟

13– ظرف زمانیِ موضوعِ ماوی دادن آن دو بزرگوار (آیه 50) چه زمانی است؟

14 - در آیه 50 ، چرا از آن محیط مطلوب ، فقط آن دو مشخصه (آرامش و گوارائی آب) را ذکر فرموده؟

15 - «عابدون» (آیه 47) یعنی چه ؟ (مطیعون؟ یا . . ؟)

16- «عالین» (آیه 46) از نظر چه کسانی؟

17 – در آیات 45 تا 50 ، موضوع شهروند درجه 1 و درجه 2 را در کجا می بینید؟

18 – مخاطبان آیه های 51 و 52 معلوم است ، ظرف زمانیِ خطاب مذکور چه زمانی است؟

19 – ظرف زمانیِ اتفاقِ موضوع آیه 53 چه وقت است؟

20 – منظور از «طیبات» چیست؟ آیا طیبات چیزهای معلومی است یا بسته به اقوام و زمان ها و فرهنگ های مختلف ، ممکن است فرق داشته داشته باشد؟ (جواب با ذکر دلیل)

**4 – زاویه با تفاسیر رایج**

**یک نمونه جالبِ خطای همه مفسران در اثر بی توجهی به ترتیب نزول**

کلمه «مبتلین» میتواند هم صیغه جمع برای اسم فاعل و هم برای اسم مفعول باشد،

تقریبا تمام مفسران و مترجمانِ مهم ، کلمه مبتلین را به وجه فاعلی گرفته اند که ذیلا ترجمه هایشان را نقل میکنیم :

« ...... و ما بندگان را به اینگونه حوادث آزمایش خواهیم کرد » و « ...... و به یقین ما آزماینده (بندگان)ایم » و « .... وما آزماینده بوده ایم » و « ....... و قطعا ما آزمایش کننده بودیم » و « and we are the one who put men to trial »

اما وجودِ «اِن» اگر آن را نافیه بدانیم – که وجه غالب آن هم همین است زیرا هیچ محلی برای شرطیه بودن آن ندارد ـ مانع است از اینکه مبتلین را صیغه جمع اسم فاعل بدانیم زیرا در آن صورت این معنی را خواهد داشت که خداوند از مبتلاکنندگان نیست ، در حالیکه هست ، زیرا فرموده اذ ابتلی ابراهیم . . . . و فرموده ان الله مبتلیکم بنهر . . . . (و موارد زیاد دیگر )

لذا موضوع را اینطور حل کردند که برای «اِن» یک معنی شاذّ و نادر پیدا کردند ( به مفهومی که در آیه 10 سوره قصص آمده ) و پرونده مطلب را بستند و ترجمه های فوق را بجا گذاشتند .

اما اشکالی که دارد این است که «لِ» تاکید روی کلمه «لمبتلین» چه میشود؟ زیرا مقام ، مقامِ تاکید نیست . خداوند برای اینکه بگوید من ابتلا دهنده هستم نیاز به «لِ» تاکید ندارد (چنانکه هم در دو مورد فوق – ابتلای ابراهیم و ابتلای به نهر – و هم در موارد بسیار زیاد دیگر - این مفهوم را بدون کوچکترین تاکیدی فرموده)

اما ، اگر به ترتیب نزول به قرآن نگاه کنیم می بینیم خداوند در باره اقوامی که از حدّ گذرانده و راجع به پیامبرانشان و پیروان آنها وارد فاز عملی و تعرض جدی شده اند (تا قبل از سوره مومنون) این سخنان را فرموده است :

در سوره شمس (که در اوایل نزول است) : فدمدم علیهم ربهم بذنبهم فسویها و لا یخاف عقبیها

در سوره دخان در قضیه فرعونیان : فما بکت علیهم السماء والارض و ما کانوا منظرین

در سوره زخرف : فلما آسفونا انتقمنا منهم فاغرقناهم اجمعین فجعلنا هم سلفا و مثلا للاخرین

در سوره سباء و پس از ذکر عاقبت آنها : ذلک جزیناهم بما کفروا و هل نجازی الا الکفور

چنانکه دیده میشود راجع به آنها این تعابیر بکار رفته :

راجع به نتیجه هلاکت جمعی آنها نگرانیی نداریم ،

هلاکت جمعی آنها برای آسمان و زمین اهمیتی ندارد ،

آنها بعد ازهلاکت به پیشینیان تبدیل و مایه مَثَل (یا عبرت) آیندگان شدند ،

آنها به چیزی که سزایشان بود رسیدند .

با توجه به آنچه تا کنون گفته شد ترجمه آیه ، در صورت مفعولی گرفتن آن کلمه ، اینطور میشود : البته در آن نشانه های مهمی هست و البته ما جزء مبتلا شدگان نبودیم .

وبه زبان ساده تریعنی : البته آن کسی که به گرفتاری افتاد ما نبودیم . (که هم مفهوم با این مصراع است : بر دامن کبریاش ننشیند گَرد)

اگر کسی قرآن را به ترتیب نزول بررسی کند این «خط» را به سهولت «میگیرد» و می شناسد و وقتی در سوره های متاخر جملاتی هم مفهوم با مفاهیم قبلی دید آنها را به درستی درک میکند و در معنی آنها دچار اشتباه نمیشود .

اما اگر ترتیب نزول را سر لوحه کار خود قرار ندهد اساسا این «خط» را «نمیگیرد» و ممکن است اشتباه کند که چنانکه دیدیم تقریبا تمام اشخاص قَدَر هم در این مورد مشخص به اشتباه افتادند (که منحصر به این مورد هم نیست و نظایر زیادی نیز دارد)

دلیلِ خطا بودن ترجمه و تفسیر فوق همان است که در بالا عرض شد یعنی ترجیحِ معنیِ فاعلیِ کلمه مبتلین به معنی مفعولیِ آن ، که سبب دو خطای دیگر هم شد ، و البته خودِ دلیل این ترجیح هم بی توجهی به رعایت ترتیب نزول است .

یک جمله سه کلمه ای ( ان کنا لمبتلین ) و سه خطا در ترجمه اش ؟! («لِ» تاکید غیر ضرور ، و «اِنِ» دارای کاربرد شاذّ ، و انتخاب صیغه فاعلی بجای مفعولی)

اما اگر مبتلین را مفعولی و اِن را هم نافیه میگرفتند به مفهومی می رسیدند که با آنهمه آیات قبل و بعد خویش که همه در مفهوم «بر دامن کبریاش ننشیند گرد» مشترکند هم مفهوم و ضمنا دلنشین و مقبول بود .

**چرا تقریبا همه مفسرین و مترجمینِ مهم ، دچار این خطا شدند؟**

سوال فوق فقط یک جواب دارد : در نظر نگرفتن **ترتیب نزول**

**5 - پیشگوئی های تحقق یافته**

ذکر داستان نوح در آیات 23 تا 30 نوعی نوید تلویحی خلاصی از مشکلات را متضمن است .

نیز ذکر فلسفه تاریخ در آیات 31 تا 44 همین پیشگوئیِ تلویحی را در بر دارد .

همچنین ذکر داستان موسی و عیسی (ع) در آیات 45 تا 52 .

پس آنها را تا مدتي در گرفتاري شان واگذار (54)

از این نوع بیان فهمیده می­شود که قرآن برای پیامبر اکرم(ص) پیروزی   
قریب­الوقوع پیشگوئی نموده است که چون وقایع تاریخی، صحت پیش­بینی مذکور را تایید نموده، این آیه نیز در عداد پیشگوئی­های تحقق یافته می­باشد.

**6 - کلید های تفسیری**

**اصلی-فرعی:**

1 – در ابتدای آیه 53 تغییر مخاطب رخ داده ،

2 – نیمه دوم همان آیه «پرانتزی» است.

3 – عبارت «امة واحده» در آیه 52 نیز پرانتزی است .

**ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:**

**1**

**وَ َلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿23﴾ فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن قَوْمِهِ مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُرِيدُ أَن يَتَفَضَّلَ عَلَيْكُمْ وَلَوْ شَاء اللَّهُ لَأَنزَلَ مَلَائِكَةً مَّا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ ﴿24﴾ إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ بِهِ جِنَّةٌ فَتَرَبَّصُوا بِهِ حَتَّى حِينٍ ﴿25﴾ قَالَ رَبِّ انصُرْنِي بِمَا كَذَّبُونِ ﴿26﴾ فَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ أَنِ اصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا فَإِذَا جَاء أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ فَاسْلُكْ فِيهَا مِن كُلٍّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَن سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ مِنْهُمْ وَلَا تُخَاطِبْنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُم مُّغْرَقُونَ ﴿27﴾ فَإِذَا اسْتَوَيْتَ أَنتَ وَمَن مَّعَكَ عَلَى الْفُلْكِ فَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي نَجَّانَا مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿28﴾ وَقُل رَّبِّ أَنزِلْنِي مُنزَلًا مُّبَارَكًا وَأَنتَ خَيْرُ الْمُنزِلِينَ ﴿29﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ وَإِن كُنَّا لَمُبْتَلِينَ ﴿30﴾**

**درس: پيامبران با مردمي مواجه بودند که از خداوند وآيات و الطافش غفلت داشتند و آخرت و پيامبران را تکذيب ميکردند و در نتيجه در دو جهان زيانکار گشتند.**

**درب: ذکر قوم نوح که یکی از مصادیق واضح فوق است.**

**2**

**ثُمَّ أَنشَأْنَا مِن بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ ﴿31﴾ فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿32﴾ وَقَالَ الْمَلَأُ مِن قَوْمِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِلِقَاء الْآخِرَةِ وَأَتْرَفْنَاهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُونَ ﴿33﴾ وَلَئِنْ أَطَعْتُم بَشَرًا مِثْلَكُمْ إِنَّكُمْ إِذًا لَّخَاسِرُونَ ﴿34﴾ أَيَعِدُكُمْ أَنَّكُمْ إِذَا مِتُّمْ وَكُنتُمْ تُرَابًا وَعِظَامًا أَنَّكُم مُّخْرَجُونَ ﴿35﴾ هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ لِمَا تُوعَدُونَ ﴿36﴾ إِنْ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ ﴿37﴾ إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا وَمَا نَحْنُ لَهُ بِمُؤْمِنِينَ ﴿38﴾ قَالَ رَبِّ انصُرْنِي بِمَا كَذَّبُونِ ﴿39﴾ قَالَ عَمَّا قَلِيلٍ لَيُصْبِحُنَّ نَادِمِينَ ﴿40﴾ فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ بِالْحَقِّ فَجَعَلْنَاهُمْ غُثَاء فَبُعْدًا لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿41﴾**

**درس: پيامبران با مردمي مواجه بودند که از خداوند وآيات و الطافش غفلت داشتند و آخرت و پيامبران را تکذيب ميکردند و در نتيجه در دو جهان زيانکار گشتند.**

**درب: ذکر قوم پس از نوح که آنهم یکی از مصادیق مطلب فوق است.**

**3**

**ثُمَّ أَنشَأْنَا مِن بَعْدِهِمْ قُرُونًا آخَرِينَ ﴿42﴾ مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ ﴿43﴾ ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرَا كُلَّ مَا جَاء أُمَّةً رَّسُولُهَا كَذَّبُوهُ فَأَتْبَعْنَا بَعْضَهُم بَعْضًا وَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ فَبُعْدًا لِّقَوْمٍ لَّا يُؤْمِنُونَ ﴿44﴾**

**درس: پيامبران با مردمي مواجه بودند که از خداوند وآيات و الطافش غفلت داشتند و آخرت و پيامبران را تکذيب ميکردند و در نتيجه در دو جهان زيانکار گشتند.**

**درب: ذکر اقوام پس از قوم نوح که مثال هایی برای مطلب فوق میباشند.**

**4**

**ثُمَّ أَرْسَلْنَا مُوسَى وَأَخَاهُ هَارُونَ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُّبِينٍ ﴿45﴾ إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا عَالِينَ ﴿46﴾ فَقَالُوا أَنُؤْمِنُ لِبَشَرَيْنِ مِثْلِنَا وَقَوْمُهُمَا لَنَا عَابِدُونَ ﴿47﴾ فَكَذَّبُوهُمَا فَكَانُوا مِنَ الْمُهْلَكِينَ ﴿48﴾**

**درس: پيامبران با مردمي مواجه بودند که از خداوند وآيات و الطافش غفلت داشتند و آخرت و پيامبران را تکذيب ميکردند و در نتيجه در دو جهان زيانکار گشتند.**

**درب: ذکر قوم فرعون که که مثالی برای مطلب فوق است.**

**5**

**وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ ﴿49﴾ وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ آيَةً وَآوَيْنَاهُمَا إِلَى رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَمَعِينٍ ﴿50﴾ يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ﴿51﴾ وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ ﴿52﴾ فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُم بَيْنَهُمْ زُبُرًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ ﴿53﴾ فَذَرْهُمْ فِي غَمْرَتِهِمْ حَتَّى حِينٍ ﴿54﴾**

**درس: پيامبران با مردمي مواجه بودند که از خداوند وآيات و الطافش غفلت داشتند و آخرت و پيامبران را تکذيب ميکردند و در نتيجه در دو جهان زيانکار گشتند.**

**درب: ای پیامبر! تکذیب و مخالفت با پیامبران امر عجیبی نیست (همیشه بوده) لذا، با اینها تا مدتی صبر کن، درست میشود.**

**7 - آیات برجسته این پاراگراف**

آیات 50 تا 53 در تیتر فوق قرار میگیرد، و برجستگیشان هم به محتوایشان مربوط است که در قرآن نظیر دیگری ندارد و 50 و 51 شباهت عمقی و مفهومیی با بخشی از قَسَم های سوره تین دارد.

**8 - آیات مشکل**

آیه های 52 و 53 از این لحاظ که مورد اختلاف شدید در بین مفسران شده تحت تیتر فوق قرار میگیرند.

ما مداخله ای در آراء آنان نمیکنیم، اما چون به ترتیب نزول کار میکنیم و به درس و درب متکی هستیم ، به سهولت آنها را فهم میکنیم و از نظر ما در آنها «مشکل»ی دیده نمیشود، همان فهمی که در قسمت آخر این قطعه تفسیری تحت عنوان «تفسیر روان و عامه فهم» ارائه کرده ایم.

**9 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

در باره آیات این پاراگراف ، حتی امروز نیز ، با توجه به معانی والای آن ، حتی برخی مفسران هم ، درک مقبولی از آن ندارند ، چه رسد به مخاطبان اولیه ! در عین حالیکه کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در این هزار و چند صد سال ، تغییر معنای قابل توجهی نیافته اند !

**10 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

فلسفه تاریخ!

**11 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

در این پاراگراف آیاتی وجود دارد که برخی از فقرات آنها در سوره های قبلی (قبل و بعد نسبت به این سوره و بر اساس جدول ترتیب نزول ما) آمده ، اما با تفاوت در لغت و الفاظ ، لذا اگر بگوئیم قبلا نیامده ، ناصحیح است ، و اگر بگوئیم آمده ، باز هم ناصحیح است ، از جمله این نوع آیات ، آیه های 23 و 26 و 32تا41 ، و 45تا49 ، و 54 است و بقیه آیات پاراگراف «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**باز هم «کشتی» نوح**

قبلاً در سوره قمر، به تناسب بحث، درباره «کشتی» نوح عرضی کرده­ایم.

هر چه بوده، نوع بشر هنوز به این خودباوری نرسیده بوده که «می­توان روی آب هم راه رفت» و «نوح» اولین شخص است و طبق آیه 27، معلم او نیز «وحی» بوده است.

بطور کلی، همه علوم بشر، مستقیم یا غیرمستقیم ریشه در وحی دارد، و این بحث مفصلی است که البته اینجا جای پرداختن به آن نیست.

«وحی» در اینجا ، با توجه به کلید شماره 4 ، به معنی «آموزش» و «انتقال تکنولوژی» است.

**«فوران تنور»**

«فارالتنورِ» ذکر شده در آیه 27 ظاهراً باید علامتی بوده باشد که پس از رویت آن، نوح می­باید شمارش معکوس پر کردن کشتی و آماده شدن برای حرکت روی آب را آغاز می­کرد.

**مگر آنان که «آن قول»که بر آنان رفته**

راجع به آن «قول» که بر آنان رفته بود، در سوره احقاف و سپس در سوره یس عرضی کرده­ایم که رجوع به آنها را انتظار داریم .

**«فلسفه تاریخ»**

«امت واحده» یعنی چه؟

اساساً بهتر است سؤال را اینطور مطرح کنیم که «امت» یعنی چه؟

از آیه 44 همین سوره فهمیده می­شود امت به «پیروان یک رسول خاص در زمان حیات و دعوت او» گفته می­­شود .

بنابراین «امت واحده» یعنی پیروان یک پیغمبر که در زمان حیات و دعوت او به تعالیم او تسلیم شده و در مقابل قانون تعالیم او خود را یکسان می­دانستند.

اما آنچه در آیه 53 مورد بحث است ، اتفاقی است که پس از پایان دوره آن پیامبـــران اتفاق می­افتاد . اتفاقی که می­افتاد این بودکه عده­ای خود را از «امت واحده» (مســـاوی بودن در مقابل قوانینی از دین متبوع که حاکم بر شئون زندگی بود) بیرون می­کشیدند و خود را بالاتر از دیگـــران قرارمی­دادند تا برای خویش «حقوق» بیشتر و «وظایف» کمتر قائل ­شوند.

این موضوع از کجا فهمیده می­شود؟

1- از کلمه «امرهم» (که مربوط به امور زندگیست)

2- از کلمه «زبراً» که می­توان آن را به تفاسیر مختلف از آن قانون یکسان مربوط به امة واحده نیز مربوط نمود)

3- از کلمه «حزب» (که به اساسنامه و مرامنامه داخلی یک گروه- اعم از نوشته یا نانوشته- اشاره دارد)

4-از «ف» در کلمه «فتقطعوا» ( که نشان می­­دهد این اتفاق پس از دوره «امت واحده» بودن افتاده است)

به عبارت دیگر در اینجا می فرماید که علت پیدایش کفر ، این بوده که پس ازاینکه پیامبران(ع) «امت واحده» را تاسیس میکردند و آن راجا میانداختند ، عده ای برای کسب امتیازات بیشتر ، به «تفسیر به نفع خویش» ازقوانین آن«امت واحده» می پرداختند .

این فرایند سبب میشد «امت واحده» به چندین گروه و دسته نوظهور تبدیل شود که هریک طرفدار «تفسیر»ی- مطابق سلیقه خویش- از آن قانون فراگیر قبلی بودند و به این ترتیب تعدادی ادیان انحرافی ، پس ازتاسیس و قوام یک دین اصیل بوجود می آمد .

**جمع بندی و تفسیر**

**و نوح را بسوي قومش فرستاديم و گفت اي قوم خدا را عبادت کنيد که هيچ معبودي غير از او نداريد. آيا پروا نمي کنيد؟(23) پس بزرگان کافران قومش گفتند اين جز بشري مثل شما نيست که ميخواهد بر شما برتري يابد و اگر خدا ميخواست حتمأ فرشتگاني ميفرستاد. راجع به اين از نياکان خويش چيزي نشنيده ايم (24) جز اين نيست که به جنون مبتلا شده لذا تا مدتي با او سر کنيد (25) گفت پروردگارا راجع به اينکه تکذيبم کردند ياريم فرما (26) پس به او وحي کرديم که زير نظرمان و بر اساس وحيمان آن کشتي را بساز . و وقتي که امر ما آمد و آن تنور فوران کرد ، اهل خود واز هر نوعي** (از حيوانات) **دو جفت به داخل آن ببر ، غير از آنانکه آن قول** (فرود آمدن عذاب بر تکذیبگران) **بر آنان رفته،** (که آنان را مبر) **و درباره ظالمان مرا مخوان که آنها حتمأ غرق خواهند شد (27) پس هنگامي که خودت و همراهانت در کشتي مستقر شديد بگو سپاس خداوندي را سزاست که ما را از قوم ظالمان نجات داد (28) و بگو پروردگارا ما را به منزل پربرکتي فرود آر که تو بهترين فرود آورنده اي (29) در اين ، البته، حتمأ نشانه های بزرگی هست و البته مانبودیم که مورد ابتلا واقع شدیم (30)** **سپس ، بعد از آنها ، قومي ديگر بوجود آورديم (31) و رسولي از خودشان به ميانشان فرستاديم** [که می گفت] **خداوند را عبادت کنيد که خدائي غير از او نداريد آيا پروا نميکنيد؟ (32) و بزرگاني از قوم او که کافر بودند و ديدار آخرت را تکذيب مينمودند و در زندگي اين جهان نيز به آنان رفاه داده بوديم ميگفتند اين جز بشري مانند خودتان نيست . همان چيزي را ميخورد که شما ميخوريد و همان چيز ي را مينوشد که شما مينوشيد (33) و اگر شما اطاعت بشري مثل خودتان را کنيد در آن صورت حتما زيانکار خواهيد بود (34) آيا وعده تان ميدهد که وقتي مرديد و خاک و استخوان شديد دوباره** (براي زندگي مجدد) **بيرون خواهيد آمد؟ (35) چيزي که وعده تان ميدهد چه بسيار دور است (36) زندگي فقط همين زندگي دنياست که زندگي ميکنيم و ميميريم و برانگيخته نخواهيم شد (37) اين مرد کسي نيست جز اينکه بر خداوند دروغ مي بندد و ما باورش نداريم (38)** [ آنرسول گفت] **گفت پروردگارا درمورد تکذيبي که ميکنند ياريم کن (39)** (خداوند در جواب) **گفت به همين زوديها به سختي پشيمان خواهند گرديد (40) پس آن صداي مهيب ناگهاني به حق بگرفتشان و آنگاه آنها را مانند خاشاک نموديم . پس دور باد قوم ظالمان از آن** (رحمت الهي) **(41) سپس بعد از آنها اقوامي ديگر بوجود آورديم (42)** {هيچ قومي از سرآمد خويش نه جلو مي افتد و نه از آن عقب ميماند} **(43) آنگاه رسولانمان را يکي پس از ديگري فرستاديم . هرقومي که رسولشان بسويشان آمد تکذيبش کردند و ما نيز آنها را** (نابود کرده و) **پي اقوام قبلي فرستاديم و تبديل به داستانهاي گذشتگان گرديدند . پس دور باد مردم بي ايمان از آن** (رحمت الهی) **(44) سپس موسي و برادرش هارون را با آياتمان و دليلي آشکار فرستاديم (45) بسوي فرعون وسركردگانش. و گردن فرازي ميكردند و** (خود را) **قومي بلند مرتبه قلمداد نمودند (46) و گفتند آيا ما به دو نفر بشر مانند خودمان ايمان بياوريم؟ آنهم در صورتيکه قوم آنها ما را بندگي ميکنند؟ (47) پس تکذيبشان کردند و از هلاک شدگان گرديدند (48) و ما البته آن کتاب را به موسي داديم شايد هدايت شوند (49) و پسر مريم و مادرش را نشانه اي قرار داديم و آنها را در سرزميني بلند که هموار وداراي چشمه سارهائی بود جاي داديم (50)** **اي رسولان ! از چيزهاي پاکيزه بخوريد و عمل شايسته کنيد که من به آنچه ميکنيد دانايم (51) و اين مردم نيز** (که همه يکجورند) **امت شما هستند ، و من نيز پروردگارتان هستم ، پس ، از من پروا کنيد (52)** [ ای پیامبر ! بدان که آنها ] **امر خويش را بين خود قطعه قطعه کردند ، و هر گروهي به آنچه نزد خودشان بود دل خوش نمودند (53) لذا آنها را تا مدتي در گرفتاري شان واگذار (54)**

**مومنون3 آیات55تا77**

**أَيَحْسَبُونَ أَنَّمَا نُمِدُّهُم بِهِ مِن مَّالٍ وَبَنِينَ ﴿55﴾ نُسَارِعُ لَهُمْ فِي الْخَيْرَاتِ بَل لَّا يَشْعُرُونَ ﴿56﴾ إِنَّ الَّذِينَ هُم مِّنْ خَشْيَةِ رَبِّهِم مُّشْفِقُونَ ﴿57﴾ وَالَّذِينَ هُم بِآيَاتِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ ﴿58﴾ وَالَّذِينَ هُم بِرَبِّهِمْ لَا يُشْرِكُونَ ﴿59﴾ وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوا وَّقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَى رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ ﴿60﴾ أُوْلَئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ ﴿61﴾ وَلَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَلَدَيْنَا كِتَابٌ يَنطِقُ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿62﴾ بَلْ قُلُوبُهُمْ فِي غَمْرَةٍ مِّنْ هَذَا وَلَهُمْ أَعْمَالٌ مِن دُونِ ذَلِكَ هُمْ لَهَا عَامِلُونَ ﴿63﴾ حَتَّى إِذَا أَخَذْنَا مُتْرَفِيهِم بِالْعَذَابِ إِذَا هُمْ يَجْأَرُونَ ﴿64﴾ لَا تَجْأَرُوا الْيَوْمَ إِنَّكُم مِّنَّا لَا تُنصَرُونَ ﴿65﴾ قَدْ كَانَتْ آيَاتِي تُتْلَى عَلَيْكُمْ فَكُنتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ تَنكِصُونَ ﴿66﴾ مُسْتَكْبِرِينَ بِهِ سَامِرًا تَهْجُرُونَ ﴿67﴾ أفَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ أَمْ جَاءهُم مَّا لَمْ يَأْتِ آبَاءهُمُ الْأَوَّلِينَ ﴿68﴾ أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُ مُنكِرُونَ ﴿69﴾ أَمْ يَقُولُونَ بِهِ جِنَّةٌ بَلْ جَاءهُم بِالْحَقِّ وَأَكْثَرُهُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ ﴿70﴾ وَلَوِ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَن فِيهِنَّ بَلْ أَتَيْنَاهُم بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَن ذِكْرِهِم مُّعْرِضُونَ ﴿71﴾ أَمْ تَسْأَلُهُمْ خَرْجًا فَخَرَاجُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ ﴿72﴾ وإِنَّكَ لَتَدْعُوهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿73﴾ وَإِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَاكِبُونَ ﴿74﴾ وَلَوْ رَحِمْنَاهُمْ وَكَشَفْنَا مَا بِهِم مِّن ضُرٍّ لَّلَجُّوا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿75﴾ وَلَقَدْ أَخَذْنَاهُم بِالْعَذَابِ فَمَا اسْتَكَانُوا لِرَبِّهِمْ وَمَا يَتَضَرَّعُونَ ﴿76﴾ حَتَّى إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا ذَا عَذَابٍ شَدِيدٍ إِذَا هُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ ﴿77﴾**

**آيا اینها مي پندارند اينکه مال و فرزندانشان را زياد کنيم (55) در جهت نفعشان شتاب کرده ايم؟ نه! بلکه درک نمي کنند (56) همانا آنانکه به احترام پروردگارشان هراسانند، (57) و آنانکه به آیت هاي پروردگارشان ايمان دارند، (58) و آنانکه با پروردگارشان شريک نمي گيرند، (59) وآنانکه از آنچه به آنها داده شده به دیگران ميدهند ، و باز هم نگران روزي هستند که بسوي پروردگارشان باز ميگردند، (60) آنها هستند که در جهت نفعشان شتاب کرده اند و بسوي آن سبقت ميگيرند (61) و کسي را جز به اندازه ظرفيتش تکليف نمي کنيم و نزد ما کتابي است که به حق گوياست و ظلمي به آنان نخواهد شد (62) بلکه دلهاشان از اين موضوع غافل است و اعمالي غير از آن که باید داشته باشند دارند و به همانها هم مشغولند (63) وقتيکه هوسرانان شان را به عذاب گرفتيم ناگهان ناله و فرياد ميکنند (64) به آنان خطاب میشود امروز ناله و فريادتان را بلند نکنيد زيرا از جانب ما ياريی نخواهيد ديد (65) زيرا آياتم بر شما تلاوت ميشد و شما به آن پشت میکردید (66) و خود را بزرگ تر از آن ميدانستيد که به آن آيات توجه کنيد و در مجالس شبانه به بيهوده گوئی مشغول بودید (67) آيا اینها در آن سخن حق دقت نکردند يا چيزي بسويشان آمده بود که بسوي نياکانشان نيامده بود؟ (68) يا اينکه رسولشان را نمي شناسند و با او بيگانه اند؟ (69) يا ميگويند ديوانگيي در او هست ، نه! بلکه به حق بسويشان آمد و اکثرشان حق را خوش نميدارند (70) و اگر حق از هوسهاي آنان پيروي کند آسمانها و زمين و کساني که در آنها هستند تباه خواهند شد ، نه! بلکه مايه پندشان را فرستاديم و آنها از پند روگردانند (71) يا اينکه از آنها خرجي ميخواهي! البته که نميخواهي ، و خراج خدا بهتر است و همو بهترين روزي دهندگان است (72) و تو البته آنها را بسوي جاده محکم هموار مستقيم دعوت مي کني (73) و آنانکه به آخرت ايمان ندارند ازآن جاده منحرف ميشوند (74) و اگر به آنان رحم ميکرديم و ناراحتيي را که در آن بودند برطرف ميکرديم لج ميکردند و در طغيانشان فرو ميرفتند (75) و البته همانطور که همانندانشان را به عذاب گرفتيم ، در آن حالت نه بسوي پروردگارشان مايل شدند و نه تضرع نمودند (76) تا اينکه دري از عذاب شديد بر آنان گشوديم که در آن وقت ديگر پژمرده شده بودند (77)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: پيامبران با مردمي مواجه بودند که از خداوند وآيات و الطافش غفلت داشتند و آخرت و پيامبران را تکذيب ميکردند و در نتيجه در دو جهان زيانکار گشتند.**

**درب: کافران با وجود اینکه به چیز سنگینی مکلف نشده اند، و باآنان جز به حق رفتار نمیشود، در مقابل نتیجه اعمالشان به سختی به جزع و فزع می افتند . ای پیامبر! این نوع مردم به نعمت و تنبیه واکنش مطلوب نشان نمی­دهند و علاوه بر اینها کم ظرفیت هم هستند، لذا تو با آنان کجدار و مریز کن.**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 مؤمنان را مژده میدهد که وارث فردوس می­باشند و در آن جاودان خواهند بود . به عبارت دیگر خداوند دارد به آن دسته از مسلمانان که استعداد بیشتری برای صعود درنردبان فضیلت ومعنویت دارند ، «برنامه» ای برای خودسازی و«ورزش معنوی» میدهد و مراحل قبلی و بعدی آفرینش انسان­ها را به اشاره به یاد می آورد که ببینید درآفرینش شما چه ظرائف ودقایقی بکاررفته ! اینها را ازپروردگارتان دارید ، آیا سزاست به توصیه های همان پروردگار (که بـه نفعتان هم هست) بی اعتنائی کنید؟ و فرستاده اش راتکذیب نموده ، و نامهای ناصحیح بر او بگذارید ؟ و نیز برخی از نعمت­هایی که همه انسـان­ها مستمرا از آن استفاده می­کنند (بطوری که عادتشان شده) را یادآوری فرموده ، با این زمینه که ای انسان ها ! خداوند همان کسـی است که اینهمه آیات ونعمتها را از او دارید ، آیا آن رفتارها نسبت به فرستاده اش سزا است؟

در پاراگراف2 می فرماید : ای کافران! درصورتی که میخواهید آن چیزهائی راکه باید به آنها توجه کنید مورد بی اعتنائی قراردهید ممکن است به عاقبتی دچارشوید که قوم نوح و اقوام برخی پیامبران دیگر دچارش شدند. و ضمنا به پیامبر میفرماید دنبال پیشرفت امور رسالتت بطور معجزه آسا نباش ، امت­های سابق هم راه تفرقه پیمودند ، لذا فعلا مخالفانت را به حال خویش واگذار .

در این پاراگراف می فرماید : برخورداری از مواهب مادی لزوماً به معنی لطف الهی نیست ، اما واجد بودن این صفات (ی که در این پاراگراف ذکر شده) قطعاً به معنی لطف الهی هست ، ولی این کافران غافلند که تکالیف دین مطابق وسع آدمی اســــت ودرآخرت کاملامطابق ضابطه با انها رفتارخواهد شد اما مخالفت بیجامیکنند و اینهمه کرّ و فرّ و ادعا نشان میدهند ولی به اندک عذابی صدای سوزناک ناله ها یشان در می آید ، و اینها از همه لحاظ پیامبر(ص)را قبول دارند اما نمیتوانند تعالیم او را بپذیرند زیرا با منافع سرانشان درتضاد است لذا

ای پیامبر! فعلا باید با اینها کجدار و مریز کنی تا وقتیکه معادلات بین تو وآنان تغییری کند .

**3 - سوالات**

1 – منظور از « **لَدَيْنَا كِتَابٌ يَنطِقُ بِالْحَقِّ** » (آیه62) چیست؟

2- منظور از «غمره» (آیه63) چیست؟

3- منظور از « **وَلَهُمْ أَعْمَالٌ مِن دُونِ ذَلِكَ** » (آیه63) چیست؟

4- منظور از «عذاب» (آیه64) چیست؟ (هلاکت مانند اقوام قبلی؟ عذاب اخروی؟ یا....؟)

5- منظور از «هذا» (آیه63) چیست؟

6 – منظور از «کتاب» (آیه 62) چیست؟ (قانون؟ یا....؟)

7- «هم» در آیه های 75 و 76 اشاره به چه کسانی است؟ (دقت کنید)

8 - «هم» در «اکثرهم» (آیه70) اشاره به چه کسانیست؟

9- در این پاراگراف کلمه «حق» ، سه بار ، آنهم در سه معنی ، بکاررفته ، معانی سه گانه مذکور را بیان کنید .

10- در آیه 69 یک معنی را به دو صورت مختلف گفته (چرا؟)

11- چه سابقه ای درسوره های قبلی از «یقولون به جنه» دارید؟

12- چرا در آیه71 از ضمیر «ما» (آتینا) استفاده فرموده؟

13- نیازهای رسول خدا رابه دو صورت «خرج» و «خراج» ذکر نموده ، چرا؟.

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

از آیه های 55 و 56 فهمیده میشود فعالان کفر چنین تلقی میکرده اند که صاحب ثروت و اولاد نزد خداوند محبوب است و شاید همین گفتمان سبب میشد در مومنان (که نسبت به آنها فرودست بوده اند) به چشم تحقیر بنگرند و همچنین دین آنها را نیز بی اهمیت تلقی کنند .

از آیه 63 فهمیده میشود که فعالان کفر به احاطه الهی بر همگان غفلت داشتند و از آیه 67 فهمیده میشود زندگی شان همراه با بطالت و شب زنده داری های همراه با چرت و پرت گفتن بوده و همین نیز گویای وضعیت برخورداری ثروتمندانه آنان می باشد .

از آیه های 68 و 69 و 70 فهمیده میشود فعالان کفر در قرآن تعمقی نمیکردند و آنحضرت را بخوبی می شناختند و با وجود این او را مجنون مینامیدند و از پذیرش حق (لابد به سبب تعارضی که با موقعیت و منافعشان داشت) بدشان می آمد .

از آیه 76 و 77 فهمیده میشود عذاب خفیفی بر آنها نازل شد اما فعالان کفر توجهی به آن نکرده و متنبه نشده و در صدد اصلاح رفتار خویش بر نیامدند ، ضمن اینکه طاقتی هم برای عذاب قوی تر نداشتند .

**5 – کلیدهای تفسیری**

**مطلب، تفسیر، اشاره :**

دو آیه 55 و56 ، «اشاره» به مطالب اصلی سوره فجر است (و بد نیست مراجعه مجددی بفرمائید)

**فرعی ها :**

1 – آیات 65 تا 67 فرع بر آیات قبلی است و این واضح است .

2 – آیه 63 نیز فرعی است .

3 – از آیه 62 نیز سه کلمه آخر فرعی است .

4 - آیه 71 فرع بر آیه 70 است ،

5 - آیه 74 فرع بر آیه 73 است .

**ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:**

**1**

**أَيَحْسَبُونَ أَنَّمَا نُمِدُّهُم بِهِ مِن مَّالٍ وَبَنِينَ ﴿55﴾ نُسَارِعُ لَهُمْ فِي الْخَيْرَاتِ بَل لَّا يَشْعُرُونَ ﴿56﴾ إِنَّ الَّذِينَ هُم مِّنْ خَشْيَةِ رَبِّهِم مُّشْفِقُونَ ﴿57﴾ وَالَّذِينَ هُم بِآيَاتِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ ﴿58﴾ وَالَّذِينَ هُم بِرَبِّهِمْ لَا يُشْرِكُونَ ﴿59﴾ وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوا وَّقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَى رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ ﴿60﴾ أُوْلَئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ ﴿61﴾**

**درس: پيامبران با مردمي مواجه بودند که از خداوند وآيات و الطافش غفلت داشتند و آخرت و پيامبران را تکذيب ميکردند و در نتيجه در دو جهان زيانکار گشتند.**

**درب: آنها نمیدانند که این نعمت های ظاهری نعمت ارزشمند نیست.**

**2**

**وَلَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَلَدَيْنَا كِتَابٌ يَنطِقُ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿62﴾ بَلْ قُلُوبُهُمْ فِي غَمْرَةٍ مِّنْ هَذَا وَلَهُمْ أَعْمَالٌ مِن دُونِ ذَلِكَ هُمْ لَهَا عَامِلُونَ ﴿63﴾**

**درس: پيامبران با مردمي مواجه بودند که از خداوند وآيات و الطافش غفلت داشتند و آخرت و پيامبران را تکذيب ميکردند و در نتيجه در دو جهان زيانکار گشتند.**

**درب: آنها توجه ندارند که چیز سختی از آنها نخواستیم و تازه کوچکترین ظلمی هم از ما نخواهند دید.**

**3**

**حَتَّى إِذَا أَخَذْنَا مُتْرَفِيهِم بِالْعَذَابِ إِذَا هُمْ يَجْأَرُونَ ﴿64﴾ لَا تَجْأَرُوا الْيَوْمَ إِنَّكُم مِّنَّا لَا تُنصَرُونَ ﴿65﴾ قَدْ كَانَتْ آيَاتِي تُتْلَى عَلَيْكُمْ فَكُنتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ تَنكِصُونَ ﴿66﴾ مُسْتَكْبِرِينَ بِهِ سَامِرًا تَهْجُرُونَ ﴿67﴾**

**درس: پيامبران با مردمي مواجه بودند که از خداوند وآيات و الطافش غفلت داشتند و آخرت و پيامبران را تکذيب ميکردند و در نتيجه در دو جهان زيانکار گشتند.**

**درب: بزرگانشان با آنهمه شعارهایشان به کوچکترین عذابی به ناله های شدید خواهند پرداخت.**

**4**

**أفَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ أَمْ جَاءهُم مَّا لَمْ يَأْتِ آبَاءهُمُ الْأَوَّلِينَ ﴿68﴾ أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُ مُنكِرُونَ ﴿69﴾ أَمْ يَقُولُونَ بِهِ جِنَّةٌ بَلْ جَاءهُم بِالْحَقِّ وَأَكْثَرُهُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ ﴿70﴾ وَلَوِ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَن فِيهِنَّ بَلْ أَتَيْنَاهُم بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَن ذِكْرِهِم مُّعْرِضُونَ ﴿71﴾ أَمْ تَسْأَلُهُمْ خَرْجًا فَخَرَاجُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ ﴿72﴾ وإِنَّكَ لَتَدْعُوهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿73﴾ وَإِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَاكِبُونَ ﴿74﴾**

**درس: پيامبران با مردمي مواجه بودند که از خداوند وآيات و الطافش غفلت داشتند و آخرت و پيامبران را تکذيب ميکردند و در نتيجه در دو جهان زيانکار گشتند.**

**درب :آنها بدون آنکه اندکی در پیامت بیاندیشند بهانه های گوناگون میگیرند.**

**5**

**وَلَوْ رَحِمْنَاهُمْ وَكَشَفْنَا مَا بِهِم مِّن ضُرٍّ لَّلَجُّوا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿75﴾ وَلَقَدْ أَخَذْنَاهُم بِالْعَذَابِ فَمَا اسْتَكَانُوا لِرَبِّهِمْ وَمَا يَتَضَرَّعُونَ ﴿76﴾ حَتَّى إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا ذَا عَذَابٍ شَدِيدٍ إِذَا هُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ ﴿77﴾**

**درس: پيامبران با مردمي مواجه بودند که از خداوند وآيات و الطافش غفلت داشتند و آخرت و پيامبران را تکذيب ميکردند و در نتيجه در دو جهان زيانکار گشتند.**

**درب: ای پیامبر! اگر اینان را اندکی عذابشان کنیم ناله ها سر میدهند و اگر عذاب را تخفیف دهیم باز به همان رفتارشان بر میگردند و اگر کمی عذاب را افزایش دهیم به کلی پژمرده میشوند.**

**6 - کدام مطالب این پاراگراف «بی ربط» به نظر میرسد؟**

آیه 71 بین دو مطلب همگن فاصله انداخته و ظاهرا «بیربط» به نظر می آید، اما «پرانتزی» است، دلیلش هم اینکه اگر چشم خویش را بر آن ببندیم و قبل و بعدش را وصل کنیم خواهیم دید روال سخن صاف و بی سکته میشود.

**7 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

در باره آیات این پاراگراف ، حتی امروز نیز ، با توجه به معانی والای آن ، حتی برخی مفسران هم ، درک مقبولی از آن ندارند ، چه رسد به مخاطبان اولیه ! در عین حالیکه کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در این هزار و چند صد سال ، تغییر معنای قابل توجهی نیافته اند !

**8 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

1 - کافران با وجود اینکه به چیز سنگینی (که رفتار شايسته است در مقابل دعوت پيامبران است) مکلف نشده اند ، و باآنان جز به حق رفتار نمیشود ، در مقابل نتیجه اعمالشان به سختی به جزع و فزع می افتند .

2 - ای پیامبر! این نوع مردم به نعمت و تنبیه واکنش مطلوب نشان نمی­دهند و علاوه بر اینها کم ظرفیت هم هستند ، لذا تو با آنان کجدار و مریز کن .

**9 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

غیر از آیات 72 و 73 و 74 ، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**«چک لیست» متمم**

آیات 57 تا 60 ادامه چک لیست پاراگراف اول است و جا دارد خوانندگان قرآن ، آن را به چک لیست مذکور اضافه نموده و روز به روز خود را با آن چک کنند.

البته باید توجه داشت که مدلول آیه 57 یک امر قلبی است و چندان در اختیار آدمی نیست ، اما سه آیه بعد کاملاً اختیاری است ، و باز هم البته باید دانست که اگر به سه آیه اخیر­الذکر عمل شود مدول آیه 57 هم حاصل می­شود.

البته جایزه­ای که برای این قسمت ذکر نموده مقام بسیار بالائی است (توجه کنید به سوره واقعه ، آیه­های «والسابقون السابقون، اولئک المقربون) بطوری که کاملاً از مقام «فردوس» که جایزه «مؤمنون» است بالاتر است و جا دارد برای درک بهتر مراجعه مجددی به سوره واقعه بفرمائید .

**«مشکل»کافران چه بود؟**

1 - «وحی ندیده» نبودند و با این پدیده از طریق نیاکانشان آشنا بودند (آیه68)

2- قرآن را هم ارزیابی کرده و آنرا والامرتبه دانسته بودند (آیه68)

3- پیامبر(ص) را هم به سجایای اخلاقی و محبوبیت گسترده شناخته بودند (آیه69)

4- این را هم می دانستند که پیامبر(ص) انگیزه مادی ندارد (آیه72)

5- این را هم می فهمیدندکه تعالیم پیامبر(ص) فی الجمله به نفعشان بود (آیه71)

**پس آنها «چه شان»بود؟**

درد آنها این بودکه درتعالیم پیامبر(ص) چیزی بودکه با «منافع» سرانِ آنها ناسازگار بود (آیه72)

**متصلب**

سه آیه آخر (یعنی 75 تا 77) نشان از رفتارهای نامعقول کافران دارد که اگر درِ رحمت به رویشان باز شود به طغیان ادامه می­دهند و اگر به آنها سخت گرفته شود نمی­فهمند و به راه نمی­آیند و اگر فشار زیادتر شود پژمرده می­شوند. و مجموع این ها با در نظر گرفتن مفهوم آیه 73 اینطور در یک کلمه قابل جمع است: متصلب !

**«صلب» و تثبیت**

در این پاراگراف اشاره­هائی هست که مفصلِ­ آنها را در سوره­های قلم و طور و ذاریات دیده­ایم ، اما آیه­های 75 و 76 این پاراگراف جدید است که مفهوم آن این است که اینها دیگر ( به اصطلاح روانشناس­ها) «تثبیت» شده­اند و دیگر نه به لطف ، و نه به فشار ، واکنش مطلوب نشان نمی­دهند .

یعنی نه لطف سبب توجه و تمایلشان به مبدأ لطف می­شود که مجدداً به راه بیایند و نه فشار سبب توجه به مبدأ فشار می­شود که وضعیت خود را اصلاح کنند .

**جمع بندی و تفسیر**

**آيا مي پندارند اينکه مال و فرزندانشان را زياد کنيم (55) در جهت نفعشان شتاب کرده ايم؟** (نه) **بلکه درک نمي کنند (56) همانا آنانکه به احترام پروردگارشان هراسانند ، (57) و آنانکه به نشانه هاي پروردگارشان ايمان دارند ، (58) و آنانکه با پروردگارشان شريک نمي گيرند ، (59) وآنانکه از آنچه به آنها داده شده** (به دیگران) **ميدهند ، و باز هم نگران روزي هستند که بسوي پروردگارشان باز ميگردند ، (60) آنها هستند که در جهت نفعشان شتاب کرده اند و بسوي آن سبقت ميگيرند (61)** **و کسي را جز به اندازه ظرفيتش تکليف نمي کنيم و نزد ما کتابي است که به حق گوياست و ظلمي به آنان نخواهد شد (62) بلکه دلهاشان از اين موضوع غافل است و آنها اعمالي غير از آن** [که باید داشته باشند] **دارند و به همانها مشغولند (63) وقتيکه هوسرانان شان را به عذاب گرفتيم ناگهان ناله و فرياد بلند ميکنند (64)** {[به آنان خطاب میشود] امروز ناله و فريادتان را بلند نکنيد زيرا از جانب ما ياريی نخواهيد ديد (65) زيرا آياتم بر شما تلاوت ميشد و شما بر پاشنه هايتان برمي گشتيد (66) خود را بزرگ تر از آن ميدانستيد که به آن آيات توجه کنيد و (در مجالس) شبانه به بيهوده گوئی مشغول بودید} (67) **آيا در آن سخن دقت نکردند يا چيزي بسويشان آمده بود که بسوي نياکانشان نيامده بود؟ (68) يا اينکه رسولشان را نمي شناسند و با او بيگانه اند؟ (69) يا ميگويند ديوانگيي در او هست** (نه) **بلکه به حق بسويشان آمد و اکثرشان حق را خوش نميدارند (70) و اگر حق از هوسهاي آنان پيروي کند آسمانها و زمين و کساني که در آنها هستند تباه خواهند شد** (نه) **بلکه مايه پندشان را فرستاديم و آنها از پند خويش روگردانند (71) يا اينکه از آنها خرجي ميخواهي** (البته کهنميخواهي) **و خراج خدا بهتر است و همو بهترين روزي دهنده است (72) و تو البته آنها را بسوي جاده محکم هموار مستقيم دعوت مي کني (73) و آنانکه به آخرت ايمان ندارند ازآن جاده منحرف ميشوند (74) و اگر به آنان رحم ميکرديم و ناراحتيي را که در آن بودند برطرف ميکرديم لج ميکردند و در طغيانشان فرو ميرفتند (75) و البته** (همانطور که همانندان) **آنان را به عذاب گرفتيم ، در آن حالت نه بسوي پروردگارشان مايل شدند و نه تضرع نمودند (76) تا اينکه دري از عذاب شديد بر آنان گشوديم که در آن وقت ديگر پژمرده شدند (77)**

**مومنون4 آیات78تا98**

**وَهُوَ الَّذِي أَنشَأَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ ﴿78﴾ وَهُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿79﴾ وَهُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ وَلَهُ اخْتِلَافُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿80﴾ بَلْ قَالُوا مِثْلَ مَا قَالَ الْأَوَّلُونَ ﴿81﴾ قَالُوا أَئِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَئِنَّا لَمَبْعُوثُونَ ﴿82﴾ لَقَدْ وُعِدْنَا نَحْنُ وَآبَاؤُنَا هَذَا مِن قَبْلُ إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿83﴾ قُل لِّمَنِ الْأَرْضُ وَمَن فِيهَا إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿84﴾ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿85﴾ قُلْ مَن رَّبُّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ﴿86﴾ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿87﴾ قُلْ مَن بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿88﴾ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ فَأَنَّى تُسْحَرُونَ ﴿89﴾ بَلْ أَتَيْنَاهُم بِالْحَقِّ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿90﴾ مَا اتَّخَذَ اللَّهُ مِن وَلَدٍ وَمَا كَانَ مَعَهُ مِنْ إِلَهٍ إِذًا لَّذَهَبَ كُلُّ إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ وَلَعَلَا بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿91﴾ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿92﴾ قُل رَّبِّ إِمَّا تُرِيَنِّي مَا يُوعَدُونَ ﴿93﴾ رَبِّ فَلَا تَجْعَلْنِي فِي الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿94﴾ وَإِنَّا عَلَى أَن نُّرِيَكَ مَا نَعِدُهُمْ لَقَادِرُونَ ﴿95﴾ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةَ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ ﴿96﴾ وَقُل رَّبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ ﴿97﴾وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَن يَحْضُرُونِ ﴿98﴾**

**و هموست که براي شما گوش و چشمها و دلها قرار داد چه كم شکر مي گذاريد (78) و هموست که شما را در زمين گستراند و بسوي او محشور خواهيد شد (79) و هموست که زنده ميکند و ميميراند و جايگزيني شب و روز هم از اوست ، آيا تعقل نمي کنيد (80) نه! بلکه علیرغم همه این نعمتهای ذکر شده و ذکر نشده، همان چيزي را ميگويند که قبلي ها میگفتند (81) آنها هم میگفتند آيا وقتيکه مرديم وخاک و استخوان شديم ، برانگيخته ميشويم؟ (82) چه بما و چه به نياکان ما همين وعده داده شده . اين ها جز افسانه هاي پیشینیان نيست (83) ای پیامبر! بگو اگر ميدانيد برايم توضيح دهيد زمين و هر کس که در آن است متعلق به کيست؟ (84) بزودي ، پس از اینکه تعالیمت جا افتاد، خواهند گفت متعلق به خداوند است، اینک به آنان بگو پند نمي گيريد؟ (85) بگو پروردگار آسمانهاي هفتگانه و پروردگار آن عرش بزرگ کيست؟ (86) باز هم بزودي خواهند گفت مال خداوند است، اینک به آنان بگو پروا نميکنيد؟ (87) بگو سررشته همه امور به دست کيست که پناه ميدهد و كسي عليه او پناهگاهي ندارد؟ (88) باز هم بزودي معتقد خواهند شد که اینها صفات الهی است ، اینک به آنان بگو از کجا افسون شده ايد؟ (89) نه! بلکه اینها حق را می شناسند و عمدا دروغ میگويند (90) خداوند هيچ فرزندي برنگرفته و با او هيچ خدائي نيست ، و اگر چنين بود، هر خدايي آفريده هاي خود را ميبرد، و بعضي از آنها بر بعضي ديگر برتري ميجستند ، و خداوند از آنچه توصيف ميکنند منزه است. (91) او داناي پيدا و نهان است و از آنچه با او شريک مي کنند بالاتر است (92) با خویش چنین بگو که خدايا اگر آنچه را که به آنان وعده ميدهي بمن بنمائي (93) در آنصورت مرا جزء ظالمان قرار مده (94) و البته ما قادريم آنچه را که به آنان وعده ميدهيم نشانت دهيم (95) پس ، بدي را بوسيله آنچه بهترین رفتار است دفع کن . ما بهتر ميدانيم آنها در باره ما چه وصفي ميکنند (96) و بگو پروردگارا از بدگوئيهايی که شياطين به اینان القاء میکنند بتو پناه ميبرم (97) و نیز از اينکه آن شیاطین به نزدم حاضر شوند نیز بتو پناه ميبرم (98)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: پيامبران با مردمي مواجه بودند که از خداوند وآيات و الطافش غفلت داشتند و آخرت و پيامبران را تکذيب ميکردند و در نتيجه در دو جهان زيانکار گشتند.**

**درب: گوشه­ای از آیات و الطاف الهی و نیز نمونه­ای از برخورد های کافرانه و اي پيامبر! در جهت تحليل و ردّ مولفه هاي فکري کافران چنين بگو و چنين کن و با اینان مدارا کن، و از شرور به خدا پناه ببر .**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 مؤمنان را مژده میدهد که وارث فردوس می­باشند و در آن جاودان خواهند بود . به عبارت دیگر خداوند دارد به آن دسته از مسلمانان که استعداد بیشتری برای صعود درنردبان فضیلت ومعنویت دارند ، «برنامه» ای برای خودسازی و«ورزش معنوی» میدهد و مراحل قبلی و بعدی آفرینش انسان­ها را به اشاره به یاد می آورد که ببینید درآفرینش شما چه ظرائف ودقایقی بکاررفته ! اینها را ازپروردگارتان دارید ، آیا سزاست به توصیه های همان پروردگار (که بـه نفعتان هم هست) بی اعتنائی کنید؟ و فرستاده اش راتکذیب نموده ، و نامهای ناصحیح بر او بگذارید ؟ و نیز برخی از نعمت­هایی که همه انسـان­ها مستمرا از آن استفاده می­کنند (بطوری که عادتشان شده) را یادآوری فرموده ، با این زمینه که ای انسان ها ! خداوند همان کسـی است که اینهمه آیات ونعمتها را از او دارید ، آیا آن رفتارها نسبت به فرستاده اش سزا است؟

در پاراگراف2 می فرماید : ای کافران! درصورتی که میخواهید آن چیزهائی راکه باید به آنها توجه کنید مورد بی اعتنائی قراردهید ممکن است به عاقبتی دچارشوید که قوم نوح و اقوام برخی پیامبران دیگر دچارش شدند. و ضمنا به پیامبر میفرماید دنبال پیشرفت امور رسالتت بطور معجزه آسا نباش ، امت­های سابق هم راه تفرقه پیمودند ، لذا فعلا مخالفانت را به حال خویش واگذار .

در پاراگراف 3 می فرماید : برخورداری از مواهب مادی لزوماً به معنی لطف الهی نیست ، اما واجد بودن این صفات (ی که در این پاراگراف ذکر شده) قطعاً به معنی لطف الهی هست ، ولی این کافران غافلند که تکالیف دین مطابق وسع آدمی اســــت ودرآخرت کاملامطابق ضابطه با انها رفتارخواهد شد اما مخالفت بیجامیکنند و اینهمه کرّ و فرّ و ادعا نشان میدهند ولی به اندک عذابی صدای سوزناک ناله ها یشان در می آید ، و اینها از همه لحاظ پیامبر(ص)را قبول دارند اما نمیتوانند تعالیم او را بپذیرند زیرا با منافع سرانشان درتضاد است لذا ای پیامبر! فعلا باید با اینها کجدار و مریز کنی تا وقتیکه معادلات بین تو وآنان تغییری کند .

در این پاراگراف می فرماید : ای پیامبر! اینها ،اینهمه لطف و نعمت را می­بینند ، ولی بجای شکر ، کفر و تکذیب می­کنند ، و به جائی رسیده اند که هیچ سخن حقی بــه خوردشان نمی رود ، و تو ای پیامبر با کفار در مورد اعتقادات اصلیت وارد گفتگوی استدلالی شو و بهترین موقعیت را در مسیر ایفاء رسالت خویش دریاب .

**3 - سوالات**

1 – چرا در آیه 78 «گوش» را مفرد ، و «چشم» و «دل» را جمع آورده؟

2- در آیات سه گانه ابتدای پاراگراف ، مطالب خطاب به کیست؟

3- در آیه 79 ، «الیه تحشرون» (که یک وعده مربوط به برقراری قیامت است) را درجائی آورده که قبل و بعد آن بطور واضح ذکرنعمت است (یعنی اینکه قیامت هم نعمت است) سوال این است که (باتوجه به انکار قیامت ازسوی کافران) این نوع سخن گفتن چه توجیهی دارد؟

4- منظور از «اختلاف» (آیه80) چیست؟

5- چرا درهمان آیه در مورد اختلاف شب و روز عبارت «له» را بکار برده ؟.

6 – وضع آیه 91 از لحاظ کلیدهای تفسیر چگونه است؟

7 – (اگر به آیه 93 نگاه کنید) وضع آیه 92 چطور؟

8– در داخل آیه مذکور جمله پرانتزیی تشخیص میدهید؟ چند مورد؟

9 - «سیقولون لله» های این پاراگراف از لحاظ کلید های مذکور چه وضعی دارند؟

10– چه سابقه ای از مفهوم «لایجیر و لا یجار علیه» در سوره های قبل دارید؟

11- جمله مذکور یکی از «تفسیر» های کدام آیه سوره توحید است؟

12 – حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟ (گفتگوی استدلالی؟ یا...؟)

13 - «س» در «سیقولون» در آیات فوق چه وقتی است؟ همان موقعی که سوال مطرح میشود یا بعدا؟ (جواب با دلیل)

14 – در این پاراگراف سه بار پیشگوئیِ تحقق یافته انجام شده ، محل آنها را مشخص کنید .

15 – اساسا چرا این آیات (93 تا 98) نازل شده؟ به عبارت دیگر در آن روزها چه اتفاقی افتاده بود که نزول این آیات را سبب شد؟

16 – در سوره قلم که اوائل نزول است و در سوره احزاب که اواخر نزول است به پیامبر توصیه میکند که «لا تطع . . » و البته پیامبر با آن شخصیت والایش هرگز در وضعی نبوده که اصطلاحا «اطاعت» آن فرومایگان مذکور در سوره قلم و یا کفار فرودستِ مذکور در سوره احزاب را کند، اما خداوند که به موقعیت خطیر آنحضرت آگاه است اندک نرمشی در جهتِ موضوع رسالتش را نیز نمی پذیرد و آن را «اطاعت» محسوب میدارد، در حالیکه در نزد ما «اطاعت» مفهوم متفاوتی دارد، با توجه به این زمینه، قرار نگرفتن آنحضرت در میان ظالمان که در آیه 94 ذکر شده، به چه معنی است؟

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

از آیه های 84 تا 89 فهمیده میشود فعالان کفر مالکیت زمین و ربوبیت خدا نسبت به آسمانها و اداره امور وفرماندهی مطلق او و پناهگاه همه بودن و پناهگاهی برای او متصور نبودن را برای خداوند قبول نداشتند .

از آیات 93 تا 98 فهمیده میشود آنحضرت (بدون اینکه بصورت دعا به زبان آورده باشد) آرزو کرده بود کاش عذاب الهی بر مخالفانش نازل میشد و کار رسالتش آسان تر پیش میرفت ، که این آیات بر او نازل شد و او را محترمانه ( از حتی فکر کردن به این چیز ها) بر حذر داشت و تلویحا حتی فکرکردن به این چیزها را (البته درسطح پیامبرانه ، و نه در سطح ما آدمهای معمولی) ظلم ، و نیز از وساوس شیطانی، قلمداد فرمود .

**5 – زاویه با تفاسیر رایج**

مطلبی که تحت عنوان «این «بزودی» چه وقت است؟» در بخش شرح مختصر آمده، مربوط به تیتر فوق است که به علت طولانی بودنش در آنجا قرار داده شده است.

**6 - پیشگوئی های تحقق یافته**

سه بار تکرار و تاکید در سه جائی که «سیقولون» را بکار برده که ناظر به تغییر اعتقاداتشان پس از فتح مکه است (آیه های 85 و 87 و 89) پیشگوئیِ صریح است دایر بر اینکه بزودی عقاید آنها در جهت اصلاح عوض خواهد شد ، و شد.

**7 - کلید های تفسیری**

**پرانتزها :** آیه 95 فرع بر دو آیه 93 و 94 است.

**ریز کردن پاراگراف تا حد امکان :**

**1**

**وَهُوَ الَّذِي أَنشَأَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ ﴿78﴾ وَهُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿79﴾ وَهُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ وَلَهُ اخْتِلَافُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿80﴾**

**درس: پيامبران با مردمي مواجه بودند که از خداوند وآيات و الطافش غفلت داشتند و آخرت و پيامبران را تکذيب ميکردند و در نتيجه در دو جهان زيانکار گشتند.**

**درب: ذکر نمونه ای از آیات و الطاف الهی**

**2**

**بَلْ قَالُوا مِثْلَ مَا قَالَ الْأَوَّلُونَ ﴿81﴾ قَالُوا أَئِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَئِنَّا لَمَبْعُوثُونَ ﴿82﴾ لَقَدْ وُعِدْنَا نَحْنُ وَآبَاؤُنَا هَذَا مِن قَبْلُ إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿83﴾**

**درس: پيامبران با مردمي مواجه بودند که از خداوند وآيات و الطافش غفلت داشتند و آخرت و پيامبران را تکذيب ميکردند و در نتيجه در دو جهان زيانکار گشتند.**

**درب: ذکر گوشه ای از مواردِ تکذیبی**

**3**

**قُل لِّمَنِ الْأَرْضُ وَمَن فِيهَا إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿84﴾ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿85﴾ قُلْ مَن رَّبُّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ﴿86﴾ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿87﴾ قُلْ مَن بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿88﴾ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ فَأَنَّى تُسْحَرُونَ ﴿89﴾**

**درس: پيامبران با مردمي مواجه بودند که از خداوند وآيات و الطافش غفلت داشتند و آخرت و پيامبران را تکذيب ميکردند و در نتيجه در دو جهان زيانکار گشتند.**

**درب: ای پیامبر! با توجه به این محورها در رفع خطاهای فکری شان بکوش.**

**4**

**بَلْ أَتَيْنَاهُم بِالْحَقِّ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿90﴾ مَا اتَّخَذَ اللَّهُ مِن وَلَدٍ وَمَا كَانَ مَعَهُ مِنْ إِلَهٍ إِذًا لَّذَهَبَ كُلُّ إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ وَلَعَلَا بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿91﴾ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿92﴾**

**درس: پيامبران با مردمي مواجه بودند که از خداوند وآيات و الطافش غفلت داشتند و آخرت و پيامبران را تکذيب ميکردند و در نتيجه در دو جهان زيانکار گشتند.**

**درب: ذکر یک استدلال در جهت اصلاح خطای فکری کفارِ آن روزها.**

**5**

**قُل رَّبِّ إِمَّا تُرِيَنِّي مَا يُوعَدُونَ ﴿93﴾ رَبِّ فَلَا تَجْعَلْنِي فِي الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿94﴾ وَإِنَّا عَلَى أَن نُّرِيَكَ مَا نَعِدُهُمْ لَقَادِرُونَ ﴿95﴾ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةَ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ ﴿96﴾ وَقُل رَّبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ ﴿97﴾وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَن يَحْضُرُونِ ﴿98﴾**

**درس: پيامبران با مردمي مواجه بودند که از خداوند وآيات و الطافش غفلت داشتند و آخرت و پيامبران را تکذيب ميکردند و در نتيجه در دو جهان زيانکار گشتند.**

**درب: ای پیامبر! خود را چنین حفظ کن.**

**8 - آیات برجسته این پاراگراف**

در این پاراگراف آیه ای که به تیتر فوق مربوط باشد آیه 91 است و نکته برجستگیِ آیه، استدلالی است که در آن است که در کل قرآن تقریبا تک است : إِذًا لَّذَهَبَ كُلُّ إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ وَلَعَلَا بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ

**9 - آیات مشکل**

**قُل لِّمَنِ الْأَرْضُ وَمَن فِيهَا إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿84﴾ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿85﴾ قُلْ مَن رَّبُّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ﴿86﴾ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿87﴾ قُلْ مَن بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿88﴾ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ فَأَنَّى تُسْحَرُونَ ﴿89﴾وَقُل رَّبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ ﴿97﴾وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَن يَحْضُرُونِ ﴿98﴾**

مشکل بودن آیه های فوق از آنجا فهمیده میشود که ببینیم تفاسیر چقدر در تفسیرشان اختلاف کرده اند، و البته بهتر است بدانید که ما در اثر متکی بودن به ترتیب نزول و تشخیص پرانتزها و درب و درب در فهم معنی آنها مشکلی نداشتن و به سهولت درک کرده ایم.

**10 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

1 - ذکرگوشه­ای از آیات و الطاف الهی و نیز نمونه­ای از برخورد های کافرانه

2 – توصیه های ارشادی به آنحضرت دایر بر تحليل و ردّ مولفه هاي فکري کافران و مدارا با آنان و پناه بردن به خداوند از شرور متصور .

**11 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

غیر از آیه های 78 تا 83 و 92 ، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است.

**شرح مختصر**

**این «بزودی» کی است؟**

در سوره تکاثر ذیل کلمه «سیعلمون» عرضی کرده ایم که «بزودی خواهند دانستِ» مذکور پس از فتح مکه که همگی مسلمان شدند ، است و «علمِ» مذکور در کلمه سیعلمون نیز «علم حاصل از ایمان» بوده است .

در اینجا نیز همان حالت برقرار است و پس از فتح مکه همگی این اعتقادات را که جوابش «لِللاه» های سه گانه این پاراگراف است خواهند داشت و این واضح است و «سَ» (= بزودی) مورد بحث نیز اشاره به همان دارد ، یعنی به زمان فتح مکه .

اما المیزان فرموده که در همان موقع که این سوال از آنها میشد این جواب را میدادند ، یعنی اینکه کافران در همان موقعِ طرح سوال چنین عقیده ای را داشتند .

البته این هم از آن فرمایشات است و اگر کسی بگوید پس آنها چه کافری بودند که اینهمه اعتقادات صحیح راجع به خداوند داشتند معلوم نیست المیزان چه جوابی میداشت .

بله ، «سیقولون لله» های سه گانه همگی «پرانتزی» است زیرا اگر چشم خویش را بر آنها ببندیم و قبل و بعد آنها را وصل کنیم خواهیم دید روال سخن صاف و یکدست خواهد بود .

دلیل دیگر دال بر اینکه جواب کفار در آن لحظه آن نبوده ، این است که در ابتدای آیه 12 سوره انعام که می فرماید «قل لمن مافی السماوات والارض قل لله...» همین سوال هست و در جوابش هم هیچ قرینه ای نیست که جواب تقریریِ «لِله» مورد قبول کافران باشد ، بلکه روال کلام نشان دهنده عکس آن است .

البته از این نوع مثال ها زیاد است و ما قصد رعایت اختصار را داریم .

قاعدتا المیزان باید این نظر را از متقدمان یا منابع روائی اخذ کرده باشد و استدلال ماهم مقابل شماست و یستمعون القول و یتبعون احسنه را هم که حتما خودتان می فرمائید .

**سیقولون لله**

بگو اگر ميدانيد (برايم توضيح دهيد) زمين و هر کس که در آن است متعلق به کيست؟ (84) بزودي خواهند گفت متعلق به خداوند است . بگو پس چرا پند نمي گيريد؟ (85) بگو پروردگار آسمانهاي هفتگانه و پروردگار آن عرش بزرگ کيست؟ (86) بزودي خواهند گفت مال خداست . بگو پروا نميکنيد؟ (87) بگو سررشته همه امور بدست کيست که پناه ميدهد و كسي عليه او پناهگاهي ندارد؟ (88) بزودي خواهند گفت خداست . بگو از کجا افسون شده ايد؟ (89) (نه) بلکه حق را به آنها ارائه کرده ايم و آنها دروغگويند (90)

اگر موارد پرانتزی را مشخص کنیم متن فوق به شکل زیر در می آید :

بگو اگر ميدانيد (برايم توضيح دهيد) زمين و هر کس که در آن است متعلق به کيست؟ (84) بزودي خواهند گفت متعلق به خداوند است . بگو پس چرا پند نمي گيريد؟ (85) بگو پروردگار آسمانهاي هفتگانه و پروردگار آن عرش بزرگ کيست؟ (86) بزودي خواهند گفت مال خداست . بگو پروا نميکنيد؟ (87) بگو سررشته همه امور بدست کيست که پناه ميدهد و كسي عليه او پناهگاهي ندارد؟ (88) بزودي خواهند گفت خداست . بگو از کجا افسون شده ايد؟ (89) (نه) بلکه حق را به آنها ارائه کرده ايم و آنها دروغگويند (90)

اما المیزان فرموده که در همان موقع که این سوال از آنها میشد این جواب را میدادند ، یعنی اینکه کافران در همان موقعِ طرح سوال چنین عقیده ای را داشتند .

البته این ادعا بطور واضح خطاست ، زیرا :

1 – بنابر آیه 87 سوره زخرف [ولئن سالتهم من خلقهم لیقولنّ الله] (که با بهترین تقریب دو سال قبل از این سوره نازل شده) کافران مکه در باره آفرینش خودهاشان (یا شرکائی که برای خداوند قائل بودند) این عقیده را داشتند که خداوند آفریدگار آنهاست و اگر بیش از این اعتقاد داشتند (آنهم به آن زیادیی که در این پاراگراف مطرح است) قرآن به عنوان احتجاج ذکر میکرد .

2 – از آیه 12سوره انعام که شبیه یکی از همین مطالب را دارد [قل لمن ما فی السموات و الارض قل لله] معلوم میشود که آنها در باره اینکه مالکیت آسمانها و زمین با چه کسی است ، (برعکس ادعای المیزان) این عقیده را ندانشتند ، زیرا به پیامبر (ص) تقریر میکند که بگو خدا چنان موقعیتی دارد . والبته بهتر است بدانیم که سوره انعام حد اکثر سه سال بعد از سوره زخرف نازل شده)

3 – هیچ قرینه قرآنی نمیتوان پیدا کرد که نشان دهد کافرانِ آن روزها چنین عقیده ای داشتند .

4 – علمای ملل و نحل هم چنین چیزی نگفته اند و اگر گفته بودند تا کنون بما میرسید .

5 - اگر کسی بگوید پس آنها چه کافری بودند که اینهمه اعتقادات صحیح راجع به خداوند داشتند و در اینصورت پیامبر با کافرانی به این خوش اعتقادی چه مشکلی داشت ، معلوم نیست المیزان چه جوابی میداشت .

6 – اساسا خود کفار اگر صاحب چنین اعتقاداتی بودند چرا به آن حضرت اعتراض نکردند که آقا ماکه خودمان همه این حرفها را قبول داریم پس . . . . ؟ و اگر چنین اعتراضی میکردند بما میرسید .

7 – آن تفسیر ارجمند در سوره تکاثر ، «س» (= بزودی) در «سیعلمون» را به هنگام مرگ شخص و پیدایش قیامت معنی کرده ، ودر اینجا به زمانی بسیار کوتاه (در حدّ صفر) این تفاوت عظیم در معنی کردن چقدر موجه است ؟

8 – اساسا اگر اینطور که المیزان گفته ، بوده باشد ، تکلیف سخن خداوند چه میشود که فرموده «بزودی» ؟

9 – تکلیف آیه 90 با این بیان آن تفسیر چه میشود؟

بله ، **«سیقولون لله» های سه گانه فوق همگی «پرانتزی» است** زیرا اگر چشم خویش را بر آنها ببندیم و قبل و بعد آنها را وصل کنیم خواهیم دید روال سخن صاف و یکدست خواهد بود .

**جدید**

در آیات 84 تا 89 نوع جدیدی از محاجه و استدلال را (با توجه به ترتیب نزول) برای اولین بار در این سوره می­بینیم که چنانکه بعداً ملاحظه خواهید کرد ، کراراً در قرآن کریم مورد استفاده قرار خواهد گرفت .

**آیات آشنا**

در آیه­های 91 و 92 نیز بعضی از صفات ثبوتیه و سلبیه خداوند ذکر شده که با آنها در سوره­های قبل آشنا شده­ایم.

مثلاً مطلب آیه 91 در سوره توحید آمده و در اینجا در خود آیه ، شرحی هم به آن افزوده ، ( که نتیجه چنین اعتقاد غلطی چیست و چون آن نتیجه را احســـاس نمی­کنید پس بدانید که اساساً آن حالت وجود ندارد)

**حالت کلی آیات 93 تا 98**

روح حاکم بر کل آیات فوق «توصیه ارشادی» به پیامبر(ص) است بطوریکه دو «قل» و یک «ادفع» در 6 آیه دارد یعنی بطور متوسط ، هر دو آیه ، بار یک «توصیه ارشادی» را به دوش می­کشد .

**تأدیب صمیمانه**

آیات 98-93 که آموزش و تأدیب رسول اکرم(ص) باشد، با تعدادی «بگو» شروع می­شود.

این «بگو»ها برعکس «بگو»های قبلی ، که هم می­توانست «به خویش بگو» و هـــم می­توانست «به مردم بگو» باشد، در اینجا فقط با حالت «به خویش بگو» متناسب است و لذا نوعی تأدیب و آموزش نزدیک و صمیمانه است و در مجموع پناه بردن به خداوند است مانند همان «بگو»هائی که در سوره­های ناس و فلق دیدیم .

**خُلق خوش محمدی**

در آیه 96 نکته ظریفی هست که به فهم آیات قبل و بعد خویش کمک می­کند.

در آن آیه یک فن آموزشی به پیامبر یاد می­دهد که همان یک فن برای تبدیل جهان به گلستان کافی است .

اگر کسی به آدمی بدیی کرد، آدمی می­تواند این کارها را بعنوان پاسخ انجام دهد:

1- در صورتیکه قدرت داشته باشد و ضرری متوجهش نشود جوابی به او بدهد که از اصل کار او شدیدتر و بدتر باشد.

2- در صورتِ وجودِ همان شرایط قبلی، جوابی به او بدهد که شدت آن مساویِ شدت اصلِ کار او باشد.

3- در صورت وجود همان شرایط، اصلاً جوابی به او ندهد.

4- «بدی» را با «نیکی» جواب دهد.

چیزی که فعلاً در جهان ما رایج است، حالت اول است.

البته از نظر عقلا حالت اول پسندیده نیست زیرا حالت رقابت و کینه­ای که نتیجه این نوع رفتار است، آنها را دچار یک دور تمام نشدنی از عمل و عکس­العمل انتقام و انتقام مجدد می­کند که هرگز روی آرامش را نخواهند دید.

حالت دوم، بنظر عقلا بهتر است و اگر کسی بتواند پاسخ دهد و در پاسخ بیش از آنچه ضرر دیده ضرر نزند عقلاً ممدوح و پسندیده و معقول است و البته این حالت، سبب تحریک دشمنی­های جدیدی هم نمی­شود و اگر هم بشود ضعیف و قابل کنترل است. اما حالت سوم، نزد همگان پسندیده است و سبب خشک شدن حالت دشمنی و تمام شدن غائله خواهد شد.

اما حالت چهارم را کسی سراغ ندارد. وقوع این نوع عکس­العمل را چه کسی در کجا بیاد دارد؟

اگر این نوع عکس­العمل (البته در محل مناسب خویش) وجود و وقوع پیدا کند، کسی که در ابتدا متعرض شده و بدی کرده و ضرر رسانده، از زور خجالت نمی­تواند سرش را بلند کند و تصور تکرار عمل خویش را هم نخواهد کرد.

خداوند در اینجا به پیامبر(ص) توصیه­ای می­کند که انگار پیامبر طبیب است و کافران بیمار (که واقعاً هم همینطور است) آیا اگر بیماری نسبت به طبیب خویش اسائه ادبی کند، طبیب با او مقابله شدیدتر، یا مقابله به مثل، یا سکوت، یا ادامه معالجه، کدامیک را انجام خواهد داد؟ و کدام بهتر است؟

خداوند تلویحاً به پیامبرش می­فهماند درست است که اینها چنین رفتارهای زشتی (مانند کفر و تکذیب و گناهان و جلوگیری از هدایت مردم و ...) دارند اما مریض (فکری) هستند و تو باید آنها را درک کنی و مانند بیمار با آنان برخورد کنی و بدی آنها را با خوبی نسبت به آنها پاسخ دهی .

واقعاً هم پیامبر اکرم(ص) چنین بود و چنین کرد ، وگرنه ، روز فتح مکه اگر همه را به شمشیر می­بست چه کسی ملامتی می­کرد؟ و اگر هم همه را به شمشیر نمی­بست لااقل سران و بزرگان جامعه کفر را می­باید به شمشیر می­بست ، اما این کار را هم نکرد بلکه به آنها لطف خاصی هم کرد و از غنایم جنگی که بزودی واقع شد ، سهم بزرگی هم به آنان داد.

**جمع بندی و تفسیر**

**و هموست که براي شما گوش و چشمها و دلها قرار داد چه كم شکر مي گذاريد (78) و هموست که شما را در زمين گستراند و بسوي او محشور خواهيد شد (79) و هموست که زنده ميکند و ميميراند و جايگزيني شب و روز هم از اوست. آيا تعقل نمي کنيد (80)** (نه) **بلکه همان چيزي را ميگويند که قبلي ها گفتند (81)** (آنها هم می) **گفتند آيا وقتيکه مرديم وخاک و استخوان شديم ، برانگيخته ميشويم؟ (82) چه بما و چه به نياکان ما همين وعده داده شده . اين ها جز افسانه هاي پیشینیان نيست (83)** **بگو اگر ميدانيد** (برايم توضيح دهيد) **زمين و هر کس که در آن است متعلق به کيست؟ (84)** {بزودي خواهند گفت متعلق به خداوند است} **بگو پند نمي گيريد؟ (85) بگو پروردگار آسمانهاي هفتگانه و پروردگار آن عرش بزرگ کيست؟ (86)** {بزودي خواهند گفت مال خداوند است} **بگو پروا نميکنيد؟ (87) بگو سررشته همه امور به دست کيست که پناه ميدهد و كسي عليه او پناهگاهي ندارد؟ (88)** {بزودي خواهند گفت مربوط به خداوند است} **بگو از کجا افسون شده ايد؟ (89)** (نه) **بلکه حق را به آنها ارائه کرده ايم و آنها دروغگويانند (90)** {خداوند هيچ فرزندي برنگرفته و با او هيچ خدائي نيست {{و اگر چنين بود، هر خدايي آفريده هاي خود را ميبرد، و بعضي از آنها بر بعضي ديگر برتري ميجستند}} خداوند از آنچه توصيف ميکنند منزه است} (91) {داناي پيدا و نهان است و از آنچه با او شريک مي کنند بالاتر است} (92) **بگو خدايا اگر آنچه را که به آنان وعده ميدهي بمن بنمائي ، (93) در آنصورت خدايا مرا جزء ظالمان قرار مده (94)** {و البته ما قادريم آنچه را که به آنانوعده ميدهيم نشانت دهيم} (95)[پس] **بدي را بوسيله آنچه بهتر است دفع کن . ما بهتر ميدانيم آنها** [ در باره ما] **چه وصفي ميکنند (96) و بگو پروردگارا از بدگوئيهاي شياطين بتو پناه ميبرم (97) و نیز از اينکه نزدم حاضر شوند نیز بتو پناه ميبرم (98)**

**مومنون5 آیات99تا114**

**حَتَّى إِذَا جَاء أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ ﴿99﴾ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِن وَرَائِهِم بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿100﴾ فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءلُونَ ﴿101﴾ فَمَن ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُوْلَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿102﴾ وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُوْلَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ ﴿103﴾ تَلْفَحُ وُجُوهَهُمُ النَّارُ وَهُمْ فِيهَا كَالِحُونَ ﴿104﴾ أَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي تُتْلَى عَلَيْكُمْ فَكُنتُم بِهَا تُكَذِّبُونَ ﴿105﴾ قَالُوا رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ ﴿106﴾ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنْ عُدْنَا فَإِنَّا ظَالِمُونَ ﴿107﴾ قَالَ اخْسَؤُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونِ ﴿108﴾ إِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ ﴿109﴾ فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سِخْرِيًّا حَتَّى أَنسَوْكُمْ ذِكْرِي وَكُنتُم مِّنْهُمْ تَضْحَكُونَ ﴿110﴾ إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ ﴿111﴾ قَالَ كَمْ لَبِثْتُمْ فِي الْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ ﴿112﴾ قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ فَاسْأَلْ الْعَادِّينَ ﴿113﴾ قَالَ إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا لَّوْ أَنَّكُمْ كُنتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿114﴾ أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ ﴿115﴾ فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ ﴿116﴾ وَمَن يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِندَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ ﴿117﴾ وَقُل رَّبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ ﴿118﴾**

**و وقتيکه مرگ يکي از این کافران سر ميرسد ميگويد پروردگارا مرا برگردان (99) شايد در آنچه بجا گذاشته ام کار شايسته اي کنم ، نه! هرگز چنين نخواهد شد بلکه حرفي است که اینها ميزنند و از پسِ مرگِ آنها فاصله زمانیی است تا روزي که برانگيخته شوند (100) پس آنگاه که در آن شيپور دميده ميشود بين آنها نه پيوندي خواهد بود و نه از يکديگر احوالی می پرسند (101) و هر کس که موازين او سنگين باشد رستگار خواهد بود (102) و هر کس که موازينش سبک باشد از کساني است که خويش را به خسران افکنده و در جهنم جاودان خواهد بود (103) آتش صورتهايشان را برشته ميکند و در آنجا زشترو خواهند بود (104) به آنها خطاب میشود آيا آياتم بر شما خوانده نشد؟ و تکذيبش نميکرديد؟ (105) ميگويند پروردگارا بدبختي مان بر ما غالب شد و ما گمراه بوديم (106) پروردگارا از آن خارجمان کن پس اگر به همان کارها بازگشتيم ، پس ديگر واقعأ ظالم هستيم (107) جواب می شنوند که در آن جایگاهی که شایسته تان است وارد شويد و با من سخن مگوييد (108) همان موقع که شما کفر ميورزيديد و به گناه مشغول بوديد عده اي از بندگانم ميگفتند پروردگارا ايمان آورده ايم ، ما را بيامرز، و بما رحمت روا دار ، و تو بهترين مهربانان هستي (109) و شما آنها را به مسخره ميگرفتيد ، آنقدرکه پندهایم را فراموش کرديد و به آنها مي خنديديد (110) امروز به آنان ، بسبب صبري که ميکردند ، پاداش ميدهم و آنها حتمأ كاميابند (111) در آغاز قیامت پرسشگری می پرسد چند سال در زمين درنگ کرده ايد؟ (112) گويند روزي يا قسمتي از آن ، از شمارشگران بپرسيد (113) یکی دیگر گويد جز مقدار کمي درنگ نکرديم ، کاش ميدانستيم (114) ای مردم! آيا فکر کرده ايد شما را بيهوده آفريده ايم و بسوي ما باز نميگرديد؟ (115) والامرتبه است خداوند ، که فرمانرواي حق است ، خداوندي جز او نيست ، که پروردگار آن عرش ارجمند است (116) کسي که با خداوند خدائي ديگر را نيز بخواند ، دليلي براي آن ندارد والبته حساب او نزد پروردگارش است که او کافران را رستگار نمي کند (117) و بگو پروردگارا ، بيامرز و رحم کن که تو از همه مهربانتري (118)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: پيامبران با مردمي مواجه بودند که از خداوند وآيات و الطافش غفلت داشتند و آخرت و پيامبران را تکذيب ميکردند و در نتيجه در دو جهان زيانکار گشتند.**

**درب: در قيامت چشم کافران باز مي شود و در آن هنگام نتيجه فکر و عمل خويش را مي بينند و لذا ای مردم! در آفرینش، و در خودهاتان، و در دلیل­هاتان بازاندیشی کنید .**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 مؤمنان را مژده میدهد که وارث فردوس می­باشند و در آن جاودان خواهند بود . به عبارت دیگر خداوند دارد به آن دسته از مسلمانان که استعداد بیشتری برای صعود درنردبان فضیلت ومعنویت دارند ، «برنامه» ای برای خودسازی و«ورزش معنوی» میدهد و مراحل قبلی و بعدی آفرینش انسان­ها را به اشاره به یاد می آورد که ببینید درآفرینش شما چه ظرائف ودقایقی بکاررفته ! اینها را ازپروردگارتان دارید ، آیا سزاست به توصیه های همان پروردگار (که بـه نفعتان هم هست) بی اعتنائی کنید؟ و فرستاده اش راتکذیب نموده ، و نامهای ناصحیح بر او بگذارید ؟ و نیز برخی از نعمت­هایی که همه انسـان­ها مستمرا از آن استفاده می­کنند (بطوری که عادتشان شده) را یادآوری فرموده ، با این زمینه که ای انسان ها ! خداوند همان کسـی است که اینهمه آیات ونعمتها را از او دارید ، آیا آن رفتارها نسبت به فرستاده اش سزا است؟

در پاراگراف2 می فرماید : ای کافران! درصورتی که میخواهید آن چیزهائی راکه باید به آنها توجه کنید مورد بی اعتنائی قراردهید ممکن است به عاقبتی دچارشوید که قوم نوح و اقوام برخی پیامبران دیگر دچارش شدند. و ضمنا به پیامبر میفرماید دنبال پیشرفت امور رسالتت بطور معجزه آسا نباش ، امت­های سابق هم راه تفرقه پیمودند ، لذا فعلا مخالفانت را به حال خویش واگذار .

در پاراگراف 3 می فرماید : برخورداری از مواهب مادی لزوماً به معنی لطف الهی نیست ، اما واجد بودن این صفات (ی که در این پاراگراف ذکر شده) قطعاً به معنی لطف الهی هست ، ولی این کافران غافلند که تکالیف دین مطابق وسع آدمی اســــت ودرآخرت کاملامطابق ضابطه با انها رفتارخواهد شد اما مخالفت بیجامیکنند و اینهمه کرّ و فرّ و ادعا نشان میدهند ولی به اندک عذابی صدای سوزناک ناله ها یشان در می آید ، و اینها از همه لحاظ پیامبر(ص)را قبول دارند اما نمیتوانند تعالیم او را بپذیرند زیرا با منافع سرانشان درتضاد است لذا ای پیامبر! فعلا باید با اینها کجدار و مریز کنی تا وقتیکه معادلات بین تو وآنان تغییری کند .

در پاراگراف 4 می فرماید : ای پیامبر! اینها ،اینهمه لطف و نعمت را می­بینند ، ولی بجای شکر ، کفر و تکذیب می­کنند ، و به جائی رسیده اند که هیچ سخن حقی بــه خوردشان نمی رود ، و تو ای پیامبر با کفار در مورد اعتقادات اصلیت وارد گفتگوی استدلالی شو و بهترین موقعیت را در مسیر ایفاء رسالت خویش دریاب .

در این پاراگراف می فرماید : ای کافران! به نتیجه حتمی روش زندگی­تان بیاندیشید و به راه صحیح بازگردید و ای پیامبر! با توجه به اینکه عاقبت شرک و کفر این است، برای قومت رفع مانع وصول به حق و وصول به رحمت پروردگار را طلب کن .

**3 - سوالات**

1 - «کم» (آیه115) خطاب به کیست؟

2- چه سابقه ای از موضوع آیه115 درسوره های قبل دارید؟

3- چرا خداوند از میان صفات خویش در اینجا خود را به این دو صفت (انتهای آیه های116و 118) معرفی فرموده؟

4- برای « **وَمَن يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ** » چه سابقه ای درهمین سوره سراغ دارید؟

5- «قل» (آیه118) ازکدام نوع است؟ (به خویش بگو؟ به مردم بگو؟ هر دو؟ یا....؟)

6 – با توجه به اینکه «رب اغفر و ارحم» مقید به قیدی نیست ، معنی اش چه میتواند باشد ؟ (نظر لطف و رحمتت را بر همگان ثابت بدار؟ تلقین به پیامبر که با اینها طوری رفتارکن که انگاربزودی موردمغفرت ورحمت قرارخواهند گرفت؟ یا . . ؟)

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

حالت کلی سخن در آیه های 115 تا 118 این است که ای پیامبر ! بالاخره ، هرچه باشد ، این کافران نه درحالتی هستند که امید هدایتشان را داشته باشی ، نه درحالتی هستند که به عذاب هلاکــت دستجمعی دچارشوند ، لذا باید صبرو مدارا وکجدار و مریز کنی تا شرایط تغییرکند ، لذا برای آنها استغفار و استرحام کن .­­­­­­­­

**5 - کلید های تفسیری**

**اصلی-فرعی :**

1 – در آیه 100 از کلمه «کلّا» ، «پرانتزی» و همچنین تغییر مخاطب هم هست ،

2 – آیه های 102 و 103 «پرانتزی» است .

3 – در آیه 105تغییر مخاطب اتفاق افتاده است .

4 – همچنین است در آیه 108 .

5 – همچنین در آیه 112 .

**ریز کردن پاراگراف تا حد امکان :**

**1**

**حَتَّى إِذَا جَاء أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ ﴿99﴾ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِن وَرَائِهِم بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿100﴾**

**درس: پيامبران با مردمي مواجه بودند که از خداوند وآيات و الطافش غفلت داشتند و آخرت و پيامبران را تکذيب ميکردند و در نتيجه در دو جهان زيانکار گشتند.**

**درب: ای مردم! پس از مرگ (که برای همه پیش می آید) با این حسرت چه میکنید؟**

**2**

**فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءلُونَ ﴿101﴾ فَمَن ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُوْلَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿102﴾ وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُوْلَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ ﴿103﴾ تَلْفَحُ وُجُوهَهُمُ النَّارُ وَهُمْ فِيهَا كَالِحُونَ ﴿104﴾ أَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي تُتْلَى عَلَيْكُمْ فَكُنتُم بِهَا تُكَذِّبُونَ ﴿105﴾ قَالُوا رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ ﴿106﴾ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنْ عُدْنَا فَإِنَّا ظَالِمُونَ ﴿107﴾ قَالَ اخْسَؤُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونِ ﴿108﴾ إِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ ﴿109﴾ فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سِخْرِيًّا حَتَّى أَنسَوْكُمْ ذِكْرِي وَكُنتُم مِّنْهُمْ تَضْحَكُونَ ﴿110﴾ إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ ﴿111﴾**

**درس: پيامبران با مردمي مواجه بودند که از خداوند وآيات و الطافش غفلت داشتند و آخرت و پيامبران را تکذيب ميکردند و در نتيجه در دو جهان زيانکار گشتند.**

**درب: ای مردم! پس از برزخ و ورود به قیامت کجای این تابلو قرار خواهید گرفت؟**

**3**

**قَالَ كَمْ لَبِثْتُمْ فِي الْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ ﴿112﴾ قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ فَاسْأَلْ الْعَادِّينَ ﴿113﴾ قَالَ إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا لَّوْ أَنَّكُمْ كُنتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿114﴾**

**درس: پيامبران با مردمي مواجه بودند که از خداوند وآيات و الطافش غفلت داشتند و آخرت و پيامبران را تکذيب ميکردند و در نتيجه در دو جهان زيانکار گشتند.**

**درب: ای مردم! قیامت فوق العاده نزدیک است.**

**4**

**أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ ﴿115﴾ فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ ﴿116﴾ وَمَن يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِندَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ ﴿117﴾**

**درس: پيامبران با مردمي مواجه بودند که از خداوند وآيات و الطافش غفلت داشتند و آخرت و پيامبران را تکذيب ميکردند و در نتيجه در دو جهان زيانکار گشتند.**

**درب: ای مردم! راجع به خداوند چه فکر کرده اید؟**

**5**

**وَقُل رَّبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ ﴿118﴾**

**درس: پيامبران با مردمي مواجه بودند که از خداوند وآيات و الطافش غفلت داشتند و آخرت و پيامبران را تکذيب ميکردند و در نتيجه در دو جهان زيانکار گشتند.**

**درب: ای پیامبر! با این مردم کجدار و مریز کن و از خداوند کمک به هدایت شان را بخواه.**

**6 - آیات برجسته این پاراگراف**

**حَتَّى إِذَا جَاء أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ ﴿99﴾ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِن وَرَائِهِم بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿100﴾**

**أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ ﴿115﴾**

برجستگی هر سه آیه فوق از لحاظ کثرت استفاده هنری از آنها در تابلوهای خوشنویسی و نیز کاشیکاری در مساجد و معابد است و آیه 100 علاوه بر آن برای وضوح بر وجود عالم برزخ است که از پس از موت تا وقوع قیامت را شامل میشود.

**7 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

1 - در قيامت چشم کافران باز مي شود و در آن هنگام نتيجه فکر و عمل خويش را مي بينند .

2 - ای مردم! در آفرینش، و در خودهاتان، و در دلیل­هاتان بازاندیشی کنید .

**8– کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

غیر از آیات 101 تا 103 و 105 و 112 تا 118 ، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**آیات آشنا**

در این پاراگراف به مرگ و پس از مرگ و برانگیختگی در قیامت اشاراتی شده است که نوعاً برایمان آشناست و رد پاهائی از آنها را در سوره­های سابق داریم . مثلاً :

آیه 99 آرزوی هر آدم بدکاری است که به دنیا برگردد زیرا زندگی برای آنها شیرین و مرگ هولناک است .

موضوع آیه 100 اشاره به عالم برزخ دارد .

آیه 101 در سوره­های عبس و معارج به وضوح مطرح شده است و موضوع «شیپور» زیاد و مکرر مورد اشاره قرار گرفته است .

آیه­های 102 و 103در همان اوایل نزول وحی در سوره قارعه بطور واضح و آنچه در آیه 103 آمده در حقیقت تلفیق و ترکیبی است از مطالب سوره­های قارعه ، عصر ، شمس ، و تین .

آیه 104 جدید است اما خود آتش جدید نیست .

موضوع آیات 105 تا 111 جدید است و آن شرح حالتی است که آنها در قیامت دارند و زمانی است که واقعیتها روشن شده و برای آنها معلوم شده است که چه آینده­ای خواهند داشت .

آیه 105 اولین واکنش آنها است که بخشش بدون قید و شرط می­خواهند . در آیه 106 پس از یأس از آن قسمت، سعی می­کنند بهانه­تراشی کنند . درآیه 107وقتی دیدند آنهم فایده­ای ندارد، سعی می­کنند معامله کنند . تا اینکه بالاخره می­فهمند هیچ راهی نیست و می­باید آن آینده­ای را که خودشان برای خویش ساخته­اند تحمل کنند، و اولین عذاب آنها همین درکشان راجع به همین واقعیت است .

آیات 114-112 مربوط به عالم برزخ است که تاکنون چندین بار در سوره­های قبل و همچنین در این سوره به آن اشاره شده است. «مربوط به برزخ بودنِ» سئوال از آنجا معلوم می­شود که در آیه 113 جواب می­دهند یک روز یا کمتر درنگ کردیم و این جواب به غیر از زندگیِ برزخی به چیز دیگری نمی­خورد .

علت ذکر چنین سئوال و جوابی هم می­تواند سرزنش کافران باشد که کاش می­دانستید که قیامت چقدر به شما نزدیک است و اگر می­دانستید اینطور رفتار نمی­کردید .

ضمناً همینجا قابل ذکر است که در آیه آخر سوره نازعات بحث مختصری راجع به اینکه «مدت عالم برزخ یکروز بلکه کمتر از آن است»، شده است.

**حکمت در آفرینش، و سپس میراندن، و آنگاه برانگیختن انسان**

راجع به موضوع تیتر فوق بحثی در پاراگراف انتهایی سوره قیامت عرض کرده­ایم که توصیه مراجعه به آن را داریم .

**جمع بندی و تفسیر**

**و وقتيکه مرگ يکي شان سر ميرسد ميگويد پروردگارا مرا برگردان (99) شايد در آنچه بجا گذاشته ام کار شايسته اي کنم** (نه) **هرگز** **چنين نخواهد شد بلکه حرفي است که ميزنند و از پسِ** (مرگِ) **آنها فاصله** (زمانیی) **است تا روزي که برانگيخته مي شوند (100) پس آنگاه که در شيپور دميده ميشود بين آنها نه پيوندي خواهد بود و نه از يکديگر احوال می پرسند (101)** {پس هر کس که موازين او سنگين تر باشد رستگار خواهد بود (102) و هر کس که موازين او سبک باشد از کساني است که خويش را به خسران افکنده و در جهنم جاودان خواهد بود}(103) **آتش صورتهايشان را برشته ميکند و در آنجا زشترو خواهند بود (104)** [ به آنها خطاب میشود] **آيا آياتم بر شما خوانده نشد؟ و تکذيبش نميکرديد؟ (105) ميگويند پروردگارا بدبختي مان بر ما غالب شد و ما گمراه بوديم (106) پروردگارا از آن خارجمان کن پس اگر** (به همان کارها) **بازگشتيم ، پس** (ديگر واقعأ) **ظالم هستيم (107) گويد در آن شويد و با من سخن مگوييد (108)** (همان موقع که شما کفر ميورزيديد و به گناه مشغول بوديد) **عده اي از بندگانم ميگفتند پروردگارا ايمان آورديم ، ما را بيامرز، و بما رحمت روا دار، و تو بهترين مهربانان هستي (109) و شما آنها را به مسخره ميگرفتيد ، آنقدرکه پندم را فراموش کرديد و به آنها مي خنديديد (110) امروز به آنان ، بسبب صبري که ميکردند ، پاداش ميدهم و آنها حتمأ كاميابند (111)** [ در آغاز قیامت پرسشگری ] **پرسد چند سال در زمين درنگ کرديد؟ (112) گويند روزي يا قسمتي از آن ، از شمارشگران بپرسيد (113)**  [یکی دیگر] **گويد جز مقدار کمي درنگ نکرديد . کاش ميدانستيد (114) آيا فکر کرده ايد شما را بيهوده آفريده ايم و بسوي ما بازنميگرديد؟ (115) والامرتبه است خداوند ، که فرمانرواي حق است ، خداوندي جز او نيست ، که پروردگار آن عرش ارجمند است (116) کسي که با خداوند خدائي ديگر را نيز بخواند ، دليلي براي آن ندارد والبته حساب او نزد پروردگارش است که او کافران را رستگار نمي کند (117) و بگو پروردگارا ، بيامرز و رحم کن که تو از همه مهربانتري (118)**

**سوره ابراهيم**

**﴿ بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾**

**الَر كِتَابٌ أَنزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ﴿1﴾ اللّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الأَرْضِ وَوَيْلٌ لِّلْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ شَدِيدٍ ﴿2﴾ الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الآخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا أُوْلَئِكَ فِي ضَلاَلٍ بَعِيدٍ ﴿3﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا مِن رَّسُولٍ إِلاَّ بِلِسَانِ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ فَيُضِلُّ اللّهُ مَن يَشَاء وَيَهْدِي مَن يَشَاء وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿4﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ ﴿5﴾ وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اذْكُرُواْ نِعْمَةَ اللّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ أَنجَاكُم مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ وَيُذَبِّحُونَ أَبْنَاءكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءكُمْ وَفِي ذَلِكُم بَلاء مِّن رَّبِّكُمْ عَظِيمٌ ﴿6﴾ وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ ﴿7﴾ وَقَالَ مُوسَى إِن تَكْفُرُواْ أَنتُمْ وَمَن فِي الأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ ﴿8﴾ أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَالَّذِينَ مِن بَعْدِهِمْ لاَ يَعْلَمُهُمْ إِلاَّ اللّهُ جَاءتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَرَدُّواْ أَيْدِيَهُمْ فِي أَفْوَاهِهِمْ وَقَالُواْ إِنَّا كَفَرْنَا بِمَا أُرْسِلْتُم بِهِ وَإِنَّا لَفِي شَكٍّ مِّمَّا تَدْعُونَنَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ ﴿9﴾ قَالَتْ رُسُلُهُمْ أَفِي اللّهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ يَدْعُوكُمْ لِيَغْفِرَ لَكُم مِّن ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرَكُمْ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى قَالُواْ إِنْ أَنتُمْ إِلاَّ بَشَرٌ مِّثْلُنَا تُرِيدُونَ أَن تَصُدُّونَا عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَآؤُنَا فَأْتُونَا بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ ﴿10﴾ قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِن نَّحْنُ إِلاَّ بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ وَلَكِنَّ اللّهَ يَمُنُّ عَلَى مَن يَشَاء مِنْ عِبَادِهِ وَمَا كَانَ لَنَا أَن نَّأْتِيَكُم بِسُلْطَانٍ إِلاَّ بِإِذْنِ اللّهِ وَعلَى اللّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿11﴾ وَمَا لَنَا أَلاَّ نَتَوَكَّلَ عَلَى اللّهِ وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا وَلَنَصْبِرَنَّ عَلَى مَا آذَيْتُمُونَا وَعَلَى اللّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ ﴿12﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُواْ لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُم مِّنْ أَرْضِنَآ أَوْ لَتَعُودُنَّ فِي مِلَّتِنَا فَأَوْحَى إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهْلِكَنَّ الظَّالِمِينَ ﴿13﴾ وَلَنُسْكِنَنَّكُمُ الأَرْضَ مِن بَعْدِهِمْ ذَلِكَ لِمَنْ خَافَ مَقَامِي وَخَافَ وَعِيدِ ﴿14﴾ وَاسْتَفْتَحُواْ وَخَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ ﴿15﴾ مِّن وَرَآئِهِ جَهَنَّمُ وَيُسْقَى مِن مَّاء صَدِيدٍ ﴿16﴾ يَتَجَرَّعُهُ وَلاَ يَكَادُ يُسِيغُهُ وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِن كُلِّ مَكَانٍ وَمَا هُوَ بِمَيِّتٍ وَمِن وَرَآئِهِ عَذَابٌ غَلِيظٌ ﴿17﴾**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**الف. ل. ر. این کتاب با عظمتی است که بسويت فرستاديم تا مردم را به فرمان پروردگارشان از تاريکيها بسوي نور بيرون آوري . بسوي جاده اي که به سوی آن پيروزمند ستوده است (1) همان خداوندي که آنچه در آسمانها و زمين است از آن اوست و واي بر کافران از عذابي شديد (2) همان کسانی که زندگيِ پست تر را بر آخرت ترجيح ميدهند و از راه خدا باز ميدارند و آنرا کج ميخواهند ، آنها در گمراهيي بوده و از حقیقت بسیار دور ميباشند (3) و هيچ پيامبري را جز به زبان قومش نفرستاديم تا برايشان حقایق را بيان کند . پس خداوند هر که را که لایق گمراهی باشد گمراه ميکند و هر که را خواهد هدايت ميکند و همو پيروزمند فرزانه است (4) و البته موسي را با آياتمان به ماموریت فرستاديم که قومت را از تاريکيها بسوي نور خارج کن ، و روزهاي خدا را به يادشان آر . که در اين البته براي هر صبر پيشهء شکر گزاري آياتي است (5) ای پیامبر! هنگامي را بیاد آر که موسي به قوم خويش گفت نعمتهاي خداوند را بر خويش بياد آوريد که شما را از فرعونيان نجات داد ، از همانها که بر شما عذاب سخت روا ميداشتند و پسرانتان را سر ميبريدند و زنانتان را زنده ميخواستند و در اينها از جانب پروردگارتان امتحاني بزرگ بود (6) و هنگامي که پروردگارتان اعلام کرد اگر شکر گزاري نموديد زيادتتان ميدهم و اگر کفران کرديد عذابم شديد خواهد بود (7) و موسي گفت اگر شما و هر که در زمين هست کفر ورزد البته خداوند بي نياز ستوده است (8) ای مردم! آيا خبر کساني که قبل از شما بوده اند بسوي شما نيامده است؟ خبر قوم نوح و عاد و ثمود و کساني که پس از آن ها بوده اند که جز خداوند کسي نمي شناسدشان، که پيامبرانشان با دلايل روشن بسويشان آمدند وآنها دستهايشان را به دهانهايشان بردند و با صدای رسا گفتند ما به آنچه شما راجع به آن فرستاده شده ايد کافريم ، و درباره آنچه که ما را به آن ميخوانيد در شک هستيم (9) پيامبرانشان گفتند آيا درباره خداوند که آفريننده آسمانها و زمين است شکي هست؟ که دعوتتان ميکند تا گناهانتان را ببخشد و تا مدتي معين مهلتتان دهد؟ گفتند شما جز بشري مانند ما نيستيد ، ميخواهيد ما را از آنچه پدرانمان عبادت ميکردند باز داريد . پس معجزه و دليلي روشن برايمان بياوريد (10) پيامبرانشان گفتند ما جز بشري مانند شما نيستيم وليکن خداوند بر هر کس از بندگانش که خواهد منت ميگذارد و ما را نميرسد که برايتان معجزه و دليلي جز به فرمان خدا بياوريم و مومنان بايد بر خداوند توکل کنند (11) و ما را نميرسد که جز بر خدا توکل کنيم و البته راهمان را بما نشان داد، اينك بر آنچه که شما آزارمان کنيد صبر خواهيم کرد و توکل کنندگان بايد به خدا توکل کنند (12) و کافران به پيامبرانشان گفتند يا به دين ما بر ميگرديد يا اينکه از سرزمينمان اخراجتان مي کنيم ولي خداوند بسوي آنان وحي کرد که البته ظالمان را هلاک خواهيم کرد (13) و شما را پس از آنان در آن سرزمين جاي خواهيم داد . اين براي کسي است که از مقامم و تهدیدم خوف دارد (14) و آنها بدنبال پيروزي بودند اما همه جباران ستيزه جو نابود شدند (15) از پس آن هلاکت جهنم است و در آن چرکابه اي خون آلود نوشانده ميشوند (16) جرعه جرعه از آن مينوشند و مايل نيستند با رغبت و به راحتي از آن بنوشند و از هر طرفي مرگ به سراغشان ميايد اما نميميرند و از پس آن عذابي پر غلظت خواهند داشت (17)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

تاکنون ، در چهار جلد قبلی این تفسیر ، در ابتدای پاراگراف اول هر سوره ، ذیل تیتر فوق ، لااقل دو جدول اول و آخر طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یا همان «درس» سوره) را می آوردیم ، اینک که خواننده محترم به اندازه کافی آنها را دیده ، و دانسته که طرز استخراج چگونه است ، به علت علاقه به رعایت اختصار ، دیگر جدول های مذکور را که دائما طولانی تر میشود ، ذکر نمیکنیم ، و اگر کسی بخواهد، میتواند همه آنها را در کتاب «راهنمای تحلیلی» ما (در سایت ما که در اول و آخر این کتاب معرفی کرده ایم) ببیند .

**درس: خداوند پيامبران و پيروانشان را پيروز و کافران را در دنيا مغلوب و در آخرت معذب ميکند.**

**درب: رفتار خداوند نسبت به مردم لطف­آمیز است اما اگر کفر ورزند ممکن است قهرآمیز گردد ، و اي پيامبر! بعضي اقوام گذشته نسبت به پيامبران نافرماني کردند و سعی کردند با آنان مقابله کنند اما مغلوب شدند و در آخرت معذب خواهند بود و دلگرم باش که کارت درست است و مخالفانت در گمراهيند .**

**2 - سوالات**

1 – منظور از «ا.ل.ر» (آیه1) چیست؟ (همان مطالبی که درمقدمه جلد1 تحت عنوان حروف مقطعه آمده؟ یا....؟)

2- با توجه به آیه1 ، ماموریت پیامبر(ص) چیست؟

3- «العزیزالحمید» (آیه1) صفت صراط است یا صفت صاحب آن؟

4- «باذن ربهم» (همان آیه) باکدام کلید تفسیر مطابقت دارد؟

6- چرا خداوند خود را به آن دو صفت آخر آیه4 (و یا بعلاوه دو صفت آخرآیه1) معرفی فرموده؟

7- درکدام قسمت فوق «عمد و اصرار و لجاجت کافرانه» به وضوح معلوم است؟

9- منظور از «یبین» (آیه4) چیست؟ (دقیق ومشروح بنویسید)

10- مانع اصلی پیامبر(ص) در ماموریتش چه بود؟

12- چرا خداوند در آیه4 ، از ضمیر«ما» (ارسلنا) استفاده نموده؟

13 – تنوینِ انتهای کلمه «کتاب» از چه نوع است؟ (تعظیم؟ تحقیر؟ یا...؟)

2- در آیه7 یک «قانون الهی» ذکر شده است . سوال این است که «قلمرو عمل» این قانون کجاست؟ (تک تک افراد بشر؟جوامع بشری؟) [جوابتان استدلالی ومتکی به آیات قرآن باشد]

3- چه شباهت اساسی بین ماموریت حضرت موسی(ع) و پیامبر ما (ص) هست؟

5- خداوند در اینجا ، هم ضمیر«من» و هم ضمیر «ما» بکاربرده ، چرا؟

6- منظور از «بلاء» (آیه6) چیست؟

7- عبارت « **وَمَن فِي الأَرْضِ جَمِيعًا** » (آیه8) با کدام کلید تفسیر مطابقت دارد؟

8 – در این پاراگراف منظور از نعمت اشاره شده و نیز بلاء چیست؟

9 – آیه 7 از زبان کیست ؟

10 – در آیه 7 ، منظور از «کفر» چیست ؟ (کفران نعمت؟ معنی مشهور کفر؟ یا. . ؟)

11 – چرا فرموده «لازیدنکم» و نفرموده «لازیدن نعمتکم ؟)

2- جمله « **وَالَّذِينَ مِن بَعْدِهِمْ لاَ يَعْلَمُهُمْ إِلاَّ اللّهُ**» (آیه9) مطابق کدام کلید تفسیر است؟

3- منظور از «سلطان» (آیه11) چیست؟

4- منظور از «الیهم» (آیه13) کیست؟

5 – در آیه 9 فرق شک و ریب چیست؟

6 – چرا پیامبران بر دو نکته ذکر شده در آیه 10 تاکید میکردند؟

7 –انگیزه کافران در کفرشان چه بوده؟

8 – شدت عمد و اصرار کافرانه از کدام موضع این پاراگراف فهمیده میشود؟

**3 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

مخالفان آنحضرت برخوردار و ثروتمند بوده و نمیخواستند ایشان به تعالیمش ادامه دهند و مایل بودند – اگر بتوانند – مانع کارش بشوند (آیه 3)

پیامبر ص و پیروانش از سوی مخالفان آزار و اذیت میدیدند (آیه 12)

بزرگان کافران راجع به آنحضرت اراده سوء داشتند و بدشان نمی آمد آنحضرت و پیروانش را یکجا نابود یا لا اقل اخراج کنند (آیه های 13و 15)

**4 – زاویه با تفاسیر رایج**

**1** :(المیزان) : آيات كريمه اين سوره، پيرامون اوصاف قرآنى كه بر پيغمبر اسلام (صلوات اللَّه عليه) نازل شده بحث مى‏كند .

عصاره محتوای سوره که ما بر اساس محاسبه استخراج کرده و آن را درس نامیده ایم چنین میگوید : خداوند پیامبران و پیروانشان را پیروز و کافران را در دنیا مغلوب و در آخرت معذب میکند .

2 - وعده «لئن شکرتم لازیدنکم» به کیست؟ بر خلاف تلقی مشهور مفسران ارجمند، وعده مذکور به جوامع است نه به افراد (دقت کنید)

**5 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در آیه 1 وعده فرموده که مردم بوسیله این کتاب به جاده پسندیده عالی منتقل خواهند شد و چنانکه دیدیم این وعده تحقق یافت .

**6 – کلیدهای تفسیری**

1 - آیه 2 فرع بر آیه 1 است زیرا دارد «عزیز حمیدِ» آیه 1 را توضیح می­دهد .

2 - آیه 3 نیز (تا کلمه «عوجا») فرع بر آیه 2 است زیرا دارد «کافرینِ» آیه 2 را توضیح می­دهد .

3 - عبارت «باذن ربهم» (آیه 1) پرانتزی است .

4 – در آیه 3 کلمه «دنیا» به معنی لغوی آمده ، نه اصطلاحی .

**ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:**

**1**

**الَر كِتَابٌ أَنزَلْنَاهُ إِلَيْكَ** **لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ﴿1﴾**

**درس: خداوند پيامبران و پيروانشان را پيروز و کافران را در دنيا مغلوب و در آخرت معذب ميکند.**

**درب: ای پیامبر! عمده ترین وسیله ات برای انجام موفق ماموریتت این کتاب است.**

**2**

**اللّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الأَرْضِ وَوَيْلٌ لِّلْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ شَدِيدٍ ﴿2﴾ الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الآخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا أُوْلَئِكَ فِي ضَلاَلٍ بَعِيدٍ ﴿3﴾**

**درس: خداوند پيامبران و پيروانشان را پيروز و کافران را در دنيا مغلوب و در آخرت معذب ميکند.**

**درب: ای پیامبر! بسوی این خداوند بخوان و از این عاقبت برحذر دار.**

**3**

**وَمَا أَرْسَلْنَا مِن رَّسُولٍ إِلاَّ بِلِسَانِ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ فَيُضِلُّ اللّهُ مَن يَشَاء وَيَهْدِي مَن يَشَاء وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿4﴾**

**درس: خداوند پيامبران و پيروانشان را پيروز و کافران را در دنيا مغلوب و در آخرت معذب ميکند.**

**درب: ای پیامبر! توجه داشته باش که باید سخنت را به مخاطبت باید بفهمانی، بقیه اش به خداوند مربوط است.**

**4**

**وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ ﴿5﴾ وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اذْكُرُواْ نِعْمَةَ اللّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ أَنجَاكُم مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ وَيُذَبِّحُونَ أَبْنَاءكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءكُمْ وَفِي ذَلِكُم بَلاء مِّن رَّبِّكُمْ عَظِيمٌ ﴿6﴾ وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ** **لَئِن شَكَرْتُمْ لأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ ﴿7﴾ وَقَالَ مُوسَى إِن تَكْفُرُواْ أَنتُمْ وَمَن فِي الأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ ﴿8﴾**

**درس: خداوند پيامبران و پيروانشان را پيروز و کافران را در دنيا مغلوب و در آخرت معذب ميکند.**

**درب: ای پیامبر! نعمتهای خداوند را به یاد مردم بیاور و شکر در قبال نعمت ها را بیاموز.**

**5**

**أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَالَّذِينَ مِن بَعْدِهِمْ لاَ يَعْلَمُهُمْ إِلاَّ اللّهُ جَاءتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَرَدُّواْ أَيْدِيَهُمْ فِي أَفْوَاهِهِمْ وَقَالُواْ إِنَّا كَفَرْنَا بِمَا أُرْسِلْتُم بِهِ وَإِنَّا لَفِي شَكٍّ مِّمَّا تَدْعُونَنَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ ﴿9﴾ قَالَتْ رُسُلُهُمْ أَفِي اللّهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ يَدْعُوكُمْ لِيَغْفِرَ لَكُم مِّن ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرَكُمْ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى قَالُواْ إِنْ أَنتُمْ إِلاَّ بَشَرٌ مِّثْلُنَا تُرِيدُونَ أَن تَصُدُّونَا عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَآؤُنَا فَأْتُونَا بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ ﴿10﴾ قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِن نَّحْنُ إِلاَّ بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ وَلَكِنَّ اللّهَ يَمُنُّ عَلَى مَن يَشَاء مِنْ عِبَادِهِ وَمَا كَانَ لَنَا أَن نَّأْتِيَكُم بِسُلْطَانٍ إِلاَّ بِإِذْنِ اللّهِ وَعلَى اللّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿11﴾ وَمَا لَنَا أَلاَّ نَتَوَكَّلَ عَلَى اللّهِ وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا وَلَنَصْبِرَنَّ عَلَى مَا آذَيْتُمُونَا وَعَلَى اللّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ ﴿12﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُواْ لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُم مِّنْ أَرْضِنَآ أَوْ لَتَعُودُنَّ فِي مِلَّتِنَا فَأَوْحَى إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهْلِكَنَّ الظَّالِمِينَ ﴿13﴾ وَلَنُسْكِنَنَّكُمُ الأَرْضَ مِن بَعْدِهِمْ ذَلِكَ لِمَنْ خَافَ مَقَامِي وَخَافَ وَعِيدِ ﴿14﴾ وَاسْتَفْتَحُواْ وَخَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ ﴿15﴾**

**درس: خداوند پيامبران و پيروانشان را پيروز و کافران را در دنيا مغلوب و در آخرت معذب ميکند.**

**درب: ای مردم! رفتار اقوام گذشته را در نظر آرید و عبرت گرفته و از آن رفتارها دوری کنید.**

**6**

**مِّن وَرَآئِهِ جَهَنَّمُ وَيُسْقَى مِن مَّاء صَدِيدٍ ﴿16﴾ يَتَجَرَّعُهُ وَلاَ يَكَادُ يُسِيغُهُ وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِن كُلِّ مَكَانٍ وَمَا هُوَ بِمَيِّتٍ وَمِن وَرَآئِهِ عَذَابٌ غَلِيظٌ ﴿17﴾**

**درس: خداوند پيامبران و پيروانشان را پيروز و کافران را در دنيا مغلوب و در آخرت معذب ميکند.**

**درب: رفتاری مانند رفتار اقوام گذشته به چنین عاقبتی میرساند.**

**7 - آیات برجسته این پاراگراف**

آیه 4 برای احتوای جمله مشهور «وَمَا أَرْسَلْنَا مِن رَّسُولٍ إِلاَّ بِلِسَانِ قَوْمِهِ» که یکی از اساسی ترین کلیدهای تفسیر قرآن است ، از جمله آیات برجسته قرآنی است.

همچنین است آیه 7 که حاوی قانون کلیِ «لَئِن شَكَرْتُمْ لأَزِيدَنَّكُمْ » است که بسیار مایه امیدواری و پیدایش روحیه مثبت است.

**8 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

1 – تایید آنحضرت که کارش درست است و مخالفانش در گمراهيند .

2 - رفتار خداوند نسبت به مردم لطف­آمیز است اما اگر کفر ورزند ممکن است قهرآمیز گردد.

3 – هشدار به مخاطبان اولیه از طریق يادآوري بعضي اقوام گذشته که نسبت به پيامبران نافرماني کردند و سعی کردند با آنان مقابله کنند اما مغلوب شدند و در آخرت معذب خواهند بود.

**9 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

غیر آیه های 2تا4 ، با توجه به لیست ترتیب نزول ، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**ماموریت فوق العاده بزرگ و سرمایه ای که در ظاهر بزرگ نمی نماید**

عظمت ماموریت، تا حدودی، از تمرکز و توقف روی جمله « **لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ** » فهمیده میشود، بخصوص کلمه «ناس» (مردم) که محدود به مردم آن روزهای مکه نیست و تمام مردمِ همه زمانها را در بر میگیرد که هنوز هم اکثریت مطلق آنها در در اعماق ظلماتی چند لایه و عمیق غوطه ورند.

اما آیاتی مانند والعاقبه للمتقین و نرید ان نمنّ . . گویای این است که ماموریت آنحضرت بالاخره تکمیل خواهدشد.

اصل تناسب سرمایه با ماموریت بما میگوید به عکس آنچه ظاهرا به نظر میرسد، این سرمایه هم متناسب با خود ماموریت بزرگ است ، گرچه ما عظمت آن را در نیابیم.

نمونهء درنیافتن عظمت قرآن همین حرفهایی است که حامد ابوزید و محمدآرکون و مجتهدشبستری و امثالهم ، و اذناب و نوچه های آنها میزنند ، مثلا من اخیرا در فضای مجازی یک آگهی دیده ام که حاکی از یک جلسه سخنرانی و دعوت به آن بود که موضوع سخنرانی «قرآن معجزه نیست» بود!

**زبان قوم**

در آیه 4 که فرموده «بلسان قومه»، منظور زبان و کلیه روشهای دیگر انتقال مفاهیم است و شامل ضرب المثل ها و سایر عناصر فرهنگی هم میشود و بحث در این خصوص زیاد است.

**روزهای خدا**

«روزهای خدا» در آیه 5 یعنی روزهایی که «نعمتهای خدا» در آن روزها قوی­تر، غلیظ­تر، و آشکارتر ظاهر می­شود.

**سربریدن پسران و زنده گذاشتن «زنان»**

توضیح سر بریدن پسران و زنده گذاردن زنان در آیه 6 این است که چون در مقابل پسران ، نفرموده «دختران» و فرموده «زنان» و در مقابل سر بریدن پسران نفرموده ، دختران را به حال خود رها می­کردند بلکه فرموده «زنانتان را زنده می­خواستند» یعنی اینکه دستگاه فرعونی یک سیستم نظارتی قوی روی بنی­اسرائیل داشته و راجع به دختران کاری می­کرده که آنها نه تنها کشته نشوند ، بلکه بزرگ شوند و تربیت شوند و به مرحله «زنانگی» هم برسند . و این موضوع مربوط به یکی دو سال نمی­شده ، بلکه یک روش جا افتاده بوده که مدتهای طولانی اجرا می­شده است و اینطور هم نبوده که «همه پسران» را سر ببرند زیرا نسل آنها منقرض می­شده و نمی­توانستند به «زنان» آنها برسند .

از مطلب فوق فهمیده می­شود که فرعونیان «زنان» بنی­اسرائیل را مورد استفاده قرار می­دادند (مثلاً خدمت در قصرهایشان یا استفاده جنسی و غیره) اما کسانی که به این روش ظالمانه اعتراض می­کردند کشف و شناسایی و به روش سر بریدن ، کشته می­شدند .

چرا بنی­اسرائیل رضایت می­دادند «زنان»شان مورد استفاده فرعونیان قرار گرفته اما «پسران»شان سر بریده شوند؟ واضح است آنها تدریجاً قومی بی­غیرت شده بودند که به چنین بلایی دچار شدند و اگر از ابتدا از کیان خانواده خویش دفاع می­کردند به چنین خفت و خواریی دچار نمی­شدند.

**«کفر» و «شکر»**

در آیه­های 7و8 دو بار مشتقات ریشه کفر آمده است.

کفر در آیه 8 واضح است یعنی ایمان نیاوردن به تعالیم حضرت موسی و پیروی نکردن از او . لذا «شکرگزاری» آیه 7 بمعنی ایمان به تعالیم حضرت موسی و پیروی او می­باشد . زیرا حضرت موسی بزرگترین نعمتی بوده که خداوند به آن قوم بی­غیرت داده و آنها را بوسیله آنحضرت رشد داده تا جائیکه در لوای پرچم آنحضرت از دستگاه فرعونی فرار کردند و نجات یافتند و با این نجات یافتن ، گوشه­هایی از آدمیت خود را هم باز یافتند .

**شکر و کفر ، فردی و جمعی**

در آیه «. . لئن شکرتم . . .» ممکن است اینطور فکر شود که هرکس برای نعمتی شکری بجا بیاورد فورا مورد مزید آن نعمت واقع میشود و احیانا کسی هم این کار را امتحان کند و احیانا ببیند چنان نشد و سپس در نزد خویش یا دیگران چنین و چنان بگوید . . .

خیر! آیه مربوط به اجتماع بشری است ، نه افراد!

مثلا اگر اهالی محله ای ، یا دهی ، یا شهری ، یک کشوری، روحیه عمومی و غالب شان این بود که شکر نعمت های خدا کنند خداوند در پاسخ نعمت های آنان را زیاد می فرماید.

ضمنا این را هم دانسته باشیم که شکر منحصر در گفتن و تکرار اذکاری از قبیل الحمدلله و شکرا لله نیست بلکه شامل رفتار هایی است که در رابطه با قدردانی از نعمتها و بکار بردن آنها در محل های صحیح و به طرزی عاقلانه و به دور از افراط و تفریط است.

**رابطه پیامبران با قوم خویش در سه مرحله**

لطفا توجه داشته باشید که مطلب این پاراگراف راجع به فاز نهایی عمر اقوام و تمدن ها است ، مثلا در مورد قوم نوح مربوط به فاز نهائی عمر تمدن قوم نوح است و حتما توجه دارید که نوح 950 سال در میان قوم خویش زندگی کرد و داستانهای مربوط به کشتی و طوفان و غیره مربوط به فاز آخر تمدن آنها است و مطلب این پاراگراف هم نوعی از «فلسفه تاریخ» و مربوط به آخر عمر تمدن ها است ، بطوریکه تمدن شان در حال فروپاشی بوده و قابل نجات نبوده مگر اینکه کلا روش زندگی شان را تغییر اساسی دهند .

با این پیش زمینه دعوت انبیاء و واکنش قوم در مقابل آنها در سه مرحله قابل بررسی است :

**مرحله اول انکار و تکذیب بطور کلی**

در این مرحله قوم مربوطه میگوید اساسا با کل تعالیمت مخالفیم (انا کفرنا بما ارسلتم به – آیه 9)

پیامبران در جواب پیام و ماموریت خویش را تحلیل میکردند و میگفتند آیا در باره خداوند که آفرینشگر آسمانها و زمین است شک دارید؟(ا فی الله شک؟ - آیه 10) (خوب ، معلوم است که در این مورد شکی ندارید و نداشتند) یا اینکه در این باره شک دارید که خداوند میخواهد به شما لطفی کند و موانع رشدتان را بردارد شکی دارید؟ (لیغفرلکم من ذنوبکم – آیه 10) (خوب ، معلوم است که در این مورد نیز شکی ندارید) یا اینکه در این باره شک دارید که این وضع فعلی تان قابل دوام نیست و باید اصلاح اساسی در آن صورت گیرد تا اساسا این تمدن تان ادامه حیات دهد (یوخرکم الی اجل مسمی – آیه 10)

**مرحله دوم بهانه گیری و مطرح کردن موضوعات خارج از موضوع**

قوم ها در جواب این سوال ها در می ماندند و برای خروج از بن بست به بهانه گیری می پرداختند که شما هم بشری مانند ما هستید (ان انتم بشر مثلنا – آیه 10) و اینکه میخواهید ما را از آنچه به آن عادت کرده ایم باز دارید (تریدون ان تصدونا عما کان یعبد آباونا – آیه 10) و اینکه اگر راست میگوئید باید معجزه ای بیاورید – فاتونا بسلطان مبین – آیه 10)

پیامبران جواب میدادند درست است که ماهم بشریم ، اما مورد لطف قرار گرفتیم و بما وحی میشود (آیه 11) و معجزه آوردن هم به اختیار ما نیست (آیه 11)

**مرحله سوم تصمیم به برخورد فیزیکی و حذف**

مخالفان پیامبران که از لحاط منطق و استدلال کم می آوردند زبان به تهدید و اجبار باز میکردند (آیه 13) که با این نوع برخورد به پایان کار خویش و هلاکت و انقراض میرسیدند . والبته عذاب آخرتشان سرجای خویش هست .

**جمع بندی و تفسیر**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**الف. ل. ر.** (این) **کتاب** (با عظمتی) **است که بسويت فرستاديم تا مردم را** {به فرمان پروردگارشان} **از تاريکيها بسوي نور بيرون آوري . بسوي جاده اي** (که) **به سوی آن پيروزمند ستوده** (است) **(1)** {همان خداوندي که آنچه در آسمانها و زمين است از آن اوست و واي بر کافران از عذابي شديد } (2) {همان کسانی که زندگيِ پست تر را بر آخرت ترجيح ميدهند و از راه خدا باز ميدارند و آنرا کج ميخواهند}  **آنها در گمراهيي دور ميباشند (3) و هيچ پيامبري را جز به زبان قومش نفرستاديم تا برايشان** (حقایق را) **بيان کند . پس خداوند هر که را خواهد گمراه ميکند و هر که را خواهد هدايت ميکند و همو پيروزمند فرزانه است (4) و البته موسي را با آياتمان** (به ماموریت) **فرستاديم که قومت را از تاريکيها بسوي نور خارج کن ، و روزهاي خدا را به يادشان آر . که در اين البته براي هر صبر پيشهء شکر گزاري آياتي است (5) و هنگامي** (را بیاد آر) **که موسي به قوم خويش گفت نعمتهاي خداوند را بر خويش بياد آوريد که شما را از فرعونيان نجات داد ، از همانها که بر شما عذاب سخت روا ميداشتند و پسرانتان را سر ميبريدند و زنانتان را زنده ميخواستند و در اينها از جانب پروردگارتان امتحاني بزرگ بود (6) و هنگامي که پروردگارتان اعلام کرد اگر شکر گزاري نموديد زيادتتان ميدهم و اگر کفران کرديد عذابم شديد خواهد بود (7) و موسي گفت اگر شما و هر که در زمين هست کفر ورزد البته خداوند بي نياز ستوده است (8)** **آيا خبر کساني که قبل از شما بوده اند بسوي شما نيامده است؟** {خبر قوم نوح و عاد و ثمود و کساني که پس از آن ها بوده اند که جز خداوند کسي نمي شناسدشان؟}**که پيامبرانشان با دلايل روشن بسويشان آمدند و**(آنها) **دستهايشان را به دهانهايشان بردند و گفتند ما به آنچه شما راجع به آن فرستاده شده ايد کافريم ، و درباره آنچه که ما را به آن ميخوانيد در شک هستيم (9) پيامبرانشان گفتند آيا درباره خداوند که آفريننده آسمانها و زمين است شکي هست؟ که دعوتتان ميکند تا گناهانتان را ببخشد و تا مدتي معين مهلتتان دهد؟ گفتند شما جز بشري مانند ما نيستيد ، ميخواهيد ما را از آنچه پدرانمان عبادت ميکردند باز داريد . پس** (معجزه و) **دليلي روشن برايمان بياوريد (10) پيامبرانشان گفتند ما جز بشري مانند شما نيستيم وليکن خداوند بر هر کس از بندگانش که خواهد منت ميگذارد و ما را نميرسد که برايتان** (معجزه و) **دليلي جز به فرمان خدا بياوريم و مومنان بايد بر خداوند توکل کنند (11) و ما را نميرسد که جز بر خدا توکل کنيم و البته راهمان را بما نشان داد ، اينك بر آنچه که شما آزارمان کنيد صبر خواهيم کرد و توکل کنندگان بايد به خدا توکل کنند (12) و کافران به پيامبرانشان گفتند يا به دين ما بر ميگرديد يا اينکه از سرزمينمان اخراجتان مي کنيم ولي** (خداوند) **بسوي آنان وحي کرد که البته ظالمان را هلاک خواهيم کرد (13) و شما را پس از آنان در آن سرزمين جاي خواهيم داد . اين براي کسي است که از مقامم و تهدیدم خوف دارد (14) و آنها بدنبال پيروزي بودند اما همه جباران ستيزه جو نابود شدند (15) از پس آن** (هلاکت) **جهنم است و در آن چرکابه اي خون آلود نوشانده ميشوند (16) جرعه جرعه از آن مينوشند و مايل نيستند با رغبت و به راحتي از آن بنوشند و از هر طرفي مرگ به سراغشان ميايد اما نميميرند و از پس آن عذابي پر غلظت خواهند داشت (17)**

**ابراهیم2 آیات18تا20**

**مثَلُ الَّذِينَ كَفَرُواْ بِرَبِّهِمْ أَعْمَالُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ لاَّ يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُواْ عَلَى شَيْءٍ ذَلِكَ هُوَ الضَّلاَلُ الْبَعِيدُ ﴿18﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللّهَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضَ بِالْحقِّ إِن يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ ﴿19﴾ وَمَا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ ﴿20﴾ وَبَرَزُواْ لِلّهِ جَمِيعًا فَقَالَ الضُّعَفَاء لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُواْ إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنتُم مُّغْنُونَ عَنَّا مِنْ عَذَابِ اللّهِ مِن شَيْءٍ قَالُواْ لَوْ هَدَانَا اللّهُ لَهَدَيْنَاكُمْ سَوَاء عَلَيْنَآ أَجَزِعْنَا أَمْ صَبَرْنَا مَا لَنَا مِن مَّحِيصٍ ﴿21﴾ وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الأَمْرُ إِنَّ اللّهَ وَعَدَكُمْ وَعْدَ الْحَقِّ وَوَعَدتُّكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَمَا كَانَ لِيَ عَلَيْكُم مِّن سُلْطَانٍ إِلاَّ أَن دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلاَ تَلُومُونِي وَلُومُواْ أَنفُسَكُم مَّا أَنَاْ بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنتُمْ بِمُصْرِخِيَّ إِنِّي كَفَرْتُ بِمَآ أَشْرَكْتُمُونِ مِن قَبْلُ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿22﴾ وَأُدْخِلَ الَّذِينَ آمَنُواْ وَعَمِلُواْ الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلاَمٌ ﴿23﴾ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللّهُ مَثَلاً كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاء ﴿24﴾ تُؤْتِي أُكُلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللّهُ الأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿25﴾ وَمَثلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِن فَوْقِ الأَرْضِ مَا لَهَا مِن قَرَارٍ ﴿26﴾ يُثَبِّتُ اللّهُ الَّذِينَ آمَنُواْ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللّهُ مَا يَشَاء﴿27﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُواْ نِعْمَةَ اللّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّواْ قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ ﴿28﴾ جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا وَبِئْسَ الْقَرَارُ ﴿29﴾ وَجَعَلُواْ لِلّهِ أَندَادًا لِّيُضِلُّواْ عَن سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعُواْ فَإِنَّ مَصِيرَكُمْ إِلَى النَّارِ ﴿30﴾ قُل لِّعِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُواْ يُقِيمُواْ الصَّلاَةَ وَيُنفِقُواْ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلانِيَةً مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِيَ يَوْمٌ لاَّ بَيْعٌ فِيهِ وَلاَ خِلاَلٌ ﴿31﴾ اللّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضَ وَأَنزَلَ مِنَ السَّمَاء مَاء فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَّكُمْ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمُ الأَنْهَارَ ﴿32﴾ وَسَخَّر لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَآئِبَينَ وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ ﴿33﴾ وَآتَاكُم مِّن كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِن تَعُدُّواْ نِعْمَتَ اللّهِ لاَ تُحْصُوهَا إِنَّ الإِنسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ ﴿34﴾**

**مثال اعمال آنانکه به پروردگارشان کافر شدند مانند خاکستري است که باد سختي در روزي طوفاني به آن بوزد ، نسبت به هيچ چيزي که کسب کرده اند قدرتي ندارند، اين همان گمراهي دور است (18) مگر نديديد که خداوند آسمانها و زمين را به حق آفريد؟ اِی کافران! اگر بخواهد شما را مي برد و آفريدگاني جديد مي آورد (19) و اين براي خدا دشوار نيست (20) و در قیامت همگان در مقابل خداوند حاضر ميشوند وضعيفان به مستکبران ميگويند ما پيرو شما بوديم آيا شما چيزي ازعذاب خدا را از ما برطرف مي کنيد؟ ميگويند اگر خدا هدايتمان کرده بود ما نيز شما را هدايت ميکرديم . برايمان فرقي نمي کند که بيتابي يا صبر کنيم . گريزگاهي نداريم (21) و وقتيکه کار از کار گذشت شيطان ميگويد خداوند به شما وعده حقي داد و من به شما وعده اي دادم که از انجام آن تخلف کردم و من بر شما تسلطي نداشتم ، مگر اينکه دعوتتان کردم و شما هم اجابتم کرديد پس مرا سرزنش نکنيد و خودتان را سرزنش کنيد . نه من فريادرس تان هستم و نه شما فريادرس من هستيد . قبلا هم به آنچه شرک مي ورزيديد کافر بودم . البته ظالمان عذابي دردناک خواهند داشت (22) و کسانی که ايمان آورده و عمل صالح انجام داده اند داخل بهشت هائي ميشوند که نهرها از کف آن جاريست که در آن به فرمان پروردگارشان جاودانند و درود گفتنشان در آنجا سلام است (23) آيا نمي بيني خداوند چگونه مثالي زد؟ کلمه طبی و خوب را به درخت خوب مثل زد که ريشه اش ثابت و شاخه هايش در آسمان است (24) در هر هنگام خوردني هايش را به فرمان پروردگارش مي آورد و خداوند براي مردم چنین مثالهائی ميزند شايد پند گيرند (25) و کلمه خبیث و بد مانند روئيدني بد است که جثه اش در روي زمين است و قرار و استحکامي ندارد (26) خداوند مومنان را با قول ثابت در زندگي دنيا و در آخرت تثبيت مي کند و ظالمان را گمراه مينمايد و هر چه بخواهد ميکند (27) آيا نمي دانی کساني که نسبت به نعمت خداوند ناسپاسي میکنند و مردمشان را به ديار نابودي میکشانند (28) به درون چه جهنمي مي افتند و چه بد جايگاهی است (29) و براي خداوند همتاياني قرار دادند تا مردم را از راهش گمراه کنند . بگو اندکی در این دنیا برخوردار شويد که بالاخره سرانجامتان بسوي آتش است (30) ای پیامبر! به بندگان مومنم بگو نماز بپا دارند و از آنچه روزيشان کرده ايم پنهان و آشکار انفاق کنند ، قبل از آنکه روزي بيايد که در آن نه معامله اي و نه دوستيي باشد (31) چنین است خداوندتان که آسمانها و زمين را آفريد و از آسمان آبي فرستاد و بوسيله آن روزيي از ميوه جات برايتان روياند و کشتي را رامتان کرد که به امر او در دريا حرکت کند و نهرها را نيز به تسخير شما درآورد (32) و آفتاب و ماه را که پيوسته در حرکتند و نيز و شب و روز را نيز رام شما نمود (33) و از هر چيزي که از او خواستيد به شما عطا کرد و اگر نعمتهاي خدا را بشماريد نخواهيد توانست . اما اکثرا نسبت به خداوند ناسپاسی میکنند که البته انسانها اکثرا ظلم پيشه بسيار ناسپاس اند (34)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: خداوند پيامبران و پيروانشان را پيروز و کافران را در دنيا مغلوب و در آخرت معذب ميکند .**

**درب: ای پیامبر! نتیجه رفتارهای کافرانه پایا و مانا نیست ، در همین دنیا نیز مغلوبند و در آخرت خواهند دید مطالب طور دیگری است ، اي مسلمانان! رفتار و گفتار مخالفانتان اصل و ريشه اي ندارد ، و اعمالشان نه در دنيا و نه در آخرت فايده­اي نخواهد داشت ، و اي مردم! خدايتان چنين است ، به او و پيامبرش بگرويد .**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 میفرماید : رفتار خداوند نسبت به مردم لطف­آمیز است اما اگر کفر ورزند ممکن است قهرآمیز گردد ، و اینکه بعضي اقوام گذشته نسبت به پيامبران نافرماني کردند و سعی کردند با آنان مقابله کنند اما مغلوب شدند و در آخرت معذب خواهند بود و اینکه پیامبر ص دلگرم باشد که کارش درست است و مخالفانش در گمراهيند .

در این پاراگراف می فرماید : ای کافران ! دائما دارید از بینهایت نعمت های الهی استفاده می کنید ، آیا سزاوار است کفر بورزید؟ در جهنم علاوه بر عذاب­ها بین جهنمیان دعوا و بگومگو ، و در بهشت علاوه بر نعمـت­ها صلح و صفا حاکم است ، عقاید صحیح ، اصیل و مفید ، و عقاید غلط، بی­ریشه و بی­فایده­اند .

ای پیامبر ! با اطمینان به ماموریتت برس ، اینها درمقابل حق کاری ازپیش نخواهندبرد . کافران را به حال خود رهایشان کن و به ارشاد بیشتر پیروانت بپرداز .

**3 - سوالات**

1 – منظور از «حق» (آیه19) و «عزیز» (آیه20) و «سلطان» (آیه22) چیست؟ و «کلمه» (آیه 24) و «سماء» (آیه24) و « **بَدَّلُواْ نِعْمَةَ اللّهِ كُفْرًا**» (آیه28) چیست؟

2- در آیه 21 چرا بجای «ضعفاء» نفرموده «استضعفوا»؟4- منظور از «خلال» (آیه31) چیست؟ (پارتی بازی؟ یا....؟) 1 – منظور از «دائبین» (آیه33) چیست؟

3- جمله « **لَوْ هَدَانَا اللّهُ لَهَدَيْنَاكُمْ** » از لحاظ ملل و نحل چگونه است؟ (جبری؟ یا...؟)

4- جمله « **إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ**» (همان آیه) گفتار کیست؟ (خداوند؟ شیطان؟ یا...؟)

5- در آیه 22 ، «قبل» ، اشاره به چه زمانی است؟

6 – با توجه به آیه 27 ، آیا در آخرت نیز نیاز به «تثبیت قول» هست؟

7 – چرا در مثال فوق از درخت استفاده شده؟

8 – موضوع «بیع» در آن روز چه میتواند باشد؟

9 – آیات 28 تا 30 به چه کسانی اشاره دارد؟ (گذشتگان ؟ معاصرانِ آنحضرت؟ یا . . ؟)

10 - «سوال» مورداشاره در آیه 34 ، (سالتموه» چگونه صورت گرفته؟

11- «سالتموه» به زبان گفتاری است یا به زبان وجودی (احتیاج) ؟

12 – با توجه به سوال قبل «کل» چه معنی میدهد؟

13 – در آیه 34 منظور از «انسان» چیست؟ (همه انسانها؟ یا . . ؟)

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

از آیه 21 فهمیده میشود فعالان کفر در درون خود به دو دسته سران و پیروان تقسیم میشدند .

به عبارت دیگر کافران به سه قسمت قابل دسته بندی بودند : کافران معمولی و کافران فعال فرودست و کافران فعال فرادست .

از آیه 30 فهمیده میشود اولین واضعان «همتا» برای خداوند انگیزه منافع مادی داشته اند .

**5 - کلید های تفسیری**

**اصلی-فرعی:**

1 - کاملاً واضح است که آیه 20 فرع بر آیه 19 است ، اما اگر دقت کنیم معلوم می­شود آیه 19 هم فرع بر آیه 18 است ، زیرا می­بینید در آیه 19 موضوع آیه 18 «تعلیل» شده است و فرعیت آن (از این لحاظ) معلوم می­شود .

2 - در بین دو کلمه «بالحق» و «اِن» در آیه 19 تغییر مخاطب (التفات) واقع شده است.

3 - آیه 22 بدون این که فرع بر آیه­ای باشد پرانتزی است و امتحانش هم این که اگر چشم خویش را بر آن ببندیم و انتهای آیه 21 را به ابتدای آیه 23 وصل کنیم می­بینیم روال سخن صاف و یکدست است .

4 - آیه 25 فرع بر آیه 24 است و این آشکار است، آیه 27 نیز که جمع­بندی مطالب آیه­های 24 و 26 فرع بر هر دوی آنها است .

5 - آیه 29 فرع بر آیه 28 است و در حقیقت دارد دو کلمه آخر آن را توضیح می­دهد ، و نیز آیه 30 باز هم فرع بر آیه 28 است و در حقیقت دارد قسمت اول آیه 28 را توضیح می­دهد .

**ریز کردن پاراگراف تا حد امکان :**

**1**

**مثَلُ الَّذِينَ كَفَرُواْ بِرَبِّهِمْ أَعْمَالُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ لاَّ يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُواْ عَلَى شَيْءٍ ذَلِكَ هُوَ الضَّلاَلُ الْبَعِيدُ ﴿18﴾**

**درس: خداوند پيامبران و پيروانشان را پيروز و کافران را در دنيا مغلوب و در آخرت معذب ميکند .**

**درب: کفر سبب میشود اعمال نیک کافران در آخرت به دردشان نخورد.**

**2**

**أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللّهَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضَ بِالْحقِّ إِن يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ ﴿19﴾ وَمَا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ ﴿20﴾**

**درس: خداوند پيامبران و پيروانشان را پيروز و کافران را در دنيا مغلوب و در آخرت معذب ميکند .**

**درب: این جهان طوری آفریده شده که کفر را بر نمی تابد.**

**3**

**وَبَرَزُواْ لِلّهِ جَمِيعًا فَقَالَ الضُّعَفَاء لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُواْ إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنتُم مُّغْنُونَ عَنَّا مِنْ عَذَابِ اللّهِ مِن شَيْءٍ قَالُواْ لَوْ هَدَانَا اللّهُ لَهَدَيْنَاكُمْ سَوَاء عَلَيْنَآ أَجَزِعْنَا أَمْ صَبَرْنَا مَا لَنَا مِن مَّحِيصٍ ﴿21﴾ وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الأَمْرُ إِنَّ اللّهَ وَعَدَكُمْ وَعْدَ الْحَقِّ وَوَعَدتُّكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَمَا كَانَ لِيَ عَلَيْكُم مِّن سُلْطَانٍ إِلاَّ أَن دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلاَ تَلُومُونِي وَلُومُواْ أَنفُسَكُم مَّا أَنَاْ بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنتُمْ بِمُصْرِخِيَّ إِنِّي كَفَرْتُ بِمَآ أَشْرَكْتُمُونِ مِن قَبْلُ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿22﴾ وَأُدْخِلَ الَّذِينَ آمَنُواْ وَعَمِلُواْ الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلاَمٌ ﴿23﴾**

**درس: خداوند پيامبران و پيروانشان را پيروز و کافران را در دنيا مغلوب و در آخرت معذب ميکند .**

**درب: آخرت که واقع شود، همه این مناسبت ها و ارتباطات و سلسله مراتب (مبتنی بر کفر) ناموثر خواهد شد.**

**4**

**أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللّهُ مَثَلاً كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاء ﴿24﴾ تُؤْتِي أُكُلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللّهُ الأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿25﴾ وَمَثلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِن فَوْقِ الأَرْضِ مَا لَهَا مِن قَرَارٍ ﴿26﴾ يُثَبِّتُ اللّهُ الَّذِينَ آمَنُواْ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللّهُ مَا يَشَاء﴿27﴾**

**درس: خداوند پيامبران و پيروانشان را پيروز و کافران را در دنيا مغلوب و در آخرت معذب ميکند .**

**درب: ریشه واقعی هرکس اعتقادات او است و کافر مانند درخت بی ریشه است.**

**5**

**أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُواْ نِعْمَةَ اللّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّواْ قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ ﴿28﴾ جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا وَبِئْسَ الْقَرَارُ ﴿29﴾ وَجَعَلُواْ لِلّهِ أَندَادًا لِّيُضِلُّواْ عَن سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعُواْ فَإِنَّ مَصِيرَكُمْ إِلَى النَّارِ ﴿30﴾**

**6**

**قُل لِّعِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُواْ يُقِيمُواْ الصَّلاَةَ وَيُنفِقُواْ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلانِيَةً مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِيَ يَوْمٌ لاَّ بَيْعٌ فِيهِ وَلاَ خِلاَلٌ ﴿31﴾**

**درس: خداوند پيامبران و پيروانشان را پيروز و کافران را در دنيا مغلوب و در آخرت معذب ميکند .**

**درب: ای پیامبر! به مخاطبانت بگو در قیامت معامله و پارتی بازی فایده ندارد.**

**7**

**اللّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضَ وَأَنزَلَ مِنَ السَّمَاء مَاء فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَّكُمْ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمُ الأَنْهَارَ ﴿32﴾ وَسَخَّر لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَآئِبَينَ وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ ﴿33﴾ وَآتَاكُم مِّن كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِن تَعُدُّواْ نِعْمَتَ اللّهِ لاَ تُحْصُوهَا إِنَّ الإِنسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ ﴿34﴾**

**درس: خداوند پيامبران و پيروانشان را پيروز و کافران را در دنيا مغلوب و در آخرت معذب ميکند .**

**درب: ای کافران! شما دارید به چنین خداوندی کفر می ورزید.**

**6 - آیات برجسته این پاراگراف**

آیه 22 از آنجا که توسط وعاظ و اخلاقگوها زیاد استفاده میشود شهرتی یافته و برجستگیش از این بابت است.

آیات 24 تا 27 نیز توسط هنرمندانی مانند خوشنویسان و کاشیکارها در مساجد و زیارتگاه ها زیاد کارشده و دیده میشود و طبعا از این لحاظ برجستگیی دارد، اما برجستگیی محتوائی آن خیلی بارز است، تشبیه آدمِ دارای عقیده صحیح به شخص اصیل ریشه دار که تا آسمانها قد میکشد و برای دیگران فواید زیاد دارد، و تشبیه مورد مغایر با او به بی ریشه و بی فایده و در این دو سه سطر آیات مذکور دریاهائی از معانی و مفاهیم عالی مستتر است.

**7 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

1 - ای پیامبر! نتیجه رفتارهای کافرانه پایا و مانا نیست ، در همین دنیا نیز مغلوبند و در آخرت خواهند دید مطالب طور دیگری است .

2 - اي مسلمانان! رفتار و گفتار مخالفانتان اصل و ريشه اي ندارد ، و اعمالشان نه در دنيا و نه در آخرت فايده­اي نخواهد داشت .

3 - اي مردم! خدايتان چنين است ، به او و پيامبرش بگرويد .

**8 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

غیر از آیات 19 تا 21 و 32 و 33 ، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است.

**شرح مختصر**

**هم مستکبران و هم ضعیفان مقصرند**

مسئولیت مستکبران این است که فرهنگ شهروند درجه 1 و درجه 2 را ابداع کردند و آن را تبلیغ کردند و دین را طوری تفسیر کردند که آن را توجیه کند و سپس از نتایج آن که استثمار انسانی باشد بهره بردند .

مسئولیت ضعیفان هم این بود که این فرهنگ را پذیرفتند ، و البته این پذیرش تدریجی بود و در اوائل کاملا قابل احتراز بود و میتوانستند در همان اوائل این فرایند با آن مقابله کنند .

(پیام این قسمت هم این است که ای مردم عادی ! به خدا توکل کنید و زیر پرچم پیامبرش بروید و خود را از این رابطه نادرست و ناحق آزاد کنید)

**عقاید صحیح «ریشه­» های انسان می­باشند**

تمثیل بسیار زیبای آیات 24تا27 اینطور مفهوم است که مؤمن چون در حقایق اساسی ریشه دارد بالنده است و کافر علیرغم جثه بزرگش چون در حقایق اساسی ریشه ندارد بجائی بند نیست و هر لحظه امکان نابودیش هست.

«قول ثابتِ» آیه 27 همان اعتقادات صحیح است که بوسیله آن در دنیا تثبیت می­شود که این ثبات او را به آخرت هم می­رساند.

در مثال مذکور اینطور مطرح شده که انسانِ دارایِ اعتقاد صحیح با این جهان «همخوان» است ، و بقیه بیگانه اند .

**فعل خداوند قانونمند است**

با توجه به تیتر فوق جمله «خداوند ظالمان را گمراه می­کند» در آیه 27 به این معنی خواهد بود که خداوند سیستم­های این جهان را طوری طراحی نموده که ظالمان به سبب ظلم خویش دچار گمراهی شوند .

همچنین در مورد جمله آخر آیه 27 نیز بیاد بیاوریم که «خواست خداوند قانونمند است»

**فلسفه تاریخ از منظری دیگر**

خیلی آشکار است که «الذین» به سرانِ جوامع اشاره دارد و «جعلوا» به فرایند تغییر دادن قوانین که تقریبا در همه جوامع رخ میدهد اشاره میکند و «تمتعوا» به انگیزه آنان .

بنا براین آیات 28 تا 30 دارد به یکی از جنبه های «فلسفه تاریخ» اشاره میکند که طی یکی از شایع ترین مورد های آن ، برخی از سرانِ جوامع بشری (الذین) ، با انگیزه ء « به سوی خویش کِشیِ مواهبِ عمومی» ، (تمتعوا) در دینِ متبوعِ جامعه ، دستکاری مینمایند (جعلوا لله اندادا) و نتیجه کارشان هم دو چیز است : مسیر زندگی صحیح مردم را به مسیر غلط می اندازند (یضلوا عن سبیل الله) و مردم جامعه خویش را بدبخت میکنند (احلوا قومهم دار البوار) و راه برون رفت از این جریان هم آیه 31 است.

**ذکر مصادیق از باب حصر نیست**

همین ذکر تیتر فوق کافی است و دیگر توضیحی لازم ندارد که نعمت­های خداوند بی­نهایت است و ذکر چند تا از آنها فقط برای رفع غفلت است و چه بسا خود مخاطب حواسش سرجایش بیاید که توجه کند که برای هر لحظه زنده ماندن خویش بی­نهایت شرایط و علل باید موجود باشد تا او بتواند یک نفس دیگر هم بکشد.

**جمع بندی و تفسیر**

**مثال اعمال آنانکه به پروردگارشان کافر شدند مانند خاکستري است که باد سختي در روزي طوفاني به آن بوزد ، نسبت به هيچ چيزي که کسب کرده اند قدرتي ندارند . اين همان گمراهي دور است (18)** {مگر نديدي که خداوند آسمانها و زمين را به حق آفريد؟ [ و اِی کافران ! ] اگر بخواهد شما را مي برد و آفريدگاني جديد مي آورد} (19) {{و اين براي خدا دشوار نيست}} (20) **و** (در قیامت) **همگان در مقابل خداوند حاضر ميشوند وضعيفان به مستکبران ميگويند ما پيرو شما بوديم آيا شما چيزي ازعذاب خدا را از ما کفايت مي کنيد؟ ميگويند اگر خدا هدايتمان کرده بود ما نيز شما را هدايت ميکرديم . برايمان فرقي نمي کند که بيتا بي يا صبر کنيم . گريزگاهي نداريم (21)** و وقتيکه کار از کارگذشت شيطان ميگويد خداوند به شما وعده حقي داد و من به شما وعده اي دادم که از انجام آن تخلف کردم و من بر شما تسلطي نداشتم ، مگر اينکه دعوتتان کردم و شما هم اجابتم کرديد پس مرا سرزنش نکنيد و خودتان را سرزنش کنيد . نه من فريادرس تان هستم و نه شما فريادرس من هستيد . قبلا هم به آنچه شرک مي ورزيديد کافر بودم . ظالمان البته عذابي دردناک خواهندداشت **(22) و آنان که ايمان آورده و عمل صالح انجام دادند داخل بهشت هائي ميشوند که نهرها از کف آن جاريست که در آن به فرمان پروردگارشان جاودانند و درود گفتنشان در آنجا «سلام » است (23**) **آيا نمي بيني خداوند چگونه مثالي زد؟ کلمه خوب را به درخت خوب مثل زد که ريشه اش ثابت و شاخه هايش در آسمان است (24)** {در هر هنگام خوردني هايش را به فرمان پروردگارش مي آورد و خداوند براي مردم مثالها ميزند شايد پند گيرند} **(25) و کلمه بد مانند روئيدني بد است که از روي زمين درشت ميشود و قرار و استحکامي ندارد (26)** {خداوند مومنان را با قول ثابت در زندگي دنيا و در آخرت تثبيت مي کند و ظالمان را گمراه مينمايد و هر چه بخواهد ميکند} (27) **آيا نمي بيني کساني را که** (با) **نعمت خداوند با ناسپاسي برخورد کردند و مردمشان را به ديار نابودي کشاندند (28)** { به جهنمي که به درونش مي افتند و چه بد جايگاهی است} (29)  **و براي خداوند همتاياني قرار دادند تا مردم را از راهش گمراه کنند . بگو برخوردار شويد که سرانجامتان بسوي آتش است (30) به بندگان مومنم بگو که نماز بپا دارند و از آنچه روزيشان کرده ايم پنهان و آشکار انفاق کنند ، قبل از آنکه روزي بيايد که در آن نه معامله اي و نه دوستيي باشد (31)** **خداوندي که آسمانها و زمين را آفريد و از آسمان آبي فرستاد و بوسيله آن روزيي از ميوه جات برايتان روياند و کشتي را رامتان کرد که به امر او در دريا حرکت کند و نهرها را نيز به تسخير شما درآورد (32) و آفتاب و ماه را نيز که پيوسته در حرکتند و نيز و شب و روز را نيز رام شما نمود (33) و از هر چيزي که از او خواستيد به شما عطا کرد و اگر نعمتهاي خدا را بشماريد نخواهيد توانست . البته انسان ظلم پيشه بسيار ناسپاس است (34)**

**ابراهیم3 آیات35تا41**

**وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَن نَّعْبُدَ الأَصْنَامَ ﴿35﴾ رَبِّ إِنَّهُنَّ أَضْلَلْنَ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ فَمَن تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي وَمَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿36﴾ رَّبَّنَا إِنِّي أَسْكَنتُ مِن ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِندَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُواْ الصَّلاَةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِّنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُم مِّنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ ﴿37﴾ رَبَّنَا إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا نُخْفِي وَمَا نُعْلِنُ وَمَا يَخْفَى عَلَى اللّهِ مِن شَيْءٍ فَي الأَرْضِ وَلاَ فِي السَّمَاء ﴿38﴾ الْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَقَ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاء ﴿39﴾ رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلاَةِ وَمِن ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاء ﴿40﴾ رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ ﴿41﴾ وَلاَ تَحْسَبَنَّ اللّهَ غَافِلاً عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الأَبْصَارُ ﴿42﴾ مُهْطِعِينَ مُقْنِعِي رُءُوسِهِمْ لاَ يَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ وَأَفْئِدَتُهُمْ هَوَاء ﴿43﴾ وَأَنذِرِ النَّاسَ يَوْمَ يَأْتِيهِمُ الْعَذَابُ فَيَقُولُ الَّذِينَ ظَلَمُواْ رَبَّنَا أَخِّرْنَا إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ نُّجِبْ دَعْوَتَكَ وَنَتَّبِعِ الرُّسُلَ أَوَلَمْ تَكُونُواْ أَقْسَمْتُم مِّن قَبْلُ مَا لَكُم مِّن زَوَالٍ ﴿44﴾ وَسَكَنتُمْ فِي مَسَاكِنِ الَّذِينَ ظَلَمُواْ أَنفُسَهُمْ وَتَبَيَّنَ لَكُمْ كَيْفَ فَعَلْنَا بِهِمْ وَضَرَبْنَا لَكُمُ الأَمْثَالَ ﴿45﴾ وَقَدْ مَكَرُواْ مَكْرَهُمْ وَعِندَ اللّهِ مَكْرُهُمْ وَإِن كَانَ مَكْرُهُمْ لِتَزُولَ مِنْهُ الْجِبَالُ ﴿46﴾ فَلاَ تَحْسَبَنَّ اللّهَ مُخْلِفَ وَعْدِهِ رُسُلَهُ إِنَّ اللّهَ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ ﴿47﴾ يَوْمَ تُبَدَّلُ الأَرْضُ غَيْرَ الأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ وَبَرَزُواْ للّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ ﴿48﴾ وَتَرَى الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ مُّقَرَّنِينَ فِي الأَصْفَادِ ﴿49﴾ سَرَابِيلُهُم مِّن قَطِرَانٍ وَتَغْشَى وُجُوهَهُمْ النَّارُ ﴿50﴾ لِيَجْزِي اللّهُ كُلَّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ إِنَّ اللّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿51﴾ هذَا بَلاَغٌ لِّلنَّاسِ وَلِيُنذَرُواْ بِهِ وَلِيَعْلَمُواْ أَنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَلِيَذَّكَّرَ أُوْلُواْ الأَلْبَابِ ﴿52﴾**

**هنگامي را بیاد آرید که ابراهيم گفت پروردگارا اين شهر را ايمن قرار ده و مرا و فرزندانم را از عبادت بت ها دور نگهدار (35) پروردگارا افکار بت پرستانه بسياري از مردم را گمراه کرده ، پس هر کس که مرا پيروي کند از من است و هر کس که مرا نافرماني کند البته تو آمرزگار مهرباني (36) پروردگارا برخي از فرزندانم را در بياباني غير قابل کشت نزد خانه محترم تو سکونت داده ام ، تا نماز بپادارند . پروردگارا دلهاي مردم را بسوي آنان متمايل کن و از ثمرات روزيشان ده شايد شکر بگزارند (37) پرورگارا آنچه را که مخفي يا آشکار کنيم ميداني ، و هيچ چيز چه در زمين يا در آسمان باشد از تو مخفي نمي ماند (38) سپاس خدا را سزاست که عليرغم پيري اسمعيل و اسحق را بمن داد که پروردگارم شنونده دعاست (39) پروردگارا مرا و برخی از فرزندانم را بپا دارنده نماز قرار ده و دعايم را قبول فرما (40) پروردگارا مرا و والدينم را و مومنان را در روزي که حساب بر پا ميگردد بيامرز (41) ای پیامبر! مبادا خداوند را از آنچه ظالمان انجام ميدهند غافل پنداري ، جز اين نيست که جزاي آنها را تا روزي که قیامت چشمها را خيره ميکند به تأخير مي اندازد (42) در آن روز گردنها کشيده ، چشمها به يک سو دوخته ، پلک نميزنند و دلهاشان از اضطراب خالي است (43) و مردم را از روزي بترسان که عذاب بر آنها بيايد و ظالمان گويند پروردگارا تا سرآمدي نزديک عذاب را از ما به تأخير بينداز که دعوتت را اجابت و رسولان را پيروي کنيم ، که به آنها جواب داده میشود آيا همين شماها نبوديد که قبلا قسم ميخورديد که زوالي نداريد؟ (44) و شما نبوديد که در مسکن هاي کساني که به خويش ظلم کردند ساکن شديد و برايتان روشن شد که ما با آنها چگونه معامله کرديم و برايتان مثالها زديم؟ (45) به هر حال آنها زندگیی پر از توطئه داشتند و البته توطئه شان نزد خدا معلوم بود و مکرشان چنان بزرگ بود که گوئي کوهها با آن زايل میشدند (46) پس مبادا خداوند را نسبت به وعده اي که به فرستادگانش داده ؛ بي توجه بپنداري . البته خداوند پيروزمند انتقامگير است (47) در روزي که زمين مبدل به زميني غير از اين زمین شود و آسمانها هم به نظر همينطور بیاید و آنها در مقابل خداوند يگانه قهار قرار گيرند (48) و در آن روز مجرمان را بيني که در غل و زنجيرها با هم اند (49) پيراهن هايشان از قير است و آتش چهره هايشان را فرا گرفته است (50) تا خداوند هر کس را بسبب آنچه که کسب کرده جزا دهد که خداوند تند حساب است (51) اين پيام رسانيي براي مردم است ، و تا به وسيله آن هشدار داده شوند و نیز بدانند که جز اين نيست که او خدائي است يگانه و نیز صاحبان خرد پند گيرند (52)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: خداوند پيامبران و پيروانشان را پيروز و کافران را در دنيا مغلوب و در آخرت معذب ميکند .**

**درب : اي پيامبر! ابراهيم را موفق نموديم و در دنيا نیز چنين نعمتهایي به او داديم. اي مسلمانان! خداوند نسبت به شما بي توجه نيست و شما را موفق خواهد کرد و ظالمان را نيز در آخرت معذب خواهد نمود . اي مردم! به اين مطالب توجه کنيد و به راه خدا بياييد و به پيامبرش بگرويد .**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 میفرماید : رفتار خداوند نسبت به مردم لطف­آمیز است اما اگر کفر ورزند ممکن است قهرآمیز گردد ، و اینکه بعضي اقوام گذشته نسبت به پيامبران نافرماني کردند و سعی کردند با آنان مقابله کنند اما مغلوب شدند و در آخرت معذب خواهند بود و اینکه پیامبر ص دلگرم باشد که کارش درست است و مخالفانش در گمراهيند .

در پاراگراف 2 می فرماید : ای کافران ! دائما دارید از بینهایت نعمت های الهی استفاده می کنید ، آیا سزاوار است کفر بورزید؟ ای مردم! در جهنم علاوه بر عذاب­ها بین جهنمیان دعوا و بگومگو ، و در بهشت علاوه بر نعمـت­ها صلح و صفا حاکم است، و عقاید صحیح ، اصیل و مفید ، و عقاید غلط، بی­ریشه و بی­فایده­اند .

ای پیامبر! با اطمینان به ماموریتت برس ، اینها درمقابل حق کاری ازپیش نخواهندبرد . کافران را به حال خود رهایشان کن و به ارشاد بیشتر پیروانت بپرداز .

در این پاراگراف ضمن یاد آوری راز و نیاز و مناجات و دعاهای ابراهیم(ع) و دغدغه خاطرهای او تلویحا میفرماید ای پیامبر ! به جدّت ابراهیم نگاه کن که چگونه درآن شرایط نامساعد نیز ماموریت خویش راکاملا محکم و جدی دنبال کرد ، لذا تو نیز از این شرایط که هر چه باشد به آن بدی نیست دلگیر مشو و رسالتت را به محکمی پی بگیر .

در این پاراگراف می فرماید : ای پیامبر! نگران نباش، و به کافران راجع به آینده محتومشان هشدار بده و بیاد داشته باش که خداوند وعده­اش را عمل می­کند و کنترل هم دارد .

در این پاراگراف می فرماید : ای پیامبر ! این مطالب برای عموم مردم ، حاوی هشدار و برای اشخاص مستعد خاص ، حاوی اندرز است .

**3 - سوالات**

2 – با توجه به آیه 37 ، چرا مهم ترین خواسته ابراهیم (ع) برای فرزندانش «برپا داشتن نماز» است؟

3 - «یشکرون» (آیه37) به چه کسی برمیگردد؟ (اولاد ابراهیم؟ مردم؟ یا...؟)

4- در آیه 38 «**وَمَا يَخْفَى عَلَى اللّهِ مِن شَيْءٍ فَي الأَرْضِ وَلاَ فِي السَّمَاء**» با کدام کلید تفسیر مطابقت دارد؟

5 – چرا در آیه 40 به جای «ذریتی» گفته «من ذریتی»؟

9 - «دعاء» (آیه 39) به معنی لغوی آمده یا اصطلاحی؟

1 – منظور از «ظالمون» (آیه42) چیست؟

4 – منظور از «تبین لکم» (آیه45) چیست؟

6 – چرا خداوند به صفاتی که در این پاراگراف آمده ، معرفی شده است؟

8 – کلمه « والسماوات» (آیه 48) نسبت به کلیدهای تفسیر چه نسبتی دارد؟

9 - «ال» در دو کلمه «الارض» از چه نوع است؟ (عهد؟ تعریف؟ جنس؟ یا...؟)

10 – از جوابتان (در صورت صحت) چه نتیجه تفسیری میتوان گرفت؟

1 - خطاب مستقیم این پاراگراف به چه کسی است؟

2 – از این آیه چه «حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها» میتوان زد؟

3 – منظور از «بلاغ» چیست؟

4 – منظور از «هذا» چیست؟ (این سوره؟ نزول قرآن تا این سوره؟ یا....؟)

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

از آیه های 42 و 47 چنین فهمیده میشود که آنحضرت در درون ضمیر خویش این فکر را میکرده که چرا اینک که حجت بر همگان تمام شده ، ولی سران و فعالان کفر کماکان دارند رفتار مالوف خویش را پی میگیرند، چرا خداوند این خیره سریِ آنان را بی پاسخ میگذارد؟

خداوند دغدغه خاطر آنحضرت را چنین پاسخ میدهد که متوجه باش که روش خداوند در باره تو و امت تو با روش او در باره انبیاء سلف و امت هایشان فرق میکند، و در باره تو و امتت کمتر به واکنش های اعجازی خواهد پرداخت و بیشتر به روش های انسانی و نتیجه بخش کردنِ تعالیمت از طریق بذل صبر و حوصله از سوی تو و پیروانت نظر دارد. لذا، ای پیامبر! تو نیز به هشدار بیشتر در باره قیامت بپرداز.

**5 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در آیه 47 با تاکید میفرماید مبادا فکر کنی خداوند وعده اش را عملی نخواهد کرد، که این آیه، خودش یک پیشگوئی محقق شدهء روشن است .

**6 - کلید های تفسیری**

**اصلی-فرعی:**

1 - آیه 39 پرانتزی است .

2 - آیه 43 فرع بر آیه 42،

3 - و آیه 45 فرع برآیه 44 است .

4- در ابتدای آیه 43 واگذاری به مخاطب ،

5 - و نیز در آیه 44 بین دوکلمه الرسل و اولم

6 – و در ابتدای آیه 46 تغییر مخاطب (برگشتن به مخاطب اولیه)

7 - و در ابتدای آیه 48 واگذاری به مخاطب صورت گرفته است .

**ریز کردن پاراگراف تا حد امکان :**

**1**

**وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَن نَّعْبُدَ الأَصْنَامَ ﴿35﴾ رَبِّ إِنَّهُنَّ أَضْلَلْنَ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ فَمَن تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي وَمَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿36﴾ رَّبَّنَا إِنِّي أَسْكَنتُ مِن ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِندَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُواْ الصَّلاَةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِّنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُم مِّنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ ﴿37﴾ رَبَّنَا إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا نُخْفِي وَمَا نُعْلِنُ وَمَا يَخْفَى عَلَى اللّهِ مِن شَيْءٍ فَي الأَرْضِ وَلاَ فِي السَّمَاء ﴿38﴾**

**درس: خداوند پيامبران و پيروانشان را پيروز و کافران را در دنيا مغلوب و در آخرت معذب ميکند .**

**درب : ابراهیم (ع) موفقیت را در دوری از شرک و اقبال به ایمان و پروا از خداوند تلقی میکند.**

**2**

**الْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَقَ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاء ﴿39﴾ رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلاَةِ وَمِن ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاء ﴿40﴾ رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ ﴿41﴾**

**درس: خداوند پيامبران و پيروانشان را پيروز و کافران را در دنيا مغلوب و در آخرت معذب ميکند .**

**درب : ابراهیم (ع) شکر نعمت و درخواست توفیق و غفران مینمود.**

**3**

**وَلاَ تَحْسَبَنَّ اللّهَ غَافِلاً عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الأَبْصَارُ ﴿42﴾ مُهْطِعِينَ مُقْنِعِي رُءُوسِهِمْ لاَ يَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ وَأَفْئِدَتُهُمْ هَوَاء ﴿43﴾ وَأَنذِرِ النَّاسَ يَوْمَ يَأْتِيهِمُ الْعَذَابُ فَيَقُولُ الَّذِينَ ظَلَمُواْ رَبَّنَا أَخِّرْنَا إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ نُّجِبْ دَعْوَتَكَ وَنَتَّبِعِ الرُّسُلَ أَوَلَمْ تَكُونُواْ أَقْسَمْتُم مِّن قَبْلُ مَا لَكُم مِّن زَوَالٍ ﴿44﴾ وَسَكَنتُمْ فِي مَسَاكِنِ الَّذِينَ ظَلَمُواْ أَنفُسَهُمْ وَتَبَيَّنَ لَكُمْ كَيْفَ فَعَلْنَا بِهِمْ وَضَرَبْنَا لَكُمُ الأَمْثَالَ ﴿45﴾ وَقَدْ مَكَرُواْ مَكْرَهُمْ وَعِندَ اللّهِ مَكْرُهُمْ وَإِن كَانَ مَكْرُهُمْ لِتَزُولَ مِنْهُ الْجِبَالُ ﴿46﴾ فَلاَ تَحْسَبَنَّ اللّهَ مُخْلِفَ وَعْدِهِ رُسُلَهُ إِنَّ اللّهَ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ ﴿47﴾**

**درس: خداوند پيامبران و پيروانشان را پيروز و کافران را در دنيا مغلوب و در آخرت معذب ميکند .**

**درب : ای پیامبر! به خداوند تکیه کن و مردم را هشدار ده و مپندار خداوند از وعده اش تخلف خواهد نمود.**

**4**

**يَوْمَ تُبَدَّلُ الأَرْضُ غَيْرَ الأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ وَبَرَزُواْ للّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ ﴿48﴾ وَتَرَى الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ مُّقَرَّنِينَ فِي الأَصْفَادِ ﴿49﴾ سَرَابِيلُهُم مِّن قَطِرَانٍ وَتَغْشَى وُجُوهَهُمْ النَّارُ ﴿50﴾ لِيَجْزِي اللّهُ كُلَّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ إِنَّ اللّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿51﴾ هذَا بَلاَغٌ لِّلنَّاسِ وَلِيُنذَرُواْ بِهِ وَلِيَعْلَمُواْ أَنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَلِيَذَّكَّرَ أُوْلُواْ الأَلْبَابِ ﴿52﴾**

**درس: خداوند پيامبران و پيروانشان را پيروز و کافران را در دنيا مغلوب و در آخرت معذب ميکند .**

**درب : مصداق اعلای رفتار خداوندی در قیامت دیده خواهد شد.**

**7 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

در باره آیات این پاراگراف ، حتی امروز نیز ، با توجه به معانی والای آن ، حتی برخی مفسران هم ، درک مقبولی از آن ندارند ، چه رسد به مخاطبان اولیه ! در عین حالیکه کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در این هزار و چند صد سال ، تغییر معنای قابل توجهی نیافته اند !

**8 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

1 – دلگرم کردن پيامبر ص که ابراهيم ع را موفق نموديم و در دنيا نیز چنين نعمتهایي به او داديم .

2 – دلگرم نمودن پیروان معاصر آنحضرت با اشاره به اینکه خداوند نسبت به شما بي توجه نيست و شما را موفق خواهد کرد و ظالمان را نيز در آخرت معذب خواهد نمود.

3 - دعوت سایر معاصران که اي مردم به اين مطالب توجه کنيد و به راه خدا بياييد و به پيامبرش بگرويد .

**9 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تقریبا تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

**شرح مختصر**

**تردد بین «ربّ»ی و «ربّ»نا**

در آیه های 35و36 خداوند را ربّ من خطاب میکند و در آیه های 37 و 38 ربّ ما و در آیه های 39 و 40ربّ من ، و در آیه 41 ربّ ما.

چرا؟

اگر خوب دقت کنید می بینید که آنجا که رب من (ربی) خطاب یا ذکر میکند موضوعاتی را در نظر دارد که به خودش مستقیما ربط دارد ، ولی آنجا که رب ما (ربنا) خطاب یا ذکر میکند موضوعاتی را در نظر دارد که علاوه بر خودش به کسانی دیگر نیز مربوط میشود .

**مکه در آن زمان بیابان بود**

به قرینه آیه 37، هنگامی که حضرت ابراهیم(ع) داشت اسمعیل(ع) را که هنوز نوزاد بود (و مادرش را) در مکه بجا می­گذاشت آنجا هنوز بیابان بود و لذا اینکه در آیه 35 گفته «این شهر» به این معنی است : «این بیابانی که به زودی شهر خواهد شد»

**آیا بت گمراه می­کند؟**

موضوع آیه 36 اشاره به ذهنیتی است که عده­ای داشتند و دارند که در جهان غیر از خداوند کسانی و چیزهایی را دارای اثر می­دانند و بت­ها را به عنوان نماد آن کسان یا چیزها می­سازند و لذا 6 کلمه اول آیه 36 به این معنی است که «پروردگارا عقیده مشرکانه ، عده زیادی از مردم را گمراه کرده»

البته ما در این تفسیر قبلاً با این مفاهیم در سوره نجم و بسیار جاهای دیگر آشنا شده­ایم .

**معنی «ثمرات» محدود به میوه نیست**

کلمه «ثمرات» در آیه 37 محدود به محصولات باغی نیست بلکه هر «نتیجه مفید»ی را شامل می­شود ، مثلاً مانند کالاهائی که در آن دو سفرِ تابستانه و زمستانه (سوره قریش) به دست اهالی آن بیابانِ بی­محصولات کشاورزی می­رسید.

**روحیه دادن به پیامبر(ص) و مسلمانان**

سراسر مطالب این پاراگراف پر از مطالبی است که بطور کنایه­ای به پیامبر(ص) و مسلمانان روحیه می­دهد و اگر بخواهیم شرح دهیم طولانی خواهد شد اما نیاز نیست زیرا برای خواننده این نوع مطالب همین سرنخ­ها کافیست .

**باز هم روحیه­بخشی**

در این پاراگراف نیزبه نوعی دیگر به مسلمانان تحت فشار و آزار آن روزها دلداری داده می­شود ، و این دلداری از طریق تأکید و القای این نکته است که خداوند از حال شما آگاه است ، و تأکید مذکور، در آیه­های 42 و 47 به واضح­ترین شکل پیداست.

در مرحله اول (آیات 42 تا 46) آنها را به قیامت ارجاع می­دهد که کافران در قبال این آزار و ناراحتیی که برشما روا میدارند عذاب جهنم را خواهند داشت .

در مرحله دوم (آیه 47) آنها را به پیروزی زمینی در این جهان نیز مژده می­دهد (اما باز هم به آخرت توجه می­دهد و پیگیر آیات قبل می­شود و با این بیان تلویحاً به مؤمنان آن روزها این مطلب را القاء می­فرماید که دلتان را بیشتر به آخرت خوش کنید تا به این جهان)

**قیامت در کجا اتفاق خواهد افتاد**

در آیه 48 یکی از صفات جدید قیامت را باز می­گوید :

آیا این کره زمین بکلی از بین می­رود و وقوع قیامت در جای دیگری اتفاق می­افتد؟ و «محل حضور بشر در آنجا» را زمین قلمداد کرده؟

یا اینکه همین زمین فعلی تغییراتی چنان عمیق می­کند که دیگر بکلی از این حالت فعلی قابل بازشناسی نیست؟

با توجه به آیات سوره انشقاق و آیات دیگری که تاکنون در مجموعه «مرحله سوم» دیده­ایم شق دوم را ترجیح می­دهیم.

**جمع بندی و تفسیر**

**و هنگامي که ابراهيم گفت پروردگارا اين شهر را ايمن قرار ده و مرا و فرزندانم را از عبادت بت ها دور نگهدار (35) پروردگارا آنها بسياري از مردم را گمراه کرده اند ، پس هر کس که مرا پيروي کند از من است و هر کس که مرا نافرماني کند البته تو آمرزگار مهرباني (36) پروردگارا برخي از فرزندانم را در بياباني غير قابل کشت نزد خانه محترم تو سکونت داده ام ، تا نماز کنند . پروردگارا دلهاي مردم را بسوي آنان متمايل کن و از ميوه ها روزيشان ده شايد شکر بگزارند (37) پرورگارا آنچه را که مخفي يا آشکار کنيم ميداني ، و هيچ چيز چه در زمين يا در آسمان باشد از خداوند مخفي نمي ماند (38) سپاس خدا را سزاست که عليرغم پيري اسمعيل و اسحق را بمن داد که پروردگارم شنونده دعاست (39) پروردگارا مرا و از فرزندانم را بپا دارنده نماز قرار ده و دعايم را قبول فرما (40) پروردگارا مرا و والدينم را و مومنان را در روزي که حساب بر پا ميگردد بيامرز (41) مبادا خداوند را از آنچه ظالمان انجام ميدهند غافل پنداري ، جز اين نيست که** (جزاي) **آنها را تا روزي که چشمها خيره ميشوند به تأخير مي اندازد (42)** [ در آنروز] **گردنها کشيده ، چشمها به يک سو دوخته ، پلک نميزنند و دلهاشان خالي است (43) و مردم را از روزي بترسان که عذاب بر آنها بيايد و ظالمان گويند پروردگارا تا سرآمدي نزديک** (عذاب را) **از ما به تأخير بينداز که دعوتت را اجابت و رسولان را پيروي کنيم** [ به آنها جواب داده میشود] **آيا همين شماها نبوديد که قبلا قسم ميخورديد که زوالي نداريد؟ (44)** (و شما نبوديد که) **در مسکن هاي کساني که به خويش ظلم کردند ساکن شديد و برايتان روشن شد که ما با آنها چگونه معامله کرديم و برايتان مثالها زديم؟ (45)** [ به هر حال . . . ] **و توطئه شان را کردند و توطئه شان نزد خدا** (معلوم) **بود . البته مکرشان** (چنان بزرگ بود که گوئي) **کوهها با آن زايل شوند (46) پس مبادا خداوند را نسبت به وعده اي که به فرستادگانش داده ؛ بي توجه بپنداري . البته خداوند پيروزمند انتقامگير است (47)** [در ] **روزي که زمين مبدل به زميني غير از اين زمین شود** {و آسمانها }(هم به نظر آنهاهمينطور ) **و آنها در مقابل خداوند يگانه قهار قرار گيرند (48) و در آن روز مجرمان را بيني که در غل و زنجيرها باهمند (49) پيراهن هايشان از قير است و آتش چهره هايشان را فرا گرفته است (50) تا خداوند هر کس را بسبب آنچه که کسب کرده جزا دهد که خداوند تند حساب است (51)** **اين پيام رسانيي براي مردم است ، و تا به وسيله آن هشدار داده شوند و نیز بدانند که جز اين نيست که همو خدائيست يگانه و نیزصاحبان خرد پند گيرند (52)**

**سوره اِسراء**

**﴿ بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾**

**سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلاً مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ البَصِيرُ ﴿1﴾**

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**منزه است خداوند که بنده اش را شبانه از مسجدالحرام تا مسجدالاقصي که اطرافش را برکت داده سير داد تا بعضي از آياتش را به او بنماید که خداوند البته شنواي بينا است (1)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

تاکنون ، در چهار جلد قبلی این تفسیر ، در ابتدای پاراگراف اول هر سوره ، ذیل تیتر فوق ، لااقل دو جدول اول و آخر طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یا همان «درس» سوره) را می آوردیم ، اینک که خواننده محترم به اندازه کافی آنها را دیده ، و دانسته که طرز استخراج چگونه است ، به علت علاقه به رعایت اختصار ، دیگر جدول های مذکور را که دائما طولانی تر میشود ، ذکر نمیکنیم ، و اگر کسی بخواهد، میتواند همه آنها را در کتاب «راهنمای تحلیلی» ما (در سایت ما که در اول و آخر این کتاب معرفی کرده ایم) ببیند .

**درس: کمک همه جانبه الهي به پيامبر براي پيگيري رسالتش که ساخته شدن انسان باشد .**

**درب : ارائه بعضي آيات الهي به پيامبر براي گسترش ديد و دلداري او .**

**2 - سوالات**

1 – جمله «لنریه من آیاتنا» با کدام کلید تفسیر مطابق است؟

2 - چرا از بین القاب ممکن روی «عبد» بودن آنحضرت تاکید شده است؟

3 - چرا خداوند از میان صفات ممکن ، خود را با دو صفت سمیع و بصیر معرفی فرموده است؟

4 - حالت کلی این آیه چگونه است؟ (جلب توجه به اهمیت رسالت؟ یا....؟)

5- چرا اسم آن دو مسجد به ترتیب «حرام» و «اقصی» نامگذاری شده است؟

6 - «ه» در«حوله» به چه اشاره دارد؟

7 – در این واقعه چه «آیات»ی به پیامبر(ص) نشان داده شده؟

8 - آیا «ل» در«لنریه» درجهت تعلیل این واقعه است؟ (یا...؟)

9 - «حول» آنجا چه محدوده ای را شامل میشود؟

**3 – پیشگوئی های تحقق یافته**

این آیه هنگامی نازل شد که مسلمانان تحت شدیدترین فشارها بودند. اینک حدود سال پنجم بعثت است و هنوز تا هجرت حدود 7 سال و تا فتح فلسطین حدود 23 سال فاصله است، و اینکه در این آیه «مسجدالاقصی»ی فعلی را در حدود سال پنجم بعثت، «مسجد» خوانده یک پیشگویی محقق شده تاریخی و یک معجزه است. زیرا در آن موقع مسجدالاقصی فقط یک «عبادتگاه» بود و هنوز «مسجد» نشده بود و لازم نیست عبادتگاه را «مسجد» بخوانند و در خود قرآن هم برای «عبادتگاه­ها» کلماتی مانند «صوامع» و «بیع» آورده شده است .

**4 – زاویه با تفاسیر رایج**

**1** :(المیزان) : اين سوره پيرامون مساله توحيد و تنزيه خداى تعالى از هر شريكى كه تصور شود مى‏باشد، و با اينكه در اين مورد بحث مى‏كند، اما مساله تسبيح خدا را بر مساله حمد و ثناى او غلبه داده، و بيشتر به قسم دوم پرداخته است

درس : کمک همه جانبه الهی به پیامبر برای پیگیری رسالتش که ساخته شدن «انسان» باشد .

**5 – کلیدهای تفسیری**

1 - جمله «الذی بارکنا حوله» در آیه فوق ، پرانتزی است ، دلیلش هم اینکه اگر چشم خویش را بر آن بسته و قبل و بعدش را وصل کنیم خواهیم دید که روال سخن صاف و هموار خواهد بود .

2 - «برکت» یعنی نفع زیاد و بیشترین نفع را پیامبران به بشریت رسانده­اند و اطراف مسجدالاقصی که همین منطقه سوریه و لبنان و اسرائیل فعلی باشد منطقه نشو و نمای دو دین بزرگ بوده که در همین زمان خودمان حدود بیش از نصف مردم زمین را در پیروی خود دارد .

علاوه بر آن از لحاظ مادی نیز آن منطقه پربرکت است . زمین­های حاصلخیز، آب و هوای معتدل ، تنوعِ گونه­های گیاهی ، و غنای محیط زیست از مظاهر آن است .

**6 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در طول این مدت طولانی ، از نزول این سوره تا به امروز ، تغییر معناییِ چندانی نیافته ، و لذا مخاطب های اولیه نیز از این پاراگراف همان تلقی را میداشته اند که ما .

اما ، مخاطبان اولیه که بجای خود ، مانیز امروز نمیتوانیم تصور روشنی از این امور که جزء مغیبات است داشته باشیم .

**7 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

سیر دادنِ بطور خارق العادهِ آنحضرت از مکه تا شام و ارائه یرخی آیات الهی به او .

**8 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، این آیه «برای اولین بار» است.

**شرح مختصر**

**در باره معراج**

موضوع معراج نزد ما مسلمانان آنقدر معروف است که می­توان گفت عناصر آن جزء «اطلاعات عمومی مسلمانی» درآمده است اما روایات مربوط به آن آنقدر مختلف و دور از هم است که نمی­توان بین آنها جمع­بندیی کرد .

اما از آنجا که روایات را باید از روی قرآن ارزیابی کرد و نه برعکس ، ملاک ارزیابی روایات مربوط به معراج همین آیه و نیز سه آیه در سوره نجم است که قبلاً دیدیم .

اشکال دیگر این است که سوره نجم که بسیار «معراجی تر» است در اواخر قرآن قرار دارد و این سوره زود تر از آن دیده میشود و ما در کتاب «سره و نا سره در روایات معراج» به چگونگی ضرر زدن های این وضع به فهم این آیه اشاره ای کرده ایم .

بر اساس آیات سوره نجم ، بعضی از «آیات بزرگ الهی» به پیامبر اکرم(ص) ارائه شد که در « نزد سدره­المنتهی ، همانجائی که بهشتِ جایگاه هست» بود و این آیه نیز اشاره دارد به سیر دادن شبانه آن حضرت از مکه تا مسجدالاقصی تا «بعضی از آیات» الهی به او ارائه شود.

آیات اشاره شده در سوره نجم ، در چارچوب تشریح «وحی» بود ، و این آیه در چارچوب کمک و آموزش و دلداری آنحضرت است که هر دو با هم قابل جمع اند.

در آن سوره به بعضی از «آیات بزرگ» الهی و در این آیه به بعضی از «آیات» الهی اشاره شده است .

لذا ، اینکه این آیه پس از سوره نجم نازل شده دلیل نمیشود که واقعه مربوط به این آیه نیز پس از وقایع مربوط به سوره نجم اتفاق افتاده باشد ، مانند داستان حضرت موسی که در هر جایی از قرآن به یک گوشه اش که تناسبی با آن قسمت از قرآن دارد ذکرشده است .

اما اینکه در آن شب خاص در سیر شبانه از مسجدالحرام به مسجدالاقصی چه مطالبی ارائه شده ، جز اینکه بعضی از نشانه­ها و آیات الهی بوده ، چیز دیگری در قرآن نداریم .

اما در روایات مطالب بسیار بسیار زیادی هست که به دو دسته بزرگ قابل دسته­بندی است .

یک دسته از آن انبوه روایات ، هم مختصر است و هم با آیه فوق می­خواند .

دسته دیگر بسیار مفصل است و اشکالات زیادی ، اعم از قرآنی و عقلی دارد که آنها را از محدوده «قابل قبول بودن» بیرون می­کند .

اگر مایل به شرح بیشتر باشید مقاله «سره و ناسره در روایات معراج» را در سایت ملاحظه فرمائید.

**جمع بندی و تفسیر**

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**منزه است کسي که بنده اش را شبانه از مسجدالحرام تا مسجدالاقصي** {که اطرافش را برکت داده ايم} **سير داد تا بعضي از آياتمان را نشانش دهيم که او البته شنواي بينا است (1)**

**اسراء2 آیات2تا8**

**وَآتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ أَلاَّ تَتَّخِذُواْ مِن دُونِي وَكِيلاً ﴿2﴾ ذُرِّيَّةَ مَنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا ﴿3﴾ وَقَضَيْنَا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا ﴿4﴾ فَإِذَا جَاء وَعْدُ أُولاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَّنَا أُوْلِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُواْ خِلاَلَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولاً ﴿5﴾ ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُم بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا ﴿6﴾ إِنْ أَحْسَنتُمْ أَحْسَنتُمْ لِأَنفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا جَاء وَعْدُ الآخِرَةِ لِيَسُوؤُواْ وُجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُواْ الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبِّرُواْ مَا عَلَوْاْ تَتْبِيرًا ﴿7﴾ عَسَى رَبُّكُمْ أَن يَرْحَمَكُمْ وَإِنْ عُدتُّمْ عُدْنَا وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا ﴿8﴾**

**و به موسي آن کتاب را داده و آنرا براي بني اسرائيل هدايتي قرار داديم که جز من تکيه گاهي مگيريد (2) آنها فرزندان کساني بودند که با نوح حملشان کرديم که او بنده اي شکرگزار بود (3) و درباره بني اسرائيل در آن کتابِ تقدیرات مقرر کرديم که ای بنی اسرائیل حتمأ دوبار در زمين فساد نموده و سركشي بزرگي خواهيد كرد (4) آنها به فساد پرداختند و وقتيکه موعد اولشان سر رسيد به آنها فهماندیم که بنده اي از بندگان خويش را عليه شما برگماشتيم که بسيار نيرومند است و او بر اینها مسلط شد تا اينکه درون شهرهايشان را نيز جستجو کردند و اين وعده ای بوده که قبلاً انجام شده است (5) ای بنی اسرائیل سپس شما را مجددأ علیه آنها برگردانديم و به اموال و فرزندان مددتان داديم و شما را از آنان قوی تر نموديم (6) اینک اگر احسان کرديد بنفع خودتان است و اگر هم بدي کرديد به ضرر خودتان خواهد بود و وقتيکه موعد دوم بيايد چهره هايتان اندوه بار خواهد شد و آنها حتمأ داخل آن مسجد ميشوند همانطور که آن قبلی ها بار اول شدند و آنچه را که برآن مسلط شوند نابود خواهند کرد (7) چه بسا پروردگارتان به شما رحم کند و اگر از رفتارهای سوءتان بازگشتيد ما نيز به نظر رافت به شما باز ميگرديم ، و جهنم را براي کافران مانند زندان قرار داده­ايم (8)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: کمک همه جانبه الهي به پيامبر براي پيگيري رسالتش که ساخته شدن انسان باشد.**

**درب : اميدواري دادن به پيامبر که امت او بر يهود پيروز خواهد شد .**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 که ابتدای ورود به سوره است شرحی از نشان دادن بعضی ازآیات الهی درجهت آموزش و کمک و تقویت مواضع رسولانه به پیامبر – ص – میدهد .

در این پاراگراف می فرماید : یهودیان در خلاف جهت تعالیمشان درگیری­هائی داشته و دارند و خواهند داشت که بالاخره به شکست کامل و اضمحلالشان منجر خواهد شد .

**3 – سوالات**

1 – منظور از وکیل (آیه2) چیست؟

2 – وضعیت آیه 3 از لحاظ کلید های تفسیری چگونه است؟

3 – فرق دو کلمه «کتاب» درآیه های 2 و 3 چیست؟

4 – در این پاراگراف خداوند طوری صحبت میکند که انگار بنی اسرائیل علیرغم گذشت مدت طولانی ، و فراز و نشیب های متنوع ، دارای «یک مشخصات ثابت هویتی» هستند، (لتفسدن لتعلن علیکم لکم امددناکم جعلناکم احسنتم اساتم وجوهکم ربکم یرحمکم عدتم) چرا خداوند این نوع سخن گفتن را برگزیده؟

5 - «جعلناه هدی لبنی اسرائیل» (آیه 2) چه وضعیتی از لحاظ کلیدهای تفسیری دارد؟

6 – حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟ (هشدار؟ اِخبار؟ یا . . ؟)

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

از آیه های 4 تا 8 فهمیده میشود که مقارن نزول این آیات رفتار یهودیان سبب نوعی نگرانی در ذهن آنحضرت بوده ، و در این آیات به آنحضرت تلویحا میفرماید که آنها یا باید رفتارشان را تصحیح کنند یا نابود خواهند شد .

**5 – زاویه با تفاسیر رایج**

(المیزان) : از مقايسه ميان وعد اول يعنى جمله" بَعَثْنا عَلَيْكُمْ عِباداً لَنا ..." و وعد دوم يعنى جمله" لِيَسُوؤُا وُجُوهَكُمْ ..." اين معنا به دست مى‏آيد كه وعده دوم بر بنى اسرائيل سخت‏تر بوده و در آن وعده نزديك بوده كه به كلى نابود شوند، و در دلالت بر اين معنا همين عبارت كافى است كه فرمود:" وَ لِيُتَبِّرُوا ما عَلَوْا تَتْبِيراً".

و معناى آيه اين است كه وقتى زمان وعده دوم رسيد، يعنى بنى اسرائيل افساد بار دوم خود را از حد گذراندند ما همان بندگان خود را واداشتيم تا با فراهم آوردن اسباب حزن و اندوه و تحقق بخشيدن ذلت و مسكنت آنان چهره‏هايشان را اندوهگين نموده و نيز مانند نوبت نخستين وارد مسجد اقصى شوند و هر چه را كه بر آن غلبه يافتند هلاك نموده و سرزمينهايى را كه از آن عبور كردند ويران سازند.

اگر به محتوای آیات مذکور دقت شود بین دو مرحله مذکور ازمنه و دهوری فاصله است ، چطور چنین چیزی ممکن است؟ و مگر عمر نسلها چقدر است که «همان» اشخاص بعد از گذشت ازمنه و دهور اساسا زنده باشند ، چه رسد به اینکه همان کارها را هم بکنند! بعلاوه ، بیان فوق هیچ مستند تاریخی هم ندارد ، در حالیکه واقعه اول دارد (بخت النصر و کورش و بابِل و . . .) چطور است که واقعه قبلی اینهمه مستند تاریخی دارد و واقعهء پس از آن هیچ ندارد؟

به عبارت دیگر ، واقعه دوم هنوز به وقوع نپیوسته است .

**6 – کلیدهای تفسیری**

1 - آیه 3 «پرانتزی» است ، دلیلش هم اینکه اگر چشم خویش را بر آن ببندیم و قبل و بعدش را وصل کنیم خواهیم دید روال سخن صاف و یکدست خواهد بود .

2 – همچنین است «جعلناه هدی لبنی اسرائیل» (آیه 2) و به همان دلیل .

**7 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در قسمت «شرح مختصر» مطلبی راجع به «آینده اسرائیل» قرار داده ایم که به درد تیتر فوق میخورد .

گرچه موضوع فوق هنوز وقوع نیافته ، اما قریب الوقوع بودن آن واضح است .

**8 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

در باره آیات این پاراگراف ، حتی امروز نیز ، با توجه به معانی خاص آن ، حتی برخی مفسران هم ، درک مقبولی از آن ندارند ، چه رسد به مخاطبان اولیه ! در عین حالیکه کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در این هزار و چند صد سال ، تغییر معنای قابل توجهی نیافته اند !

**9 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

شکست قطعی و نهائی یهودیان در اثر رفتارهای سوء خویش و اضمحلال غائی آنان.

**10 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تقریبا تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

**شرح مختصر**

**آینده اسرائیل**

در این پاراگراف به وضوح ذکر شده است که سرانجام یهودیان شکست و نابودی است.

آیه­های 2 و 3 مقدمه­ای است که مخاطب از روی آنها به این نکته می­رسد که بنی­اسرائیل که اینهمه مورد لطف و انعام الهی بودند باید قاعدتاً رفتار نیکو و عمل صالح نشان دهند اما از آیه 4 فهمیده می­شود که آنها علیرغم لطف و محبت الهی به راه غلط رفتند و اهل فساد و استکبار شدند .

از بقیه آیات این پاراگراف فهمیده می­شود آنها دو بار به فساد در زمین می­پردازند و یکبار آن به سرکوبی شدید و پراکندگی و بیچارگی آنها منجر شد که داستان بخت­النصر و آوارگی و ذلت و اسارت یهودیان در بابِل را همگان می­دانیم.

در آیه 6 می­فرماید شما دوباره به قدرت و عزت می­رسید.

سئوال این است که یهودیان دوباره چه هنگام به قدرت و عزت رسیدند؟

درجواب بایدگفت که یهودیان هرگز به قدرت و عزت نرسیدند و همواره زیردست دیگران بودند تا اینکه در سال 1948 عده­ای از صهیونیست­های اروپا (پیرو سیاست گسترده اروپائیان پس ازپایان جنگ اول جهانی درسال1919 وتجزیه کشور بسیار بزرگ عثمانی ) با کمک مستقیم انگلستان و رضایت بقیه کشورهای مهم اروپائی کشور اسرائیل را تشکیل دادند که رسمیت یافت و در سال 1948 به عضویت سازمان ملل پذیرفته شد .

لذا آیه 6 ناظر به همین چند دهه اخیر است.

بنابراین ، «وعده دوم» که در آیه 7 به آن اشاره شد که نابودی حکومت آنها و پراکندگی آنها را در شهرها و نابودی آثار قدرتشان را در پی دارد ناظر به همین اسرائیلِ موجود است و این وعده­ای است الهی و براساس آیه 4 جزء «مقدرات» است و حتماً واقع خواهد شد مگر اینکه آنها چنانکه در اول آیه 7 آمده است «احسان» کنند که اصلاً با ذات و صفات و خمیره جماعت «بنی­اسرائیل» قرابتی ندارد و آنها اصلاً نمی­فهمند احسان چیست و اساساً از بنی­اسرائیل «ترک شر» متصور نیست چه رسد به «احسان»

لذا آنها همین روندی را که دارند طی می­کنند، که عبارت است از قتل و ترور و تجاوز به حقوق انسانی و آزار ضعفا و حق را باطل جلوه دادن و برعکس، باز هم همین روند را طی خواهند کرد و نابودیشان هم در همین است و کسی که اندکی قدرت تحلیل و بینش داشته باشد خواهد دید آثارش نیز هم اکنون پیدا است زیرا اسرائیلی­ها در اقیانوسی از کسانی محصور شده­اند که بشدت از آنها نفرت دارند و آنها هم از هیچ عمل غیرانسانی خودداری نمـی­کنند و تنها اتکایشان به آمریکاست که هزینه­های نظامی و سیاسی و اطلاعاتی و اقتصادی آنها را می­دهد.

اینک که روز آگاهی ملتهاست، کم­کم این سئوال دارد برای مالیات­دهنده امریکائی پیش می­آید که من چرا باید این هزینه­های سنگین این دولت وابسته را بدهم که با پول من آدمکشی و جنایت و فساد کند؟

کم­کم کمکها قطع و اسرائیل در آن اقیانوس تنها می­ماند و آیه 7 محقق می­شود (چنانکه در آیه 104 همین سوره هم با وضوح بیشتر وعده داده شده)

علاوه بر این یک «جریان» دیگر هم هست که به موازات جریان اول پیش می­رود و آنهم رشد خودآگاهی ملل مسلمان است که این دو جریان در طول زمان تقویت شده و بالاخره آنچه که باید بشود خواهد شد.

اما در داخل اسرائیل نیز وضع خیلی- به تعبیرآنها - اسفبارشده است، بطوریکه حتی قبل ازسقوط دولتهای تونس و مصر ، نخست وزیر اسبق اسرائیل –ایهودباراک- از حزبش کناره گیری کرده و یک حزب طرفدار صلح با فلسطین تشکیل داده و رئیس سابق موساد هم درمصاحبه ای گفته زمان به ضرر ما دارد پیش میرود و ما باید فورا تغییر استراتژی بدهیم و پروژه صلح را جدی گرفته به آن سرعت دهیم.

ازسوی دیگرحامیان خیلی اصلی اسرائیل- امریکا ، آلمان ، انگلیس ، وفرانسه ، و امثالهم - نیزدیگر درآن موضع سابق «حمایت بی دریغ همه جانبه به هرقیمت» نیستند.

حزب الله لبنان و جنبش قانونی حماس نیز آوازه «بی شکست بودن» اسرائیل را شکستند و دوبار طعم شکست مفتضحانه را به آنان چشاندند.

در امروز باید این را هم اضافه کنیم که روابط حامیان اصلی اسرائیل با آن تا حدودی تیره شده بطوریکه نخست وزیر اسرائیل عملا به رئیس جمهوری آمریکا پرخاش میکند و جواب متقابل هم می شنود و دولت های اروپائی برسر شهرک های جدید یهودی که دولت اسرائیل میخواهد بسازد سفرای خویش را از تل آویو احضار میکنند و تل آویو نیز سفرای آن دولت ها را به وزارت خارجه خود احضار میکند و . . .

**خبر امروز** (چهارم دی ماه 95) حاکی است که شورای امنیت سازمان ملل شهرک سازی اسرائیل در زمین های اشغالیِ پس از 1967 را غیر قانونی دانسته و اسرائیل را از این امر منع نموده است!

فعلا این جدی ترین نشانه آغاز افول اسرائیل است . افولی که به دلیل وجود عوامل ذیل ، از این پس ، سرعت خواهد گرفت :

1 – ادامه «بدذاتیِ اسرائیلی»

2 – نفرت از اسرائیل در اقیانوس انسانی محیط بر آنان

3 – شل شدن حمایت بیدریغ حامیان سنتی اسرائیل

4 – قوی ترشدن موضع فلسطینیان و مخالفان اسرائیل

خلاصه اینکه عامل های 3 و 4 بطور رواز افزون دارند پر رنگ تر میشوند ، و عامل 1 نیز غیر قابل تخفیف است زیرا «ذاتی» است، و راجع به عامل 2 نیز چه بگوئیم که واضح است .

**جمع بندی و تفسیر**

**و به موسي آن کتاب را داده و آنرا براي بني اسرائيل هدايتي قرار داديم** {که جز من تکيه گاهي مگيريد} (2) (آنها ) فرزندان کساني (بودند) که با نوح حملشان کرديم {که او بنده اي شکرگزار بود} (3)  **و درباره بني اسرائيل در آن کتاب مقرر کرديم که** [ای بنی اسرائیل] **حتمأ دوبار در زمين فساد مي کنيد و سركشي بزرگي خواهيد كرد (4)** [آنها بار اول به فسادپرداختند] **و وقتيکه موعد اولشان سر رسيد** [به آنها فهماندیم که] **بنده اي از بندگان خويش را عليه شما برگماشتيم که بسيار نيرومند است** [ و او بر اینها مسلط شد] **تا اينکه درون شهرهايشان را نيز جستجو کردند** {و اين وعده (قبلاً) انجام شده است} (5) {سپس شما را مجددأ بر آنها برگردانديم و به اموال و فرزندان مددتان داديم و شما را از آنان بيشتر نموديم} (6) {{اگر احسان کرديد بنفع خودتان است و اگر هم بدي کرديد به ضرر خودتان کرده ايد }} **و وقتيکه موعد دوم بيايد چهره هايتان اندوه بار خواهد شد و آنها حتمأ داخل آن مسجد ميشوند** {همانطور که (آن قبلی ها) بار اول شدند} **و آنچه را که برآن مسلط شوند نابود خواهند کرد (7)** {چه بسا پروردگارتان به شما رحم کندو اگر بازگشتيد ما نيز باز ميگرديم} {{و جهنم را براي کافران (مانند) زندان قرار داده­ايم}} **(8)**

**اسراء3 آیات 9تا21**

**إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يِهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا ﴿9﴾ وأَنَّ الَّذِينَ لاَ يُؤْمِنُونَ بِالآخِرَةِ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿10﴾ وَيَدْعُ الإِنسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الإِنسَانُ عَجُولاً ﴿11﴾ وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَتَيْنِ فَمَحَوْنَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِتَبْتَغُواْ فَضْلاً مِّن رَّبِّكُمْ وَلِتَعْلَمُواْ عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ وَكُلَّ شَيْءٍ فَصَّلْنَاهُ تَفْصِيلاً ﴿12﴾ وَكُلَّ إِنسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَآئِرَهُ فِي عُنُقِهِ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنشُورًا ﴿13﴾ اقْرَأْ كَتَابَكَ كَفَى بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا ﴿14﴾ مَّنِ اهْتَدَى فَإِنَّمَا يَهْتَدي لِنَفْسِهِ وَمَن ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَلاَ تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولاً ﴿15﴾ وَإِذَا أَرَدْنَا أَن نُّهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُواْ فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا ﴿16﴾ وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنَ الْقُرُونِ مِن بَعْدِ نُوحٍ وَكَفَى بِرَبِّكَ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرَا بَصِيرًا ﴿17﴾ مَّن كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَّلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاء لِمَن نُّرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلاهَا مَذْمُومًا مَّدْحُورًا ﴿18﴾ وَمَنْ أَرَادَ الآخِرَةَ وَسَعَى لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ كَانَ سَعْيُهُم مَّشْكُورًا ﴿19﴾ كُلاًّ نُّمِدُّ هَؤُلاء وَهَؤُلاء مِنْ عَطَاء رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاء رَبِّكَ مَحْظُورًا ﴿20﴾ انظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَلَلآخِرَةُ أَكْبَرُ دَرَجَاتٍ وَأَكْبَرُ تَفْضِيلاً ﴿21﴾**

**البته اين قرآن به چيزي که محکمتر و استوارتر است هدايت ميکند و مومناني را که عمل صالح مي کنند مژده ميدهد که پاداشي بزرگ خواهند داشت (9) و اينکه براي کساني که به آخرت ايمان ندارند عذابي دردناک آماده شده است (10) و اکثر انسان ها چیزی را که واقعا برایشان بد است همانطور طلب میکنند که انگار دارند چیز خوب را طلب میکنند ، زيرا که انسان عجول است (11) شب و روز را دو آیت قرار داديم ، و نشانه شب را محو و نشانه روز را تابان مينماييم تا از فضل پروردگارتان بجوييد و شماره سالها ونيز حساب کردن را بدانيد و همه چيز را فصل بندي دقيقي کرده ايم (12) و در مورد هر انسان سرگذشتش را بر گردنش آويختيم و روز قيامت آنرا بصورت كارنامه اي گشاده برايش بيرون مي آوريم (13) در آن موقعیت به او الهام میشود که خودت كارنامه ات را بخوان که خودت براي حسابرسي خويش کافی هستی (14) کسي که دنبال هدايت باشد جز اين نيست که بنفع خويش هدايت شده و کسي هم که گمراه شد جز اين نيست که به ضرر خويش گمراه شده و هيچ كس بار ديگري را بر نمي دارد و ما قبل از اينکه رسولي برانگيخته باشيم عذاب نمی کنیم (15) و هنگاميکه بخواهيم شهري را هلاک کنيم ، خوشگذرانهايش در آن گناه میکنند ، سپس آن حكم بر آن فرود مي آيد و آنگاه نابودش مي کنيم (16) و چه بسا اقوامي که پس از قوم نوح هلاکشان کرديم و پروردگارت براي آگاهي بر گناهان بندگانش کافي است (17) هرکس که لذت های دنياي زودگذر را بخواهد براي او آنچه لیاقتش باشد ، براي هر کس که صلاح بدانیم ، در آن پيش مي آوريم ، آنگاه جهنم را خواهد داشت که سرزنش شده رانده شده در آن خواهد افتاد (18) و کسی كه آخرت را بخواهد و براي آن سعي كند ، و مومن هم باشد ، البته سعيش مورد قدرداني خواهد بود (19) همگي آنها را و اينها را ، از عطاء پروردگارت مدد ميدهيم ، و عطاء پروردگارت جلوگير ندارد (20) ببين چگونه بعضي را بر بعضي برتري داديم ، و در آخرت نیز ، هم درجات و هم برتري ها ، بزرگتر است (21)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: کمک همه جانبه الهي به پيامبر براي پيگيري رسالتش که ساخته شدن انسان باشد.**

**درب : این قرآنِ هدایت کننده ، و برخی «قوانین الهی» که به آنحضرت نموده شده ، از نمونه های کمک هاي الهي است .**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 که ابتدای ورود به سوره است شرحی از نشان دادن بعضی ازآیات الهی درجهت آموزش و کمک و تقویت مواضع رسولانه به پیامبر – ص – میدهد .

در پاراگراف 2 می فرماید : یهودیان در خلاف جهت تعالیمشان درگیری­هائی داشته و دارند و خواهند داشت که بالاخره به شکست کامل و اضمحلالشان منجر خواهد شد .

در این پاراگراف می فرماید : ای پیامبر ! همه جور به تو کمک کرده ایم ، این قرآنی که تو رابه آن مجهزکرده ایم یکی ازمصادیق بارز کمکهای ما است ولی به خاطرداشته باش که این قرآن شرط لازم هدایت است نه شرط کافی . و ای کافران! چرا نگاه خود را به زندگی خراب می کنید و بجای اینکه به راه این رسول واین قرآن بیائید ، چیزی را طلب میکنید که به ضررتان است؟ و ای پیامبر ! قوانین ماراجع به هلاکت جوامع وچگونگی بدست آوردن خواسته های دنیوی واخروی اینهاست .

**3 - سوالات**

1 - وضع کلمه «هذا» در آیه 9 چگونه است؟ (تاکید؟ اشاره قوی؟ یا...؟)

2– چرا بجای «للتی هی اقوم» نفرموده «للاقوم»؟

3- برای قرآن سه ماموریت برشمرده :1- هدایت به اقوم 2- مژده...3- هشدار... سوال این است : آیا 2 و 3 فرع بر ا است ؟ یا اینکه همعرض 1 هستند؟

4 – منظور از «قرآن» چیست؟ (آنچه از وحی که از ابتدا تا این آیه نازل شده؟ مجموع آنچه از ابتدای وحی نازل شده و تا آخر وحی نازل خواهد شد؟ یا....؟)

5 – منظور از «طائر» چیست؟

3 – در ابتدای آیه14 موضوع کدام کلید تفسیر اتفاق افتاده؟

4 – با توجه به آیه های 13و14 و سیستم های الکترونیک امروزی ، میتوانید مثلی بزنید؟

5 – با توجه به قسمت انتهائی آیه 15 قلمرو «عذاب» مذکورکجاست؟

1 – آیا «شر» و«خیر» در اینجا به معنی لغوی خویش ذکرشده یا به معنی اصطلاحی؟

7 – منظور از «انسان» در آیه 11چیست؟ (همه انسانها؟ اکثریت انسانها؟ یا....؟)

10 – در آیه 15 ، سه قانون از قوانین الهی را ذکرفرموده ، آنها را مشخص کنید

11 – منظور از «دعاء» (آیه11) چیست؟

2 - فرق اراده خداوند (آیه های16و18) و خواست خداوند (آیه18) چیست؟

3 – آیا «امرنا مترفیها» (آیه16) با تیتر پر تکرار «فعل خدا قانونمنداست» قابل توضیح هست؟

4 – منظور از «قول» (آیه16) چیست؟

5 – از متن آیه16 چه شبهه ای قابل استخراج است و جواب آن چیست؟

6 – طرز سخن گفتن خداوندی در آیه 16 از چه نوع است؟ (به زبان مخاطب؟ یا...؟)

9 - نیمه اول آیه20 ، چه شباهتی با کدام قسمت سوره لیل دارد؟

10 – منظور از «عاجله» (آیه20) چیست؟

**4 - کلید های تفسیری**

**(اصلی و فرعی:**

در این پاراگراف سه خاصیت برای قرآن ذکر شده : 1- هدایت به آنچه که «اقوم» است ، 2- مژده­دهی، 3- هشدار دهی.

چون ردیف 2 و 3 مثال­هایی از راه­های حصول ردیف 1 است ، لذا فرعی هستند و قسمت اصلی مطلب پاراگراف همان 7 کلمه ابتدای آیه 9 می­باشد.

غیر از آیه 14 که فرع بر آیه 13 باشد ، این پاراگراف کوتاه دارای 4 قطعه است، و به نظر می­آید این قطعه­ها قدر مشترکی نداشته باشند.

اما اگر دقت کنیم می­بینیم آیه 12 بدون این که فرع بر آیه­ای باشد پرانتزی است ، دلیلش هم این که اگر چشم خود را بر آن ببندیم می­بینیم روال سخن صاف و یکدست می­شود .

آیه 17 فرع بر آیه 16 ، و آیه 20 فرع بر مجموع دو آیه 18 و 19 می­باشد. ،

و آیه 21 نیز فرع بر مجموع سه آیه قبل از خویش است.

**ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:**

**1**

**إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يِهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا ﴿9﴾ وأَنَّ الَّذِينَ لاَ يُؤْمِنُونَ بِالآخِرَةِ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿10﴾**

**درس: کمک همه جانبه الهي به پيامبر براي پيگيري رسالتش که ساخته شدن انسان باشد.**

**درب : این قرآنِ هدایت کننده ، از نمونه های مهم کمک هاي الهي است .**

**2**

**وَيَدْعُ الإِنسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الإِنسَانُ عَجُولاً ﴿11﴾**

**درس: کمک همه جانبه الهي به پيامبر براي پيگيري رسالتش که ساخته شدن انسان باشد.**

**درب : اما، یکی از مشکلات رسالت وجود برخی از مخاطبان رسالت است.**

**3**

**وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَتَيْنِ فَمَحَوْنَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِتَبْتَغُواْ فَضْلاً مِّن رَّبِّكُمْ وَلِتَعْلَمُواْ عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ وَكُلَّ شَيْءٍ فَصَّلْنَاهُ تَفْصِيلاً ﴿12﴾**

**درس: کمک همه جانبه الهي به پيامبر براي پيگيري رسالتش که ساخته شدن انسان باشد.**

**درب : عناصری که ظاهرا با یکدیگر ضدیت دارند، در مجموع مکمل یکدیگرند و برای ساخته شدن انسان بسیار مفیدند.**

**4**

**وَكُلَّ إِنسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَآئِرَهُ فِي عُنُقِهِ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنشُورًا ﴿13﴾ اقْرَأْ كَتَابَكَ كَفَى بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا ﴿14﴾**

**درس: کمک همه جانبه الهي به پيامبر براي پيگيري رسالتش که ساخته شدن انسان باشد.**

**درب : موضوع اصلی رسالت، جلب توجه مخاطبان به عاقبت اخروی شان است.**

**5**

**مَّنِ اهْتَدَى فَإِنَّمَا يَهْتَدي لِنَفْسِهِ وَمَن ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَلاَ تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولاً ﴿15﴾**

**درس: کمک همه جانبه الهي به پيامبر براي پيگيري رسالتش که ساخته شدن انسان باشد.**

**درب : هرکس به موضوع رسالت واکنش شایسته نشان داد به نفع خویش کار کرده است.**

**6**

**وَإِذَا أَرَدْنَا أَن نُّهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُواْ فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا ﴿16﴾ وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنَ الْقُرُونِ مِن بَعْدِ نُوحٍ وَكَفَى بِرَبِّكَ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرَا بَصِيرًا ﴿17﴾**

**درس: کمک همه جانبه الهي به پيامبر براي پيگيري رسالتش که ساخته شدن انسان باشد.**

**درب : یکی از مکانیزم های طرز کار موانع رسالت.**

**7**

**مَّن كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَّلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاء لِمَن نُّرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلاهَا مَذْمُومًا مَّدْحُورًا ﴿18﴾ وَمَنْ أَرَادَ الآخِرَةَ وَسَعَى لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ كَانَ سَعْيُهُم مَّشْكُورًا ﴿19﴾ كُلاًّ نُّمِدُّ هَؤُلاء وَهَؤُلاء مِنْ عَطَاء رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاء رَبِّكَ مَحْظُورًا ﴿20﴾**

**درس: کمک همه جانبه الهي به پيامبر براي پيگيري رسالتش که ساخته شدن انسان باشد.**

**درب : محل تلاقی موضوع رسالت با موانع رسالت.**

**8**

**انظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَلَلآخِرَةُ أَكْبَرُ دَرَجَاتٍ وَأَكْبَرُ تَفْضِيلاً ﴿21﴾**

**درس: کمک همه جانبه الهي به پيامبر براي پيگيري رسالتش که ساخته شدن انسان باشد.**

**درب : ای پیامبر! واکنش ها به رسالتت، هم مختلف خواهد بود، و هم در هرگروه (اعم از موافق و مخالف) دارای درجاتِ متفاوت.**

**5 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

از آیه 11 فهمیده میشود در زمان نزول این سوره مخالفان تعالیم قرآن اکثریت مطلق داشته اند.

از آیه 12 فهمیده میشود عربِ معاصر نزول این سوره به ریاضیات سطح پائینی که متکی به نجومِ بسیار ابتدائیِ آن زمان بوده، دسترسیی داشته است.

از آیه 21 فهمیده میشود در جامعه مکهء آن روزها اختلاف طبقاتیِ قابل توجهی موجود بوده است.

**6 - آیات برجسته این پاراگراف**

آیه 9، و بخصوص نیمه اول آن، از برجسته ترین آیات کل قرآن است، و چون از لحاظ ملاک های برجستگی (اِقبال و استقبال و محتوا) واضح است، شرحی نمیدهیم.

آیه های 13 و 14، از این لحاظ که توسط وعاظ در منابر ، و نیز در کتب اعتقادی و اخلاقی بسیار ذکر میشوند، از آیات برجسته محسوب میگردند.

همچنین است موقعیت آیات 18 تا 20 .

**7 - کدام مطالب این پاراگراف «بی ربط» به نظر میرسد؟**

آیه 12 چنین موقعیتی دارد، زیرا «پرانتزی» است، دلیلش هم اینکه اگر چشم برآن ببندیم و قبل و بعدش را وصل کنیم خواهیم دید روال سخن صاف و بی سکته خواهد بود.

**8 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

جمله «وکل شی فصلناه تفصیلا» (آیه 12) نه تنها فوق ذهنیات مخاطبان اولیه، بلکه فوق ذهنیات ما ها (بشر قرن بیست و یکی) نیز هست.

**9 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در آیه 9 مجموع نزولات وحی (از ابتدا تاکنون) را قرآن نامیده و چنانکه قبلا گفته ایم ، این نیز از نوع پیشگوئیِ تحقق یافته است .

**10 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

در باره آیات این پاراگراف ، حتی امروز نیز ، با توجه به معانی والای آن ، حتی برخی مفسران هم ، درک مقبولی از آن ندارند ، چه رسد به مخاطبان اولیه ! در عین حالیکه کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در این هزار و چند صد سال ، تغییر معنای قابل توجهی نیافته اند !

**11 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

1 – تبیین ماموریت قرآن (هدایت کنندگی به اقوم)

2 – برشماری برخی «قوانین الهی» که حاکم بر نفوس بشری ، و اجتماعات بشری ، و تاریخ بشر ، و زندگی دنیایی و اخروی بشر ، حاکم است .

**12 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

غیر از آیه های 10 و 17 ، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**مأموریت اصلی قرآن**

قرآن کریم علیرغم آنهمه لطایف و ظرایفی که دارد و تاکنون در طول این چهارده قرن ، گوشه­های کوچکی از آن ظاهر شده ، مأموریت اصلیش همان دو مورد فوق است یعنی بشارتِ پاداشِ مؤمنانِ دارایِ عملِ صالح ، و هشدار به کسانی که به آخرت ایمان ندارند .

بنابراین ، «چیزی که استوارتر است» را باید در همین دو نکته جستجو کرد.

یعنی اینکه «چیزی که استوارتر است» ، همان زندگی بعدی و اخروی است.

و بالاخره یعنی اینکه قرآن هدایت می­کند که در آن زندگی بعدی اوضاع و احوال خوب و شایسته­ای احراز شود .

البته این معارفِ بالائی که در قرآن مطرح است پس از درک امکان حیات اخروی و در اثر توجه به آن (و کنجکاویِ حاصله از آن) مورد توجه واقع میشود .

چنانکه ملاحظه می­فرمائید، ایمان را کلی ذکر کرده و آن را کافی ندانسته و مشروط به عمل صالح نموده ، اما بی­ایمانی را در رابطه با آخرت برجسته کرده است .

نکته­اش هم این است که بی­ایمانی به آخرت ، ریشه همه بی­ایمانی­ها و سپس ریشه کفرها و تکذیب­ها و پس از آن ریشه همه خلافکاری ها و بزه ها و جنایات و غیره و غیره است .

**خیر وشر**

خیر در اینجا به معنی (چیزی که به نظرش خیر می آید) است ، و شر هم همینطور.

منظور آیه این است که اکثریت انسان ها در اثر عجله ذاتی خویش در شناخت خیر و شر واقعی دقت لازم را نمیکنند و دنبال چیزی میروند که برایشان بد است .

**ارائه آموزش­های اساسی به پیامبر(ص)دراین پاراگراف**

قوانینی که در این دو پاراگراف به پیامبر اکرم(ص) آموزش داده شده عبارت است از:

1 - انسان همانطور که خواهان خیر است خواهان شر نیز هست (آیه11)

2 - انسان عجول است (آیه 11)

3 - قرار دادن شب و روز چند علت دارد:

1 -3 -تا در جستجوی روزی باشید ،

2 - 3- تا بتوانید تقویم درست کنید ،

3 - 3 تا علم حساب را فرا گیرید (آیه 12)

4 - خودِ آدمی برای حسابرسی خویش کافیست (آیه 14)

5 - ورز و وبال کسی به گردن دیگری نمی­افتد (آیه 15)

6 - عذاب ، پس از آگاهی است (آیه 15)

7 - هلاکت ملت­ها پس از فساد است (آیه 16)

8 - فساد در اثر خوشگذرانی مرفهان پیش می­آید (17)

9 - پیشرفت کارها در این جهان به ایمان و کفر بستگی ندارد (آیه 17)

10 - معلوم نیست خواهندگان دنیا هم به هدفشان برسند (آیه 18)

11 - خواهندگان آخرت نیز در صورت ایمان فقط به اندازه سعی­شان خواهند گرفت (آیه 19)

12 - در این جهان ، هر کس برای پیگیری هدفش (اعم از دنیایی یا آخرتی ، خیر یا شر) از قوت و عطای الهی بهره می­برد (آیه 20)

13 - فاصله­های موقعیت­ها در آخرت بزرگتر است (آیه 21)

تشریح مجموع قوانین الهی فوق چه اثری روی پیامبر(ص) و نیز روی پیروان آنحضرت می­گذاشت؟

بنظر می­آید آیات فوق قوی­ترین و نافذترین اثری که روی مخاطب   
می­­گذارد ، این است که اساساً شخصیتش را تکامل می­بخشد و ظرفیت­هایش را بالا می­برد و او را از کودکی در می­آورد و برای «برخورد کامل با مشکل» آماده می­کند . آیات فوق ، «آیات آدم­سازی» است .

ازآیه 11 فهمیده می­شود که معلوم نیست آنچه که آدمی می­خواهد بنفع او باشد . سازندگیی که در این نکته نهفته است این است که مؤمن باید خیر و شر را بشناسد . یعنی در این آیه ، آدمی از «حال خوش کودکی» و «جهان­بینی کوچک بچگانه» و «لجبازی کودکانه» بیرون می­آید و قدم به دنیای فهم و کمال و واقعیات می­گذارد .

درآیه 12 به صراحت می­فرماید ای انسان! این جهان را طوری آفریدیم که تو رشد کنی . برای رشد تو این جهان را اینطوری آفریدیم . و معلوم می­شود جستجوی روزی ، یعنی مجموعه فعالیتهای اقتصادی ، و گاه شماری و فراگیری ریاضیات ، از جمله وسائل رشد آدمی است .

یعنی کسی که می­تواند زندگیش را اداره کند ، مطلوب­تر است از کسی که نمی­تواند و کسی که از گذشت ایام و سرگذشت پیشینیان عبرت می­گیرد و نتایج آن را در زندگیش بکار می­برد ، مطلوب­تر است از کسی که چنین نمی­کند و کسی که اهل محاسبه و استنتاجات ریاضی است ، مطلوب­تر است از کسی که بی­سواد است و نمی­تواند چنان کند .

یعنی اینکه خداوند می­خواهد آدمی زندگی خودش را اداره کند و از تجربه دیگران بهره­برداری نماید و به فعالیتهای ذهنی پیچیده بپردازد.   
با آیه­های 13و14 در سوره­های قبلی («نامه اعمال») آشنا شده ایم .

از آیه 16 فهمیده می­شود خوشگذرانی فساد و گناه می­آورد و مقدمه هلاکت است . همیشه به دنبال خوشی بودن جستجوی کودکی است و ضد رشد و تکامل است . دانش­آموزی که زحمت نکشد در امتحان قبول نمی­شود . بعلاوه برای فهم این آیه توجه مجدد به تیتر «فعل خدا قانونمنداست» لازم است .

درآیات 18تا20 خداوند مردم این جهان را به دو بخش مؤمن و کافر تقسیم نکرده که هرچه مؤمن بخواهد برایش فراهم شود و هرچه کافر بخواهد خلاف آن عمل شود . خداوند این جهان را اینطور قرار داده که شاید هر کس بتواند نتیجه عمل خود را بگیرد .

یعنی اگر عمل نکنی ، حتماً نتیجه­ای هم نخواهی گرفت . اما اگر عمل کنی، شاید به نتیجه دلخواه خویش برسی و شاید هم نرسی . این مربوط به فیزیک این جهان است . اما راجع به آن جهان ، فقط خواسته قلبی کافی نیست. سعی هم لازم است اگر سعی کنی ، البته باندازه سعی­ات بهره آن جهانی خواهی داشت .

چه نکته «آدم­سازی» در این آیات است؟

کمترین آن این است که مسلمانان را «اهل عمل» بار می­آورد نه اینکه مانند شاه سلطان حسین وقتی که دشمن تا پشت دیوارها هم آمده است ، او برای دفع آنها کتاب دعا بدست بگیرد و از خدا بخواهد که شر آنها را با روش­های ماورائی دور کند .

خلاصه اینکه آیات فوق ، تماماً در جهت این است که آدمی را از حالات بچه­گانه درآورده و به بلوغ شخصیتی برساند .

بخصوص در مورد مخاطب­های اولیه ، در این جهت است که آنها را کمک کند بخویش بیایند و با مشکلات «برخورد کامل» کنند و از راه «درگیری کامل با مشکلات» از آن حالت تنگی و فشار و آزار و اذیت در بیایند و بجائی برسند که رسیدند . و سخن در این خصوص زیاد است و ما خلاصه کرده­ایم .

**جمع بندی و تفسیر**

**البته اين قرآن به چيزي که استوارتر است هدايت ميکند و مومناني را که عمل صالح مي کنند مژده ميدهد که پاداشي بزرگ خواهند داشت (9) و اينکه براي کساني که به آخرت ايمان ندارند عذابي دردناک آماده کرده ايم (10)** **و** (اکثریت) **انسان (ها)** (چیزی را که ) **بدي** (میشناسند) **را همانطور می طلبند که** (چیزیرا که به) **خوبي** (می شناسند) **را می طلبند .** { زيرا که انسان عجول است} (11) {شب و روز را دو نشانه قرار داديم . پس نشانه شب را محو و نشانه روز را تابان مينماييم تا از فضل پروردگارتان بجوييد و شماره سالها ونيز حساب کردن را بدانيد {و همه چيز را فصل بندي دقيقي کرديم} (12)  **و در مورد هر انسان سرگذشتش را بر گردنش آويختيم و روز قيامت آنرا بصورت كارنامه اي گشاده برايش بيرون مي آوريم (13)** {[ به او الهام میشود که] خودت كارنامه ات را بخوان که خودت براي حسابرسي خويش کافی هستی} (14)  **کسي که دنبال هدايت باشد جز اين نيست که بنفع خويش هدايت شده و کسي هم که گمراه شد جز اين نيست که به ضرر خويش گمراه شده و هيچ كس بار ديگري را بر نمي دارد و ما قبل از اينکه رسولي برانگيخته باشيم عذاب نمی کنیم (15)** **و هنگاميکه بخواهيم شهري را هلاک کنيم ، خوشگذرانهايش را واميداريم در آن گناه کنند . پس آن حكم بر آنان فرود مي آيد و سپس آنرا نابود مي کنيم (16)** {و چه بسا اقوامي که پس از قوم نوح هلاکشان کرديم و پروردگارت براي آگاهي بر گناهان بندگانش کافيست} (17) **هرکس که** (دنياي) **زودگذر را بخواهد براي او آنچه بخواهيم ، براي هر کس که اراده کنيم ، در آن به تندي پيش مي آوريم . آنگاه جهنم را خواهد داشت که سرزنش شده رانده شده در آن خواهد افتاد (18) و کسی كه آخرت را بخواهد و براي آن سعي كند ، و مومن هم باشد ، البته سعيش مورد قدرداني خواهد بود (19) همگي آنها و اينها را ، از عطاء پروردگارت مدد ميدهيم . و عطاء پروردگارت جلوگير ندارد (20)**{ببين چگونه بعضي را بر بعضي برتري داديم ، و در آخرت ، هم درجات و هم برتري ها ، بزرگتر است} (21)

**اسراء4 آیات22تا39**

**لاَّ تَجْعَل مَعَ اللّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَقْعُدَ مَذْمُومًا مَّخْذُولاً ﴿22﴾ وَقَضَى رَبُّكَ أَلاَّ تَعْبُدُواْ إِلاَّ إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِندَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلاَهُمَا فَلاَ تَقُل لَّهُمَآ أُفٍّ وَلاَ تَنْهَرْهُمَا وَقُل لَّهُمَا قَوْلاً كَرِيمًا ﴿23﴾ وَاخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُل رَّبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا ﴿24﴾ رَّبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِي نُفُوسِكُمْ إِن تَكُونُواْ صَالِحِينَ فَإِنَّهُ كَانَ لِلأَوَّابِينَ غَفُورًا ﴿25﴾ وَآتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلاَ تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا ﴿26﴾ إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُواْ إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا ﴿27﴾ وَإِمَّا تُعْرِضَنَّ عَنْهُمُ ابْتِغَاء رَحْمَةٍ مِّن رَّبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُل لَّهُمْ قَوْلاً مَّيْسُورًا ﴿28﴾ وَلاَ تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَى عُنُقِكَ وَلاَ تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا ﴿29﴾ إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاء وَيَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا ﴿30﴾ وَلاَ تَقْتُلُواْ أَوْلادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلاقٍ نَّحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُم إنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْءًا كَبِيرًا ﴿31﴾ وَلاَ تَقْرَبُواْ الزِّنَى إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاء سَبِيلاً ﴿32﴾ وَلاَ تَقْتُلُواْ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللّهُ إِلاَّ بِالحَقِّ وَمَن قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لِوَلِيِّهِ سُلْطَانًا فَلاَ يُسْرِف فِّي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا ﴿33﴾ وَلاَ تَقْرَبُواْ مَالَ الْيَتِيمِ إِلاَّ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّى يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُواْ بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْؤُولاً ﴿34﴾ وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذا كِلْتُمْ وَزِنُواْ بِالقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلاً ﴿35﴾ وَلاَ تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْؤُولاً ﴿36﴾ وَلاَ تَمْشِ فِي الأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَن تَخْرِقَ الأَرْضَ وَلَن تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولاً ﴿37﴾ كُلُّ ذَلِكَ كَانَ سَيٍّئُهُ عِنْدَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا ﴿38﴾ ذَلِكَ مِمَّا أَوْحَى إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ وَلاَ تَجْعَلْ مَعَ اللّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتُلْقَى فِي جَهَنَّمَ مَلُومًا مَّدْحُورًا ﴿39﴾**

**ای پیامبر! همراه خداوند از دیگری پیرویِ بی چون و چرا مکن که سرزنش شده رانده شده خواهي گردید (22) پروردگارت چنين مقرر کرده که تو و پیروانت کسي جز او را عبادت نکنيد و با والدين نيکي کنيد ، اگر يکي از آنها يا هر دو ، در نزدتان به سن بالا رسيدند مبادا به آنها حتي«اَه» هم بگوييد و آنها را برانيد بلکه با آنها سخني محترمانه بگوئید (23) و در برابر آنها بامهرباني فروتني کنید و بگوئید پروردگارا با آنها مهربان باش، همانگونه که آنها هنگام پرورشمان مهربان بودند (24) پروردگارتان به آنچه در دلهايتان ميگذرد داناتر است ، اگر صالح باشيد خواهد دانست و خداوند در مورد توبه كاران آمرزشگر است (25) ای پیامبر! خودت و پیروانت حق خويشاوند، و بيچاره ، و در راه مانده را بدهید ، اما ريخت و پاش بيجا مکنید (26) كه ريخت و پاش کنندگان از برادران شياطين اند و شيطان نیز نسبت به پروردگارش ناسپاس است (27) و اگر به علت تنگدستی مجبورید تا زمان بدست آوردن گشایشی از جانب پروردگارتان که اميدش را داريد از خواسته آنان سر بپیچید به آنها سخني نرم بگوئید (28) ای پیامبر! نه آنقدر از گشاده دستی دورشو که گویا دستت را به گردنت زنجير کرده باشی و نه آن را آنقدر گشاده دار که بزودی دستت خالی شود که سرزنش شده درمانده بنشيني (29) البته پروردگارت روزي را براي کسي که بخواهد گشاده و تنگ ميگيرد که همو نسبت به بندگانش آگاه و بيناست (30) ای پیروان پیامبر! و اولادتان را از نگراني تنگدستي مکشيد ، مائيم که هم به شما و هم به آنها روزي ميدهيم . البته قتل آنها خطائي بزرگ است (31) و به زنا نزديک هم نشويد زيرا که عمل زشتي و راه بدي است (32) و کسي را که خداوند كشتنش را حرام كرده مکشيد مگر بر اساس حق ، و اگر کسي به ظلم کشته شود براي وليّ او حقي قرار داديم که البته او هم نبايد در قصاص اسراف کند و در اینصورت ياري هم خواهدشد (33) و به مال يتيم جز به شيوه اي كه نيكو تر است نزديک مشويد ، تا اينکه به رشدش برسد ، و به عهد وفا کنيد زيرا که از عهد پرسش ميشود (34) و پيمانه را هنگام پيمانه کردن تمام بدهيد و با ترازوي صحيح وزن کنيد ، كه اين هم بهتر و هم نيك فرجام تر است (35) ای پیامبر! و از آنچه علمش را نداري پيروي مکن که گوش و چشم و دل همه شان مورد سئوال واقع ميشوند (36) و در زمين خرامان راه مرو که نه ميتواني زمين را بشکافي و نه به بلندي کوهها خواهی رسید (37) بديهاي همه اينها نزد پروردگارت معلوم و ناپسند است(38) اينها چيزهائي بود که پروردگارت از حکمت ها به تو وحي کرد و همراه خداوند چیزی دیگر را به پرستش مگیر که در جهنم افکنده شوي و راندهء سرزنش شده گردی (39)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: کمک همه جانبه الهي به پيامبر براي پيگيري رسالتش که ساخته شدن انسان باشد.**

**درب : تشريع مقررات اساسي و اخلاقي و احکامي.**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 که ابتدای ورود به سوره است شرحی از نشان دادن بعضی ازآیات الهی درجهت آموزش و کمک و تقویت مواضع رسولانه به پیامبر – ص – میدهد .

در پاراگراف 2 می فرماید : یهودیان در خلاف جهت تعالیمشان درگیری­هائی داشته و دارند و خواهند داشت که بالاخره به شکست کامل و اضمحلالشان منجر خواهد شد .

در پاراگراف 3 می فرماید : ای پیامبر ! همه جور به تو کمک کرده ایم ، این قرآنی که تو رابه آن مجهزکرده ایم یکی ازمصادیق بارز کمکهای ما است ولی به خاطرداشته باش که این قرآن شرط لازم هدایت است نه شرط کافی . و ای کافران! چرا نگاه خود را به زندگی خراب می کنید و بجای اینکه به راه این رسول واین قرآن بیائید ، چیزی را طلب میکنید که به ضررتان است؟ و ای پیامبر ! قوانین ماراجع به هلاکت جوامع وچگونگی بدست آوردن خواسته های دنیوی واخروی اینهاست .

در این پاراگراف تذکرات همه جانبه­ای به پیامبر (ص) و مسلمانان میدهد و می فرماید برای اینکه بتوانیدحضورموثری درجهت ارتقای خویش وسایرین داشته باشید لازم است این صفات را احرازکنید .

**3 - سوالات**

1 – از مطالب این پاراگراف چه «حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها» میتوان زد؟

2 - حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟ (ارشادی عمومی؟یا...؟)

3 – این پاراگراف از لحاظ محتوا به چند قطعه مشخص قابل تقطیع است؟

4 - در آیه 22 ، آن خطاب سنگینِ «با خداوند چیز دیگری را به خدائی مگیر» (آنهم خطاب به پیامبر!) چه توضیحی می طلبد؟

5– آیه 25 از لحاظ کلیدهای تفسیری چه موقعیتی دارد؟

6– آیه 27 چطور؟

7– و آیه 30؟

8 – در داخل آیه 33 جمله «و من قتل مظلوما فقد جعلنا لولیه سلطانا فلا یسرف فی القتل انه کان منصورا» چطور؟

9 – در آیه 37 جمله «انک لن تخرق الارض و لن تبلغ الجبال طولا» چطور؟

10– آیه 38 چه؟

11– آیه 39 چطور؟

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

از آیات 22 تا 39 فهمیده میشود اردوگاه ایمان مقارن نزول این آیات به حدی از رشد عمقی و گسترش رسیده بود که نیاز به چیزی شبیه قانون اساسی و قانون مدنی داشت.

**5 - پیشگوئی های تحقق یافته**

آیات 22 تا 39 حاوی نوعی از قانون اساسی و قانون مدنی است و در ذات خود پیام استقرار و ماندن و ماندگاری دارد و پیشگوئی مهمی است که محقق هم شده است .

**6 - کلید های تفسیری**

**تقطیع :** این پاراگراف بطور واضح به این قطعات قابل تفکیک است :

آیه 22 ، آیات 23 تا 25 ، آیات 26 تا 30 ، آیات 31 تا 35 ، آیات 36 تا 39

**پرانتزها :** در قطعه آیات 23 تا 25، دو آیه 24 و 25 فرع بر آیه 23 است .

و در قطعه آیات 26 تا 30 آیه 27 و 30 پرانتزی است

در قطعه آیات 31 تا 35 ، جمله «ومن قتل ....منصورا» پرانتزی است .

در قطعه آیات36 تا 39 ، جمله «انک لن تخرق ....طولا» پرانتزی است ، همچنین خود آیه 38 .

**تغییر مخاطب** **(التفات) :** البته خودتان متوجه هستید که در ابتدای هر قطعه التفاتِ وقوع یافته را هم باید در نظر بگیرید .

**پرانتز در پرانتز :** آیات 31 تا 35 بدون این که فرع بر آیه­ای باشند پرانتزی هستند ، دلیلش هم این که اگر چشم خویش را بر آنها ببندیم و انتهای آیه 30 را به ابتدای آیه 36 وصل کنیم می­بینیم روال سخن صاف و یکدست خواهد بود در حالی که اگر آنها را اصلی بدانیم روال سخن دست انداز دارد بطوری که در ابتدا در آیات زیادی به شخص پیامبر(ص) تذکراتی می­دهد، آن گاه گوئی که روی سخن را برمی­گرداند و متوجه مردم می­شود و تذکراتی به آنها می­دهد، و سپس دوباره به روال قبلی برمی­گردد.

**ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:**

**1**

**لاَّ تَجْعَل مَعَ اللّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَقْعُدَ مَذْمُومًا مَّخْذُولاً ﴿22﴾**

**درس: کمک همه جانبه الهي به پيامبر براي پيگيري رسالتش که ساخته شدن انسان باشد.**

**درب : (آموزش پیامبر) : اطاعت بی چون و چرایت فقط مخصوص خداوند باشد.**

**2**

**وَقَضَى رَبُّكَ أَلاَّ تَعْبُدُواْ إِلاَّ إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِندَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلاَهُمَا فَلاَ تَقُل لَّهُمَآ أُفٍّ وَلاَ تَنْهَرْهُمَا وَقُل لَّهُمَا قَوْلاً كَرِيمًا ﴿23﴾ وَاخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُل رَّبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا ﴿24﴾ رَّبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِي نُفُوسِكُمْ إِن تَكُونُواْ صَالِحِينَ فَإِنَّهُ كَانَ لِلأَوَّابِينَ غَفُورًا ﴿25﴾**

**درس: کمک همه جانبه الهي به پيامبر براي پيگيري رسالتش که ساخته شدن انسان باشد.**

**درب : (آموزش مردم): به والدین خویش بسیار اهمیت دهید.**

**3**

**وَآتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلاَ تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا ﴿26﴾ إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُواْ إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا ﴿27﴾ وَإِمَّا تُعْرِضَنَّ عَنْهُمُ ابْتِغَاء رَحْمَةٍ مِّن رَّبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُل لَّهُمْ قَوْلاً مَّيْسُورًا ﴿28﴾ وَلاَ تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَى عُنُقِكَ وَلاَ تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا ﴿29﴾ إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاء وَيَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا ﴿30﴾**

**درس: کمک همه جانبه الهي به پيامبر براي پيگيري رسالتش که ساخته شدن انسان باشد.**

**درب : (آموزش به مردم) : به انفاق و دستگیری از دیگران اهمیت دهید، ولی زیاده روی مکنید.**

**4**

**وَلاَ تَقْتُلُواْ أَوْلادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلاقٍ نَّحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُم إنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْءًا كَبِيرًا ﴿31﴾**

**درس: کمک همه جانبه الهي به پيامبر براي پيگيري رسالتش که ساخته شدن انسان باشد.**

**درب : (آموزش به مردم) : رازق واقعی خداست، به زندگی فرزندان خویش اهمیت دهید.**

**5**

**وَلاَ تَقْرَبُواْ الزِّنَى إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاء سَبِيلاً ﴿32﴾**

**درس: کمک همه جانبه الهي به پيامبر براي پيگيري رسالتش که ساخته شدن انسان باشد.**

**درب : (آموزش به مردم) : به پاکی آمیزش جنسی خیلی اهمیت دهید.**

**6**

**وَلاَ تَقْتُلُواْ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللّهُ إِلاَّ بِالحَقِّ وَمَن قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لِوَلِيِّهِ سُلْطَانًا فَلاَ يُسْرِف فِّي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا ﴿33﴾**

**درس: کمک همه جانبه الهي به پيامبر براي پيگيري رسالتش که ساخته شدن انسان باشد.**

**درب : (آموزش به مردم) : به جان انسانها بسیار اهمیت دهید.**

**7**

**وَلاَ تَقْرَبُواْ مَالَ الْيَتِيمِ إِلاَّ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّى يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُواْ بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْؤُولاً ﴿34﴾ وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذا كِلْتُمْ وَزِنُواْ بِالقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلاً ﴿35﴾**

**درس: کمک همه جانبه الهي به پيامبر براي پيگيري رسالتش که ساخته شدن انسان باشد.**

**درب : (آموزش به مردم) : به حق دیگران بسیار اهمیت دهید.**

**8**

**وَلاَ تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْؤُولاً ﴿36﴾**

**درس: کمک همه جانبه الهي به پيامبر براي پيگيري رسالتش که ساخته شدن انسان باشد.**

**درب : (آموزش به مردم) : به حق دیگران بسیار اهمیت دهید.**

**9**

**وَلاَ تَمْشِ فِي الأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَن تَخْرِقَ الأَرْضَ وَلَن تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولاً ﴿37﴾ كُلُّ ذَلِكَ كَانَ سَيٍّئُهُ عِنْدَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا ﴿38﴾**

**درس: کمک همه جانبه الهي به پيامبر براي پيگيري رسالتش که ساخته شدن انسان باشد.**

**درب : (آموزش به مردم) : مغرور و خود را مرکزعالَم بین مباشید.**

**10**

**ذَلِكَ مِمَّا أَوْحَى إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ وَلاَ تَجْعَلْ مَعَ اللّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتُلْقَى فِي جَهَنَّمَ مَلُومًا مَّدْحُورًا ﴿39﴾**

**درس: کمک همه جانبه الهي به پيامبر براي پيگيري رسالتش که ساخته شدن انسان باشد.**

**درب : ای پیامبر! چنین با وحی در همه جوانب به خودت و پیروانت کمک میکنیم که در دنیا و آخرت به سعادت برسید.**

**7 - آیات برجسته این پاراگراف**

آیه های 23 و 24 به سبب کثرت نقل آنها در منابر و کتب، ونیز در خوشنویسی و کاشیکاری ها، از جمله آیات برجسته قرآنی اند.

**8 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

آیه 36 از لحاظ نوع و مکانیزم احراز مسئولیت، چیزی است که حتی برای ما قرن بیست و یکمی ها نیز شناهته شده نیست، چه رسد به مخاطبان اولیه!

**9 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در طول این مدت طولانی ، از نزول این سوره تا به امروز ، تغییر معناییِ چندانی نیافته ، و لذا مخاطب های اولیه نیز از این پاراگراف همان تلقی را میداشته اند که ما .

**10 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

تشريع مقررات اساسيِ اخلاقي – احکامي برای جامعه ایمانی نوپای در حال رشد .

**11 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تقریبا تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

**شرح مختصر**

**اساسی­ترین قوانین**

در این سوره اولین «احکام» بیان شده است.

ظاهراً مجتمع مسلمین در مقطع نزول این سوره به حدی از رشد و بلوغ رسیده که دیگر شایسته «وضع مقررات» شده است.

البته قبلاً در سوره­های معارج و مؤمنون نوعی «چک لیست» دیدیم، اما آنها جنبه اخلاقی و ارشادی داشتند و «برای عموم» نبودند بلکه الگوهای ارائه شده­ای بودند تا کسانی که استعداد و تمایل بیشتری برای رشد دارند، خود را از روی آنها بسازند.

اما آیات این پاراگراف کاملاً فرق می­کند و «برای عموم» است و چون ساده و عام است می­توان آنها را «قانون اساسی مجتمع اسلامی» خواند و البته چون فقرات آن واضح و بی­ابهام است شرح چندانی نمی­طلبد.

فقط می­توان گفت که حتی هر خوانند کم دقتی هم می­فهمد که چیزهائی در آن هست که از نظر قانون­گذار «مهمترین» است و چیزهائی هم هست که «بسیار مهم» است و چیزهائی هم هست که «مهم» است. مثلاً:

**مهمترین­ها:** 1- توحید با سه بار تأکید (در آیه­های 22 و 23 و 39)، 2- رعایت والدین با دو بار تأکید (در آیه­های 23 و 24)، 3- رعایت ضعفا با چند بار تأکید (در آیه­های 26 و 28 و 34)

**بسیار مهم­ها:** 1- اعتدال و میانه­روی (آیه­های 26 و 27 و 29)، 2- اخلاص (آیه 25)، 3- توکل (آیه 31)، 4- رعایت حقوق دیگران (آیه 35)

**مهم­ها:** 1- دوری از زنا (آیه 32)، 2- دوری از قتل (آیه 33)، 3- دوری از پیگیری چیزی که علمش را نداری (آیه 36)، 4- دوری از خودپسندی (آیه 37) ضمناً باید راجع به آنجاهائی که پیامبر(ص) مورد عتاب ( یا هشدار خیلی شدید) قرار گرفته ، (آیه 22 و 39) به توضیحی که درسوره عبس عرض کرده ایم توجه کنید .

**برخی دریافت های کوتاه و مستقیم**

1 – در «ذوی القربی» ، الف و لام ، الف لام جنس است نه معرفه ، دلیلش هم این است که پاراگراف در موضع «قانونگزاری» است .

2 – منظور از «رحمة من ربک» پول و مال است نه معنویات و دلیلش هم خود متن است که نشان میدهد سوژه مورد نظر در بن بست گیر کرده و هم میخواهد کمک کند و هم نمیتواند .

3 - «لا تقتلوا اولادکم» به تفسیری که معطوف به مخاطبان امروز باشد شاید بتواند به منع سقط جنین در اثر تنگدستی تفسیر شود ، اما ، چون اولین مخاطب های قرآن مسلمانان آن روزها بوده اند ، بارِ تاریخی و جامعه شناسی دارد و لازم است تحقیقی شود و فهمیده شود که در آن روزها اوضاع از چه قرار بوده که این آیه نازل شده؟

4 – موضوعِ «سلطانا» چند سال بعد در سوره بقره ، آیه قصاص ، معنی شده است .

5 - «لایسرف فی القتل» نیز همینطور (زیرا آن روزها اینطور بود که اگر کسی کسی را میکشت ، قبیله مقتول برای خونخواهی به جنگ قبیله قاتل میرفت و در این راه از هر دو طرف کسانی کشته و مجروح واموالی به تاراج میرفت و آیه میخواهد بگوید زیاده روی نکنید)

6 – آیه 36 بسته به اینکه در چه حوزه ای مورد عمل باشد موارد بسیار گسترده ای دارد (مثلا دانشگاه ها ، سیستم قضائی ، حوزه اخلاق ، و . . ) اما چون در این پاراگراف در موضوع قوانین مطرح شده ، و خطابش هم مفرد است ، به روسای جوامع و حین تصمیم گیری مربوط میشود و معنی اش هم این است که در اخذ تصمیمات بدون علم و شتابزده عمل نکنید و تصمیمات تان فقط عالمانه و عاقلانه باشد .

7 – آیه 39 (که تکراری به نظر میرسد) از باب تاکید است .

**چرا برخی آیات خطاب به جمع و برخی خطاب به شخص مفرد است؟**

از آیات همین پاراگراف معلوم میشود برخی از اموری که بعدا صراحتا گناه قلمداد شد و ممنوع گردید ، در هنگام نزول این آیات شایع بوده و هنوز زود بود که شارع مقدس به آنها بطور سفت و سخت بپردازد .

اینها مواردی است که به صیغه جمع ذکر شده ،

اما ، در همین زمان مواردی هم وجود داشته که فقط در سطح نخبگان و سردمداران مورد ابتلاء بوده ، و گرچه اهمیت آنها چه بسا از اهمیت موارد نوع اول (از لحاظ تاثیرگذاری روی زندگی و جریان امور) بیشتر هم بوده ، اما مرتکبین آنها ، به علت اشتغال به مناصب بالاتر ، از لحاظ تعداد ، کمتر از بقیه بوده و میباشند (و در قوم و قبیله خویش به نسبت بقیه تک حساب میشوند) خطاب های مفرد مربوط به اینها است .

**جمع بندی و تفسیر**

**همراه خداوند خداوندِ ديگري قرار مده که سرزنش شده رانده شده خواهي نشست (22)** [ای پیامبر و ای پیروان او] **پروردگارت چنين مقرر کرد که کسي جز او را عبادت نکنيد و با والدين نيکي کنيد. اگر يکي از آنها يا هر دو، در نزد تو به سن بالا رسيدند مبادا به آنها حتي«اَه» هم بگويي و آنها را براني بلکه با آنها سخني محترمانه بگو (23) و در برابر آنها بامهرباني فروتني کن و بگو پروردگارا با آنها مهربان باش، همانگونه که آنها هنگام پرورش من** (مهربان) **بودند (24)** {پروردگارتان به آنچه در دلهايتان ميگذرد داناتر است اگر صالح باشيد . خداوند در مورد توبه كاران آمرزشگر است}](25) [ای پیامبر] **و حق خويشاوند، و بيچاره ، و در راه مانده را بده ، اما ريخت و پاش بيجا مکن (26)** {كه ريخت و پاش کنندگان از برادران شياطين هستند و شيطان نسبت به پروردگارش ناسپاس است}(27) **و اگر از آنها براي بدست آوردن رحمتي از جانب پروردگارت که اميدش را داري روي برميگرداني ، پس به آنها سخني نرم بگو (28) و نه دستت را به گردنت زنجير کن و نه آن را بطور کامل باز کن که سرزنش شده درمانده بنشيني (29)** {البته پروردگارت روزي را براي کسي که بخواهد گشاده و تنگ ميگيرد که همو نسبت به بندگانش آگاه بيناست}](30) [ ای پیروان پیامبر] **و اولادتان را از نگراني تنگدستي مکشيد. مائيم که هم به شما و هم به آنها روزي ميدهيم .** {البته قتل آنها خطائي بزرگ است}(31)  **و به زنا نزديک هم نشويد زيرا که عمل زشتي است و راه بديست (32) و کسي را که خداوند** (كشتنش را) **حرام كرده مکشيد مگر بر اساس حق** {و اگر کسي به ظلم کشته شود براي وليّ او حقي قرار داديم که البته او هم نبايد در (قصاص) قتل اسراف کند و ياري ميشود}(33) **و به مال يتيم جز به شيوه اي كه نيكو تر است نزديک مشويد. تا اينکه به رشدش برسد . و به عهد وفا کنيد زيرا که از عهد پرسش ميشود (34) و پيمانه را هنگام پيمانه کردن تمام بدهيد و با ترازوي صحيح وزن کنيد.** {كه اين، هم بهتر و هم نيك فرجام تر است}(35) [ای پیامبر] **و از آنچه علمش را نداري پيروي مکن که گوش و چشم و دل همه شان مورد سئوال واقع ميشوند (36) و در زمين خرامان راه مرو** {که نه ميتواني زمين را بشکافي و نه به بلندي کوهها ميرسي}(37) {بديهاي همه اينها نزد پروردگارت ناپسند است}(38) **اينها چيزهائي بود که پروردگارت از حکمت ها به تو وحي کرد و همراه خداوند خدائي** (ديگر) **قرار مده که در جهنم افکنده شوي در حاليکه سرزنش شده رانده شده باشي(39)**

**اسراء5 آیات40تا60**

**أَفَأَصْفَاكُمْ رَبُّكُم بِالْبَنِينَ وَاتَّخَذَ مِنَ الْمَلآئِكَةِ إِنَاثًا إِنَّكُمْ لَتَقُولُونَ قَوْلاً عَظِيمًا ﴿40﴾ وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِيَذَّكَّرُواْ وَمَا يَزِيدُهُمْ إِلاَّ نُفُورًا ﴿41﴾ قُل لَّوْ كَانَ مَعَهُ آلِهَةٌ كَمَا يَقُولُونَ إِذًا لاَّبْتَغَوْاْ إِلَى ذِي الْعَرْشِ سَبِيلاً ﴿42﴾ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يَقُولُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا ﴿43﴾ تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالأَرْضُ وَمَن فِيهِنَّ وَإِن مِّن شَيْءٍ إِلاَّ يُسَبِّحُ بِحَمْدَهِ وَلَكِن لاَّ تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا ﴿44﴾ وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لاَ يُؤْمِنُونَ بِالآخِرَةِ حِجَابًا مَّسْتُورًا ﴿45﴾ وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَن يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَّوْاْ عَلَى أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا ﴿46﴾ نَّحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَسْتَمِعُونَ بِهِ إِذْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ وَإِذْ هُمْ نَجْوَى إِذْ يَقُولُ الظَّالِمُونَ إِن تَتَّبِعُونَ إِلاَّ رَجُلاً مَّسْحُورًا ﴿47﴾ انظُرْ كَيْفَ ضَرَبُواْ لَكَ الأَمْثَالَ فَضَلُّواْ فَلاَ يَسْتَطِيعْونَ سَبِيلاً ﴿48﴾ وَقَالُواْ أَئِذَا كُنَّا عِظَامًا وَرُفَاتًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا ﴿49﴾ قُل كُونُواْ حِجَارَةً أَوْ حَدِيدًا ﴿50﴾ أَوْ خَلْقًا مِّمَّا يَكْبُرُ فِي صُدُورِكُمْ فَسَيَقُولُونَ مَن يُعِيدُنَا قُلِ الَّذِي فَطَرَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَسَيُنْغِضُونَ إِلَيْكَ رُؤُوسَهُمْ وَيَقُولُونَ مَتَى هُوَ قُلْ عَسَى أَن يَكُونَ قَرِيبًا ﴿51﴾ يَوْمَ يَدْعُوكُمْ فَتَسْتَجِيبُونَ بِحَمْدِهِ وَتَظُنُّونَ إِن لَّبِثْتُمْ إِلاَّ قَلِيلاً ﴿52﴾ وَقُل لِّعِبَادِي يَقُولُواْ الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنزَغُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلإِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا ﴿53﴾ رَّبُّكُمْ أَعْلَمُ بِكُمْ إِن يَشَأْ يَرْحَمْكُمْ أَوْ إِن يَشَأْ يُعَذِّبْكُمْ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ وَكِيلاً ﴿54﴾ وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِمَن فِي السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ وَلَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَى بَعْضٍ وَآتَيْنَا دَاوُودَ زَبُورًا ﴿55﴾ قُلِ ادْعُواْ الَّذِينَ زَعَمْتُم مِّن دُونِهِ فَلاَ يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضُّرِّ عَنكُمْ وَلاَ تَحْوِيلاً ﴿56﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَى رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُورًا ﴿57﴾ وَإِن مَّن قَرْيَةٍ إِلاَّ نَحْنُ مُهْلِكُوهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَوْ مُعَذِّبُوهَا عَذَابًا شَدِيدًا كَانَ ذَلِك فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا ﴿58﴾ وَمَا مَنَعَنَا أَن نُّرْسِلَ بِالآيَاتِ إِلاَّ أَن كَذَّبَ بِهَا الأَوَّلُونَ وَآتَيْنَا ثَمُودَ النَّاقَةَ مُبْصِرَةً فَظَلَمُواْ بِهَا وَمَا نُرْسِلُ بِالآيَاتِ إِلاَّ تَخْوِيفًا ﴿59﴾ وَإِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِالنَّاسِ وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلاَّ فِتْنَةً لِّلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي القُرْآنِ وَنُخَوِّفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلاَّ طُغْيَانًا كَبِيرًا ﴿60﴾**

**ای مشرگان! آيا می پندارید پروردگارتان شما را برخويش ترجيح داده و به شما پسر داده و ملائکه را دختران خويش برگرفته؟ البته شما کافران قائل به قول باطل بزرگی ميباشيد (40) و البته در اين قرآن دلائل و مثال ها را به وفور قرار دادیم تا پند گيرید اما در مورد شما جز جز دوري تان نیفزوده (41) ای پیامبر! بگو اگر چنانکه ميگوئيد همراه با او خداياني ديگر هم باشند در اينصورت آن باصطلاح خدا ها سعی میکردند بسوي خدای واقعی و پر قدرت راهي بجویند (42) خداوند پاک و منزه و بسيار برتر وبالاتر است از آنچه ميگويند (43) آسمانهاي هفتگانه و زمين و هر که در آنهاست برايش تسبيح ميگويند و هيچ چيز نيست مگر اينکه به ستايشش تسبيح گو است وليکن شما تسبيح آنها را درنمي يابيد . و او البته حليم آمرزگار است (44) و هنگامي که قرآن ميخواني بين تو و بين آنانکه به آخرت ايمان ندارند حجابي پوشنده قرار مي گیردد (45) که بر دلهاشان پرده ميشود و آنرا نفهمند و در گوشهايشان سنگيني بوجود می آید و اگر پروردگارت در قرآن بطور تکي ذکر شود با نفرت روي پاشنه هایشان ميچرخند (46) ما ميدانيم که آنها وقتي که دارند سخن تو را گوش ميدهند به چه چيزي گوش ميدهند و نيز هنگاميکه راز ميگويند چه ها میگویند ، و نیز میدانیم هنگامي که ظالمان ميگويند شما داريد مردي جادو زده را پيروي ميکنيد (47) ببين چگونه برايت مثل ها ميزنند و گمراه شده اند و نميتوانند به راه بيايند (48) و ميگويند آيا هنگامي که استخوان شديم و پوسيديم آيا دوباره در آفرينشي جديد برانگيخته ميشويم؟ (49) بگو بله ، حتي اگر سنگ يا آهن باشيد (50) يا چیزی که در نظرتان بزرگتر باشد و بزودي خواهند گفت چه کسي ما را برميگرداند؟ بگو کسي که دفعه اول آفريدتان . پس سرهاشان را بسويت برميگردانند و ميگويند چه وقت؟ بگو شايد نزديک باشد (51) همان روزي که بخواندتان و شما ستايشگرانه اجابتش کنيد و گمان کنيد که جز اندکي در برزخ مکث نکرده ايد (52) ای پیامبر! به بندگانم بگو آنچه را که بهتر است بگویند ، زیرا که شیطان بین آنها را بهم میزند ، چونکه شیطان نسبت به انسان دشمنی آشکار است (53) پروردگارتان به حال شما داناتر است ، اگر خواهد بر شما رحمت گیرد و اگر خواهد عذاب تان کند و ای پیامبر! با آنها مدارا کن ، که تو را به سرپرستی شان نفرستاده ایم (54) و پروردگارت به حال همه کسانی که در آسمانها و زمین هستند دانا تر است ، و ما البته برخی از پیامبران را بر برخی دیگر برتری داده ایم و به داود نیز زبوری دادیم (55) وبه مخالفانت نیز بگو هرکس را که غیر از خداوند به نظرتان میرسد ، به دعا بخوانید ، خواهید دید که نه ناراحتی تان را برطرف میکنند و نه تحولی در اوضاع شما به وجود می آورند (56) ای پیامبر! کسانی که مخالفانت به دعا میخوانند ، خودشان وسیله ای میجویند که بسوی پروردگارشان راهی بیابند ، که در نزدش نزدیکتر گردند و رحمتش را امید دارند و از عذابش می هراسند ، زیرا که می باید از عذابش برحذر بود (57) و هيچ شهري نيست مگر اينکه قبل از قيامت هلاک يا به شدت عذابش مي کنيم که اين موضوع در آن کتابِ تقدیرات نوشته شده است (58) و چيزي مانع ما نمیشود که معجزاتي بفرستيم مگر اينکه مردم میدانند که پيشينيان معجزاتی را که برایشان فرستاده شده بود تکذيب کردند و لذا این مردم میدانند معجزه فرستادن چندان فایده ای ندارد ، و با وجود این باز هم معجزه طلب میکنند ، و به قوم ثمود هم آن شتر را به نماياني داديم ، اما به آن ظلم کردند ، و ما معجزات را مگر براي ترساندن کافران نمي فرستيم (59) و ای پیامبر! به یاد آر که به تو گفتيم که پروردگارت به مردم احاطه دارد و آن خوابي که دیده ای و همچنين آن شجره اي که در قرآن لعنت شده را در آن خواب به تو نمایاندیم ، همه آن چیزها را جز فتنه ای براي مردم قرار نداده ايم ، که بر عاقبت خویش بترسند ، اما در این کافران اثری جز طغياني بزرگ نخواهد داشت (60)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: کمک همه جانبه الهي به پيامبر براي پيگيري رسالتش که ساخته شدن انسان باشد.**

**درب : ای پیامبر! به پیروانت چنین آموزش بده و به مشرکان چنین جواب بده، و بعلاوه به آنان بگو اینطور نیست که خداوند معجزات را به درخواست هر کسی ظاهر کند ، و اگر آنها به این قرآن اهمیت نمی­دهند اشکال از خودشان است و ناراحت مباش .**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 که ابتدای ورود به سوره است شرحی از نشان دادن بعضی ازآیات الهی درجهت آموزش و کمک و تقویت مواضع رسولانه به پیامبر – ص – میدهد .

در پاراگراف 2 می فرماید : یهودیان در خلاف جهت تعالیمشان درگیری­هائی داشته و دارند و خواهند داشت که بالاخره به شکست کامل و اضمحلالشان منجر خواهد شد .

در پاراگراف 3 می فرماید : ای پیامبر ! همه جور به تو کمک کرده ایم ، این قرآنی که تو رابه آن مجهزکرده ایم یکی ازمصادیق بارز کمکهای ما است ولی به خاطرداشته باش که این قرآن شرط لازم هدایت است نه شرط کافی . و ای کافران! چرا نگاه خود را به زندگی خراب می کنید و بجای اینکه به راه این رسول واین قرآن بیائید ، چیزی را طلب میکنید که به ضررتان است؟ و ای پیامبر ! قوانین ماراجع به هلاکت جوامع وچگونگی بدست آوردن خواسته های دنیوی واخروی اینهاست .

در پاراگراف 4 تذکرات همه جانبه­ای به پیامبر (ص) و مسلمانان میدهد و می فرماید برای اینکه بتوانیدحضورموثری درجهت ارتقای خویش وسایرین داشته باشید لازم است این صفات را احرازکنید .

در این پاراگراف می فرماید : نظام فکری شرک نامعقول است و ای کافران ! ازاین لجبازی هادست بکشید و به ایمان به خداوند یگانه که معقول ومنطقی است بگرائید.

در این پاراگراف می فرماید : ای پیامبر! به آنها اهمیتی نده ، اشکال از خودشان است و اینطورنیست که تو یا این قرآن ، «هرکسی» را بتوانید هدایت کنید و موضوع قیامت هرچه باشد موضوع سنگینی است وتونباید انتظارداشته باشی فورا آن راجذب کنند . باید حوصله کنی ، بایدگفتگوکنی ، و به پیروانت بگو به مسلمانی خویش مغرورنشوند ، وبه مشرکان هم بگو «خدایان» تان نمیتوانندمشکلی را از شما حل کنند . و بر مدت عمر جوامع بشری و ارائه معجزات الهی، قوانینی حاکم است و از رفتاراین کافران ناراحت نباش . به عکس تصوراتشان ، نه تنها نباید چندان ازاوضاع خویش مطمئن باشند ، بلکه شایسته اســــت در باره موضوع آن خوابی که دیده ای خیلی هم برخویش نگران باشند

**3 - سوالات**

1 – موضوع «عمد و اصرار لجبازانه» در کدام محل این پاراگراف به وضوح پیداست؟

2 - مکانیزم عملی « **وَإِن مِّن شَيْءٍ إِلاَّ يُسَبِّحُ بِحَمْدَهِ وَلَكِن لاَّ تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ** » (آیه44 ) به چه صورت است؟

3 – در آیه 45 چرا بجای «مستورا» نفرموده «ساترا» ؟

4 - «قالوا» (آیه49) چه نوع است؟ (ایرادگیری؟ پرخاشگری؟ یا...؟)

5 - چه سابقه ای از موضوع « **وَتَظُنُّونَ إِن لَّبِثْتُمْ إِلاَّ**  **قَلِيلاً ﴿52﴾**» درسوره های قبل دارید؟

6 – منظور از «ینغضون» (آیه51) چیست؟

7 - حالت کلی آیه52 چگونه است؟ (خوشحالی؟ امیددادن؟ یا....؟)

8 – چرا به جای «تستجیبون» (آیه52) نفرموده «تجیبون»؟

9 – منظور از «لبث» (آیه52) چیست؟ (وجود داشتن مایه اصلی ، علیرغم تغییر شکل بدن؟ یا...)

10 – منظور از «عباد» (آیه53) چیست؟ (مردم؟ کافران؟ مسلمانان؟ یا...؟)

11 – منظور از « **يَقُولُواْ الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ** » (آیه53) چیست؟ (طرز سخن گفتنی که مایلید با خودتان آنطورگفته شود؟ یا...؟)

12 - ضمیر«کم» (آیه54) خطاب به کیست؟ (مسلمانان؟یا...؟)

13 – منظور از « **وَلَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَى بَعْضٍ وَآتَيْنَا دَاوُودَ زَبُورًا** » (آیه55 ) چیست؟

14– با توجه به آیه60 ، پیامبر(ص) چه خوابی دیده بودند؟

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

از آیه های 45 تا 48 فهمیده میشود که کسانی که به آخرت ایمان ندارند نمیتوانند با مطالب قرآن ارتباط برقرار کنند و از دعوت به توحید نفرت میکنند و در باره آنحضرت این تلقی را دارند که او جادوزده است .

1- از آیه 58 با توجه به درس و درب چنین فهمیده می­شود که کافران معاصر پیامبر اکرم (ص) تصور می­کردند چون مجاور مکه و کعبه هستند تقربی نزد خداوند دارند که مورد عذاب قرار نمی­گیرند که آیه مذکور توهم بیجایشان را اصلاح نموده است.

2- کفار معاصر پیامبر(ص) خیلی پر مدعا و از خود راضی بودند و دائماً «معجزه» می­خواستند و گویا این همه کلام گهربار را که تاکنون نازل شده بود ، چندان معجزه حساب نمیکردند .

البته همین نکته ، آن قول مشهور را که می­گوید «اعراب معاصر رسول اکرم(ص) سخن­شناس بودند» را به شدت زیر سؤال می­برد .

از آیه 60 فهمیده میشود آنحضرت خوابی دیده بود که مایه نگرانیش شده بود و مفهوم است که نگرانی آنحضرت می باید به موضوع رسالتش مربوط بوده باشد .

**5 - زاویه با تفاسیر رایج**

1 - در آیه 45 ظاهرا صفت حجاب مذکور بجای اینکه «ساتر» باشد «مستور» ذکر شده و در المیزان برای توجیه موضوع مطالبی چه از قول خویش و چه بصورت نقل قول از دیگران – که برخی از آنها را ردّ نموده – ذکر نموده که مفصل است و ما در اینجا نمیخواهیم وارد آن بشویم .

اما چیزی که به ما مربوط میشود کلید های تفسیری خودمان است و با آنها میتوانیم به روشنی موضوع را توضیح دهیم که این است :

در بین دو کلمه حجاب و مستور موضوع کلیدِ تفسیریِ «واگذاری به مخاطب» اتفاق افتاده ، که شرحش را در باب کلید های تفسیر قرآن در مقدمه جلد اول تفسیر سخن نو ببینید و خلاصه اش این است که مخاطب قرآن (در درجه اول رسول خدا – ص – و در درجه دوم ماها) با ذهن خویش چیزهائی را که خداوند – به منظور تحریک ذهن ما – نگفته اینطور پر میکنیم : [ی که بوسیله افکار باطل و افعال انحرافی پیداکرده اند سبب میشود از درک حقایق قرآنی]

یعنی متن اینطور میشود : . . . حجابی که بوسیله افکار باطل و افعال انحرافی پیدا کرده اند سبب میشود از درک حقایق قرآنی مستور . . .

2 - حالت کلی قطعه حاوی آیات 58 تا 60 دلداری دادن به آنحضرت است ، بطوریکه در آیه 58 میگوید این مخالفانت هم اگر مانند امم سابق از حد بگذرانند به همان عاقبت دچار میشوند و لذا خیالت راحت باشد ، و در آیه 59 میگوید ما عاجز نیستیم که آرزویت را برآورده کنیم و معجزه ای بدستت ظاهر کنیم اما بی فایده است ، و در آیه 60 هم می فرماید موضوع آن رویایت هم نگرانت نکند ، فتنه ای است که خودمان صلاح میدانیم که پیش بیاید تا معلوم شود ارزش واقعی هرکس چقدر است .

اگر با این دید این قطعه را باز خوانی کنید می بینید که همه فقرات آن مفهوم است و آن مطالب پر طول و تفصیلی که مفسران ارجمند فرموده اند همه اش زائد و بلکه اکثرا بی وجه است .

**6 – کلیدهای تفسیری**

**اصلی-فرعی:**

آیه 41 بدون این که فرع بر آیه­ای باشد پرانتزی است، دلیلش هم این که اگر چشم­ خویش را بر آن ببندیم و انتهای آیه 40 را به ابتدای آیه 44 وصل کنیم می­بینیم روال سخن صاف و یکدست می­شود. آیه­های 43 و 44 فرع بر آیه 42 می­باشند .

آیه 57 فرع بر آیه 56 و دو آیه 54 و 55 بدون این که فرع بر آیه­ای باشند پرانتزی هستند ، دلیلش هم همان است که فوق عرض شد .

به دو دلیل آیه 60 نیز پرانتزی است بدون این که فرع بر آیه­ای باشد:

اولاً به همان دلیل معروف که فوقا عرض شد ،

ثانیاً به این دلیل که این آیه «آنلاین» است در حالی که دو آیه دیگر «اعلامیه­ای» است (برای فهم بهتر این موضوع ، به کلیدهای تفسیر قرآن – مقدمه دوم در جلد 1 تفسیر «سخن نو» مراجعه کنید)

آیه 59 که یک مثال برای مدلول آیه 58 است فرع بر آن است .

« **كَمَا يَقُولُونَ** » (آیه42) پرانتزی است .

کل آیه 60 «پرانتزی» است ، اما در داخل خود آن نیز چند مورد پرانتز هست که در واقع پرانتـــــز در پرانتز است که به سهولت تشخیص داده میشود .

**ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:**

**1**

**أَفَأَصْفَاكُمْ رَبُّكُم بِالْبَنِينَ وَاتَّخَذَ مِنَ الْمَلآئِكَةِ إِنَاثًا إِنَّكُمْ لَتَقُولُونَ قَوْلاً عَظِيمًا ﴿40﴾ وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا** **الْقُرْآنِ لِيَذَّكَّرُواْ وَمَا يَزِيدُهُمْ إِلاَّ نُفُورًا ﴿41﴾ قُل لَّوْ كَانَ مَعَهُ آلِهَةٌ كَمَا يَقُولُونَ إِذًا لاَّبْتَغَوْاْ إِلَى ذِي الْعَرْشِ سَبِيلاً ﴿42﴾ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يَقُولُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا ﴿43﴾ تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالأَرْضُ وَمَن فِيهِنَّ وَإِن مِّن شَيْءٍ إِلاَّ يُسَبِّحُ بِحَمْدَهِ وَلَكِن لاَّ تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا ﴿44﴾**

**درس: کمک همه جانبه الهي به پيامبر براي پيگيري رسالتش که ساخته شدن انسان باشد.**

**درب : ای پیامبر! اینگونه (به کمک وحی) جوابشان را بده.**

**2**

**وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لاَ يُؤْمِنُونَ بِالآخِرَةِ حِجَابًا مَّسْتُورًا ﴿45﴾ وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَن يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَّوْاْ عَلَى أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا ﴿46﴾ نَّحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَسْتَمِعُونَ بِهِ إِذْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ وَإِذْ هُمْ نَجْوَى إِذْ يَقُولُ الظَّالِمُونَ إِن تَتَّبِعُونَ إِلاَّ رَجُلاً مَّسْحُورًا ﴿47﴾ انظُرْ كَيْفَ ضَرَبُواْ لَكَ الأَمْثَالَ فَضَلُّواْ فَلاَ يَسْتَطِيعْونَ سَبِيلاً ﴿48﴾**

**درس: کمک همه جانبه الهي به پيامبر براي پيگيري رسالتش که ساخته شدن انسان باشد.**

**درب : ای پیامبر! به مخالفانت زیاد اهمیت مده و مگذار ذهنت مشغول آنها گردد و خیالت راحت باشد که ما مواظب شان هستیم.**

**3**

**وَقَالُواْ أَئِذَا كُنَّا عِظَامًا وَرُفَاتًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا ﴿49﴾ قُل كُونُواْ حِجَارَةً أَوْ حَدِيدًا ﴿50﴾ أَوْ خَلْقًا مِّمَّا يَكْبُرُ فِي صُدُورِكُمْ فَسَيَقُولُونَ مَن يُعِيدُنَا قُلِ الَّذِي فَطَرَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَسَيُنْغِضُونَ إِلَيْكَ رُؤُوسَهُمْ وَيَقُولُونَ مَتَى هُوَ قُلْ عَسَى أَن يَكُونَ قَرِيبًا ﴿51﴾ يَوْمَ يَدْعُوكُمْ فَتَسْتَجِيبُونَ بِحَمْدِهِ وَتَظُنُّونَ إِن لَّبِثْتُمْ إِلاَّ قَلِيلاً ﴿52﴾**

**درس: کمک همه جانبه الهي به پيامبر براي پيگيري رسالتش که ساخته شدن انسان باشد.**

**درب : ای پیامبر!چندان به ایراداتِ از سرِ بهانه گیریِ اینان اهمیت مده.**

**4**

**وَقُل لِّعِبَادِي يَقُولُواْ الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنزَغُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلإِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا ﴿53﴾ رَّبُّكُمْ أَعْلَمُ بِكُمْ إِن يَشَأْ يَرْحَمْكُمْ أَوْ إِن يَشَأْ يُعَذِّبْكُمْ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ وَكِيلاً ﴿54﴾ وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِمَن فِي السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ وَلَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَى بَعْضٍ وَآتَيْنَا دَاوُودَ زَبُورًا ﴿55﴾**

**درس: کمک همه جانبه الهي به پيامبر براي پيگيري رسالتش که ساخته شدن انسان باشد.**

**درب : ای پیامبر! بیشتر به ساخته شدن پیروانت اهمیت ده، ولی زیاد روی مکن.**

**5**

**قُلِ ادْعُواْ الَّذِينَ زَعَمْتُم مِّن دُونِهِ فَلاَ يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضُّرِّ عَنكُمْ وَلاَ تَحْوِيلاً ﴿56﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَى رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُورًا ﴿57﴾**

**درس: کمک همه جانبه الهي به پيامبر براي پيگيري رسالتش که ساخته شدن انسان باشد.**

**درب : ای پیامبر! در مورد غیرِ پیروانت، نامعقول بودن عقیده شان یادآوری کن.**

**6**

**وَإِن مَّن قَرْيَةٍ إِلاَّ نَحْنُ مُهْلِكُوهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَوْ مُعَذِّبُوهَا عَذَابًا شَدِيدًا كَانَ ذَلِك فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا ﴿58﴾ وَمَا مَنَعَنَا أَن نُّرْسِلَ بِالآيَاتِ إِلاَّ أَن كَذَّبَ بِهَا الأَوَّلُونَ وَآتَيْنَا ثَمُودَ النَّاقَةَ مُبْصِرَةً فَظَلَمُواْ بِهَا وَمَا نُرْسِلُ بِالآيَاتِ إِلاَّ تَخْوِيفًا ﴿59﴾**

**درس: کمک همه جانبه الهي به پيامبر براي پيگيري رسالتش که ساخته شدن انسان باشد.**

**درب : ای مردم! در راه مخالفت با این رسول از حد نگذرانید، که نابود شوید.**

**7**

**وَإِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِالنَّاسِ وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلاَّ فِتْنَةً لِّلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي القُرْآنِ وَنُخَوِّفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلاَّ طُغْيَانًا كَبِيرًا ﴿60﴾**

**درس: کمک همه جانبه الهي به پيامبر براي پيگيري رسالتش که ساخته شدن انسان باشد.**

**درب : ای پیامبر! راجع به موضوع رسالتت دلقرص باش، خداوند بر آن ناظر است.**

**7 - آیات برجسته این پاراگراف**

آیه44 چنین موقعیتی دارد و در منابر و کتب اخلاقی و اعتقادی زیاد مورد استشهاد قرار میگیرد و تابلوهای خوشنویسی هم کم از آن ساخته نشده است.

**8 - آیات مشکل**

آیه 41 از لحاظ اختلاف زیاد مفسران در باره اینکه «چه چیزی» در این قرآن تصریف شده، از آیات مشکل قرآنی است، اما نه برای ما که به درس و درب ها مجهزیم، و توضیحش را چنانکه ذیلا می بینید بر همان اساس داده ایم.

**9 - کدام مطالب این پاراگراف «بی ربط» به نظر میرسد؟**

آیه 41 چنین موقعیتی دارد، علتش هم این است که «پرانتزی» است، دلیلش هم اینکه اگر چشم خویش را برآن ببندیم و قبل و بعدش را وصل کنیم خواهیم دید روال سخن صاف و یکدست و بی سکته است.

همچنین است موقعیت آیه 55 .

**10 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

آیه44 از لحاظ اینکه مکانیزم تسبیح همه موجودات اعم از انسان و حیوان و جماد و جن و ملک وغیره را کسی نمیداند فوق ذهنیات بشر قرن بیست و یکمی نیز هست، چه رسد به مخاطب بیجاره اولیه.

**11 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در طول این مدت طولانی ، از نزول این سوره تا به امروز ، تغییر معناییِ چندانی نیافته ، و لذا مخاطب های اولیه نیز از این پاراگراف همان تلقی را میداشته اند که ما .

**12 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

ارشادِ آنحضرت که به پیروانش چنین آموزش بدهد و به مشرکان چنین جواب بدهد

و در عین حال به ایشان دلداری دهد که حوصله کن و اوضاع تغییر میکند .

**13 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

غیر از آیات 40 و 43 و 54 ، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**آیه 57**

**أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَى رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُورًا ﴿57﴾**

أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ : در اینجا ، منظور معبودان شِرک است و منظور کلیِ آیه این است که خودِ معبودان شما دنبال این هستند که در نزد خداوند جایگاه بهتری بیابند و . .

باید بدانیم که عرب 1400 سال قبل که بت هایی را می پرستید در حقیقت خود آن مجسمه یا سنگ یا چه و چه را نمی پرستید بلکه آنها را «نماد»هایی از فرشتگان یا اشخاص بلند پایه ای حساب میکردند و در حقیقت آن فرشتگان یا اشخاص بلندپایه را می پرستیدند.

آیه فوق میگوید بدانید خودِ آن فرشتگان و اشخاص بلندپایه (برعکس شما) خداوند را می پرستند.

**چه چیز در قرآن چرخانده شده؟**

بر آن اساس درس سوره و درب این پاراگراف میگوئیم آنچه که در قرآن دائما چرخانده شده، اولا برحسب خود متن آیه 41 مطالبی است که قابل «پندگیری» است، و ثانیا در مورد این پاراگراف خاص، محور هایی است که پیامبر می باید حول آنها مطالبی را به پیروان خویش آموزش بدهد و به مشرکان جواب هایی بدهد، و مثلا چنانکه در همین پاراگراف آمده، به آنان بگوید که اینطور نیست که خداوند معجزات را به درخواست هر کسی ظاهر کند ، و اگر آنها به این قرآن اهمیت نمی­دهند اشکال از خودشان است و. . .

**فعل خداوند قانونمند است**

در آیات فوق خداوند بی­بهره ماندن آنان را به ذات مقدس خویش نسبت داده و ما تا کنون از این طرز سخن گفتن خداوند متعال آن قدر دیده­ایم که توجه داشته باشیم که منظور این است که (مثلاً در مورد آیه 45) بی­اعتقادی به آخرت به آن نتیجه می­رساند.

**توصیف رفتار کفار در قبال موضوع آخرت**

رفتارکفار در موضوع آخرت چند مولفه دارد :

اولاً میگویند بعید است (آیه­های 49 و 50)

ثانیاً بعدا میگویند چه کسی این موضوع را سامان می­دهد (آیه 51)

ثالثاً میگویند تاریخ وقوع آن چه وقت است (آیه 51)

البته همه این موضوعات را قبلاً کراراً در سوره­های قبلی (و بطور متمرکز در سوره­های مرحله سوم) دیده­ایم.

**در یافت های مستقیم و کوتاه**

1 – منظور از «عباد» در اینجا ، معنی اصطلاحی آن است ، یعنی مومنین ، دلیلش هم متن آیه مربوطه است .

2 – در سوره نجم یک آیه ای بود که میگفت «لاتزکوا انفسکم» یعنی ارزیاب نهائی خداست ، و خودتان را با دیگران مقایسه نکنید که احیانا به این نتیجه برسید که من از فلانی بهترم و . . .

آیه های 53 و 55 را باید در این چهارچوب دید ، و به مسلمانان می فرماید فعلا شب دراز است و در صدد مقایسه خویش با مخالفانتان بر نیائید و به آنان سخن درشت نگوئید ، شما که جای خویش دارید ، حتی در عالم پیامبران نیز بعضی بالاتر از بعضی هستند .

3 – آیه های 53 و 54 بارِ تحقیق در تاریخ اسلام و جامعه شناسیِ آن روزها دارد و جای این سوال است که چرا خداوند این مطالب را فرموده ؟ و مگر چه اتفاقاتی می افتاده که لازم شده خداوند این توجهات و تنبهات رابدهد؟

**جمع بندی و تفسیر**

**آيا پروردگارتان شما را** (برخويش) **ترجيح داده و به شما پسر داده و ملائکه را دختران خويش برگرفته؟ البته شما** (کافران) **قائل به قولي عظيم ميباشيد (40)** {و البته در اين قرآن [دلائل و مثال ها را] گردانديم تا پند گيرند . اما آنها جز دوري نیفزودند}(41)  **بگو اگر چنانکه ميگوئيد همراه با او خداياني ديگر هم باشند در اينصورت آن** (باصطلاح خدا) **ها بسوي صاحب عرش راهي ميجستند (42)** {پاک و منزه و بسيار برتر وبالاتر است از آنچه ميگويند (43) آسمانهاي هفتگانه و زمين و هر که در آنهاست برايش تسبيح ميگويند و هيچ چيز نيست مگر اينکه به ستايشش تسبيح ميگويد وليکن شما تسبيح آنها را درنمي يابيد . او البته حليم آمرزگار است}(44) **و هنگامي که قرآن ميخواني بين تو و بين آنانکه به آخرت ايمان ندارند حجابي پوشيده قرار ميدهيم (45) و بر دلهاشان پرده ميكشيم تا آنرا نفهمند و در گوشهايشان سنگيني مي نهيم و اگر پروردگارت در قرآن بطور تکي ذکر شود با نفرت روي پاشنه هایشان ميچرخند (46) ما ميدانيم که آنها وقتي که دارند سخن تو را گوش ميدهند به چه چيزي گوش ميدهند و نيز هنگاميکه راز ميگويند** (چه هامیگویند) **،** (نیز میدانیم) **هنگامي که ظالمان ميگويند شما داريد مردي جادو زده را پيروي ميکنيد (47) ببين چگونه برايت مثل هائي ميزنند و گمراه شدند و نميتوانند به راه بيايند (48)** **و ميگويند آيا هنگامي که استخوان شديم و پوسيديم آيا دوباره در آفرينشي جديد برانگيخته ميشويم؟(49) بگو** (بله) **حتي اگر سنگ يا آهن باشيد (50) يا چیزی که در نظرتان بزرگتر باشد و بزودي خواهند گفت چه کسي ما را برميگرداند؟ بگو کسي که دفعه اول آفريدتان . پس سرهاشان را بسويت برميگردانند و ميگويند چه وقت؟ بگو شايد نزديک باشد (51) روزي که بخواندتان و شما ستايشگرانه اجابتش کنيد و گمان کنيد که جز اندکي** (در برزخ ) **مکث نکرده ايد (52)** **و به بندگانم بگو آنچه را که بهتر است بگویند ، زیرا که شیطان بین آنها را بهم میزند ، چونکه شیطان نسبت به انسان دشمنی آشکار است (53) پروردگارتان به حال شما داناتر است ، اگر خواهد بر شما رحمت گیرد و اگر خواهد عذاب تان کند و** (ای پیامبر) **تو را به سرپرستی شان نفرستادیم (54) و پروردگارت به حال همه کسانی که در آسمانها و زمین هستند دانا تر است ، و ما البته برخی از پیامبران را بر برخی دیگر برتری داده ایم و به داود نیز زبوری دادیم (55)** (وبهمخالفانت نیز) **بگو هرکس را که غیر از خداوند به نظرتان میرسد ،** (به دعا) **بخوانید** (خواهید دید که) **نه ناراحتی تان را برطرف میکنند و نه تحولی در اوضاع شما به وجود می آورند (56)** (ای پیامبر) **کسانی که** ( مخالفات ) **به دعا میخوانند ، خودشان وسیله ای میجویند که بسوی پروردگارشان راهی بیابند ، که در نزدش نزدیکتر گردند و رحمتش را امید دارند و از عذابش می هراسند ، زیرا که می باید از عذابش برحذر بود (57)** **و هيچ شهري نيست مگر اينکه قبل از قيامت هلاکش مي کنيم يا به شدت عذابش مي کنيم** {که اين موضوع در آن کتاب نوشته شده است} (58) **و چيزي مانع ما نمیشود که معجزاتي بفرستيم مگر اينکه پيشينيان تکذيب کردند و به قوم ثمود آن شتر را به نماياني داديم ، اما به آن ظلم کردند و ما معجزات را مگر براي ترساندن نمي فرستيم (59)** {و به یاد آر که به تو گفتيم که پروردگارت به مردم احاطه دارد و آن خوابي را که به تو نمايانديم {و همچنين آن شجره اي که در قرآن لعنت شده را (به تو نمایاندیم)} ، جز آزموني براي مردم قرار نداديم ، {{و آنان را مي ترسانيم اما جز طغياني بزرگ نمي افزايدشان}}(60)

**اسراء6 آیات61تا72**

**وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلآئِكَةِ اسْجُدُواْ لآدَمَ فَسَجَدُواْ إَلاَّ إِبْلِيسَ قَالَ أَأَسْجُدُ لِمَنْ خَلَقْتَ طِينًا ﴿61﴾ قَالَ أَرَأَيْتَكَ هَذَا الَّذِي كَرَّمْتَ عَلَيَّ لَئِنْ أَخَّرْتَنِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لأَحْتَنِكَنَّ ذُرِّيَّتَهُ إَلاَّ قَلِيلاً ﴿62﴾ قَالَ اذْهَبْ فَمَن تَبِعَكَ مِنْهُمْ فَإِنَّ جَهَنَّمَ جَزَآؤُكُمْ جَزَاء مَّوْفُورًا ﴿63﴾ وَاسْتَفْزِزْ مَنِ اسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَأَجْلِبْ عَلَيْهِم بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكْهُمْ فِي الأَمْوَالِ وَالأَوْلادِ وَعِدْهُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلاَّ غُرُورًا ﴿64﴾ إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ وَكَفَى بِرَبِّكَ وَكِيلاً ﴿65﴾ رَّبُّكُمُ الَّذِي يُزْجِي لَكُمُ الْفُلْكَ فِي الْبَحْرِ لِتَبْتَغُواْ مِن فَضْلِهِ إِنَّهُ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا ﴿66﴾ وَإِذَا مَسَّكُمُ الْضُّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَن تَدْعُونَ إِلاَّ إِيَّاهُ فَلَمَّا نَجَّاكُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ وَكَانَ الإِنْسَانُ كَفُورًا ﴿67﴾ أَفَأَمِنتُمْ أَن يَخْسِفَ بِكُمْ جَانِبَ الْبَرِّ أَوْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا ثُمَّ لاَ تَجِدُواْ لَكُمْ وَكِيلاً ﴿68﴾ أَمْ أَمِنتُمْ أَن يُعِيدَكُمْ فِيهِ تَارَةً أُخْرَى فَيُرْسِلَ عَلَيْكُمْ قَاصِفا مِّنَ الرِّيحِ فَيُغْرِقَكُم بِمَا كَفَرْتُمْ ثُمَّ لاَ تَجِدُواْ لَكُمْ عَلَيْنَا بِهِ تَبِيعًا ﴿69﴾ وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلاً ﴿70﴾ يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ فَمَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُوْلَئِكَ يَقْرَؤُونَ كِتَابَهُمْ وَلاَ يُظْلَمُونَ فَتِيلاً ﴿71﴾ وَمَن كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَى فَهُوَ فِي الآخِرَةِ أَعْمَى وَأَضَلُّ سَبِيلاً ﴿72﴾**

**ای مردم! توجه داشته باشید که آن هنگاميکه به ملائکه گفتيم بر آدم سجده کنيد ، همه سجده کردند غير از ابليس که گفت آيا به کسي سجده کنم که از گِل آفريدي؟ (61) اين که به من برتريش دادي ، اگر تا روز قيامت مهلتم دهي تمام فرزندانش را بجز اندکي فريب داده و گمراه خواهم کرد (62) و جواب شنید که برو و هر کس از آنان که پيرويت کرد جزايتان جهنم خواهد بود که جزائي کامل است (63) و هر کس از آنها را که توانستي ، با صوت خويش بلغزان ، و با پيادگان و سوارگانت بر آنان بتاز ، و در اموال و اولاد شريکشان شو ، و وعده شان ده ، و شيطان جز فريب وعده اي نميدهد (64) تو بر بندگانم تسلطي نخواهي داشت و پروردگار بعنوان كارسازشان کافي است (65) ای مردم! توجه داشته باشید که این پروردگار شماست که کشتيها را در دريا به حرکت درمي آورد تا از فضلش روزی تان را جستجو کنيد که او نسبت به شما مهربان است (66) و هنگامي که بلائي در دريا به شما رسد هر كه را که غير از او ميخوانيد از يادتان ميرود . ولی هنگامي که نجاتتان داد و به زمين برگرداند از او روی ميگردانيد که اکثر انسان ها کفران پيشه اند (67) آيا ايمن شده ايد که گوشه اي از زمين شما را فرو ببرد يا آسمان بر سرتان سنگ ببارد ، و آنگاه كارسازي براي خويش نيابيد؟ (68) يا اينکه ايمن شده ايد که مجددأ شما را به آن دريا برگرداند ، و تند بادي بفرستد و بسبب کفرتان غرقتان کند ، و عليه ما فريادرسي نيابيد؟ (69) و ما البته آدمي زاده را گرامي داشته ، و آنها را در خشکي و دريا حمل کرده ، و از چیزهای خوشایند روزي شان داده ايم ، و آنان را بر بسياري از کساني که آفريده ايم برتریي بزرگ داده ايم (70) و در قیامت که روزي است که هر کس را با نام رهبرش صدا میزنند ، هر کس که کارنامه اش به دست راستش داده شود ، نامه­اش را ميخواند و ذره اي ظلم نمي بيند (71) و هر کس که در اين جهان کور دل باشد ، در آخرت هم کور ، و بلکه گمراه تر خواهد بود (72)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: کمک همه جانبه الهي به پيامبر براي پيگيري رسالتش که ساخته شدن انسان باشد.**

**درب : تبيين موقعيت شيطان در زندگي بشر و يادآوري گوشه هاي ديگري از نعمت هاي عام الهي و تببين اوضاع آخرتي بشر (تا هرکس به فکر خودش بيفتد و صاحب عقل ، خود را همسو کند) و اینکه ای پیامبر! پیامبری خودت را هم در این چارچوب تحلیل کن.**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 که ابتدای ورود به سوره است شرحی از نشان دادن بعضی ازآیات الهی درجهت آموزش و کمک و تقویت مواضع رسولانه به پیامبر – ص – میدهد .

در پاراگراف 2 می فرماید : یهودیان در خلاف جهت تعالیمشان درگیری­هائی داشته و دارند و خواهند داشت که بالاخره به شکست کامل و اضمحلالشان منجر خواهد شد .

در پاراگراف 3 می فرماید : ای پیامبر ! همه جور به تو کمک کرده ایم ، این قرآنی که تو رابه آن مجهزکرده ایم یکی ازمصادیق بارز کمکهای ما است ولی به خاطرداشته باش که این قرآن شرط لازم هدایت است نه شرط کافی . و ای کافران! چرا نگاه خود را به زندگی خراب می کنید و بجای اینکه به راه این رسول واین قرآن بیائید ، چیزی را طلب میکنید که به ضررتان است؟ و ای پیامبر ! قوانین ماراجع به هلاکت جوامع وچگونگی بدست آوردن خواسته های دنیوی واخروی اینهاست .

در پاراگراف 4 تذکرات همه جانبه­ای به پیامبر (ص) و مسلمانان میدهد و می فرماید برای اینکه بتوانیدحضورموثری درجهت ارتقای خویش وسایرین داشته باشید لازم است این صفات را احرازکنید .

درپاراگراف 5 می فرماید : نظام فکری شرک نامعقول است و ای کافران ! ازاین لجبازی هادست بکشید و به ایمان به خداوند یگانه که معقول ومنطقی است بگرائید.

در این پاراگراف می فرماید : ای پیامبر! به آنها اهمیتی نده ، اشکال از خودشان است و اینطورنیست که تو یا این قرآن ، «هرکسی» را بتوانید هدایت کنید و موضوع قیامت هرچه باشد موضوع سنگینی است وتونباید انتظارداشته باشی فورا آن راجذب کنند . باید حوصله کنی ، بایدگفتگوکنی ، و به پیروانت بگو به مسلمانی خویش مغرورنشوند ، وبه مشرکان هم بگو «خدایان» تان نمیتوانندمشکلی را از شما حل کنند . و بر مدت عمر جوامع بشری و ارائه معجزات الهی، قوانینی حاکم است و از رفتاراین کافران ناراحت نباش . به عکس تصوراتشان ، نه تنها نباید چندان ازاوضاع خویش مطمئن باشند ، بلکه شایسته اســــت در باره موضوع آن خوابی که دیده ای خیلی هم برخویش نگران باشند .

در این پاراگراف می فرماید : ای پیامبر ! مخالفانت فعلا تحت تاثیر شیطان هستند و قلمرو او نیز حوزه ذهنی آنهاست ، قلمرو توهم همان حوزه است ، لذا پایداری کن تا کم کم بقدر ممکن او را عقب برانی .

و نیز می فرماید : ای کافران ! صاحب این نعمت ها را به یاد بیاورید و رسولـــش را تکذیب نکنید بلکه به او بگروید تا به نعمت های بزرگ تر اخروی هم برسید و اینکه شما را برای بزرگی و بزرگواری آفریده ایم ، قدرخود بدانید و رفتاری کنیدکه درخور آن باشد و ای کافران ! اگر قدرنعمت ها را (که درپاراگراف های قبــل ذکرشد) نشناختید معلوم میشود چشم حقیقت بین شما کوراست ، لذا درجهان بعدی وضع بدتری خواهید داشت .

**3 - سوالات**

1 – با توجه به ترتیب نزول ، دفعه اول است که نام «آدم» را در قرآن می بینیم . اما این نام برای مخاطب های اولیه قرآن آشنا بوده ، چرا خداوند این داستان را مطرح فرموده؟ (برای آشناکردن پیامبر- ص- با انگیزه های مخالفت با او؟ یا.....؟)

2–« **وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلاَّ غُرُورًا** » (آیه64 ) با کدام کلید تفسیر مطابقت دارد؟

3– با توجه به آیه64 ، شیطان در چهار جبهه با انسان تماس دارد : صوتش ، پیادگــــان و سوارگانش ، شراکتش در اموال و اولاد ، و وعده دادن . ازاینها معنی شراکت در اموال و اولاد مفهوم است که به ترتیب به معنی کسب مال حرام وتربیت ناسالم اولاد است . از این قرینه استفاده نموده و معنی سه مورد دیگر را بیان کنید .

4 – سه کلمه آخر آیه 65 خطاب به کیست؟

5 – و منظور از آن چیست؟

6 - چرا به جای «اناس» (آیه71) نفرموده «انسان»؟

7 – منظور از «امام» چیست؟ (آیه 72) (به معنی لغوی است؟ یا اصطلاحی ؟)

8 - «اعمی» نسبت به چه کسی و چه وضعیتی ؟

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

اینکه کشتی در بحر حرکت میکند و شما بوسیله آن لطف پروردگار را جستجو میکنید نشان میدهد مردم آن روزها سواری بر کشتی اعم از مسافرت یا نقل و انتقالِ بار تجاری با آن ، یا هردو ، برایشان عادی بوده است (آیه66) و همین موضوع نظر غالب را راجع به میزان تمدن مردم مکه در آن روزها اصلاح میکند .

**5 – زاویه با تفاسیر رایج**

المیزان در باره آیه 70 سوره اسراء چنین میفرماید :

پس اينكه فرمود:" وَ لَقَدْ كَرَّمْنا بَنِي آدَمَ" مقصود از تكريم اختصاص دادن به عنايت و شرافت دادن به خصوصيتى است كه در ديگران نباشد، و با همين خصوصيت است كه معناى" تكريم" با" تفضيل" فرق پيدا مى‏كند، چون تكريم معنايى است نفسى و در تكريم كارى به غير نيست، بلكه تنها شخص مورد تكريم مورد نظر است كه داراى شرافتى و كرامتى بشود، به خلاف تفضيل كه منظور از آن اين است كه شخص مورد تفضيل از ديگران برترى يابد، در حالى كه او با ديگران در اصل آن عطيه شركت دارد.

این بود قول المیزان، و ما عرض میکنیم:

بطور واضح ، آیه مذکور در مقام برشماری مولفه های «تکریم» است که یکی سواره بودن، و یکی رزق طیّب ، و یکی هم آن «تفضیل» مذکور است و این نوع سخن گفتن (برشماریِ برخی نعمتها) در قرآن بسیار عادی و آشنا است.

**6 - کلید های تفسیری**

**ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:**

**1**

**وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلآئِكَةِ اسْجُدُواْ لآدَمَ فَسَجَدُواْ إَلاَّ إِبْلِيسَ قَالَ أَأَسْجُدُ لِمَنْ خَلَقْتَ طِينًا ﴿61﴾ قَالَ أَرَأَيْتَكَ هَذَا الَّذِي كَرَّمْتَ عَلَيَّ لَئِنْ أَخَّرْتَنِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لأَحْتَنِكَنَّ ذُرِّيَّتَهُ إَلاَّ قَلِيلاً ﴿62﴾ قَالَ اذْهَبْ فَمَن تَبِعَكَ مِنْهُمْ فَإِنَّ جَهَنَّمَ جَزَآؤُكُمْ جَزَاء مَّوْفُورًا ﴿63﴾ وَاسْتَفْزِزْ مَنِ اسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَأَجْلِبْ عَلَيْهِم بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكْهُمْ فِي الأَمْوَالِ وَالأَوْلادِ وَعِدْهُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلاَّ غُرُورًا ﴿64﴾ إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ وَكَفَى بِرَبِّكَ وَكِيلاً ﴿65﴾**

**درس: کمک همه جانبه الهي به پيامبر براي پيگيري رسالتش که ساخته شدن انسان باشد.**

**درب : تبيين موقعيت شيطان در زندگي بشر.**

**2**

**رَّبُّكُمُ الَّذِي يُزْجِي لَكُمُ الْفُلْكَ فِي الْبَحْرِ لِتَبْتَغُواْ مِن فَضْلِهِ إِنَّهُ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا ﴿66﴾ وَإِذَا مَسَّكُمُ الْضُّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَن تَدْعُونَ إِلاَّ إِيَّاهُ فَلَمَّا نَجَّاكُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ وَكَانَ الإِنْسَانُ كَفُورًا ﴿67﴾ أَفَأَمِنتُمْ أَن يَخْسِفَ بِكُمْ جَانِبَ الْبَرِّ أَوْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا ثُمَّ لاَ تَجِدُواْ لَكُمْ وَكِيلاً ﴿68﴾ أَمْ أَمِنتُمْ أَن يُعِيدَكُمْ فِيهِ تَارَةً أُخْرَى فَيُرْسِلَ عَلَيْكُمْ قَاصِفا مِّنَ الرِّيحِ فَيُغْرِقَكُم بِمَا كَفَرْتُمْ ثُمَّ لاَ تَجِدُواْ لَكُمْ عَلَيْنَا بِهِ تَبِيعًا ﴿69﴾ وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلاً ﴿70﴾**

**درس: کمک همه جانبه الهي به پيامبر براي پيگيري رسالتش که ساخته شدن انسان باشد.**

**درب : يادآوري گوشه هاي ديگري از نعمت هاي عام الهي.**

**3**

**يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ فَمَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُوْلَئِكَ يَقْرَؤُونَ كِتَابَهُمْ وَلاَ يُظْلَمُونَ فَتِيلاً ﴿71﴾ وَمَن كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَى فَهُوَ فِي الآخِرَةِ أَعْمَى وَأَضَلُّ سَبِيلاً ﴿72﴾**

**درس: کمک همه جانبه الهي به پيامبر براي پيگيري رسالتش که ساخته شدن انسان باشد.**

**درب : تببين اوضاع آخرتي بشر، تا هرکس به فکر خویش بيفتد و صاحب عقل، خود را همسو کند.**

**7 - آیات برجسته این پاراگراف**

آیه 70 چنین موقعیتی دارد و این اولا از کثرت استفاده اهل منبر و اهل قلم از این آیه دانسته میشود و ثانیا از زیادیِ اقبال هنرمندان (از قبیل خوشنویسان و کاشیکاران) که آیه را در قالب کاشی و معرق در مساجد و زیارتگاه ها در منظر چشمان مشتاق بیینندگان قرار داده اند.

**8 - آیات مشکل**

آیه 70 چنین تلقیی را در قرآن پژوهان ایجاد کرده و علت آن نیز زیادیِ اختلافاتی است که مفسران در تفسیر این آیه نموده اند، و البته ما که به درس و درب متکی هستیم سختیی در آن نمی بینیم.

**9 - کدام مطالب این پاراگراف «بی ربط» به نظر میرسد؟**

آیه 70 چنین موقعیتی دارد، علتش هم این است که «پرانتزی» است، دلیلش هم اینکه اگر چشم خویش را برآن ببندیم و قبل و بعدش را وصل کنیم خواهیم دید روال سخن صاف و یکدست و بی سکته است.

**10 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

آیات 61 تا 64 چنین موقعیتی دارند،

**11 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در آیه 70 با جمله لقد کرمنا بنی آدم یک پیشگوئی فرموده که امروز نمونه های تحققش را در اینهمه سازمان های حقوق بشر و حقوق زنان داریم می بینیم .

**12 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

در باره آیات این پاراگراف ، حتی امروز نیز ، با توجه به معانی والای آن ، حتی برخی مفسران هم ، درک مقبولی از آن ندارند ، چه رسد به مخاطبان اولیه ! در عین حالیکه کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در این هزار و چند صد سال ، تغییر معنای قابل توجهی نیافته اند !

**13 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

1 - ای پیامبر ! مخالفانت فعلا تحت تاثیر شیطان هستند و قلمرو او نیز حوزه ذهنی آنهاست ، قلمرو توهم همان حوزه است ، لذا پایداری کن تا کم کم بقدر ممکن او را عقب برانی .

2 - ای کافران ! صاحب این نعمت ها را به یاد بیاورید و رسولـــش را تکذیب نکنید بلکه به او بگروید تا به نعمت های بزرگ تر اخروی هم برسید و اینکه شما را برای بزرگی و بزرگواری آفریده ایم . و اگر قدرنعمت ها را (که درپاراگراف های قبــل ذکرشد) نشناختید معلوم میشود چشم حقیقت بین شما کوراست ، لذا درجهان بعدی وضع بدتری خواهید داشت .

3 – ای انسانها! قدرخود بدانید و رفتاری کنیدکه درخور آن باشد .

**14 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تقریبا تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

**شرح مختصر**

**شیطان- ابلیس**

از آیات 61 تا 65 بوضوح این مطالب فهمیده می­شود:

1- ابلیس منحصراً آن شخصی است که در آسمان­ها و همراه ملائکه بود اما شیطان در این جهان است.

2- حوزه عمل ابلیس منحصراً مربوط به آدم بوده ، اما حوزه عمل شیطان­ها کل انسان­هاست .

3- طرز کار ابلیس و شیطان ورود مستقیم فیزیکی در حوزه خصوصی افراد انسانی نیست بلکه طرز کار آن­ها از طریق نفوذ در تصمیمات آنها است.

بعبارت دیگر حوزه فعالیت شیاطین ذهن آدمی است نه جهان فیزیک.

برای مطالعه دقیق­تر ، توجه خواننده محترم را به کتاب «پیدایش انسان، برگزیدگـــی آدم، ماهیت شیطان» در سایت جلب می­کنیم .

4 – ابلیس که پدر بزرگ شیاطین است موجود کم شعور و ساده لوحی بوده ، چطور ممکن است کسی که حتی یک شعور متوسطی هم داسته باشد با خداوند که لحظه به لحظه اصل وجودش را از او دارد اینقدر بی ادبانه صحبت کند و اینقدر هم نفهم باشد که این کارهائی را که میگوید چنین و چنان خواهم کرد با نیروی چه کسی خواهد کرد و در محدوده و قلمرو چه کسی؟

به عبارت دیگر ابلیس نیز مانند اکثر انسانها ، «جهان» را مستقل از خداوند می بیند و فکر میکند که میشود بدون نیروی الهی در جهان کاری صورت داد.

**ذکر مصادیق افاده حصر نمی­کند**

در این پاراگراف به ذکر چند نمونه دیگر از نعمت­های عمومی الهی می­پرازد تا مخاطب را متوجه این معنی کند که این نعمت­هائی که به تداوم آنها عادت کرده و از فرط عادت متوجه اصل آنها نیست، چقدر در زندگی او مهم است و اگر نبود زندگی و تمدن بشری به این پایه از رشد و تکامل نمی­رسید تا بشر متوجه و متنبه شود و یاد صاحب نعمت بیفتد و به پیامبر(ص) و رسالتش بگرود.

نعمت­های مورد اشاره این پاراگراف، امکان جابجایی در روی کره زمین اعم از خشکی و دریاست که این خاص انسان است .

نعمت دیگر علم مستقیم بیواسطه­ایست که بشر نسبت به خداوند دارد و این علم در هنگام ناراحتی­ها ظاهر می­شود و پس از رفع ناراحتی­ها در اثر سوء اختیارشان به فراموشی سپرده می­گردد.

نعمت دیگر سکون و ثبات حیات در روی زمین است که از اضطرابات شدید و زلزله­های عظیم و طوفان­های قوی و غیره ایمن است و اگر اینطور نبود تمدن بشر نه تنها به این پایه نمی­رسید بلکه اساساً شکل نمی­گرفت.

نعمت دیگر برتریی است که خداوند به انسان داده و او را بر زمین و مواهب آن و موجودات و مخلوقات آن مسلط نموده که می­تواند در آن جاده­ها باز کند و سدها بسازد و کشاورزی کند و حفاری و کشفیات بعمل آورد و اینها همه مخصوص انسان است و اگر اینها نبود تمدن بشر شکل نمی­گرفت.

اینها و هزاران هزار نعمت دیگر، دست به دست هم داده­اند تا بشر به این حد از رشد و تکامل برسد و همه اینها از خداوند است و بشر از این نعمت­ها بعلت عادت کردن به آنها غافل است و غفلت او موجب غفلت از صاحب نعمت نیز می­شود و با این تذکرات بشر را دعوت به فکر در این نعمت­ها می­کند تا به صاحب نعمت متوجه شود و در نتیجه به پیامبر(ص) و دعوت او گرایش یابد.

**تنوع «ذیشعور» ها**

مطلب برتری دادن آدمی بر بسیاری از کسانی که خداوند آفریده به حیوانات مربوط نمی­شود زیرا واضح است وگرنه بجای «کسانی» باید می­گفت «چیزهائی» و برتریی که خداوند داده با توجه به کلمه فوق مربوط به موجودات ذیشعور است. از موجودات ذیشعور غیر از انسان، فعلاً فقط جن و ملائکه را می­شناسیم. از کلمه «بسیاری» فهمیده می­شود ذیشعورهای دیگری غیر از ملائکه و جن هم در دستگاه آفرینش خداوندی وجود دارند.

**در باره آیه ولقد کرمنا بنی آدم . .**

چنانکه گفته ایم این آیه «پرانتزی» است، اما ، در داخل این آیه ، «کرمنا بنی آدم» قسمت اصلی است و سه عنصر بعدی نمونه هایی از این گرامیداشت است .

**کور اخرتی یعنی چه؟**

«اعمی» در آیه 72 به معنی کنایی آمده و کوری کنایه از «کوری حقایق» است ، وآخرت نسبت به این جهان ، نسبتی مانند این جهان و رحم مادر را دارد ، با این فرق که در رحم مادر چشم هست اما چیزی نیست که چشم روی آن اِعمالِ دیدن کند و در آخرت نیز چنانکه در آیه گفته ، چشمِ حقایق بین را باید در این جهان هر کس با رفتار خویش در وجود خویش ایجاد کند .

برای درک بهتر مطلب مطالعه کتاب کم حجم «سخن نو در اصلاح الگوی حیات اخروی» را در سایت توصیه میکنیم .

این مفهوم در قرآن بسیار تذکر داده شده ، و یکی از مشهور ترین موارد آن در سوره حدید است با این مضمون که می فرماید منافقان در قیامت به مومنان میگویند از نور خویش بما هم بدهید تا بتوانیم ببینیم و جواب می شنوند که به زندگی قبلی خویش برگردید (که البته شدنی نیست) و نوری دست و پا کنید .

**جمع بندی و تفسیر**

**و هنگاميکه به ملائکه گفتيم بر آدم سجده کنيد ، همه سجده کردند غير از ابليس ،که گفت آيا به کسي سجده کنم که از گِل آفريدي اش؟ (61) اين که به من برتريش دادي ، اگر تا روز قيامت مهلتم دهي تمام فرزندانش را بجز اندکي فريب داده و گمراه خواهم کرد (62) گفت برو و هر کس از آنان که پيرويت کرد جزايتان جهنم خواهد بود که جزائي کامل است (63) و هر کس از آنها را که توانستي ، با صوت خويش بلغزان ، و با پيادگان و سوارگانت بر آنان بتاز ، و در اموال و اولاد شريکشان شو ، و وعده شان ده ،** {و شيطان جز فريب وعده اي نميدهد}  **(64) تو بر بندگانم تسلطي نخواهي داشت و پروردگارت بعنوان كارساز کافي است (65) پروردگار شماست که کشتيها را در دريا به حرکت درمي آورد تا فضلش را جستجو کنيد که او نسبت به شما مهربان است (66) و هنگامي که بلائي در دريا به شما رسد هر كه را غير از او ميخوانيدش از يادتان ميرود . پس هنگامي که نجاتتان داد و به زمين برگرداند رو ميگردانيد و انسان کفران پيشه است (67) آيا ايمن شده ايد که گوشه اي از زمين شما را فرو ببرد يا بر سرتان سنگ ببارد ، و آنگاه كارسازي براي خويش نيابيد؟ (68) يا اينکه ايمن شده ايد که مجددأ شما را به آن** (دريا) **برگرداند ، و تند بادي بفرستد و بسبب کفرتان غرقتان کند ، و عليه ما فريادرسي نيابيد؟ (69) و ما البته آدمي زاده را گرامي داشته ، و آنها را در خشکي و دريا حمل کرده ، و از پاکيزه ها روزي شان داديم ، و آنان را بر بسياري از کساني که آفريده ايم برتریي داديم (70) روزي که هر کس را با** (نام) **رهبرشان صدا زنند ، پس هر کس که نامه اش به دست راستش داده شود ، نامه­اش را ميخواند و ذره اي ظلم نمي بينند (71) و هر کس که در اين جهان کور** (دل ) **باشد ، در آخرت هم کور، و بلکه گمراه تر خواهد بود (72)**

**اسراء7 آیات73تا81**

**وإِن كَادُواْ لَيَفْتِنُونَكَ عَنِ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ لِتفْتَرِيَ عَلَيْنَا غَيْرَهُ وَإِذًا لاَّتَّخَذُوكَ خَلِيلاً ﴿73﴾ وَلَوْلاَ أَن ثَبَّتْنَاكَ لَقَدْ كِدتَّ تَرْكَنُ إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيلاً ﴿74﴾ إِذاً لَّأَذَقْنَاكَ ضِعْفَ الْحَيَاةِ وَضِعْفَ الْمَمَاتِ ثُمَّ لاَ تَجِدُ لَكَ عَلَيْنَا نَصِيرًا ﴿75﴾ وَإِن كَادُواْ لَيَسْتَفِزُّونَكَ مِنَ الأَرْضِ لِيُخْرِجوكَ مِنْهَا وَإِذًا لاَّ يَلْبَثُونَ خِلافَكَ إِلاَّ قَلِيلاً ﴿76﴾ سُنَّةَ مَن قَدْ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِن رُّسُلِنَا وَلاَ تَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحْوِيلاً ﴿77﴾ أَقِمِ الصَّلاَةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا ﴿78﴾ وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَى أَن يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا ﴿79﴾ وَقُل رَّبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَل لِّي مِن لَّدُنكَ سُلْطَانًا نَّصِيرًا ﴿80﴾ وَقُلْ جَاء الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا ﴿81﴾ وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاء وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلاَ يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إَلاَّ خَسَارًا ﴿82﴾**

**ای پیامبر! نزديک بود در موردی از آنچه به تو وحي کرده ايم منحرفت کنند تا غیر آن را به ما افترا ببندی و در آنصورت تو را دوست خویش ميگرفتند (73) و اگر تو را ثابت قدم نکرده بوديم نزديک بود کمي بسويشان متمايل شوي (74) در آنصورت تو را حتما به عذابی سخت معذب میکردیم که انگار محنت دو چندان حيات و دو چندان ممات را چشیده باشی ، و در آنصورت هیچ کسی را نمی یافتی که در مقابل ما ياورت باشد (75) و نزديک بود تو را وادار کنند که از مکه بیرون روی، که در حقیقت تو را اخراج کرده باشند، که در آنصورت در اثر عذابی که برآنان نازل میشد پس از تو جز اندکي در آن درنگ نمیکردند (76) چنین است قانون ما و سنت خويش را در مورد ساير پيامبران قبل از تو نیز همين قرار داده ايم که اگر مخالفانشان از حد بگذرانند معذب گردند و در سنت ما هیچ تغييري نخواهي يافت (77) نماز را از زوال آفتاب در نيمروز تا تاريکي شب بپا دار ، و نيز نمازِ صبح را ، که نماز صبح مشهود است (78) و مقداري از شب را به خواندن نافله ای براي خويش بيدار باش چه بسا که پروردگارت برايت مقامي پسنديده برگزيند (79) و بگو پروردگارا مرا با داخل شدني درست به هر كار داخلم کن ، و با خارج شدني درست خارجم کن ، و برايم از جانب خويش دليلي عطا کن که ياريم کند (80) و بگو حق آمد و باطل از ميان خواهد رفت که باطل خودش نابود شدني است (81) و ای پیامبر! بدان که در قسمتی از محتوای قرآن چیزهایی هست که براي مومنان شفاء و رحمت است و براي ظالمان چیزی جز خسارت نمی افزاید (82)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: کمک همه جانبه الهي به پيامبر براي پيگيري رسالتش که ساخته شدن انسان باشد.**

**درب : يکي از بزرگترين کمک هاي الهي به پيامبر(ص) همين قرآن است، و ارائه خطرات راه رسالت به پيامبر(ص) و ارائه توصيه هاي عبادي و رفتاري براي احتراز از آنها نیز از جمله کمک ها است .**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 که ابتدای ورود به سوره است شرحی از نشان دادن بعضی ازآیات الهی درجهت آموزش و کمک و تقویت مواضع رسولانه به پیامبر – ص – میدهد .

در پاراگراف 2 می فرماید : یهودیان در خلاف جهت تعالیمشان درگیری­هائی داشته و دارند و خواهند داشت که بالاخره به شکست کامل و اضمحلالشان منجر خواهد شد .

در پاراگراف 3 می فرماید : ای پیامبر ! همه جور به تو کمک کرده ایم ، این قرآنی که تو رابه آن مجهزکرده ایم یکی ازمصادیق بارز کمکهای ما است ولی به خاطرداشته باش که این قرآن شرط لازم هدایت است نه شرط کافی . و ای کافران! چرا نگاه خود را به زندگی خراب می کنید و بجای اینکه به راه این رسول واین قرآن بیائید ، چیزی را طلب میکنید که به ضررتان است؟ و ای پیامبر ! قوانین ماراجع به هلاکت جوامع وچگونگی بدست آوردن خواسته های دنیوی واخروی اینهاست .

در پاراگراف 4 تذکرات همه جانبه­ای به پیامبر (ص) و مسلمانان میدهد و می فرماید برای اینکه بتوانیدحضورموثری درجهت ارتقای خویش وسایرین داشته باشید لازم است این صفات را احرازکنید .

درپاراگراف 5 می فرماید : نظام فکری شرک نامعقول است و ای کافران ! ازاین لجبازی هادست بکشید و به ایمان به خداوند یگانه که معقول ومنطقی است بگرائید.

در این پاراگراف می فرماید : ای پیامبر! به آنها اهمیتی نده ، اشکال از خودشان است و اینطورنیست که تو یا این قرآن ، «هرکسی» را بتوانید هدایت کنید و موضوع قیامت هرچه باشد موضوع سنگینی است وتونباید انتظارداشته باشی فورا آن راجذب کنند . باید حوصله کنی ، بایدگفتگوکنی ، و به پیروانت بگو به مسلمانی خویش مغرورنشوند ، وبه مشرکان هم بگو «خدایان» تان نمیتوانندمشکلی را از شما حل کنند . و بر مدت عمر جوامع بشری و ارائه معجزات الهی، قوانینی حاکم است و از رفتاراین کافران ناراحت نباش . به عکس تصوراتشان ، نه تنها نباید چندان ازاوضاع خویش مطمئن باشند ، بلکه شایسته اســــت در باره موضوع آن خوابی که دیده ای خیلی هم برخویش نگران باشند .

در پاراگراف 6 می فرماید : ای پیامبر ! مخالفانت فعلا تحت تاثیر شیطان هستند و قلمرو او نیز حوزه ذهنی آنهاست ، قلمرو توهم همان حوزه است ، لذا پایداری کن تا کم کم بقدر ممکن او را عقب برانی .

و نیز می فرماید : ای کافران ! صاحب این نعمت ها را به یاد بیاورید و رسولـــش را تکذیب نکنید بلکه به او بگروید تا به نعمت های بزرگ تر اخروی هم برسید و اینکه شما را برای بزرگی و بزرگواری آفریده ایم ، قدرخود بدانید و رفتاری کنیدکه درخور آن باشد و ای کافران ! اگر قدرنعمت ها را (که درپاراگراف های قبــل ذکرشد) نشناختید معلوم میشود چشم حقیقت بین شما کوراست ، لذا درجهان بعدی وضع بدتری خواهید داشت .

در این پاراگراف می فرماید : ای پیامبر ! لازم نیست به جهت پیشبرد رسالتت کوچک ترین امتیازی به مخالفانت بدهی . وظیفه توفقط رساندن پیام است ، نگران نتیجه بخشیِ آن مباش ، و بدان که قسمت­هایی از قرآن در عین حال دارای دو اثر متضاد است ، ضمنا برای اینکه قوام شخصیتیِ حداکثری راکه برای این موضوع لازم است ، پیداکنی ، این عبادات راپیشه کن .

**3 - سوالات**

1 – با توجه به آیه های74 و 76 ، «چه حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها » میتوان زد؟

2 – اگر بخواهیم مطلبی تحت عنوان «فعل خداوند قانونمند است» بنویسیم ذیل کدام آیه مناسب است ؟

3– آیه های 74 و 75 از لحاظ کلید های تفسیر چه وضعی دارند؟

4– در ابتدای آیه 77 موضوع کدام کلید تفسیر اتفاق افتاده؟

5– چرا خداوند با پیامبر خیلی سختگیری می فرموده؟

6- حالت کلی این پاراگراف چگونه است ؟ (هشدار و ارشاد به پیامبر ؟ یا...؟)

7– چه «دریافت های مستقیم»ی از این پاراگراف میتوان نمود؟

8 - مثالی ازخاصیت دوسویه درجهان مادی بزنید .

9- باتوجه به مثالی که زده اید خاصیت مذکور راتعلیل کنید .

10- باتوجه به کلمه اول آیه 82 ، چرا ازحالت«مضارع»استفاده فرموده؟

11 – مرحوم علامه «مِن» را بیانیه گرفته که به وضوح خطا ست ، وجهِ خطائیِ آن را بیان کنید .

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

از آیه های 73 تا 76 فهمیده میشود آنحضرت برای پیشبرد موضوع رسالتش ظاهرا می باید سعیی کرده باشد که یک مذاکره نزدیکی با سران فعالان کفر نموده باشد که در جریان آن نزدیک بود آنحضرت قولی به آنان بدهد که نمیتوانست مقبول باشد که آنحضرت متوجه موقعیت خطیر شده و مستنکف شد و آنها هم بکلی از او مایوس شدند و روی اخراج آنحضرت فکر و تمرکز کردند اما در نهایت منصرف شدند.

از آیات 77 تا 81 رژیم عبادتی خاصی به آنحضرت توصیه میشود که اگر در مفاد آن دقت شود ملاحظه خواهد شد که که با موضوع فوق بیربط نیست.

**5 – زاویه با تفاسیر رایج**

(المیزان) : " وَ نُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ ما هُوَ شِفاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ لا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَساراً". كلمه" من" در" من القرآن" بيانيه است كه موصول" ما" در" ما هُوَ شِفاءٌ" را معنا مى‏كند و معنايش اين است كه ما نازل مى‏كنيم آنچه را كه شفا و رحمت است، و آن قرآن است.

اگر تعبیر فوق صحیح باشد می باید کل قرآن این خاصیت دوگانه را داشته باشد ، در حالیکه چنین نیست ، و قرآن متن داستانی و متن حقوقی هم دارد که خالی از این نوع تاثیر دوگانه میباشند ، و اگر اینطور بود که المیزان فرموده ، چرا خداوند کفار را به تدبر در قرآن دعوت کرده؟ و اگر تمام قرآن دارای تاثیر دوگانه بود خداوند در حقیقت در این دعوت خویش (هزار بار معاذالله) خواسته آنان را گول بزند؟

بله «مِن» در اینجا یعنی «قسمتی از» (یعنی قسمتهایی از قرآن چنان خاصیت دوگانه ای دارند ، نه همه قرآن)

**6 - کلید های تفسیری**

**اصلی-فرعی:**

آیه 77 فرع بر آیه 76 است .

آیه های 74 و 75 فرع بر آیه 73 می باشند .

در ابتدای آیه 77 «واگذاری به مخاطب» وقوع یافته .

**ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:**

**1**

**وإِن كَادُواْ لَيَفْتِنُونَكَ عَنِ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ لِتفْتَرِيَ عَلَيْنَا غَيْرَهُ وَإِذًا لاَّتَّخَذُوكَ خَلِيلاً ﴿73﴾ وَلَوْلاَ أَن ثَبَّتْنَاكَ لَقَدْ كِدتَّ تَرْكَنُ إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيلاً ﴿74﴾ إِذاً لَّأَذَقْنَاكَ ضِعْفَ الْحَيَاةِ وَضِعْفَ الْمَمَاتِ ثُمَّ لاَ تَجِدُ لَكَ عَلَيْنَا نَصِيرًا ﴿75﴾ وَإِن كَادُواْ لَيَسْتَفِزُّونَكَ مِنَ الأَرْضِ لِيُخْرِجوكَ مِنْهَا وَإِذًا لاَّ يَلْبَثُونَ خِلافَكَ إِلاَّ قَلِيلاً ﴿76﴾ سُنَّةَ مَن قَدْ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِن رُّسُلِنَا وَلاَ تَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحْوِيلاً ﴿77﴾**

**درس: کمک همه جانبه الهي به پيامبر براي پيگيري رسالتش که ساخته شدن انسان باشد.**

**درب : ارائه خطرات راه رسالت به پيامبر(ص)**

**2**

**أَقِمِ الصَّلاَةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا ﴿78﴾ وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَى أَن يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا ﴿79﴾ وَقُل رَّبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَل لِّي مِن لَّدُنكَ سُلْطَانًا نَّصِيرًا ﴿80﴾ وَقُلْ جَاء الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا ﴿81﴾**

**درس: کمک همه جانبه الهي به پيامبر براي پيگيري رسالتش که ساخته شدن انسان باشد.**

**درب : ارائه توصيه هاي عبادي و رفتاري به آنحضرت براي احتراز از افتادن در چاه کیدِ فعالان کفر نیز از جمله کمک های الاهی است .**

**3**

**وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاء وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلاَ يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إَلاَّ خَسَارًا ﴿82﴾**

**درس: کمک همه جانبه الهي به پيامبر براي پيگيري رسالتش که ساخته شدن انسان باشد.**

**درب : يکي از بزرگترين کمک هاي الهي به پيامبر(ص) همين قرآن است.**

**7 - آیات برجسته این پاراگراف**

قسمتِ انتهائیِ آیه 77 (و لا تجد لسنتنا تحویلا) ، و نیز آیات دیگر در سوره های دیگر که با آن هم-معنی است، بسیار مورد استفاده وعاظ و فیلسوفان و متکلمان قرار گرفته، و آیه مذکور به این علت جزء آیات برجسته قرآنی میباشد.

همچنین است آیه 79 که بسیار در منابر و کتب اخلاقی و موعظه ای ذکر و شرح میشود.

همچنین است آیه 81 که در رابطه با امام زمان علیه السلام در رابطه با آخرالزمان و ظهور حضرتشان در منابر و نیز در کتب و مقالات مربوط به منجی این آیه ذکر و شرح میشود.

همچنین است آیه 82 که نقش و تاثیری دوگانه برای قرآن معرفی میکند و مورد استقبال وسیع هنرمندان، اعم از خوشنویسان و کاشیکارها و معرق سازان واقع و کارهای هنری مربوطه در تقریبا همه جا به چشم میخورد.

**8 - آیات مشکل**

آیه 78 از نوع آیات مشکل است، و نوع مشکل بودنِ آن از این قرار است که آیات دیگر با اندک تعمقی که در هر حال در «متن» صورت میگیرد مفهوم میگردد ولی :

1 - این آیه به اتفاق مفسران، اعم از شیعه و سنی به وسیله روایت تفسیر میشود، روایاتی که طی آنها «قرآن الفجر» به نماز صبح معنی میشود و «مشهود» به دیده شدن توسط ملائکه،

2 - و نیز مشکل بودن آن از این قرار است که آیات قبلی و بعدی آن به سهولت و اندک شرحی مفهوم است، اما این آیه چنان نیست،

3 - و نیز اینکه «فضای سخن» در آیات قبل و بعدِ این آیه «زمین» است ولی فضای سخن در آیه مذمور در آسمان است.

البته آیه مذکور علیرغم اینکه برای عمده مفسران مشکل است، برای ما که از ترتیب نزول و درس و درب برای فهم آیات استفاده میکنیم مشکل نیست و چنانکه ذیلا می بینید بطوری رُند و ردیف توضیحش داده ایم.

**9 - پیشگوئی های تحقق یافته**

1 - در آیات 73 تا 77 و نهی شدید از هرگونه مداهنه و مماشات با فعالان مخالفان این وعده را تلویحا داده که دستِ بالاتر از آنِ تو است .

2 - در آیات 78 تا 81 نسخه یک رژیم عبادتیِ سنگینی برای آنحضرت پیچیده که معنی آن این است که برای موفقیت (که تلویحا حاوی وعده و پیشگوئی است) باید این کارها را کنی .

3 - در آیه 82 بازهم کلمه قرآن را بکار برده است (که شرحش را قبلا داده ایم)

**10 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

1 - ای پیامبر ! لازم نیست به جهت پیشبرد رسالتت کوچک ترین امتیازی به مخالفانت بدهی . وظیفه توفقط رساندن پیام است ، نگران نتیجه بخشیِ آن مباش ، 2 – ای پیامبر! بدان که قسمت­هایی از قرآن در عین حال دارای دو اثر متضاد است ، 3 – ای پیامبر! برای اینکه قوام شخصیتیِ حداکثری راکه برای این موضوع لازم است، پیداکنی، این عبادات را پیشه کن .

**11 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تقریبا تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

**شرح مختصر**

**لیستفزونک (آیه 76)**

«ال» در کلمه «الارض» الف لام عهد است، زیرا نمیتواند الف لام جنس باشد (لذا معنای آن «آن سرزمین» میشود) و چون این سوره مال تقریبا سال ششم بعثت است و هنوز سال های زیادی تا هجرت مانده، به غیر از محل ماموریت ابتدائیِ آنحضرت یعنی مکه نمیخورد.

فرض کنیم معنای یستفزونک را نمیدانیم، از روال سخن فهمیده میشود که یستفزونک می باید مجموعه کارهایی باشد که نتیجه اش این باشد که آنحضرت اخراج شود (لیخرجوک منها) یعنی یک کارهایی کنند که آنحضرت خودش بگذارد و از مکه برود.

تاکنون در سوره های قبلی دیده ایم که به آنحضرت مجنون و شاعر و مفتری و چه و چه میگفتند، لذا، یک محور از فعالیت های فعالان کفر این بوده که «اسم بد» روی آنحضرت بگذارند، و محور دیگر فعالیت شان نیز (چنانکه از آیات سوره های آینده خواهیم دید) این بوده که روی آنحضرت و پیروانش فشار و تضییقات بگذارند تا آنان عطای آن سرزمین را به لقایش ببخشند و آنجا را ترک کنند.

لذا معنای یستفزونک این میشود : وادارت کنند داوطلب ترک مکه شوی.

**مشهود و قرآن الفجر (آیه 78)**

چنانکه فوقا ذیل تیتر «آیات مشکل» اشاره کرده ایم، آیه 78 که در روال سخنِ سوره غیر عادی و نا همگن به نظر می آید، به نظر این تفسیر عادی و همگن است، به شرحی که در زیر می بینید:

اهل لغت «دلوک» را تیرگی خورشید نزدیک به غروب آن، و «غسق» را سیاهی شب پس از پایان روشنی افق معنا کرده اند. لذا لدلوک الشمس الی غسق اللیل چیزی حدود نیمساعت است که ظرف زمانیِ نمازی است که آنحضرت مامور به اقامه آن برای تقویت روحی خویش شده بود تا بتواند در مقابل امواج سهمگین توطئه های فعالان کفر تاب بیاورد و ماموریت خویش را بطرزی شایسته به انجام برساند.

چنانکه عرض کردیم از دلوک الشمس تا غسق اللیل چیزی حدود نیمساعت است.

به قرینه، قرآن الفجر هم باید چنین چیزی باشد، یعنی باید ظرف زمانی باشد که در آن نیز عبادتی انجام شود.

در سوره های قبلی (البته به ترتیب نزول) نیز تاییدی بر این می بینیم:

مثلا در سوره طور داریم : ومن اللیل و اِدبار النجوم (به عبادت بپرداز) که این ادبار النجوم می باید همان نقشی را داشته باشد که قرآن الفجر در اینجا دارد، و واضح است که ادبار النجوم در سوره طور ظرف زمان است،

همچنین در سوره دهر بازهم همین دو ظرف زمانی عبادت را برای انجام دو وعدهء عبادی می بینیم : بُکره و اصیلا .

یعنی قرآن الفجر تاکیدش به «مشخصات» فجر است از لحاظی که قید زمان است، شبیه به آنچه که بعدها – تقریبا 8 سال بعد - در سوره بقره ، همین ذکر مشخصات فجر، از آن لحاظی که در آنجا و در تعیین مرز زمانیِ جوازِ خوردن و نوشیدن در ماه رمضان مورد نظر بوده، آن را اینطور مشخص نموده که « . . . حتی یتبین لکم الخیط الابیض من الخیط الاسود من الفجر . . » یعنی در بقره آن مشخصه از فجر که کمک میکند حد انتهائیِ جواز اکل و شُرب شناخته شود، در این آیه هم کلمه «قرآن» مشخصه دیگری را بیان میکند که طی آن، مدتی که این حالت در پدیده فجر برقرار است، شناخته شود.

یعنی به آنحضرت در آن آیه تذکر داده میشود که عبادت خاص شامگاهی خویش را در نیساعتِ «لدلوک الشمس الی غسق اللیل» انجام بدهد و عبادت خاص صبحگاهیش را در «قرآن الفجر» انجام دهد.

البته با توجه به بحث فوق جمله «ان قرآن الفجر کان مشهودا» هم مفهوم میشود و معنی آن این خواهد بود که ظرف زمانیِ «قرآن الفجر» چیزی است که به عیان قابل تشخیص است.

میمانَد معنی عبارت «قرآن الفجر»

چنانکه دیدیم ، پدیده «فجر» مشخصه های مختلفی دارد، یکی از آنها تبیُن خیط الابیض من الخیط الاسود است، و دیگری «قرآن»یت آن.

این دیگر کار اهل لغت است که بیان کنند «قرآن»یت فجر کدامیک از حالات آن است که البته این فقره در تخصص این قلم نیست.

البته سوء تفاهم نشود

ممکن است روایاتی که میگویند قرآن الفجر یعنی نماز صبح ، ممکن است از لحاظ حدیث شناسی صحیح و مقبول هم باشند و مو هم لای درزشان نرود، اما، چه کسی میگوید، و اساسا چه کسی میتواند بگوید، که آن عبارت قرآنی تنها و تنها یک معنی دارد و آنهم همان است که در آن روایت آمده (مثل «بغیر عمد ترونها» که 1400 سال پیش یک طوری فهمیده میشد و امروز بطور بهتری فهمیده میشود)

**عتاب پیامبر(ص) و پیامبران**

برای فهم آیات 73 تا 75 باید به 10 آیه اول سوره عبس، آیه­های ابتدائی سوره قلم، آیات سوره کافرون، آیات 44 تا 47 سوره حاقه، و پاورقی­هایی که در قسمت­های «شرح مختصر» مربوط عرض شد، توجه نمود.

خلاصه مطلب اینکه کافران و مشرکان از پیامبر انتظار داشتند که از شدت مخالفت خویش با «خدایان» آنها کمی کم ، و بردگان آنها را که به اسلام گرویده بودند، از خود دور کند تا آنها سرشکستگیی از پذیرفتن آئین جدید نداشته باشند.

توجه کنید که هر کسِ دیگری که در معرض این پیشنهادها قرار می­گرفت وسوسه به قبول آن می­شد اما پیامبر(ص) با توجه به آیات برشمرده فوق، مطابق آیه 74 این پاراگراف، «تثبیت» شده بود و نمی­توانست چنین پیشنهادهایی را بپذیرد .

**خلوص نیّت ، از ابتدا تا انتها**

آیه 80 به این معنی است که خدایا وقتی کاری را شروع می­کنم کمک کن نیتم برایت خالص باشد و در طول مدتی هم که به آن کار مشغولم نیتم ثابت مانده باشد بطوریکه وقتی آن کار تمام می­شود نیتم با شائبه­هائی آلوده نشده و همچنان برای تو خالص مانده باشد.

**فعل خداوند قانونمند است**

با توجه به کلمه «ثبّتناک» باید یادآوری کنیم که استواری شخصیت آن حضرت ، و اعطاف ناپذیریش در مقابل وسوسه های موجود که از پاراگراف قابل استنباط است ، معلول یک عمر زندگی «محمد امین»ی آنحضرت بوده که این کمال روحی را برای او رقم زده ، و سازوکار «تثبیت» روحی آن حضرت از این مسیر گذشته است .

**آیه «فلسفه تاریخ»ی**

موضوعِ آیه 81 آیا خبر اتفاقی است که در گذشته افتاده؟

«درس» و «درب» این را تأیید نمی­کند.

آیا خبر وقوع یک اتفاق در آینده است؟ این می­تواند باشد زیرا قرآن بسیاری از اتفاقاتی را که در زمانهای بسیار بسیار طولانی در آینده اتفاق خواهد افتاد در حالت «زمان ماضی» بیان می­کند .

هرچه باشد مطلب این آیه، در زمان نزول آن وقوع نیافته بود و این طرز بیان مربوط به حتمی­الوقوع بودن آن است ولو اینکه در آینده باشد.

در هر حال، این یک نکته «فلسفه تاریخ»ی است. در این آیه می­فرماید تاریخ بشریت به نیکی ختم می­شود و نتیجه آن «خوش­بینی تاریخی» است.

چه هنگامی این آیه بطور کامل محقق خواهد شد؟

اگر فکر خود را کمی آزاد بگذاریم این آیه ما را به امام زمان(ع) می­رساند.

**جمع بندی و تفسیر**

**و نزديک بود از آنچه به تو وحي کرديم فريبت دهند تا چيز ديگري را بما نسبت دهي و در آنصورت با تو دوست ميشدند (73)** {و اگر تو را تثبيت نکرده بوديم نزديک بود کمي بسويشان متمايل شوي (74) در آنصورت به تو (عذابِ) دو برابرِ حيات و دو برابرِ ممات را مي چشانديم . سپس در مقابل ما ياوري نمي­ يافتي}(75) **و نزديک بود تو را از آن سرزمين برانند يا از آن بيرونت کنند، و در اينصورت پس از تو جز اندکي در آن نمي ماندند (76)** [چنین است روش ما و] **سنت خويش را در مورد ساير پيامبران قبل از تو نیز همين قرار داديم و در سنت ما تغييري نخواهي يافت (77) نماز را از زوال آفتاب** (در نيمروز) **تا تاريکي شب بپا دار و نيز** (نماز) **خواندني صبح را** {که خواندني صبح مشهود است}(78) **و** (مقداري) **از شب را به خواندن نافله براي خويش بيدار باش چه بسا که پروردگارت برايت مقامي پسنديده برگزيند (79) و بگو پروردگارا مرا با داخل شدني درست** (به هر كار) **داخلم کن و با خارج شدني درست خارجم کن و برايم از جانب خويش دليلي عطا کن که ياريم کند (80) و بگو حق آمد و باطل از ميان رفت که باطل خودش نابود شدني است(81)** **و از قرآن چيزي نازل مي کنيم که براي مومنان شفاء و رحمت است و براي ظالمان چيزي جز خسارت زياد نمي کند (82)**

**اسراء8 آیات83تا100**

**وَإِذَآ أَنْعَمْنَا عَلَى الإِنسَانِ أَعْرَضَ وَنَأَى بِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ كَانَ يَؤُوسًا ﴿83﴾ قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى سَبِيلاً ﴿84﴾ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُم مِّن الْعِلْمِ إِلاَّ قَلِيلاً ﴿85﴾ وَلَئِن شِئْنَا لَنَذْهَبَنَّ بِالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ ثُمَّ لاَ تَجِدُ لَكَ بِهِ عَلَيْنَا وَكِيلاً ﴿86﴾ إِلاَّ رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ إِنَّ فَضْلَهُ كَانَ عَلَيْكَ كَبِيرًا ﴿87﴾ قُل لَّئِنِ اجْتَمَعَتِ الإِنسُ وَالْجِنُّ عَلَى أَن يَأْتُواْ بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لاَ يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا ﴿88﴾ وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِن كُلِّ مَثَلٍ فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلاَّ كُفُورًا ﴿89﴾ وَقَالُواْ لَن نُّؤْمِنَ لَكَ حَتَّى تَفْجُرَ لَنَا مِنَ الأَرْضِ يَنبُوعًا ﴿90﴾ أَوْ تَكُونَ لَكَ جَنَّةٌ مِّن نَّخِيلٍ وَعِنَبٍ فَتُفَجِّرَ الأَنْهَارَ خِلالَهَا تَفْجِيرًا ﴿91﴾ أَوْ تُسْقِطَ السَّمَاء كَمَا زَعَمْتَ عَلَيْنَا كِسَفًا أَوْ تَأْتِيَ بِاللّهِ وَالْمَلآئِكَةِ قَبِيلاً ﴿92﴾ أَوْ يَكُونَ لَكَ بَيْتٌ مِّن زُخْرُفٍ أَوْ تَرْقَى فِي السَّمَاء وَلَن نُّؤْمِنَ لِرُقِيِّكَ حَتَّى تُنَزِّلَ عَلَيْنَا كِتَابًا نَّقْرَؤُهُ قُلْ سُبْحَانَ رَبِّي هَلْ كُنتُ إَلاَّ بَشَرًا رَّسُولاً ﴿93﴾ وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَن يُؤْمِنُواْ إِذْ جَاءهُمُ الْهُدَى إِلاَّ أَن قَالُواْ أَبَعَثَ اللّهُ بَشَرًا رَّسُولاً ﴿94﴾ قُل لَّوْ كَانَ فِي الأَرْضِ مَلآئِكَةٌ يَمْشُونَ مُطْمَئِنِّينَ لَنَزَّلْنَا عَلَيْهِم مِّنَ السَّمَاء مَلَكًا رَّسُولاً ﴿95﴾ قُلْ كَفَى بِاللّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا ﴿96﴾ وَمَن يَهْدِ اللّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَن يُضْلِلْ فَلَن تَجِدَ لَهُمْ أَوْلِيَاء مِن دُونِهِ وَنَحْشُرُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى وُجُوهِهِمْ عُمْيًا وَبُكْمًا وَصُمًّا مَّأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ كُلَّمَا خَبَتْ زِدْنَاهُمْ سَعِيرًا ﴿97﴾ ذَلِكَ جَزَآؤُهُم بِأَنَّهُمْ كَفَرُواْ بِآيَاتِنَا وَقَالُواْ أَئِذَا كُنَّا عِظَامًا وَرُفَاتًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا ﴿98﴾ أَوَلَمْ يَرَوْاْ أَنَّ اللّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضَ قَادِرٌ عَلَى أَن يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ وَجَعَلَ لَهُمْ أَجَلاً لاَّ رَيْبَ فِيهِ فَأَبَى الظَّالِمُونَ إَلاَّ كُفُورًا ﴿99﴾ قُل لَّوْ أَنتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَآئِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذًا لَّأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الإِنفَاقِ وَكَانَ الإنسَانُ قَتُورًا ﴿100﴾**

**و هنگاميکه به انسان نعمتي ميدهيم روي برميگرداند و دوري ميجويد و هنگاميکه چیزی به او میرسد که شر میپنداردش نوميد ميگردد (83) ای پیامبر! بگو همگي بر اساس طبع خود عمل مي کنند و پروردگارتان بهتر ميداند چه کسي هدايت يافته تر است (84) و از تو درباره روح ميپرسند ، بگو روح از امر پروردگارمن است و به شما جز اندکي از آن علم داده نشده است (85) و اگر ميخواستيم حتمأ آنچه را که بسويت وحي نموده ايم از بین ميبرديم ، آنگاه براي خويش عليه ما وکيلي نمي يافتي (86) مگر رحمتي از پروردگارت ، که فضل او بر تو بزرگ است (87) بگو اگر جن و انس مجتمع شوند که مانند اين قرآن را بياورند نخواهند آورد حتي اگر بعضي شان بعضي ديگر را ياري کنند (88) و البته در اين قرآن براي مردم از هر مثلي گردانديم اما اکثر مردم از روي ناسپاسي رو گردانند (89) و ميگويند به تو ايمان نخواهيم آورد مگر اينکه از زمين براي ما چشمه اي بشکافي (90) يا اينکه باغي از انگورها و خرماها داشته باشي و بين آنها بخوبي نهرهائي روان کني (91) يا اينکه آسمان را آنطور که فکر ميکني بر سر ما بياندازي يا اينکه خدا و ملائکه را جلويمان بياوري (92) يا اينکه خانه اي جواهر نشان داشته باشي ، يا اينکه به آسمان بالا روي و بالا رفتنت را باور نخواهيم کرد مگر اينکه برايمان نامه اي پائين بياوري که آنرا بخوانيم ، بگو منزه است پروردگارم مگر من غير از بشري فرستاده هستم؟ (93) و چيزي مانع ايمان آوردن مردم نشد مگر اينکه ميگويند آيا خداوند بشري را به رسالت برانگيخته؟ (94) بگو اگر در زمين فرشتگاني بودند که با اطمينان در آن راه ميرفتند حتمأ از آسمان فرشته اي را به رسالت نازل ميکرديم (95) بگو خداوند براي گواهي بين من و شما كافيست زيرا که او به بندگانش آگاه و بينا است (96) و هر کس را که خداوند هدايت کند همو هدايت يافته است و کسي را که گمراه کند دوستاني غير از او برايشان نخواهي يافت ، و روز قيامت بر صورتهايشان محشورشان مي کنيم در حاليکه کور و کر و لالند . جايگاهشان جهنم است که هر گاه آتشش فروكش كند باز سوزان و فروزانش ميکنيم (97) اين جزايشان است زيرا به آياتمان کافر شدند و گفتند آيا وقتيکه استخوان شديم و پوسيديم آيا در آفرينشي جديد برانگيخته خواهيم شد؟ (98) آيا نمي بينند خداوندي که آسمانها و زمين را آفريده تواناست که مانند آنها را بيافريند؟ و برايشان سرآمدي قرار داده که شکي در آن نيست . اما ظالمان جز سرِ ناسپاسي ندارند (99) بگو اگر شما مالک گنجينه هاي رحمت پروردگارم بوديد از نگرانيِ تنگدستي تنگ چشمي ميكرديد و چیزی به کسی نمیدادید ، که انسان بسيار بخيل است (100)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: کمک همه جانبه الهي به پيامبر براي پيگيري رسالتش که ساخته شدن انسان باشد .**

**درب: ای پیامبر! قسمتی از مشکلات فکری کافران اینهاست. با آنان چنین بگو .**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 که ابتدای ورود به سوره است شرحی از نشان دادن بعضی ازآیات الهی درجهت آموزش و کمک و تقویت مواضع رسولانه به پیامبر – ص – میدهد .

در پاراگراف 2 می فرماید : یهودیان در خلاف جهت تعالیمشان درگیری­هائی داشته و دارند و خواهند داشت که بالاخره به شکست کامل و اضمحلالشان منجر خواهد شد .

در پاراگراف 3 می فرماید : ای پیامبر ! همه جور به تو کمک کرده ایم ، این قرآنی که تو رابه آن مجهزکرده ایم یکی ازمصادیق بارز کمکهای ما است ولی به خاطرداشته باش که این قرآن شرط لازم هدایت است نه شرط کافی . و ای کافران! چرا نگاه خود را به زندگی خراب می کنید و بجای اینکه به راه این رسول واین قرآن بیائید ، چیزی را طلب میکنید که به ضررتان است؟ و ای پیامبر ! قوانین ماراجع به هلاکت جوامع وچگونگی بدست آوردن خواسته های دنیوی واخروی اینهاست .

در پاراگراف 4 تذکرات همه جانبه­ای به پیامبر (ص) و مسلمانان میدهد و می فرماید برای اینکه بتوانیدحضورموثری درجهت ارتقای خویش وسایرین داشته باشید لازم است این صفات را احرازکنید .

درپاراگراف 5 می فرماید : نظام فکری شرک نامعقول است و ای کافران ! ازاین لجبازی هادست بکشید و به ایمان به خداوند یگانه که معقول ومنطقی است بگرائید.

در این پاراگراف می فرماید : ای پیامبر! به آنها اهمیتی نده ، اشکال از خودشان است و اینطورنیست که تو یا این قرآن ، «هرکسی» را بتوانید هدایت کنید و موضوع قیامت هرچه باشد موضوع سنگینی است وتونباید انتظارداشته باشی فورا آن راجذب کنند . باید حوصله کنی ، بایدگفتگوکنی ، و به پیروانت بگو به مسلمانی خویش مغرورنشوند ، وبه مشرکان هم بگو «خدایان» تان نمیتوانندمشکلی را از شما حل کنند . و بر مدت عمر جوامع بشری و ارائه معجزات الهی، قوانینی حاکم است و از رفتاراین کافران ناراحت نباش . به عکس تصوراتشان ، نه تنها نباید چندان ازاوضاع خویش مطمئن باشند ، بلکه شایسته اســــت در باره موضوع آن خوابی که دیده ای خیلی هم برخویش نگران باشند .

در پاراگراف 6 می فرماید : ای پیامبر ! مخالفانت فعلا تحت تاثیر شیطان هستند و قلمرو او نیز حوزه ذهنی آنهاست ، قلمرو توهم همان حوزه است ، لذا پایداری کن تا کم کم بقدر ممکن او را عقب برانی .

و نیز می فرماید : ای کافران ! صاحب این نعمت ها را به یاد بیاورید و رسولـــش را تکذیب نکنید بلکه به او بگروید تا به نعمت های بزرگ تر اخروی هم برسید و اینکه شما را برای بزرگی و بزرگواری آفریده ایم ، قدرخود بدانید و رفتاری کنیدکه درخور آن باشد و ای کافران ! اگر قدرنعمت ها را (که درپاراگراف های قبــل ذکرشد) نشناختید معلوم میشود چشم حقیقت بین شما کوراست ، لذا درجهان بعدی وضع بدتری خواهید داشت .

درپاراگراف 7 می فرماید : ای پیامبر ! لازم نیست به جهت پیشبرد رسالتت کوچک ترین امتیازی به مخالفانت بدهی . وظیفه توفقط رساندن پیام است ، نگران نتیجه بخشیِ آن مباش ، و بدان که قسمت­هایی از قرآن در عین حال دارای دو اثر متضاد است ، ضمنا برای اینکه قوام شخصیتیِ حداکثری راکه برای این موضوع لازم است ، پیداکنی ، این عبادات راپیشه کن .

در این پاراگراف می فرماید : ای پیامبر جواب کافران و سایرمخاطب ها که شبهه ها وسوالاتی مطرح میکنند این است .

**3 - سوالات**

3 – قل (در آیه 84) از چه نوع است؟ به خویش بگو یا به دیگران بگو؟

1 - اگرمیخواستیم ازتیتر«خواست خداوند قانونمنداست» استفاده کنیم ، می باید زیر کدام کلمات راخط بکشیم؟

3 – با توجه به آیه 97 ، چه حالتی در عذاب آنها مورد تاکید قرار گرفته؟ (تحقیر؟ یا...؟)

4– با توجه به جواب سوال فوق ، آنها در قبال پیامبر(ص) چه نوع رفتاری داشتند؟ (متکبرانه؟ یا...؟)

5– از این پاراگراف چه «حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها» میتوان زد؟

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

از آیه 83 میتوان حدس زد که آنحضرت خیلی ناراحت میشد و خیلی حرص و جوش میخورد که چرا این مردم اینقدر کند و دیر تاثیر و صلب هستند و چرا دوان دوان به سوی حق نمی شتابند و . .

در آیه 84 به آنحضرت توصیه میکند چه به خویش تلقین و چه به پیروانش توضیح دهد که راجع به این حالت کفار خیلی حساس نباشند زیرا شاکله آنها با نان بت پرستی شکل گرفته و تغییر رفتار از سوی آنها موکول به تغییر شاکله آنها است که ماهیتش کند و زمان بر است . و آیه 84 همخط آیه سوره نجم است که میگوید «لا تزکوا انفسکم هو اعلم بمن اتقی» و با توجه به آیه اخیر آیه 84 این تذکر راهم میتواند برای مومنان داشته باشد که حالا شما هم خیلی به ایمان تان غره نشوید ، شاید این ایمان شما مربوط به خودتان نباشد بلکه مربوط به شاکله تان باشد .

راجع به سایر فقرات پاراگراف هم اخیرا در سوره های قبلی بحثی عرض کرده ایم.

**5 – کلیدهای تفسیری**

**اصلی-فرعی:**

آیه­های 86 و 87 بدون این که فرع برآیه­ای باشند پرانتزی هستند و دلیلش هم این که اگر چشم خویش را بر آنها ببندیم خواهیم دید روال سخن صاف و یکدست خواهد شد . همچنین است وضع آیه 89 ، و آیه 94 نیز با توجه به محتوای مطلب فرع بر مجموع آیات 90 تا 93 است .

یعنی آیه های اصلی ، 83 تا 85 و 88 و 90 تا 93 و 95 و 96 است .

دو آیه 98 و 99 فرع بر آیه 97 می­باشند .

**ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:**

**1**

**وَإِذَآ أَنْعَمْنَا عَلَى الإِنسَانِ أَعْرَضَ وَنَأَى بِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ كَانَ يَؤُوسًا ﴿83﴾ قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى سَبِيلاً ﴿84﴾**

**درس: کمک همه جانبه الهي به پيامبر براي پيگيري رسالتش که ساخته شدن انسان باشد .**

**درب: ای پیامبر! قسمتی از مشکلات فکری کافران اینهاست. با آنان چنین بگو .**

**2**

**وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُم مِّن الْعِلْمِ إِلاَّ قَلِيلاً ﴿85﴾**

**درس: کمک همه جانبه الهي به پيامبر براي پيگيري رسالتش که ساخته شدن انسان باشد .**

**درب: ای پیامبر! توجه شان را عظمت امر روح جلب کن.**

**3**

**وَلَئِن شِئْنَا لَنَذْهَبَنَّ بِالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ ثُمَّ لاَ تَجِدُ لَكَ بِهِ عَلَيْنَا وَكِيلاً ﴿86﴾ إِلاَّ رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ إِنَّ فَضْلَهُ كَانَ عَلَيْكَ كَبِيرًا ﴿87﴾ قُل لَّئِنِ اجْتَمَعَتِ الإِنسُ وَالْجِنُّ عَلَى أَن يَأْتُواْ بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لاَ يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا ﴿88﴾ وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِن كُلِّ مَثَلٍ فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلاَّ كُفُورًا ﴿89﴾**

**درس: کمک همه جانبه الهي به پيامبر براي پيگيري رسالتش که ساخته شدن انسان باشد .**

**درب: ای پیامبر! قسمتی از مشکلات فکری کافران اینهاست. با آنان چنین بگو .**

**4**

**وَقَالُواْ لَن نُّؤْمِنَ لَكَ حَتَّى تَفْجُرَ لَنَا مِنَ الأَرْضِ يَنبُوعًا ﴿90﴾ أَوْ تَكُونَ لَكَ جَنَّةٌ مِّن نَّخِيلٍ وَعِنَبٍ فَتُفَجِّرَ الأَنْهَارَ خِلالَهَا تَفْجِيرًا ﴿91﴾ أَوْ تُسْقِطَ السَّمَاء كَمَا زَعَمْتَ عَلَيْنَا كِسَفًا أَوْ تَأْتِيَ بِاللّهِ وَالْمَلآئِكَةِ قَبِيلاً ﴿92﴾ أَوْ يَكُونَ لَكَ بَيْتٌ مِّن زُخْرُفٍ أَوْ تَرْقَى فِي السَّمَاء وَلَن نُّؤْمِنَ لِرُقِيِّكَ حَتَّى تُنَزِّلَ عَلَيْنَا كِتَابًا نَّقْرَؤُهُ قُلْ سُبْحَانَ رَبِّي هَلْ كُنتُ إَلاَّ بَشَرًا رَّسُولاً ﴿93﴾ وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَن يُؤْمِنُواْ إِذْ جَاءهُمُ الْهُدَى إِلاَّ أَن قَالُواْ أَبَعَثَ اللّهُ بَشَرًا رَّسُولاً ﴿94﴾ قُل لَّوْ كَانَ فِي الأَرْضِ مَلآئِكَةٌ يَمْشُونَ مُطْمَئِنِّينَ لَنَزَّلْنَا عَلَيْهِم مِّنَ السَّمَاء مَلَكًا رَّسُولاً ﴿95﴾ قُلْ كَفَى بِاللّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا ﴿96﴾**

**درس: کمک همه جانبه الهي به پيامبر براي پيگيري رسالتش که ساخته شدن انسان باشد .**

**درب: ای پیامبر! قسمتی از مشکلات فکری کافران اینهاست. با آنان چنین بگو .**

**5**

**وَمَن يَهْدِ اللّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَن يُضْلِلْ فَلَن تَجِدَ لَهُمْ أَوْلِيَاء مِن دُونِهِ وَنَحْشُرُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى وُجُوهِهِمْ عُمْيًا وَبُكْمًا وَصُمًّا مَّأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ كُلَّمَا خَبَتْ زِدْنَاهُمْ سَعِيرًا ﴿97﴾ ذَلِكَ جَزَآؤُهُم بِأَنَّهُمْ كَفَرُواْ بِآيَاتِنَا وَقَالُواْ أَئِذَا كُنَّا عِظَامًا وَرُفَاتًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا ﴿98﴾أَوَلَمْ يَرَوْاْ أَنَّ اللّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضَ قَادِرٌ عَلَى أَن يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ وَجَعَلَ لَهُمْ أَجَلاً لاَّ رَيْبَ فِيهِ فَأَبَى الظَّالِمُونَ إَلاَّ كُفُورًا ﴿99﴾ قُل لَّوْ أَنتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَآئِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذًا لَّأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الإِنفَاقِ وَكَانَ الإنسَانُ قَتُورًا ﴿100﴾**

**درس: کمک همه جانبه الهي به پيامبر براي پيگيري رسالتش که ساخته شدن انسان باشد .**

**درب: ای پیامبر! قسمتی از مشکلات فکری کافران اینهاست. با آنان چنین بگو .**

**6 - آیات برجسته این پاراگراف**

آیه 85 از آیات برجسته مهم قرآنی است و در کتاب های علوم قرآن و در بحث های مربوط به وحی مورد استناد و استشهاد قرار میگیرد.

همچنین است آیه 89 .

**7 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

موضوع آیه 85 ، فوق ذهنیات بشر قرن بیست و یکم هم هست، چه رسد به مخاطب اولیه!

**8 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

ارائه طریق به پیامبر (ص) راجع به گفتگوئی که با کافران کند .

**9 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

غیر از آیه های 83 و 86 و 87 و 96 و 99 ، بقیه آیات «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**امروز هم همان سؤالات مطرح است**

در این پاراگراف سؤالاتی مطرح شده است که ما برای حصول نظم و شفافیت بیشتر، آنها را بصورت ذیل مرتب کرده­ایم :

1 - علت پیدایش شرور چیست؟ (آیه 83)

2 – روح چیست؟ (آیه 85)

3 - (ای پیامبر که ادعای ارتباط با عالم بالا را داری) چرا نمی­توای چیزهائی را که از تو می­خواهیم فراهم کنی؟ (آیات 90 تا 93)

4 – (ای پیامبر) این قرآن را از خودت در آورده ای (آیه 88)

5 - شرط ایمان آوردن ما این است که این کارها را انجام دهی : (جاری کردن چشمه و درست کردن باغ و شکافتن آسمان و داشتن خانه جواهرنشان و بالا رفتن به آسمان و آوردن مدرک از آنجا و ...) (آیات 90 تا 93)

6 - چگونه ممکن است به انسان وحی شود؟ (آیه 94)

7 - گواهی حجیت کلام پیامبر چیست؟ (آیه 96)

8 - چگونه ممکن است پس از مردن و از بین رفتن دوباره زنده شویم؟ (آیه 98)

9 - (ای پیامبر) چرا ما که کافریم ثروتمندتر از شما هستیم؟ (آیه 100)

انصافاً با توجه به لیست فوق، اگر ردیف 5 را (که جنبه استدلالی ندارد و نوعی لجبازی است) حذف کنیم، بقیه سئوالات و ایراداتی که می­ماند، همین امروز هم بین بسیاری از مردم (حتی مسلمانان) مطرح است و اینطور نیست که فقط به کافران پانزده قرن پیش مربوط بوده باشد.

این سئوالات، (البته غیر از 4 و 8) امروز هم که تقریباً پانزده قرن از نزول این آیات می­گذرد، حتی در بین بسیاری از مسلمانان نیز مطرح است.

این سئوالات جزء اساسی­ترین سئوالات دینی است.

البته بسیاری از سئوالات لیست فوق در سوره­های قبلی پاسخ داده شده و بعضی نیز در همینجا جواب خود را یافته است و ما سعی می­کنیم مطابق با همان جدول سئوالات مذکور را جواب (قرآنی) دهیم:

**علت پیدایش شرور:**

در آیه 84 می­فرماید «همگی براساس طبیعت خود عمل می­کنند» و با توجه به آن ، معلوم می­شود که «شر» ، چیزیست که «بنظر می­آید» شر است.

یعنی شر یک امر نسبی است ، و چیزی از یک لحاظ شر است و از چندین لحاظ خیر است و مجموعاً در کل چرخه حیات جهانی، جایگاه خود را دارد و نقش خویش را ایفا می­کند و حرکت کلی جهانی چیزها و جان­ها، یک حرکت هماهنگ متوازن هارمونی و بطرف تکامل و خلاصه «بسوی خدا»، یعنی «بسوی خیر مطلق» است.

**روح چیست؟**

در آیه 85 «روح» را به «امر» ارجاع داده و «امر» نیز در بند انتهائی سوره یس تعریف شده است که «امر ما وقتیکه اراده چیزی کند به او می­گوید «باش» و او «می­شود» اما در ابتدای سوره دهر (سوره انسان) دیدیم که فاصله زمانی بین فرمان «باش» تا «شدنِ» چیزی ممکن است میلیون­ها سال طول بکشد چنانکه در مورد انسان نیز اینطور بود.

بنابراین، «روح»، موجود پیچیده­ایست که پیدایش آن، مانند پیدایش انسان ممکن است میلیونها سال طول بکشد.

در سوره قدر نیز دیدیم که «ملائکه» و «روح» را جداگانه ذکر نموده است .

در سوره شعراء که می­فرماید:«روح­الامین» با آن بر قلب تو نازل شد. «تا از هشداردهندگان باشی»

از اینجا معلوم می­شود فرشته وحی که در سوره­های تکویر و نجم تا حدودی با او آشنا شدیم یکی از مصادیق اعلای روح است.

بنابراین پاسخ سئوال «روح چیست؟» این است:

«روح مخلوق بلند مرتبۀ پیچیده­ایست که آفرینش آن نیاز به مقدماتی دارد که چه بسا میلیونها و میلیاردها سال طول بکشد ، و یکی از انواع آنها جبرئیل است و یکی از انواع آنها آن است که در پیغمبران وجود دارد که بواسطه آن می­توانند وحی را از جبرئیل دریافت کنند.»

**جواب سئوال 3:**

سئوالی که در آیات 93-90 مطرح شده جوابش آسان است و آن اینکه درست است که پیامبر(ص) دارای «روح پیامبری» است اما این روح، هرچه باشد مخلوق خداوند است و لذا محدود به حدودی است که خداوند برایش مقرر کرده و لذا هیچ استقلالی در مقابل خداوند ندارد و طبعاً نمی­توند «هر چیزی را که بخواهد» فراهم کند. و ضمناً اساساً آن خواسته­هایی که در آن آیه مطرح شده در شرح وظایف پیامبر نیست.

**جواب سئوال 4:**

سئوالی که در آیه 88 مطرح شده، جوابش اولاً در همان آیه 88 آمده و ثانیاً این نوع استدلال در قرآن به لحن­های مختلف چندین بار تکرار شده و چون تاکنون خلاف آن ثابت نگشته همین کافیست که قبول کنیم بشر قادر به خلق چیزی مانند قرآن نیست. لذا نتیجه می­شود که قرآن، کاری است از کارهای خداوند و معجزه است.

جواب سوالی که در آیه 94 به آن اشاره شده، اولاً بحثی است که درباره روح نمودیم و پیامبران دارنده آن نوع روح هستند و همین سبب می­شود که امکان دریافت وحی را داشته باشند. و ثانیاً شرح نسبتاً مفصل آن را در سوره نجم عرض کرده­ایم.

جواب سئوالی که در آیه 96مطرح شده با جواب سئوال 4 و جواب سئوال 6 یکی است.

جامع­ترین جوابی که راجع به سئوال آیه 98 در قرآن آمده و چندین بار هم تکرار شده، همان جوابی است که در انتهای سوره قیامه داده شده که خلاصه آن دو نکته است:

1- قدرت خداوند که این نوع جواب بسیار در قرآن به عبارات و کلام­های مختلف تکرار شده است،

2- حکمت خداوند که بر طبق آن، اگر این جهان، پایان کار آدمی باشد، امر خلقت، امری است عبث و بی­نتیجه و بی­حاصل که شرح آن در جای خود گذشت و در اینجا همین اشاره کافیست.

جواب مطلبی که در آیه 100 به آن اشاره شده بطور مفصل در تفسیر سوره فجر ذکر شده است و خلاصه­اش این است که ملاک فضیلت، مال و جاه این جهانی نیست و شما که بفرض ثروتمندتر باشید، با توجه به اینکه دنیا در مقابل آخرت بسیار حقیر است، چیز مهمی ندارید. اندکی از چیزی را دارید که زیاد آن نیز چیز مهمی نیست.

**بالا بودن شأن روح**

البته بطور قطع معنی «روحِ» مطرح در آیه 85، به آن معنی که ما معمولاً به کار می­بریم (یعنی «جان آدمی» یا «روان آدمی») نیست زیرا کلمه قرآنیِ مفهوم اخیر «نفس» است.

چیزی که مورد بحث آیه 85 است همان چیزی است که در «تنزل الملائکه و الروح» و «نزل به الروح الامین» و امثال آن ذکر شده است، و مصداق دقیق آن همان کسی است که در پاراگراف اول سوره نجم بطور مشروح و مفصل درباره­اش بحث شد، یعنی وجود مقدس جبرئیل امین که رئیس سیستم وحی­رسانی الهی است که بعداً نیزدرقرآن بسیار مورد اشاره قرار گرفته است، مثلاً در پاراگراف­های انتهایی سوره تکویر، و جاهای دیگر.

اینکه در آیه 85 فرموده شأن آن بالاتر است که در محدوده علم شما (یعنی علم انسان) قرار گیرد به این خاطر است.

علت آن هم این است که «وحی» نسبت به جهان ما «محیط» است و ما نسبت به آن «محاط» می­باشیم و اساساً امکان این که نسبت به آن علم پیدا کنیم وجود ندارد. (بلاتشبیه، همان طور که جنین نمی­تواند راجع به این جهان علمی پیدا کند، یا ما نمی­توانیم راجع به ذات اقدس خداوندی علمی داشته باشیم)

**همنوعیِ فرستادگان و قوم آنها**

از آیه 95 فهمیده می­شود که رسولان الهی باید حتماً از جنس همان کسانی باشند که بسوی آنها فرستاده شده­اند.

ظاهراً اگر غیر از این باشد، پذیرش رسالت آن فرستاده آسانتر شده و فرق کافر و مؤمن مشخص نمی­شود و یکی از مقاصد ارسال رسل که همان امتحان مردم از لحاظ اطاعت اوامر الهی باشد از بین می­رود.

**مطمئن­ها**

همچنین از آیه 95 فهمیده می­شود چون زمین و آسمان و خود آدمی و همه چیزها مخلوق خداوند و تحت اوامر او هستند، و هیچ چیزی استقلالی در امور خویش ندارد پس نمی­توان به چیزی بطور قطع مطمئن شد زیرا زمینی که ساکن است ممکن است زلزله کند و راهی که سفت است ممکن است چاه شود و آدمی که سالم است و راه می­رود ممکن است مریض و فلج شود و هر کس در هر لحظه باید این نکات را در نظر بگیرد و به یک لحظه بعد خویش نیز مطمئن نشود و اگر می­بینیم که ماها مطمئن هستیم بعلت غفلت ما از حقایق فوق است اما اگر غفلت کنار رود و تنبه حاصل شود عقل میگوید به چیزی نباید مطمئن شد.

**چگونه گواهی خداوند فهمیده می­شود؟**

در رابطه با آیه 96 ممکن است بگوییم اگر کسی ادعائی کند و خداوند را بر صدق ادعای خویش گواه بگیرد[[ البته معلوم است که اگر خداوند گواه صدق چیزی باشد، آن چیز واقعاً صدق است اما]] چگونه می­توان فهمید که خداوند بر صدق چیزی گواهی داده است؟

جواب این سخن در آیه 88 داده شده است.

چون تاکنون کسی یا کسانی نتوانسته­اند کتابی مانند قرآن بیاورند، مادامیکه این حالت باقی هست و مانندی برای قرآن ارائه نشده که بطور عمومی همسنگ بودن آن با قرآن پذیرفته شود، «گواهی از جانب خداوند بودن» با قرآن همراه است و به این ترتیب میتوان گواهی خداوند را درک کرد .

**فعل خداوند قانونمند است**

خداوند در آیه 97 گمراه کردن را به خویش نسبت داده ، در حالی که با توجه به تیتر فوق می­دانیم طبق نظاماتی که خداوند قرار داده ، عمل بد خود شخص گمراهش میکند.

**جمع بندی و تفسیر**

**و هنگاميکه به انسان نعمتي ميدهيم روي برميگرداند و دوري ميجويد و هنگاميکه شري به او ميرسد نوميد ميگردد (83) بگو همگي بر اساس طبع خود عمل مي کنند و پروردگارتان بهتر ميداند چه کسي هدايت يافته تر است (84) و از تو درباره روح ميپرسند ، بگو روح از امر پروردگارمن است و به شما جز اندکي از آن علم داده نشده است (85)** { و اگر ميخواستيم حتمأ آنچه را که بسويت وحي نموده ايم از ميان ميبرديم آنگاه براي خويش عليه ما وکيلي نمي يافتي (86) مگر رحمتي از پروردگارت که فضل او بر تو بزرگ است }(87)  **بگو اگر جن و انس مجتمع شوند که مانند اين قرآن را بياورند نخواهند آورد حتي اگر بعضي شان بعضي ديگر را ياري کنند (88)** { و البته در اين قرآن براي مردم از هر مثلي گردانديم اما اکثر مردم از روي ناسپاسي رو گردانند} (89) **و ميگويند به تو ايمان نخواهيم آورد مگر اينکه از زمين براي ما چشمه اي بشکافي (90) يا اينکه باغي از انگورها و خرماها داشته باشي و بين آنها بخوبي نهرهائي روان کني (91) يا اينکه آسمان را آنطور که فکر ميکني بر سر ما بياندازي يا اينکه خدا و ملائکه را جلويمان بياوري (92) يا اينکه خانه اي جواهر نشان داشته باشي . يا اينکه به آسمان بالا روي و بالا رفتنت را باور نخواهيم کرد مگر اينکه برايمان نامه اي پائين بياوري که آنرا بخوانيم . بگو منزه است پروردگارم مگر من غير از بشري فرستاده هستم؟ (93)** {و چيزي مانع ايمان آوردن مردم نشد مگر اينکه ميگويند آيا خداوند بشري را به رسالت برانگيخته؟} (94)  **بگو اگر در زمين فرشتگاني بودند که با اطمينان در آن راه ميرفتند حتمأ از آسمان فرشته اي را به رسالت نازل ميکرديم (95) بگو خداوند براي گواهي بين من و شما كافيست زيرا که او به بندگانش آگاه بينا است (96)** **و هر کس را که خداوند هدايت کند همو هدايت يافته است و کسي را که گمراه کند دوستاني غير از او برايشان نخواهي يافت**  {و روز قيامت بر صورتهايشان محشورشان مي کنيم در حاليکه کور و کر و لالند . جايگاهشان جهنم است که هر گاه آتشش فروكش كند باز سوزان و فروزانش ميکنيم (97) اين جزايشان است زيرا به آياتمان کافر شدند} **و گفتند آيا وقتيکه استخوان شديم و پوسيديم آيا در آفرينشي جديد برانگيخته خواهيم شد؟ (98) آيا نمي بينند خداوندي که آسمانها و زمين را آفريده تواناست که مانند آنها را بيافريند؟** {و برايشان سرآمدي قرار داده که شکي در آن نيست . اما ظالمان جز سرِ ناسپاسي ندارند} **(99) بگو اگر شما مالک گنجينه هاي رحمت پروردگارم بوديد از نگرانيِ تنگدستي تنگ چشمي ميكرديد و انسان بسيار بخيل است (100)**

**اسراء9 آیات101تا111**

**وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى تِسْعَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ فَاسْأَلْ بَنِي إِسْرَائِيلَ إِذْ جَاءهُمْ فَقَالَ لَهُ فِرْعَونُ إِنِّي لَأَظُنُّكَ يَا مُوسَى مَسْحُورًا ﴿101﴾ قَالَ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا أَنزَلَ هَؤُلاء إِلاَّ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ بَصَآئِرَ وَإِنِّي لَأَظُنُّكَ يَا فِرْعَونُ مَثْبُورًا ﴿102﴾ فَأَرَادَ أَن يَسْتَفِزَّهُم مِّنَ الأَرْضِ فَأَغْرَقْنَاهُ وَمَن مَّعَهُ جَمِيعًا ﴿103﴾ وَقُلْنَا مِن بَعْدِهِ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ اسْكُنُواْ الأَرْضَ فَإِذَا جَاء وَعْدُ الآخِرَةِ جِئْنَا بِكُمْ لَفِيفًا ﴿104﴾ وَبِالْحَقِّ أَنزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَلَ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلاَّ مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ﴿105﴾ وَقُرْآناً فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنزِيلاً ﴿106﴾ قُلْ آمِنُواْ بِهِ أَوْ لاَ تُؤْمِنُواْ إِنَّ الَّذِينَ أُوتُواْ الْعِلْمَ مِن قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَى عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلأَذْقَانِ سُجَّدًا ﴿107﴾ وَيَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبِّنَا إِن كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولاً ﴿108﴾ وَيَخِرُّونَ لِلأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا ﴿109﴾ قُلِ ادْعُواْ اللّهَ أَوِ ادْعُواْ الرَّحْمَنَ أَيًّا مَّا تَدْعُواْ فَلَهُ الأَسْمَاء الْحُسْنَى وَلاَ تَجْهَرْ بِصَلاَتِكَ وَلاَ تُخَافِتْ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلاً ﴿110﴾ وَقُلِ الْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَم يَكُن لَّهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُن لَّهُ وَلِيٌّ مِّنَ الذُّلَّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا ﴿111﴾**

**و البته به موسي نُه نشانه و معجزه روشن داديم . پس ، از بني اسرائيل در باره آن هنگام بپرس که معجزه ها بسويشان آمد و فرعون به او گفت اي موسي من تو را جادو شده مي پندارم (101) موسی گفت حتمأ دانستي که اين معجزه ها را کسي غير از پروردگار آسمانها و زمين نازل نکرده و من تو را اي فرعون هلاک شده مي بينم (102) پس فرعون تصميم گرفت موسی و پیروانش را از آن سرزمين بيرون کند پس او را با همه آنهائي که با او بودند غرقشان کرديم (103) و پس از آن به بني اسرائيل گفتيم در آن سرزمين که برایتان در نظر گرفته شده سکونت کنيد ، و هنگامي که موعد آخر بيايد ، شما را با هم باز مي آوريم (104) ما آن قرآن را به حق نازل کرديم و به حق نازل شد و تو را جز مژده دهنده و هشدار دهنده اي نفرستاديم (105) به همراهت این قرآني را که قسمت قسمتش کرديم قرار دادیم تا آنرا به تدريج براي مردم بخواني و آنرا بخوبي فرو فرستاديم (106) بگو چه به آن ايمان بياوريد چه نياوريد ، کساني که قبلا آن علم را يافتند ، هنگامي که بر آنان خوانده ميشود سجده کنان به رو در مي افتند (107) و ميگويند پروردگارمان منزه است، و البته وعده پروردگارمان حتما شدني است (108) و به رو در مي افتند و مي گريند و خشوعشان افزون ميشود (109) بگو چه خداوند را به نام «الله» بخوانيد و چه به نام «رحمان» ، به هر يک از نامها که بخوانيد درست است زیرا نامهاي نيکو از آن اوست، و ای پیامبر! تو نیز نمازت را نه با صداي بلند بخوان ، و نه به آهستگي ، و حالتی بين آن دو حالت را در پيش گير (110) و در نیایش های خویش بگو: ستايش مخصوص خداوندي است که فرزندي بر نگرفته ، و در فرمانروائي شريکي ندارد ، و هرگز اینطور نیست که از روي زبوني سرپرستي داشته باشد ، و او را چنانچه بايد و شايد به بزرگي ياد کن (111)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: کمک همه جانبه الهي به پيامبر براي پيگيري رسالتش که ساخته شدن انسان باشد.**

**درب : دلداري به آن حضرت که مخالفانش نمي توانند کاري از پيش ببرند و نیز اینکه اينک که اينان چنين‌اند، اینطور بگو .**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 که ابتدای ورود به سوره است شرحی از نشان دادن بعضی ازآیات الهی درجهت آموزش و کمک و تقویت مواضع رسولانه به پیامبر – ص – میدهد .

در پاراگراف 2 می فرماید : یهودیان در خلاف جهت تعالیمشان درگیری­هائی داشته و دارند و خواهند داشت که بالاخره به شکست کامل و اضمحلالشان منجر خواهد شد .

در پاراگراف 3 می فرماید : ای پیامبر ! همه جور به تو کمک کرده ایم ، این قرآنی که تو رابه آن مجهزکرده ایم یکی ازمصادیق بارز کمکهای ما است ولی به خاطرداشته باش که این قرآن شرط لازم هدایت است نه شرط کافی . و ای کافران! چرا نگاه خود را به زندگی خراب می کنید و بجای اینکه به راه این رسول واین قرآن بیائید ، چیزی را طلب میکنید که به ضررتان است؟ و ای پیامبر ! قوانین ماراجع به هلاکت جوامع وچگونگی بدست آوردن خواسته های دنیوی واخروی اینهاست .

در پاراگراف 4 تذکرات همه جانبه­ای به پیامبر (ص) و مسلمانان میدهد و می فرماید برای اینکه بتوانیدحضورموثری درجهت ارتقای خویش وسایرین داشته باشید لازم است این صفات را احرازکنید .

درپاراگراف 5 می فرماید : نظام فکری شرک نامعقول است و ای کافران ! ازاین لجبازی هادست بکشید و به ایمان به خداوند یگانه که معقول ومنطقی است بگرائید.

در این پاراگراف می فرماید : ای پیامبر! به آنها اهمیتی نده ، اشکال از خودشان است و اینطورنیست که تو یا این قرآن ، «هرکسی» را بتوانید هدایت کنید و موضوع قیامت هرچه باشد موضوع سنگینی است وتونباید انتظارداشته باشی فورا آن راجذب کنند . باید حوصله کنی ، بایدگفتگوکنی ، و به پیروانت بگو به مسلمانی خویش مغرورنشوند ، وبه مشرکان هم بگو «خدایان» تان نمیتوانندمشکلی را از شما حل کنند . و بر مدت عمر جوامع بشری و ارائه معجزات الهی، قوانینی حاکم است و از رفتاراین کافران ناراحت نباش . به عکس تصوراتشان ، نه تنها نباید چندان ازاوضاع خویش مطمئن باشند ، بلکه شایسته اســــت در باره موضوع آن خوابی که دیده ای خیلی هم برخویش نگران باشند .

در پاراگراف 6 می فرماید : ای پیامبر ! مخالفانت فعلا تحت تاثیر شیطان هستند و قلمرو او نیز حوزه ذهنی آنهاست ، قلمرو توهم همان حوزه است ، لذا پایداری کن تا کم کم بقدر ممکن او را عقب برانی .

و نیز می فرماید : ای کافران ! صاحب این نعمت ها را به یاد بیاورید و رسولـــش را تکذیب نکنید بلکه به او بگروید تا به نعمت های بزرگ تر اخروی هم برسید و اینکه شما را برای بزرگی و بزرگواری آفریده ایم ، قدرخود بدانید و رفتاری کنیدکه درخور آن باشد و ای کافران ! اگر قدرنعمت ها را (که درپاراگراف های قبــل ذکرشد) نشناختید معلوم میشود چشم حقیقت بین شما کوراست ، لذا درجهان بعدی وضع بدتری خواهید داشت .

درپاراگراف 7 می فرماید : ای پیامبر ! لازم نیست به جهت پیشبرد رسالتت کوچک ترین امتیازی به مخالفانت بدهی . وظیفه توفقط رساندن پیام است ، نگران نتیجه بخشیِ آن مباش ، و بدان که قسمت­هایی از قرآن در عین حال دارای دو اثر متضاد است ، ضمنا برای اینکه قوام شخصیتیِ حداکثری راکه برای این موضوع لازم است ، پیداکنی ، این عبادات راپیشه کن .

در پاراگراف 8 می فرماید : ای پیامبر جواب کافران و سایرمخاطب ها که شبهه ها وسوالاتی مطرح میکنند این است .

در این پاراگراف می فرماید : ای پیامبر ! مطمئن ومحکم باش ، آنها نمیتوانند دردشمنی باآیات ما ازحد معینی فراتر بروند ، لذا باجدیت کامل رسالتت را پی گیر .

در این پاراگراف می فرماید : ای پیامبر ! قرآنی که به تو داده ایم دربالاترین قله ارزشهاست و به اینکه ناآگاهان گرایشی به آن نشان نمیدهند اهمیتی مده . خودت نیز برای اینکــه از این پس با مشکلات رسالتت موفق تر برخورد کنی این رژیم عبادتی را در پیش بگیر .

**3 - سوالات**

1 – از مطالب این پاراگراف چه «حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها» میتوان زد؟

2 – در آیه 105 ، «انزلنا» و «نزل» بیان یک موضوع ازدو منظر است (داخــلی وخــارجی) ، توضیح دهید : قید «بالحق» در هر یک از این دو منظر ، چه چیزی را بیان میکند؟

3 – کلمه «بصائر» (آیه102) با کدام کلید فهم تفسیر مطابقت دارد؟

4 – در آیه 101 ، از کجا تا کجا پرانتزی است؟

5 – سه مرحلهء (1 - تکذیب جواب پیامبران 2 – پرداختن به حواشی و باز هم جواب پیامبران 3 – تعرض فیزیکی به پیامبران و نابودی متعرضین) را در این پاراگراف مشخص کنید .

6 – کجای آیه 102 همخط «جحدوابها واستیقنتها انفسهم» است؟

7 – آخرة در آیه 104 به معنی لغوی آمده یا اصطلاحی؟ (دلیل)

8- حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟(دلداری به پیامبر- ص-؟ ارشاد آنحضرت؟ یا..؟)

9 – منظور از «علم» (آیه107) چیست؟

10 – در همان آیه ، «قبل» ، نسبت به چه هنگام؟

11 - نیمه دوم آیه 105 ، پیامبر(ص) را از چه منع میکند؟

12- ازآیه 106 ، چه «حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها» میتوان زد؟

13 – از نیمه اول آیه110چه سابقه ای درسوره های قبل دارید؟

14 – عبارت «من قبله» (آیه 107) چه وضعی از لحاظ کلید های تفسیر دارد؟

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

در آیات 101 تا 103 به آنحضرت دلداری میدهد که از ناحیه دشمن آشکارش خطری متوجه اش نخواهد بود زیرا اگر دست از پا خطا کنند خداوند نابودشان میکند .

در آیه 104 آنحضرت را از خطری آگاه میکند که علی الظاهر خطر به نظر نمیرسد و آن چیزی جز «خطر یهود» نیست ، که البته متوجه خود شخص آنحضرت نیست بلکه متوجه امت آنحضرت است زیرا زمان مقابله نهایی تعیین نشده است .

**5 – زاویه با تفاسیر رایج**

در باره آیه 104 سوره اِسراء : (المیزان) : وَ قُلْنا مِنْ بَعْدِهِ لِبَنِي إِسْرائِيلَ اسْكُنُوا الْأَرْضَ فَإِذا جاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ جِئْنا بِكُمْ لَفِيفاً" [. . . ] بعيد هم نيست كه مراد از وعده آخرت همان قضايى باشد كه راندن آن را در اول سوره ذكر نموده فرمود:" فَإِذا جاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوؤُا وُجُوهَكُمْ وَ لِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَما دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ لِيُتَبِّرُوا ما عَلَوْا تَتْبِيراً" هر چند كه بيشتر مفسرين اين احتمال را نداده‏اند، ليكن بنا بر اين احتمال صدر سوره با ذيل آن مرتبط مى‏شود، و آن وقت مراد از ذيل اين مى‏شود كه: بعد از غرق فرعون، به بنى اسرائيل دستور داديم كه در سرزمين مقدس كه فرعون شما را از رفتن به آنجا جلوگيرى مى‏كرد منزل كنيد و در آنجا باشيد تا وعده ديگر شما برسد، همان وعده‏اى كه در آن، بلاها شما را مى‏پيچاند و دچار قتل و غارت و اسيرى و جلاى وطن مى‏شويد در آن موقع همه شما را گرد آورده و در هم فشرده مى‏آوريم (و اين همان اسارت بنى اسرائيل و جلاى وطن آنان است كه يكپارچه به بابل آمدند).

قولی است نامقبول ، که علاوه بر اینکه با عصاره محتوای سوره مغایر است با رفتار خداوند حکیم نیز مغایر است که از طرفی آنها را به «ان احسنتم احسنتم لانفسکم» امیدوار کند و از طرف دیگر بگوید فایده ای ندارد و عاقبت شما این است ، بعلاوه روال سخن طوری است که خواننده اینطور می فهمد که آیه های 4 تا 8 دارد از اتفاقی که در آینده خواهد افتاد (مثلا اوضاع فعلی یهودیان اسرائیل) صحبت میکند . . . و ترجیح میدهیم خواننده کنجکاو را به تفسیر پاراگراف اول این سوره ارجاع دهیم .

**6 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در آیات 101 تا 103 با تاکید بر نابودی فرعون ، تلویحا پیشگوئی موفقیت آنحضرت را نموده است .

**7 – کلیدهای تفسیری**

**اصلی-فرعی:**

دو آیه 108 و 109 فرع بر آیه 107 می­باشند.

**ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:**

**1**

**وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى تِسْعَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ فَاسْأَلْ بَنِي إِسْرَائِيلَ إِذْ جَاءهُمْ فَقَالَ لَهُ فِرْعَونُ إِنِّي لَأَظُنُّكَ يَا مُوسَى مَسْحُورًا ﴿101﴾ قَالَ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا أَنزَلَ هَؤُلاء إِلاَّ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ بَصَآئِرَ وَإِنِّي لَأَظُنُّكَ يَا فِرْعَونُ مَثْبُورًا ﴿102﴾ فَأَرَادَ أَن يَسْتَفِزَّهُم مِّنَ الأَرْضِ فَأَغْرَقْنَاهُ وَمَن مَّعَهُ جَمِيعًا ﴿103﴾ وَقُلْنَا مِن بَعْدِهِ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ اسْكُنُواْ الأَرْضَ فَإِذَا جَاء وَعْدُ الآخِرَةِ جِئْنَا بِكُمْ لَفِيفًا ﴿104﴾**

**درس: کمک همه جانبه الهي به پيامبر براي پيگيري رسالتش که ساخته شدن انسان باشد.**

**درب : دلداري به آن حضرت که مخالفانش نمي توانند کاري از پيش ببرند و بلکه مغلوب خواهند شد.**

**2**

**وَبِالْحَقِّ أَنزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَلَ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلاَّ مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ﴿105﴾ وَقُرْآناً فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنزِيلاً ﴿106﴾**

**درس: کمک همه جانبه الهي به پيامبر براي پيگيري رسالتش که ساخته شدن انسان باشد.**

**درب : ای پیامبر! همه چیزِ این رسالتت (هم محتوا و هم طریقه اش) درجه یک است.**

**3**

**قُلْ آمِنُواْ بِهِ أَوْ لاَ تُؤْمِنُواْ إِنَّ الَّذِينَ أُوتُواْ الْعِلْمَ مِن قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَى عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلأَذْقَانِ سُجَّدًا ﴿107﴾ وَيَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبِّنَا إِن كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولاً ﴿108﴾ وَيَخِرُّونَ لِلأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا ﴿109﴾**

**درس: کمک همه جانبه الهي به پيامبر براي پيگيري رسالتش که ساخته شدن انسان باشد.**

**درب : ای پیامبر! محتوای این وحیی که به تو میشود تاثیرگذار است.**

**4**

**قُلِ ادْعُواْ اللّهَ أَوِ ادْعُواْ الرَّحْمَنَ أَيًّا مَّا تَدْعُواْ فَلَهُ الأَسْمَاء الْحُسْنَى وَلاَ تَجْهَرْ بِصَلاَتِكَ وَلاَ تُخَافِتْ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلاً ﴿110﴾ وَقُلِ الْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَم يَكُن لَّهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُن لَّهُ وَلِيٌّ مِّنَ الذُّلَّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا ﴿111﴾**

**درس: کمک همه جانبه الهي به پيامبر براي پيگيري رسالتش که ساخته شدن انسان باشد.**

**درب : ای پیامبر! به پیروانت چنین آموزش بده و خود نیز چنان باش.**

**8 - آیات برجسته این پاراگراف**

آیه 105 دقیقا مطابق تیتر فوق است، هم از لحاظ اقبال هنرمندان اعم از خوشنویسان و کاشیکاران و معرق کاران و منبت کاران که کارهایشان در مساجد و زیارتگاه ها و جاهای دیگر چشم نواز است ، و هم از لحاظ محتوای قرآن و هم از نظر مسیر وحی که مصون از دخل و تصرف بوده است و این مطلبی است که بارها و بارها در بیان ها و قوالب متفاوت و متنوع در قرآن موکد شده است.

همچنین است آیه 106 .

همچنین است آیه های 110 و 111 .

**9 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

در باره آیات این پاراگراف ، حتی امروز نیز ، با توجه به معانی والای آن ، حتی برخی مفسران هم ، درک مقبولی از آن ندارند ، چه رسد به مخاطبان اولیه ! در عین حالیکه کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در این هزار و چند صد سال ، تغییر معنای قابل توجهی نیافته اند !

**10 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

1 - دلداري به آن حضرت که مخالفانش نمي توانند کاري از پيش ببرند،

2 – ارشاد آنحضرت که در این مقطع چنین بگوید و چنین رفتار کند .

**11 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تقریبا تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

**شرح مختصر**

**نُه معجزه**

نُه معجزه مورد بحث آیه 101، بعداً ، پس از نزول سوره اعراف معرفی شده است.

**عذابِ هلاکتِ جمعی ، پس از تصمیم به اقدام عملی**

در رابطه با آیه 103 ، هم در این آیه و هم در سوره­های قبلی ، و در داستانهای پیامبران ، دیده­ایم که هلاکت کافران تکذیبگر هنگامی سر می­رسد که آنها قصد برخورد فیزیکی با پیامبران و پیروانشان را می­کردند.

از آیه 103 هم فهمیده می­شود خداوند عذابی نازل نکرد بلکه نُه معجزه نازل کرد و هنوز هلاکت فرعونیان را انجام نداده بود تا اینکه آنها تصمیم به برخورد فیزیکی با پیامبرشان گرفتند .

از روی این آیه ، مجدداً آیه 76 همین سوره بهتر فهمیده می­شود. (لطفاً بازخوانی فرمائید)

**خط ثابت قرآنی برای تاکید بر حجیت قرآن**

آیات 105 تا 109 تاکید بر حجیت قرآن است و این یکنوع راه و رسم سخن قرآنی است که هرجا که مطالب تا حدودی دور از ذهن را میفرماید پس از آن به حجیت قرآن توجه میدهد و این چیزی است که بارها و بارها دیده ایم و نشان هم داده ایم و این سوره نیز از آن نوع مطالب کم نداشته و لذا می بینیم که در پاراگراف آخر و در جمع بندی به این موضوع پرداخته است .

**بالحق**

منظور آیه 105 این است که هم محتوای قرآن صد درصد صحیح است ، و هم مسیری که طی نموده تا به تو (ای پیامبر) برسد چنان مسیری بوده که بدون افزایش و کاهش به تو رسیده باشد.

**جمع بندی و تفسیر**

**و البته به موسي نُه نشانه روشن داديم . پس ، از بني اسرائيل بپرس . آن هنگام که بسويشان آمد و فرعون به او گفت اي موسي من تو را جادو شده مي پندارم (101) گفت حتمأ دانستي که اين** (معجزه) **ها را کسي غير از پروردگار آسمانها و زمين نازل نکرده و من تو را اي فرعون هلاک شده مي بينم (102) پس تصميم گرفت آنها را از آن زمين بيرونشان کند پس او را با همه آنهائي که با او بودند غرقشان کرديم (103) و پس از آن به بني اسرائيل گفتيم در آن سرزمين سکونت کنيد ، و هنگامي که موعد آخر بيايد همگي شما را با هم** (باز) **مي آوريم (104)** **ما آنرا به حق نازل کرديم و به حق نازل شد و تو را جز مژده دهنده و هشدار دهنده اي نفرستاديم (105)** (همراهت قرار دادیم) **قرآني که قسمت قسمتش کرديم تا آنرا به تدريج براي مردم بخواني و آنرا بخوبي فرو فرستاديم (106) بگو چه به آن ايمان بياوريد چه نياوريد ، کساني که قبلا آن علم را يافتند ، هنگامي که بر آنان خوانده ميشود سجده کنان به رو در مي افتند (107)** {و ميگويند پروردگارمان منزه است. البته وعده پروردگارمان شدني است (108) و به رو در مي افتند و مي گريند و خشوعشان افزون ميشود}(109) **بگو چه خداوند را بخوانيد و چه رحمان را ، هر يک را که بخوانيد** (درست است زیرا) **نامهاي نيکو از آن اوست ، و نمازت را نه با صداي بلند بخوان ، و نه به آهستگي ، و بين آن** (دو حالت) **را در پيش گير(110) و بگو ستايش مخصوص خداوندي است که فرزندي بر نگرفته ، و در فرمانروائي شريکي ندارد ، و نه اینکه از روي زبوني سرپرستي داشته باشد ، و او را چنانچه بايد و شايد به بزرگي ياد کن (111)**

**سوره هود**

**﴿ بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾**

**الَر كِتَابٌ أُحْكِمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِن لَّدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ ﴿1﴾ أَلاَّ تَعْبُدُواْ إِلاَّ اللّهَ إِنَّنِي لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ ﴿2﴾ وَأَنِ اسْتَغْفِرُواْ رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُواْ إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُم مَّتَاعًا حَسَنًا إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ وَإِن تَوَلَّوْاْ فَإِنِّيَ أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ ﴿3﴾ إِلَى اللّهِ مَرْجِعُكُمْ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿4﴾ أَلا إِنَّهُمْ يَثْنُونَ صُدُورَهُمْ لِيَسْتَخْفُواْ مِنْهُ أَلا حِينَ يَسْتَغْشُونَ ثِيَابَهُمْ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿5﴾ وَمَا مِن دَآبَّةٍ فِي الأَرْضِ إِلاَّ عَلَى اللّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ ﴿6﴾ وَهُوَ الَّذِي خَلَق السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاء لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلاً وَلَئِن قُلْتَ إِنَّكُم مَّبْعُوثُونَ مِن بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُواْ إِنْ هَذَا إِلاَّ سِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿7﴾ وَلَئِنْ أَخَّرْنَا عَنْهُمُ الْعَذَابَ إِلَى أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ لَّيَقُولُنَّ مَا يَحْبِسُهُ أَلاَ يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُواْ بِهِ يَسْتَهْزِؤُونَ ﴿8﴾ وَلَئِنْ أَذَقْنَا الإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً ثُمَّ نَزَعْنَاهَا مِنْهُ إِنَّهُ لَيَئُوسٌ كَفُورٌ ﴿9﴾ وَلَئِنْ أَذَقْنَاهُ نَعْمَاء بَعْدَ ضَرَّاء مَسَّتْهُ لَيَقُولَنَّ ذَهَبَ السَّيِّئَاتُ عَنِّي إِنَّهُ لَفَرِحٌ فَخُورٌ ﴿10﴾ إِلاَّ الَّذِينَ صَبَرُواْ وَعَمِلُواْ الصَّالِحَاتِ أُوْلَئِكَ لَهُم مَّغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ ﴿11﴾ فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضَ مَا يُوحَى إِلَيْكَ وَضَآئِقٌ بِهِ صَدْرُكَ أَن يَقُولُواْ لَوْلاَ أُنزِلَ عَلَيْهِ كَنزٌ أَوْ جَاء مَعَهُ مَلَكٌ إِنَّمَا أَنتَ نَذِيرٌ وَاللّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ ﴿12﴾ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُواْ بِعَشْرِ سُوَرٍ مِّثْلِهِ مُفْتَرَيَاتٍ وَادْعُواْ مَنِ اسْتَطَعْتُم مِّن دُونِ اللّهِ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ﴿13﴾ فَإِن لَّمْ يَسْتَجِيبُواْ لَكُمْ فَاعْلَمُواْ أَنَّمَا أُنزِلِ بِعِلْمِ اللّهِ وَأَن لاَّ إِلَهَ إِلاَّ هُوَ فَهَلْ أَنتُم مُّسْلِمُونَ ﴿14﴾**

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**ا.ل. ر. اين کتابي است که آياتش اجمال ، و سپس از جانب صاحب حکمتي آگاه، تفصيل يافته است (1) که جز خداوند را عبادت مکنيد که من از جانب او برايتان هشدار دهنده و مژده دهنده اي هستم (2) و اينکه از پروردگارتان آمرزش خواسته و بسوي او بازگرديد تا شما را به برخورداريي نيکو تا مدتي معين برخوردار کند و فضل هر صاحب فضلي را به او بدهد و اگر روي برگردانيد برايتان خوف عذاب روزي بزرگ را دارم (3) بازگشتتان بسوي خداوند است و همو بر همه چيز توانا است (4) ای مومنان! آگاه باشيد که آن کافران همان دم كه رو برميگردانند تا خود را از شنيدن قرآن مخفي کنند ، و همان هنگام که جامه بر سر مي کشند ، خداوند آنچه را که پنهان مي کنند و آنچه را که آشکار ميکنند ميداند که او به حقيقتِ دلها آگاه است (5) و هيچ جنبنده اي در زمين نيست مگر اينکه روزيش برعهده خداوند است و محل استقرار و محل نهايي او را ميداند و همه اينها در کتابي روشنگر هست (6) و هموست که آسمانها و زمين را در شش مرحله آفريد و مرکز تقدیر و فرماندهی جهان در ابتدای پیدایش آن بر حالتی مستقر بود که به نظر شما به مایع می مانَد و اوضاع را از آنجا تا به اینجا رساند تا شما را بيازمايد که کدامتان خوش عمل تريد و ای پیامبر! اگر بگويي حتمأ پس از مرگ برانگيخته خواهيد شد کافران خواهند گفت اين قرآن جز جادويي آشکار نيست (7) و اگر عذاب را تا مدتي کم و تعیین شده از آنها به عقب بياندازيم خواهند گفت چه چيزي جلويش را گرفته؟ بدانيد روزي که عذابشان بيايد از آنها بر طرف نخواهد شد و آنچه را که به مسخره ميگيرند بر آنها فرود خواهد آمد (8) و اگر به انسان رحمتي از جانب خويش بچشانيم سپس آن را از او جدا کنيم نوميد و ناسپاس ميشود (9) و اگر پس از ناراحتي که به وي رسيده ، نعمتي به او بچشانيم بدون اینکه به مبدا نعمت توجه کند ميگويد بديها از من دور شد و شاد ميگردد و فخر ميفروشد (10) تقریبا همگان چنین اند مگر آنانکه صبر نمودند و عمل شايسته انجام دادند که آمرزشي و پاداشي بزرگ خواهند داشت (11) ای پیامبر! در اثر تکذیب اینان ، شايد میخواهی بعضي از آنچه را که بسويت وحي شده ترک کني و دلت تنگ شود که ميگويند چرا گنجي بر او نازل نشده يا فرشته اي همراه او نيامده ، جز اين نيست که تو فقط هشدار دهنده اي هستي و خداوند مواظب همه چيز هست (12) يا اينکه ميگويند این قرآن را به خداوند افترا بسته ، بگو ده سوره مانند همین چیزهای به اصطلاحِ شما افترايي ، بياوريد ، و هر کس غير از خدا را که توانستيد به ارزيابي آنچه آورده اید دعوت کنيد اگر راست میگوييد (13) ای پیامبر! پس اگر در این موضوع استجابتت نکردند بدان که قرآن به علم خدا نازل شده و خدايي جز او نيست ، پس ای منکران! آيا تسليم ميشويد؟ (14)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: مکذبان پيامبران سابق هلاک و خود آنها و پيروانشان نجات يافتند، پس تو اي پيامبر محکم و منتظر باش.**

**درب : هشدار به کافران که مبادا مانند مکذبان پيامبران گذشته باشيد (و به آن عاقبت دچار شويد) و اي پيامبر به سخنان کفار گوش نسپار و به رسالتت بپرداز .**

**2 - سوالات**

1- منظور از «لدن» (آیه1) چیست؟

3 - نسبت توبه ، به استغفارچیست؟

4 – در ثلث آخرآیه3 ، یک مورد موضوع یکی ازکلیدهای تفسیر اتفاق افتاده ، آن را مشخص کنید .

6 – فرق «کبیر» (آیه3) و «عظیم» (نام دیگر اما پربسامدتر قیامت) چیست؟

2 - «ه» در «منه» (آیه5) اشاره به چه کسی است؟

3 – منظور از «یثنون» (آیه5) چیست؟

4 – از نیمه دوم آیه7 ، چه فهمیده میشود؟ (کافران بی منطق اند؟ حرف بیربط میزنند؟ یا...؟)

1 – چرا در آیه 11 ، «آمنوا» را ذکرنفرموده؟

2 – با توجه به دو آیه 9 و10 ، دو نمونه از امتحانات الهی را تعریف کنید .

4 – منظور از «رحمت» (آیه9) چیست ؟

1-چه سابقه ای ازعتاب های الهی به پیامبرارجمند درسوره های قبلی دارید؟

2- دراواسط آیه13 ، موضوع کدام کلید فهم قرآن اتفاق افتاده؟

3-در اواخر آیه 14چطور؟

4-در آیه 14 ، چرا بجای «انتم» نفرموده «هم» ؟

**3 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

از آیه 5 فهمیده میشود فعالان کفر در هنگام شنیدن قرآن از طرفی تحت تاثیر آن قرار میگرفتند و از طرف دیگر (حتما به علت احساس برخورد آیات با منافعشان) خود را به راه دیگر – نشنیده گرفتن آن – میزدند .

از آیه های 7 و 8 فهمیده میشود راجع به آیات مربوط به وقوع قیامت برخورد دوگانه میکردند ، از طرفی آن را سحر قلمداد میکردند و از طرفی میگفتند پس چه شد که اتفاقی نیفتاد؟

از آیه 12 فهمیده میشود فعالان کفر از آنحضرت معجزه میخواستند و از آیه های 13 و 14 فهمیده میشود به آنحضرت گفته میشود همین قرآن معجزه است .

**4 – زاویه با تفاسیر رایج**

**1** (المیزان) : اين سوره همانطور كه از آغاز و انجامش و از زمينه‏اى كه همه آياتش دارد بر مى‏آيد در اين مقام است كه غرض آيات قرآنى را با همه كثرت و تشتتى كه در آنها است بيان نموده از مضامين همه آنها خلاصه‏گيرى كند.و خاطر نشان مى‏سازد كه اساس و جان تمامى معارف مختلفى كه آيات قرآنى متضمن آن است يك حقيقت است. اگر قرآن كريم سخن از معارف الهى دارد و اگر در باره فضايل اخلاقى سخن مى‏گويد و اگر احكامى در باره كليات عبادات و معاملات و سياسات و ولايتها تشريع مى‏كند و اگر از اوصاف خلايقى از قبيل: عرش، كرسى، لوح، قلم، آسمان، زمين، فرشتگان، جن، شيطانها، گياهان، حيوانات و انسان سخن به ميان مى‏آورد، و اگر در باره آغاز خلقت و انجام آن حرف مى‏زند و بازگشت همه را نخست به سوى فنا و سپس به سوى خداى سبحان مى‏داند و خبر از روز قيامت و قبل از قيامت، يعنى از عالم قبر و برزخ مى‏دهد و از روزى خبر مى‏دهد كه همه براى رب العالمين و به امر او بپا مى‏خيزند، و همه در عرصه‏اى جمع گشته سؤال و بازخواست و حساب و سنجش و گواهى گواهان را مى‏بينند، و در آخر بين همه آنان داورى شده گروهى به بهشت و جمعى به دوزخ مى‏روند، بهشت و دوزخى كه داراى درجات و دركاتى هستند، و نيز اگر بين هر انسانى و بين عمل او، و نيز بين عمل او و سعادت و شقاوت او، و نعمت و نقمت او، و درجه و دركه او، و متعلقات عمل او از قبيل وعده و وعيد و انذار و تبشير از راه موعظه و مجادله حسنه و حكمت رابطه برقرار دانسته و در باره آن رابطه‏ها سخن مى‏گويد، همه اينها بر آن يك حقيقت تكيه دارد و آن حقيقت چون روح در تمامى آن معارف جريان يافته و آن يك حقيقت، اصل و همه اينها شاخه و برگ آنند، آن حقيقت، زير بنا و همه اينها كه دين خدا را تشكيل مى‏دهند بر آن پايه بنا نهاده شده‏اند، و آن يك حقيقت عبارت است از توحيد حق تعالى، البته توحيدى كه اسلام و قرآن معرفى كرده، و آن اينست كه انسان معتقد باشد به اينكه خداى تعالى رب همه اشياى عالم است و غير از خداى تعالى در همه عالم ربى وجود ندارد، و اينكه انسان به تمام معناى كلمه تسليم او شود و حق ربوبيت او را اداء كند و دلش جز براى او خاشع نگشته، بدنش جز در برابر او خضوع نكند، خضوع و خشوعش تنها در برابر او- جل جلاله- باشد.

و اين توحيد، اصلى است كه با همه اجمالى كه دارد متضمن تمامى تفاصيل و جزئيات معانى قرآنى است، چه معارفش و چه شرايعش. و به عبارتى اصلى است كه اگر شكافته شود همان تفاصيل مى‏شود، و اگر آن تفاصيل فشرده شود به اين اصل واحد برگشت مى‏كند.

پس، اين سوره همه معارف قرآنى را نخست در اين چهار آيه اول بطور اجمال ذكر نموده، سپس در طول سوره به تفصيل آن مى‏پردازد، البته آن تفصيل را در قالب انذار و تبشير ريخته، انذار و تبشيرى كه با ذكر سنت جارى خدا در بندگان و ايراد اخبار امتهاى گذشته و داستان اقوام نوح و هود و صالح و لوط و شعيب و موسى، و سرنوشتى كه استكبار از پذيرفتن دعوت الهى و نيز افساد در زمين و اسراف در اين فساد انگيزى دارد صورت گرفته، و نيز به توصيف وعده‏هاى الهى براى مؤمنين و صاحبان اعمال صالح و توصيف تهديدهايى كه خدا به طبقه كفار و تكذيبگران آياتش داده پرداخته و در خلال اين مسائل امور ديگرى از معارف الهى راجع به توحيد، نبوت و معاد نيز خاطر نشان شده است.

چنانکه ملاحظه میشود در باب چیزی که المیزان آن را «غرض سوره» مینامد (و لزوما می باید خلاصه و در حد یکی-دو جمله باشد) خیلی طولانی فرموده و ضمنا صحیح نیز به نظر نمیرسد ، زیرا ، با «درس» که از راه محاسبه استخراج و فوقا نقل شده، نسبتی ندارد .

**5 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در آیات 12 تا 14 تحدی فرموده (اگر فکر میکنید این پیامبر این حرفها را از خودش در آورده ده سوره مانند این سوره ها بیاورید . . . ) که این یک پیشگوئیِ ممتد و کِشدار است که آوازه اش هم تا حالا در فضای ذهنی همگان طنین می اندازد و تا کنون مدعیی به این تحدی پاسخ نداده است .

با این بیان، سوره­های قرآن، رسماً بعنوان معجزه پیامبر اکرم(ص) معرفی گردیده است.

البته می­دانیم که این مبارز­طلبی هرگز پاسخ نیافت و این دو آیه نیز در زمره پیشگوئی­های تحقق یافته قرار گرفت.

**6 – کلیدهای تفسیری**

**اصلی-فرعی:**

کلمه «اَنّ» (= اینکه) نشان می­دهد آیه 2 قسمتی از شرح آن «فصّلت»ی است که درآیه 1 فرموده­ ، لذا آیه 2 فرع بر آن است و «و» ابتدای آیه 3 نیز نشان می­دهدکه آیه 3 نیز ادامه مطالب آیه 2 است ، یعنی آن نیز فرع همان است .

آیه­های 6 و 7 بدون این که فرع برآیه­ای باشند پرانتزی هستند زیرا اگر چشم خویش را بر آنها ببندیم و انتهای آیه 5 را به ابتدای آیه 8 وصل کنیم می­بینیم روال سخن صاف و یکدست است.

فرعی بودن آیه 11 نسبت به آیه 10 واضح است.

کاملاً واضح است آیه 14 فرع بر آیه 13 می­باشد،

و در سه کلمه آخر تغییر مخاطب اتفاق افتاده است .

**ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:**

**1**

**الَر كِتَابٌ أُحْكِمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِن لَّدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ ﴿1﴾ أَلاَّ تَعْبُدُواْ إِلاَّ اللّهَ إِنَّنِي لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ ﴿2﴾ وَأَنِ اسْتَغْفِرُواْ رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُواْ إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُم مَّتَاعًا حَسَنًا إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ وَإِن تَوَلَّوْاْ فَإِنِّيَ أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ ﴿3﴾ إِلَى اللّهِ مَرْجِعُكُمْ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿4﴾**

**درس: مکذبان پيامبران سابق هلاک و خود آنها و پيروانشان نجات يافتند، پس تو اي پيامبر محکم و منتظر باش.**

**درب : هشدار به کافران که مبادا مانند مکذبان پيامبران گذشته باشيد (و به آن عاقبت دچار شويد)**

**2**

**أَلا إِنَّهُمْ يَثْنُونَ صُدُورَهُمْ لِيَسْتَخْفُواْ مِنْهُ أَلا حِينَ يَسْتَغْشُونَ ثِيَابَهُمْ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿5﴾ وَمَا مِن دَآبَّةٍ فِي الأَرْضِ إِلاَّ عَلَى اللّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ ﴿6﴾ وَهُوَ الَّذِي خَلَق السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاء لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلاً وَلَئِن قُلْتَ إِنَّكُم مَّبْعُوثُونَ مِن بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُواْ إِنْ هَذَا إِلاَّ سِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿7﴾ وَلَئِنْ أَخَّرْنَا عَنْهُمُ الْعَذَابَ إِلَى أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ لَّيَقُولُنَّ مَا يَحْبِسُهُ أَلاَ يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُواْ بِهِ يَسْتَهْزِؤُونَ ﴿8﴾**

**درس: مکذبان پيامبران سابق هلاک و خود آنها و پيروانشان نجات يافتند، پس تو اي پيامبر محکم و منتظر باش.**

**درب : ای پیامبر! علت رفتارهای این مکذبان غفلت از علم و قدرت خداوند است.**

**3**

**وَلَئِنْ أَذَقْنَا الإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً ثُمَّ نَزَعْنَاهَا مِنْهُ إِنَّهُ لَيَئُوسٌ كَفُورٌ ﴿9﴾ وَلَئِنْ أَذَقْنَاهُ نَعْمَاء بَعْدَ ضَرَّاء مَسَّتْهُ لَيَقُولَنَّ ذَهَبَ السَّيِّئَاتُ عَنِّي إِنَّهُ لَفَرِحٌ فَخُورٌ ﴿10﴾ إِلاَّ الَّذِينَ صَبَرُواْ وَعَمِلُواْ الصَّالِحَاتِ أُوْلَئِكَ لَهُم مَّغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ ﴿11﴾**

**درس: مکذبان پيامبران سابق هلاک و خود آنها و پيروانشان نجات يافتند، پس تو اي پيامبر محکم و منتظر باش.**

**درب : ای پیامبر! رفتار این مکذبان ناراحتت نکند، اکثر انسانها چنین اند.**

**4**

**فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضَ مَا يُوحَى إِلَيْكَ وَضَآئِقٌ بِهِ صَدْرُكَ أَن يَقُولُواْ لَوْلاَ أُنزِلَ عَلَيْهِ كَنزٌ أَوْ جَاء مَعَهُ مَلَكٌ إِنَّمَا أَنتَ نَذِيرٌ وَاللّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ ﴿12﴾ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُواْ بِعَشْرِ سُوَرٍ مِّثْلِهِ مُفْتَرَيَاتٍ وَادْعُواْ مَنِ اسْتَطَعْتُم مِّن دُونِ اللّهِ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ﴿13﴾ فَإِن لَّمْ يَسْتَجِيبُواْ لَكُمْ فَاعْلَمُواْ أَنَّمَا أُنزِلِ بِعِلْمِ اللّهِ وَأَن لاَّ إِلَهَ إِلاَّ هُوَ فَهَلْ أَنتُم مُّسْلِمُونَ ﴿14﴾**

**درس: مکذبان پيامبران سابق هلاک و خود آنها و پيروانشان نجات يافتند، پس تو اي پيامبر محکم و منتظر باش.**

**درب : ای پیامبر! به رسالتت محکم بچسب و ایرادهاشان را نیز به راحتی پاسخ ده.**

**7 - آیات برجسته این پاراگراف**

آیه 6 ، هم به علت شهرتش، و هم به علت استفادهء موعظه ای و اخلاقی زیادی که چه بر منابر و چه در کتب و مقالات اخلاقی از آن میشود، از آیات برجسته قرآنی است.

همچنین است آیه 7، بازهم به علت ارجاع دادنِ زیادِ کسانی که باب معجزات علمی قرآنی کار و تحقیق میکنند.

و همینطور است آیه های 13 و 14، که در موضوع تحدی (مبارز طلبی) قرآن است که به موضوع فوق العاده مهمِ معجزه بودن قرآن مربوط میشود، و این دو آیه برمنابر و در کتب و مقالات اعتقادی و کلامی بسیار مورد مراجعه قرار میگیرد.

**8 - آیات مشکل**

مشکلیِ آیه7 از آنجا فهمیده میشود که بدانید مفسران (اعم از قدیم و معاصر) چقدر اختلاف نظر ابراز و اظهار مینمایند.

**9 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

اگر در محتوای آیه 7 کمی دقت کنید به سهولت متوجه میشوید که این آیه بسیار از دسترسی ذهنیات بشر قرن بیست و یکم نیز دور است، چه رسد به مخاطب های اولیه.

**10 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در طول این مدت طولانی ، از نزول این سوره تا به امروز ، تغییر معناییِ چندانی نیافته ، و لذا مخاطب های اولیه نیز از این پاراگراف همان تلقی را میداشته اند که ما .

**11 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

1 - هشدار به کافران که مبادا مانند مکذبان پيامبران گذشته باشيد ( و به آن عاقبت دچار شويد)

2 – ارشاد پیامبر (ص) که به سخنان کفار گوش نسپارد و به رسالتش بپردازد .

**12 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

غیر از آیه های 2 تا 4 ، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**نمونه­ای از «اجمال» و «تفصیل» اشاره شده**

نمونه­ای از «اِجمال»ی که در آیه 1 به آن اشاره شده ، همین آیات 2 و 3 و 4 است ، و نمونه ای از «تفصیل» که به آن اشاره شده، همان است که امروزه بصورت یک کتاب تقریباً 600 صفحه­ای بنام قرآن در اختیار همگان است .

**دو دل معادل دورو**

درابتدای آیه 5، «یثنون صدورهم» اشاره به رفتاری عامدانه دارد که ما در فارسی به آن «دو روئی» میگوئیم.

این نوع از افراد در زمان نزول این آیات (که تقریبا سال ششم بعثت و سال هفتم قبل از هجرت میباشد) «سران» مخالفان آنحضرت را شامل میشود که اعتراف به حقانیت آنحضرت را در تضاد با منافع خویش میدیدند و لذا گفتار و رفتارشان را در چارچوب مخالفت با ایشان تنظیم میکردند ، اما در قلب شان اصالت و حقانیت آنحضرت را درک میکردند.

**اعجاز قرآن**

مبارزطلبی که در آیه 13 به چشم می­خورد از سوره اسراء شروع شده که فرموده کتابی مانند آن بیاورید و نخواهید توانست حتی اگر کل انس و جن در این باره تشریک مساعی کنند و در این آیه موضوع را تخفیف داده و به ده سوره تقلیل داده و چنانکه خواهیم دید در سوره­های یونس و بقره موضوع را به یک سوره تقلیل مجدد داده و از همگان دعوت کرده که اگر فکر می­کنید این قرآن می­تواند کار بشر باشد پس شما هم قاعدتاً باید بتوانید لااقل یک سوره مانند آن بیاورید.

با توجه به اینکه اسلام همیشه مخالفان مهم و ریشه­داری داشته، که صاحب قدرت و ثروت هم بوده­اند، اگر این کار ممکن بود می­باید تاکنون شاهد وقوع این پدیده بوده باشیم.

به این ترتیب معلوم می­شود قرآن یک پدیده فوق بشری بوده و معجزه پیامبر اکرم (ص) می­باشد ، و لذا خود قرآن بهترین دلیل حجیت آن ، و صدق مطالب مندرج در خویش ، می­باشد.

**گوشه­ای از عظمت تدبیر، و گوشه ای از عظمت آفرینش**

در آیه 6 گوشه­ای از عظمت تدبیر و در آیه7 گوشه­ای از عظمت آفرینش الهی را مطرح می­نماید که توقف و تمرکز روی کلمه به کلمه آنها چنان ظرفیت عظیمی پیش روی خواننده باز می­کند که اگر می­خواستیم وارد شرح آن بشویم بسیار طولانی می­شد و ما اختصار را برگزیده­ایم .

اما خواننده این قبیل متون فرهیخته است و اشاره­ای هم او را کافیست بعنوان مثال کافیست فقط به همین کلمه «جنبنده» اشاره­ای کنیم که چه عدد هوش ربائی را شامل می­شود، آنگاه تصور برآوردن دائمی نیازهای تکوینیِ آن تعدادِ هوش­ربایِ آن موجودات و آنگاه تصور علم و قدرتی که مختصات و نیازهای آن تعداد را دائماً پوشش دهد، چنان حیرتی ایجاد می­کند که فقط کسانی با آن آشنا می­باشند، که این تمرکز و دقت را تجربه کرده باشند.

**کتاب «مبین»**

«کتاب روشنگر»ی که در انتهای آیه 6 به آن اشاره شده به این معنی نیست که خداوند علم خویش را از آنجا کسب می­کند بلکه خداوند مستقیماً به همه این چیزها علم دارد اما خود این علم اقتضاء دارد که در جائی مستقر و محفوظ شود و «کتاب آشکارکنندۀ» مورد بحث محل و مرکز این «علم» است.

**شش «روز»**

«شش روز» (آیه 7 ) به همان معنی که ما معمولاً از عبارت «شبانه­روز» درک می­کنیم نیست زیرا مفهوم اخیر به مفاهیم زمین و خورشید و حرکت وضعی زمین بستگی دارد اما در ابتدای سوره معارج مفهومی مغایر با این مفهوم را هم دیدیم که تازه آنهم به شکل مثال بود.

لذا بهتر است بجای کلمه رایج «روز»، کلمه «مرحله» را قرار دهیم.

**عرش**

«عرش» نماد مرکز فرماندهی است و «عرش او بر آب بود» یعنی مرکز فرماندهی جهان وجود داشت اما جهان هنوز شکل خویش را نیافته بود و سیال بود.

**مقام انسانیت**

اینکه بعد از آن همه مطالب بسیار سنگین فرموده «تا شما را بیازماید» این نکته فهمیده می­شود که مقام انسانیت نزد خداوند از آسمانها و زمین بالاتر است.

**همه اینها به «زبان مخاطب» است**

همانطور که جنین داخل شکم مادر هیچ راهی برای درک این جهان ندارد، ما نیز راهی برای درک مفاهیم عالیقدر فوق نداریم و معانی مطالب مذکور آن چیزی که از لفظ آنها فهمیده می­شود نیست، بلکه خداوند به زبان مخاطب و به «زبان آآآآآآآااااخختنستبنلتمثال» فرموده است.

**انسان**

منظور از کلمه «انسان» در آیه­های 9 و 10 «همه انسان­ها» نیست بلکه «اکثریت انسان­ها» است.

**جمع بندی و تفسیر**

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**ا.ل. ر. اين کتابي است که آياتش اجمال ، و** {سپس از جانب صاحبحکمتي آگاه ،} **تفصيل يافته است (1)** {که جز خداوند را عبادت مکنيد که من از جانب او برايتان هشدار دهنده و مژده دهنده اي هستم (2) و اينکه از پروردگارتان آمرزش خواسته و بسوي او بازگرديد تا شما را به برخورداريي نيکو تا مدتي معين برخوردار کند و فضل هر صاحب فضلي را به او بدهد و اگر روي برگردانيد برايتان خوف عذاب روزي بزرگ را دارم} (3) **بازگشتتان بسوي خداوند است و همو بر همه چيز توانا است (4)** **آگاه باشيد که آنان همان دم كه رو برميگردانند تا خود را از** (شنيدن) **آن مخفي کنند ، و همان هنگام که جامه بر سر مي کشند ،** (خداوند) **آنچه را پنهان مي کنند و آنچه را که آشکار ميکنند ميداند که او به حقيقت دلها آگاه است (5)** {و هيچ جنبنده اي در زمين نيست مگر اينکه روزيش برعهده خداوند است و محل استقرار و محل نهايي او را ميداند. همه (اينها) در کتابي روشنگر هست(6) و هموست که آسمانها و زمين را در شش روز آفريد و عرش او بر آب بود تا شما را بيازمايد که کدامتان خوش عمل تريد و اگر بگويي حتمأ پس از مرگ برانگيخته خواهيد شد کافران خواهند گفت اين جز جادويي آشکار نيست}(7) **و اگر عذاب را تا مدتي کم و معين از آنها به عقب بياندازيم خواهند گفت چه چيزي جلويش را گرفته؟ بدانيد روزي که** (عذابشان) **بيايد از آنها بر طرف نخواهد شد و آنچه را که به مسخره ميگيرند بر آنها فرود خواهد آمد(8)** **و اگر به انسان رحمتي از جانب خويش بچشانيم سپس آن را از او جدا کنيم نوميد و ناسپاس ميشود (9) و اگر پس از ناراحتي که به وي رسيده ، نعمتي به او بچشانيم ميگويد بديها از من دور شد و شاد ميگردد و فخر ميفروشد (10) مگر آنانکه صبر نمودند و عمل شايسته انجام دادند که آمرزشي و پاداشي بزرگ خواهند داشت (11)** **پس شايد بعضي از آنچه را که بسويت وحي شده ترک کني و دلت تنگ شود که ميگويند چرا گنجي بر او نازل نشده يا فرشته اي همراه او نيامده . جز اين نيست که تو هشدار دهنده اي هستي و خداوند مواظب همه چيز هست (12) يا اينکه ميگويند آن را افترا بسته . بگو پس ده سوره افترايي مانند آن بياوريد ، و هر کس غير از خدا را که توانستيد** (به ارزيابي آنچه آورده اید) **دعوت کنيد اگر راست میگوييد (13) پس اگر استجابت تان نکردند بدانيد که به علم خدا نازل شده و خدايي جز او نيست . پس** [ای منکران] **آيا تسليم ميشويد؟ (14)**

**هود2 آیات15تا24**

**مَن كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نُوَفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لاَ يُبْخَسُونَ ﴿15﴾ أُوْلَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الآخِرَةِ إِلاَّ النَّارُ وَحَبِطَ مَا صَنَعُواْ فِيهَا وَبَاطِلٌ مَّا كَانُواْ يَعْمَلُونَ ﴿16﴾ أَفَمَن كَانَ عَلَى بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِّنْهُ وَمِن قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَى إَمَامًا وَرَحْمَةً أُوْلَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَن يَكْفُرْ بِهِ مِنَ الأَحْزَابِ فَالنَّارُ مَوْعِدُهُ فَلاَ تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِّنْهُ إِنَّهُ الْحَقُّ مِن رَّبِّكَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لاَ يُؤْمِنُونَ ﴿17﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللّهِ كَذِبًا أُوْلَئِكَ يُعْرَضُونَ عَلَى رَبِّهِمْ وَيَقُولُ الأَشْهَادُ هَؤُلاء الَّذِينَ كَذَبُواْ عَلَى رَبِّهِمْ أَلاَ لَعْنَةُ اللّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ ﴿18﴾ الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُم بِالآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ ﴿19﴾ أُولَئِكَ لَمْ يَكُونُواْ مُعْجِزِينَ فِي الأَرْضِ وَمَا كَانَ لَهُم مِّن دُونِ اللّهِ مِنْ أَوْلِيَاء يُضَاعَفُ لَهُمُ الْعَذَابُ مَا كَانُواْ يَسْتَطِيعُونَ السَّمْعَ وَمَا كَانُواْ يُبْصِرُونَ ﴿20﴾ أُوْلَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُواْ أَنفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُواْ يَفْتَرُونَ ﴿21﴾ لاَ جَرَمَ أَنَّهُمْ فِي الآخِرَةِ هُمُ الأَخْسَرُونَ ﴿22﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُواْ وَعَمِلُواْ الصَّالِحَاتِ وَأَخْبَتُواْ إِلَى رَبِّهِمْ أُوْلَئِكَ أَصْحَابُ الجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿23﴾ مَثَلُ الْفَرِيقَيْنِ كَالأَعْمَى وَالأَصَمِّ وَالْبَصِيرِ وَالسَّمِيعِ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلاً أَفَلاَ تَذَكَّرُونَ ﴿24﴾**

**کسانی که زندگي دنيا و زينت آنرا بخواهند نتیجه اعمالشان را بطور کامل به آنها ميدهيم و هيچ نقصاني نمي يابند (15) اما آنها در آخرت بهره اي جز آتش نخواهند داشت و آنچه را که ساخته باشند از بين ميرود و عملي که ميکرده اند باطل است (16) ای پیامبر! آيا کساني که بر دليلي از پروردگارشان استوارند ، و نیز کتابی را که شاهدي از جانب اوست ، تلاوت ميکنند ، و قبل از آن هم کتاب موسي پيشوا و رحمتي بوده ، مانند کافرانند؟ در حالیکه حق این است که آنها به آن ايمان مي آورند و کساني از گروه ها که به آن کافر شود وعده اش آتش است . پس درباره آن حقیقت و آن عاقبتِ دوگروه هيچ شکي مدار . البته آن حق و از جانب پروردگارت است وليکن اکثر مردم نميدانند (17) و چه کسي ظالم تر است از کسي که به خداوند افتراي دروغ ببندد؟ آنها به پروردگارشان عرضه ميشوند و شاهدان ميگويند اينها کساني هستند که به پروردگارشان دروغ بسته اند . بدانيد لعنت خدا بر ظالمان خواهد بود (18) همان کساني که مردم را از راه خدا باز ميدارند و آن را کج ميخواهند و به آخرت نيز کافرند (19) آنها نميتوانند خداوند را در زمين عاجز کنند و جز خداوند نیز هیچ سرپرستی ندارند . عذابشان مضاعف ميشود و توان شنيدن و ديدن نخواهند داشت (20) خودهاشان را به خسارت افکندند و آنچه را نيز که افترا مي بستند از آنان گم ميشود (21) و ناگزير در آخرت از زيانکارترين ها خواهند بود (22) اما صاحبان ايمان و عمل صالح که بسوي پروردگارشان با تواضع رو ميکنند از بهشتيان خواهند بود که در آن جاودانند (23) مَثَل دو گروه مانند کور و بينا و کر و شنوا است . آيا اينها مساويند؟ آيا پند نميگيريد؟ (24)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: مکذبان پيامبران سابق هلاک و خود آنها و پيروانشان نجات يافتند، پس تو اي پيامبر محکم و منتظر باش .**

**درب : مقايسه دو گروه از مردم از لحاظ جهت گيريي که نسبت به کلام خدا مي­کنند و نتايج رفتارشان .**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 به کافران هشدار میدهد که مبادا مانند مکذبان پيامبران گذشته باشيد (و به آن عاقبت دچار شويد) و اي پيامبر به سخنان کفار گوش نسپار و به رسالتت بپرداز .

در این پاراگراف می فرماید ای پیامبر ! مردم درآخرت به دودسته بزرگ دسته بندی می شوند ، کسانی که خودرا بدبخت کرده اند وکسانی برعکس آنها .

**3 - سوالات**

1- حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟ (ارشاد پیامبر- ص-؟ یا...؟)

2 – منظور از «اخبتوا» (آیه23) چیست؟

3 – منظور از «اشهاد» (آیه18) چیست؟

4 - در آیه 15 کلمه دنیا به معنی لغوی آمده یا اصطلاحی؟

5 – آیه 15 شبیه کدام آیه در سوره قبل (اسراء) است؟

6 - «من» در ابتدای آیه 17 به چه معنی است؟ (کسیکه؟ کسانیکه؟ ) و چرا؟

**4 – زاویه با تفاسیر رایج**

آیه 17 این پاراگراف یکی از آیات مورد اختلاف شدید مفسران است، یکی «مَنِ» (=چه کسی) ابتدای آیه را به رسول اکرم(ص) و دیگری بر امیرالمؤمنین(ع) تطبیق کرده و فرمایش­های عجیب و غریبی فرموده­اند .

سایرین نیز چیزهای دیگری گفته­اند ، و به زحمت زیادی دچار شده­اند ، و بالاخره هم نتوانسته اند­ مطلب خویش را به طرز پسندیده ای­ جمع کنند .

اما در این روش تحلیلی ، بدون استفاده از خارج قرآن ، خود متن قرآنی بطوری معقول و مقبول و منطقی تحلیل شده ، و در نتیجه ، نتیجه­ای گرفته ایم که ارزیابی آن رابـه شما وامیگذاریم.

**5 - کلید های تفسیری**

بین دو آیه 15 و 16، دومی فرع بر اولی است.

آیه 17، بدون این که فرع بر آیه­ای باشد پرانتزی است زیرا اگر چشم خویش را بر آن ببندیم و انتهای آیه 16 را به ابتدای آیه 18 وصل کنیم می­بینیم روال سخن صاف و یکدست می­باشد.

آیه­های 19 و 20 و 21 و 22 فرع بر آیه 18 می­باشند زیرا آیه 19 توصیف مدلول آیه 18 بوده و آیه 21 موقعیت دنیائی و آخرتی آنها را نشان می­دهد و آیه 21 مدلول آیه 20 را تعلیل می­کند ، و آیه 22 نیز نتیجه آخرتی مدلول آیه 21 است .

در آیه 17 ، قبل از کلمه اولئک واگذاری به مخاطب صورت گرفته است .

**معنی کلمات :** «دنیا» در آیه 16 به معنی لغوی آن است یعنی نزدیک­تر، و پست­تر. اما «آخرت» در آیه 17 به معنی اصطلاحی آن است یعنی« زندگی پس از وقوع قیامت»

**ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:**

**1**

**مَن كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نُوَفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لاَ يُبْخَسُونَ ﴿15﴾ أُوْلَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الآخِرَةِ إِلاَّ النَّارُ وَحَبِطَ مَا صَنَعُواْ فِيهَا وَبَاطِلٌ مَّا كَانُواْ يَعْمَلُونَ ﴿16﴾**

**درس: مکذبانِ پيامبران سابق هلاک و خود آنها و پيروانشان نجات يافتند، پس تو اي پيامبر محکم و منتظر باش .**

**درب : ای پیامبر! به این تکذیبگران که بی اهمیتیِ دنیا و اهمیت آخرت را درک نمیکنند چندان اهمیت مده.**

**2**

**أَفَمَن كَانَ عَلَى بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِّنْهُ وَمِن قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَى إَمَامًا وَرَحْمَةً أُوْلَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَن يَكْفُرْ بِهِ مِنَ الأَحْزَابِ فَالنَّارُ مَوْعِدُهُ فَلاَ تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِّنْهُ إِنَّهُ الْحَقُّ مِن رَّبِّكَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لاَ يُؤْمِنُونَ ﴿17﴾**

**درس: مکذبانِ پيامبران سابق هلاک و خود آنها و پيروانشان نجات يافتند، پس تو اي پيامبر محکم و منتظر باش .**

**درب : ای پیامبر! پیروان تو دلیل محکم دارند، اما تکذیبگرانت عاقبت بد، به این حقیقت دلگرم باش.**

**3**

**وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللّهِ كَذِبًا أُوْلَئِكَ يُعْرَضُونَ عَلَى رَبِّهِمْ وَيَقُولُ الأَشْهَادُ هَؤُلاء الَّذِينَ كَذَبُواْ عَلَى رَبِّهِمْ أَلاَ لَعْنَةُ اللّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ ﴿18﴾ الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُم بِالآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ ﴿19﴾ أُولَئِكَ لَمْ يَكُونُواْ مُعْجِزِينَ فِي الأَرْضِ وَمَا كَانَ لَهُم مِّن دُونِ اللّهِ مِنْ أَوْلِيَاء يُضَاعَفُ لَهُمُ الْعَذَابُ مَا كَانُواْ يَسْتَطِيعُونَ السَّمْعَ وَمَا كَانُواْ يُبْصِرُونَ ﴿20﴾ أُوْلَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُواْ أَنفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُواْ يَفْتَرُونَ ﴿21﴾ لاَ جَرَمَ أَنَّهُمْ فِي الآخِرَةِ هُمُ الأَخْسَرُونَ ﴿22﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُواْ وَعَمِلُواْ الصَّالِحَاتِ وَأَخْبَتُواْ إِلَى رَبِّهِمْ أُوْلَئِكَ أَصْحَابُ الجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿23﴾**

**درس: مکذبانِ پيامبران سابق هلاک و خود آنها و پيروانشان نجات يافتند، پس تو اي پيامبر محکم و منتظر باش .**

**درب : ای پیامبر! عاقبت این تکذیبگران این است.**

**4**

**مَثَلُ الْفَرِيقَيْنِ كَالأَعْمَى وَالأَصَمِّ وَالْبَصِيرِ وَالسَّمِيعِ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلاً أَفَلاَ تَذَكَّرُونَ ﴿24﴾**

**درس: مکذبانِ پيامبران سابق هلاک و خود آنها و پيروانشان نجات يافتند، پس تو اي پيامبر محکم و منتظر باش .**

**درب : ای پیامبر! مثال پیروانت و تکذیبگران این است.**

**6 - آیات مشکل**

آیه 17، از این لحاظ که مفسران مختلف در تفسیر آن سخنان مختلفِ دور از هم گفته اند، جزء آیات مشکل قرآنی قلمداد میگردد.

**7 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

این پاراگراف نیز از آن مواردی است که مخاطب های اولیه، قرآن را از ما بهتر می فهمیده اند و ما که ذهنمان در اثر برخی روایات و برخی تفاسیر مشوب گردیده، نمیتوانیم بخوبیِ مخاطبان اولیه مطلب را بفهمیم .

امید وارم توضیحاتی که تاکنون عرض کرده ایم توانسته باشد این مشوبات را کنار بزند .

**8 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

مردم درآخرت به دودسته بزرگ دسته بندی می شوند :

1 - کسانی که خودرا بدبخت کرده اند ،

2 - کسانی برعکس آنها .

**9 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

غیر از آیه های 18 تا 22 ، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**تفسیرآیه17**

واقعا تا وضع پاراگراف را در حالتِ نشان داده شده اصلی-فرعی در کنار هم نبینید اهمیت تشخیص اصلی-فرعی را درک نخواهید کرد:

**مَن كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نُوَفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لاَ يُبْخَسُونَ ﴿15﴾** أُوْلَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَلَهُمْ فِي الآخِرَةِ إِلاَّ النَّارُ وَحَبِطَ مَا صَنَعُواْ فِيهَا وَبَاطِلٌ مَّا كَانُواْ يَعْمَلُونَ ﴿16﴾ أَفَمَن كَانَ عَلَى بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّهِوَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِّنْهُ وَمِن قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَى إَمَامًا وَرَحْمَةً أُوْلَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَن يَكْفُرْ بِهِ مِنَ الأَحْزَابِ فَالنَّارُمَوْعِدُهُ فَلاَ تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِّنْهُ إِنَّهُ الْحَقُّ مِن رَّبِّكَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لاَ يُؤْمِنُونَ ﴿17﴾ **وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللّهِ كَذِبًا أُوْلَئِكَ يُعْرَضُونَ عَلَى رَبِّهِمْ وَيَقُولُ الأَشْهَادُ هَؤُلاء الَّذِينَ كَذَبُواْ عَلَى رَبِّهِمْ أَلاَ لَعْنَةُ اللّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ ﴿18﴾** الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُم بِالآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ ﴿19﴾ أُولَئِكَ لَمْ يَكُونُواْ مُعْجِزِينَ فِي الأَرْضِ وَمَا كَانَ لَهُم مِّن دُونِ اللّهِ مِنْ أَوْلِيَاء يُضَاعَفُ لَهُمُ الْعَذَابُ مَا كَانُواْ يَسْتَطِيعُونَ السَّمْعَ وَمَا كَانُواْ يُبْصِرُونَ ﴿20﴾ أُوْلَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُواْ أَنفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُواْ يَفْتَرُونَ ﴿21﴾ لاَ جَرَمَ أَنَّهُمْ فِي الآخِرَةِ هُمُ الأَخْسَرُونَ﴿22﴾ **إِنَّ الَّذِينَ آمَنُواْ وَعَمِلُواْ الصَّالِحَاتِ وَأَخْبَتُواْ إِلَى رَبِّهِمْ أُوْلَئِكَ أَصْحَابُ الجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿23﴾ مَثَلُ الْفَرِيقَيْنِ كَالأَعْمَى وَالأَصَمِّ وَالْبَصِيرِ وَالسَّمِيعِ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلاً أَفَلاَ تَذَكَّرُونَ ﴿24﴾**

**کسانی که زندگي دنيا و زينت آنرا بخواهند** (نتیجه) **اعمالشان را بطور کامل ميدهيم و هيچ نقصاني نمي يابند (15)** {آنها در آخرت بهره اي جز آتش نخواهند داشت و آنچه را که ساخته باشند از بين ميرود و عملي که ميکرده اند باطل است}(16){پس آيا کسي که بر دليلي از پروردگارش (استوار) است، و شاهدي از جانب اورا هم تلاوت ميکند ، و قبل از آن هم کتاب موسي پيشوا و رحمتي بوده ، [مانند کافران است؟] آنها به آن ايمان مي آورند و کسي از گروه ها که به آن کافر شود وعده اش آتش است. پس درباره آن هيچ شکي مدار. البته آن حق و از جانب پروردگارت است وليکن اکثر مردم نميدانند} (17)  **و چه کسي ظالم تر است از کسي که به خداوند افتراي دروغ ببندد؟ آنها به پروردگارشان عرضه ميشوند و شاهدان ميگويند اينها کساني هستند که به پروردگارشان دروغ بسته اند . بدانيد لعنت خدا بر ظالمان است (18)** {همان کساني که از راه خدا باز ميدارند و آن را کج ميخواهند و به آخرت نيز کافرند(19) آنها نميتوانند (خداوند را) در زمين عاجز کنند و سرپرستاني جز خداوند ندارند . عذابشان مضاعف ميشود و توان شنيدن و ديدن نخواهند داشت (20) خودهاشان را به خسارت افکندند و آنچه را نيز که افترا مي بستند از آنان گم ميشود (21) و ناگزير، در آخرت از زيانکارترين ها خواهند بود} (22) **اما صاحبان ايمان و عمل صالح که بسوي پروردگارشان با تواضع رو ميکنند از بهشتيان خواهند بود که در آن جاودانند (23) مَثَل دو گروه مانند کور و بينا و کر و شنوا است . آيا اينها مساويند؟ آيا پند نميگيريد؟ (24)**

یعنی در آیه 17، با توجه به درس و درب و از اول تا اینجا ، همان جمع­بندیِ مقایسه­ای آیه 24 وجود دارد،

لذا،کلمه «مَن»، برعکس معنیی که کرده اند، بجای «کسیکه» ، «کسانیکه» است (مخصوصا که کمی جلوتر «اولئک» هم آورده)

**یعنی در آیه 17 :**

**من :** کسانی که

**علی بینه من ربه :** ایمان به مطالبِ وحیی که به پیامبر میشود

**و یتلوه شاهد منه :** قرآن را که تدریجا نازل میشود و شاهد و موید ایمان فوق است را میخواند

**و من قبله کتاب موسی اماما و رحمه :** قبل از قرآن تورات نیز همین نقشِ شاهد و موید را داشت

**اولئک یومنون به :** آن مومنان به مطالب محتوای وحی (با توجه به مطالب فوق الذکر) ایمان می آورند

(فهم بقیه فقرات هم که آسان است)

**جمع بندی و تفسیر**

**کسانی که زندگي دنيا و زينت آنرا بخواهند** (نتیجه) **اعمالشان را بطور کامل ميدهيم و هيچ نقصاني نمي يابند (15)** {آنها در آخرت بهره اي جز آتش نخواهند داشت و آنچه را که ساخته باشند از بين ميرود و عملي که ميکرده اند باطل است}(16){پس آيا کسي که بر دليلي از پروردگارش (استوار) است، و شاهدي از جانب اورا هم تلاوت ميکند ، و قبل از آن هم کتاب موسي پيشوا و رحمتي بوده ، [مانند کافران است؟] آنها به آن ايمان مي آورند و کسي از گروه ها که به آن کافر شود وعده اش آتش است. پس درباره آن هيچ شکي مدار. البته آن حق و از جانب پروردگارت است وليکن اکثر مردم نميدانند} (17)  **و چه کسي ظالم تر است از کسي که به خداوند افتراي دروغ ببندد؟ آنها به پروردگارشان عرضه ميشوند و شاهدان ميگويند اينها کساني هستند که به پروردگارشان دروغ بسته اند . بدانيد لعنت خدا بر ظالمان است (18)** {همان کساني که از راه خدا باز ميدارند و آن را کج ميخواهند و به آخرت نيز کافرند(19) آنها نميتوانند (خداوند را) در زمين عاجز کنند و سرپرستاني جز خداوند ندارند . عذابشان مضاعف ميشود و توان شنيدن و ديدن نخواهند داشت (20) خودهاشان را به خسارت افکندند و آنچه را نيز که افترا مي بستند از آنان گم ميشود (21) و ناگزير، در آخرت از زيانکارترين ها خواهند بود} (22) **اما صاحبان ايمان و عمل صالح که بسوي پروردگارشان با تواضع رو ميکنند از بهشتيان خواهند بود که در آن جاودانند (23) مَثَل دو گروه مانند کور و بينا و کر و شنوا است . آيا اينها مساويند؟ آيا پند نميگيريد؟ (24)**

**هود3 آیات25تا49**

**وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿25﴾ أَن لاَّ تَعْبُدُواْ إِلاَّ اللّهَ إِنِّيَ أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ أَلِيمٍ ﴿26﴾ فَقَالَ الْمَلأُ الَّذِينَ كَفَرُواْ مِن قِوْمِهِ مَا نَرَاكَ إِلاَّ بَشَرًا مِّثْلَنَا وَمَا نَرَاكَ اتَّبَعَكَ إِلاَّ الَّذِينَ هُمْ أَرَاذِلُنَا بَادِيَ الرَّأْيِ وَمَا نَرَى لَكُمْ عَلَيْنَا مِن فَضْلٍ بَلْ نَظُنُّكُمْ كَاذِبِينَ ﴿27﴾ قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِن كُنتُ عَلَى بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّيَ وَآتَانِي رَحْمَةً مِّنْ عِندِهِ فَعُمِّيَتْ عَلَيْكُمْ أَنُلْزِمُكُمُوهَا وَأَنتُمْ لَهَا كَارِهُونَ ﴿28﴾ وَيَا قَوْمِ لا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مَالاً إِنْ أَجْرِيَ إِلاَّ عَلَى اللّهِ وَمَآ أَنَاْ بِطَارِدِ الَّذِينَ آمَنُواْ إِنَّهُم مُّلاَقُو رَبِّهِمْ وَلَكِنِّيَ أَرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ ﴿29﴾ وَيَا قَوْمِ مَن يَنصُرُنِي مِنَ اللّهِ إِن طَرَدتُّهُمْ أَفَلاَ تَذَكَّرُونَ ﴿30﴾ وَلاَ أَقُولُ لَكُمْ عِندِي خَزَآئِنُ اللّهِ وَلاَ أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلاَ أَقُولُ إِنِّي مَلَكٌ وَلاَ أَقُولُ لِلَّذِينَ تَزْدَرِي أَعْيُنُكُمْ لَن يُؤْتِيَهُمُ اللّهُ خَيْرًا اللّهُ أَعْلَمُ بِمَا فِي أَنفُسِهِمْ إِنِّي إِذًا لَّمِنَ الظَّالِمِينَ ﴿31﴾ قَالُواْ يَا نُوحُ قَدْ جَادَلْتَنَا فَأَكْثَرْتَ جِدَالَنَا فَأْتَنِا بِمَا تَعِدُنَا إِن كُنتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿32﴾ قَالَ إِنَّمَا يَأْتِيكُم بِهِ اللّهُ إِن شَاء وَمَا أَنتُم بِمُعْجِزِينَ ﴿33﴾ وَلاَ يَنفَعُكُمْ نُصْحِي إِنْ أَرَدتُّ أَنْ أَنصَحَ لَكُمْ إِن كَانَ اللّهُ يُرِيدُ أَن يُغْوِيَكُمْ هُوَ رَبُّكُمْ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿34﴾ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ إِنِ افْتَرَيْتُهُ فَعَلَيَّ إِجْرَامِي وَأَنَاْ بَرِيءٌ مِّمَّا تُجْرَمُونَ ﴿35﴾ وَأُوحِيَ إِلَى نُوحٍ أَنَّهُ لَن يُؤْمِنَ مِن قَوْمِكَ إِلاَّ مَن قَدْ آمَنَ فَلاَ تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُواْ يَفْعَلُونَ ﴿36﴾ وَاصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا وَلاَ تُخَاطِبْنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُواْ إِنَّهُم مُّغْرَقُونَ ﴿37﴾ وَيَصْنَعُ الْفُلْكَ وَكُلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلأٌ مِّن قَوْمِهِ سَخِرُواْ مِنْهُ قَالَ إِن تَسْخَرُواْ مِنَّا فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنكُمْ كَمَا تَسْخَرُونَ ﴿38﴾ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَن يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ ﴿39﴾ حَتَّى إِذَا جَاء أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِن كُلٍّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلاَّ مَن سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ آمَنَ وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلاَّ قَلِيلٌ ﴿40﴾ وَقَالَ ارْكَبُواْ فِيهَا بِسْمِ اللّهِ مَجْرَاهَا وَمُرْسَاهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿41﴾ وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَنَادَى نُوحٌ ابْنَهُ وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ يَا بُنَيَّ ارْكَب مَّعَنَا وَلاَ تَكُن مَّعَ الْكَافِرِينَ ﴿42﴾ قَالَ سَآوِي إِلَى جَبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْمَاء قَالَ لاَ عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللّهِ إِلاَّ مَن رَّحِمَ وَحَالَ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ مِنَ الْمُغْرَقِينَ ﴿43﴾ وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءكِ وَيَا سَمَاء أَقْلِعِي وَغِيضَ الْمَاء وَقُضِيَ الأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ وَقِيلَ بُعْداً لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿44﴾ وَنَادَى نُوحٌ رَّبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابُنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ ﴿45﴾ قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلاَ تَسْأَلْنِ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعِظُكَ أَن تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ ﴿46﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَإِلاَّ تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي أَكُن مِّنَ الْخَاسِرِينَ ﴿47﴾ قِيلَ يَا نُوحُ اهْبِطْ بِسَلاَمٍ مِّنَّا وَبَركَاتٍ عَلَيْكَ وَعَلَى أُمَمٍ مِّمَّن مَّعَكَ وَأُمَمٌ سَنُمَتِّعُهُمْ ثُمَّ يَمَسُّهُم مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿48﴾ تِلْكَ مِنْ أَنبَاء الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ مَا كُنتَ تَعْلَمُهَا أَنتَ وَلاَ قَوْمُكَ مِن قَبْلِ هَذَا فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ ﴿49﴾**

**و البته نوح را بسوي قومش فرستاديم ، و او به قومش چنین توضیح داد که من برايتان هشدار دهنده اي آشکارم (25) که غير از خداوند را عبادت مکنيد که بر شما از عذابِ روزي دردناک بيمناکم (26) پس بزرگانِ کافران قومش گفتند : تو را جز بشري مثل خودمان و پيروانت را نيز جز فرومايگاني بيخرد نمي بينيم و برتريي براي شما بر خويش نمي شناسيم بلکه شما را دروغگو ميدانيم (27) گفت اي قوم! اگر با دلايل روشني از جانب پروردگارم همراه باشم و رحمت و وحیی از جانب خويش بمن داده باشد که بر شما پوشيده مانده باشد ، من حق دارم که رسالت و ماموریت خویش را انجام دهم و باید امکان انجامش را داشته باشم و بتوانم بطور آزادانه و بدون فشار و اکراه تبلیغ مطالبم را کنم ، آيا من به شما زور گفته ام؟ آیا شما را به قبول دعوتم ملزم کرده ام؟ حتي اگر اکراه داشته باشید؟ (28) اي قوم! من که از شما اموالي نمي خواهم ، مُزدم بر عهده خداوند است و من نمیتوانم مومنانِ پیروِ خویش را طرد کنم، آنها پروردگارشان را ملاقات خواهند کرد وليکن من شما را قومي نادان ميبينم (29) اي قوم اگر آنها را طرد کنم چه کسي مرا در مقابل خداوند ياري خواهد کرد؟ آيا متوجه نيستيد؟ (30) و نميگويم خزائن خداوند نزد من است و نيز نميگويم علم غيب دارم و نميگويم فرشته هستم و به کساني که به چشم شما کوچک مي آيند نميگويم خداوند هرگز خيري به آنان نخواهد داد . خداوند به قلوب آنها داناتر است. اگر چنان کنم از ظالمان خواهم بود (31) گفتند اي نوح با ما جدال کردي و جدالت هم زياد شد پس آنچه را که وعده ميدهي برايمان بياور اگر راست ميگويي (32) گفت جز اين نيست که خداوند اگر بخواهد آنرا برايتان مي آورد و شما نميتوانيد مانع شويد (33) و اگر بخواهم برايتان خير خواهي کنم و خودتان لایق آن نباشید نصيحت هايم فايده اي براي شما ندارد . همو پروردگارتان است و بسوي او بازخواهيد گشت (34) ای پیامبر! تکذیبگران قوم تو نیز مانند قوم نوح میباشند و میگویند تو این قرآن را بر ما افترا بسته ای . بگو اگر چنين باشد گناهش بعهده من است ولی من از گناهی که شما میکنید و کلام خدا را تکذیب مینمائید بيزارم (35) به نوح وحي­شد که غير از کسانيکه تاکنون ايمان­آورده­اند ديگر کسي ايمان نخواهد آورد لذا از آنچه مي­کنند ناراحت مباش (36) و آن کشتي را در مقابل چشمان ما و به آموزش ما بساز و درباره کساني که ظلم کرده اند بعنوان وساطت چيزي مگوی که آنها غرق خواهند شد (37) و او آن کشتي را ميساخت و هر بار که برخی از بزرگان قومش بر او عبور ميکردند مسخره اش مينمودند و او ميگفت اگر مسخره مان ميکنيد ماهم به وقتش مانند شما مسخره تان خواهيم کرد (38) پس بزودي خواهيد فهميد عذاب خوار کننده و ماندگار بر چه کسي فرود خواهد آمد (39) تا اينکه فرمان ما آمد و آن تنور که علامت شروع عذاب بود فوران کرد . به نوح گفتيم اهل خويش را و نيز از همه جانوران جفتي و نيز مومنان را در آن سوار کن ، و در این زمان ، جز عده کمي کسي همراه با او ايمان نياورده بود (40) و نوح گفت بنام خدا در آن سوار شويد که رهسپاري و توقفش بنام خداست ، که البته پروردگارم آمرزگار مهربان است (41) و آن کشتي آنها را در ميان امواجي که مانند کوهها بود ميبرد و نوح پسرش را در حاليکه بركرانه اي بود صدا زد که اي پسرکم با ما سوار شو و با کافرا ن مباش (42) گفت بزودي به کوهي پناه ميبرم که مرا از آب حفظ کند . گفت امروز چيزي کسی را از فرمان خدا حفظ نميکند مگر کسي که همو رحمش کند و بين آنها موجي حائل شد و پسر نوح از غرق شدگان گرديد (43) آنگاه به زمين گفته شد آب خويش را فرو خور و اي آسمان تو هم نبار ، آب فرو رفت و امر خداوند گذشت و کشتي بر کوه جودي مستقر شد و از سوی خداوند مقرر شد ظالمان از رحمت الهی دور باشند (44) و نوح پروردگارش را ندا داد که پروردگارا! پسرم جزء اهل من است و وعده تو نيز حق است و تو بهترين حکمراني (45) گفت اي نوح او از اهل تو نيست . او عملي ناصالح است . پس درباره چيزي که علمش را نداري از من خواهشي مکن. نصيحتت ميکنم که مبادا از جاهلان شوي (46) گفت پروردگارا به خودت پناه ميبرم از اينکه خواهشي کنم که علمي به آن ندارم و اگر مرا نيامرزي و رحم نکني از زيانکاران خواهم شد (47) آنگاه گفته شد اي نوح فرود آي! به سلامي از جانب ما و برکاتي بر خودت و بر اقوامي که از نسل همراهان تو بوده و لذا با تو هستند و اقوامي از همان نسلها خواهند بود که بزودي برخوردارشان خواهم کرد سپس آنها گمراهی را انتخاب خواهند کرد و لذا از جانب ما عذابي دردناک به آنان خواهد رسيد (48) اين از اخبار غيبي است که بسويت وحي ميکنيم . نه تو و نه قومت قبلا آن را نميدانستيد . پس صبر کن که عاقبت از آنِ متقيان است (49)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: مکذبان پيامبران سابق هلاک و خود آنها و پيروانشان نجات يافتند پس تو اي پيامبر محکم و منتظر باش.**

**درب : ای مردم! مبادا رفتاری در پیش بگیرید که شما را به عاقبتی مانند قوم نوح دچار سازد.**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 به کافران هشدار میدهد که مبادا مانند مکذبان پيامبران گذشته باشيد (و به آن عاقبت دچار شويد) و اي پيامبر به سخنان کفار گوش نسپار و به رسالتت بپرداز .

در پاراگراف 2 می فرماید ای پیامبر ! مردم درآخرت به دودسته بزرگ دسته بندی می شوند ، کسانی که خودرا بدبخت کرده اند وکسانی برعکس آنها .

در این پاراگراف نمونه ای از رفتارکسانی در یکی از اقوام پیشین که خود را هلاک کرده اند را بیان میکند (با این زمینه که مبادا شما ها چنین کنید !)

**3 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

1- از آیات 26 تا 33 فهمیده می­شود رئوس کافران خیلی به پیامبر(ص) درباره پیروانش ایراد می­­گرفتند و از همین آیات فهمیده می­شود که بیشتر پیروان پیامبر(ص) از اقشار فرودست جامعه بودند، و پیامبر(ص) به آنها محبت می­کرد و آنها را به اصطلاح امروز خیلی «تحویل می­گرفت» و به انتقادات مخالفان در این زمینه چندان توجهی نمی­کرد.

**4 - کلید های تفسیری**

آیه 35 بطور وضوح پرانتزی است .

اما ، در خلال این پاراگراف نسبتا بلند تعدادی «خرده پرانتز» هم هست که با اندک دقتی تشخیص داده میشود لذا به خواننده محترم واگذار میشود .

کلمه «اهل» که در اواخر این پاراگراف آمده ، به معنیِ بستگان نسبی و سببی نیست، بلکه به معنیِ بستگان عقیدتی (و در اینجا به معنیِ مومن و پیرو) است .

در آیه 28 ، قبل از کلمه «انلزمکمواها» ، «واگذاری به مخاطب» صورت گرفته ، یعنی که خواننده قرآن باید بداند که قبل از کلمه مذکور با چنین جمله ای جای خالی گذاشته شده عمدی (برای تحریک ذهن مخاطب) را پرکند :

«من حق دارم و باید رسالت و ماموریت خویش را انجام دهم و باید امکان انجامش را داشته باشم و بتوانم بطور آزادانه و بدون فشار و اکراه تبلیغ مطالبم را کنم»

**ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:**

**1**

**وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿25﴾ أَن لاَّ تَعْبُدُواْ إِلاَّ اللّهَ إِنِّيَ أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ أَلِيمٍ ﴿26﴾**

**درس: مکذبان پيامبران سابق هلاک و خود آنها و پيروانشان نجات يافتند پس تو اي پيامبر محکم و منتظر باش.**

**درب : ای مردم! سخن نوح نیز مانند سخن پیامبر شمااست.**

**2**

**فَقَالَ الْمَلأُ الَّذِينَ كَفَرُواْ مِن قِوْمِهِ مَا نَرَاكَ إِلاَّ بَشَرًا مِّثْلَنَا وَمَا نَرَاكَ اتَّبَعَكَ إِلاَّ الَّذِينَ هُمْ أَرَاذِلُنَا بَادِيَ الرَّأْيِ وَمَا نَرَى لَكُمْ عَلَيْنَا مِن فَضْلٍ بَلْ نَظُنُّكُمْ كَاذِبِينَ ﴿27﴾ قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِن كُنتُ عَلَى بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّيَ وَآتَانِي رَحْمَةً مِّنْ عِندِهِ فَعُمِّيَتْ عَلَيْكُمْ أَنُلْزِمُكُمُوهَا وَأَنتُمْ لَهَا كَارِهُونَ ﴿28﴾ وَيَا قَوْمِ لا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مَالاً إِنْ أَجْرِيَ إِلاَّ عَلَى اللّهِ وَمَآ أَنَاْ بِطَارِدِ الَّذِينَ آمَنُواْ إِنَّهُم مُّلاَقُو رَبِّهِمْ وَلَكِنِّيَ أَرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ ﴿29﴾ وَيَا قَوْمِ مَن يَنصُرُنِي مِنَ اللّهِ إِن طَرَدتُّهُمْ أَفَلاَ تَذَكَّرُونَ ﴿30﴾ وَلاَ أَقُولُ لَكُمْ عِندِي خَزَآئِنُ اللّهِ وَلاَ أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلاَ أَقُولُ إِنِّي مَلَكٌ وَلاَ أَقُولُ لِلَّذِينَ تَزْدَرِي أَعْيُنُكُمْ لَن يُؤْتِيَهُمُ اللّهُ خَيْرًا اللّهُ أَعْلَمُ بِمَا فِي أَنفُسِهِمْ إِنِّي إِذًا لَّمِنَ الظَّالِمِينَ ﴿31﴾ قَالُواْ يَا نُوحُ قَدْ جَادَلْتَنَا فَأَكْثَرْتَ جِدَالَنَا فَأْتَنِا بِمَا تَعِدُنَا إِن كُنتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿32﴾ قَالَ إِنَّمَا يَأْتِيكُم بِهِ اللّهُ إِن شَاء وَمَا أَنتُم بِمُعْجِزِينَ ﴿33﴾ وَلاَ يَنفَعُكُمْ نُصْحِي إِنْ أَرَدتُّ أَنْ أَنصَحَ لَكُمْ إِن كَانَ اللّهُ يُرِيدُ أَن يُغْوِيَكُمْ هُوَ رَبُّكُمْ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿34﴾**

**درس: مکذبان پيامبران سابق هلاک و خود آنها و پيروانشان نجات يافتند پس تو اي پيامبر محکم و منتظر باش.**

**درب : ای مردم! شما هم به پیامبرتان همان ایراداتی را میگیریدکه قوم نوح به پیامبرشان میگرفتند.**

**3**

**أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ إِنِ افْتَرَيْتُهُ فَعَلَيَّ إِجْرَامِي وَأَنَاْ بَرِيءٌ مِّمَّا تُجْرَمُونَ ﴿35﴾**

**درس: مکذبان پيامبران سابق هلاک و خود آنها و پيروانشان نجات يافتند پس تو اي پيامبر محکم و منتظر باش.**

**درب : ای پیامبر! اگر مخالفانت ایراد بگیرند که راست نمیگوئی، جوابشان این است.**

**4**

**وَأُوحِيَ إِلَى نُوحٍ أَنَّهُ لَن يُؤْمِنَ مِن قَوْمِكَ إِلاَّ مَن قَدْ آمَنَ فَلاَ تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُواْ يَفْعَلُونَ ﴿36﴾ وَاصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا وَلاَ تُخَاطِبْنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُواْ إِنَّهُم مُّغْرَقُونَ ﴿37﴾ وَيَصْنَعُ الْفُلْكَ وَكُلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلأٌ مِّن قَوْمِهِ سَخِرُواْ مِنْهُ قَالَ إِن تَسْخَرُواْ مِنَّا فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنكُمْ كَمَا تَسْخَرُونَ ﴿38﴾ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَن يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ ﴿39﴾ حَتَّى إِذَا جَاء أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِن كُلٍّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلاَّ مَن سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ آمَنَ وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلاَّ قَلِيلٌ ﴿40﴾ وَقَالَ ارْكَبُواْ فِيهَا بِسْمِ اللّهِ مَجْرَاهَا وَمُرْسَاهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿41﴾ وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَنَادَى نُوحٌ ابْنَهُ وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ يَا بُنَيَّ ارْكَب مَّعَنَا وَلاَ تَكُن مَّعَ الْكَافِرِينَ ﴿42﴾ قَالَ سَآوِي إِلَى جَبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْمَاء قَالَ لاَ عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللّهِ إِلاَّ مَن رَّحِمَ وَحَالَ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ مِنَ الْمُغْرَقِينَ ﴿43﴾ وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءكِ وَيَا سَمَاء أَقْلِعِي وَغِيضَ الْمَاء وَقُضِيَ الأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ وَقِيلَ بُعْداً لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿44﴾**

**درس: مکذبان پيامبران سابق هلاک و خود آنها و پيروانشان نجات يافتند پس تو اي پيامبر محکم و منتظر باش.**

**5**

**وَنَادَى نُوحٌ رَّبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابُنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ ﴿45﴾ قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلاَ تَسْأَلْنِ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعِظُكَ أَن تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ ﴿46﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَإِلاَّ تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي أَكُن مِّنَ الْخَاسِرِينَ ﴿47﴾ قِيلَ يَا نُوحُ اهْبِطْ بِسَلاَمٍ مِّنَّا وَبَركَاتٍ عَلَيْكَ وَعَلَى أُمَمٍ مِّمَّن مَّعَكَ وَأُمَمٌ سَنُمَتِّعُهُمْ ثُمَّ يَمَسُّهُم مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿48﴾**

**درس: مکذبان پيامبران سابق هلاک و خود آنها و پيروانشان نجات يافتند پس تو اي پيامبر محکم و منتظر باش.**

**درب : ای پیامبر! پیامبران نیز ممکن است اشتباهی کنند، تو سعی کن اشتباهی نکنی.**

**6**

**تِلْكَ مِنْ أَنبَاء الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ مَا كُنتَ تَعْلَمُهَا أَنتَ وَلاَ قَوْمُكَ مِن قَبْلِ هَذَا فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ ﴿49﴾**

**درس: مکذبان پيامبران سابق هلاک و خود آنها و پيروانشان نجات يافتند پس تو اي پيامبر محکم و منتظر باش.**

**درب : ای پیامبر! و ای مومنان! قدر این وحی را بدانید.**

**5 - کدام مطالب این پاراگراف «بی ربط» به نظر میرسد؟**

آیه 35چنین موقعیتی دارد، علتش هم این است که «پرانتزی» است، دلیلش هم اینکه اگر چشم خویش را برآن ببندیم و قبل و بعدش را وصل کنیم خواهیم دید روال سخن صاف و یکدست و بی سکته است.

**6 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

آیه 49 یکی از موارد مهم تیتر فوق است که شرح آن را ذیلا تحت تیتر «رفع یک شبهه» داده ایم.

**7 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در این پاراگراف ، با ذکر داستان هلاکت دستجمعی و اضمحلال مکذبان و متعرضانِ به نوح (ع) ، تلویحا پیشگوئی مینماید که رسول اکرم (ص) نیز بر مکذبان و متعرضانِ به خویش غالب میگردد .

**8 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در طول این مدت طولانی ، از نزول این سوره تا به امروز ، تغییر معناییِ چندانی نیافته ، و لذا مخاطب های اولیه نیز از این پاراگراف همان تلقی را میداشته اند که ما .

**9 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

تحذیر مکذبان معاصر که از حدّ نگذرانند و خود را در معرض نابودیِ دستجمعی قرار ندهند .

**10 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

غیر از آیه های 25 و 26 بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**فهمیدن منظور داستان های قرآنی آسانتر است**

موضوع تیتر فوق واضح است و شرحی نمیطلبد و لذا ما در پاراگراف های داستانی شرح زیادی لازم نمی بینیم ، مگر در برخی موارد استثنائی که وقتی به آن استثنائات رسیدیم اگر عرایض توضیحیی لازم بود عرض میکنیم .

**رفع یک شبهه**

دکتر سروش (و پیروانش) یک مطلب غلطی را به قرآن نسبت میدهند و آنهم این است که در قرآن مطالبی که خارج از دانسته های معاصرین نزول سوره ها باشد ، وجود ندارد.

این سخن خیلی غلط است .

دلیل قرآنیِ غلط بودن این سخن در همین پاراگراف هست ، آنجا که در آیه 49 می فرماید «اینها از خبرهای غیبی است و نه خودت و نه قومت آن را نمیدانستید» ، و البته این آیه تنها آیه از این نوع نیست ، بلکه بارها چنین تذکری در سوره های آینده مشاهده میشود .

البته غلط بودنِ سخن سروش و همفکرانش منحصر به دلیل فوق نیست ، دلیل دیگرش عقلی است و آنهم این است که قرآن «آخرین کتاب خدا» است و لذا مخاطبانش از مخاطبان اولیه گرفته تا آخرین بشرهای روی زمین را شامل میشود و لذا قرآن باید طوری باشد که هر کس که در مطالبش تعمق میکند آن را ، در زمان خودش، «امروزی» بداند ، و دقیقا چنین نیز هست و دلیلش هم وجود اینهمه کتابهای «اعجاز قرآن» است که در قرون مختلف نوشته شده که امروز هم می بینیم دائما دارد نوشته میشود ، و این قلم نیز ، در این جهت ، کتاب «بیش از 355 پیشگوئی تحقق یافته» را تحریر نموده که از سایت قابل دانلود است .

**«اهل»**

مطابق آنچه در آیه 46 آمده، موضوع اهلیت بیشتر جنبه اعتقادی دارد تا جنبه خانوادگی، و اینک معنی «السلمان منا اهل البیت» را مستندا به قرآن می فهمیم.

**قانون الهی**

قبلا عرض کرده ایم که رفتار الهی در رابطه با اقوامِ مکذبِ سلف با پیامبرانشان ، دارای سه مرحله قابل تشخیص است :

1 – پیامبران اعلام موجودیت و اعلام ماموریت و تحذیر و تبشیر میکنند ،

2 – مکذبان اعلام مخالفت و اعلام کفر و جنگ روانی و تهدید میکنند ، و مدتی بر این منوال میگذرد ، تا همه حرفها زده شده و حجت تمام شود ، تا اینکه هرکس که ممکن است صف خود را مشخص کند ،

3 – مکذبان نیرویشان را جمع میکنند که پیامبر معاصر خویش و پیروان او را منهزم کنند ، که عذابِ هلاکتِ جمعیِ مکذبان واقع میشود .

در این پاراگراف این مطلب را با وضوح در مورد نوح (ع) می بینیم .

**فار التنور**

جمله فوق در (آیه 40) میتواند پس از خبر دادن سیستم وحی به نوح (ع) که طوفانی در کار خواهد بود ، و کشتی آنها را نجات و طوفان کفار را غرق خواهد کرد ، موضوع فوق میتواند علامتی باشد که شمارش معکوس و سوار شدن به کشتی و آماده شدن برای حرکت ، پس از مشاهده وقوع آن بوده باشد ، یعنی که ای نوح! پس از اینکه دیدی آب در داخل آن تنور فوران کرد ، بدان که موقع سوارشدن به کشتی فرا رسیده است .

**جمع بندی و تفسیر**

**و البته نوح را بسوي قومش فرستاديم** (با این پیام) **که من برايتان هشدار دهنده اي آشکارم (25) که غير از خداوند را عبادت مکنيد که بر شما از عذاب روزي دردناک بيمناکم (26) پس بزرگان کافران قومش گفتند : تو را جز بشري مثل خودمان و پيروانت را نيز جز فرومايگاني بيخرد نمي بينيم و برتريي براي شما بر خويش نمي شناسيم بلکه شما را دروغگو ميدانيم (27) گفت اي قوم اگر بر دلايل روشني از جانب پروردگارم بودم و رحمتي از جانب خويش بمن داده که بر شما پوشيده مانده ، آيا ميتوانم شما را** (به قبول دعوتم) **الزام کنم؟ حتي اگر بدتان بيايد؟ (28) و اي قوم من که از شما اموالي نمي خواهم ، مُزدم بر عهده خداوند است و من طرد کننده مومنان نيستم ، آنها پروردگارشان را ملاقات خواهند کرد وليکن من شما را قومي نادان ميبينم (29) اي قوم اگر آنها را طرد کنم چه کسي مرا در مقابل خداوند ياري خواهد کرد؟ آيا متوجه نيستيد؟ (30) و نميگويم خزائن خداوند نزد من است و نيز نميگويم علم غيب دارم و نميگويم فرشته هستم و به کساني که به چشم شما کوچک مي آيند نميگويم خداوند هرگز خيري به آنان نخواهد داد . خداوند به قلوب آنها داناتر است.** (اگر چنانکنم) **از ظالمان خواهم بود (31) گفتند اي نوح با ما جدال کردي و جدالت هم زياد شد پس آنچه را که وعده ميدهي برايمان بياور اگر راست ميگويي (32) گفت جز اين نيست که خداوند اگر بخواهد آنرا برايتان مي آورد و شما نميتوانيد مانع شويد (33) و اگر بخواهم برايتان خير خواهي کنم و خداوند بخواهد گمراهتان کند نصيحت هايم فايده اي براي شما ندارد . همو پروردگارتان است و بسوي او بازخواهيد گشت (34)** {[ای پیامبر]يا اينکه ميگويند(این قرآن را بر ما) افترا بسته ای . بگو اگر چنين باشد جرمش بعهده من است و من از جرمي که شما ميکنيد بيزارم} (35)  **به نوح وحي­شد که غير از کسانيکه تاکنون ايمان­آورده­اند ديگر کسي ايمان نخواهد آورد لذا از آنچه مي­کنند ناراحت مباش (36) و آن کشتي را در مقابل چشمان ما و به آموزش ما بساز و درباره کساني که ظلم کرده اند** (بعنوان وساطت) **چيزي مگو که آنها غرق خواهند شد (37) و او آن کشتي را ميساخت و هر بار که از بزرگان قومش بر او عبور ميکردند مسخره اش مينمودند . ميگفت اگر مسخره مان ميکنيد ماهم**(به وقتش) **مانند شما مسخره تان خواهيم کرد (38) پس بزودي خواهيد فهميد عذاب خوار کننده و عذاب ماندگار بر چه کسي فرود خواهد آمد (39) تا اينکه فرمان ما آمد و آن تنور فوران کرد . گفتيم اهل خويش را و نيز از همه** (جانوران) **جفتي و نيز مومنان را در آن سوار کن . و جز عده کمي کسي با او ايمان نياورده بود (40) و گفت بنام خدا در آن سوار شويد که رهسپاري و توقفش بنام خداست که البته پروردگارم آمرزگار مهربان است (41) و آن** (کشتي) **آنها را در ميان امواجي که مانند کوهها بود ميبرد و نوح پسرش را در حاليکه بركرانه اي بود صدا زد که اي پسرکم با ما سوار شو و با کافرا ن مباش (42) گفت بزودي به کوهي پناه ميبرم که مرا از آب حفظ کند . گفت امروز چيزي از فرمان خدا حفظ نميکند مگر کسي که او رحمش کند و بين آنها موجي حائل شد و او از غرق شدگان گرديد (43) و به زمين گفته شد آب خويش را فرو خور و اي آسمان تو هم نبار . آب فرو رفت و امر** (خداوند) **گذشت و** (کشتي) **بر** (کوه) **جودي مستقر شد و گفته شد ظالمان** (از رحمت) **دور باشند (44) و نوح پروردگارش را ندا داد که پروردگارا پسرم جزء اهل من است و وعده تو نيز حق است و تو بهترين حکمراني (45) گفت اي نوح او از اهل تو نيست . او عملي ناصالح است . پس درباره چيزي که علمش را نداري از من خواهشي مکن، نصيحتت ميکنم که مبادا از جاهلان شوي (46) گفت پروردگارا به خودت پناه ميبرم از اينکه خواهشي کنم که علمي به آن ندارم و اگر مرا نيامرزي و رحم نکني از زيانکاران خواهم شد (47) گفته شد اي نوح فرود آي به سلامي از جانب ما و با برکاتي بر خودت و بر اقوامي که با تو هستند و اقوامي که بزودي برخوردارشان خواهم کرد سپس از جانب ما عذابي دردناک به آنان خواهد رسيد (48) اين از اخبار غيبي است که بسويت وحي ميکنيم . نه تو و نه قومت قبلا آن را نميدانستيد . پس صبر کن که عاقبت از آن متقيان است (49)**

**هود4 آیات50تا68**

**وَإِلَى عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُواْ اللّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ إِنْ أَنتُمْ إِلاَّ مُفْتَرُونَ ﴿50﴾ يَا قَوْمِ لا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ أَجْرِيَ إِلاَّ عَلَى الَّذِي فَطَرَنِي أَفَلاَ تَعْقِلُونَ ﴿51﴾ وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُواْ رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُواْ إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاء عَلَيْكُم مِّدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ وَلاَ تَتَوَلَّوْاْ مُجْرِمِينَ ﴿52﴾ قَالُواْ يَا هُودُ مَا جِئْتَنَا بِبَيِّنَةٍ وَمَا نَحْنُ بِتَارِكِي آلِهَتِنَا عَن قَوْلِكَ وَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ ﴿53﴾ إِن نَّقُولُ إِلاَّ اعْتَرَاكَ بَعْضُ آلِهَتِنَا بِسُوَءٍ قَالَ إِنِّي أُشْهِدُ اللّهِ وَاشْهَدُواْ أَنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ ﴿54﴾ مِن دُونِهِ فَكِيدُونِي جَمِيعًا ثُمَّ لاَ تُنظِرُونِ ﴿55﴾ إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللّهِ رَبِّي وَرَبِّكُم مَّا مِن دَآبَّةٍ إِلاَّ هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿56﴾ فَإِن تَوَلَّوْاْ فَقَدْ أَبْلَغْتُكُم مَّا أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَيْكُمْ وَيَسْتَخْلِفُ رَبِّي قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلاَ تَضُرُّونَهُ شَيْئًا إِنَّ رَبِّي عَلَىَ كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ ﴿57﴾ وَلَمَّا جَاء أَمْرُنَا نَجَّيْنَا هُودًا وَالَّذِينَ آمَنُواْ مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِّنَّا وَنَجَّيْنَاهُم مِّنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ ﴿58﴾ وَتِلْكَ عَادٌ جَحَدُواْ بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَعَصَوْاْ رُسُلَهُ وَاتَّبَعُواْ أَمْرَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ ﴿59﴾ وَأُتْبِعُواْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلا إِنَّ عَادًا كَفَرُواْ رَبَّهُمْ أَلاَ بُعْدًا لِّعَادٍ قَوْمِ هُودٍ ﴿60﴾ وَإِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُواْ اللّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تُوبُواْ إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُّجِيبٌ ﴿61﴾ قَالُواْ يَا صَالِحُ قَدْ كُنتَ فِينَا مَرْجُوًّا قَبْلَ هَذَا أَتَنْهَانَا أَن نَّعْبُدَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا وَإِنَّنَا لَفِي شَكٍّ مِّمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ ﴿62﴾ قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِن كُنتُ عَلَى بَيِّنَةً مِّن رَّبِّي وَآتَانِي مِنْهُ رَحْمَةً فَمَن يَنصُرُنِي مِنَ اللّهِ إِنْ عَصَيْتُهُ فَمَا تَزِيدُونَنِي غَيْرَ تَخْسِيرٍ ﴿63﴾ وَيَا قَوْمِ هَذِهِ نَاقَةُ اللّهِ لَكُمْ آيَةً فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللّهِ وَلاَ تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ قَرِيبٌ ﴿64﴾ فَعَقَرُوهَا فَقَالَ تَمَتَّعُواْ فِي دَارِكُمْ ثَلاَثَةَ أَيَّامٍ ذَلِكَ وَعْدٌ غَيْرُ مَكْذُوبٍ ﴿65﴾ فَلَمَّا جَاء أَمْرُنَا نَجَّيْنَا صَالِحًا وَالَّذِينَ آمَنُواْ مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِّنَّا وَمِنْ خِزْيِ يَوْمِئِذٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ ﴿66﴾ وَأَخَذَ الَّذِينَ ظَلَمُواْ الصَّيْحَةُ فَأَصْبَحُواْ فِي دِيَارِهِمْ جَاثِمِينَ ﴿67﴾ كَأَن لَّمْ يَغْنَوْاْ فِيهَا أَلاَ إِنَّ ثَمُودَ كَفرُواْ رَبَّهُمْ أَلاَ بُعْدًا لِّثَمُودَ ﴿68﴾**

**و بسوي عاد نيز برادرشان هود را فرستاديم گفت اي قومم! خداوند را عبادت کنيد که معبودي غير از او نداريد و کار شما در جهت شریک قراردادن برای خداوند چیزی جز افتراء نیست (50) اي قوم! من برای اين رسالت مزدي از شما نميخواهم . جز اين نيست که مزدم جز بر عهده کسي که مرا آفريده نيست آيا به عقل در نمي يابيد؟ (51) اي قوم! از پروردگار تان آمرزش بخواهيد و بسوي او بازگرديد تا آسمان را بر شما بباراند و نيروئي بر نيروي شما بيفزايد و با گناه به حق پشت نکنيد (52) گفتند اي هود! دليل روشني براي ما نياوردي و ما معبودهاي خود را به ِصرف قول تو رها نمي کنيم و تو را باور نداريم (53) چيزي که معتقديم اين است که بعضي از معبودان ما تو را آسيبي رسانده اند که چنین میگوئی . گفت خدا را به شهادت ميگيرم و شما هم شاهد باشيد که از آنچه با خدا شريک ميگيريد بيزارم (54) پس هر چه حيله عليه من داريد جمع کنيد و هيچ مهلتي هم به من ندهيد (55) من به خداوند که پروردگار خودم و شماست توکل کرده ام . هيچ جنبنده اي نيست مگر اينکه او زمامدارش است و پروردگارم بر طریقِ صحيح است (56) پس اگر روي گردانديد بدانید که من رسالتم را به شما ابلاغ کردم و پروردگارم قومي ديگر را جايگزينتان ميکند و شما نمیتوانید ضرري به او رسانيد ، زیرا که پروردگارم بر هر چيزي نگهبان است (57) و هنگاميکه عذاب هلاکت آمد هود و کسانيکه با او ايمان آورده بودند را به رحمت خويش از عذابي غليظ نجات داديم (58) و اين قوم عاد بود که آيات پروردگارشان را انکار نموده و فرستادگانش را نافرماني کرده و فرمان هر گردنكش ستيزه جو را پيروي کرده بودند (59) و در اين جهان ، و نيز تا روز قيامت براي خويش لعنت بجان خريدند . آگاه باشيد که قوم عاد به پروردگارشان کافر شدند و از رحمت الهی دور خواهند بود (60)** **و بسوي قوم ثمود برادرشان صالح را فرستاديم که میگفت اي قوم! خداوند را عبادت کنيد که معبود ديگري غير از او نداريد. همو شما را از زمين آفريد و به آباداني آن گماشت. پس، از او آمرزش خواسته و بسوي او توبه کنيد که پروردگارم البته نزديک و جوابگوست (61) گفتند اي صالح قبل از اين مايه اميدمان بودي ، آيا نهي مان ميکني که چيزي را عبادت کنيم که پدرانمان عبادت ميکردند و البته ما درباره آنچه که دعوتمان ميکني دودليم و شک داريم (62) گفت اي قوم اگر بر دليل روشني از جانب پروردگارم باشم و بمن رحمتي داده باشد ، چه کسي در صورت نافرماني او کمکم خواهد کرد؟ و شما براي من جز خسارت نخواهيد افزود (63) اي قوم! اين شتری است که خداوند فرستاده است که برايتان نشانه و معجزه اي است . بگذاريد در زمين خدا بچرد و بديي به آن نرسانيد که عذابي نزديک شما را در خواهد گرفت (64) اما کشتندش و گفت سه روز در خانه هايتان برخوردار باشيد. اين وعده اي است که دروغ نخواهد شد (65) پس هنگامي که فرمان ما آمد صالح و کساني را که به او ايمان آورده بودند به رحمت خويش از خواري آن روز نجات داديم که پروردگارت البته قوي پيروزمند است (66) و آن ظالمان را فرياد بسيار بلندي در گرفت و ناگهان در خانه هايشان جسدهايي بيجان شدند (67) که گوئي اصلاً در آن زنده نبودند . قوم ثمود پروردگارش را کافر شد . هان! دور باد رحمت الهی از قوم ثمود (68)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: مکذبان پيامبران سابق هلاک و خود آنها و پيروانشان نجات يافتند پس تو اي پيامبر محکم و منتظر باش.**

**درب : ای مردم مبادا مانند مکذبان پیامبران سابق عمل کنید و به عاقبت آنان دچار شوید .**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 به کافران هشدار میدهد که مبادا مانند مکذبان پيامبران گذشته باشيد (و به آن عاقبت دچار شويد) و اي پيامبر به سخنان کفار گوش نسپار و به رسالتت بپرداز .

در پاراگراف 2 می فرماید ای پیامبر ! مردم درآخرت به دودسته بزرگ دسته بندی می شوند ، کسانی که خودرا بدبخت کرده اند وکسانی برعکس آنها .

در پاراگراف 3 نمونه ای از رفتارکسانی در یکی از اقوام پیشین که خود را هلاک کرده اند را بیان میکند (با این زمینه که مبادا شما ها چنین کنید !)

در این پاراگراف همان مطلب فوق را با همان منظور در باره دو قوم عاد و ثمود می فرماید .

**3 - سوالات**

1 – از این داستان های قرآنی به سادگی گذر نکنید و همیشه این پرسش را از خویش داشته باشیدکه از این داستان ها چه «حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها»ی نزول این آیات میتوان زد؟

2 – در ابتدای آیه55 موضوع کدام کلید تفسیر اتفاق افتاده؟

3 - « **هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا**» (آیه56) چه نوع از سخن است؟ (کنایه؟یا...؟)

4 – منظور از « **إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ**  » (همان آیه) چیست؟

5 – منظور از «اخاهم» (آیه50) چیست؟

6 – از « **يَا صَالِحُ قَدْ كُنتَ فِينَا مَرْجُوًّا قَبْلَ هَذَا** » (آیه62 ) چه فهمیده میشود؟ (از جمله اینکه آنحضرت قبل از بعثت درمیان آن قوم مورد احترام بوده؟ دیگرچه ؟)

7 – آیا قسمت اول آیه63 ، سبب اشتباه مفسران محترم در تفسیر آیه 17 شده؟

8 - چه سابقه ای از موضوع آیه های 64 و 65 در سوره های قبلی (البته به ترتیب نزول) دارید؟

9- از دو آیه مذکور و مطلب سوره شمس ، مجموعا چه فهمیده میشود؟

**4 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در این پاراگراف ، با ذکر داستان هلاکت دستجمعی و اضمحلال مکذبان و متعرضانِ به هود و صالح (ع) ، تلویحا پیشگوئی مینماید که رسول اکرم (ص) نیز بر مکذبان و متعرضانِ به خویش غالب میگردد .

**5 - کلید های تفسیری**

**ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:**

**1**

**وَإِلَى عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُواْ اللّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ إِنْ أَنتُمْ إِلاَّ مُفْتَرُونَ ﴿50﴾ يَا قَوْمِ لا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ أَجْرِيَ إِلاَّ عَلَى الَّذِي فَطَرَنِي أَفَلاَ تَعْقِلُونَ ﴿51﴾ وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُواْ رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُواْ إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاء عَلَيْكُم مِّدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ وَلاَ تَتَوَلَّوْاْ مُجْرِمِينَ ﴿52﴾ قَالُواْ يَا هُودُ مَا جِئْتَنَا بِبَيِّنَةٍ وَمَا نَحْنُ بِتَارِكِي آلِهَتِنَا عَن قَوْلِكَ وَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ ﴿53﴾ إِن نَّقُولُ إِلاَّ اعْتَرَاكَ بَعْضُ آلِهَتِنَا بِسُوَءٍ قَالَ إِنِّي أُشْهِدُ اللّهِ وَاشْهَدُواْ أَنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ ﴿54﴾ مِن دُونِهِ فَكِيدُونِي جَمِيعًا ثُمَّ لاَ تُنظِرُونِ ﴿55﴾ إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللّهِ رَبِّي وَرَبِّكُم مَّا مِن دَآبَّةٍ إِلاَّ هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿56﴾ فَإِن تَوَلَّوْاْ فَقَدْ أَبْلَغْتُكُم مَّا أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَيْكُمْ وَيَسْتَخْلِفُ رَبِّي قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلاَ تَضُرُّونَهُ شَيْئًا إِنَّ رَبِّي عَلَىَ كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ ﴿57﴾ وَلَمَّا جَاء أَمْرُنَا نَجَّيْنَا هُودًا وَالَّذِينَ آمَنُواْ مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِّنَّا وَنَجَّيْنَاهُم مِّنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ ﴿58﴾ وَتِلْكَ عَادٌ جَحَدُواْ بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَعَصَوْاْ رُسُلَهُ وَاتَّبَعُواْ أَمْرَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ ﴿59﴾ وَأُتْبِعُواْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلا إِنَّ عَادًا كَفَرُواْ رَبَّهُمْ أَلاَ بُعْدًا لِّعَادٍ قَوْمِ هُودٍ ﴿60﴾**

**درس: مکذبان پيامبران سابق هلاک و خود آنها و پيروانشان نجات يافتند پس تو اي پيامبر محکم و منتظر باش.**

**درب : ای مردم مبادا مانند قوم عاد باشید و به عاقبت آنان دچار شوید .**

**2**

**وَإِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُواْ اللّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تُوبُواْ إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُّجِيبٌ ﴿61﴾ قَالُواْ يَا صَالِحُ قَدْ كُنتَ فِينَا مَرْجُوًّا قَبْلَ هَذَا أَتَنْهَانَا أَن نَّعْبُدَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا وَإِنَّنَا لَفِي شَكٍّ مِّمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ ﴿62﴾ قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِن كُنتُ عَلَى بَيِّنَةً مِّن رَّبِّي وَآتَانِي مِنْهُ رَحْمَةً فَمَن يَنصُرُنِي مِنَ اللّهِ إِنْ عَصَيْتُهُ فَمَا تَزِيدُونَنِي غَيْرَ تَخْسِيرٍ ﴿63﴾ وَيَا قَوْمِ هَذِهِ نَاقَةُ اللّهِ لَكُمْ آيَةً فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللّهِ وَلاَ تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ قَرِيبٌ ﴿64﴾ فَعَقَرُوهَا فَقَالَ تَمَتَّعُواْ فِي دَارِكُمْ ثَلاَثَةَ أَيَّامٍ ذَلِكَ وَعْدٌ غَيْرُ مَكْذُوبٍ ﴿65﴾ فَلَمَّا جَاء أَمْرُنَا نَجَّيْنَا صَالِحًا وَالَّذِينَ آمَنُواْ مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِّنَّا وَمِنْ خِزْيِ يَوْمِئِذٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ ﴿66﴾ وَأَخَذَ الَّذِينَ ظَلَمُواْ الصَّيْحَةُ فَأَصْبَحُواْ فِي دِيَارِهِمْ جَاثِمِينَ ﴿67﴾ كَأَن لَّمْ يَغْنَوْاْ فِيهَا أَلاَ إِنَّ ثَمُودَ كَفرُواْ رَبَّهُمْ أَلاَ بُعْدًا لِّثَمُودَ ﴿68﴾**

**درس: مکذبان پيامبران سابق هلاک و خود آنها و پيروانشان نجات يافتند پس تو اي پيامبر محکم و منتظر باش.**

**درب : ای مردم مبادا مانند قوم ثمود باشید و به عاقبت آنان دچار شوید .**

**6 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در طول این مدت طولانی ، از نزول این سوره تا به امروز ، تغییر معناییِ چندانی نیافته ، و لذا مخاطب های اولیه نیز از این پاراگراف همان تلقی را میداشته اند که ما .

**7 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

تحذیر مکذبان معاصر که از حدّ نگذرانند و خود را در معرض نابودیِ دستجمعی قرار ندهند .

**8 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

غیر از آیه های 50 و 51 و 61 ، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**سه نکته ای که در اینجا هم باید مورد توجه قرار گیرد**

در پاراگراف قبل سه مطلب عرض کرده ایم که اینجا هم لازم است عرض کنیم ، اما در اینجا به اشاره ای اکتفا میکنیم :

1 - فهمیدن منظور داستان های قرآنی آسانتر است .

2 - رفع یک شبهه که عرض کردیم که دکتر سروش (و پیروانش) یک مطلب غلطی را به قرآن نسبت میدهند و آنهم این است که در قرآن مطالبی که خارج از دانسته های معاصرین نزول سوره ها باشد ، وجود ندارد ، و در پاراگراف قبل عرض کرده ایم که این سخن خیلی غلط است ، و شرحی هم داده ایم که در اینجا دیگر به ذکر آن نمی پردازیم.

3 – همچنین در پاراگراف قبل به شرح یک قانون الهی در رابطه با اقوامِ مکذبِ سلف با پیامبرانشان پرداختیم که در اینجا تکرار نمیکنیم ولی توصیه میکنیم هرسه را در پاراگراف قبل از نظر بگذرانید .

**ناقه صالح**

در آیه های 64 و 65 داستان شتری نقل شده که اول بار در سوره شمس به آن اشاره شده بود و چند بار در قرآن آمده و خلاصه مطلبش که از آیات مربوط استنباط میشود این است که قوم ثمود بطور جدّ و مصرّانه از پیامبرشان برای ایمان آوری شان معجزه ای خواستند که این بود که شتری از این کوهِ مقابل در بیاید و تقاضایشان اجابت شد ولی ایمان نیاورند و پس از مدتی با آن شتر که یاد آور شکست و بدعهدی شان بود بد شدند و دائما به پیامبرشان از او ایراد میگرفتند و نسبت به او بدگوئی میکردند ، اما پیامبرشان آنها را برحذر میداشت که مبادا آزاری به او برسانند که غضب خواهند شد .

اما چیزی نگذشت که – علیرغم اینکه تولد معجزه آسایش را دیده بوده و دانسته بودند که این شتر یک شتر عادی نیست ، تصمیم به نابودی اش گرفتند و پس از آن سه روز مهلت یافتند اما در آن مدت نیز توبه و عذرخواهی و ایمان آوریی از آنان دیده نشد و به هلاکت دستجمعی دچار شدند .

**جمع بندی و تفسیر**

**و بسوي عاد نيز برادرشان هود را فرستاديم گفت اي قومم خداوند را عبادت کنيد که معبودي غير از او نداريد و شما جز مفترياني نيستيد (50) اي قوم بر اين امر** (رسالت) **مزدي از شما نميخواهم . جز اين نيست که مزدم جز بر عهده کسي که مرا آفريده نيست آيا به عقل در نمي يابيد؟ (51) اي قوم از پروردگار تان آمرزش بخواهيد و بسوي او بازگرديد تا آسمان را بر شما بباراند و نيروئي بر نيروي شما بيفزايد و با گناه** (به حق) **پشت نکنيد (52) گفتند اي هود دليل روشني براي ما نياوردي و ما معبودهاي خود را به ِصرف قول تو رها نمي کنيم و تو را باور نداريم (53) چيزي که معتقديم اين است که بعضي از معبودان ما تو را آسيبي رسانده اند . گفت خدا را به شهادت ميگيرم و شما هم شاهد باشيد که از آنچه** (با خدا) **شريک ميگيريد بيزارم (54) پس هر چه حيله عليه من داريد جمع کنيد و هيچ مهلتي هم به من ندهيد (55) من به خداوند که پروردگار خودم و شماست توکل کردم . هيچ جنبنده اي نيست مگر اينکه او زمامدارش است که پروردگار من بر جاده صحيح است (56) پس اگر روي گردانديد** (بدانید که) **من رسالتم را به شما ابلاغ کردم و پروردگارم قومي ديگر را جايگزينتان ميکند و شما ضرري به او نميرسانيد . که پروردگارم بر هر چيزي نگهبان است (57) و هنگاميکه امر ما آمد هود و کسانيکه با او ايمان آورده بودند را به رحمت خويش از عذابي غليظ نجات داديم (58) و اين قوم عاد بود که آيات پروردگارشان را انکار نموده و فرستادگانش را نافرماني کرده و فرمان هر گردنكش ستيزه جو را پيروي مي کردند (59) و در اين جهان ، و نيز روز قيامت براي خويش لعنت بجان خريدند . آگاه باشيد که عاد به پروردگارشان کافر شدند و** (از رحمتم) **دور خواهند بود (60) و بسوي ثمود برادرشان صالح** (را فرستاديم) **گفت اي قوم خداوند را عبادت کنيد که معبود ديگري غير از او نداريد. همو شما را از زمين آفريد و به آبادي آن گماشت. پس از او آمرزش خواسته و بسوي او توبه کنيد که پروردگارم البته نزديک و جوابگوست (61) گفتند اي صالح قبل از اين مايه اميدمان بودي . آيا نهي مان ميکني که چيزي را عبادت کنيم که پدرانمان عبادت ميکردند و البته ما درباره آنچه که دعوتمان ميکني دودليم و شک داريم (62) گفت اي قوم اگر بر دليل روشني از جانب پروردگارم باشم و بمن رحمتي داده باشد ، چه کسي در صورت نافرماني او کمکم خواهد کرد؟ و شما براي من جز خسارت نخواهيد آورد (63) اي قوم! اين شتر(ی است که) خداوند** (فرستاده) **است که برايتان نشانه ايست . بگذاريد در زمين خدا بچرد و بديي به آن نرسانيد که عذابي نزديک شما را در خواهد گرفت (64) اما کشتندش و گفت سه روز در خانه هايتان برخوردار باشيد. اين وعده ايست که دروغ نيست (65) پس هنگامي که فرمان ما آمد صالح و آنکساني را که به او ايمان آورده بودند به رحمت خويش از خواري آن روز نجات داديم که پروردگارت البته قوي پيروز مند است (66) و آن ظالمان را فرياد بسيار بلندي در گرفت و در خانه هايشان جسدهايي بيجان شدند (67) گوئي اصلاً در آن نبودند. ثمود پروردگارش را کافر شد. هان! نابود باد ثمود (68)**

**هود5 آیات69تا99**

**وَلَقَدْ جَاءتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُواْ سَلاَمًا قَالَ سَلاَمٌ فَمَا لَبِثَ أَن جَاء بِعِجْلٍ حَنِيذٍ ﴿69﴾ فَلَمَّا رَأَى أَيْدِيَهُمْ لاَ تَصِلُ إِلَيْهِ نَكِرَهُمْ وَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُواْ لاَ تَخَفْ إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَى قَوْمِ لُوطٍ ﴿70﴾ وَامْرَأَتُهُ قَآئِمَةٌ فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْنَاهَا بِإِسْحَقَ وَمِن وَرَاء إِسْحَقَ يَعْقُوبَ ﴿71﴾ قَالَتْ يَا وَيْلَتَى أَأَلِدُ وَأَنَاْ عَجُوزٌ وَهَذَا بَعْلِي شَيْخًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجِيبٌ ﴿72﴾ قَالُواْ أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللّهِ رَحْمَتُ اللّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ ﴿73﴾ فَلَمَّا ذَهَبَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الرَّوْعُ وَجَاءتْهُ الْبُشْرَى يُجَادِلُنَا فِي قَوْمِ لُوطٍ ﴿74﴾ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّاهٌ مُّنِيبٌ ﴿75﴾ يَا إِبْرَاهِيمُ أَعْرِضْ عَنْ هَذَا إِنَّهُ قَدْ جَاء أَمْرُ رَبِّكَ وَإِنَّهُمْ آتِيهِمْ عَذَابٌ غَيْرُ مَرْدُودٍ ﴿76﴾ وَلَمَّا جَاءتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِيءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَقَالَ هَذَا يَوْمٌ عَصِيبٌ ﴿77﴾ وَجَاءهُ قَوْمُهُ يُهْرَعُونَ إِلَيْهِ وَمِن قَبْلُ كَانُواْ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ قَالَ يَا قَوْمِ هَؤُلاء بَنَاتِي هُنَّ أَطْهَرُ لَكُمْ فَاتَّقُواْ اللّهَ وَلاَ تُخْزُونِ فِي ضَيْفِي أَلَيْسَ مِنكُمْ رَجُلٌ رَّشِيدٌ ﴿78﴾ قَالُواْ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا لَنَا فِي بَنَاتِكَ مِنْ حَقٍّ وَإِنَّكَ لَتَعْلَمُ مَا نُرِيدُ ﴿79﴾ قَالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ ﴿80﴾ قَالُواْ يَا لُوطُ إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَن يَصِلُواْ إِلَيْكَ فَأَسْرِ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِّنَ اللَّيْلِ وَلاَ يَلْتَفِتْ مِنكُمْ أَحَدٌ إِلاَّ امْرَأَتَكَ إِنَّهُ مُصِيبُهَا مَا أَصَابَهُمْ إِنَّ مَوْعِدَهُمُ الصُّبْحُ أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ ﴿81﴾ فَلَمَّا جَاء أَمْرُنَا جَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَارَةً مِّن سِجِّيلٍ مَّنضُودٍ ﴿82﴾ مُّسَوَّمَةً عِندَ رَبِّكَ وَمَا هِيَ مِنَ الظَّالِمِينَ بِبَعِيدٍ ﴿83﴾ وَإِلَى مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُواْ اللّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ وَلاَ تَنقُصُواْ الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ إِنِّيَ أَرَاكُم بِخَيْرٍ وَإِنِّيَ أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُّحِيطٍ ﴿84﴾ وَيَا قَوْمِ أَوْفُواْ الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلاَ تَبْخَسُواْ النَّاسَ أَشْيَاءهُمْ وَلاَ تَعْثَوْاْ فِي الأَرْضِ مُفْسِدِينَ ﴿85﴾ بَقِيَّةُ اللّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ وَمَا أَنَاْ عَلَيْكُم بِحَفِيظٍ ﴿86﴾ قَالُواْ يَا شُعَيْبُ أَصَلاَتُكَ تَأْمُرُكَ أَن نَّتْرُكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَن نَّفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاء إِنَّكَ لَأَنتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ ﴿87﴾ قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِن كُنتُ عَلَىَ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي وَرَزَقَنِي مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا وَمَا أُرِيدُ أَنْ أُخَالِفَكُمْ إِلَى مَا أَنْهَاكُمْ عَنْهُ إِنْ أُرِيدُ إِلاَّ الإِصْلاَحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلاَّ بِاللّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ ﴿88﴾ وَيَا قَوْمِ لاَ يَجْرِمَنَّكُمْ شِقَاقِي أَن يُصِيبَكُم مِّثْلُ مَا أَصَابَ قَوْمَ نُوحٍ أَوْ قَوْمَ هُودٍ أَوْ قَوْمَ صَالِحٍ وَمَا قَوْمُ لُوطٍ مِّنكُم بِبَعِيدٍ ﴿89﴾ وَاسْتَغْفِرُواْ رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُواْ إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ ﴿90﴾ قَالُواْ يَا شُعَيْبُ مَا نَفْقَهُ كَثِيرًا مِّمَّا تَقُولُ وَإِنَّا لَنَرَاكَ فِينَا ضَعِيفًا وَلَوْلاَ رَهْطُكَ لَرَجَمْنَاكَ وَمَا أَنتَ عَلَيْنَا بِعَزِيزٍ ﴿91﴾ قَالَ يَا قَوْمِ أَرَهْطِي أَعَزُّ عَلَيْكُم مِّنَ اللّهِ وَاتَّخَذْتُمُوهُ وَرَاءكُمْ ظِهْرِيًّا إِنَّ رَبِّي بِمَا تَعْمَلُونَ مُحِيطٌ ﴿92﴾ وَيَا قَوْمِ اعْمَلُواْ عَلَى مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ سَوْفَ تَعْلَمُونَ مَن يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَمَنْ هُوَ كَاذِبٌ وَارْتَقِبُواْ إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ ﴿93﴾ وَلَمَّا جَاء أَمْرُنَا نَجَّيْنَا شُعَيْبًا وَالَّذِينَ آمَنُواْ مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مَّنَّا وَأَخَذَتِ الَّذِينَ ظَلَمُواْ الصَّيْحَةُ فَأَصْبَحُواْ فِي دِيَارِهِمْ جَاثِمِينَ ﴿94﴾ كَأَن لَّمْ يَغْنَوْاْ فِيهَا أَلاَ بُعْدًا لِّمَدْيَنَ كَمَا بَعِدَتْ ثَمُودُ﴿95﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُّبِينٍ ﴿96﴾ إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَاتَّبَعُواْ أَمْرَ فِرْعَوْنَ وَمَا أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ ﴿97﴾ يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ وَبِئْسَ الْوِرْدُ الْمَوْرُودُ ﴿98﴾ وَأُتْبِعُواْ فِي هَذِهِ لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ بِئْسَ الرِّفْدُ الْمَرْفُودُ ﴿99﴾**

**و فرستادگان ما با مژده بر ابراهيم درآمدند و سلام گفتند . سلامي گفت و چيزي طول نکشيد که گوساله­اي چاق و بريان آورد (69) وچون ديد بسوي آن دست دراز نمي کنند آنها را ناشناس گرفت و نگرانيي از آنها پيدا کرد .گفتند مترس که ما بسوي قوم لوط فرستاده شده ايم (70) و همسرش ايستاده بود وحيض شد و آنها مژده اسحق و پس از اسحق يعقوب را به او دادند (71) گفت واي برمن! آيا من که که پيرزني هستم و شوهرم نيز پيرمردي است خواهم زائيد؟ البته اين عجيب است (72) گقتند آيا از امر خدا تعجب­مي­کني؟ در حاليکه رحمت خدا و برکاتش بر شما خانواده نازل شده که او پسنديده بلندمرتبه است (73) هنگاميکه نگراني ابراهيم برطرف شد و مژده هم به او رسيد با ما درباره قوم لوط مجادله ميکرد (74) و ابراهيم البته موقر و دردمند و توبه كار بود (75) به او خطاب شد اي ابراهيم! از اين بگذر. اين امر پروردگارت است و البته عذابي برگشت ناپذير برایشان مقدر شده است (76) و وقتيکه فرستادگانمان به لوط درآمدند ، از ديدنشان ناراحت شد و خود را بيچاره يافت و گفت امروز چه روز سختي است (77) و قوم او که قبلا هم کارهاي زشت ميکردند با شتاب بسوي او آمدند . گفت اي مردم اينها دختران من اند ، که براي شما پاکيزه ترند ، از خدا بترسيد و مرا در مقابل مهمانانم خوار نکنيد ، آيا در ميان شما يک مرد فهميده نيست؟ (78) گفتند ميداني که در دخترانت حقي نداريم و خودت ميداني چه ميخواهيم (79) گفت اي کاش نيروئي ميداشتم يا ميتوانستم به گوشه محکمي پناه برم (80) مهمانانش گفتند اي لوط ما فرستادگان پروردگارت می باشیم و آنها هرگز به تو دست نخواهند يافت ، پس شبانه اهل خويش را ببر و نبايد کسي از شما به پشت سر خويش نگاه کند غير از زنت که البته به او همان خواهد رسيد که به آنها ميرسد . موعدشان صبح است . آيا صبح نزديک نيست؟ (81) وقتيکه امر ما آمد بالاي شهرشان را پائين قرار داديم و بر آنها سنگ-گِل هایی بارانديم که مرتب و رديف شده بود (82) که نزد پروردگارت نشاندار بود و آن از ظالمان دور نيست (83) و بسوي مدين برادرشان شعيب را فرستاديم . گفت اي مردم خداوند را عبادت کنيد که معبود ديگري غير از او نداريد . و ترازو و پيمانه را ناقص ندهيد . من شما را در رفاه مي بينم و بر شما از عذاب روز فراگير ميترسم (84) اي مردم پيمانه و ترازو را بطور کامل بدهيد و از مال مردم نکاهید و در زمين به فساد نگرائيد (85) ذخيره خدائي و سود معامله برايتان بهتر است اگر باور داشته باشيد و من نگهبان شما نيستم (86) گفتند اي شعيب آيا دينت تو را مأمور ميکند که ما آنچه را که پدرانمان عبادت ميکردند رها کنيم يا اينکه در اموال خويش هر چه خواستيم نکنيم؟ تو که شخص حليم رشد يافته اي هستي! (87) گفت اي مردم چه نظري داريد اگر من بر دليل روشني از جانب پروردگارم باشم و از آن روزيِ نيکو بمن داده باشد و این سخنان را از پیش خود نمیگویم و در اين مورد صرفأ قصد مخالفت با شما را ندارم . جز اين نيست که قصدم اصلاح است . آنقدر که بتوانم ، و توفيقم جز بر عهده خداوند نيست که بر او توکل کرده ام و بسوي همو باز ميگردم (88) اي مردم مبادا بعلت مخالفت با من همان چيزي به شما برسد که به قوم نوح يا قوم هود يا قوم صالح رسيد و قوم لوط هم که از شما دور نيست (89) و از پروردگارتان آمرزش بخواهيد سپس به سوي او بازگرديد که البته پروردگارم مهربان و دوستدار است (90) گفتند اي شعيب بسياري از چيزهايي را که ميگويي نمي فهميم و تو را در بين خويش ضعيف مي بينيم و اگر قبيله ات نبود سنگسارت ميکرديم و تو عزتي بر ما نداري (91) گفت اي مردم آيا قبيله ام بنظر شما از خداوند که او را پشت سر انداخته ايد مهم تر است؟ البته پروردگارم به اعمال شما احاطه دارد (92) اي مردم هر چه ميتوانيد انجام دهيد . من نيز کار خویش ميکنم . بزودي خواهيد فهميد عذاب خوار کننده به سوي چه کسي خواهد آمد و دروغگو کيست و منتظر باشيد که من نيز همراه شما منتظر خواهم ماند (93) و هنگاميکه فرمان ما آمد شعيب و کساني را که با او ايمان آورده بودند به رحمت خويش نجات داديم و ظالمان را فريادی بلند بگرفت و در خانه هايشان جسدي بي جان شدند (94) گويي که هرگز در آن نبودند . هان ! نابود باد قوم مدين همانگونه که ثمود بود (95) و البته موسي را با آياتمان و دليلي روشن فرستاديم (96) بسوي فرعون و بزرگانش ، پس آنها امر فرعون را پيروي کردند و امر فرعون رشد يافته نبود (97) در روز قيامت پيشاپيش مردمش راه ميرود و آنان را به آتش درمي آورد که چه بد جايگاهي است (98) و در اين جهان با لعنت بدرقه شدند و روز قيامت نيز چه عطاي بدي خواهند داشت (99)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: مکذبان پيامبران سابق هلاک و خود آنها و پيروانشان نجات يافتند پس تو اي پيامبر محکم و منتظر باش .**

**درب: پیامبران (و پیروان صالح آنها) در همین جهان نیز مورد الطاف خاص قرار می­گرفتند ، و ای مردم مبادا مانند مکذبان پیشین عمل کنید .**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 به کافران هشدار میدهد که مبادا مانند مکذبان پيامبران گذشته باشيد (و به آن عاقبت دچار شويد) و اي پيامبر به سخنان کفار گوش نسپار و به رسالتت بپرداز .

در پاراگراف 2 می فرماید ای پیامبر ! مردم درآخرت به دودسته بزرگ دسته بندی می شوند ، کسانی که خودرا بدبخت کرده اند وکسانی برعکس آنها .

در پاراگراف 3 نمونه ای از رفتارکسانی در یکی از اقوام پیشین که خود را هلاک کرده اند را بیان میکند (با این زمینه که مبادا شما ها چنین کنید !)

در پاراگراف 4 همان مطلب فوق را با همان منظور در باره قوم عاد و قوم ثمود می فرماید .

در این پاراگراف می فرماید : از میان بندگان ما کسانی هم هستند که زندگی صحیحی میکنند و در نتیجه هم دردنیا و هم درآخرت وضع مطلوبی را دارا میشوند و ضمنا به همان روال داستانی قبل ادامه داده و مانند همان مطالب چند پاراگراف قبل را با همان منظور در باره سه قوم لوط و شعیب و فرعون میفرماید .

**3 - سوالات**

1 - « **رَحْمَتُ اللّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ** » (آیه73 ) باکدام کلید تفسیری مطابق است؟

2 - کل آیه 76 چطور؟

3 – منظور از «رسلنا» (آیه69) چیست؟

4 – منظور از « **لاَ يَجْرِمَنَّكُمْ شِقَاقِي** » (آیه89) چیست؟

5 – منظور از «هذه» (آیه99) چیست؟

6 – منظور از «سلطان» (آیه96) چیست؟

**4 – زاویه با تفاسیر رایج**

**1** (المیزان):" قالُوا لَقَدْ عَلِمْتَ ما لَنا فِي بَناتِكَ مِنْ حَقٍّ وَ إِنَّكَ لَتَعْلَمُ ما نُرِيدُ" اين جمله پاسخ قوم لوط است در برابر دعوتى كه آن جناب مى‏كرد و به آنان مى‏گفت كه بياييد با دختران من ازدواج كنيد، و آنچه در اينجا لازم است مورد توجه قرار گيرد اين است كه قوم لوط نگفتند:" ما حقى در دختران تو نداريم" بلكه گفتند:" تو از پيش مى‏دانستى كه ما حقى در دختران تو نداريم"

حضرت لوط برای اینکه قوم او متعرض مهمانان او نشوند «دختران» خویش را به آنان پیشنهاد کرد.

مگر ایشان چند تا دختر داشت که بتواند جواب قوم خویش را بدهد؟

لذا جواب صحیح همان است که مرحوم علامه آن را ذکر کرده و سپس رد کرده است.

و آن این است که پیامبران پدران معنوی امت هستند و منظور ایشان از «دختران من» یعنی «این زنان موجود» و این مفهوم با انتهای سوره حج نیز که خداوند حضرت ابراهیم را «پدر» قلمداد کرده هماهنگ است و معنی نهائی آن یعنی اینکه از عادتِ زشتِ رو کردن به جنس مذکر دست بردارید و مطابق فطرت و طبیعت به «این دختران من» (یعنی این زنان موجود که به حال خویش رها شده­اند و مورد غفلت قرار گرفته­اند) رو کنید.

اینکه قوم لوط در آیه 79 می­گویند ما در دخترانت «حقی» نداریم به این علت است.

**5 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در این پاراگراف ، با ذکر داستان هلاکت دستجمعی و اضمحلال مکذبان و متعرضانِ به پیامبران شان (ع) ، تلویحا پیشگوئی مینماید که رسول اکرم (ص) نیز بر مکذبان و متعرضانِ به خویش غالب میگردد .

**6 - کلید های تفسیری**

**اصلی-فرعی:**

دو آیه آخر این پاراگراف فرعی است .

«رحمه الله و برکاته علیکم اهل البیت» (آیه 73) پرانتزی است . و این نوع «خرده پرانتز» در این متن باز هم هست که شناسائی آنها به خواننده واگذار میشود .

کلمه «کان» قبل از کلمه یجادلنا محذوف به قرینه ، و به اصطلاحِ ما از باب واگذاری به مخاطب است .

**ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:**

**1**

**وَلَقَدْ جَاءتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُواْ سَلاَمًا قَالَ سَلاَمٌ فَمَا لَبِثَ أَن جَاء بِعِجْلٍ حَنِيذٍ ﴿69﴾ فَلَمَّا رَأَى أَيْدِيَهُمْ لاَ تَصِلُ إِلَيْهِ نَكِرَهُمْ وَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُواْ لاَ تَخَفْ إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَى قَوْمِ لُوطٍ ﴿70﴾ وَامْرَأَتُهُ قَآئِمَةٌ فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْنَاهَا بِإِسْحَقَ وَمِن وَرَاء إِسْحَقَ يَعْقُوبَ ﴿71﴾ قَالَتْ يَا وَيْلَتَى أَأَلِدُ وَأَنَاْ عَجُوزٌ وَهَذَا بَعْلِي شَيْخًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجِيبٌ ﴿72﴾ قَالُواْ أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللّهِ رَحْمَتُ اللّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ ﴿73﴾**

**درس: مکذبان پيامبران سابق هلاک و خود آنها و پيروانشان نجات يافتند پس تو اي پيامبر محکم و منتظر باش .**

**درب: پیامبران (و پیروان صالح آنها) در همین جهان نیز مورد الطاف خاص قرار می­گرفتند.**

**2**

**فَلَمَّا ذَهَبَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الرَّوْعُ وَجَاءتْهُ الْبُشْرَى يُجَادِلُنَا فِي قَوْمِ لُوطٍ ﴿74﴾ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّاهٌ مُّنِيبٌ ﴿75﴾ يَا إِبْرَاهِيمُ أَعْرِضْ عَنْ هَذَا إِنَّهُ قَدْ جَاء أَمْرُ رَبِّكَ وَإِنَّهُمْ آتِيهِمْ عَذَابٌ غَيْرُ مَرْدُودٍ ﴿76﴾ وَلَمَّا جَاءتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِيءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَقَالَ هَذَا يَوْمٌ عَصِيبٌ ﴿77﴾ وَجَاءهُ قَوْمُهُ يُهْرَعُونَ إِلَيْهِ وَمِن قَبْلُ كَانُواْ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ قَالَ يَا قَوْمِ هَؤُلاء بَنَاتِي هُنَّ أَطْهَرُ لَكُمْ فَاتَّقُواْ اللّهَ وَلاَ تُخْزُونِ فِي ضَيْفِي أَلَيْسَ مِنكُمْ رَجُلٌ رَّشِيدٌ ﴿78﴾ قَالُواْ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا لَنَا فِي بَنَاتِكَ مِنْ حَقٍّ وَإِنَّكَ لَتَعْلَمُ مَا نُرِيدُ ﴿79﴾ قَالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ ﴿80﴾ قَالُواْ يَا لُوطُ إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَن يَصِلُواْ إِلَيْكَ فَأَسْرِ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِّنَ اللَّيْلِ وَلاَ يَلْتَفِتْ مِنكُمْ أَحَدٌ إِلاَّ امْرَأَتَكَ إِنَّهُ مُصِيبُهَا مَا أَصَابَهُمْ إِنَّ مَوْعِدَهُمُ الصُّبْحُ أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ ﴿81﴾ فَلَمَّا** **جَاء أَمْرُنَا جَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَارَةً مِّن سِجِّيلٍ مَّنضُودٍ ﴿82﴾ مُّسَوَّمَةً عِندَ رَبِّكَ وَمَا هِيَ مِنَ الظَّالِمِينَ بِبَعِيدٍ ﴿83﴾**

**درس: مکذبان پيامبران سابق هلاک و خود آنها و پيروانشان نجات يافتند پس تو اي پيامبر محکم و منتظر باش .**

**درب: ای مردم! مبادا رفتار قوم لوط را درپیش گیرید.**

**3**

**وَإِلَى مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُواْ اللّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ وَلاَ تَنقُصُواْ الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ إِنِّيَ أَرَاكُم بِخَيْرٍ وَإِنِّيَ أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُّحِيطٍ ﴿84﴾ وَيَا قَوْمِ أَوْفُواْ الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلاَ تَبْخَسُواْ النَّاسَ أَشْيَاءهُمْ وَلاَ تَعْثَوْاْ فِي الأَرْضِ مُفْسِدِينَ ﴿85﴾ بَقِيَّةُ اللّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ وَمَا أَنَاْ عَلَيْكُم بِحَفِيظٍ ﴿86﴾ قَالُواْ يَا شُعَيْبُ أَصَلاَتُكَ تَأْمُرُكَ أَن نَّتْرُكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَن نَّفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاء إِنَّكَ لَأَنتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ ﴿87﴾ قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِن كُنتُ عَلَىَ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي وَرَزَقَنِي مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا وَمَا أُرِيدُ أَنْ أُخَالِفَكُمْ إِلَى مَا أَنْهَاكُمْ عَنْهُ إِنْ أُرِيدُ إِلاَّ الإِصْلاَحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلاَّ بِاللّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ ﴿88﴾ وَيَا قَوْمِ لاَ يَجْرِمَنَّكُمْ شِقَاقِي أَن يُصِيبَكُم مِّثْلُ مَا أَصَابَ قَوْمَ نُوحٍ أَوْ قَوْمَ هُودٍ أَوْ قَوْمَ صَالِحٍ وَمَا قَوْمُ لُوطٍ مِّنكُم بِبَعِيدٍ ﴿89﴾ وَاسْتَغْفِرُواْ رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُواْ إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ ﴿90﴾ قَالُواْ يَا شُعَيْبُ مَا نَفْقَهُ كَثِيرًا مِّمَّا تَقُولُ وَإِنَّا لَنَرَاكَ فِينَا ضَعِيفًا وَلَوْلاَ رَهْطُكَ لَرَجَمْنَاكَ وَمَا أَنتَ عَلَيْنَا بِعَزِيزٍ ﴿91﴾ قَالَ يَا قَوْمِ أَرَهْطِي أَعَزُّ عَلَيْكُم مِّنَ اللّهِ وَاتَّخَذْتُمُوهُ وَرَاءكُمْ ظِهْرِيًّا إِنَّ رَبِّي بِمَا تَعْمَلُونَ مُحِيطٌ ﴿92﴾ وَيَا قَوْمِ اعْمَلُواْ عَلَى مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ سَوْفَ تَعْلَمُونَ مَن يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَمَنْ هُوَ كَاذِبٌ وَارْتَقِبُواْ إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ ﴿93﴾ وَلَمَّا جَاء أَمْرُنَا نَجَّيْنَا شُعَيْبًا وَالَّذِينَ آمَنُواْ مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مَّنَّا وَأَخَذَتِ الَّذِينَ ظَلَمُواْ الصَّيْحَةُ فَأَصْبَحُواْ فِي دِيَارِهِمْ جَاثِمِينَ ﴿94﴾ كَأَن لَّمْ يَغْنَوْاْ فِيهَا أَلاَ بُعْدًا لِّمَدْيَنَ كَمَا بَعِدَتْ ثَمُودُ﴿95﴾**

**درس: مکذبان پيامبران سابق هلاک و خود آنها و پيروانشان نجات يافتند پس تو اي پيامبر محکم و منتظر باش .**

**درب: ای مردم! مبادا رفتار قوم شعیب را درپیش گیرید.**

**4**

**وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُّبِينٍ ﴿96﴾ إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَاتَّبَعُواْ أَمْرَ فِرْعَوْنَ وَمَا أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ ﴿97﴾ يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ وَبِئْسَ الْوِرْدُ الْمَوْرُودُ ﴿98﴾ وَأُتْبِعُواْ فِي هَذِهِ لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ بِئْسَ الرِّفْدُ الْمَرْفُودُ ﴿99﴾**

**درس: مکذبان پيامبران سابق هلاک و خود آنها و پيروانشان نجات يافتند پس تو اي پيامبر محکم و منتظر باش .**

**درب: ای مردم! مبادا رفتار قوم شعیب را درپیش گیرید.**

**7 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

آیه های 82 و 83 که در موضوع سر و ته کردن شهرستان- مسکن قوط لوط و باراندن بارانی از «سنگ-گل های مرتب شده» بر آنان «که نزد خدا نشاندار شده بود»، است، هم اکنون برای بشر قرم بیست و یکم نیز روشن نیست، چه رسد به عرب های 1400 سال پیش.

همچنین است موضوع صیحه مذکور در آیه 94 .

**8 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در طول این مدت طولانی ، از نزول این سوره تا به امروز ، تغییر معناییِ چندانی نیافته ، و لذا مخاطب های اولیه نیز از این پاراگراف همان تلقی را میداشته اند که ما .

**9 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

تحذیر مکذبان معاصر که از حدّ نگذرانند و خود را در معرض نابودیِ دستجمعی قرار ندهند .

**10 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

غیر از آیه های 69 و 70 و 97 ، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**سه نکته ای که در اینجا هم باید مورد توجه قرار گیرد**

در پاراگراف 3 سه مطلب عرض کرده ایم که اینجا هم لازم است عرض کنیم ، اما در اینجا به اشاره ای اکتفا میکنیم :

1 - فهمیدن منظور داستان های قرآنی آسانتر است .

2 - رفع یک شبهه که عرض کردیم که دکتر سروش (و پیروانش) یک مطلب غلطی را به قرآن نسبت میدهند و آنهم این است که در قرآن مطالبی که خارج از دانسته های معاصرین نزول سوره ها باشد ، وجود ندارد ، و در پاراگراف قبل عرض کرده ایم که این سخن خیلی غلط است ، و شرحی هم داده ایم که در اینجا دیگر به ذکر آن نمی پردازیم.

3 – همچنین در پاراگراف 3 به شرح یک قانون الهی در رابطه با اقوامِ مکذبِ سلف با پیامبرانشان پرداختیم که در اینجا تکرار نمیکنیم ولی توصیه میکنیم هرسه را در همان پاراگراف از نظر بگذرانید .

**در باره قوم لوط**

از میان اقوام هلاک شده دستجمعیِ سابق قوم لوط ویژگی هایی دارد که بسیار قابل توجه است .

هم گناهشان خاص و هم طرز نابودیشان خاص است .

البته تاریخ بشر تا زمان حضرت موسی را پوشش میدهد و از مصرِ دوره فراعنه آنقدر مدارک و مستندات پیداشده که آن دوره را به روشنائیِ دوره تاریخی آورده است ، اما قبل از مصرِ دوره فراعنه را «ماقبل تاریخ» می نامند ، زیرا مستندات و شواهدی از آن روزها در دست نیست .

از جمله دوره قوم لوط ، که به استناد آیات همین پاراگراف همدوره حضرت ابراهیم نیز بوده ، در «ماقبل تاریخ» قرار دارد .

در همین پاراگراف سرنخ هایی وجود دارد که اگر تعقیب شود به حفاریی که بقایای شهر لوط را کشف خواهد کرد منجر شده ، و هم دوره لوط (ع) و هم دوره ابراهیم (ع) وارد دوره تاریخی خواهند شد .

چون ما این موضوع را جداگانه و مشروح کار کرده ایم ، در اینجا شرح بیشتری نداده و خواهان ها را به مطالعه «آثار قوم لوط» در سایت این قلم ارجاع میدهیم .

**چه رابطه ای بین کمفروشی و تکذیب پیامبران است؟**

هم این پاراگراف و هم مطالب مشابهی که در سوره های دیگر در باره حضرت شعیب (ع) هست ، وجود چنین رابطه ای را نشان میدهد .

اولین چیزی که در این رابطه دیده ایم ، آیات اوائل سوره مطففین است ، پس از آن در سوره قمر شبیه به همین آیات را ، اما به خلاصگی ، دیده ایم ، که در این پاراگراف مشروح تر بیان شده ، و پس از این نیز در سوره های شعراء و اعراف و جاهای دیگر نیز در داستان های مربوط به حضرت شعیب خواهیم دید .

هر چه باشد در موضوع سلامت اقتصادی یا عکس آن ، یک نوع جهان بینی نهفته است که حالت اول موافق آموزه های دین و حالت دوم مخالف آن است که که تکذیب عملیِ انبیاء را در بطن خویش دارد .

چون موضوع نیاز به بحث گسترده دارد و این پاراگراف تفسیری محل شرح آن نیست، لذا در اینجا بیشتر به آن نمی پردازیم .

**تاریخی یا جغرافیائی؟**

آیه 89 ، آنجا که میفرماید «و ما قوم لوط منکم ببعید»، این بعید نبودن از چه لحاظ است؟ تاریخی یا جغرافیائی؟

از لحاظ تاریخی، حضرت لوط نبی با ابراهیم خلیل علیهماالسلام معاصر بود و هر دو در «ماقبل تاریخ» قرار دارند و این موضوع از آیاتی در قرآن کریم فهمیده میشود، و لذا «نزدیک بودنِ» آنها با قوم شعیب نبی علیه السلام که معاصر حضرت موسی (ع) بود و در «دوره تاریخی» قرار دارد بی معنی است.

لذا مطلب فقط با قرب مسافت در روی زمین یعنی در جغرافیا جور در می آید.

ضمنا در جای دیگری از قرآن کریم دارد: (و انکم لتمرون علیهم مصبحین، و باللیل . . » که نشان میدهد آثار شهر-مسکن لوط در حوالی مکه کنونی است، و لذا آیه مذکور بما میگوید شهر-مسکن قوم شعیب نیز در حوالی مکه میباشد.

**جمع بندی و تفسیر**

**و فرستادگان ما با مژده بر ابراهيم درآمدند و سلام گفتند . سلامي گفت و چيزي طول نکشيد که گوساله­اي چاق و بريان آورد (69) وچون ديد بسوي آن دست دراز نمي کنند آنها را ناشناس گرفت و نگرانيي از آنها پيدا کرد .گفتند مترس که ما بسوي قوم لوط فرستاده شده ايم (70) و همسرش ايستاده بود وحيض شد و آنها مژده اسحق و پس از اسحق يعقوب را به او دادند (71) گفت واي برمن! آيا خواهم زائيد؟ در حاليکه پيرزني هستم و اين شوهرم نيز که پيرمردي است ، البته اين عجيب است (72) گقتند آيا از امر خدا تعجب­مي­کني؟ در حاليکه رحمت خدا و برکاتش بر شما خانواده** (نازل شده) **که او پسنديده بلندمرتبه است (73) پس هنگاميکه نگراني ابراهيم برطرف شد و مژده به او رسيد با ما درباره قوم لوط مجادله ميکرد (74) که ابراهيم البته موقر و دردمند و توبه كار بود (75)** [به او خطاب شد ] **اي ابراهيم از اين بگذر. چنين است که اين امر پروردگارت است و البته عذابي برگشت ناپذير بسويشان آمده است (76)** **و وقتيکه فرستادگانمان به لوط درآمدند ، از ديدنشان ناراحت شد و خود را بيچاره يافت و گفت** (امروز) **روز سختي است (77) و قوم او که قبلا هم کارهاي زشت ميکردند با شتاب بسوي او آمدند . گفت اي مردم اينها دختران من اند. آنها براي شما پاکيزه ترند . از خدا بترسيد و مرا در مقابل مهمانانم خوار نکنيد. آيا در ميان شما يک مرد فهميده نيست؟ (78) گفتند ميداني که در دخترانت حقي نداريم و خودت ميداني چه ميخواهيم (79) گفت اي کاش نيروئي ميداشتم يا ميتوانستم به گوشه محکمي پناه برم (80)** (مهمانانش)**گفتند اي لوط ما فرستادگان پروردگار توايم . آنها هرگز به تو دست نخواهند يافت . پس شبانه اهل خويش را ببر و نبايد کسي از شما به پشت سر خويش نگاه کند غير از زنت که البته به او همان خواهد رسيد که به آنها ميرسد . موعدشان صبح است . آيا صبح نزديک نيست؟ (81) وقتيکه امر ما آمد بالايش را پائين قرار داديم و بر آنها سنگي از کلوخ بارانديم که مرتب و رديف شده بود (82) که نزد پروردگارت نشاندار بود و آن از ظالمان دور نيست (83**) **و بسوي مدين برادرشان شعيب را فرستاديم . گفت اي مردم خداوند را عبادت کنيد که معبود ديگري غير از او نداريد . و ترازو و پيمانه را ناقص ندهيد . من شما را در رفاه مي بينم و بر شما از عذاب روز فراگيرنده ميترسم (84) اي مردم پيمانه و ترازو را بطور کامل بدهيد و مال مردم را کم ندهيد و در زمين به فساد نگرائيد (85) ذخيره خدائي** (و سود معامله) **برايتان بهتر است اگر باور داشته باشيد و من نگهبان شما نيستم (86) گفتند اي شعيب آيا دينت تو را مأمور ميکند که ما آنچه را پدرانمان عبادت ميکردند رها کنيم يا اينکه در اموال خويش هر چه خواستيم نکنيم؟ تو که شخص حليم رشد يافته اي هستي! (87) گفت اي مردم چه نظري داريد اگر من بر دليل روشني از جانب پروردگارم باشم و از آن روزيِ نيکو بمن داده باشد و** (در اين مورد) **صرفأ قصد مخالفت با شما را ندارم . جز اين نيست که قصدم اصلاح است . آنقدر که بتوانم ، و توفيقم جز بر عهده خداوند نيست که بر او توکل کرده ام و بسوي همو باز ميگردم (88) اي مردم مبادا بعلت مخالفت با من همان چيزي به شما برسد که به قوم نوح يا قوم هود يا قوم صالح رسيد و قوم لوط هم که از شما دور نيست (89) و از پروردگارتان آمرزش بخواهيد سپس به سوي او بازگرديد که البته پروردگارم مهربان و دوستدار است (90) گفتند اي شعيب بسياري از چيزهايي را که ميگويي نمي فهميم و تو را در بين خويش ضعيف مي بينيم و اگر قبيله ات نبود سنگسارت ميکرديم و تو عزتي بر ما نداري (91) گفت اي مردم آيا قبيله ام بنظر شما از خداوند که او را پشت سر انداخته ايد مهم تر است؟ البته پروردگارم به اعمال شما احاطه دارد (92) اي مردم هر چه ميتوانيد انجام دهيد . من نيز کار خویش ميکنم . بزودي خواهيد فهميد عذاب خوار کننده به سوي چه کسي خواهد آمد و دروغگو کيست و منتظر باشيد که من نيز همراه شما منتظر خواهم ماند (93) و هنگاميکه فرمان ما آمد شعيب و کساني را که با او ايمان آورده بودند به رحمت خويش نجات داديم و ظالمان را فريادی بلند بگرفت و در خانه هايشان جسدي بي جان شدند (94) گويي که هرگز در آن نبودند . هان ! نابود باد قوم مدين همانگونه که ثمود بود (95) و البته موسي را با آياتمان و دليلي روشن فرستاديم (96) بسوي فرعون و بزرگانش ، پس آنها امر فرعون را پيروي کردند و امر فرعون رشد يافته نبود (97) در روز قيامت پيشاپيش مردمش راه ميرود و آنان را به آتش درمي آورد که چه بد جايگاهي است براي ورود (98) و در اين جهان با لعنت بدرقه شدند و روز قيامت نيز چه عطاي بدي خواهند داشت (99)**

**هود6 آیات100تا123**

**ذَلِكَ مِنْ أَنبَاء الْقُرَى نَقُصُّهُ عَلَيْكَ مِنْهَا قَآئِمٌ وَحَصِيدٌ ﴿100﴾ وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِن ظَلَمُواْ أَنفُسَهُمْ فَمَا أَغْنَتْ عَنْهُمْ آلِهَتُهُمُ الَّتِي يَدْعُونَ مِن دُونِ اللّهِ مِن شَيْءٍ لِّمَّا جَاء أَمْرُ رَبِّكَ وَمَا زَادُوهُمْ غَيْرَ تَتْبِيبٍ ﴿101﴾ وَكَذَلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَا أَخَذَ الْقُرَى وَهِيَ ظَالِمَةٌ إِنَّ أَخْذَهُ أَلِيمٌ شَدِيدٌ ﴿102﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَةً لِّمَنْ خَافَ عَذَابَ الآخِرَةِ ذَلِكَ يَوْمٌ مَّجْمُوعٌ لَّهُ النَّاسُ وَذَلِكَ يَوْمٌ مَّشْهُودٌ ﴿103﴾ وَمَا نُؤَخِّرُهُ إِلاَّ لِأَجَلٍ مَّعْدُودٍ ﴿104﴾ يَوْمَ يَأْتِ لاَ تَكَلَّمُ نَفْسٌ إِلاَّ بِإِذْنِهِ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ ﴿105﴾ فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُواْ فَفِي النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ ﴿106﴾ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالأَرْضُ إِلاَّ مَا شَاء رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِّمَا يُرِيدُ ﴿107﴾ وَأَمَّا الَّذِينَ سُعِدُواْ فَفِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالأَرْضُ إِلاَّ مَا شَاء رَبُّكَ عَطَاء غَيْرَ مَجْذُوذٍ ﴿108﴾ فَلاَ تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِّمَّا يَعْبُدُ هَؤُلاء مَا يَعْبُدُونَ إِلاَّ كَمَا يَعْبُدُ آبَاؤُهُم مِّن قَبْلُ وَإِنَّا لَمُوَفُّوهُمْ نَصِيبَهُمْ غَيْرَ مَنقُوصٍ ﴿109﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتُلِفَ فِيهِ وَلَوْلاَ كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍ ﴿110﴾ وَإِنَّ كُلاًّ لَّمَّا لَيُوَفِّيَنَّهُمْ رَبُّكَ أَعْمَالَهُمْ إِنَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿111﴾ فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَن تَابَ مَعَكَ وَلاَ تَطْغَوْاْ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿112﴾ وَلاَ تَرْكَنُواْ إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُواْ فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ اللّهِ مِنْ أَوْلِيَاء ثُمَّ لاَ تُنصَرُونَ ﴿113﴾ وَأَقِمِ الصَّلاَةَ طَرَفَيِ النَّهَارِ وَزُلَفًا مِّنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرَى لِلذَّاكِرِينَ ﴿114﴾ وَاصْبِرْ فَإِنَّ اللّهَ لاَ يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ﴿115﴾ فَلَوْلاَ كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِن قَبْلِكُمْ أُوْلُواْ بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الأَرْضِ إِلاَّ قَلِيلاً مِّمَّنْ أَنجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُواْ مَا أُتْرِفُواْ فِيهِ وَكَانُواْ مُجْرِمِينَ ﴿116﴾ وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَى بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا مُصْلِحُونَ ﴿117﴾ وَلَوْ شَاء رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلاَ يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ ﴿118﴾ إِلاَّ مَن رَّحِمَ رَبُّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لأَمْلأنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ﴿119﴾ وَكُلاًّ نَّقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنبَاء الرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ وَجَاءكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَمَوْعِظَةٌ وَذِكْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿120﴾ وَقُل لِّلَّذِينَ لاَ يُؤْمِنُونَ اعْمَلُواْ عَلَى مَكَانَتِكُمْ إِنَّا عَامِلُونَ ﴿121﴾ وَانتَظِرُوا إِنَّا مُنتَظِرُونَ ﴿122﴾ وَلِلّهِ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ وَإِلَيْهِ يُرْجَعُ الأَمْرُ كُلُّهُ فَاعْبُدْهُ وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿123﴾**

**ای پیامبر! اين از خبرهاي اقوام قدیمی بود که برايت گفتیم ، آثار بعضي از آنها هنوز پا برجا و بعضي برچيده شده است (100) و ما ظلمي به آنان نکرديم بلکه آنان بر خويش ظلم کردند و آن معبودهائي که غير از خداوند آنها را به عبادت ميخواندند ، وقتيكه امر خدا آمد فايده اي برايشان نداشت و غير از تباهي چيزي برآنها نيفزود (101) و گرفتن پروردگارت چنين است . هنگاميکه شهرهائي را که به ظلم ميپردازند ميگيرد ، گرفتنش شديد و دردناک است (102) البته در اين براي کسي که از عذاب آخرت بترسد آيه عبرتی است . آن روز ، روزي است که مردم در آن جمع ميگردند و روزي است که در آن شهادت ها داده ميشود (103) و ما آنرا جز تا مدتي شماره شده و کم ، به تأخير نيانداخته­ ايم (104) آن روز روزي است که هيچکس سخن نميگويد مگر به فرمان خداوند . و بعضي از مردم سعادتمند و بعضي بي بهره خواهند بود (105) آنانکه بي بهره شدند در آتش خواهند بود که صداي بدهنجار خواهد داشت (106) و در آن جاودان خواهند بود، آنقدر که آسمانها و زمين برقرار باشد ، مگر اينکه پروردگارت بخواهد زودتر رهایشان کند که پروردگار تو البته آنچه حکیمانه بداند ميکند (107) اما آنانکه لیاقت خوشبختی داشتند در بهشت جاودان خواهند بود آنقدر که آسمانها و زمين باشد مگر آنکه خدا بخواهد و اين عطائي است که قطع نخواهد شد (108) پس درباره آنچه اينها عبادتش ميکنند در شکّي مباش . عبادت اينها مانند عبادت پدرانشان است و ما البته نصيب آنها را بطور کامل ميدهيم (109) و البته ما آن کتاب را به موسي داديم و در آن اختلاف شد و اگر اينطور نبود که کلمه اي از جانب پروردگارت قبلا صادر شده بود ، حتمأ فرمان نابودي شان ميرسيد . و آنها البته درباره آن در شکي بزرگ هستند (110) و البته پروردگارت سزاي اعمال همه آنها را بطور کامل ميدهد زیرا که ازاعمالشان با خبر است (111) پس چنانکه مأمورهستي استقامت کن و کساني که با تو بسوي خدا بازگشته اند رانيزبه استقامت وادار و سركشي مکنيد که او به اعمال شما بيناست (112) و بسوي ظالمان کمی نیز متمايل مشويد که آتش به شما ميرسد و جز خدا دوستاني نخواهيد داشت و در آنصورت از جانب خدا ياري هم نميشويد (113) و نماز را در دو طرف روز و پاسي از شب بپا دار . البته نيکي ها بدي ها را نابود مي کند . اين پندي است براي کساني که اهل تذکرند (114) و پايداري کن و خداوند پاداش نيکوکاران را ضايع نمي کند (115) پس چرا از قرون قبل ا زشما خير انديشاني نبودند که از فساد در زمين نهي کنند؟ مگر عده کمي که نجاتشان داديم ، و مردم ظالمان را در خوشگذرانيهای آنها پيروي کردند و گناهکار شدند (116) و پروردگارت اينطور نيست که شهرها را به ظلم هلاک کند در حاليکه آنها اصلاحگرند (117) و اگر پروردگارت ميخواست، همه مردم را يکجور قرار ميداد ولي پيوسته در اختلاف خواهند بود (118) مگر کسي که پروردگارت رحمش کند و براي همين هم خلقشان کرده و کلمه پروردگارت تماميت يافت به اينکه جهنم را از همگیِ گناهکارانِ جن و انس پر خواهم کرد (119) و کلّا از اخبار پيامبران برايت نقل ميکنيم تا دلت بوسيله آن آرام شود و در اين سوره حق و موعظه و پندي براي مومنان است (120) و به بي ايمان ها بگو هر چه ميتوانيد انجام دهيد که ما نيز کار خویش ميکنيم (121) و منتظر باشيد که ما نيز منتظريم (122) و علمِ نهاني هاي آسمان ها و زمين از آن خداست و همه امور به سوي او بازميگردد . پس ای پیامبر و ای مومنان بر او توکل و او را عبادت کنید و پروردگارتان از آنچه انجام ميدهيد غافل نيست (123)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: مکذبان پيامبران سابق هلاک و خود آنها و پيروانشان نجات يافتند پس تو اي پيامبر محکم و منتظر باش .**

**درب : هشدار و مژده به دو نوع مخاطب پيامبر راجع به دو نوع نتيجه آخرتي و ارشاد پيامبر که به اين علت هاست که در عذاب اينها تعجيل نمي کنيم ، لذا صبر کن و چنين بگوي و محکم و مطمئن به رسالتت بپرداز .**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 به کافران هشدار میدهد که مبادا مانند مکذبان پيامبران گذشته باشيد (و به آن عاقبت دچار شويد) و اي پيامبر به سخنان کفار گوش نسپار و به رسالتت بپرداز .

در پاراگراف 2 می فرماید ای پیامبر ! مردم درآخرت به دودسته بزرگ دسته بندی می شوند ، کسانی که خودرا بدبخت کرده اند وکسانی برعکس آنها .

در پاراگراف 3 نمونه ای از رفتارکسانی در یکی از اقوام پیشین که خود را هلاک کرده اند را بیان میکند (با این زمینه که مبادا شما ها چنین کنید !)

در پاراگراف 4 همان مطلب فوق را با همان منظور در باره قوم عاد و قوم ثمود می فرماید .

در پاراگراف 5 می فرماید : از میان بندگان ما کسانی هم هستند که زندگی صحیحی میکنند و در نتیجه هم دردنیا و هم درآخرت وضع مطلوبی را دارا میشوند و ضمنا به همان روال داستانی قبل ادامه داده و مانند همان مطالب چند پاراگراف قبل را با همان منظور در باره سه قوم لوط و شعیب و فرعون میفرماید .

در این پاراگراف می فرماید ای پیامبر ! مردم در رابطه با موضوع ماموریت تو به دو دسته تقسیم میشوند . دسته دوم که اهل هلاک اند ، کسی جزخودشان مقصرنیست ولذا تو با آرامش به رسالتت بپرداز و برای ادامه شایسته ماموریتت ، هم باید صبر مناسبی ازخویش نشان دهی و هم رژیم عبادتی متناسبی داشته باشی .

**3 - سوالات**

1 - « **لِّمَّا جَاء أَمْرُ رَبِّكَ** » (آیه101 ) باکدام کلید تفسیر مطابق است؟ « **وَهِيَ ظَالِمَةٌ** » (آیه102 ) چطور؟

2 – با توجه به اینکه علی الاصول «خدایان» مطلقا - دردنیا و آخرت - بی خاصیت اند ، چرا این جمله «مازادوهم» را در آیه101 فرموده؟ جمله مذکورچه نوعی از سخن است؟ (کنایه؟ طنز؟ یا...؟)

3- « **مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالأَرْضُ** » (آیه های107و108) باکدام کلید تفسیر مطابق است؟

4 - از « **يَوْمَ يَأْتِ لاَ تَكَلَّمُ نَفْسٌ إِلاَّ بِإِذْنِهِ** » (آیه105) چه سابقه ای درسوره های قبل دارید؟

5 – چرا سعید را به حالت معلوم آورده در حالیکه شقی را در حالت مجهول ذکر فرموده؟

6 - «ما دامت السموات و الارض» در مورد اهل عذاب مفهوم است ، به این معنی که آنها به مقدار لازم تنبه حاصل کرده اند و شایستگی یک زندگی عادی را در آن شرایط عالی جهان بعدی یافته اند ، اما همین عبارت در باره اهل نعمت به چه معنی است؟ (از دست دادن صلاحیت و لیاقت در اثر رفتار مغایر با شئون آنجا ؟ یا . . . ؟)

7 – منظور از « **الَّذِينَ ظَلَمُواْ**» (آیه113) چه کسانی است؟

8 - « **إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ**» (آیه114) با کدام کلید تفسیر مطابق است؟

9 – در آیه 109 ، منظور از «نصیبهم» چیست؟ (دنیائی؟ اخروی؟ یا . . ؟)

10 – آیه 111 دنباله منطقی کدام آیه است؟

11 – از «لاتطغوا» (آیه 112) چه حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها میتوان زد؟ از «ولا ترکنوا . . . » چطور؟

12 – منظور از «**أُوْلُواْ بَقِيَّةٍ**» (آیه116) چیست؟

13 – منظور از « **الَّذِينَ ظَلَمُواْ** » (آیه116 ) چه کسانی است؟

14 – در رابطه با « **وَلاَ يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ** » (آیه118 ) کدام گزینه را انتخاب میکنید؟ (این سرشت بشراست وچاره ای جزاین نیست - متاسفانه اکثرا چنین اند - یا....؟)

15 – آیه 117 با موضوع کدام کلید تفسیر تناسب دارد؟

16 – در آیه 116 – سوال از چه کسی است ؟ (آنحضرت ؟ مردم ؟ هر دو؟)

17 – در همان آیه منظور از ظلم چیست؟

18 – آیه 123 چه حالتی دارد؟ (دلداری؟ یا . . ؟)

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

از آیه 109 فهمیده میشود خداوند در موضع آرام کردن آنحضرت است که اینقدر ناراحت نباش بالاخره اینها یک مستمسکی دارند ، و در آیات 112 تا 115 به آنحضرت میفرماید هیچ کوششی نکنید که برای براه آوردن آنها کوچکترین معامله ای با آنها کنید و نیز برای تحمل بیشتر صبر پیشه کنید و خودت هم این رژیم عبادتی را در پیش گیر .

از آیه 118 فهمیده میشود که خداوند در موضع دلداری دادن به آنحضرت است و از آیه 120 فهمیده میشود که این داستانهاب پیامبران سابق که در این ایام با حجم زیاد نازل میشود برای تثبیت آنحضرت و مومنان است و به آنحضرت توصیه میکند موضوع بی اعتنایی را در مقابل فعالان کفر در پیش گیرد .

**5 - کلید های تفسیری**

آیه 104 فرع بر آیه 103 و خود آیه 103 فرع بر آیه 102 است.

آیه 102 نیز که جمع­بندی دو آیه 100 و 101 است فرع بر آنهاست.

آیه 107 فرع بر آیه 106 است.

آیه­های 106 و 108 نیز دارند عاقبت مدلول­های دو کلمه آخر آیه 105 را بیان می­کنند لذا آنها نیز فرع بر آیه 105 می­باشند.

آیه 113 بدون این که فرع بر آیه­ای باشد پرانتزی است زیرا اگر چشم خویش را بر آن ببندیم خواهیم دید روال سخن صاف و یکدست است.

همچنین است وضع آیه 110.

آیه 117 بدون این که فرع بر آیه­ای باشد پرانتزی است، دلیلش هم این که اگر چشم خویش را بر آن ببندیم و قبل و بعد آن را به یکدیگر وصل کنیم خواهیم دید روال سخن صاف و یکدست است.

آیه 119 فرع بر آیه 118 است و این واضح است.

همچنین است راجع به آیه 122 که آن نیز فرع بر آیه 121 است و این نیز واضح است.

**ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:**

**1**

**ذَلِكَ مِنْ أَنبَاء الْقُرَى نَقُصُّهُ عَلَيْكَ مِنْهَا قَآئِمٌ وَحَصِيدٌ ﴿100﴾ وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِن ظَلَمُواْ أَنفُسَهُمْ فَمَا أَغْنَتْ عَنْهُمْ آلِهَتُهُمُ الَّتِي يَدْعُونَ مِن دُونِ اللّهِ مِن شَيْءٍ لِّمَّا جَاء أَمْرُ رَبِّكَ وَمَا زَادُوهُمْ غَيْرَ تَتْبِيبٍ ﴿101﴾ وَكَذَلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَا أَخَذَ الْقُرَى وَهِيَ ظَالِمَةٌ إِنَّ أَخْذَهُ أَلِيمٌ شَدِيدٌ ﴿102﴾**

**درس: مکذبان پيامبران سابق هلاک و خود آنها و پيروانشان نجات يافتند پس تو اي پيامبر محکم و منتظر باش .**

**درب : هلاکت اقوام پیشین به علت رفتار خودشان بوده است.**

**2**

**إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَةً لِّمَنْ خَافَ عَذَابَ الآخِرَةِ ذَلِكَ يَوْمٌ مَّجْمُوعٌ لَّهُ النَّاسُ وَذَلِكَ يَوْمٌ مَّشْهُودٌ ﴿103﴾ وَمَا نُؤَخِّرُهُ إِلاَّ لِأَجَلٍ مَّعْدُودٍ ﴿104﴾ يَوْمَ يَأْتِ لاَ تَكَلَّمُ نَفْسٌ إِلاَّ بِإِذْنِهِ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ ﴿105﴾ فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُواْ فَفِي النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ ﴿106﴾ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالأَرْضُ إِلاَّ مَا شَاء رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِّمَا يُرِيدُ ﴿107﴾ وَأَمَّا الَّذِينَ سُعِدُواْ فَفِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالأَرْضُ إِلاَّ مَا شَاء رَبُّكَ عَطَاء غَيْرَ مَجْذُوذٍ ﴿108﴾ فَلاَ تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِّمَّا يَعْبُدُ هَؤُلاء مَا يَعْبُدُونَ إِلاَّ كَمَا يَعْبُدُ آبَاؤُهُم مِّن قَبْلُ وَإِنَّا لَمُوَفُّوهُمْ نَصِيبَهُمْ غَيْرَ مَنقُوصٍ ﴿109﴾**

**درس: مکذبان پيامبران سابق هلاک و خود آنها و پيروانشان نجات يافتند پس تو اي پيامبر محکم و منتظر باش .**

**درب : هلاکت اقوام پیشین عبرتی است برای کسانی که به چنین عاقبتی مومن اند.**

**3**

**وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتُلِفَ فِيهِ وَلَوْلاَ كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍ ﴿110﴾ وَإِنَّ كُلاًّ لَّمَّا لَيُوَفِّيَنَّهُمْ رَبُّكَ أَعْمَالَهُمْ إِنَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿111﴾**

**درس: مکذبان پيامبران سابق هلاک و خود آنها و پيروانشان نجات يافتند پس تو اي پيامبر محکم و منتظر باش .**

**درب : ای پیامبر! در باره اختلاف این مردم نسبت به تعالیم قرآن به پروردگارت توکل کن.**

**4**

**فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَن تَابَ مَعَكَ وَلاَ تَطْغَوْاْ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿112﴾ وَلاَ تَرْكَنُواْ إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُواْ فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ اللّهِ مِنْ أَوْلِيَاء ثُمَّ لاَ تُنصَرُونَ ﴿113﴾ وَأَقِمِ الصَّلاَةَ طَرَفَيِ النَّهَارِ وَزُلَفًا مِّنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرَى لِلذَّاكِرِينَ ﴿114﴾ وَاصْبِرْ فَإِنَّ اللّهَ لاَ يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ﴿115﴾**

**درس: مکذبان پيامبران سابق هلاک و خود آنها و پيروانشان نجات يافتند پس تو اي پيامبر محکم و منتظر باش .**

**درب : ای پیامبر! برای افزایش ظرفیتت این عبادات را پیشه کن و هم خودت صبر پیشه کن و هم پیروانت را به صبر وادار و هیچ به مخالفانتان متمایل مشوید.**

**5**

**فَلَوْلاَ كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِن قَبْلِكُمْ أُوْلُواْ بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الأَرْضِ إِلاَّ قَلِيلاً مِّمَّنْ أَنجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُواْ مَا أُتْرِفُواْ فِيهِ وَكَانُواْ مُجْرِمِينَ ﴿116﴾ وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَى بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا مُصْلِحُونَ ﴿117﴾**

**وَلَوْ شَاء رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلاَ يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ ﴿118﴾ إِلاَّ مَن رَّحِمَ رَبُّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لأَمْلأنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ﴿119﴾**

**درس: مکذبان پيامبران سابق هلاک و خود آنها و پيروانشان نجات يافتند پس تو اي پيامبر محکم و منتظر باش .**

**درب : علت هلاکت پیشینیان قلّت نهی کنندگان فساد و اختلاف در متن وحی بود، وگرنه خداوند برای همگان لطف و رحمت میخواهد.**

**6**

**وَكُلاًّ نَّقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنبَاء الرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ وَجَاءكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَمَوْعِظَةٌ وَذِكْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿120﴾ وَقُل لِّلَّذِينَ لاَ يُؤْمِنُونَ اعْمَلُواْ عَلَى مَكَانَتِكُمْ إِنَّا عَامِلُونَ ﴿121﴾ وَانتَظِرُوا إِنَّا مُنتَظِرُونَ ﴿122﴾ وَلِلّهِ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ وَإِلَيْهِ يُرْجَعُ الأَمْرُ كُلُّهُ فَاعْبُدْهُ وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿123﴾**

**درس: مکذبان پيامبران سابق هلاک و خود آنها و پيروانشان نجات يافتند پس تو اي پيامبر محکم و منتظر باش .**

**درب : ای پیامبر! ثابت و استوار باش و به رفتار های مخالفانت اهمیت زیاد مده و به خداوند توکل کن.**

**6 - آیات برجسته این پاراگراف**

آیه 116 از این لحاظ برجستگی داردکه خداوند میفرماید که ای آدم های خوب! اینقدر شاه سلطان حسین وار هی چشم تان به آسمان نباشد و مسائلی را که باید راجع به آنها عمل کرد به دعا و نذر و نیاز و امثال آن رد نکنید. و معادل واضح آن «لولا دفع الله الناس بعضهم ببعض لهدمت صوامع و بیع و صلوات و مساجد . . » است که چند سال بعد در سوره حج (آیه 40) نازل شده است.

**7 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

از نمونه های موضوع تیتر فوق یکی آیه 100 است که حتی ما بشر قرن بیست و یکم هم تصور محوی هم از آن نداریم، چه رسد عرب های 1400 سال پیش.

همچنین است محتوای آیه 104که حتی ما بشر امروزی نیز از زمان وقوع قیامت کوچکترین تصوری نداریم.

نیز آیه های 106 تا 108که هیچکس (حتی انبیاء و اولیاء به نص صریح آیات قرآن کریم) و بشر امروزی (چه رسد عرب های 1400 سال قبل) کوچکترین ذهنیتی راجع به مدلول آنها ندارد.

**8 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در آیات 109 تا 115 باز هم پیشگوئی هایی از نوع «کوچکترین تردیدی نداشته باش» و «محکم و استوار باش» و « این رژیم عبادی را در پیش گیر» دارد که تحقق نتیجه همه آنها دیده شده است .

اگر آیات قبل از آیه 122 را ملاحظه فرمائید چنین فهمیده می­شود که آیه 122 متضمن وعده شکست مخالفان و تکذیبگران و کافران است و چنانکه واقعیات تاریخی نشان داد این وعده نیز تحقق یافته است.

**9 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در طول این مدت طولانی ، از نزول این سوره تا به امروز ، تغییر معناییِ چندانی نیافته ، و لذا مخاطب های اولیه نیز از این پاراگراف همان تلقی را میداشته اند که ما .

**10 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

1 - هشدار و مژده به دو نوع مخاطب پيامبر راجع به دو نوع نتيجه آخرتي شان.

2 - ارشاد پيامبر راجع به علتِ عدم تعجیل در عذاب مکذب ها. و امر ایشان به صبر

و اینکه چنين بگويد و محکم و مطمئن به رسالتش بپردازد .

**11 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

غیر از آیه های 100 تا 102 و 122 ، بقیه آیات پاراگراف «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**قائم و حصید (آیه 100)**

یعنی این اقوام پیشین که هلاک شده اند ، شهرهای بعضی از آنها هنوز هم – یعنی در زمان نزول این آیات - برقرار است (مانند آثار موجود در مصر) و بعضی دیگر ویران و یا ناپیدا است (مانند آثار شهر-مسکن قوم لوط)

**به تاخیر می اندازد**

«ه» در «نوخره» (آیه 104) اشاره به عذابی است که مخالفان پیامبر تا اینجا مستحقش شده اند ، ولی خداوند بنا به مصالحی آن را به تاخیر می اندازد .

**امر وجودی و امر عدمی**

در آیه­های 106 و 108 بدبخت شدن هر کس به خودش، اما خوشبخت شدن هر کس به خداوند نسبت داده شده است.

زیرا خوشبخت شدن یک امر «وجودی» است ، ومستند به خداوند است .

یعنی اینکه شخص خوشبخت از امکانات خدائی استفاده کرده که خوشبخت شده ، (قوت جسم ، قوت ذهن ، هدایت های عمومی ، اوضاع و احوال مساعد ، وغیره وغیره) همه اینها امکانات خدائی است وکسیکه از اینها استفاده کند و خوشبخت شود خدا او را خوشبخت کرده است .

اما شخص بدبخت می ­توانست از آنها استفاده کند اما نکرده ، پس ، خودش خود را بدبخت کرده است .

**قیامت نزدیک است**

در آیه 104 فرموده قیامت تا «سرآمدی معدود» (یعنی کم) عقب انداخته شده است. برای اینکه تصوری از «کوتاه»ی فاصله قیامت داشته باشید ، نگاهی به سن خودتان کنید .

تا اینجای زندگی تان چگونه به شما گذشته است؟

اگر نگاهی به همه گذشته خویش کنید این احساس را پیدا نمی کنید که «چه زود گذشت»؟!

بقیه اش هم همینطور است!

وقتیکه به اواخر عمر خویش رسیدید اگر باز هم همان نگاه به گذشته را کنید باز هم همان احساس را پیدا خواهید کرد .

پس از آن نیز برزخ است که یک فضای «خواب مانند» است و پس از آن هم فورا قیامت است .

یعنی فاصله ما تا قیامت ، بقیه عمر ما است و سپس یک خواب است و پس از آن نیز قیامت است ! این نزدیک نیست؟

**به ظالمان متمایل نشوید**

از جمله و«ولا ترکنوا . . » (آیه 113) میتوان حدس زد که مسلمانان – علاوه بر اینکه اقلیت و نیز ضعیف بودند - در بین مخالفان خویش محصور هم بودند و دائما در معرض این بودند که بنا بر مصالح فامیلی و همسایگی و شغلی و زیستی و سایر انواع الزامات محیطی ، به نوعی ، حتی اندک ، تحت تاثیر آنان قرار گیرند و آیه فوق به آنان – ضمن هویت بخشی – هشدار میدهد که مبادا موقعیت معنوی والای خویش را دستکم بگیرند و اسیر ظواهر شوند .

**نکته تاریخی**

آیه 116 حاوی یک نوع اظهار تاسف الهی است که چرا در زمان های سابق عده ای

(غیر از قلیلی) نبوده اند که در مقابل مفسدان قد علم کنند .

حقیقت این است که هرچه در تاریخ بشر به عقب میرویم این نکته بیشتر دیده میشود که آدم ها خود را در مقابل طبقات مسلط «چیزی نمیدیده اند» و اساسا از مخیله شان این نمیگذشته است که مثلا ایرادی از چیزی که آن را غلط و ناصحیح می پنداشته اند بگیرند .

لذا ، طبقات مسلط بدون اینکه نگرانیی از چیزی داشته باشند هرکاری که دلشان میخواست میکرده اند .

آن عده قلیل هم که در آیه استثناء شده ، پیروان پیامبران بوده اند ، یعنی اینکه بار اعتراضات به مفاسد بر دوش پیامبران بوده ، و انسانها (یِ غیر پیامبر) نقشی در آن نداشته اند .

**کمک مستقیمی که این روش تفسیری نمود**

در آیه 120 فرموده که ذکر داستان­های پیامبران گذشته برای ایجاد ثبات در قلبت می­باشد.

اگر «درس» سوره را مورد توجه قرار دهید هماهنگی معنی­داری را با آن موضوع می­بینید که نوعی «تأییدیه»ای است که این روش مستقیماً از آن آیه الهی دریافت کرده است ، در حالی که می­دانید استخراج درس و درب یک مکانیزم نظام­دار بسیار روشنی دارد.

به دیگر سخن ، ما کار خودمان را ، مانند همه سوره های دیگر ، در استخراج «درس» سوره کردیم ، برابر در آمدنِ نتیجه کار ما با جمله فوق نوعی تاییدیه الهی است .

**جمع بندی و تفسیر**

**اين از خبرهاي شهرها بود که برايت گفتیم ، بعضي از آنها** (هنوز) **پا برجا و بعضي برچيده شده است (100) و ما ظلمي به آنان نکرديم بلکه آنان بر خويش ظلم کردند و آن معبودهائي که غير از خداوند** (به دعا) **ميخواندند ، وقتيكه امر خدا آمد فايده اي برايشان نداشت و غير از تباهي چيزي برآنها نيفزود (101)**{و گرفتن پروردگارت چنين است . هنگاميکه شهرهائي را که به ظلم ميپردازند ميگيرد ، گرفتنش شديد و دردناک است} (102) {البته در اين براي کسي که از عذاب آخرت بترسد آيه اي است . {{آن روز ، روزي است که مردم در آن جمع ميگردند و روزي است که در آن شهادت داده ميشود}}(103) {و ما آنرا جز تا مدتي شماره شده ، به تأخير نيانداخته­ ايم} (104) **روزي بيايد که هيچکس سخن نميگويد مگر به فرمان او. پس ، از آنها بعضي سعادتمند و بعضي بي بهره اند (105)** {آنانکه بي بهره شدند در آتش خواهند بود که صداي بدهنجار خواهد داشت} (106) {در آن جاودان خواهند بود، آنقدر که آسمانها و زمين برقرار باشد {{مگر اينکه پروردگارت بخواهد}}که پروردگار تو البته آنچه بخواهد ميکند}(107) {اما آنانکه خداوند خوشبختشان کرد پس در بهشت جاودان خواهند بود آنقدر که آسمانها و زمين باشد {{مگر آنکه خدا بخواهد}} و اين عطائي است که قطع نخواهد شد} (108) **پس درباره آنچه اينها عبادتش ميکنند در شکّي مباش . عبادت اينها مانند عبادت پدرانشان است و ما البته نصيب آنها را بطور کامل ميدهيم (109)** {و البته ما آن کتاب را به موسي داديم و در آن اختلاف شد و اگر اينطور نبود که کلمه اي از جانب پروردگارت قبلا صادر شده بود ، حتمأ فرمان (نابودي) شان ميرسيد . و آنها البته درباره آن در شکي هستند}(110)  **و البته پروردگارت سزاي اعمال همه آنها را بطور کامل ميدهد زیرا که ازاعمالشان با خبر است (111) پس چنانکه مأمورهستي استقامت کن و کساني که با تو** (بسوي خدا) **بازگشته اند** (رانيزبه استقامت وادار) **و سركشي مکنيد که او به اعمال شما بيناست (112)** { و بسوي ظالمان متمايل مشويد که آتش به شما ميرسد و جز خدا دوستاني نخواهيد داشت و (در آنصورت) ياري هم نميشويد}(113) **و نماز را در دو طرف روز و پاسي از شب بپا دار. البته نيکي ها بدي ها را نابود مي کند . اين پندي است براي کساني که اهل تذکرند (114) و پايداري کن و خداوند پاداش نيکوکاران را ضايع نمي کند (115)** **پس چرا از قرون قبل ا زشما خير انديشاني نبودند که از فساد در زمين نهي کنند؟** {مگر عده کمي که نجاتشان داديم} **، و** (مردم) **ظالمان را در خوشگذرانيها پيروي کردند و گناهکار شدند؟ (116)** {و پروردگارت اينطور نيست که شهرها را به ظلم هلاک کند در حاليکه آنها اصلاحگرند}(117) **و اگر پروردگارت ميخواست، همه مردم را يکجور قرار ميداد ولي پيوسته در اختلاف خواهند بود (118)** {مگر کسي که پروردگارت رحمش کند و براي همين هم خلقشان کرده و کلمه پروردگارت تماميت يافت به اينکه جهنم را از جن و انس همگي پر خواهم کرد}(119) **و کلّا از اخبار پيامبران برايت نقل ميکنيم تا دلت بوسيله آن آرام شود و در اين** (سوره) **حق و موعظه و پندي براي مومنان بسويت آمده است (120) و به بي ايمان ها بگو هر چه ميتوانيد انجام دهيد که ما نيز عمل ميکنيم (121)** {و منتظر باشيد که ما نيز منتظريم}(122) **و نهاني هاي آسمان ها و زمين از آن خداست و همه امور به سوي او بازميگردد. پس بر او توکل و او را عبادت کن و پروردگارت از آنچه انجام ميدهيد غافل نيست (123)**

**سوره شعراء**

**﴿ بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾**

**طسم ﴿1﴾ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ ﴿2﴾ لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَّفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ ﴿3﴾ إِن نَّشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِم مِّن السَّمَاء آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ ﴿4﴾ وَمَا يَأْتِيهِم مِّن ذِكْرٍ مِّنَ الرَّحْمَنِ مُحْدَثٍ إِلَّا كَانُوا عَنْهُ مُعْرِضِينَ ﴿5﴾ فَقَدْ كَذَّبُوا فَسَيَأْتِيهِمْ أَنبَاء مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُون ﴿6﴾ أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَمْ أَنبَتْنَا فِيهَا مِن كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ ﴿7﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ ﴿8﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿9﴾**

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**طسم (1) اين آياتِ آن کتاب آشکار است (2) ای پیامبر! شايد ميخواهي خودت را هلاک کني که آنان ايمان نمي آورند (3) به خویش سخت نگیر! زیرا اگر بخواهيم میتوانیم از آسمان معجزه اي بر آنان نازل مي کنيم تا گردنهايشان در مقابلش خاضع شود (4) و سران این کفار چنانند که هيچ پند تازه اي از جانب خداوند رحمان بسويشان نمی آید مگر آنکه از آن رويگردانند (5) و تکذيب میکنند و البته بزودي اخبار آنچه را که مسخره اش ميکنند بسويشان خواهد آمد (6) آيا به زمين نمي نگرند که نعمتها را ببينند؟ از جمله اینکه چه بسيار از گياهان ارزشمند از هر گونه اي در آن رويانديم (7) البته در اين نشانه اي است و اکثرشان مومن نيستند (8) و البته پروردگارت آن پيروزمند مهربان است (9)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

تاکنون ، در چهار جلد قبلی این تفسیر ، در ابتدای پاراگراف اول هر سوره ، ذیل تیتر فوق ، لااقل دو جدول اول و آخر طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یا همان «درس» سوره) را می آوردیم ، اینک که خواننده محترم به اندازه کافی آنها را دیده ، و دانسته که طرز استخراج چگونه است ، به علت علاقه به رعایت اختصار ، دیگر جدول های مذکور را که دائما طولانی تر میشود ، ذکر نمیکنیم ، و اگر کسی بخواهد، میتواند همه آنها را در کتاب «راهنمای تحلیلی» ما (در سایت ما که در اول و آخر این کتاب معرفی کرده ایم) ببیند .

**درس: چگونه خداوند پيامبران را موفق و تکذيب کنندگان آنان را نابود مي کند.**

**درب : اي پيامبر صبر کن اوضاع مطلوب خواهد شد.**

**2 - سوالات**

1 – در این پاراگراف (آیات 1 تا 9) چه عاملی را علت عمده تکذیب پیامبر (ص) بر شمرده؟ (غفلـــــت از نعمت های الهی؟ غفلت از عزیز و رحیم بودن خداوند؟ یا...؟)

2 – حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟ (امید بخش؟ یا . . . ؟)

3 - در آیه 6 ، منظور از چه نوع خبر هایی است؟

4 – در آیه 7 چرا فقط به یک نوع نعمت بسنده نموده؟ یعنی اینکه چرا ذکر این نوع نعمت را ترجیح داده؟

**3 – حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

اگر با توجه به لیست ترتیب نزول ، نگاهی گذرا به آنچه از قرآن کریم تاکنون نازل شده داشته باشیم متوجه می­شویم که:

1- پیامبر خیلی برای ایمان­آوری مردم آن زمان زحمت می­کشیدند اما می­دیدند پیشرفت کم است و از این موضوع بسیار ناراحت بودند .

2- معارف الهی آنقدر به آن مردم رسیده بود که اگر بخواهند بتوانند راه صحیح را انتخاب کنند .

3- اما علیرغم دو عنصر فوق ، جوّ غالب ، جوّ رویگردانی و تکذیب بود .

البته مشکل اصلی پیامبر(ص) «سران» مخالفان او بودند و گرنه مردم عادی ، چنان که در روز فتح مکه دیده شد ، دستجمعی ایمان آوردند زیرا در آن روز «رفع مانع» شده بود و «سران» تسلیم شده بودند و مردم عادی ، البته، چندان شخصیت محکمی نداشتند که در مقابل «سران» بایستند.

از آیه 3 فهمیده میشود آنحضرت با تمام وجود درگیر رسالتش بوده و بی توجهی و بی اعتنائی و رویگردانی مخاطبان موجب ناراحتی شدیدشان میشده ، در آیه های 4 و 5 خداوند دلداریش میدهد که اعراض آنها چندان اهمیت ندارد .

**4 – کلید های تفسیری**

آیه 3 در جهت دلداری پیامبر(ص) است و اگر محتوا را در نظر بگیریم تشخیص خواهیم داد که آیه 4 فرع بر آن است . به همین روش می­فهمیم که آیه 6 نیز فرع بر آیه 5 است . نیز ، آیه 7 فرع بر مجموع دو آیه قبل از خویش است .

دو آیه 8 و 9 اصطلاحاً «ترجیع­بند» است و در انتهای هر پاراگراف تکرار می­شود و لذا نمی­تواند فرعی باشد .

لذا آیات اصلی این پاراگراف عبارت است 1 و 2 و 3 و 5 و 7 و 8 و 9.

**استخراج لبّ مطلب :**

چون آیات اصلی پاراگراف زیاد است و تشخیص آیات پرانتزی چندان کمکی نکرد ، چاره­ای نمی­ماند مگر اینکه برای استخراج لبّ مطلب روی تک­تک آیات اصلی متمرکز شویم تا بتوانیم به یک جمع­بندی برسیم :

آیه 1: حروف مقطعه.

آیه 2: توصیف قرآن.

آیه 3: دلداری پیامبر که از ایمان نیاوردن مردم آنقدرها ناراحت نباشد (آیه 4 فرع بر این آیه است)

آیه 5: نکوهش کافران که راجع به هر پند تازه از جانب خداوند رویگردانی می­کنند (آیه 6 فرع بر این آیه است)

آیه 7 : ذکر نعمت .

آیه 8: نکوهش کافران که نشانه­ الهی را نمی­بینید و ایمان نمی­آورند .

آیه 9: ذکر دو صفت برجسته الهی: عزت و رحمت .

حروف مقطعه با محتوای هر سوره تناسبی دارد و طبعاً نسبت آن به توصیف قرآن مثل نسبت خاص است به عام و لذا در این جا می­توانیم آن را در «ضمن» آیه 2 ببینیم.

نکوهش کافران نیز با دلداری پیامبر قابل جمع است زیرا پیامبر حق است و کافران ناحق و نکوهش ناحق ، دلداریِ پیامبرِ حق است.

بنابراین تمرکز فوق را می­توانیم اینطور هم ببینیم:

توصیف قرآن × 2

دلداری پیامبر ×3

ذکر دو صفت برجسته الهی: عزت و رحمت.

چنانکه دیده میشود دلداری پیامبر بیشترین حجم را دارد و اگر آن را محور بگیریم می­بینیم دو عنصر دیگر نیز با آن جور است زیرا به او گفته می­شود چنین قرآنی به تو داده­ایم و پروردگارت هم دست­نیافتنی و نسبت به تو بسیار مهربان است.

با این تفاصیل به وضوح معلوم می­شود که لبّ مطلب این پاراگراف دلداری پیامبر(ص) است .

حالا این استخراج را تست می­کنیم ببینیم چه جواب می­دهد ؟

آیه 2: ای پیامبر! چنین قرآنی را به تو وحی کرده­ایم (حاوی دلداری هست)

آیه 3: ای پیامبر! این قدر ناراحت نباش که ایمان نمی­­­آورند (این هم حاوی دلداری هست)

آیه 4: ای پیامبر! در مهلت دادن به آنها حکمتی هست (حاوی دلداری)

آیه 5: ای پیامبر! اینها ­ که ایمان نمی­آورند عیب از خودشان است (این نیز حاوی دلداری هست)

آیه 6: شبیه آیه 5.

آیه 7: آنها که این آیات واضح را نمی­بیننند ایرادی در خودشان دارند (این هم از نوع نکوهش است و طبق آیه­های 5 و 6 حاوی دلداری است)

آیه 8: آنها نمی­توانند چنین نشانه­ای را تشخیص بدهند و ایمان بیاورند (این نیز نکوهش است و طبق آیه­های 5 و6 حاوی دلداری است)

آیه 9: پشتیبانت کسی دست­نیافتی است که ضمناً نسبت به تو بسیار هم مهربان است (این نیز به وضوح حاوی دلداری است)

همه این مطالب را اگر خلاصه کنیم، می­توان گفت که لبّ مطلب این پاراگراف این است: «دلداری پیامبر(ص)»

اگر دقت کنید خواهید دانست که این نتیجه معادل «درب» است که از راه دوم استخراج شده است .

**ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:**

**1**

**طسم ﴿1﴾ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ ﴿2﴾**

**درس: چگونه خداوند پيامبران را موفق و تکذيب کنندگان آنان را نابود مي کند.**

**درب : ای پیامبر! همین قرآن زمینه ساز توفیقت و نابودی مساعیِ مکذبانت خواهد بود.**

**2**

**لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَّفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ ﴿3﴾ إِن نَّشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِم مِّن السَّمَاء آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ ﴿4﴾**

**درس: چگونه خداوند پيامبران را موفق و تکذيب کنندگان آنان را نابود مي کند.**

**درب : ای پیامبر! راحت باش، ما قادریم آنها را با معجزات به ایمان وادار سازیم، ولی روش ما این نیست.**

**3**

**وَمَا يَأْتِيهِم مِّن ذِكْرٍ مِّنَ الرَّحْمَنِ مُحْدَثٍ إِلَّا كَانُوا عَنْهُ مُعْرِضِينَ ﴿5﴾ فَقَدْ كَذَّبُوا فَسَيَأْتِيهِمْ أَنبَاء مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُون ﴿6﴾**

**درس: چگونه خداوند پيامبران را موفق و تکذيب کنندگان آنان را نابود مي کند.**

**درب : ای پیامبر! گرچه اینان رویگردان هر پندی هستند ولی دل خوش دار که بزودی اوضاع در جهت مطلوب تو تغییر میکند.**

**4**

**أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَمْ أَنبَتْنَا فِيهَا مِن كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ ﴿7﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ ﴿8﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿9﴾**

**درس: چگونه خداوند پيامبران را موفق و تکذيب کنندگان آنان را نابود مي کند.**

**درب : ای پیامبر! بزودی با «رویش»ی مواجه خواهی بود که اوضاع را بهبود خواهد داد.**

**5 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

آیه 1که از حروف مقطعه است، هنوز هم معنای مقبولی برای آنها ارائه نشده و لذا در این 1400 سال فوق ذهنیات مخاطب ها بوده ، چه رسد به مخاطب های اولیه!

**6 – زاویه با تفاسیر رایج**

**1**:(المیزان) : و اين سوره هم از سوره‏هاى اولى است كه در مكه و قبل از هجرت نازل شده

این سوره به دلیل محتوایش نمیتواند از «سوره های اولی» باشد که در مکه نازل شده و با توجه به محتوایش متناسب است با اوضاع و احوال اوایل دهه دوم بعثت.

**7 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در آیات 3 تا 6 علاوه بر تایید لزوم ادامه وحی (که تلویحا حاوی وعده موفقیت آنحضرت است) با ذکر کلمه «فسیاتیهم» صراحتا وعده میدهد که فعالانِ مخالفانِ آنحضرت (بزودی «خبرهایی») - از موفقیتِ آنحضرت را دریافت خواهند کرد .

آیه 6 که حاوی یک پیشگوئی می­باشد، با توجه به واقعیات بعدی تاریخی، چون محقق شده، در عداد معجزات تاریخی می­باشد. گرچه غیر از آیه 6 کل این سوره نیز وعده و پیشگوئی است اما آیه 6 در این معنی کاملاً صریح است.

**8 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در طول این مدت طولانی ، از نزول این سوره تا به امروز ، تغییر معناییِ چندانی نیافته ، و لذا مخاطب های اولیه نیز از این پاراگراف همان تلقی را میداشته اند که ما .

**9 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

دلداری به پیامبر (ص)

**10 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

در این پاراگراف آیاتی وجود دارد که برخی از فقرات آنها در سوره های قبلی (قبل و بعد نسبت به این سوره و بر اساس جدول ترتیب نزول ما) آمده ، اما با تفاوت در لغت و الفاظ ، لذا اگر بگوئیم قبلا نیامده ، ناصحیح است ، و اگر بگوئیم آمده ، باز هم ناصحیح است ، از جمله این نوع آیات ، آیه های 2تا6 است و بقیه آیات پاراگراف «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**ترجیع­بند**

در این سوره پس از پایان هر پاراگراف ، دو آیه مانند آیه­های 8 و 9 دائماً تکرار می­شود و اگر دقت شود ملاحظه خواهد شد که در سرگذشت اقوام قبلی ، آیه و نشانه و عبرتی را نشان می­دهد و برای پروردگار ، علاوه بر مهربانی ، روی عزت آن حضرت تأکید دارد که به معنی قوی بودن و قدرتمند بودن و دست­نیافتنی بودن است و این تکیه و تأکید و تکرار ، قاعدتاً باید برای این باشدکه به آنحضرت دلگرمی دهد که پروردگارت میتواند مسائل و مشکلات تو را حل کند و تو نگران نباش و بگذار پروردگارت مطابق حکمت و مصلحت خویش کارها را پیش ببرد.

**معجزه ای که نتوان ردّش کرد**

آیه 4 موضوع تیتر فوق را رد میکند و میگوید روش خداوند این نیست که مانند آنچه که حضرت موسی را کمک میکرد (یعنی معجزات سنگین) با همان روش این پیامبر (ص) را کمک کند.

واقعیت این است که حتی آن معجزات سنگین هم وقتیکه طرف مقابل عمد و اصرار بر کفر دارد چندان موثر نیست ، چنانکه در مورد قوم فرعون نیز موثر نشد و آنها آنقدر لجاجت کردند تا اینکه بالاخره گرفتار هلاکت جمعی شدند.

**چرا در میان پدیده های طبیعی به رویش نباتی استشهاد شده؟**

در آیه 7 نکته لطیفی هست، و آنهم این است که به عنوان راهِ برون رفت از مشکلاتِ آن روزهای رسالت، مژده ای تلویحی به آنحضرت داده که در اثر صبر و پایداری تو «رویش»ی از طریق ایمان آوریِ مومنانی جدید حادث خواهد شد که کلا فضای اجتماعی را به نفع رسالت تو تغییر خواهد داد.

البته چنان هم شد.

**جمع بندی و تفسیر**

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**طسم (1) اين آيات آن کتاب آشکار است (2) شايد ميخواهي خودت را هلاک کني که آنان ايمان نمي آورند (3)**  {اگر بخواهيم از آسمان آيه اي بر آنان نازل مي کنيم تا گردنهايشان در مقابلش خاضع شود}(4) **و هيچ پند تازه اي از جانب خداوند رحمان بسويشان نيآمد مگر آنکه از آن رويگردان بودند (5)**  {و تکذيب کردند . پس بزودي اخبار آنچه که مسخره اش ميکردند بسويشان خواهد آمد}(6)  **آيا به زمين نمي نگرند که ببينند چه بسيار از گياهان ارزشمند از هر گونه اي در آن رويانديم (7) البته در اين نشانه اي است و اکثرشان مومن نيستند (8) و البته پروردگارت همو آن پيروزمند مهربان است (9)**

**شعراء2 آیات10تا68**

**وَإِذْ نَادَى رَبُّكَ مُوسَى أَنِ ائْتِ الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿10﴾ قَوْمَ فِرْعَوْنَ أَلَا يَتَّقُونَ ﴿11﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي أَخَافُ أَن يُكَذِّبُونِ ﴿12﴾ وَيَضِيقُ صَدْرِي وَلَا يَنطَلِقُ لِسَانِي فَأَرْسِلْ إِلَى هَارُونَ ﴿13﴾ وَلَهُمْ عَلَيَّ ذَنبٌ فَأَخَافُ أَن يَقْتُلُونِ ﴿14﴾ قَالَ كَلَّا فَاذْهَبَا بِآيَاتِنَا إِنَّا مَعَكُم مُّسْتَمِعُونَ ﴿15﴾ فَأْتِيَا فِرْعَوْنَ فَقُولَا إِنَّا رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿16﴾ أَنْ أَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿17﴾ قَالَ أَلَمْ نُرَبِّكَ فِينَا وَلِيدًا وَلَبِثْتَ فِينَا مِنْ عُمُرِكَ سِنِينَ ﴿18﴾ وَفَعَلْتَ فَعْلَتَكَ الَّتِي فَعَلْتَ وَأَنتَ مِنَ الْكَافِرِينَ ﴿19﴾ قَالَ فَعَلْتُهَا إِذًا وَأَنَا مِنَ الضَّالِّينَ ﴿20﴾ فَفَرَرْتُ مِنكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿21﴾ وَتِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهَا عَلَيَّ أَنْ عَبَّدتَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿22﴾ قَالَ فِرْعَوْنُ وَمَا رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿23﴾ قَالَ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إن كُنتُم مُّوقِنِينَ ﴿24﴾ قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْتَمِعُونَ ﴿25﴾ قَالَ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ ﴿26﴾ قَالَ إِنَّ رَسُولَكُمُ الَّذِي أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٌ ﴿27﴾ قَالَ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِن كُنتُمْ تَعْقِلُونَ ﴿28﴾ قَالَ لَئِنِ اتَّخَذْتَ إِلَهًا غَيْرِي لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ ﴿29﴾ قَالَ أَوَلَوْ جِئْتُكَ بِشَيْءٍ مُّبِينٍ ﴿30﴾ قَالَ فَأْتِ بِهِ إِن كُنتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿31﴾ فَأَلْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ ﴿32﴾ وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاء لِلنَّاظِرِينَ ﴿33﴾ قَالَ لِلْمَلَإِ حَوْلَهُ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ ﴿34﴾ يُرِيدُ أَن يُخْرِجَكُم مِّنْ أَرْضِكُم بِسِحْرِهِ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ ﴿35﴾ قَالُوا أَرْجِهِ وَأَخَاهُ وَابْعَثْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ ﴿36﴾ يَأْتُوكَ بِكُلِّ سَحَّارٍ عَلِيمٍ ﴿37﴾ فَجُمِعَ السَّحَرَةُ لِمِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ ﴿38﴾ وَقِيلَ لِلنَّاسِ هَلْ أَنتُم مُّجْتَمِعُونَ ﴿39﴾ لَعَلَّنَا نَتَّبِعُ السَّحَرَةَ إِن كَانُوا هُمُ الْغَالِبِينَ ﴿40﴾ فَلَمَّا جَاء السَّحَرَةُ قَالُوا لِفِرْعَوْنَ أَئِنَّ لَنَا لَأَجْرًا إِن كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ ﴿41﴾ قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ إِذًا لَّمِنَ الْمُقَرَّبِينَ ﴿42﴾ قَالَ لَهُم مُّوسَى أَلْقُوا مَا أَنتُم مُّلْقُونَ ﴿43﴾ فَأَلْقَوْا حِبَالَهُمْ وَعِصِيَّهُمْ وَقَالُوا بِعِزَّةِ فِرْعَوْنَ إِنَّا لَنَحْنُ الْغَالِبُونَ ﴿44﴾ فَأَلْقَى مُوسَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ ﴿45﴾ فَأُلْقِيَ السَّحَرَةُ سَاجِدِينَ ﴿46﴾ قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿47﴾ رَبِّ مُوسَى وَهَارُونَ ﴿48﴾ قَالَ آمَنتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَسَوْفَ تَعْلَمُونَ لَأُقَطِّعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُم مِّنْ خِلَافٍ وَلَأُصَلِّبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿49﴾ قَالُوا لَا ضَيْرَ إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنقَلِبُونَ ﴿50﴾ إِنَّا نَطْمَعُ أَن يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطَايَانَا أَن كُنَّا أَوَّلَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿51﴾ وَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي إِنَّكُم مُّتَّبَعُونَ ﴿52﴾ فَأَرْسَلَ فِرْعَوْنُ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ ﴿53﴾ إِنَّ هَؤُلَاء لَشِرْذِمَةٌ قَلِيلُونَ ﴿54﴾ وَإِنَّهُمْ لَنَا لَغَائِظُونَ ﴿55﴾ وَإِنَّا لَجَمِيعٌ حَاذِرُونَ ﴿56﴾ فَأَخْرَجْنَاهُم مِّن جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿57﴾ وَكُنُوزٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ ﴿58﴾ كَذَلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا بَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿59﴾ فَأَتْبَعُوهُم مُّشْرِقِينَ ﴿60﴾ فَلَمَّا تَرَاءى الْجَمْعَانِ قَالَ أَصْحَابُ مُوسَى إِنَّا لَمُدْرَكُونَ ﴿61﴾ قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ ﴿62﴾ فَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنِ اضْرِب بِّعَصَاكَ الْبَحْرَ فَانفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ ﴿63﴾ وَأَزْلَفْنَا ثَمَّ الْآخَرِينَ ﴿64﴾ وَأَنجَيْنَا مُوسَى وَمَن مَّعَهُ أَجْمَعِينَ ﴿65﴾ ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْآخَرِينَ ﴿66﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ ﴿67﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿68﴾**

**و هنگاميکه پروردگارت موسي را ندا داد که بسوي قوم ظالمان برو (10) سوی قوم فرعون، و به آنها بگو آيا پروا نمي کنند؟ (11) گفت پروردگارا ميترسم تکذيبم کنند (12) و دلم تنگ ميشود و زبانم گشاده نيست پس وحي را بسوي هارون بفرست (13) و بنظر آنها من نزدشان گناهي دارم و ميترسم مرا بکشند (14) گفت هرگز! شما دو نفر با آياتم برويد . ما با شمائيم و متوجهيم (15) و بسوي فرعون برويد و بگوئيد ما فرستاده پروردگار جهانيانيم (16) که بني اسرائيل را همراهمان بفرست (17) آنها همانطور که مامور شده بودند رفتند و موضوع ماموریتشان را برای فرعون شرح دادند و فرعون به موسی گفت آيا وقتي که نوزاد بودي در ميان خويش پرورشت نداديم؟ و سالهائي از عمر خويش را در ميان ما نگذراندي؟ (18) اما تو در عوض آن کار زشت را کردي و از کافران شدي (19) گفت آن كار را در زماني کردم كه به حق نرسیده بودم (20) و از شما ترسيدم فرار کردم و پروردگارم بمن لطف کرد و بمن حکم داد و مرا از فرستادگان قرار داد (21) و تازه ، مگر اين نعمتی است که بني اسرائيل را به بردگي گرفته اي و منتش را بر من ميگذاري؟ (22) فرعون گفت پروردگار جهانيان چيست؟ (23) گفت پروردگار آسمانها و زمين و آنچه بين آنهاست اگر يقين داشته باشيد (24) فرعون به اطرافيانش رو کرد و گفت نمي شنويد؟ (25) موسی ادامه داد : پروردگار شما و پروردگار نياكانتان (26) فرعون گفت پيغمبرتان که بسويتان گسيل شده ديوانه است (27) موسی ادامه داد : پروردگار مشرق و مغرب و بين آنها اگر تعقل كنيد (28) فرعون گفت اگر معبودی غير از من اتخاذ کني حتما زندانيت ميکنم (29) گفت حتي اگر يک چيز آشکار برايت آورده باشم؟ (30) گفت بياورش اگر راست ميگويي (31) پس عصايش را انداخت و آن فورا اژدهايي آشکار شد (32) و دستش را از گريبانش بيرون آورد پس فورا براي ناظران سفيد و درخشان شد (33) فرعون به بزرگان اطرافيانش گفت اين يک جادوگر متخصص است (34) ميخواهد شما را با جادويش از سرزمين تان بيرون کند پس چه ميفرماييد؟ (35) گفتند او و برادرش را نگهدار و ماموران جمع آوري به شهرها بفرست (36) تا همه جادوگران متخصص را بسوي تو بياورند (37) چیزی نگذشت که آن جادوگران را در موعدي معين گرد آوردند و مردم هم به تماشا جمع شدند (38) فرعون به مردم گفت اینک که اجتماع کرده ايد (39) شايد جادوگران را پيروي کنيم اگر غالب شوند (40) چون جادوگران آمدند ، به فرعون گفتند آيا پاداشي هم خواهيم گرفت اگر غالب شديم؟ (41) گفت بله . و در آنصورت از مقربان خواهيد شد (42) موسي به آنان گفت بياندازيد آنچه را که در چنته داريد (43) پس طنابها و چوبهاي خويش را انداختند و گفتند به عزت فرعون حتما خودمان غالبيم (44) پس موسي عصاي خويش را انداخت و در دم همه آنچه را که به دروغ ساخته بودند بلعيد (45) پس جادوگران به سجده افتادند (46) و گفتند به پروردگار جهانيان ايمان آورديم (47) پروردگار موسي و هارون (48) فرعون گفت آيا قبل از اينکه اجازه تان دهم ايمان آورديد؟ حتما او بزرگ شماست که جادو را يادتان داده پس بزودي خواهيد دانست . دست و پايتان را به خلاف يکديگر قطع خواهم کرد و البته همه تان را به دار خواهم کشيد (49) گفتند مهم نيست زيرا که ما بسوي پروردگارمان روي آورده ايم (50) اميدواريم پروردگارمان خطاهايمان را ببخشد ، به اين جهت که ما اولين مومنانيم (51) و به موسي وحي کرديم که بندگانم را شبانه ببر زيرا که تعقيب خواهيد شد (52) آنگاه فرعون ماموران جمع آوري را به شهرها فرستاد (53) که اينها گروهي کم جمعيتند (54) که ما را به به خشم آورده اند (55) و ما انبوهي مسلحيم (56) اینطور بود که فرعونیان را از باغستانها و چشمه سارها (57) و از گنج ها و جايگاههاي نيكو (58) بیرون کردیم و آنها را به بني اسرائيل داديم (59) فرعونیان صبحگاهان دنبالشان کردند (60) و هنگاميکه دو گروه يکديگر را ديدند همراهان موسي گفتند گير افتاديم (61) گفت هرگز! پروردگارم با من است و بزودي هدايتم ميکند (62) و به موسي وحي کرديم که با عصايت به دريا بزن . پس بشکافت و هر بخشي چون کوهي بزرگ شد (63) و ديگران را به آنجا نزديک کرديم (64) و موسي و همراهانش همگی را نجات داديم (65) و ديگران را غرق کرديم (66) البته در اين نشانه اي است و اکثرشان مومن نيستند (67) و البته پروردگار تو پيروزمند مهربان است (68)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: چگونه خداوند پيامبران را موفق و تکذيب کنندگان آنان را نابود مي­کند.**

**درب : اي پيامبر دشمنان تو از فرعون قوي تر نيستند صبر کن موفق خواهي شد .**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 می فرماید : ای پیامبر ! ازرفتارهای مکذبانه این مردم دلگیرمباش وکـــار رسالتت را با قوت پی بگیر .

در این پاراگراف می فرماید : ای پیامبر ! تکذیبگرانت ازفرعون مهمترنیستند . اگرلازم باشد حتی به روش خارق العاده موفقت میکنیم .

**3 - سوالات**

1 – منظور از مطالب آیه59 چیست؟

2- از مطالب این پاراگراف چه «حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها» میتوان زد؟

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

این پاراگراف نشاندهنده مقابله ای نابرابر است .

یکطرف موسی است بدون هیچ امکاناتی غیر از رسالت و بیان و یک خواسته بزرگ که به نظر غیر قابل قبول می آید ، طرف دیگر یک دستگاه حکومتی قوی با امکانات کامل.

برای حدس زدن موقعیت آنحضرت باید این پاراگراف را بخوبی تحلیل کنیم :

بطور کلی میتوان گفت از آنجا که پاراگراف در مقام «دلداری» دادن است ، میخواهد بگوید ای پیامبر کار تو که از کار موسی مشکل تر نیست ، برو جلو ، یاری مورد نیازت به وقتش میرسد .

یعنی موقعیت آنحضرت در میان قوم بالاتر از موقعیت موسی در مقابل فرعونیان ، و خواسته آنحضرت نیز از قومش کوچکتر از خواسته موسی از فرعونیان بود .

**5 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در آیات 12 تا 67 با ذکر موفقیت حضرت موسی تلویحا به آنحضرت نیز وعده موفقیت میدهد ، که این یک پیشگوئی تحقق یافته است .

**6 – کلیدهای تفسیری**

آیه های 57 تا 59 (پرانتزی» هستند ، دلیلش هم این است که اگر چشم بر آنها بسته و قبل و بعدشان را وصلکنیم خواهیم دید روال سخن صاف و یکدست خواهد شد .

**7 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در طول این مدت طولانی ، از نزول این سوره تا به امروز ، تغییر معناییِ چندانی نیافته ، و لذا مخاطب های اولیه نیز از این پاراگراف همان تلقی را میداشته اند که ما .

**8 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

وعده تلویحی موفقیت و پیروزی به پیامبر (ص) از طریق ذکر داستان موسی (ع)

**7 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تقریبا تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

**شرح مختصر**

**پیامبری حضرت موسی(ع)**

این مطالب حاوی عناصرجدیدی نسبت به سوره های قبلی می­باشد که جهت نظم بیشتر در درک ، در جدول ذیل مرتب شده است :

1 - حضرت موسی در کودکی نزد خانواده فرعون بزرگ شد و در جوانی کاری کرد که به نظر آنها گناه بزرگی بود و خواستند مجازاتش کنند که از آنها فرار کرد اما چون شخص شایسته­ای بود خداوند به او مقام پیامبری داد (آیات 18 تا 22)

2 – از لحاظ اعتقادی، فرعونیان بین پروردگاریِ آسمان و زمین و آنچه بین آنهاست منافات قائل بودند یعنی پروردگاری آسمانها را جدا حساب می­کردند. (آیه های 24 و 25)

3 – همچنین از لحاظ آنها اینکه پروردگار فوق، پروردگار آدمیان نیز باشد کاملاً غیرقابل قبول بود. (آیه های 28 و 29)

4 – و نیز از نظر آنها فرعون یا خود «اله» بود یا قائم مقام اله (در مورد پرستش) (آیه های 28 و 29)

5 – از نظر حکومتی، یک پادشاه (فرعون) و یک نوع «مجلس» وجود داشت. (آیات 34 تا 37)

6 – تمدن آن روز فرعونیان بزرگ ، و قدرت حکومتی او زیاد و نافذ بود. (آیه های 36 و 38)

7 – فرعون با تمام مردم خویش صداقت نداشت (مانند تقریباً همه حکومت­ها) (آیات 40 تا 44)

8 – فرعون به نتایج قول و قرار خویش پای­بند نبود. (آیه 49)

9 – تفتیش عقاید چیز تازه­ای نیست و سابقه­اش به حکومت فرعون هم می­رسد. (آیه 49)

10 – شهرهای حکومت فرعون بهم نزدیک بود. (آیه 53)

11 – ایمان بنی­اسرائیل ضعیف بود. (آیه های 61 و 62)

**جمع بندی و تفسیر**

**و هنگاميکه پروردگارت موسي را ندا داد که بسوي قوم ظالمان برو(10) قوم فرعون ، آيا پروا نمي کنند؟ (11) گفت پروردگارا ميترسم تکذيبم کنند (12) و دلم تنگ ميشود و زبانم گشاده نيست پس** (وحي را) **بسوي هارون بفرست (13) و بنظر آنها من نزدشان گناهي دارم و ميترسم مرا بکشند (14) گفت هرگز! شما دو نفر با آياتم برويد . ما با شمائيم و متوجهيم (15) و بسوي فرعون برويد و بگوئيد ما فرستاده پروردگار جهانيانيم (16) که بني اسرائيل را همراهمان بفرست (17**)[آنها همانطور که مامور شده بودند رفتند و بالاخره فرعون را همدیدند و ماموریتشان را برای او شرح دادند] **گفت آيا وقتي که نوزاد بودي در ميان خويش پرورشت نداديم؟و سالهائي از عمر خويش را در ميآن ما نگذراندي؟(18) و آن کار را کردي و از کافران شدي (19) گفت آن كار را در زماني کرده ام كه از سرگشتگان بودم (20) و وقتيکه از شما ترسيدم فرار کردم و پروردگارم بمن لطف کرد و بمن حکم داد و مرا از فرستادگان قرار داد (21) و تازه ، مگر اين نعمتی است که بني اسرائيل را به بردگي گرفته اي و منتش را بر من ميگذاري؟ (22) فرعون گفت پروردگارجهانيان چيست؟ (23) گفت پروردگار آسمانها و زمين و آنچه بين آنهاست اگر يقين داشته باشيد (24) به اطرافيانش گفت نمي شنويد؟ (25) گفت پروردگار شما و پروردگار نياكانتان (26) گفت پيغمبرتان که بسويتان گسيل شده ديوانه است (27) گفت پروردگار مشرق و مغرب و بين آنها اگر تعقل كنيد (28) گفت اگر خدايي غير از من اتخاذ کني حتما زندانيت ميکنم (29) گفت حتي اگر يک چيز آشکار برايت بياورم؟ (30) گفت بياورش اگر راست ميگويي(31) پس عصايش را انداخت و آن فورا اژدهايي آشکار شد (32) و دستش را** (از گريبانش) **بيرون آورد پس فورا براي ناظران سفيد و درخشان شد (33)** (فرعون) **به بزرگان اطرافيانش گفت اين يک جادوگر متخصص است (34) ميخواهد شما را با جادويش از سرزمين تان بيرون کند پس چه ميفرماييد؟ (35) گفتند او و برادرش را نگهدار و ماموران جمع آوري به شهرها بفرست (36) تا همه جادوگران متخصص را بسوي تو بياورند (37) و آن جادوگران را در موعدي معين گرد آوردند (38)** (فرعون) **به مردم گفت آيا اجتماع کرده ايد؟ (39) شايد جادوگران را پيروي کنيم اگر غالب شوند (40) چون جادوگران آمدند ، به فرعون گفتند آيا حتما پاداشي هم خواهيم گرفت اگر غالب شديم؟ (41) گفت بله . و در آنصورت از مقربان خواهيد شد (42) موسي به آنان گفت بياندازيد آنچه را که در چنته داريد (43) پس طنابها و چوبهاي خويش را انداختند و گفتند به عزت فرعون حتما خومان غالبيم (44) پس موسي عصاي خويش را انداخت و در دم همه آنچه را که به دروغ ساخته بودند بلعيد (45) پس جادوگران به سجده افتادند (46) گفتند به پروردگار جهانيان ايمان آورديم (47) پروردگار موسي و هارون (48) گفت آيا قبل از اينکه اجازه تان دهم ايمان آورديد؟ حتما او بزرگ شماست که جادو را يادتان داده پس بزودي خواهيد دانست . دست و پايتان را به خلاف يکديگر قطع خواهم کرد و البته همه تان را به دار خواهم کشيد (49) گفتند مهم نيست زيرا که ما بسوي پروردگارمان روي آورده ايم (50) اميدواريم پروردگارمان خطاهايمان را ببخشد ، به اين جهت که ما اولين مومنانيم (51) و به موسي وحي کرديم که بندگانم را شبانه ببر زيرا که تعقيب خواهيد شد (52) آنگاه فرعون ماموران جمع آوري را به شهرها فرستاد (53) که اينها گروهي کم جمعيتند (54) که ما را به به خشم آورده اند (55) و ما انبوهي مسلحيم (56)** {پس آنها را از باغستانها و چشمه سارها بيرون کرديم(57) و از گنج ها و جايگاههاي نيكو (58) چنين بود و آنها را به بني اسرائيل ارث داديم}(59) **پس صبحگاهان دنبالشان کردند (60) و هنگاميکه دو گروه يکديگر را ديدند همراهان موسي گفتند گير افتاديم (61) گفت هرگز! پروردگارم با من است و بزودي هدايتم ميکند (62) و به موسي وحي کرديم که با عصايت به دريا بزن. پس بشکافت و هر بخشي چون کوهي بزرگ شد (63) و ديگران را به آنجا نزديک کرديم (64) و موسي و همراهانش همگی را نجات داديم (65) و ديگران را غرق کرديم (66) البته در اين نشانه ايست و اکثرشان مومن نيستند (67) و البته پروردگار تو پيروزمند مهربان است (68)**

**شعراء3 آیات69تا104**

**وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ إِبْرَاهِيمَ ﴿69﴾ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا تَعْبُدُونَ ﴿70﴾ قَالُوا نَعْبُدُ أَصْنَامًا فَنَظَلُّ لَهَا عَاكِفِينَ ﴿71﴾ قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَكُمْ إِذْ تَدْعُونَ ﴿72﴾ أَوْ يَنفَعُونَكُمْ أَوْ يَضُرُّونَ ﴿73﴾ قَالُوا بَلْ وَجَدْنَا آبَاءنَا كَذَلِكَ يَفْعَلُونَ ﴿74﴾ قَالَ أَفَرَأَيْتُم مَّا كُنتُمْ تَعْبُدُونَ ﴿75﴾ أَنتُمْ وَآبَاؤُكُمُ الْأَقْدَمُونَ ﴿76﴾ فَإِنَّهُمْ عَدُوٌّ لِّي إِلَّا رَبَّ الْعَالَمِينَ ﴿77﴾ الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ ﴿78﴾ وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ ﴿79﴾ وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ ﴿80﴾ وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ ﴿81﴾ وَالَّذِي أَطْمَعُ أَن يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ ﴿82﴾ رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ ﴿83﴾ وَاجْعَل لِّي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ ﴿84﴾ وَاجْعَلْنِي مِن وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ ﴿85﴾ وَاغْفِرْ لِأَبِي إِنَّهُ كَانَ مِنَ الضَّالِّينَ ﴿86﴾ وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ ﴿87﴾ يَوْمَ لَا يَنفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ ﴿88﴾ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ ﴿89﴾ وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ ﴿90﴾ وَبُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِلْغَاوِينَ ﴿91﴾ وَقِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنتُمْ تَعْبُدُونَ ﴿92﴾ مِن دُونِ اللَّهِ هَلْ يَنصُرُونَكُمْ أَوْ يَنتَصِرُونَ ﴿93﴾ فَكُبْكِبُوا فِيهَا هُمْ وَالْغَاوُونَ ﴿94﴾ وَجُنُودُ إِبْلِيسَ أَجْمَعُونَ ﴿95﴾ قَالُوا وَهُمْ فِيهَا يَخْتَصِمُونَ ﴿96﴾ تَاللَّهِ إِن كُنَّا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿97﴾ إِذْ نُسَوِّيكُم بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿98﴾ وَمَا أَضَلَّنَا إِلَّا الْمُجْرِمُونَ ﴿99﴾ فَمَا لَنَا مِن شَافِعِينَ ﴿100﴾ وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ ﴿101﴾ فَلَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿102﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ ﴿103﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿104﴾**

**ای پیامبر! خبر ابراهيم را بر آنان بخوان (69) هنگاميکه به پدرش و قومش گفت چه چيزي عبادت مي کنيد؟ (70) گفتند بتهايي عبادت ميکنيم و در خدمتشان معتكفيم (71) گفت آيا هنگاميکه دعايشان ميکنيد مي شنوند؟ (72) يا نفع و ضرري برايتان دارند؟ (73) گفتند پدرانمان را ديديم که چنين ميکردند (74) گفت ميدانيد آنچه را که ميپرستيد؟ (75) چه شما و چه نياكانتان (76) بدانيد که آنها را دشمن ميدارم مگر پروردگار جهانيان را (77) که مرا آفريد و هدايتم کرد (78) و غذا و آبم مي دهد (79) و وقتي که مريض شدم شفايم مي دهد (80) و مرا ميميراند و سپس زنده ام ميکند (81) و اميدوارم خطاهايم را در روز قيامت ببخشد (82) پروردگارا بمن حکم عطا کن و مرا به شايستکان ملحق فرما (83) و برايم در اقوام بعدي نام نيک عطا فرما (84) و مرا از برندگان بهشت پر نعمت کن (85) و پدرم را ببخش که از گمراهان است (86) و روز برانگيختگي خوارم مکن (87) در روزي که نه مال فايده ميکند و نه فرزندان (88) مگر کسي که با قلبي سليم بسوي خداوند آمده باشد (89) و بهشت به اهل تقوي نزديک ميشود (90) و جهنم به کساني که خودشان را گمراه کرده اند نمايان ميگردد (91) و به آنها گفته ميشود کجاست آنچه ميپرستيديد (92) غير از خداوند؟ آيا ياريتان، يا از شما دفاع، ميکنند؟ (93) در آن روز به رو در آن عذابگاه انداخته ميشوند، هم خودشان و هم کساني که خودشان خويشتن را گمراه کرده اند (94) و تمامي لشکريان ابليس (95) و در حاليکه در آنجا با يکديگر ستيزه ميکنند ، به معبودان باطل ميگويند: (96) بخدا که ما در گمراهيي آشکار ميبوديم (97) که شما را با پروردگار جهانيان مساوي ميگرفتيم (98) و ما را کسي جز بدکاران گمراه نکرد (99) اينك هيچ شفيعي نداريم (100) و نه دوستي مهربان (101) پس اگر فرصت ديگري بيابيم البته از مومنان خواهيم بود (102) البته در اين آيتي است و اکثرشان مومن نيستند (103) و پروردگارت پيروزمند مهربان است (104)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: چگونه خداوند پيامبران را موفق و تکذيب کنندگان آنان را نابود مي­کند .**

**درب : ای مسلمانان! مانند ابراهیم صراحت و ثبات داشته باشید تا موفق شوید.**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 می فرماید : ای پیامبر ! ازرفتارهای مکذبانه این مردم دلگیرمباش وکـــار رسالتت را با قوت پی بگیر .

در پاراگراف 2 می فرماید : ای پیامبر ! تکذیبگرانت ازفرعون مهمترنیستند . اگرلازم باشد حتی به روش خارق العاده موفقت میکنیم .

در این پاراگراف می فرماید : ای پیامبر ! ابراهیم نیزمانند تو برقومش خروشید و با مخالفت مخاطبانش مواجه بود اما بالاخره موفقش نمودیم .

**3 - سوالات**

1– در ابتدای آیه 83 موضوع کدام کلید تفسیر اتفاق افتاده؟

2- «کم» در کلمه «نسویکم» (آیه98) خطاب به کیست؟

**4 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در آیات 69 تا 104 با ذکر موفقیت حضرت ابراهیم تلویحا به آنحضرت نیز وعده موفقیت میدهد .

**5 – کلیدهای تفسیری**

آیات 78 تا 82 فرع بر ماقبل است .

همچنین است آیات 92 تا 102 .

**6 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در طول این مدت طولانی ، از نزول این سوره تا به امروز ، تغییر معناییِ چندانی نیافته ، و لذا مخاطب های اولیه نیز از این پاراگراف همان تلقی را میداشته اند که ما .

**7 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

دعوت به ثبات و صراحتی ابراهیم وار

**8 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تقریبا تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است. البته باید توجه نمود که آیاتی که فوقا آنها را فرعی ارزیابی کرده ایم ، از زبان حضرت ابراهیم (ع) است ، و اگر از قول خداوند بود سابقه ای در قبل داشت ، لذا آیات مذکور از لحاظ مفهومی مسبوق به سابقه و از لحاظ متنی و حالتی نامسبوق است .

**شرح مختصر**

**عالی­ترین درجه رشد شخصیتی**

در این پاراگراف، چگونگی انتخاب مسیر صحیح و اعلام عمومیِ واضح و روشن آن توسط یک فرد، و کناره­گیری آشکار او از مسیر غلطِ همگانی، علیرغم قوت و قدرت صاحبان آن، مطرح می­شود.

بریدن یک نفر از قوم و قبیله و اجتماع، در آن روزها، کاری بود دور از تصور و مساوی با مرگ و کمترین مجازاتش بایکوت بود.

اخراج از قوم و قبیله و یا اعدام چنین شخصی، جزء مجازاتهای عادی بود.

حضرت ابراهیم چه چیزی فهمیده بود که چنین مجازاتهای سنگینی را بجان خرید؟ درست است که «خدایان» آنها برای آنها نفع و ضرری نداشتند اما خود پیروان آنها که می­توانستند برایش خطرناک باشند.

بطور حتم آن حضرت در ایمان خویش چیزی یافته بود که به او این اطمینان خاطر را می­داد که لازم نیست از خطر قومش نسبت به خویش بترسد.

چنانکه از متن این بند فهمیده می­شود، او امید اصلیش را به پس از مرگ بسته بود (توجه کنید؛ به آیات 82 تا 85 و 87) و چه بسا خود را برای مرگ هم آماده کرده بود و نجات خویش از دست آنها، جزء خواسته­های مهم او نبود.

**قوی­ترین محرک**

ایمان به آخرت، محرکی است بسیار قوی برای تغییر و اصلاح رفتار آدمی.

و مقدم بر ایمان به آخرت، ایمان به خداوند است (توجه کنید به آیات 78 تا 81) و نیز از این فهمیده می­شود ایمان باید مبنای عقلی محکم داشته باشد و تقلیدی نیست (توجه کنید به آیات 72 تا 74)

**کارکرد پیامبر اسلام(ص) چقدر است؟**

کارکرد پیامبر اسلام (ص) را باید اینطور اندازه­گیری کرد که آدم معمولی را از کجا تا به کجا رساند؟

آدم معمولیی که پیامبر اسلام تحویل گرفت همان بود که درست برعکس حضرت ابراهیم از خودش درک و فهم و اراده­ای نداشت و چشمش به دهان «سران» دوخته بود.

اگر سران با پیامبر(ص) مخالفت می­کردند او نیز مخالفت می­کرد. و اگر سران به پیامبر(ص) تسلیم می­شدند او نیز تسلیم می­شد، چنان که در روز فتح مکه گروه گروه مسلمان شدند.

این آدم معمولی چیزی بود که پیامبر اسلام تحویل گرفت.

در این پانزده قرن، اسلام، این آدم معمولی را تغییر داد، بطوریکه آدم معمولی قرن بیست و یکمی به ابراهیم شبیه­تر شده است، زیرا بجای اینکه او چشم به دهان «سران» دوخته باشد، این «سران» هستند که دنبال او افتاده­اند .

یکی می­خواهد به او دروغ بگوید و خود را شایسته­تر معرفی کند و رأی او را به دست آوَرَد،

یکی می­خواهد به او دروغ بگوید و کالای خود را بهتر معرفی کند و خرید او را به دست آوَرَد،

و یکی می­خواهد به او دروغ بگوید و فکر و فلسفه خود را نزد او بهتر جا بزند و پیروی او را به دست آوَرَد و غیره و غیره.

ممکن است بگویند این چه ربطی به اسلام دارد؟ می­گوییم آدم معمولیِ زمان نزول قرآن، آن بود و آدم معمولی امروز این است. بین این دو مرحله چه چیز مهم فکری جز اسلام و قرآن بود؟

اگر می­بینیم غیر مسلمان­ها در «یک امر وجودی» (مثلاً کرامت انسان، دموکراسی، روش علمی، دقت و تدبر و تعقل) از مسلمانان جلو افتاده­اند به علت تأثیرپذیری آنها در قرون قبل بود که بذرهای چیزی را از مواد فکری ما گرفتند و در باغچه خویش پرورش دادند و اینک میوه­های آن را می­خورند و به ما نیز می­فروشند.

گر چه میوه­های مذکور نام دیگری داشته باشد.

البته این یک بحث مفصل «تاریخ تمدن»ی دارد که جایش اینجا نیست ولی امروز، روز به­روز دارد روشن­تر می­شود.

**جمع بندی و تفسیر**

**و خبر ابراهيم را بر آنان بخوان (69) هنگاميکه به پدرش و قومش گفت چه چيزي عبادت مي کنيد؟ (70) گفتند بتهايي عبادت ميکنيم و در خدمتشان معتكفيم (71) گفت آيا هنگاميکه دعايشان ميکنيد مي شنوند؟ (72) يا نفع و ضرري برايتان دارند؟ (73) گفتند بلکه پدرانمان را ديديم که چنين ميکردند (74) گفت ميدانيد آنچه را که ميپرستيد؟ (75) چه شما و چه نياكانتان (76)** (بدانيد) **آنها را دشمن ميدارم مگر پروردگار جهانيان را (77)**  {که مرا آفريد و هدايتم کرد (78) و کسي که غذا و آبم مي دهد (79) و وقتي که مريض شدم شفايم مي دهد (80) و کسي که مرا ميميراند و سپس زنده ام ميکند (81) و کسي که اميدوارم خطاهايم را در روز قيامت ببخشد}(82) **پروردگارا بمن حکم عطا کن و مرا به شايستکان ملحق فرما (83) و برايم در اقوام بعدي نام نيک عطا فرما (84) و مرا از برندگان بهشت پر نعمت کن (85) و پدرم را ببخش که از گمراهان است (86) و روز برانگيختگي خوارم مکن (87) روزي که** {نه مال فايده ميکند و نه فرزندان.(88) مگر کسي که با قلبي سليم بسوي خداوند آمده باشد.(89) و } **بهشت به اهل تقوي نزديک ميشود (90) و جهنم به کساني که خودشان را گمراه کرده اند نمايان ميگردد (91)** {و به آنها گفته ميشود کجاست انچه ميپرستيديد (92) غير از خداوند؟ آيا ياريتان ميکنند يا از شما دفاع مينمايند؟(93) به رو در آن انداخته ميشوند، هم خودشان و هم کساني که خودشان خويشتن را گمراه کرده اند (94) و تمامي لشکريان ابليس (95) و در حاليکه در آنجا با يکديگر ستيزه ميکنند ، ميگويند: (96) بخدا که ما در گمراهيي آشکار ميبوديم (97) که شما را با پروردگار جهانيان مساوي ميگرفتيم (98) و ما را کسي جز بدکاران گمراه نکرد (99) اينك هيچ شفيعي نداريم (100) و نه دوستي مهربان (101) پس اگر فرصت ديگري بيابيم البته از مومنان خواهيم بود}(102) **البته در اين آيتي است و اکثرشان مومن نيستند (103) و پروردگارت پيروزمند مهربان است (104)**

**شعراء4 آیات105تا191**

**كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ الْمُرْسَلِينَ ﴿105﴾ إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿106﴾ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿107﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ ﴿108﴾ وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿109﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ ﴿110﴾ قَالُوا أَنُؤْمِنُ لَكَ وَاتَّبَعَكَ الْأَرْذَلُونَ ﴿111﴾ قَالَ وَمَا عِلْمِي بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿112﴾ إِنْ حِسَابُهُمْ إِلَّا عَلَى رَبِّي لَوْ تَشْعُرُونَ ﴿113﴾ وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿114﴾ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿115﴾ قَالُوا لَئِن لَّمْ تَنتَهِ يَا نُوحُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمَرْجُومِينَ ﴿116﴾ قَالَ رَبِّ إِنَّ قَوْمِي كَذَّبُونِ ﴿117﴾ فَافْتَحْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فَتْحًا وَنَجِّنِي وَمَن مَّعِي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿118﴾ فَأَنجَيْنَاهُ وَمَن مَّعَهُ فِي الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ ﴿119﴾ ثُمَّ أَغْرَقْنَا بَعْدُ الْبَاقِينَ ﴿120﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ ﴿121﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿122﴾ کذَبّتْ عَادٌ الْمُرْسَلِينَ ﴿123﴾ إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ هُودٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿124﴾ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿125﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ ﴿126﴾ وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿127﴾ أَتَبْنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ آيَةً تَعْبَثُونَ ﴿128﴾ وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ ﴿129﴾ وَإِذَا بَطَشْتُم بَطَشْتُمْ جَبَّارِينَ ﴿130﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ ﴿131﴾ وَاتَّقُوا الَّذِي أَمَدَّكُم بِمَا تَعْلَمُونَ ﴿132﴾ أَمَدَّكُم بِأَنْعَامٍ وَبَنِينَ ﴿133﴾ وَجَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿134﴾ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿135﴾ قَالُوا سَوَاء عَلَيْنَا أَوَعَظْتَ أَمْ لَمْ تَكُن مِّنَ الْوَاعِظِينَ ﴿136﴾ إِنْ هَذَا إِلَّا خُلُقُ الْأَوَّلِينَ ﴿137﴾ وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ ﴿138﴾ فَكَذَّبُوهُ فَأَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ ﴿139﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ﴿140﴾ كَذَّبَتْ ثَمُودُ الْمُرْسَلِينَ ﴿141﴾ إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿142﴾ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿143﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ ﴿144﴾ وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿145﴾ أَتُتْرَكُونَ فِي مَا هَاهُنَا آمِنِينَ ﴿146﴾ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿147﴾ وَزُرُوعٍ وَنَخْلٍ طَلْعُهَا هَضِيمٌ ﴿148﴾ وَتَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا فَارِهِينَ ﴿149﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ ﴿150﴾ وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ ﴿151﴾ الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ ﴿152﴾ قَالُوا إِنَّمَا أَنتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ ﴿153﴾ مَا أَنتَ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا فَأْتِ بِآيَةٍ إِن كُنتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿154﴾ قَالَ هَذِهِ نَاقَةٌ لَّهَا شِرْبٌ وَلَكُمْ شِرْبُ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ ﴿155﴾ وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابُ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿156﴾ فَعَقَرُوهَا فَأَصْبَحُوا نَادِمِينَ ﴿157﴾ فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ ﴿158﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿159﴾ كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ الْمُرْسَلِينَ ﴿160﴾ إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ لُوطٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿161﴾ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿162﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ ﴿163﴾ وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿164﴾ أَتَأْتُونَ الذُّكْرَانَ مِنَ الْعَالَمِينَ ﴿165﴾ وَتَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُم بَلْ أَنتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ ﴿166﴾ قَالُوا لَئِن لَّمْ تَنتَهِ يَا لُوطُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمُخْرَجِينَ ﴿167﴾ قَالَ إِنِّي لِعَمَلِكُم مِّنَ الْقَالِينَ ﴿168﴾ رَبِّ نَجِّنِي وَأَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ ﴿169﴾ فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ ﴿170﴾ إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ ﴿171﴾ ثُمَّ دَمَّرْنَا الْآخَرِينَ ﴿172﴾ وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِم مَّطَرًا فَسَاء مَطَرُ الْمُنذَرِينَ ﴿173﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ ﴿174﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿175﴾ كَذَّبَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ الْمُرْسَلِينَ ﴿176﴾ إِذْ قَالَ لَهُمْ شُعَيْبٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿177﴾ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿178﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ ﴿179﴾ وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿180﴾ أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ ﴿181﴾ وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ﴿182﴾ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءهُمْ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ﴿183﴾ وَاتَّقُوا الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالْجِبِلَّةَ الْأَوَّلِينَ ﴿184﴾ قَالُوا إِنَّمَا أَنتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ ﴿185﴾ وَمَا أَنتَ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا وَإِن نَّظُنُّكَ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ ﴿186﴾ فَأَسْقِطْ عَلَيْنَا كِسَفًا مِّنَ السَّمَاء إِن كُنتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿187﴾ قَالَ رَبِّي أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿188﴾ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمْ عَذَابُ يَوْمِ الظُّلَّةِ إِنَّهُ كَانَ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿189﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ ﴿190﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿191﴾**

**قوم نوح نيز فرستادگان را تکذيب کردند (105) هنگاميکه برادرشان نوح به آنان گفت آيا پروا نميکنيد؟ (106) البته من براي شما پيامبري امين هستم (107) پس، از خداوند پروا نموده و اطاعتم کنيد (108) و از شما هيچ مزدي نميخواهم . مزد من جز بر عهده پروردگار جهانيان نيست (109) پس ، تقوا کنيد و مرا پيروي نمائيد (110) گفتند آيا به تو ايمان بياوريم در حاليکه فرومايگان پيرويت ميکنند؟ (111) گفت نميدانم چه ميکرده اند (112) حساب آنها جز نزد پروردگارم نيست اگر متوجه باشيد (113) و من كسي نيستم که مومنان را پراکنده کنم (114) فقط هشدار دهنده اي آشکارم (115) گفتند اي نوح اگر دست نکشي حتما سنگسارت ميکنيم (116) گفت پروردگارا قومم تکذيبم کردند (117) بين من و آنان حکم کن و مومنانِ همراهم را نجات ده (118) پس او و همراهانش را در آن کشتيِ پر نجات داديم (119) سپس بقيه را غرق کرديم (120) البته در آن امر آيه اي هست و اکثرشان مومن نيستند (121) و البته پروردگارت پيروزمند مهربان است (122) قوم عاد نيز پيامبران را تکذيب کردند (123) هنگاميکه برادرشان هود به آنان گفت پروا نمي کنيد؟ (124) و البته من برايتان پيامبري امينم (125) پس، از خداوند پروا نموده و اطاعتم کنيد (126) و براي آن مزدي از شما نميخواهم . جز اين نيست که مزدم بر عهده پروردگار جهانيان است (127) آيا در هر بلندي علامتي به بيهودگي بنا ميکنيد؟ (128) و كوشك هائي ميسازيد شايد جاودان مانيد (129) و هنگاميکه غضب ميکنيد ، از حد ميگذرانيد (130) پس از خدا بترسيد و مرا پيروي کنيد (131) از کسي پروا کنيد که شما را به آنچه ميدانيد ياري داد (132) به فرزندان و چارپايان ياريتان كرد (133) و باغستانها و چشمه سارها (134) من بر شما از عذاب روزي عظيم نگرانم (135) گفتند براي ما فرقي نميکند که موعظه مان کني يا نکني (136) اين حرفها که میزنی جز شیوه گذشتگان نيست (137) و ما عذاب نخواهيم شد (138) پس تکذيبش کردند و هلاکشان کرديم . البته در اين نشانه اي است و اکثرشان مومن نبودند (139) و پروردگارت البته پيروزمند مهربان است (140) قوم ثمود نيز پيامبران را تکذيب کردند (141) هنگاميکه برادرشان صالح گفت پروا نميکنيد؟ (142) من برايتان پيامبري امينم (143) پس ، از خدا پروا نموده و اطاعتم کنيد (144) و مزدي از شما نميخواهم و مزدم بر عهده خداوند است (145) آيا در آنچه در اينجاست در ايمني رها ميشويد؟ (146) در باغستانها و چشمه سارها (147) و کِشت ها و نخل هايي داراي چغاله خوش هضم (148) و در کوهها ماهرانه اطاقهائي ميتراشيد (149) از خدا پروا نموده و پيرويم كنيد (150) و فرمان مسرفان را نبريد (151) همانها که در زمين فساد ميکنند و اصلاح نمي کنند (152) گفتند جز اين نيست که جادو شده اي (153) تو جز بشري مانند ما نيستي پس علامتي بياور اگر راست ميگويي (154) گفت اين شتري است . براي آن نوبت آبي ، و براي شما هم نوبت آبي در هر روز معين شده است (155) و به آن بديي نرسانيد که عذابي سهمگين شما را در خواهد گرفت (156) پس آن را کشتند و سپس پشيمان شدند (157) آنگاه عذاب بگرفتشان که البته در اين آيه اي است و اکثرشان مومن نبودند (158) و البته پروردگارت پيروزمند رحيم است (159) قوم لوط نيز پيامبران را تکذيب کردند (160) هنگاميکه برادرشان لوط گفت آيا پروا نميکنيد؟ (161) من برايتان پيامبري امينم (162) پس از خدا پروا نموده اطاعتم کنيد (163) و من از شما مزدي نميخواهم . مزدم بر عهده خداوند پرودگار جهانيان است (164) آيا شما از ميان جهانيان با مذکّرها مي آميزيد؟ (165) و آنچه را که پروردگارتان برايتان از همسرانتان آفريده رها ميکنيد؟ بلکه شما تجاوزکاريد (166) گفتند اي لوط اگر بس نکني حتما اخراج ميشوي (167) گفت من از عملتان بيزارم (168) پروردگارا مرا و اهلم را از شر آنچه انجام ميدهند نجات ده (169) پس او را و اهلش را تماما نجات داديم (170) مگر پيرزني که جزء ماندگان بود (171) سپس بقيه را نابود کرديم (172) بر آنها باراني بارانديم . و چه بد است باران آن هشدار يافتگان (173) در اين البته نشانه اي است و اکثرشان مومن نبودند (174) و البته پروردگارت پيروزمند رحيم است (175) قوم اَيکه نيز پيامبران را تکذيب کردند (176) هنگاميکه شعيب به آنها گفت آيا پروا نمي کنيد؟ (177) من البته برايتان پيامبري امينم (178) پس از خدا پروا نموده و اطاعتم کنيد (179) و من از شما مزدي نمي طلبم . مزدم جز بر عهده پروردگار جهانيان نيست (180) پيمانه را کامل بپردازيد و از كم فروشان مباشيد (181) و با ترازويي درست بسنجيد (182) و اشياء مردم را کم ندهيد و در زمين به فساد نکوشيد (183) و از کسي که شما و پيشينيان را افريد پروا کنيد (184) گفتند جز اين نيست که تو از جادوشدگاني (185) و تو جز بشري مانند ما نيستي و ما تو را جز از دروغگويان نمي پنداريم (186) پس اگر راست ميگويي پاره اي از آسمان را بر سر ما بيانداز (187) گفت پروردگارم به رفتار شما داناتر است (188) پس تکذيبش کردند و عذابِ روزِ ابر بگرفتشان که عذاب روزي بزرگ بود (189) البته در اين نشانه ايست و اکثرشان مومن نبودند (190) و البته پروردگارت پيروزمند مهربان است (191)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: چگونه خداوند پيامبران را موفق و تکذيب کنندگان آنان را نابود مي کند .**

**درب : ای پیامبر! دشمنان تو نیز مانند اقوام نوح و عاد و ثمود و لوط و مدین از پا در خواهند آمد .**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 می فرماید : ای پیامبر ! ازرفتارهای مکذبانه این مردم دلگیرمباش وکـــار رسالتت را با قوت پی بگیر .

در پاراگراف 2 می فرماید : ای پیامبر ! تکذیبگرانت ازفرعون مهمترنیستند . اگرلازم باشد حتی به روش خارق العاده موفقت میکنیم .

در پاراگراف 3 می فرماید : ای پیامبر ! ابراهیم نیزمانند تو برقومش خروشید و با مخالفت مخاطبانش مواجه بود اما بالاخره موفقش نمودیم .

در این پاراگراف می فرماید : ای پیامبر ! با قوم تو درصورتی که رفتار ناپسند شان ازحد معینی بگذرد مانند مورد عاد و ثمود و لوط و مدین برخورد خواهیم داشت ، لذا با اطمینان به کار رسالتت برس .

**3 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

ظاهرا جامعه مکهء آن روزها که مهبط نزول این سوره و سوره های هم محتوا از قبیل سوره هود و سوره های یونس و صافات و اعراف بوده ، آلوده به همه آلودگی های اقوام پیشین ، از قبیل آریستو کراسی و خشونت و قساوت و تجاوز به اقوام دیگر و انحرافات جنسی و کمفروشی بوده ، به عبارت دیگر ، قوم معاصر نزول به مقداری آریستوکراسی و مقداری خشونت و سبعیت و مقداری انحراف جنسی و مقداری فساد در معاملات آلوده بوده ، به علاوه اینکه در انحراف فکری و عقیدتی سر آمد دوران بوده اند زیرا بنا بر اقوال بیش از سیصد بت در کعبه داشته اند .

**4 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در داستان های این پاراگراف با ذکر داستان پنج پیامبر (ع) و ذکر مشکلاتشان و نجات آنها ، در حقیقت پنج بار تلویحا پیشگوئی موفقیت آنحضرت و عبورش از مشکلات رسالتش را برای ایشان پیشگوئی فرموده است .

**5 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در طول این مدت طولانی ، از نزول این سوره تا به امروز ، تغییر معناییِ چندانی نیافته ، و لذا مخاطب های اولیه نیز از این پاراگراف همان تلقی را میداشته اند که ما .

**6 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

پیام دلداری ، که ای پیامبر بر مشکلات رسالتت صبر کن و موفق خواهی شد به آنحضرت.

**7 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

در این پاراگراف آیاتی وجود دارد که برخی از فقرات آنها در سوره های قبلی (قبل و بعد نسبت به این سوره و بر اساس جدول ترتیب نزول ما) آمده ، اما با تفاوت در لغت و الفاظ ، لذا اگر بگوئیم قبلا نیامده ، ناصحیح است ، و اگر بگوئیم آمده ، باز هم ناصحیح است ، لذا در باره این نوع پاراگراف ها (که از این پس بازهم خواهیم دید) میتوان چنین گفت که از لحاظ محتوا ، اکثر مطالب این پاراگراف مسبوق به سابقه است ، اما ، قسمتی از هرکدام از داستانهای انبیاء سلف جدید میباشد .

**شرح مختصر**

**ترجیع بند**

در ابتدای هر قسمت آمده که فلان قوم پیامبرشان را تکذیب کردند و در انتهای بند هم آمده که در این موضوع یعنی در نجات پیامبرشان و پیروان او و هلاک آن قوم، آیه­ای هست و اینکه پروردگارت دست نیافتنیِ مهربان است. و در متن بند هم شرحی از استدلال­های پیامبرشان و دعوت او و شِبه استدلال­های قوم او و تهدیدشان نسبت به آن پیامبر و پیروانش آمده است.

در این پاراگراف، در تمام بندهای مربوط به پیامبران گذشته،ابتدا و انتهای بند یکسان است و فقط انحرافی که آن قومِ بخصوص داشتند متفاوت است .

جالب اینکه در هر قومی یک انحراف خاص و متفاوت از دیگران وجود دارد.

این نوع بیان به مخاطب کمک می­کند که به نوعی استقراء دست یابد .

**فهمیدن منظور داستان های قرآنی آسانتر است**

موضوع تیتر فوق واضح است و شرحی نمیطلبد و لذا ما در پاراگراف های داستانی شرح زیادی لازم نمی بینیم ، مگر در برخی موارد استثنائی که وقتی به آن استثنائات رسیدیم اگر عرایض توضیحیی لازم بود عرض میکنیم .

**مشکل رفتاری قوم نوح (غیر از شرک)**

مثلاً در اینجا انحراف قوم نوح، علاوه بر شرک (چنانکه از آیه­های 111 تا 114 فهمیده می­شود) تحقیر مؤمنان نیز هستکه ناشیاز نوعی روحیه آریستوکراسی است (که در سوره عبس، مطالبی در این مورد دیده بودیم ناظر به این است که قوم عربِ معاصر آنحضرت نیز آلوده به آن بوده اند)

**مشکل خاص قوم عاد (غیر از شرک)**

از آیات تا140123 برمی­آید که انحراف قوم عاد این بوده که بعلت ثروت و شوکتی که یافته بودند، به نوعی از خودبینی و خودشیفتگی دچار شده بودند که سبب انحراف آنها از جاده حق و انسانیت و خداشناسی شده بود.

علامت­گذاری روی بلندی­ها بمعنی اعلام وجود خویش به همه دیگران است که این منم که چنین و چنانم و این محدوده قلمرو من است و ساختن قصرها به منظور جاودانگی چه بسا ساختن مقبره­های عظیمی باشد که اجساد خود را به منظور جاودانگی در آن بگذارند.

مثلاً مانند اهرام مصر که فراعنه به اجساد خود خیلی اهمیت می­دادند و آنها را با نوعی مواد شیمیایی از فساد حفظ می­کردند و آنها را در قبوری قرار می­دادند که از لحاظ مهندسی، از شگفتی­های معماری است و چه بسا قوم عاد نیز برای اجساد خویش ساختمانهای شگفتی می­ساختند برای اینکه این «من» خویش را جاودانه کنند.

اینکه هنگام غضب از حد می­گذراندند نیز به معنی این است که برای خویش خیلی اهمیت قائل بودند و برای طرف مقابل اهمیتی قائل نبودند .

خلاصه اینکه انحراف آنها، خود بزرگ­بینی و خودپسندی مفرط و محدود ندیدن خویش به حدود اخلاقی و دینی و انسانی ، و لذا انجام «هر کاری» بود که هوس میکردند .

چیزی که از ورای این پاراگراف میتواند به تیتر فوق مربوط باشد اینها است :

1 – خشونت بیش از حد (آیه 130)

2 – اصرار بر لجبازی و تصمیم بر اینکه هیچ جوری زیر بار سخن پیامبرشان نروند (آیه 136)

3 – توجیه رفتارهای خویش از باب اینکه صحت آنها ریشه در سنت پیشینیان دارد.

4 – انکار آخرت .

**مشکل قوم ثمود (غیر از شرک)**

چنانکه از این آیات برمی­آید انحراف قوم ثمود این بود که امنیت و رفاهی که داشتند در نتیجه فساد و تجاوز به حقوق دیگران بدست آمده بود.

از آیات 146تا149فهمیده می­شود آنها قدرتمند و مرفه بودند زیرا می­توانستند امنیت داشته باشند و علاوه بر نیازهای زندگی به تفنن نیز بپرازند.

از آیه­های 151و152 فهمیده می­شود آنها بطور منسجم و همکارانه در پی قتل و غارت و تجاوز به حقوق و اموال و اعراض دیگران (مثلاً اقوام دیگر) بر می­آمدند.

اینکه در آیه­های فوق گفته شده آنها امر «مسرفان» را اطاعت می­کردند، ممکن است دو معنی داشته باشد:

امر مسرفان را در خصوص اقوام دیگر اطاعت می­کردند یعنی به رهبری آن مسرفان به نقاط دیگر لشکرکشی می­کردند و مرتکب قتل و غارت و برده­گیری شده و آن رفاه و تفنن را در اثر بکارگیری ظالمانه آنان بدست می­آوردند.

یا اینکه امر مسرفان را در خصوص اقوام ضعیف داخل محدوده خویش بکار می­بردند و در نتیجه یک جامعه دو قطبی بوجود آوردند که عده­ای عده دیگر را بطور ظالمانه به استثمار می­گرفتند و برای خویش ثروت و رفاه و تفنن ایجاد می­کردند.

در موضوع قتل آن شتر که مطابق آیه­های 154 و 155 از آیات الهی بود، نیز همانگونه عمل می­کردند که عادتشان بود. قتل!

**مشکل خاص قوم لوط (غیر از شرک)**

از آیات 175-160 انحراف قوم لوط، انحراف جنسی بود و کلمه «لواط» و «الواط» نیز از نام آنها گرفته شده است.

در این سوره در مورد اقوام عاد و ثمود عذابشان را خیلی دقیق نقل ننموده اما عذاب قوم لوط را با ذکر دو مشخصه با دقت ذکر نموده که عبارت است از:

1- واژگون شدن آنان،

2- «باران بد»ی که بر آنان بارانده شد.

البته باید دانست که در سوره­های بعدی شرح مفصل­تری از عذاب آنان داده خواهد شد و دو نکته فوق روشن­تر خواهد گردید.

منظور از «پیرزن» مذکور زن حضرت لوط بوده است.

از مجموع آیه­های 170و 171 چنین فهمیده می­شود که آن پیغمبر خدا که در قرآن از او به عظمت یاد شده است در بدترین جا مأموریت تبلیغی یافته بود زیرا غیر از اعضاء خانواده­اش کسی به او ایمان نیاورده بودند و تازه زنش را نیز نباید جزء آنان حساب کرد.

**مشکل خاص قوم شعیب (غیر از شرک)**

با توجه به آیات 176تا191 انحراف قوم شعیب، انحراف اقتصادی بود و آیات 181 تا 183 بوضوح آن را نشان می­دهد.

از این آیات فهمیده می­شود فساد اقتصادی نیز مانند فساد جنسی و فساد اخلاقی، و فساد عقیدتی و فساد حکومتی، مهم و خانمان­برانداز و اسباب هلاکت اقوام می­باشد.

قبلا هم در سوره مطففین دیده ایم که خداوند کمفروشی را بشدت نکوهش فرموده، و معلوم عربِ مکهء معاصر نزول این سوره به این بلیه نیز مبتلا بوده است .

البته در سوره­های بعدی، به تناسب آیات مربوط، شرح بیشتری در این خصوص خواهد آمد.

موضوع آیه 189 در سوره­های دیگر به صورت «فریاد بلند» و «لرزه» آمده است.

**جمع بندی و تفسیر**

**قوم نوح نيز فرستادگان را تکذيب کردند (105) هنگاميکه برادرشان نوح به آنان گفت آيا پروا نميکنيد؟ (106) البته من براي شما پيامبري امين هستم (107) پس ، از خداوند پروا و اطاعتم کنيد (108) و از شما هيچ مزدي نميخواهم . مزد من جز بر عهده پروردگار جهانيان نيست (109) پس ، تقوا کنيد و مرا پيروي نمائيد (110) گفتند آيا به تو ايمان بياوريم در حاليکه فرومايگان پيرويت ميکنند؟ (111) گفت نميدانم چه ميکرده اند (112) حساب آنها جز نزد پروردگارم نيست اگر متوجه باشيد (113) و من كسي نيستم که مومنان را پراکنده کنم (114) فقط هشدار دهنده اي آشکارم (115) گفتند اي نوح اگر دست نکشي حتما سنگسارت ميکنيم (116) گفت پروردگارا قومم تکذيبم کردند (117) بين من و آنان حکم کن و مومنانِ همراهم را نجات ده (118) پس او و همراهانش را در آن کشتيِ پر نجات داديم (119) سپس بقيه را غرق کرديم (120) البته در آن آيه اي هست و اکثرشان مومن نيستند (121) و البته پروردگارت پيروزمند مهربان است (122) قوم عاد نيز پيامبران را تکذيب کردند (123) هنگاميکه برادرشان هود به آنان گفت پروا نمي کنيد؟ (124) و البته برايتان پيامبري امينم (125) پس از خداوند پروا نموده و اطاعتم کنيد (126) و براي آن مزدي از شما نميخواهم . جز اين نيست که مزدم بر عهده پروردگار جهانيان است (127) آيا در هر بلندي علامتي به بيهودگي بنا ميکنيد؟ (128) و كوشك هائي ميسازيد شايد جاودان مانيد (129) و هنگاميکه غضب ميکنيد ، از حد ميگذرانيد (130) پس از خدا بترسيد و مرا پيروي کنيد (131) از کسي پروا کنيد که شما را به آنچه ميدانيد ياري داد (132) به فرزندان و چارپايان ياريتان كرد (133) و باغستانها و چشمه سارها (134) من بر شما از عذاب روزي عظيم نگرانم (135) گفتند براي ما فرقي نميکند که موعظه مان کني يا نکني (136) اين جز رفتار گذشتگان نيست (137) و ما عذاب نخواهيم شد (138) پس تکذيبش کردند و هلاکشان کرديم . البته در اين نشانه اي است و اکثرشان مومن نبودند (139) و پروردگارت البته پيروزمند مهربان است (140) قوم ثمود نيز پيامبران را تکذيب کردند (141) هنگاميکه برادرشان صالح گفت پروا نميکنيد؟(142) من برايتان پيامبري امينم (143) پس ، از خدا پروا نموده و اطاعتم کنيد (144) و مزدي از شما نميخواهم و مزدم بر عهده خداوند است (145) آيا در آنچه در اينجاست در ايمني رها ميشويد؟(146)** {در باغستانها و چشمه سارها (147) و کِشت ها و نخل هايي داراي چغاله خوش هضم (148) و در کوهها ماهرانه اطاقهائي ميتراشيد} (149) **و از خدا پروا نموده و پيرويم كنيد (150) و فرمان مسرفان را نبريد (151)** {همانها که در زمين فساد ميکنند و اصلاح نمي کنند}(152) **گفتند جز اين نيست که جادو شده اي (153) تو جز بشري مانند ما نيستي پس علامتي بياور اگر راست ميگويي (154) گفت اين شتري است . براي آن** (نوبت) **آبي ، و براي شما هم** (نوبت) **آبي در هر روزي معين شده است (155) و به آن بديي نرسانيد که عذابي سهمگين شما را در خواهد گرفت (156) پس آن را کشتند و سپس پشيمان شدند (157) آنگاه عذاب بگرفتشان که البته در اين آيه اي است و اکثرشان مومن نبودند (158) و البته پروردگارت پيروزمند رحيم است (159) قوم لوط نيز پيامبران را تکذيب کردند (160) هنگاميکه برادرشان لوط گفت آيا پروا نميکنيد؟ (161) من برايتان پيامبري امينم (162) پس از خدا پروا نموده اطاعتم کنيد (163) و من از شما مزدي نميخواهم . مزدم بر عهده خداوند پرودگار جهانيان است (164) آيا شما از ميان جهانيان با مذکّرها مي آميزيد؟ (165) و آنچه را که پروردگارتان برايتان از همسرانتان آفريده رها ميکنيد؟ بلکه شما تجاوزکاريد (166) گفتند اي لوط اگر بس نکني حتما اخراج ميشوي (167) گفت من از عملتان بيزارم (168) پروردگارا مرا و اهلم را از** (شر) **آنچه انجام ميدهند نجات ده (169) پس او را و اهلش را تماما نجات داديم (170) مگر پيرزني که جزء ماندگان بود (171) سپس بقيه را نابود کرديم (172) بر آنها باراني بارانديم . و چه بد است باران هشدار يافتگان (173) در اين البته نشانه اي است و اکثرشان مومن نبودند (174) و البته پروردگارت پيروزمند رحيم است (175) قوم ايکه نيز پيامبران را تکذيب کردند (176) هنگاميکه شعيب به آنها گفت آيا پروا نمي کنيد؟(177) من البته برايتان پيامبري امينم (178) پس از خدا پروا نموده و اطاعتم کنيد (179) و من از شما مزدي نمي طلبم . مزدم جز بر عهده پروردگار جهانيان نيست (180) پيمانه را کامل بپردازيد و از كم فروشان مباشيد (181) و با ترازويي درست بسنجيد (182) و اشياء مردم را کم ندهيد و در زمين به فساد نکوشيد (183) و از کسي که شما و پيشينيان را افريد پروا کنيد (184) گفتند جز اين نيست که تو از جادوشدگاني (185) و تو جز بشري مانند ما نيستي و ما تو را جز از دروغگويان نمي پنداريم (186) پس اگر راست ميگويي پاره اي از آسمان را بر سر ما بيانداز (187) گفت پروردگارم به رفتار شما داناتر است (188) پس تکذيبش کردند و عذاب روز ابر گرفتشان که عذاب روزي بزرگ بود (189) البته در اين نشانه ايست و اکثرشان مومن نبودند (190) و البته پروردگارت پيروزمند مهربان است (191)**

**شعراء5 آیات192تا227**

**وَإِنَّهُ لَتَنزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿192﴾ نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ ﴿193﴾ عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ ﴿194﴾ بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُّبِينٍ ﴿195﴾ وَإِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْأَوَّلِينَ ﴿196﴾ أَوَلَمْ يَكُن لَّهُمْ آيَةً أَن يَعْلَمَهُ عُلَمَاء بَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿197﴾ وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَى بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ ﴿198﴾ فَقَرَأَهُ عَلَيْهِم مَّا كَانُوا بِهِ مُؤْمِنِينَ ﴿199﴾ كَذَلِكَ سَلَكْنَاهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ ﴿200﴾ لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ حَتَّى يَرَوُا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ﴿201﴾ فَيَأْتِيَهُم بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿202﴾ فَيَقُولُوا هَلْ نَحْنُ مُنظَرُونَ ﴿203﴾ أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ ﴿204﴾ أَفَرَأَيْتَ إِن مَّتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ ﴿205﴾ ثُمَّ جَاءهُم مَّا كَانُوا يُوعَدُونَ ﴿206﴾ مَا أَغْنَى عَنْهُم مَّا كَانُوا يُمَتَّعُونَ ﴿207﴾ وَمَا أَهْلَكْنَا مِن قَرْيَةٍ إِلَّا لَهَا مُنذِرُونَ ﴿208﴾ ذِكْرَى وَمَا كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿209﴾ وَمَا تَنَزَّلَتْ بِهِ الشَّيَاطِينُ ﴿210﴾ وَمَا يَنبَغِي لَهُمْ وَمَا يَسْتَطِيعُونَ ﴿211﴾ إِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمَعْزُولُونَ ﴿212﴾ فَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَكُونَ مِنَ الْمُعَذَّبِينَ ﴿213﴾ وَأَنذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ ﴿214﴾ وَاخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿215﴾ فَإِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تَعْمَلُونَ ﴿216﴾ وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ ﴿217﴾ الَّذِي يَرَاكَ حِينَ تَقُومُ ﴿218﴾ وَتَقَلُّبَكَ فِي السَّاجِدِينَ ﴿219﴾ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿220﴾ هَلْ أُنَبِّئُكُمْ عَلَى مَن تَنَزَّلُ الشَّيَاطِينُ ﴿221﴾ تَنَزَّلُ عَلَى كُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ ﴿222﴾ يُلْقُونَ السَّمْعَ وَأَكْثَرُهُمْ كَاذِبُونَ ﴿223﴾ وَالشُّعَرَاء يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ ﴿224﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ ﴿225﴾ وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ ﴿226﴾ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانتَصَرُوا مِن بَعْدِ مَا ظُلِمُوا وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنقَلَبٍ يَنقَلِبُونَ ﴿227﴾**

**و البته آن قرآن فرو فرستاده پروردگار جهانیان است (192) جبرئیل روح­الامين آن را نازل کرده (193) بر قلب تو ، تا از هشدار دهندگان باشي (194) که به زباني عربيِ واضح است (195) و البته خبر نزول آن در کتابهاي آسمانی قبلي نيز هست (196) آيا اين براي مخالفانت نشانه اي نيست که علماء بني اسرائيل از نزول آن خبر دارند و آن را مي شناسند؟ (197) و اگر آن را به بعضي از عجم ها نازل کرده بوديم (198) و آن پیامبر عجم آن را بر آنها ميخواند به آن ايمان نمي آوردند (199) آن سركشي را چنين در دلهاي گناهکاران راه ميدهيم (200) که به آن قرآن ايمان نمي آورند تا اينکه عذاب دردناک را ببينند (201) که ناگهاني بر سرشان درآيد و متوجه نباشند (202) و اگر چنین اتفاقی برایشان بیفتد خواهند گفت آيا مهلتي خواهیم یافت؟ (203) اینان که چنین اند ، چرا حالا عذاب ما را به عجله ميخواهند و میگویند اگر راست میگوئی آن عذابی را که ادعا میکنی بر ما فرود بیاور؟ (204) فکرش را بکن ، اگر سالهائي مهلتشان دهيم (205) آنگاه آنچه که به آن تهديدشان ميکنيم برسرشان بيايد (206) نعمتي که حالا از آن برخوردارند بدردشان نخواهد خورد و نمیتوانند بوسیله آن نعمت عذاب را از خودشان دفع کنند (207) و هيچ شهري را هلاک نکرديم مگر اينکه هشدار دهندگاني داشتند (208) تا متوجه شوند، و ما ظالم نيستيم (209) و شياطين آن قرآن را نازل نکرده اند (210) و آنها را نميرسد که چنين کنند و نميتوانند (211) آنها از شنيدن وحي معزول و برکنارند (212) پس همراه با خداوند خدايي ديگر مخوان که معذب خواهي شد (213) و خويشاوندان نزديکت را هشدار ده (214) و براي مومناني که پيرويت ميکنند مهربان و فروتن باش (215) اما اگر نافرمانيت کردند بگو از آنچه مي كنيد بيزارم (216) و بر خداوند عزتمند مهربان توکل کن (217) همو که تو را مي بيند هنگاميکه بر ميخيزي (218) و نيز گشتن تو را در ميان ساجدان نیز می بیند (219) که او خودش شنواي دانا است (220) آيا خبر دهم شما را که شياطين بر چه کسي فرود مي آيند؟ (221) بر همه باطل پراکن های گناهکار فرود مي آيند (222) كه گوش ميخوابانند تا یک سخن باطل پیدا کنند و اکثرشان دروغگويند (223) و آن شاعراني که گمراهان پيرويشان ميکنند نیز چنین اند (224) نمي بيني که در هر واديي سرگردانند؟ (225) و چيزهايي ميگويند که عمل نمي کنند؟ (226) غیر از آنهائی که ايمان آورده و عمل صالح نموده و خدا را بسيار ياد کرده و پس از ظلمي که به آنها شده در صدد انتقام بر می آیند ، و بزودي ظالمان خواهند دانست به چه بازگشتگاهي باز ميگردند (227)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: چگونه خداوند پيامبران را موفق و تکذيب کنندگان آنان را نابود مي کند.**

**درب : اي پيامبر، مطمئناً چون بر حق هستي موفق خواهي شد و ايمان نياوردن مخالفان تو را سست نکند و در مقابل تکذيبگران چنان و در مقابل پيروانت چنين باش و اي مسلمانان دلگرم باشيد که پيامبرِ شما بر حق است.**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 می فرماید : ای پیامبر ! ازرفتارهای مکذبانه این مردم دلگیرمباش وکـــار رسالتت را با قوت پی بگیر .

در پاراگراف 2 می فرماید : ای پیامبر ! تکذیبگرانت ازفرعون مهمترنیستند . اگرلازم باشد حتی به روش خارق العاده موفقت میکنیم .

در پاراگراف 3 می فرماید : ای پیامبر ! ابراهیم نیزمانند تو برقومش خروشید و با مخالفت مخاطبانش مواجه بود اما بالاخره موفقش نمودیم .

در پاراگراف 4 می فرماید : ای پیامبر ! با قوم تو درصورتی که رفتار ناپسند شان ازحد معینی بگذرد مانند مورد عاد و ثمود و لوط و مدین برخورد خواهیم داشت ، لذا با اطمینان به کار رسالتت برس .

در این پاراگراف می فرماید : ای پیامبر! توجه مخاطبان را به این نکته جلب کن که داستان­هایی که بر آنها خوانده­ای حق مطلق است زیرا وحی است ، و به آنها هشدار ده که از حد نگذرانند و گر چه این مطالب حق مطلق و وحی است اما مجرمان به آن ایمان نخواهند ، و تو ازایمان نیاوردن آنها چندان دلگیرمباش و به چنین عباداتی بپرداز و نسبت به پیروانت گرم تر باش و نزدیکانت را هشدارده .

**3 - سوالات**

2 – از «روح» (آیه193) چه سابقه ای درسوره های قبلی دارید؟

3 – منظور از «قلب» (آیه194) چیست؟

4 – منظور از «عربی» (آیه195) چیست؟

5 – منظور از «زبور» (آیه196) چیست؟

6 - «ه» در «یعلمه» (آیه197) اشاره به چیست؟

7 - «ه» در «نزلناه» (آیه198) و در«فقراه» (آیه199) اشاره به چیست؟

8 - عذاب مطرح در آیه های 201 و 204 عذاب آخرتی است یا برزخی یا شکستی که در جنگ­های بدر و خندق و جاهای دیگر خواهند خورد؟

9 - «س» در «سیعلم» (آیه 227) اشاره به چه ظرف زمانی دارد؟ (فتح مکه و سایر شکست های کفار؟ آخرت؟ هردو؟ یا . . ؟)

10 – منظور از آیات 222 تا 226 چیست؟ (تقدس زدائی از اقوال آنگونه اشخاص؟ یا . . ؟)

11 – مشخصات اشخاص مذکور در آیات سوال قبل ، منحصر به همان چیزهائی است که در آن آیات برشمرده؟ یا از باب نمونه است؟

12 – استثناء دو سوم ابتدای آیه 227 نسبت به چیست؟ (شعراء؟ یتبعهم الغاوون؟ یا . . ؟)

13 – منظور از «انّهم» (آیه 225) چه کسانی است؟ (شعراء ؟ یتبعهم؟ هر دو؟)

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

از آیه 197 فهمیده میشود که علماء یهود نزد مخالفان پیامبر (ص) یکنوع جایگاه مرجعیتی داشتند که در باره صحت و سقم ادعای آنحضرت مورد رجوع و استفسار قرار میگرفتند و همچنین فهمیده میشود که موضع علماء مذکور در زمان مقارن نزول این آیات بطور کلی تصدیق دعوی آنحضرت بود .

همچنین از دو آیه 198 و 199 فهمیده میشود مخالفان آنحضرت این ایراد را میگرفتند که چرا وحیِ مورد ادعای آنحضرت به او - که یکی از خود آنان بود - نازل شده؟ (قبلا هم در سوره اسراء دیدیم که این ایراد را داشتند که چرا وحی بر برخی از ملائکه نازل نشده)

در اوایل سوره معارج ، در آیه ای دیدیم که برخی از طریق درخواست عذاب موعود با آنحضرت مخالفت میکردند ، یعنی اینکه به او میگفتند «اگه راست میگی اون عذابی رو که ادعا میکنی بر سرمون فرود بیار» از آیه 204 معلوم میشود آن روحیه (تا نزول این سوره) هنوز هم وجود داشت و از آیه 207 فهمیده میشود مخالفان فعال آنحضرت از امکانی از قبیل قدرت و ثروت برخوردار بودند .

در آیه 192 نزول قرآن را به مباشرت جبرئیل قلمداد فرموده ، و در آیه 200 ایمان نیاوردن مجرمان را تعلیل فرموده ، و از جمع این دو میتوان فهمید که همین نوع اشخاص این شبهه را می پراکندند که قرآن به نوعی از القائات شیاطین است ، و بالاخره این شبهه در عده ای موثر واقع میشد و آنحضرت از این موضوع ناراحت بود و میخواست آن را ازاله کند و چه بسا کوشش به ازاله مذکور مستلزم اقوال و افعالی از سوی آنحضرت بود که در ظاهر چنین معنی میداد که گوئی آنحضرت تمایلی بسوی آنان دارد که با نهی و هشدار شدید آیه 213 آنحضرت را متوجه میکند که از این روش که از نظر شبهه زدگان ممکن است به تمایل آنحضرت بسوی آنان تلقی شود دست بردارد و در دو آیه بعد یاد آوری میکند که توجه خویش را دقیقا در کجا اعمال کند .

از آیه 227 و بخصوص کلمه «وانتصروا» فهمیده میشود در اوان نزول این آیات برخی از مسلمانان در اینجا و آنجا (لابد به سبب گرایش شان به تعالیم آنحضرت) مورد ظلم و بدرفتاریی از سوی مخالفان واقع میشدند ، و اینکه در اینجا توصیه به انتقام گیری میشوند دلیلی است بر اینکه در روزهای نزول این آیات تعداد مسلمانان به اندازه قابل ملاحظه ای رسیده بود و موقعیت شان از زمان نزول سوره های پیشین تغییر قابل توجهی کرده بود .

**5 - کلیدهای تفسیری**

**اصلی-فرعی:**

دو آیه 194 و 195 فرع بر آ یه 193 است. همچنین آیه 197 فرع برآیه 196 است.خود آیه 196 نیز بدون این که فرع بر آیه­ای باشد پرانتزی است ، زیرا اگر چشم خود را بر آن (و طبعاً بر فرع آن یعنی آیه 197 نیز) ببندیم و قبل و بعد آن را به هم وصل کنیم می­بینیم روال سخن صاف و یکدست می­شود.

چون آیه­های 198 و 199 در جهت تعلیل موضوع آیه 195 است آنها نیز فرع بر آن هستند.

آیه­های 202 و 203 فرع بر آیه 201 است و این واضح است.

آیات 204 تا 207 بدون این که فرع بر آیه­ای باشند پرانتزی هستند زیرا اگر چشم خویش را بر بندیم و انتهای آیه 201 را به ابتدای آیه 208 وصل کنیم می­بینیم روال سخن صاف و یکدست است.

آیه­*­*­های 208 و 209 نیز تعلیل دو آیه 200 و 201 است و لذا فرع بر همان­هاست.

آیه­های 219 و 218 فرع بر دو کلمه آخر آیه 217 است و این واضح است.

آیه 216 نیز فرع بر آیه 215 است و این هم واضح است.

آیه­های 212 و 211 نیز فرع بر آیه 210 است و این نیز واضح است.

لذا آیه­های اصلی این پاراگراف، آیه­های 210 و 213 و 214 و 215 و 217 و 220 است.

اما آیه ­210 از لحاظ موضوع یک طرف و همه آیه­های اصلی دیگر در یک طرف قرار می­گیرند به شرح ذیل:

آیه 210: این مطالب نمی­تواند از القائات شیطانی باشد.

آیه­­های 213تا 220: تعدادی توصیه­های عبادی و رفتاری به پیامبر(ص) است.

آیه 227 فرع بر آیه 226 است و این واضح است. خود آیه 226 همراه با آیه 225 فرع بر آیه 224 است و این هم واضح است. آیه 223 توصیف موضوع آیه 222 است و لذا فرع بر آن است.

**ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:**

**1**

**وَإِنَّهُ لَتَنزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿192﴾ نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ ﴿193﴾ عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ ﴿194﴾ بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُّبِينٍ ﴿195﴾ وَإِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْأَوَّلِينَ ﴿196﴾ أَوَلَمْ يَكُن لَّهُمْ آيَةً أَن يَعْلَمَهُ عُلَمَاء بَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿197﴾** **وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَى بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ ﴿198﴾ فَقَرَأَهُ عَلَيْهِم مَّا كَانُوا بِهِ مُؤْمِنِينَ ﴿199﴾**

**درس: چگونه خداوند پيامبران را موفق و تکذيب کنندگان آنان را نابود مي کند.**

**درب : ای پیامبر! خود این قرآن از عوامل اصلی موفق شدنت و شکست تکذیبگرانت میباشد.**

**2**

**كَذَلِكَ سَلَكْنَاهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ ﴿200﴾ لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ حَتَّى يَرَوُا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ﴿201﴾ فَيَأْتِيَهُم بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿202﴾ فَيَقُولُوا هَلْ نَحْنُ مُنظَرُونَ ﴿203﴾ أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ ﴿204﴾ أَفَرَأَيْتَ إِن مَّتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ ﴿205﴾ ثُمَّ جَاءهُم مَّا كَانُوا يُوعَدُونَ ﴿206﴾ مَا أَغْنَى عَنْهُم مَّا كَانُوا يُمَتَّعُونَ ﴿207﴾ وَمَا أَهْلَكْنَا مِن قَرْيَةٍ إِلَّا لَهَا مُنذِرُونَ ﴿208﴾ ذِكْرَى وَمَا كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿209﴾**

**درس: چگونه خداوند پيامبران را موفق و تکذيب کنندگان آنان را نابود مي کند.**

**درب : ای پیامبر! نیرویت را روی این تکذیبگران خرج مکن.**

**3**

**وَمَا تَنَزَّلَتْ بِهِ الشَّيَاطِينُ ﴿210﴾ وَمَا يَنبَغِي لَهُمْ وَمَا يَسْتَطِيعُونَ ﴿211﴾ إِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمَعْزُولُونَ ﴿212﴾**

**درس: چگونه خداوند پيامبران را موفق و تکذيب کنندگان آنان را نابود مي کند.**

**درب : ای مردم! کسی نمیتواند در مسیر وحی دخالتی کند و احیانا دستبردی بزند.**

**4**

**فَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَكُونَ مِنَ الْمُعَذَّبِينَ ﴿213﴾ وَأَنذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ ﴿214﴾ وَاخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿215﴾ فَإِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تَعْمَلُونَ ﴿216﴾ وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ ﴿217﴾ الَّذِي يَرَاكَ حِينَ تَقُومُ ﴿218﴾ وَتَقَلُّبَكَ فِي السَّاجِدِينَ ﴿219﴾ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿220﴾**

**درس: چگونه خداوند پيامبران را موفق و تکذيب کنندگان آنان را نابود مي کند.**

**درب : ای پیامبر! به خویش بپرداز، و به پیروانت، و کمترین اهمیت را به این تکذیبگران بده.**

**5**

**هَلْ أُنَبِّئُكُمْ عَلَى مَن تَنَزَّلُ الشَّيَاطِينُ ﴿221﴾ تَنَزَّلُ عَلَى كُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ ﴿222﴾ يُلْقُونَ السَّمْعَ وَأَكْثَرُهُمْ كَاذِبُونَ ﴿223﴾ وَالشُّعَرَاء يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ ﴿224﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ ﴿225﴾ وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ ﴿226﴾ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانتَصَرُوا مِن بَعْدِ مَا ظُلِمُوا وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنقَلَبٍ يَنقَلِبُونَ ﴿227﴾**

**درس: چگونه خداوند پيامبران را موفق و تکذيب کنندگان آنان را نابود مي کند.**

**درب : آموزش حدود تاثیر مخالفان وحی به پیامبر و پیروانش، برای رفع نگرانی شان.**

**6 - آیات برجسته این پاراگراف**

آیات 192 تا 195، هم از لحاظ اقبال زیادِ هنرمندان اعم از خوشنویس و کاشیکار و منبت کار و امثالهم به این آیات، و هم از لحاظ محتوای خود آیات ، از آیات برجسته قرآنی میباشند که موعوعشان وحی است که در حوزه زندگی انسانی مهم تر و تاثیرگذار تر از آن چیزی نیست.

**7 - آیات مشکل**

آیه 197 از آنجا که مورد اختلاف مفسران واقع شده ، جزء آیات مشکل تلقی میگردد.

همچنین است آیات 210 تا 212 .

همچنین است آیات 221 تا 224 .

**8 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

آیات 192 تا 194، از این لحاظ که حتی تا امروز نیز جزئیاتِ چگونگی وحی رسانی برای بشر حل نشده، و این فقره وارد حوزه علم بشری نگشته، حتی «فوق ذهنیات» بشر قرن بیست و یکمی نیز میباشد، چه رسد به بشر 1400 سال قبل.

همچنین است آیات 221 تا 224 به همان دلیل.

**9 – زاویه با تفاسیر رایج**

**1** : آیه 196 (المیزان) : " وَ إِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْأَوَّلِينَ" ضمير" انه" به قرآن بر مى‏گردد و يا به نزول آن بر قلب رسول خدا (ص)، و كلمه" زبر" جمع زبور است، كه به معناى كتابست، و معناى آيه اين است كه خبر آمدن قرآن و يا نزولش بر تو، در كتب گذشتگان از انبياء آمده بود.

تفسیر بهتر – با توجه به عصاره محتوای سوره (درس) و عصاره محتوای پاراگراف (درب) – این است که این مطالب (یعنی داستانهای پیامبران که حجم اصلی سوره را گرفته ، و نتایجِ حاصل از آن که در بخش های پایانی سوره ذکر شده) در کتب پیشین هست ، نه اینکه آن را محدود کنیم به «خبرِ آمدن قرآن و یا نزولش برتو» که البته در اینصورت (که المیزان انتخابش کرده) به محتوای سوره بی ارتباط هم خواهد بود.

**2** - آیه 200 :(المیزان) : كلمه" سلوك" به معناى داخل كردن و عبور دادن از راه است، و مراد از" مجرمين"، كفار و مشركين‏اند، كه اگر به اين نامشان ناميد، براى اين بود كه به علت حكم اشاره كرده و فهمانده باشد كه ما قرآن را در دل مشركين بدين جهت داخل مى‏كنيم كه مجرم هستند و اين از باب مجازات است، نتيجه اين تعبير اين است كه هر مجرمى همين مجازات را دارد. و معناى آيه اين است كه ما قرآن را با اين حال، يعنى با اين وضع كه مورد نفرت و اعراض مشركين باشد و به او ايمان نياورند، داخل در قلوب اين مشركين نموده، از آن عبورش مى‏دهيم، تا كيفر جرم آنان باشد و با هر مجرم ديگرى اين معامله را مى‏كنيم.

حقیقت این است که آدم در میماند که در مقابل این نوع معنی کردن چه بگوید ، بلکه معنی بهتر این است که «ه» در «سلکناه» معطوف به تکذیب کفار است که تقریبا تمام سوره اشاره به آن دارد و معنی آن اینطور میشود که ما این عمل تکذیب قرآن را به دل مکذبان راه دادیم ، که البته این معنی با «کذلک یضل الله من یشاء» که در قرآن بسیار تکرار شده ، همطراز است و معنی مقبولی است .

**10 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در بقیه سوره ، (آیات 192 تا 226 ) :

1 - با تایید منبع وحی به آنحضرت ،

2 – با تشریح علل کفر فعالانِ مخالفت با آنحضرت،

3 – با ارائه راهکارهایی برای مقابله با موانع ،

4 – با توصیف برخی از رفتارهای فعالان کفر،

تلویحا پیشگوئی موفقیت آنحضرت را می نماید و چنانکه همگان میدانند ، اینها تحقق یافته است .

**11 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در طول این مدت طولانی ، از نزول این سوره تا به امروز ، تغییر معناییِ چندانی نیافته ، و لذا مخاطب های اولیه نیز از این پاراگراف همان تلقی را میداشته اند که ما .

**12 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

1 – تایید پیامبر به عناوین گوناگون ،

2 – وعده موفقیت به آنحضرت ،

3 – توصیه ارشادی به آنحضرت که صبوری کن و با چیروانت چنین باش ،

4 – دلگرم کردن مسلمانان .

**13 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تقریبا تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

**شرح مختصر**

**به زبان مردم**

موضوع آیات 192تا195را در سوره­های تکویر و نجم و بعضی جاهای دیگر داریم.

اما اینکه در آیه 195 فرموده به «زبان عربی واضح»، طبیعی است که به زبان «عربی» باید باشد وگرنه برای مردم عرب­زبان ، پیامی به زبان نامفهوم غیرعربی ، چه تأثیری خواهد داشت؟

اما اینکه فرموده «واضح» ، نکته­ایست که نشان می­دهد مانعی برای دریافت پیام و فهم آن توسط مردم نبوده و صرف­نظر از قبول و رد پیام ، آن پیام فهمیده می­شده است .

خلاصه اینکه «وحی» طبق آن مکانیزم پیچیده و سنگین که در سوره نجم تا حدودی با آن آشنا شدیم ، نازل شده و پایین آمده و پایین آمده تا اینکه در نهایت «به زبان عربی روشن» بیان شده است .

حالا این مخاطب است که یا تأثیر می­پذیرد یا تأثیر نمی­پذیرد . (به خودش مربوط است)

این موضوع یکی از ملاک­های تفسیری نیز هست ، یعنی این که مفسر همواره باید این دغدغه خاطر را داشته باشد که کلمه مورد تفسیر در زمان نزول قرآن توسط مخاطب­های اولیه به چه معنی فهمیده می­شده ، زیرا زبان نیز در طول زمان متحول می­شود و معانی بسیاری از کلمات تغییر می­کند .

**علماء بنی­اسرائیل چه کسی را می­شناخته­­اند؟**

منظور از اینکه در آیه 197 فرموده «علماء بنی­اسرائیل او را می­شناسند» قاعدتاً باید وجود مقدس رسول اکرم(ص) باشد که در ادیان سابق به ظهور آن حضرت بشارت داده شده بود.

البته در تورات فعلی نشانی از این موضوع نیست ، اما از این آیه فهمیده   
می­­­شود در زمان نزول این آیات ، این موضوع نزد علماء یهودی که در یثرب بودند معروف و مشهور بوده است .

**فعل خداوند قانونمند است**

با توجه به تیتر فوق ، آیه 200 اینطور معنی می­یابد که «مجرمان به علت جرائمشان چنین می­شوند که راه­ ایمان بر دل­های آنها بسته می­شود»

**«به عجله می­خواهند» یعنی چه؟**

چه کافران سابق به پیامبرانشان و چه کفار معاصر رسول الله(ص) به آن حضرت می­گفته­اند: «این عذابی را که می­گویی بیاور اگر راست می­گویی»

لذا منظور از کلمه «یستعجلون» در آیه 204 همان موضوع است ، و ما تاکنون با توجه به لیست ترتیب نزول ، این موضوع را زیاد دیده­ایم .

**شیطان رانده­ شده**

مفهوم آیه 210 را قبلاً در سوره تکویر دیده­ایم و در همان سوره شیطان را بصورت «شیطان رانده شده» ذکر نموده بود.

در سوره فرقان آیه 29 نیز خواهیم دید شیطان انسان را به حال خود ول می­کند و در سوره اسراء نیز دیده­ایم که شیطان دشمن انسان است (آیه 53) و انسان را فریب می­دهد (آیه 64) و غیره. و این مفهوم نیز در قرآن بسیار زیاد تکرار شده است.

خلاصه اینکه شیطان با این خصوصیاتش نمی­تواند چنین آیاتی که همه­اش علم و حکمت و فایده برای انسان است، برای انسان بیاورد و اساساً وجود او و صفات او تناسبی با این عناصر یعنی نور و حکمت و خیر و فایده و لطف و رحمت و هدایت و بطور کلی، تمامی چیزهای خوب، ندارد.

**چرا این همه تأکید بر حجّیت قرآن؟**

در سوره نجم به وجه بلیغی بر حجیت قرآن تأکید شد.

معرفی فرشته وحی، عدم امکان دخالت در مسیرنزول وحی- از مبدأ تا پیامبر، و پس از آن .

خداونددرمجموع بسیار به حجیت قرآن بطور مجمل یا مفصل تأکید فرموده که مهــم­ترین و مفصل­ترین آن در سوره تکویر و پس از آن در حاقه و پس از آن باز هم و باز هم درهرجاکه لازم بوده –تابرسد به اینجا-به این امرپرداخته است .

چرا؟

شاید به این علت که مسلمانان با خویش می­گفتند اگر این مطالب درست باشد خیلی عالیست و ما بزودی نجات می­یابیم و عده­ای از کفار نیز با خود می­گفتند اگر این مطالب درست باشد این­ها پیروز می­شوند و ما هلاک می­گردیم و چه بهتر است لااقل حالا که جزء آن­ها نیستیم در صف دشمنان آن­ها نیز نباشیم.

چه بسا این است راز تأکید مجدد بر حجیت قرآن در این سوره با این محتوایی که دارد و خلاصه اش در درس سوره منعکس است.

**با پیروان فروتن باش**

در همین سوره، در پاراگراف مربوط به سوره نوح، دیدیم که یکی از مشکلات حضرت نوح(ع) این بود که راجع به پیروانش از طرف مخالفانش مورد ملامت قرار می­گرفت.

این موضوع را قبلاً در سوره قبلی (سوره هود) نیز بطور مفصل­تر دیدیم.

از آیه­های 215 و 216 نیز معلوم می­شود پیامبر(ص) نیز همین مشکل را داشت و پیروان آن حضرت که اکثرشان افراد فرودست و پایین جامعه بودند در حالات و رفتارهای آنها چیزهایی بود که مخالفان آن حضرت آن موارد را به رخ پیامبر(ص) می­کشیدند و آن حضرت را می­آزردند و لذا در این آیات، (مانند پاراگراف اول سوره عبس) خداوند او را توصیه به نشنیده گرفتن ملامت و با اصطلاح امروز «تحویل گرفتن» قوی آن پیروانش می­فرماید.

**شاعرانی که گمراهان عمدی پیرویشان می­کنند**

این نگارنده بسیار شنیده و خوانده است که عده­ای شعر و شاعری را تخطئه می­کنند و به عنوان دلیل آیه 224 را شاهد می­آورند و آن را اینطور ترجمه می­کنند «پیروان شاعران ، گمراهان هستند»

این ترجمه برای آیه از لحاظ ادبیات عرب غلط است و ترجمه صحیح این است «شاعرانی که اشخاص گمراه عمدی پیرویشان می­کنند»

یعنی بنابراین آیه ، دو جور شاعر داریم:

1- شاعرانی که در آیه 227 معرفی شده­اند ،

2- شاعرانی که گمراهان عمدی پیرویشان می­کنند .

چرا؟ زیرا که گمراهان عمدی در اشعار آنها چیزی می­یابند که خوششان می­آید و می­پسندند ، پس خود آن نوع شاعران نیز جزء گمراهان عمدی می­باشند .

ضمناً «گمراه عمدی» را در سوره نجم شناختیم و آنها همان­هایی هستند که خودشان را از طریق گناهان به گمراهی می­اندازند. (مثلاً همانطور که مصرف کنندگان مشروبات و مواد مخدر با مصرف آنها عمدتاً عقل خود را از کار می­اندازند)

**جمع بندی و تفسیر**

**و البته آن فرو فرستاده پروردگار مردمان است (192) روح­الامين آن را نازل کرده (193)** {بر قلب تو، تا از هشدار دهندگان باشي}(194) {{به زباني عربي واضح}} (195) {{{و البته (خبر) آن در کتابهاي قبلي نيز هست}}} (196)  **آيا اين برايشان نشانه اي نيست که علماء بني اسرائيل آنرا مي شناسند؟ (197) و اگر آن را به بعضي از عجم ها نازل کرده بوديم (198) و آنرا بر آنها ميخواند به آن ايمان نمي آوردند (199) آن** (سركشي) **را چنين در دلهاي گناهکاران راه ميدهيم (200) که به آن** (قرآن) **ايمان نمي آورند تا اينکه عذاب دردناک را ببينند (201)** {که ناگهاني بر سرشان درآيد و متوجه نباشند} (202) {{پس خواهند گفت آيا مهلتي خواهیم یافت؟}} (203) {{{آيا (اينك) عذاب ما را به عجله ميخواهند؟ (204) بينديش ، اگر سالهائي مهلتشان دهيم (205) آنگاه آنچه که به آن تهديدشان ميکنيم برسرشان بيايد (206) نعمتي که از آن برخوردارند بدردشان نخواهد خورد}}} (207) **و هيچ شهري را هلاک نکرديم مگر اينکه هشدار دهندگاني داشتند (208) تا متوجه شوند ، و ما ظالم نيستيم (209) و شياطين آن** (قرآن) **را نازل نکرده اند (210)** {و آنها را نميرسد که چنين کنند و نميتوانند (211) آنها از شنيدن (وحي) برکنارند}(212) **پس همراه با خداوند خدايي ديگر مخوان که معذب خواهي شد (213) و خويشاوندان نزديکت را هشدار ده (214) و براي مومناني که پيرويت ميکنند مهربان و فروتن باش (215)** {و اگر نافرمانيت کردند بگو از آنچه مي كنيد بيزارم} (216) **و بر خداوند عزتمند مهربان توکل کن (217)** {همو که تو را مي بيند هنگاميکه بر ميخيزي (218) و نيز گشتن تو را در ميان ساجدان (می بیند)} (219) **که او خودش شنواي دانا است (220) آيا خبر دهم شما را که شياطين بر چه کسي فرود مي آيند؟ (221) بر همه دروغ زنان گناهکار فرود مي آيند (222)** {كه گوش ميخوابانند و اکثرشان دروغگويند (223) و آن شاعراني که گمراهان پيرويشان ميکنند} (224) {{نمي بيني که در هر واديي سرگردانند؟ (225) و چيزهايي ميگويند که عمل نمي کنند؟}} (226) {{{مگر كساني که ايمان آورده و عمل صالح نموده و خدا را بسيار ياد کرده و پس از ظلمي که به آنها شده در صدد انتقام برآمده اند}}} **و بزودي ظالمان خواهند دانست به چه بازگشتگاهي باز ميگردند (227)**

**سوره يونس**

**﴿ بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾**

**الر تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ ﴿1﴾ أَكَانَ لِلنَّاسِ عَجَبًا أَنْ أَوْحَيْنَا إِلَى رَجُلٍ مِّنْهُمْ أَنْ أَنذِرِ النَّاسَ وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُواْ أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِندَ رَبِّهِمْ قَالَ الْكَافِرُونَ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ مُّبِينٌ ﴿2﴾ إِنَّ رَبَّكُمُ اللّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الأَمْرَ مَا مِن شَفِيعٍ إِلاَّ مِن بَعْدِ إِذْنِهِ ذَلِكُمُ اللّهُ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ أَفَلاَ تَذَكَّرُونَ ﴿3﴾ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا وَعْدَ اللّهِ حَقًّا إِنَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُواْ وَعَمِلُواْ الصَّالِحَاتِ بِالْقِسْطِ وَالَّذِينَ كَفَرُواْ لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُواْ يَكْفُرُونَ ﴿4﴾ هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاء وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَّرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُواْ عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ مَا خَلَقَ اللّهُ ذَلِكَ إِلاَّ بِالْحَقِّ يُفَصِّلُ الآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿5﴾ إِنَّ فِي اخْتِلاَفِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا خَلَقَ اللّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَّقُونَ ﴿6﴾ إنَّ الَّذِينَ لاَ يَرْجُونَ لِقَاءنَا وَرَضُواْ بِالْحَياةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنُّواْ بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ ﴿7﴾ أُوْلَئِكَ مَأْوَاهُمُ النُّارُ بِمَا كَانُواْ يَكْسِبُونَ ﴿8﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُواْ وَعَمِلُواْ الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ تَجْرِي مِن تَحْتِهِمُ الأَنْهَارُ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ﴿9﴾ دَعْوَاهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلاَمٌ وَآخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنِ الْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿10﴾**

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**الف . ل. ر. اين آياتِ آن کتاب آسمانی پر حکمت است (1) آيا مردم تعجب مي کنند که بسوي شخصي از خودشان وحي نموديم که مردم را هشدار و مومنان را مژده دهد که نزد پروردگارشان جايگاهي شایسته دارند؟ و کافران ميگويند اين پیامبر یک جادوگر آشکار است (2) البته پروردگارتان کسي است که آسمانها و زمين را در شش هنگام آفريد ، سپس بر عرش استيلا يافت . اوست که آن امر را تدبير ميکند . هيچ شفيعي قبل از اجازه اش نمیتواند كاري كند ، اين خداوندی است که پروردگارتان است ، پس او را عبادت کنيد ، آيا پند نميگيريد؟ (3) بازگشتگاه همگي تان بسوي اوست ، وعده خداوند حق است ، که همو البته آفرينش را شروع و اعاده ميکند ، تا آنان را که ايمان آورده و عمل شايسته کرده اند به عدالت پاداش دهد و کافران بسبب کفرشان نوشابه اي جوشان و عذابي دردناک داشته باشند (4) هموست که خورشيد را تابان و ماه را درخشان قرار داد و آن را چنان تقدیر کرد که منزلهائي داشته باشد ، و تا اینکه شمارش سال ها را بدانيد ، خداوند آن را جز به حق نيافريد ، و او چنین ، نشانه ها را براي مردمي دانا شرح ميدهد (5) البته در جايگزيني شب و روز و آنچه در آسمانها و زمين آفريده براي تقواپيشگان نشانه هائي است (6) البته کساني که اميد ملاقات ما را ندارند و به زندگي دنيا راضي شده و به آن دل خوش کرده اند و کساني که از آياتمان غافلند (7) به سبب آنچه که ميكرده اند جايگاهشان آتش است (8) البته آنانکه ايمان آورده و کارهاي شايسته کرده اند پروردگارشان با همان ايمانشان هدايتشان ميکند . و از نتیجه های ایمان وعمل صالحشان هم این است که در آخرت نهرها در کف بهشت هاي پر نعمت شان جاري است (9) سخنشان در آن «خداوندا تو منزهي» و درودشان «سلام» و سخن ديگرشان «ستايش مخصوص خداوند پروردگار جهانيان است» ميباشد (10)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: اي پيامبر با جديت کار رسالتت را پي گير. تو و پيروانت در مقابل کافران بي منطق و غافل ، دردنيا پيروز و در آخرت نجات يافته خواهيد بود.**

**درب: یکی از موارد بسیار مهم خطای کافران نشناختن این قرآن و غفلت از این آیات و صفات الهی است ، ای پیامبر توجه مردم را به سرانجام آخرتي شان جلب کن و در این راه صبور باش .**

**2 - سوالات**

1– منظور از «ناس» و «قدم صدق» را بیان کنید .

2 - بطورکلی موضوع وحی پیامبران چیست؟

3 – آیه 2 را «تحلیل» کنید .

4 – چرا خداوند در اینجا از ضمیر«من» (خلق استوی یدبر اذنه انه یبدء یعیده یجزی هو جعل قدره خلق یفصل خلق) استفاده فرموده؟

5 – منظور از «حق» (آیه5) را بیان کنید .

6 - چه سابقه ای از نیمه اول آیه3 در سوره های قبل دارید؟

7 – کلمه «حق» در دو آیه 4 و 5 چه تفاوت معنائی دارند؟

8 - «تعلموا عددالسنین والحساب» نتیجه مستقیم کدام آیت الهی است؟

9 – در آیه 9 « **يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ** » از طریق چه مکانیزمی عمل میکند؟

10 – آیه 7 ، معطوف به کدام آیه قبلی است؟

**3 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

از آیه 2 فهمیده میشود هنوز هم مخالفان آنحضرت با برگزیده شدن بشری مانند خودشان برای دریافت وحی مشکل داشتند ، اما ضمنا تاثیر دعوی پیامبر (ص) در قلوب مردم هم آنها را به شگفتی وا میداشت و آن را اینطور تعلیل میکردند که این تاثیر از جنس سحر بودن کلام آنحضرت است .

از مطالب آیات 7 تا 10 فهمیده میشود مردم روزهای نزول این آیات را میتوان به دو دسته تقسیم کرد :

1 – مومنان دارای عمل صالح .

2 – کسانی که به لقاء خدا امیدی نداشتند و به زندگی دنیا راضی بودند و به آن آرامش می یافتند و از آیات خدا غفلت داشتند .

در بدو نظر این سوال پیش می آید که چرا خداوند دسته دوم را در یک کلمه «کافران» خلاصه نکرده و آنها را با ذکر چهار مشخصه تعریف فرموده؟

خود چهار مشخصه فوق در دو دسته قابل تشخیص است :

1 – به لقاء خدا امید نداشتن و از آیات خدا غافل بودن

2 – به زندگی دنیا راضی بودن و از آن آرامش یافتن

از مفهوم «آرامش» در قسمت دوم ، رفاه فهمیده میشود ، به عبارت دیگر ، مرفهان جامعه مخاطب وحی در مقابل مومنان قرار میگرفتند که به قرینه فهمیده میشود خواستاران تغییر وضع موجود بودند یعنی اکثرا از فرودستان جامعه مذکور بوده اند .

به دیگر سخن ، وقتیکه نزول وحی به اینجا ، (سوره یونس – تقریبا سال ششم از بعثت) رسید ، جامعه مکه به دو قطبیِ محافظه کارانِ خواستار ثبات وضع موجود ، و مومنانِ خواستار تغییر وضع موجود ، تبدیل شده بود .

**4 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در آیه 5 ، خورشید را «چراغ» و ماه را «نور» نامیده و واضح است که چراغ «از خودش نور می­دهد» و این تعبیر که نزدیک به 1400 سال قبل راجع به خورشید شده ، از سطح علمی آن زمان که هیچ، بلکه از سطح علمی تا 900 سال بعدِ کلِّ جهان نیز بالاتر بوده ، و پیشرفت علمی بشر در جهت بهتر فهمیدن این نوع آیات کارکرده ، و هر روز هم به موازات پیشرفت علمی بشر می­بینیم آیاتی از قرآن بهتر فهمیده می­شود.

در هر حال آیه 5 یک پیشگویی علمی است و بار اعجازی دارد .

**5 – زاویه با تفاسیر رایج**

**1** :(المیزان) : و غرض اين سوره، يعنى آن هدفى كه سوره براى بيان آن نازل شده، عبارت است از تاكيد مردم به التزام به توحيد،

آنچه المیزان آن را غرض سوره نامیده ، همان چیزی است که ما آن را «درس» سوره نامیدیم و از راه محاسبه و با دقت استخراج شده که چنین میگوید : ای پیامبر با جدیت کار رسالتت را پیگیر ، تو و پیروانت در مقابل کافرانِ بی منطق و غافل در دنیا پیروز و در آخرت نجات یافته خواهید بود .

**2** :(المیزان) **:** اين سوره مباركه- همانطور كه از آياتش پيداست- در مكه نازل شده و از سوره‏هايى است كه نزول آن در اوائل بعثت بوده،

ضمنا خیلی جالب است که المیزان نیز به محتوای سوره استشهاد کرده ، در حالیکه محتوای سوره که شامل مطالب استدلالی سنگین و ذکر قسمتی از داستان حضرت موسی (ع) که ناظر به فاز نهائی داستان آنحضرت است با دوره ای از ماموریت رسول اکرم (ص) مناسبت دارد که به زمان هجرت نزدیک است ، نه اینکه (به قول المیزان) «در اوائل بعثت» بوده باشد .

**6 – کلیدهای تفسیری**

دو سومِ آخر آیه 4 «پرانتزی» است ، زیرا اگر قبل و بعدش را وصل کنیم روال سخن صاف و بی سکته خواهد شد.

**ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:**

**1**

**الر تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ ﴿1﴾ أَكَانَ لِلنَّاسِ عَجَبًا أَنْ أَوْحَيْنَا إِلَى رَجُلٍ مِّنْهُمْ أَنْ أَنذِرِ النَّاسَ وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُواْ أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِندَ رَبِّهِمْ قَالَ الْكَافِرُونَ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ مُّبِينٌ ﴿2﴾**

**درس: اي پيامبر با جديت کار رسالتت را پي گير. تو و پيروانت در مقابل این کافران بي منطق و غافل ، دردنيا پيروز و در آخرت نجات يافته خواهيد بود.**

**درب: یکی از موارد مهم خطای کافران نشناختن این قرآن و بشری بودنِ پیامبری است.**

**2**

**إِنَّ رَبَّكُمُ اللّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الأَمْرَ مَا مِن شَفِيعٍ إِلاَّ مِن بَعْدِ إِذْنِهِ ذَلِكُمُ اللّهُ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ أَفَلاَ تَذَكَّرُونَ ﴿3﴾ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا وَعْدَ اللّهِ حَقًّا إِنَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُواْ وَعَمِلُواْ الصَّالِحَاتِ بِالْقِسْطِ وَالَّذِينَ كَفَرُواْ لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُواْ يَكْفُرُونَ ﴿4﴾ هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاء وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَّرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُواْ عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ مَا خَلَقَ اللّهُ ذَلِكَ إِلاَّ بِالْحَقِّ يُفَصِّلُ الآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿5﴾ إِنَّ فِي اخْتِلاَفِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا خَلَقَ اللّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَّقُونَ ﴿6﴾**

**درس: اي پيامبر با جديت کار رسالتت را پي گير. تو و پيروانت در مقابل این کافران بي منطق و غافل ، دردنيا پيروز و در آخرت نجات يافته خواهيد بود.**

**درب : کافران آنقدر به آیات و نعمت های الهی عادت کرده اند که دیگر متوجه آنها نیستند ، بلکه نسبت آنها به خداوند را منکر میشوند.**

**3**

**إنَّ الَّذِينَ لاَ يَرْجُونَ لِقَاءنَا وَرَضُواْ بِالْحَياةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنُّواْ بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ ﴿7﴾ أُوْلَئِكَ مَأْوَاهُمُ النُّارُ بِمَا كَانُواْ يَكْسِبُونَ ﴿8﴾**

**درس: اي پيامبر! با جديت کار رسالتت را پي گير. تو و پيروانت در مقابل این کافران بي منطق و غافل ، دردنيا پيروز و در آخرت نجات يافته خواهيد بود.**

**درب : ای پیامبر! تکذیبگرانت را با این مشخصات غالب بشناس.**

**4**

**إِنَّ الَّذِينَ آمَنُواْ وَعَمِلُواْ الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ تَجْرِي مِن تَحْتِهِمُ الأَنْهَارُ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ﴿9﴾ دَعْوَاهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلاَمٌ وَآخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنِ الْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿10﴾**

**درس: اي پيامبر! با جديت کار رسالتت را پي گير. تو و پيروانت در مقابل این کافران بي منطق و غافل ، دردنيا پيروز و در آخرت نجات يافته خواهيد بود.**

**درب : ای پیامبر! پیروانت چنین عاقبتی خواهند داشت.**

**7 - آیات برجسته این پاراگراف**

آیات 3تا 6 از لحاظ جامعیت ذکر آیات و الطاف الهی بسیار کم نظیر است و از این نظر برجستگی خاصی دارد که در کل قرآن فقط دو موردِ دیگر دیده میشود.

**8 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

آیه های 3 تا 6 حاوی مطالبی است که بطور پرحجمی از محور هایی از آیات و الطاف الهی سخن رانده هریک از آنها برای ما قرن بیست و یکمی ها نیز محل سوالات و تحقیق ها است و هنوز به خم یک کوچه از رازهایشان نیز نرسیده ایم، چه رسد به مخاطب های اولیه!

**9 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

در باره آیات این پاراگراف ، حتی امروز نیز ، با توجه به معانی والای آن ، حتی برخی مفسران هم ، درک مقبولی از آن ندارند ، چه رسد به مخاطبان اولیه ! در عین حالیکه کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در این هزار و چند صد سال ، تغییر معنای قابل توجهی نیافته اند !

**10 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

1 - از موارد بسیار مهم خطای کافران نشناختن این قرآن و غفلت از این آیات و صفات الهی است ،

2 - ای پیامبر توجه مردم را به سرانجام آخرتي شان جلب کن و در این راه صبور باش.

**11 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

غیر از آیه 1 و 8 و 9 ، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**باز هم شفاعت**

در رابطه با آیه 3 ، در پاراگراف 3 سوره نجم ؛ و نیز در پاراگراف 7 سوره مدثر نیز بحثی عرض کرده­ایم.

بطور کلی باید عرض کنیم که غیر از «آیه الکرسیِ» مشهور، در بعد از هجرت، هیچ آیه ای در قرآن در موضوع شفاعت وجود ندارد، و کل آیات شفاعت در قبل از هجرت است و این تِم کلی را دارد که «به شفاعت به عنوان راه نجات دل مبندید»

نیز باید این را بدانیم که شفاعت یکی از اصول اساسی ادیان شِرک است، که بر پایه آنها شخص مشرک در مقابل خدا به «یکی از نزدیکان خدا» متوسل میشود و از او در مقابل بلایای ارضی و سماوی حفاظت، و پس از مرگ نیز از هر اتفاق نامطبوعی نجات، طلب میکند.

و چنانکه آیه 3 نیز کاملا واضح است، «ما من شفیع الا من بعد اذنه»، در حقیقت، ضمن اینکه اصل موضوع شفاعت را رد نمیکند، اما، گوئی که دارد صراحتا آن را رد میکند، و در این نکته ای است که امیدواریم در آیه دیگری در همین موضوع شفاعت توضیحش دهیم.

**شروع و اعاده**

با توجه به آیه 5 ، در رابطه با تیتر فوق در سوره بروج عرضی کرده­ایم.

**انسان**

مطالبی که در آیه 12 ذکر شده مربوط به «اکثر انسان­ها» است نه «همه انسان­ها»

**جمع بندی و تفسیر**

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**الف . ل. ر. اين آياتِ کتاب پر حکمت است (1) آيا مردم تعجب مي کنند که بسوي شخصي از خودشان وحي نموديم که مردم را هشدار و مومنان را مژده ده** {که نزد پروردگارشان جايگاهي واقعي دارند}**؟ و کافران ميگويند اين یک جادوگر آشکار است (2) البته پروردگارتان کسي است که آسمانها و زمين را در شش هنگام آفريد ، سپس بر عرش استيلا يافت . آن امر را تدبير ميکند . هيچ شفيعي مگر پس از اجازه اش** (كاري نمي كند) **اين خداوند است که پروردگارتان است . پس او را عبادت کنيد . آيا پند نميگيريد؟ (3) بازگشتگاه همگي تان بسوي اوست . وعده خداوند حق است . که همو البته آفرينش را شروع و اعاده ميکند** {تا آنان را که ايمان آورده و عمل شايسته کرده اند به عدالت پاداش دهد و کافران بسبب کفرشان نوشابه اي جوشان و عذابي دردناک خواهند داشت} **(4) هموست که خورشيد را تابان و ماه را درخشان قرار داد و آن را چنان برنامه ريزي کرد که منزلهائي داشته باشد . تا شمارش سال ها را بدانيد . خداوند آن را جز به حق نيافريد . و او نشانه ها را براي مردمي دانا شرح ميدهد (5) البته در جايگزيني شب و روز و آنچه در آسمانها و زمين آفريده براي تقواپيشگان نشانه هائي است (6)** **البته کساني که اميد ملاقات ما را ندارند و به زندگي دنيا راضي شده و به آن دل خوش کرده اند و کساني که از آياتمان غافلند (7) به سبب آنچه ميكردند جايگاهشان آتش است (8) البته آنانکه ايمان آورده و کارهاي شايسته کرده اند پروردگارشان با همان ايمانشان هدايتشان ميکند .** [از نتیجه های ایمان وعمل صالحشان هم این است که در آخرت] **نهرها در کف بهشت هاي پر نعمت شان جاريست (9) سخنشان در آن «خداوندا تو منزهي» و درودشان «سلام» و سخن ديگرشان «ستايش مخصوص خداوند پروردگار جهانيان است» ميباشد (10)**

**یونس2 آیات11تا30**

**وَلَوْ يُعَجِّلُ اللّهُ لِلنَّاسِ الشَّرَّ اسْتِعْجَالَهُم بِالْخَيْرِ لَقُضِيَ إِلَيْهِمْ أَجَلُهُمْ فَنَذَرُ الَّذِينَ لاَ يَرْجُونَ لِقَاءنَا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿11﴾ وَإِذَا مَسَّ الإِنسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنبِهِ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَآئِمًا فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضُرَّهُ مَرَّ كَأَن لَّمْ يَدْعُنَا إِلَى ضُرٍّ مَّسَّهُ كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْمُسْرِفِينَ مَا كَانُواْ يَعْمَلُونَ ﴿12﴾َ ولَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ مِن قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُواْ وَجَاءتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ وَمَا كَانُواْ لِيُؤْمِنُواْ كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ ﴿13﴾ ثُمَّ جَعَلْنَاكُمْ خَلاَئِفَ فِي الأَرْضِ مِن بَعْدِهِم لِنَنظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ ﴿14﴾ وَإِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ لاَ يَرْجُونَ لِقَاءنَا ائْتِ بِقُرْآنٍ غَيْرِ هَذَا أَوْ بَدِّلْهُ قُلْ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أُبَدِّلَهُ مِن تِلْقَاء نَفْسِي إِنْ أَتَّبِعُ إِلاَّ مَا يُوحَى إِلَيَّ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿15﴾ قُل لَّوْ شَاء اللّهُ مَا تَلَوْتُهُ عَلَيْكُمْ وَلاَ أَدْرَاكُم بِهِ فَقَدْ لَبِثْتُ فِيكُمْ عُمُرًا مِّن قَبْلِهِ أَفَلاَ تَعْقِلُونَ ﴿16﴾ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لاَ يُفْلِحُ الْمُجْرِمُونَ ﴿17﴾ وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللّهِ مَا لاَ يَضُرُّهُمْ وَلاَ يَنفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلاء شُفَعَاؤُنَا عِندَ اللّهِ قُلْ أَتُنَبِّئُونَ اللّهَ بِمَا لاَ يَعْلَمُ فِي السَّمَاوَاتِ وَلاَ فِي الأَرْضِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿18﴾ وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلاَّ أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُواْ وَلَوْلاَ كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ فِيمَا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿19﴾ وَيَقُولُونَ لَوْلاَ أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلّهِ فَانْتَظِرُواْ إِنِّي مَعَكُم مِّنَ الْمُنتَظِرِينَ ﴿20﴾ وَإِذَا أَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً مِّن بَعْدِ ضَرَّاء مَسَّتْهُمْ إِذَا لَهُم مَّكْرٌ فِي آيَاتِنَا قُلِ اللّهُ أَسْرَعُ مَكْرًا إِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُبُونَ مَا تَمْكُرُونَ ﴿21﴾ هُوَ الَّذِي يُسَيِّرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ حَتَّى إِذَا كُنتُمْ فِي الْفُلْكِ وَجَرَيْنَ بِهِم بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَفَرِحُواْ بِهَا جَاءتْهَا رِيحٌ عَاصِفٌ وَجَاءهُمُ الْمَوْجُ مِن كُلِّ مَكَانٍ وَظَنُّواْ أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ دَعَوُاْ اللّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ لَئِنْ أَنجَيْتَنَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنِّ مِنَ الشَّاكِرِينَ ﴿22﴾ فَلَمَّا أَنجَاهُمْ إِذَا هُمْ يَبْغُونَ فِي الأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا بَغْيُكُمْ عَلَى أَنفُسِكُم مَّتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَينَا مَرْجِعُكُمْ فَنُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿23﴾ إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاء أَنزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاء فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالأَنْعَامُ حَتَّىَ إِذَا أَخَذَتِ الأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَآ أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلاً أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَن لَّمْ تَغْنَ بِالأَمْسِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿24﴾ وَاللّهُ يَدْعُو إِلَى دَارِ السَّلاَمِ وَيَهْدِي مَن يَشَاء إِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿25﴾ لِّلَّذِينَ أَحْسَنُواْ الْحُسْنَى وَزِيَادَةٌ وَلاَ يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَلاَ ذِلَّةٌ أُوْلَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿26﴾ وَالَّذِينَ كَسَبُواْ السَّيِّئَاتِ جَزَاء سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا وَتَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ مَّا لَهُم مِّنَ اللّهِ مِنْ عَاصِمٍ كَأَنَّمَا أُغْشِيَتْ وُجُوهُهُمْ قِطَعًا مِّنَ اللَّيْلِ مُظْلِمًا أُوْلَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿27﴾ وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُواْ مَكَانَكُمْ أَنتُمْ وَشُرَكَآؤُكُمْ فَزَيَّلْنَا بَيْنَهُمْ وَقَالَ شُرَكَآؤُهُم مَّا كُنتُمْ إِيَّانَا تَعْبُدُونَ ﴿28﴾ فَكَفَى بِاللّهِ شَهِيدًا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ إِن كُنَّا عَنْ عِبَادَتِكُمْ لَغَافِلِينَ ﴿29﴾ هُنَالِكَ تَبْلُو كُلُّ نَفْسٍ مَّا أَسْلَفَتْ وَرُدُّواْ إِلَى اللّهِ مَوْلاَهُمُ الْحَقِّ وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُواْ يَفْتَرُونَ ﴿30﴾**

**و اگر خداوند شرِّ «به عجله خواستن خير» را برايشان تعجيل کند اجلشان فرا ميرسد ، ولي آناني را که اميدي به ملاقاتمان ندارند در طغيانشان به سرگرداني رها ميکند (11) و اگر انسان به ناراحتيي دچار شود ما را به پهلو و نشسته و ايستاده به دعا ميخواند ، اما پس از اينکه ناراحتيش برطرف شد چنان ميگذرد که انگار اصلا ما را براي ناراحتيي که برايش پيش آمده بود نخوانده است. برای اسرافگران اعمالشان چنین آراسته شده است (12) و البته گروههاي زيادي را قبل از شما وقتيکه ظلم کردند هلاک کرديم . همانها که رسولاشان بادلايل روشن بسويشان آمده بودند ، اما آنها ايمان آور نبودند. ما مجرمان را چنين سزا ميدهيم (13) آنگاه شما را پس از آنها جانشيناني قرار داديم تا ببينيم چگونه رفتار ميکنيد (14) ای پیامبر! هنگاميکه نشانه هاي روشن ما بر آنها خوانده ميشود آنانکه ملاقات ما را اميد ندارند ميگويند قرآني غير از اين بياور يا تغييرش بده . بگو مرا نميرسد که از جانب خويش تغييري در آن بدهم ، جز اين نيست که چيزي را که بسويم وحي ميشود پيروي ميکنم . من ميترسم در صورت نافرماني نسبت به پروردگارم به عذاب روزي بزرگ دچار شوم (15) بگو اگر خواست خدا نبود آنرا بر شما نميخواندم و شما را به آن آگاه نميكردم و قبل از آن نيز مدتي طولاني در ميان شما زيسته ام آيا تعقل نمي کنيد؟ (16) پس چه کسي ظالم تر است از کسي که به خدا افتراي دروغ بندد و يا آياتش را تکذيب کند؟ البته او مجرمان را رستگار نمي کند (17) و غير از خدا چيزي را که نفع و ضرري برايشان ندارد عبادت مي کنند و ميگويند اينها شفيعان ما نزد خدا هستند . بگو آيا چيزي را به خداوند نسبت ميدهيد که خودش در آسمانها و زمين اطلاعي از وجودش ندارد؟ خداوند منزه و بالاتر است از آنچه با او شريک مي كنند (18) و مردم جز يکجور نبودند ، و بعدا مختلف شدند . و اگر کلمه اي از جانب پروردگارت قبلا صادر نشده بود ، حتما درباره آنچه اختلاف ميکردند بين آنها حکم ميشد (19) و ميگويند چرا معجزه اي ا زجانب پروردگارش بر او نازل نمي شود؟ بگو جز اين نيست که غيب از آن خداست . پس منتظر باشيد که من نيز با شما در انتظارم (20) و هنگاميکه رحمتي پس از ناراحتيي به مردم بچشانيم فورا در آياتمان نيرنگي ميکنند . بگو تدبير خدا سريعتر است . البته فرشتگانِ فرستاده ما آنچه را که آنها نيرنگ ميزنند مي نويسند (21) هموست که شما را در خشکي و دريا ميگرداند ، تا اينکه چون در کشتي شويد ، و با بادي خوشايند راه رود ، و شما از آن شاد شويد ، بادي سخت بوزد و امواج از هر سو بيايد ، و بدانيد که احاطه شده ايد ، در آن حالت دين خود را براي خدا خالص کرده و او را به دعا ميخوانيد که اگر از اين نجاتمان دهي حتماً از شاکران خواهيم بود (22) اما هنگاميکه نجاتشان میدهیم فورا در زمين به ستمگري ناحق مي پردازند . ای پیامبر! بگو اي مردم! جز اين نيست که ستمگري تان به ضرر خودتان است . نتیجه اش برای شما ، اندک برخورداریي از زندگي دنياست ، سپس بازگشت تان بسوي ما است و شما را به آنچه انجام ميداديد آگاه خواهيم کرد (23) جز اين نيست که مثالِ زندگي دنيا مانند آبي است که از اسمان فرو میفرستيم که با روئيدني هاي زمين که خوراک آدمي و چارپايان است مخلوط ميشود تا اينکه آن زمين پر زينت و قشنگ ميشود و مردم فکر ميکنند بر آن توانائي دارند ، تا اينکه امرمان شب يا روز به آن ميرسد و چنان درو ميکند که انگار ديروز اصلا نبوده . ما بدين گونه آيات را براي اهل تفکرتشريح ميکنيم (24) و خداوند به سوي خانه صلح و سلامت دعوت میکند ، و هر که را که لایق ببیند بسوي جاده ای مستقيم هدايت مینماید (25) نيکوکاران نیکوئی و زيادت خواهند داشت و چهره شان را غبار و خواريي فرا نمي گيرد . آنها اهل بهشت و در آن جاودانند (26) و کساني که بدی ها را کسب کرده اند سزاي هر بدی به مانند آن خواهد بود و ذلت فرا ميگيردشان و چيزي در مقابل خداوند محافظتشان نمي کند . مانند آن است که چهره هاشان را قطعاتي از شب تاريک پوشانده باشد . آنها اهل آتشند و در آن جاودانند (27) و روزي که همگي شان را گرد آوريم و سپس به مشرکان بگوييم شما و شركايتان در جايگاه خويش باشيد . و بين آنها جدائي افكنيم و شرکاء ميگويند شما اصلا ما راعبادت نميکرديد (28) و خداوند به عنوان گواه بين ما و شما کافيست، ما از عبادت شما غافل بوديم (29) آنجاست که هر چه را هر کس پيشاپيش فرستاده ارزيابي ميکنيم و آنچه که حق است بسوي مولايشان که خداوند باشد برميگردد و آنچه که افترا باشد از نزدشان گم ميشود (30)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: اي پيامبر با جديت کار رسالتت را پي گير . تو و پيروانت در مقابل کافران بي منطق و غافل دردنيا پيروز و در آخرت نجات يافته خواهيد بود.**

**درب: اکثرآدمیزادگان، اکثراً، نادان و ناسپاس اند ، ای پیامبر ! حوزه ماموریتت این است ، رسالتت هم این است که این مخلوقاتم را ارتقاء دهی .**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 می فرماید : کافران درقبول امکان دریافت وحی بوسیله آدمی زاد مشکل دارند و اینهمه آیات واضح الهی غافلند وسرانجام آخرتی مومن و کافر تفاوت بسیارزیادی با یکدیگردارد ، پس ای مردم موضوع به این اهمیت را دست کم نگیرید .

در این پاراگراف می فرماید : «آدمیزاده، اکثراً، نادان و ناسپاس است» ، ای پیامبر! حوزه ماموریتت این است . رسالتت هم این است که روی ایــن مخلوقاتم کارکنی و آنها را ارتقاء دهی .

**3 - سوالات**

2 – بکار بردن کلمه «مکر» (آنطورکه در آیه 21 بکار رفته) استفاده از چه نوع سخن گفتن است؟ (مبالغه؟ کنایه؟ یا...؟)

3 – منظور از «رسلنا» (آیه21) چیست؟ (پیامبران؟ ملائکه حافظ اعمال؟ یا....؟)

4 – ذکر رفتاری که در آیه22 نشان داده شده ، برای چیست؟ (مثالی برای موضوع آیه21؟ یا....؟)

5 – در (حدود) ثلث اول آیه23 ، موضوع کدام کلید تفسیر اتفاق افتاده؟

6 – در همان آیه ، (پس از 6-7 کلمه) ، موضوع کدام کلید دیگراتفاق افتاده؟

7 – چرا در اینجا ، خداوند ، هم از ضمیر «ما» (اذقنا ایاتنا رسلنا الینا ننبئکم) و هم ازضمیر«من» (هو یسیّر انجاهم) استفاده فرموده؟

8-چه سابقه ای ازمطالب این پاراگراف درسوره های قبل دارید؟

1 - «دنیا» (آیه24) به معنی لغوی بکاررفته یا اصطلاحی ؟

2 – منظور از «دارالسلام» (آیه25) چیست؟

3 - ابتدا و انتهای دقیق مثال مطرح شده درآیه24را مشخص نمائید .

5 – چرا در آیه 24 از ضمیر«ما» (انزلنا امرنا جعلنا نفصل) استفاده فرموده؟ و چرا در آیه 25 ضمیر«من» (یدعوا یهدی یشاء) را ترجیح داده؟

9 – در همان آیه 24 مفهوم دنیا یکبار به معنی لغوی آمده و یکبار به معنی اصطلاحی ، (دقت کنید) ، موضوع را بطور واضح توضیح دهید .

10 – این «حیوة الدنیا» که در آیه 24 مطرح است ، دقیقا کجای آن است؟

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

از آیه 13 فهمیده میشود که اوضاع مخالفان آنحضرت شبیه اقوام سابق هلاک یافته بوده ، اما اینکه از چه لحاظ چنین بوده ، از آنجا روشن میشود که سایر آیاتی را که حاوی «وما کانوا لیومنوا» است را ملاحظه کنیم ، در صورت چنین ملاحظه ای معلوم میشود که «معیشت» آنها طوری سامان یافته بود که با تعالیم پیامبرانشان کاملا در تضاد بود ، و این نکته بما نشان میدهد که رفاهی که در پاراگراف های قبل مورد اشاره قرار گرفته ، حاصل از نظام حاصل از بت پرستی بود ، و به عبارت دیگر آنها نان بت پرستی میخوردند و نمیتوانستند گرایش مثبتی به تعالیم آنحضرت نشان دهند ، و از همین نکته معلوم میشود اینکه در آیه 15 میگفتند یک قرآن دیگری برایمان بیاور و در آیه 20 میگفتند چرا از سوی خدایش معجزه ای بر او نازل نمیشود از باب بهانه تراشی و فرار به جلو بوده است .

از آیه 21 به وضوح فهمیده میشود که کمی قبل از نزول آن آیه وضعیت ناراحت کننده ای (مثلا قحطیی یا ناراحتی معیشتی عمومی دیگر) حکمفرما بوده و به تازگی برطرف شده ، و مخالفان آنحضرت بجای اینکه شکر خدا را در پیش گیرند رفتاری در خلاف آن انجام میداده اند .

«قادرون علیها» در آیه 24 ، مرکز ثقل تفکرات مخالفان رسول خدا (ص) بوده ، به عبارت دیگر آنها این تصور را داشتند که «ایام به کام» خواهند بود ، و همین تصور آنها را در مخالفت با آنحضرت استوار نگاه میداشت ، که البته همانطور که کمی قبل هم دیدیم ، این با صفات آن محافظه کاران پیشگفته مطابق است .

چنانکه فوقا دیدید ، در این پاراگراف می فرماید : ای پیامبر ! رسالتت این است که روی ایــن مردم کارکنی و آنها را ارتقاء دهی ، پس حوصله کن و صبور باش.

قابل حدس است که آنحضرت که حدود شش سال است که از چشیدن اولین شیرینی وحی فاصله گرفته ، و فعلا تا گلو در مشکلات بار رسالت فرو رفته ، در دل گذرانده باشد که «خدایا مُردم ! پس چرا این کافران مزاحم زبان نفهم را مانند اقوام سلف نابود نمیکنی؟»

لذا این پاراگراف در درجه اول خطاب به آنحضرت است که اینقدر عجله نداشته باشد و در درجه دوم خطاب به پیروانش است که چه خبر است؟ یک لا اله الا الله گفته اید و انتظار دارید به طرفة العینی همه چیز درست شود؟ در مقابلتان آن خیل عظیم محافظه کارانِ خواهان ثبات وضع موجود را نمی بینید؟

**5 – زاویه با تفاسیر رایج**

**1**:(المیزان) : " وَ لَوْ يُعَجِّلُ اللَّهُ لِلنَّاسِ الشَّرَّ اسْتِعْجالَهُمْ بِالْخَيْرِ ..."

تعجيل در هر چيز به معناى آوردن آن به سرعت و عجله است، و استعجال به چيزى به معناى آن است كه بخواهيم چيزى به سرعت و عجله حاصل شود و كلمه" العمه" به معناى حيرت شديد است. و معناى آيه اين است كه: اگر خداى تعالى در رساندن شر- كه همان عذاب است- به مردم عجله مى‏كرد، همانطور كه خود مردم در رسيدن به خير و نعمت عجله مى‏كنند، هر آينه عذاب را بر آنان نازل مى‏كرد و اجلشان را پايان مى‏داد و ليكن خداى تعالى در رساندن شر به آنان عجله نمى‏كند،

«استعجالهم بالخیر» خودش یک «شر» است ، و معنی بهتر این است که اگر قرار باشد که خداوند «شرّ عجله کردن مردم برای رسیدن به خواسته ها» را دامنگیرشان کند وضع همگان خراب میبود اما خداوند معمولا نمیگذارد اینطور شود و مهلت میدهد و . . .

**6 – کلیدهای تفسیری**

**اصلی-فرعی:**

آیه­های 13 و 14 و آیه 19 وحدت موضوع دارند و آنچه بین آنها است ، نسبت به آنها ، پرانتزی می­شود .

از طرف دیگر، آیات 15 تا 18 نیز با آیه 20 وحدت موضوع دارند (که نکوهش رفتارهای کافرانه است) در این صورت آیات 13 و 14 و 19 پرانتزی می­شود.

حالا ما به عنوان مفسر، باید کدامیک از دو گروه را اصل و کدامیک را فرع بگیریم ؟

با توجه به پاراگراف­های قبل و بعد که نشان از «ارائه قانونمندی­­های رفتار انسان­ها» دارد ، در این پاراگراف باید آنچه را که در خط مذکور است اصل گرفته و بقیه را فرع بگیریم .

با توجه به مطلب فوق، آیات 13 و 14 19 آیات اصلی است و بقیه پرانتزی می­باشند.

آیه­های 22 و 23 در جهت ذکر مثال و توضیح آیه 21 است و لذا فرع بر آن بوده و آیه­ اصلی این پاراگراف آیه 21 می­باشد.

در اواسط آیه 23 یک مورد واگذاری به مخاطب داریم که در بخش تفسیر با علامت [ ] مشخص شده است .

**ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:**

**1**

**وَلَوْ يُعَجِّلُ اللّهُ لِلنَّاسِ الشَّرَّ اسْتِعْجَالَهُم بِالْخَيْرِ لَقُضِيَ إِلَيْهِمْ أَجَلُهُمْ فَنَذَرُ الَّذِينَ لاَ يَرْجُونَ لِقَاءنَا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿11﴾ وَإِذَا مَسَّ الإِنسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنبِهِ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَآئِمًا فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضُرَّهُ مَرَّ كَأَن لَّمْ يَدْعُنَا إِلَى ضُرٍّ مَّسَّهُ كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْمُسْرِفِينَ مَا كَانُواْ يَعْمَلُونَ ﴿12﴾َ**

**درس: اي پيامبر با جديت کار رسالتت را پي گير . تو و پيروانت در مقابل کافران بي منطق و غافل دردنيا پيروز و در آخرت نجات يافته خواهيد بود.**

**درب: آدمیزادگان، اکثراً، نادان و ناسپاس اند ، ای پیامبر ! حوزه ماموریتت این است ، رسالتت هم این است که این مخلوقاتم را ارتقاء دهی.**

**2**

**ولَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ مِن قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُواْ وَجَاءتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ** **وَمَا كَانُواْ لِيُؤْمِنُواْ كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ ﴿13﴾ ثُمَّ جَعَلْنَاكُمْ خَلاَئِفَ فِي الأَرْضِ مِن بَعْدِهِم لِنَنظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ ﴿14﴾ وَإِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ لاَ يَرْجُونَ لِقَاءنَا ائْتِ بِقُرْآنٍ غَيْرِ هَذَا أَوْ بَدِّلْهُ قُلْ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أُبَدِّلَهُ مِن تِلْقَاء نَفْسِي إِنْ أَتَّبِعُ إِلاَّ مَا يُوحَى إِلَيَّ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿15﴾ قُل لَّوْ شَاء اللّهُ مَا تَلَوْتُهُ عَلَيْكُمْ وَلاَ أَدْرَاكُم بِهِ فَقَدْ لَبِثْتُ فِيكُمْ عُمُرًا مِّن قَبْلِهِ أَفَلاَ تَعْقِلُونَ ﴿16﴾ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لاَ يُفْلِحُ الْمُجْرِمُونَ ﴿17﴾ وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللّهِ مَا لاَ يَضُرُّهُمْ وَلاَ يَنفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلاء شُفَعَاؤُنَا عِندَ اللّهِ قُلْ أَتُنَبِّئُونَ اللّهَ بِمَا لاَ يَعْلَمُ فِي السَّمَاوَاتِ وَلاَ فِي الأَرْضِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿18﴾** وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلاَّ أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُواْ وَلَوْلاَ كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ فِيمَا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿19﴾ **وَيَقُولُونَ لَوْلاَ أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلّهِ فَانْتَظِرُواْ إِنِّي مَعَكُم مِّنَ الْمُنتَظِرِينَ ﴿20﴾ وَإِذَا أَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً مِّن بَعْدِ ضَرَّاء مَسَّتْهُمْ إِذَا لَهُم مَّكْرٌ فِي آيَاتِنَا قُلِ اللّهُ أَسْرَعُ مَكْرًا إِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُبُونَ مَا تَمْكُرُونَ ﴿21﴾** هُوَ الَّذِي يُسَيِّرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ حَتَّى إِذَا كُنتُمْ فِي الْفُلْكِ وَجَرَيْنَ بِهِم بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَفَرِحُواْ بِهَا جَاءتْهَا رِيحٌ عَاصِفٌ وَجَاءهُمُ الْمَوْجُ مِن كُلِّ مَكَانٍ وَظَنُّواْ أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ دَعَوُاْ اللّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ لَئِنْ أَنجَيْتَنَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنِّ مِنَ الشَّاكِرِينَ ﴿22﴾ فَلَمَّا أَنجَاهُمْ إِذَا هُمْ يَبْغُونَ فِي الأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا بَغْيُكُمْ عَلَى أَنفُسِكُم مَّتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَينَا مَرْجِعُكُمْ فَنُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿23﴾

**درس: اي پيامبر با جديت کار رسالتت را پي گير . تو و پيروانت در مقابل کافران بي منطق و غافل دردنيا پيروز و در آخرت نجات يافته خواهيد بود.**

**درب: ای مردم! مانند اقوام سابق مباشید که چنان بودند و عاقبتشان چنان شد.**

**3**

**إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاء أَنزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاء فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالأَنْعَامُ حَتَّىَ إِذَا أَخَذَتِ الأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَآ أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلاً أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَن لَّمْ تَغْنَ بِالأَمْسِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿24﴾ وَاللّهُ يَدْعُو إِلَى دَارِ السَّلاَمِ وَيَهْدِي مَن يَشَاء إِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿25﴾**

**درس: اي پيامبر با جديت کار رسالتت را پي گير . تو و پيروانت در مقابل کافران بي منطق و غافل دردنيا پيروز و در آخرت نجات يافته خواهيد بود.**

**درب: ای مردم! به چیز فانی و گذرا دل مبندید.**

**4**

**لِّلَّذِينَ أَحْسَنُواْ الْحُسْنَى وَزِيَادَةٌ وَلاَ يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَلاَ ذِلَّةٌ أُوْلَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿26﴾ وَالَّذِينَ كَسَبُواْ السَّيِّئَاتِ جَزَاء سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا وَتَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ مَّا لَهُم مِّنَ اللّهِ مِنْ عَاصِمٍ كَأَنَّمَا أُغْشِيَتْ وُجُوهُهُمْ قِطَعًا مِّنَ اللَّيْلِ مُظْلِمًا أُوْلَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿27﴾ وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُواْ مَكَانَكُمْ أَنتُمْ وَشُرَكَآؤُكُمْ فَزَيَّلْنَا بَيْنَهُمْ وَقَالَ شُرَكَآؤُهُم مَّا كُنتُمْ إِيَّانَا تَعْبُدُونَ ﴿28﴾ فَكَفَى بِاللّهِ شَهِيدًا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ إِن كُنَّا عَنْ عِبَادَتِكُمْ لَغَافِلِينَ ﴿29﴾ هُنَالِكَ تَبْلُو كُلُّ نَفْسٍ مَّا أَسْلَفَتْ وَرُدُّواْ إِلَى اللّهِ مَوْلاَهُمُ الْحَقِّ وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُواْ يَفْتَرُونَ ﴿30﴾**

**درس: اي پيامبر با جديت کار رسالتت را پي گير . تو و پيروانت در مقابل کافران بي منطق و غافل دردنيا پيروز و در آخرت نجات يافته خواهيد بود.**

**درب: ای مردم! به این عاقبت حتمی تان بیندیشید.**

**7 - آیات برجسته این پاراگراف**

آیه 19 از لحاظ معنای بلندی که در موضوع فلسفه تاریخ دارد، جزء آیات برجسته قرآنی است.

**8 - کدام مطالب این پاراگراف «بی ربط» به نظر میرسد؟**

آیه 19 چنین موقعیتی دارد، علتش هم این است که «پرانتزی» است، دلیلش هم اینکه اگر چشم خویش را برآن ببندیم و قبل و بعدش را وصل کنیم خواهیم دید روال سخن صاف و یکدست و بی سکته است.

همچنین است وضع آیه های 22و23 .

**9 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

کل مطالب آیات 26 تا چنان فوق ذهنیات ما بشر قرن بیست و یکمی است که هیچکس نیست که بتواند توصیفی معقول و مقبول از واقعیتِ نعمتها و عذاب های مطرح شده در آنها را بدهد، چه رسد به عرب های 1400 سال قبل.

**10 - پیشگوئی های تحقق یافته**

آیه 15 شامل تحدی راجع به قرآن است که یکنوع پیشگوییِ دایر بر ناتوانیِ آنان به شرکت در این مبارزه هم هست که درست هم درآمده است .

لحن محکمِ آیه 20 تلویحا پیشگوئی غلبه مطلق آنحضرت را دارد، و دیده شد که چنین هم شد.

**11 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در طول این مدت طولانی ، از نزول این سوره تا به امروز ، تغییر معناییِ چندانی نیافته ، و لذا مخاطب های اولیه نیز از این پاراگراف همان تلقی را میداشته اند که ما .

**12 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

1 – تشریح حوزه ماموریت پیامبر (ص) برای او ،

2 – تعریفی از یکی از خصوصیت های اصلی انسان (به عجله خواستن خیر)

**13 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تقریبا تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**«به عجله خواستن» خیر ، خودش شر است**

آنچه در آیه 11 آمده به این معنی است که «به عجله خواستنِ» خیر، برای بشر خیر نیست. یعنی اینکه خیر در آن است که براساس روال طبیعی برسد مثلاً بچه پس از نه ماه از رحم مادر خارج شود، و کارنامه قبولی پس از گذراندن کلاس و خواندن درس و حل تمرین­ها بدست بیاید و مثالهای دیگر.

**نان بت پرستی**

جمله «وَمَا كَانُواْ لِيُؤْمِنُواْ» در آیه 13 (اینطور نبود که ایمان بیاورند) اینطور قابل فهم است که معیشت مردمِ مذکور در گروِ نظام شرکِ مورد مخالفتِ انبیاءشان بود، یعنی آنها در حالیکه نان بت پرستی میخوردند چگونه میتوانستند تعالیم ضد شرک انبیاء را هم بپذیرند؟

**فلسفه تاریخ**

در مورد آیه 19 چند سوال مطرح میشود:

1 – منظور از ناس چه کسانی است؟ (همه مردم در همه جا؟ مردمی که در باصطلاح «کمون های اولیه» بودند؟ یا . . . ؟)

2 – منظور از «کلمه» ای که مانع عذاب فاعلینِ «فاختلفوا» است، چه میباشد؟

**اشتباه نکنید**

موضوعی که در آیه 24 آمده همان موضوعی است که خداوند در «داستان باغ» در سوره قلم مثال زده است .

نکته­ای که باید مورد توجه باشد این است که این موضوع کلیت ندارد و یک اتفاق همیشگی نیست که نعمتهای این جهانی این افراد خاطی همواره به چنان سرنوشتی برسند.

بلکه گاه­گاهی، و در حالت شدت کفر و تکذیب، و پس از اتمام حجت­های کـــامل، این نوع اتفاق ها می­ افتد (که ناگهان تمام نعمت و صاحبانشان از بین بروند)

**جمع بندی و تفسیر**

**و اگر خداوند شرِّ «به عجله خواستن خير» را برايشان تعجيل کند اجلشان فرا ميرسد ، ولي آناني را که اميدي به ملاقاتمان ندارند در طغيانشان به سرگرداني رها ميکنيم (11) و اگر انسان به ناراحتيي دچار شود ما را به پهلو و نشسته و ايستاده به دعا ميخواند ، اما پس از اينکه ناراحتيش را برطرف کرديم چنان ميگذرد که انگار اصلا ما را براي ناراحتيي که برايش پيش آمده بود نخوانده است. چنین برای اسرافگران اعمالشان آراسته شده است (12)** **و البته گروههاي زيادي را قبل از شما وقتيکه ظلم کردند هلاک کرديم . همانها که رسولاشان بادلايل روشن بسويشان آمده بودند ، اما آنها ايمان آور نبودند. ما مجرمان را چنين سزا ميدهيم (13) آنگاه شما را پس از آنها جانشيناني قرار داديم تا ببينيم چگونه رفتار ميکنيد (14)** [ ای پیامبر !]و هنگاميکه نشانه هاي روشن ما بر آنها خوانده ميشود آنانکه ملاقات ما را اميد ندارند ميگويند قرآني غير از اين بياور يا تغييرش بده . بگو مرا نميرسد که از جانب خويش تغييري در آن بدهم ، جز اين نيست که چيزي را که بسويم وحي ميشود پيروي ميکنم . من ميترسم در صورت نافرماني نسبت به پروردگارم به عذاب روزي بزرگ دچار شوم (15) بگو اگر خواست خدا نبود آنرا بر شما نميخواندم و شما را به آن آگاه نميكردم و قبل از آن نيز مدتي طولاني در ميان شما زيسته ام آيا تعقل نمي کنيد؟ (16) پس چه کسي ظالم تر است از کسي که به خدا افتراي دروغ بندد و يا آياتش را تکذيب کند؟ البته او مجرمان را رستگار نمي کند (17) و غير از خدا چيزي را که نفع و ضرري برايشان ندارد عبادت مي کنند و ميگويند اينها شفيعان ما نزد خدا هستند . بگو آيا چيزي را به خداوند نسبت ميدهيد که خودش در آسمانها و زمين اطلاعي از وجود آن ندارد؟ خداوند منزه و بالاتر است از آنچه با او شريک مي كنند (18) **و مردم جز يکجور نبودند . و** (بعدا) **مختلف شدند . و اگر کلمه اي از جانب پروردگارت قبلا صادر نشده بود ، حتما درباره آنچه اختلاف ميکردند بين آنها حکم ميشد (19)** و ميگويند چرا معجزه اي ا زجانب پروردگارش بر او نازل نمي شود؟ بگو جز اين نيست که غيب از آن خداست . پس منتظر باشيد که من نيز با شما در انتظارم (20) **و هنگاميکه رحمتي پس از ناراحتيي به مردم بچشانيم فورا در آياتمان نيرنگي ميکنند . بگو تدبير خدا سريعتر است . البته** (فرشتگانِ) **فرستاده ما آنچه را که آنها نيرنگ ميزنند مي نويسند (21) هموست که شما را در خشکي و دريا ميگرداند** ، {تا اينکه چون در کشتي شويد ، و با بادي خوشايند راه رود ، و شما از آن شاد شويد ، بادي سخت بوزد و امواج از هر سو بيايد ، و بدانيد که احاطه شده ايد ، در آن حالت دين خود را براي خدا خالص کرده و او را به دعا ميخوانيد که اگر از اين نجاتمان دهي حتماً از شاکران خواهيم بود (22) اما هنگاميکه نجاتشان داديم فورا در زمين به ستمگري ناحق مي پردازند . [ای پیامبر ! بگو ] اي مردم! جز اين نيست که ستمگري تان به ضرر خودتان است . [ اندک ] برخورداریي از زندگي دنياست ،} **سپس بازگشت بسوي ما است و شما را به آنچه انجام ميداديد آگاه خواهيم** **کرد (23)** **جز اين نيست که مثالِ زندگي دنيا مانند آبي است که از اسمان فرو فرستاديم که با روئيدني هاي زمين که خوراک آدمي و چارپايان است مخلوط ميشود تا اينکه آن زمين پر زينت و قشنگ ميشود و مردم فکر ميکنند بر آن توانائي دارند ، تا اينکه امرمان شب يا روز به آن ميرسد و چنان درو ميکند که انگار ديروز اصلا نبوده . ما بدين گونه آيات را براي اهل تفکرتشريح ميکنيم (24) و خداوند به سوي خانه صلح و سلامت دعوت میکند ، و هر که را خواهد بسوي جاده ای مستقيم هدايت مینماید (25)** **نيکوکاران نیکوئی و زيادت خواهند داشت و چهره شان را غبار و خواريي فرا نمي گيرد . آنها اهل بهشت و در آن جاودانند (26) و کساني که زشتيها را کسب کرده اند سزاي هر زشتي به مانند آن خواهد بود و ذلت فرا ميگيردشان و چيزي در مقابل خداوند محافظتشان نمي کند . مانند آن است که چهره هاشان را قطعاتي از شب تاريک پوشانده . آنها اهل آتشند و در آن جاودانند (27) و روزي که همگي شان را گرد آوريم و سپس به مشرکان بگوييم شما و شركايتان در جايگاه خويش باشيد . و بين آنها جدائي افكنيم و شرکاء ميگويند شما اصلا ما راعبادت نميکرديد (28) و خداوند به عنوان گواه بين ما و شما کافيست ، ما از عبادت شما غافل بوديم (29) آنجاست که هر چه را هر کس پيشاپيش فرستاده ارزيابي ميکنيم و آنچه که حق است بسوي مولايشان که خداوند باشد برميگردد و آنچه که افترا باشد از نزدشان گم ميشود (30)**

**یونس3 آیات31تا54**

**قُلْ مَن يَرْزُقُكُم مِّنَ السَّمَاء وَالأَرْضِ أَمَّن يَمْلِكُ السَّمْعَ والأَبْصَارَ وَمَن يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيَّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَن يُدَبِّرُ الأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللّهُ فَقُلْ أَفَلاَ تَتَّقُونَ ﴿31﴾ فَذَلِكُمُ اللّهُ رَبُّكُمُ الْحَقُّ فَمَاذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلاَّ الضَّلاَلُ فَأَنَّى تُصْرَفُونَ ﴿32﴾ كَذَلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ فَسَقُواْ أَنَّهُمْ لاَ يُؤْمِنُونَ ﴿33﴾ قُلْ هَلْ مِن شُرَكَآئِكُم مَّن يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ قُلِ اللّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ ﴿34﴾ قُلْ هَلْ مِن شُرَكَآئِكُم مَّن يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ قُلِ اللّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ أَفَمَن يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَن يُتَّبَعَ أَمَّن لاَّ يَهِدِّيَ إِلاَّ أَن يُهْدَى فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ﴿35﴾ وَمَا يَتَّبِعُ أَكْثَرُهُمْ إِلاَّ ظَنًّا إَنَّ الظَّنَّ لاَ يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا إِنَّ اللّهَ عَلَيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ ﴿36﴾ وَمَا كَانَ هَذَا الْقُرْآنُ أَن يُفْتَرَى مِن دُونِ اللّهِ وَلَكِن تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ الْكِتَابِ لاَ رَيْبَ فِيهِ مِن رَّبِّ الْعَالَمِينَ ﴿37﴾ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُواْ بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ وَادْعُواْ مَنِ اسْتَطَعْتُم مِّن دُونِ اللّهِ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ﴿38﴾ بَلْ كَذَّبُواْ بِمَا لَمْ يُحِيطُواْ بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ ﴿39﴾ وَمِنهُم مَّن يُؤْمِنُ بِهِ وَمِنْهُم مَّن لاَّ يُؤْمِنُ بِهِ وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِالْمُفْسِدِينَ ﴿40﴾** **وَإِن كَذَّبُوكَ فَقُل لِّي عَمَلِي وَلَكُمْ عَمَلُكُمْ أَنتُمْ بَرِيئُونَ مِمَّا أَعْمَلُ وَأَنَاْ بَرِيءٌ مِّمَّا تَعْمَلُونَ ﴿41﴾ وَمِنْهُم مَّن يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ أَفَأَنتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ وَلَوْ كَانُواْ لاَ يَعْقِلُونَ ﴿42﴾ وَمِنهُم مَّن يَنظُرُ إِلَيْكَ أَفَأَنتَ تَهْدِي الْعُمْيَ وَلَوْ كَانُواْ لاَ يُبْصِرُونَ ﴿43﴾ إِنَّ اللّهَ لاَ يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿44﴾ وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ كَأَن لَّمْ يَلْبَثُواْ إِلاَّ سَاعَةً مِّنَ النَّهَارِ يَتَعَارَفُونَ بَيْنَهُمْ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُواْ بِلِقَاء اللّهِ وَمَا كَانُواْ مُهْتَدِينَ ﴿45﴾ وَإِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ اللّهُ شَهِيدٌ عَلَى مَا يَفْعَلُونَ ﴿46﴾ وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولٌ فَإِذَا جَاء رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ وَهُمْ لاَ يُظْلَمُونَ ﴿47﴾ وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ﴿48﴾ قُل لاَّ أَمْلِكُ لِنَفْسِي ضَرًّا وَلاَ نَفْعًا إِلاَّ مَا شَاء اللّهُ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ إِذَا جَاء أَجَلُهُمْ فَلاَ يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلاَ يَسْتَقْدِمُونَ ﴿49﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُهُ بَيَاتًا أَوْ نَهَارًا مَّاذَا يَسْتَعْجِلُ مِنْهُ الْمُجْرِمُونَ ﴿50﴾ أَثُمَّ إِذَا مَا وَقَعَ آمَنْتُم بِهِ آلآنَ وَقَدْ كُنتُم بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ ﴿51﴾ ثُمَّ قِيلَ لِلَّذِينَ ظَلَمُواْ ذُوقُواْ عَذَابَ الْخُلْدِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلاَّ بِمَا كُنتُمْ تَكْسِبُونَ ﴿52﴾ وَيَسْتَنبِئُونَكَ أَحَقٌّ هُوَ قُلْ إِي وَرَبِّي إِنَّهُ لَحَقٌّ وَمَا أَنتُمْ بِمُعْجِزِينَ ﴿53﴾ وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِي الأَرْضِ لاَفْتَدَتْ بِهِ وَأَسَرُّواْ النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُاْ الْعَذَابَ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ وَهُمْ لاَ يُظْلَمُونَ ﴿54﴾**

**ای پیامبر! به اینان بگو چه کسي از آسمان و زمين روزي تان ميدهد يا چه کسي مالک گوش و چشمهاست و چه کسي زنده را از مرده و مرده را از زنده در مي آورد و چه کسي آن امر را تدبير ميکند؟ بزودي خواهند گفت خداوند است ، بگو پس پروا نمي کنيد؟ (31) آن کسی که همه این امور به ید اوست ، خداوند است، پروردگارحق تان. اگر از چنین مطلب حقی روی برگردانید ، غیر از آن جز گمراهي چيست؟ و به کجا روي ميچرخانيد؟ (32) ای پیامبر! بدينگونه کلمه پروردگارت بر فاسقان فرود آمد که ايمان نمي آورند (33) بگو آيا آن شريکان شما هيچکدامشان آفرينش را آغاز و سپس آنرا تجديد مي کند؟ بگو خداوند است که آفرينش را آغاز و تجديد ميکند پس به اشتباه به کجا رو ميكنيد؟ (34) بگو هيچکدام از آن شرکاء شما به سوي حق هدايت ميکند؟ بگو خداوند است که بسوي حق هدايت ميکند . آيا کسي که بسوي حق هدايت ميکند براي پيروي شايسته تر است يا کسي که خودش هدايتي ندارد مگر آنکه هدايت شود؟ پس چه تان است ، چگونه قضاوت ميکنيد؟ (35) ای پیامبر! اکثرشان از چيزي جز گمان پيروي نميکنند . البته گمان به هيچ وجه جاي چيزي از حق را نميگيرد . البته خداوند به آنچه انجام ميدهند داناست (36) و اين قرآن را نميرسد که افترايي و از جانب غير خدا باشد وليکن تصديقي است بر آنچه قبل از خود بوده و تفصيل و تشريحي بر آن کتاب آسماني است و شکي در آن نيست و از جانب پروردگار جهانيان است (37) ای پیامبر! يا اينکه ميگويند آنرا از پیش خودش درآورده و به خدا افترا بسته ، بگو سوره اي مانند آن بياوريد و غير از خدا هر کس را که توانستيد به ارزيابي دعوت کنيد اگر راست ميگوييد (38) بلکه چيزي را تکذيب کردند که علم و احاطه اي به آن نيافته اند و هنوز حقيقت مطالب آن به آنان نرسيده ، پيشينيان آنها نيز همين طور تکذيب ميکردند . پس ببين عاقبت ظالمان چگونه است (39) ای پیامبر! از اینان بعضي ها به آن ايمان مي آورند و بعضي ها ايمان نمي آورند و خداوند به حال مفسدان داناتر است (40) و اگر تکذيب کنند بگو عمل من براي من و عمل شما براي شما . شما از عمل من بيزاريد و من نيز از عمل شما بيزارم (41) و کساني از انها بسوي تو گوش ميدهند ، اما تاثیری نمی پذیرند ، مثال آنها مانند کر است که به نظر می آید گوش میدهد اما چیزی نمی شنود ، آيا ميتواني به کر بشنواني و تازه اگر عقل هم نداشته باشد؟ (42) و کساني از آنها بسوي تو نگاه ميکنند آيا ميتواني کور را هدايـت کني و تازه اگر بصيرت هم نداشته باشد؟ (43) البته خداوند به مردم ظلمي نمي کند وليکن برخی از مردم به خويش ظلم ميکنند (44) و روزي که در قیامت گردآوريشان کند چنان خواهد بود که گويي فقط ساعتي از روز را در قبر گذرانده اند و به هم آشنايي ميدهند . البته کساني که ملاقات خداوند را تکذيب نمودند خسران يافته و هدايت نيافتند (45) و اگر بعضي از چيزهايي را که به آنان وعده ميدهيم به تو بنمايانيم يا تو را به وفات برسانيم در هر حال بازگشتگاه آنها بسوي ما است و آنگاه خداوند است که گواه اعمالشان است (46) و هر گروهي رسولي دارد که وقتي رسولشان بيايد بين آنها به عدالت قضاوت ميشود و مورد ظلمي واقع نميشوند (47) و ميگويند اين وعده قيامت کي خواهد بود اگر راست ميگوييد؟ (48) بگو من مالک نفع و ضرري براي خويش ، جز آنچه خدا بخواهد نيستم . براي هر گروهي سرآمدي است که وقتي برسد نه ساعتي تاخير خواهد داشت و نه جلو خواهد افتاد (49) بگو چه نظري داريد؟ اگر عذاب خدا شبانه يا در روز به شما برسد؟ چه خواهيد کرد؟ مجرمان چه عجله اي براي رسيدن به آن دارند! (50) آيا فقط وقتي که بر شما فرود آمد به آن ايمان خواهيد آورد؟ ایمان آوردن و آنهم الان؟ و اين همان نيست که به عجله ميخواستيدش؟ (51) آنگاه به کسانيکه ظلم ميکردند گفته ميشود عذاب جاوداني را بچشيد. آيا جز سزاي آنچه را که کسب کرده ايد مي بينيد؟ (52) و از تو ميپرسند آيا ان واقعا حق است؟ بگو بله بخدايم آن حق است و شما هم نميتوانيد جلوگيري کنيد (53) و اگر کساني که ظلم کرده اند آنچه که در زمين هست مال آنها بود تا در مقابل رفع آن عذاب فديه بدهند از انها قبول نميشود و وقتيکه آن عذاب را ببينند پشيماني شان را پنهان ميکنند و بين آنها عادلانه قضاوت ميشود و هيچ ظلمي نميشوند (54) بدانيد که آنچه در اسمانها و زمين است از آن خداست . بدانيد که وعده خدا حق است. وليکن اکثر آنها نميدانند (55) هموست که زنده ميکند و ميميراند و بسويش باز ميگرديد (56) اي مردم ! موعظه اي از جانب پروردگارتان بسويتان آمده و چيزي که مايه شفاي دلها و هدايت و مهرباني براي مومنان است (57)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: اي پيامبر با جديت کار رسالتت را پي گير . تو و پيروانت در مقابل کافران بي منطق و غافل ، دردنيا پيروز و در آخرت نجات يافته خواهيد بود.**

**درب : ای پیامبر! با کافران گفتگو کن، اشکالات فکري آنان را برايشان بشکاف، هشدارشان ده و توجهشان را به آخرت جلب کن و صبور باش و با آنان چنین بگو و توجه مردم را به فرق خداوند و شريکاني که براي خدا تصور کرده اند جلب کن ، و ای مردم! به صفات الهی و موقعیت خودتان در پیشگاه او توجه کنید .**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 می فرماید : کافران درقبول امکان دریافت وحی بوسیله آدمی زاد مشکل دارند و اینهمه آیات واضح الهی غافلند وسرانجام آخرتی مومن و کافر تفاوت بسیارزیادی با یکدیگردارد ، پس ای مردم موضوع به این اهمیت را دست کم نگیرید .

در پاراگراف 2 می فرماید : «آدمیزاده، اکثراً، نادان و ناسپاس است» ، ای پیامبر! حوزه ماموریتت این است . رسالتت هم این است که روی ایــن مخلوقاتم کارکنی و آنها را ارتقاء دهی .

در این پاراگراف با توجه دادن مردم به آنهمه نعمتی که لحظه به لحظه ازسوی درگاه ربوبی دریافت میکنند عواطف انسانی شان برای پیدایش رفتارشاکرانه تحریک میگردد تا به خود آیند و به خداوند رو کنند و نیز اینکه به کیفیت بسیارمتعالی قرآن و اینکه هیچ بشری نمیتواند چیزی مانند آن را به وجود بیاورد توجه کنند و دست ازاین اوهامی که گرفتارشان کرده بکشند و خودرا یکسره در راه صحیح قراردهند ، و اینکه ای پیامبر ! اینک که عده زیادی ازاین مردم نسبت به امکان صحت تعالیمت کنجکاو شده اند ، توجه آنان رابه جوانب مختلف موضوع آخرت جلب کن .

**3 - سوالات**

1 – چرا خداوند از ضمیر«من» (یرزق یملک یخرج یخرج یدبر یبدا یعید یبدا یعید یهدی یهدی یهدی) استفاده فرموده؟

2 - تفاوت معنی کلمه«حق» را در آیه های 32 و 35 بیان کنید .

3 – با توجه به آیه 31 ، «روزی دادن» از آسمان به چه معنی است؟

4 - «ال» در «الکتاب» (آیه 37) الف لام معرفه است یا جنس؟

5 - «الکتاب» مطرح در آیه 37 با کدام «الکتاب» در سوره های قبل همطراز است؟ (آیه های اول سوره زخرف؟ یا . . ؟)

6 – منظور از « **وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ** » (آیه 39) چیست؟

7 - «کذلک» (آیه 39) به چه اشاره میکند؟

8 - «مفسدین» در آیه 40 شامل چه کسانی است؟

9 - جوانب مختلف موضوع قیامت را برحسب همگنی لیست کنید .

10 – در اواسط آیه51 موضوع کدام کلید فهم تفسیر اتفاق افتاده؟

11 – از نیمه اول آیه 45 چه سابقه ای در سوره های قبلی دارید؟

12 – در زمان نزول این آیات ، مخالفت های اصلی مخالفان پیامبر در چه زمینه هایی بود؟

13 - «هم» در «اکثرهم» (آیه 55) اشاره به چه کسانی دارد؟

14 – در آیه 57 منظور از «موعظه» چیست؟ (این پاراگراف؟ این سوره؟ کل قرآن از ابتدای نزول تا اینجا؟ یا . . ؟)

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

المیزان در ذیل آیه 31 میگوید مخاطب های آن روزها این مطالب را قبول داشتند ، و این خطا است ، زیرا اگر قبول داشتند پس مشکل آنحضرت با آنان چه بود؟

علت اینکه المیزان چنین به خطا رفته این است که «س» در «سیقولون» را (که به آینده نزدیک اشاره دارد) ، یک بازه زمانیی در حدود صفر گرفته!

البته به نظر ما ، مانند «سیعلمون» ها در آیات دیگر ، این «س» به بازه زمانیی از زمان نزول این آیه تا زمان فتح مکه مربوط است که نوعی «علمِ حاصل از اعتقادِ صحیح» یافته بودند .

در هر حال ، با توجه به آیه 31 ، آنها در آن روز ها ، به رازقیت خداوند ، و تدبیر امور از سوی او ، و دخالت در هدایت بشر ، اعتقادی نداشتند .

از آیه 36 فهمیده میشود مخالفان آنحضرت به اعتقاداتشان چندان مطمئن نبودند ، و از آیه 40 فهمیده میشود عده ای از آنان تمایل به پذیرفتن تعالیم آنحضرت داشتند (اما اگر این کار را نمیکردند به علت عوامل دیگری نظیر ترس از به خطر افتادن بعضی از منافع شان بود) و از آیه 39 فهمیده میشود عده ای از آنان تمایل به نوعی «معامله» بین خویش و آنحضرت را داشتند ، که از سوی آنحضرت ، با توجه به آیه 41 ، به علت نهی شدید الهی مورد موافقت قرار نمیگرفت ، و از آیه های 42 و 43 فهمیده میشود عده ای ، هم علاقمند بودند و هم به علت ضعف شخصیت نمیتوانستند تصمیم بگیرند که بالاخره چه باید بکنند .

در آیه 48 نقل قول می­کند که «یقولون متی هذالوعد ...» (= این وعده (قیامت) کی خواهد بود ....) که این البته عادیست و کافران همیشه این (به اصطلاح خودشان «ایراد») را می­گرفتند ، اما در آیه 53 نقل قول می­کند که «یستنبئونک احق هو؟» (= از تو خبرگیری می­کنند که این [یعنی وعده قیامت] راست است؟)

این قسمت از این لحاظ قابل توجه است که پس از این که کار رسالت پیامبر(ص) به اینجا (یعنی نزول این سوره) رسیده بود ، واقعاً پیام­های وحی در دل عده زیاد­ی نفوذ کرده بود و آنها واقعاً «مسئله­دار» شده بودند که نکند حرف­های این آقا (یعنی پیامبر- ص-) راست باشد و ما در اثر گوش ندادن به حرف­های او ضرر کنیم و در آخرت (اگر درست باشد ، و آخرتی در کار باشد) جزء ضرر کرده­ها باشیم؟

بنابراین این مقطع (یعنی زمان نزول این سوره) را باید نوعی نقطه عطف حساب کرد که عده­ای دغدغه خاطر پیدا کرده و می­خواستند تصمیم بگیرند و با خودشان مشکل پیدا کرده و بر سر دو راهی قرار گرفته بودند و گر چه فشار روی مسلمانان خیلی زیاد بود ، اما در این مقطع زمانی در اردوی مخالفان داشت شکاف ایجاد می­شد که ابتدای آن این نوع دغدغه­های خاطر بود.

کسی که به این نوع ادبیات آشنا باشد می­داند که فرق زیادی است بین «یقولون» و «یستنبئونک»

البته صاحبان «یقولون» همان سران کفار بودند و صاحبان «یستنبئونک» اقشار وسیعی از مردم عادی .

همچنین از آیه 46 و کلمه «نتوفینک» میتوان حدس زد که مخالفان فعال آنحضرت بطور جدی نقشه قتلش را بررسی وراجع به آن تصمیم گیری میکردند، و خداوند به آنحضرت مطابق متن آیه دلداری میدهد ، یکی از آنجهت که مرگ احتمالیش را به خویش نسبت میدهد و دیگر اینکه خداوند مراقب اعمالشان هست.

از آیه 55 فهمیده میشود هنوز مشکل اصلی مردم معاصر نزول ، قبول مالکیت مطلق خداوند و وقوع قیامت بود .

**5 – زاویه با تفاسیر رایج**

**1** - مطلبی که فوقا ، تحت عنوان «حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها» از المیزان نقل کرده ایم یکی از شواهدِ مربوط به تیتر فوق است ، که در اینجا تکرار نمیکنیم.

**2** :(المیزان) : وَ لَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ" اشاره به روز قيامت دارد، و مى‏فهماند آن روز كه روز كشف حقايق از يك سو و باز شدن فهم بشر از سوى ديگر است همه اين كفار تاويل حقايق و واقعيت معارف قرآن را مى‏فهمند،

در تمام سوره های مرحله ششم تا آخر مرحله هفتم (ر.ک. ترتیب و زمان نزول سوره ها که در سایت هست) دارد به آنحضرت مژده پیروزی میدهد ، لذا تاویلی که در اینجا بهتر می نشیند همان وقایعی است که قرار است به زودی اتفاق بیفتد ، یعنی هجرت و جنگ بدر و فتح مکه و امثال آنها .

به عبارت دیگر خطا دوتا است : 1 – در نظر نگرفتن عصاره محتوای سوره است که حاوی وعده پیروزی نزدیک می باشد 2 – خطای عادی تفسیری راجع به تفسیر مطلب به یکی از مصادیق آن (قیامت)

**6 - پیشگوئی های تحقق یافته**

آیات 37 تا39معرفِ موقعیت محکم قرآن بوده و حاکی از یک معجزه واضح هم هست.

در آیه 38 کافران را دعوت می­کند که مگر شما نمی­گویید پیغمبر قرآن را از خودش درآورده و به خدا نسبت داده؟ اگر چنین باشد که یک نفر بشر بتواند چنین مطالبی را از پیش خود بسازد، پس در این صورت شما هم باید قادر به این کار باشید لذا اگر حرفتان درست است شما هم لااقل سوره­ای مانند آن بیاورید.

از آنجا که از آن تاریخ تاکنون، به این مبارز­طلبی پاسخ داده نشده، این آیه نیز یکی از پیشگوییهای تحقق یافته بوده و معجزه است.

اینکه در آیه 38 گواهی غیر از خدا را خواسته به این معنی است که ممکن است کسی چیزی را سر هم کند و بگوید «بفرمائید این هم سوره­ای مانند قرآن» در آن صورت تشخیص اینکه آیا آن چیزی که آن شخص آورده واقعاً «همانند» و «همطراز» و «هم­ارز» قرآن هست یا نه با چه کسی است؟

کارشناس و قاضیِ تشخیص این همانندی و هم­طرازی و هم­ارزی کیست؟

از آیه فهمیده می­شود که تشخیص آن با «غیر خدا» است.

نزدیکترین مصداق تشخیص که «غیر خدا» هم باشد، کیست جز انسان؟

اما مطلبی که در آیه 39 آمده بسیار قابل توجه است. بله. آنکس که بگوید پیغمبر قرآن را از خودش ساخته و به خدا نسبت داده، در حقیقت قرآن را نشناخته است و با وجود اینکه بیش از 1400 سال از نزول قرآن گذشته، و بشر از لحاظ علوم تجربی و غیره اینهمه پیشرفت نموده، هنوز هم قرآن بسیار بسیار جلوتر است و هنوز هم حتی بشر امروزی نمی­تواند ادعا کند که به قرآن «احاطه» یافته و هنوز هم عاجز است که چیزی همانند و هم­طراز و هم­ارز قرآن را بیاورد چه رسد به بشر آن زمان، با آن درجه از تمدن و علم و فن و عقل­شان .

**7 – کلیدهای تفسیری**

**اصلی-فرعی:**

دو آیه 32 و 33 فرع بر آیه 31 می­باشد و لذا آیه­های اصلی پاراگراف آیه­های 31 و 34 و 35 است .

آیه 39 فرع بر آیه 38 است، زیرا در جهت تعلیل قسمتی از مفاد آن است.

آیه 41 فرع بر آیه 40 ، و آیه 44 فرع بر مجموع آیات 40 تا 43 است.

لذا آیات اصلی پاراگراف عبارت است از آیه­های 36 و 37 و 38 و 40 و 42 و 43.

دو آیه 46 و 47 بدون این که فرع بر آیه­ای باشند پرانتزی هستند ، دلیلش هم این که اگر چشم خویش را بر آنها ببندیم و قبل و بعد از آنهارا به هم وصل کنیم می­بینیم روال سخن صاف و یکدست می­شود، زیرا بطور واضح معلوم است که این پاراگراف متعرض مفاهیم مختلف مرتبط با قیامت و آخرت است.

آیه 52 نیزفرع بر آیه 51 است.

**ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:**

**1**

**قُلْ مَن يَرْزُقُكُم مِّنَ السَّمَاء وَالأَرْضِ أَمَّن يَمْلِكُ السَّمْعَ والأَبْصَارَ وَمَن يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيَّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَن يُدَبِّرُ الأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللّهُ فَقُلْ أَفَلاَ تَتَّقُونَ ﴿31﴾** فَذَلِكُمُ اللّهُ رَبُّكُمُ الْحَقُّ فَمَاذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلاَّالضَّلاَلُ فَأَنَّى تُصْرَفُونَ ﴿32﴾كَذَلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ فَسَقُواْ أَنَّهُمْ لاَ يُؤْمِنُونَ ﴿33﴾ **قُلْ هَلْ مِن شُرَكَآئِكُم مَّن يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ قُلِ اللّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ ﴿34﴾ قُلْ هَلْ مِن شُرَكَآئِكُم مَّن يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ قُلِ اللّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ أَفَمَن يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَن يُتَّبَعَ أَمَّن لاَّ يَهِدِّيَ إِلاَّ أَن يُهْدَى فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ﴿35﴾** وَمَا يَتَّبِعُ أَكْثَرُهُمْ إِلاَّ ظَنًّا إَنَّ الظَّنَّ لاَ يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا إِنَّ اللّهَ عَلَيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ ﴿36﴾

**درس: اي پيامبر با جديت کار رسالتت را پي گير . تو و پيروانت در مقابل کافران بي منطق و غافل ، دردنيا پيروز و در آخرت نجات يافته خواهيد بود.**

**درب : ای پیامبر! فرق خداوند و شرکاء خیالی شان را برایشان تشریح کن.**

**2**

**وَمَا كَانَ هَذَا الْقُرْآنُ أَن يُفْتَرَى مِن دُونِ اللّهِ وَلَكِن تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ الْكِتَابِ لاَ رَيْبَ فِيهِ مِن رَّبِّ الْعَالَمِينَ ﴿37﴾ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُواْ بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ وَادْعُواْ مَنِ اسْتَطَعْتُم مِّن دُونِ اللّهِ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ﴿38﴾**

**درس: اي پيامبر با جديت کار رسالتت را پي گير . تو و پيروانت در مقابل کافران بي منطق و غافل ، دردنيا پيروز و در آخرت نجات يافته خواهيد بود.**

**درب : ای مردم! اهمیت و جایگاه والای این قرآن را درک کنید.**

**3**

**بَلْ كَذَّبُواْ بِمَا لَمْ يُحِيطُواْ بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ ﴿39﴾ وَمِنهُم مَّن يُؤْمِنُ بِهِ وَمِنْهُم مَّن لاَّ يُؤْمِنُ بِهِ وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِالْمُفْسِدِينَ ﴿40﴾** **وَإِن كَذَّبُوكَ فَقُل لِّي عَمَلِي وَلَكُمْ عَمَلُكُمْ أَنتُمْ بَرِيئُونَ مِمَّا أَعْمَلُ وَأَنَاْ بَرِيءٌ مِّمَّا تَعْمَلُونَ ﴿41﴾ وَمِنْهُم مَّن يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ أَفَأَنتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ وَلَوْ كَانُواْ لاَ يَعْقِلُونَ ﴿42﴾ وَمِنهُم مَّن يَنظُرُ إِلَيْكَ أَفَأَنتَ تَهْدِي الْعُمْيَ وَلَوْ كَانُواْ لاَ يُبْصِرُونَ ﴿43﴾**

**درس: اي پيامبر با جديت کار رسالتت را پي گير . تو و پيروانت در مقابل کافران بي منطق و غافل ، دردنيا پيروز و در آخرت نجات يافته خواهيد بود.**

**درب : ای پیامبر! این تکذیبگران مشکل دارند، لذا فعلا کمی با آنان مدارا کن.**

**4**

**إِنَّ اللّهَ لاَ يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿44﴾ وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ كَأَن لَّمْ يَلْبَثُواْ إِلاَّ سَاعَةً مِّنَ النَّهَارِ يَتَعَارَفُونَ بَيْنَهُمْ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُواْ بِلِقَاء اللّهِ وَمَا كَانُواْ مُهْتَدِينَ ﴿45﴾ وَإِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ اللّهُ شَهِيدٌ عَلَى مَا يَفْعَلُونَ ﴿46﴾ وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولٌ فَإِذَا جَاء رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ وَهُمْ لاَ يُظْلَمُونَ ﴿47﴾**

**درس: اي پيامبر با جديت کار رسالتت را پي گير . تو و پيروانت در مقابل کافران بي منطق و غافل ، دردنيا پيروز و در آخرت نجات يافته خواهيد بود.**

**درب : ای مردم! به این عاقبت حتمی تان بیندیشید.**

**5**

**وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ﴿48﴾ قُل لاَّ أَمْلِكُ لِنَفْسِي ضَرًّا وَلاَ نَفْعًا إِلاَّ مَا شَاء اللّهُ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ إِذَا جَاء أَجَلُهُمْ فَلاَ يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلاَ يَسْتَقْدِمُونَ ﴿49﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُهُ بَيَاتًا أَوْ نَهَارًا مَّاذَا يَسْتَعْجِلُ مِنْهُ الْمُجْرِمُونَ ﴿50﴾ أَثُمَّ إِذَا مَا وَقَعَ آمَنْتُم بِهِ آلآنَ وَقَدْ كُنتُم بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ ﴿51﴾ ثُمَّ قِيلَ لِلَّذِينَ ظَلَمُواْ ذُوقُواْ عَذَابَ الْخُلْدِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلاَّ بِمَا كُنتُمْ تَكْسِبُونَ ﴿52﴾ وَيَسْتَنبِئُونَكَ أَحَقٌّ هُوَ قُلْ إِي وَرَبِّي إِنَّهُ لَحَقٌّ وَمَا أَنتُمْ بِمُعْجِزِينَ ﴿53﴾ وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِي الأَرْضِ لاَفْتَدَتْ بِهِ وَأَسَرُّواْ النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُاْ الْعَذَابَ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ وَهُمْ لاَ يُظْلَمُونَ ﴿54﴾**

**درس: اي پيامبر با جديت کار رسالتت را پي گير . تو و پيروانت در مقابل کافران بي منطق و غافل ، دردنيا پيروز و در آخرت نجات يافته خواهيد بود.**

**درب : ای پیامبر! کمی دیگر صبر کن، اینک آثار نفوذ تعالیمت آشکار شده است.**

**8 - آیات برجسته این پاراگراف**

آیه های 37 و 38 جزء مجموعه «آیات تحدی» است، و برجستگی آنها یکی از همین لحاظ است، و یکی هم از لحاظ استقبال هنرمندان و نیز وعاظ و نویسندگان مختلف از این آیات، در کار های هنری و نیز در کارهای نویسندگی و یا خطابه ها و مواعظشان میباشد.

**9 - کدام مطالب این پاراگراف «بی ربط» به نظر میرسد؟**

آیه های 32 و 33 و 36 چنین موقعیتی دارد، علتش هم این است که «پرانتزی» اند، دلیلش هم اینکه اگر چشم خویش را برآنها ببندیم و قبل و بعدشان را وصل کنیم خواهیم دید روال سخن صاف و یکدست و بی سکته میشود.

**10 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

کیفیت مکانیزم کار در آیه 34 حتی امروز نیز شناخته و درک شده نمیباشد، چه رسد در 1400 سال قبل.

**11 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در طول این مدت طولانی ، از نزول این سوره تا به امروز ، تغییر معناییِ چندانی نیافته ، و لذا مخاطب های اولیه نیز از این پاراگراف همان تلقی را میداشته اند که ما .

یکی ممکن است معترض شود که «یعنی چه که بسیار این تیتر را تکرار میکنی و این جواب ثابت را هم زیرش میدهی؟»

در این خصوص باید خاطر نشان کنیم که یک شبهه ای اخیرا در سطح وسیع القا شده که مطالب قرآن اول باید از این لحاظ چِک شود که معاصران نزول از آن چه می فهمیده اند . ماهم با بیان دلیل فوق در حقیقت داریم پاراگراف به پاراگراف آن شبهه را چک میکنیم .

آنچه تا کنون فهمیده ایم این بوده که معاصران نزول اکثر قریب به اتفاق حجم قرآن را همانطور می فهمیده اند که ما امروز می فهمیم .

**12 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

1 – توصیه های ارشادی به پیامبر (ص) در باره تنظیم استراتژی رفتاری اش در راستای انجام رسالتش .

2 – توصیه به مخاطب ها که توجه اصلی شان باید بر چه متمرکز شود .

**13 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

غیر از آیه های 31 و 33 و 36 و 38 و 44 و 45 و 48 بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**فرق است بین یقولون و یستنبئونک**

در آیه 48 میفرماید «یقولون متی . . » اما در آیه 53 میفرماید «یستنبئونک احق هو؟ . . »

اولی کلام عادی و پر تکرار مکذبان است که قبل از نزول این سوره میدیدیم که برای تکذیب آنحضرت دائما آن جمله را بکار میبردند.

اما در زمان نزول این سوره، در اردوگاه مخالفان آنحضرت شکاف سنگینی اتفاق افتاده که با بکاررفت کلمه یستنبئونک به آشکارا حسش میکنیم.

در حقیقت نزول این سوره و این آیه یک نقطعه عطف است در تاریخ 23 ساله نزول وحی.

**و لما یاتهم تاویله (آیه 39)**

اکثرا کلمه تاویل را چنان معنی میکنند که گویا معنی تفسیر را میدهد .

در حالیکه تفسیر صبغه انسانی دارد و تاویل معنی حقیقت را دارد .

مثالی که میتوان زد این است که در قرآن مطالبی آمده که ما نمیتوانیم آنها را درک کنیم اما میتوانیم یک تصور کایکاتوری و مینیاتوری از آن داشته باشیم ، مثلا وقتی که میفرماید جنات تجری من تحتها الانهار ما میتوانیم یک تصویری در ذهن خویش از آن داشته باشیم که هیچ گویای حقیقتی که خود آنها را نمایندگی کند نیست ، زیرا اساسا ما عاجزیم که آنها را تصور کنیم .

ما در این سلسله تفسیرات مثال جنین و این جهان را زده ایم و گفته ایم که جنین اساسا نمیتواند این دنیا را تصور کند و هیچ جوری نمیشود این دنیا را برایش توصیف کرد ، مانیز ، به همین قیاس عاجز از تصور جهان بعدی هستیم .

آنچه که پس از مرگ و سپس قیامت و بعد از آن خواهیم دید «تاویلِ» این جنات تجری من تحتها الانهار های قرآن است .

در قرآن مطالبی که هنوز تاویلش در جهانِ واقع ظاهر نشده ، و به وقوع نپیوسته ، بسیار زیاد است ، مثلا «ونرید ان نمن علی الذین استضعفوا . . » و «. . لیظهره علی الدین کله . . » و و و و که تازه اینها مربوط به وقایعی است که در همین دنیا اتفاق خواهد افتاد ، چه رسد به وقایعی که در آخرت اتفاق خواهد افتاد که ذهن ما اصلا اصلا اصلا کشش و استعداد درک آنها را هیچ ندارد فعلا .

و این لما یاتهم تاویله که در آیه مذکور آمده ، بنا به قرینه ، مربوط به حقایقی که در همین جهان اتفاق خواهد افتاد ، چنانکه مثالهایی زده ایم .

**این سوره و این پاراگراف**

اکثر قریب به اتفاق سوره ها ، «خوش پاراگراف» اند ، مانند سوره فجر که ابتدا و انتهای پاراگراف ها را به سهولت میتوان تشخیص داد.

اما ، این سوره و سوره انعام چنین نیستند ، و در این سورهء بخصوص ، اگر بخواهیم بطور دقیق پاراگراف بندی کنیم ، تعداد پاراگراف ها آنقدر زیاد خواهد بود که مایه ملال خاطر خواننده خواهد شد .

اما ، با توجه به دو آیه اول پاراگراف قبل ، چون ، فحوای مطلب این بوده که : ای پیامبر! این قوم تو است و رسالتت این است که اینها را ارتقاء دهی ، لذا حوصله کن و با سختی های این ماموریت بخوبی درگیر شو ، این سوره مجموعه ای است بسیار متنوع از تحذیر به قیامت ، و تحذیر از اینکه مانند پیشینیانتان رفتار کنید و توجه دادن به آیات و نعمت های الهی و اینکه ماده اصلی دعوت این پیامبر حق و درست است و این قرآن از جانب خداست و اساسا نمیتواند از جانب غیر خدا باشد و و و

لذا ، در این سوره ، کل سوره را باید یک پاراگراف خیلی بزرگ حساب کرد ، و اگر بخواهیم آنطور برخورد کنیم پاراگراف چنان طولانی خواهد بود که از آنطرف مایه ملال خاطر خواننده خواهد بود .

بنا بر هر دوی این محدودیت ها ، ما راه میانه را در پیش گرفتیم و بطور سلیقه ای پاراگراف بندی کرده ایم که پاراگراف ها نه خیلی کوتاه و نه خیلی بلند باشد و البته راضی نیستیم و در عین حال پیشنهاد بهتر هم نداریم .

**جمع بندی و تفسیر**

**بگو چه کسي از آسمان و زمين روزي تان ميدهد يا چه کسي مالک گوش و چشمهاست و چه کسي زنده را از مرده و مرده را از زنده در مي آورد و چه کسي آن امر را تدبير ميکند؟ بزودي خواهند گفت خداوند است بگو پس پروا نمي کنيد؟ (31)** {آن خداوند است. پروردگارحق تان. بعد از حق جز گمراهي چيست؟ به کجا روي ميچرخانيد؟ (32) بدينگونه کلمه پروردگارت بر فاسقان فرود آمد که ايمان نمي آورند}(33) **بگو آيا آن شريکان شما هيچکدامشان آفرينش را آغاز و سپس آنرا تجديد مي کند؟ بگو خداوند است که آفرينش را آغاز و سپس تجديد ميکند پس به اشتباه به کجا رو ميكنيد؟ (34) بگو هيچکدام از آن شرکاء شما به سوي حق هدايت ميکند؟ بگو خداوند است که بسوي حق هدايت ميکند . آيا کسي که بسوي حق هدايت ميکند براي پيروي شايسته تر است يا کسي که خودش هدايتي ندارد مگر آنکه هدايت شود؟ پس چه تان است ، چگونه قضاوت ميکنيد؟(35) و اکثرشان از چيزي جز گمان پيروي نميکنند . البته گمان به هيچ روي جاي چيزي از حق را نميگيرد . البته خداوند به آنچه انجام ميدهند داناست (36) و اين قرآن را نميرسد که افترايي و از جانب غير خدا باشد وليکن تصديقي است بر آنچه قبل از خود بوده و تفصيل و تشريحي بر آن کتاب .** (آسماني) **است و شکي در آن نيست و از جانب پروردگار جهانيان است (37) يا اينکه ميگويند آنرا افترا بسته بگو سوره اي مانند آن بياوريد و غير از خدا هر کس را که توانستيد** (بهارزيابي) **دعوت کنيد اگر راست ميگوييد (38)** {بلکه چيزي را تکذيب کردند که علم و احاطه اي به آن نيافتند .و هنوز حقيقت مطالب آن به آنان نرسيده . پيشينيان آنها نيز همين طور تکذيب ميکردند . پس ببين عاقبت ظالمان چگونه است}(39) **از آنان بعضي ها به آن ايمان مي آورند و بعضي ايمان نمي آورند و خداوند به حال مفسدان داناتر است.(40)** {و اگر تکذيب ميکنند بگو عمل من براي من و عمل شما براي شما . شما از عمل من بيزاريد و من نيز از عمل شما بيزارم}(41) **و کساني از انها بسوي تو گوش ميدهند. آيا ميتواني به کر بشنواني و** (تازه) **اگر عقل** (هم) **نداشته باشند؟ (42) و کساني از آنها بسوي تو نگاه ميکنند آيا ميتواني کور را هدايـت کني و** (تازه) **اگر بصيرت** (هم) **نداشته باشند؟(43)** {البته خداوند به مردم ظلمي نمي کند وليکن مردم به خويش ظلم ميکنند} (44) **و روزي که گردآوريشان کند چنان خواهد بود که گويي فقط ساعتي از روز را** (در قبر) **گذرانده اند و به هم آشنايي ميدهند . البته کساني که ملاقات خداوند را تکذيب نمودند خسران يافتند و هدايت نيافتند (45)** {و اگر بعضي از چيزهايي را که به آنان وعده ميدهيم به تو بنمايانيم يا تو را به وفات برسانيم در هر حال بازگشتگاه آنها بسوي ما است و آنگاه خداوند است که گواه اعمالشان است (46) و هر گروهي رسولي دارد که وقتي رسولشان بيايد بين آنها به عدالت قضاوت ميشود و ظلمي نميشوند} (47) **و ميگويند اين وعده** (قيامت) **کي خواهد بود اگر راست ميگوييد؟ (48) بگو من مالک نفع و ضرري براي خويش ، جز آنچه خدا بخواهد نيستم . براي هر گروهي سرآمدي است که وقتي برسد نه ساعتي تاخير خواهد داشت و نه جلو خواهد افتاد (49) بگو چه نظري داريد؟ اگر عذاب خدا شبانه يا در روز به شما برسد** (چه خواهيدکرد)؟ **مجرمان چه عجله اي براي** (رسيدن به) **آن دارند! (50) آيا فقط وقتي که بر شما فرود آمد به آن ايمان خواهيد آورد؟**[ ایمان آوردن و آنهم] **الان؟ و** (اين هماننيست که) **به عجله ميخواستيدش؟ (51)** {آنگاه به کسانيکه ظلم ميکردند گفته ميشود عذاب جاوداني را بچشيد. آيا جز سزاي آنچه را که کسب کرده ايد مي بينيد؟}(52) **و از تو ميپرسند آيا ان واقعا حق است؟ بگو بله بخدايم آن حق است و شما هم نميتوانيد جلوگيري کنيد (53) و اگر کساني که ظلم کرده اند آنچه که در زمين هست مال آنها بود تا** (در مقابل رفع آن عذاب) **فديه بدهند** (از انها قبول نميشود) **و وقتيکه آن عذاب را ببينند پشيماني شان را پنهان ميکنند و بين آنها عادلانه قضاوت ميشود و هيچ ظلمي نميشوند (54)** **بدانيد که آنچه در اسمانها و زمين است از آن خداست . بدانيد که وعده خدا حق است وليکن اکثر آنها نميدانند (55) هموست که زنده ميکند و ميميراند و بسويش باز ميگرديد (56) اي مردم ! موعظه اي از جانب پروردگارتان بسويتان آمده و چيزي که مايه شفاي دلها و هدايتي و مهربانيي براي مومنان است (57)**

**یونس4 آیات58تا70**

**قُلْ بِفَضْلِ اللّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُواْ هُوَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ ﴿58﴾ قُلْ أَرَأَيْتُم مَّا أَنزَلَ اللّهُ لَكُم مِّن رِّزْقٍ فَجَعَلْتُم مِّنْهُ حَرَامًا وَحَلاَلاً قُلْ آللّهُ أَذِنَ لَكُمْ أَمْ عَلَى اللّهِ تَفْتَرُونَ ﴿59﴾ وَمَا ظَنُّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللّهِ الْكَذِبَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لاَ يَشْكُرُونَ ﴿60﴾ وَمَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ وَمَا تَتْلُو مِنْهُ مِن قُرْآنٍ وَلاَ تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلاَّ كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ وَمَا يَعْزُبُ عَن رَّبِّكَ مِن مِّثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الأَرْضِ وَلاَ فِي السَّمَاء وَلاَ أَصْغَرَ مِن ذَلِكَ وَلا أَكْبَرَ إِلاَّ فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ ﴿61﴾ أَلا إِنَّ أَوْلِيَاء اللّهِ لاَ خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلاَ هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿62﴾ الَّذِينَ آمَنُواْ وَكَانُواْ يَتَّقُونَ ﴿63﴾ لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَياةِ الدُّنْيَا وَفِي الآخِرَةِ لاَ تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿64﴾ وَلاَ يَحْزُنكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلّهِ جَمِيعًا هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿65﴾ أَلا إِنَّ لِلّهِ مَن فِي السَّمَاوَات وَمَن فِي الأَرْضِ وَمَا يَتَّبِعُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللّهِ شُرَكَاء إِن يَتَّبِعُونَ إِلاَّ الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلاَّ يَخْرُصُونَ ﴿66﴾ هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُواْ فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ ﴿67﴾ قَالُواْ اتَّخَذَ اللّهُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ هُوَ الْغَنِيُّ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَات وَمَا فِي الأَرْضِ إِنْ عِندَكُم مِّن سُلْطَانٍ بِهَذَا أَتقُولُونَ عَلَى اللّهِ مَا لاَ تَعْلَمُونَ ﴿68﴾ قُلْ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللّهِ الْكَذِبَ لاَ يُفْلِحُونَ ﴿69﴾ مَتَاعٌ فِي الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ نُذِيقُهُمُ الْعَذَابَ الشَّدِيدَ بِمَا كَانُواْ يَكْفُرُونَ ﴿70﴾**

**ای پیامبر! بگو البته شايسته است مردم به فضل خدا و رحمتش شادباشند. اين از آنچه جمع ميکنند برایشان بهتر است (58) بگو نظرتان چيست درباره اينکه خداوند روزيي براي شما فرستاده اما شما قسمتي از آن را به خیال خود حرام و بقيه را حلال مي کنيد؟ بگو آيا خداوند اجازه اي به شما داده يا به او افترا مي بنديد؟ (59) و آنهايي که به خدا افتراي دروغ مي بندند درباره قيامت چه گمان ميکنند؟ البته که خداوند نسبت به مردم بخششگر است وليکن اکثر آنها شکرگزار نيستند (60) ای پیامبر! در هيچ موقعيتي قرار نمي گيري و هيچ چيزي از قرآن تلاوت نمي کني و ای مردم! شما هيچ عملي انجام نمي دهيد مگر اينکه آن هنگامي که به آن کار مشغوليد بر شما گواهيم . و هيچ چيزي حتي اگر به اندازه ذره اي هم باشد چه در زمين و چه در آسمان و چه کوچکتر و چه بزرگتر از آن ، از خداوند مخفي نمي ماند و در کتابي آشکار هست (61) بدانيد که دوستان خدا نه ترسي خواهند داشت و نه اندوهگين خواهند بود (62) همانهائی که ايمان آورده و تقوا پيشه نموده اند (63) آنها چه در زندگي دنيا و چه در آخرت مژده خواهند داشت . کلمات خداوند تغيير نخواهد کرد . پيروزي بزرگ هم همان است (64) ای پیامبر! گفتار آنها اندوهگينت نکند . عزت تمامأ از آن خداست و همو شنواي دانا است (65) بدانيد البته هر کس که در آسمانها و زمين است مال خداست ، و همچنین آن کسانی هم که آنها غیر از خداوند به دعا می خوانند نیز مال خداست ، آنها چيزي را جز گمان پيروي نمي کنند و جز تخمين نميزنند (66) هموست که شب را برايتان مايه آرامش قرار داد و روز را كه بخوبی ببينيد . البته در آن براي کساني که گوش شنوا داشته باشند آیاتی هست (67) و گويند خداوند فرزندي برگرفته ، منزه است از آن . بي نياز است . آنچه در آسمانها و زمين است مال اوست . به آنان بگو راجع به آن دليلي نداريد. آيا درباره خداوند چيزي ميگوئيد که نميدانيد؟ (68) بگو کساني که افتراي دروغ به خدا مي بندند رستگار نخواهند شد (69) برخورداريي کوچک در دنيا خواهند داشت و آنگاه بازگشتشان بسوي ما است . سپس آن عذاب شديد را بسبب آن کفري که ميورزيدند به آنها مي چشانيم (70)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: اي پيامبر با جديت کار رسالتت را پي گير. تو و پيروانت در مقابل کافران بي منطق و غافل دردنيا پيروز و در آخرت نجات يافته خواهيد بود.**

**درب : ای پیامبر! به پیروان واقعی خویش مژده بده و آنها را دلگرم کن و ضمن توجه دادن مردم به این صفات و آیات الهی، به کار رسالت خویش دلگرم باش و ای مردم! بیاد قیامت بیفتید و حلال و حرام بیجا نکنید و بدنبال بهتر و مهمتر باشید.**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 می فرماید : کافران درقبول امکان دریافت وحی بوسیله آدمی زاد مشکل دارند و اینهمه آیات واضح الهی غافلند وسرانجام آخرتی مومن و کافر تفاوت بسیارزیادی با یکدیگردارد ، پس ای مردم موضوع به این اهمیت را دست کم نگیرید .

در پاراگراف 2 می فرماید : «آدمیزاده، اکثراً، نادان و ناسپاس است» ، ای پیامبر! حوزه ماموریتت این است . رسالتت هم این است که روی ایــن مخلوقاتم کارکنی و آنها را ارتقاء دهی .

در پاراگراف 3 با توجه دادن مردم به آنهمه نعمتی که لحظه به لحظه ازسوی درگاه ربوبی دریافت میکنند عواطف انسانی شان برای پیدایش رفتارشاکرانه تحریک میگردد تا به خود آیند و به خداوند رو کنند و نیز اینکه به کیفیت بسیارمتعالی قرآن و اینکه هیچ بشری نمیتواند چیزی مانند آن را به وجود بیاورد توجه کنند و دست ازاین اوهامی که گرفتارشان کرده بکشند و خودرا یکسره در راه صحیح قراردهند ، و اینکه ای پیامبر ! اینک که عده زیادی ازاین مردم نسبت به امکان صحت تعالیمت کنجکاو شده اند ، توجه آنان رابه جوانب مختلف موضوع آخرت جلب کن .

در این پاراگراف باز هم تأکید بر توحید و نفی فرزند و شریک برای خداوند است و نیز میفرماید ای پیامبر ! سخن مخالفانت علاوه براینکه «گمانی» و«تخمینی» است ، نا معقول و نسنجیده ، و علاوه بر اینها ، بیفایده هم هست ، و اینکه توجه مردم را به مبدا لطف و رحمت و تشریع احکام جلب کن .

**3 - سوالات**

1 - « **إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ** » (آیه61 ) باکدام کلید تفسیر مطابق است؟

2 – در همان آیه « **مِن قُرْآنٍ** » باکدام کلید؟

3 – در آیه 64 ، منظور از مژده ای که خداوند به پیروان آنحضرت «در زنگی دنیا» داده چــه می باشد؟

1 – چرا در آیه 66 ، در « **مَن فِي السَّمَاوَات وَمَن فِي الأَرْضِ** » بجای «من» نفرموده «ما»؟

2 – در « **مَا يَتَّبِعُ** » (همان آیه) ، منظور از «ما» چیست؟ (اصطلاحا موصوله است یا نافیه؟ و چرا؟)

3 – اگر در سوال فوق ، گزینه «نافیه» را انتخاب کرده باشید ، درآنصورت منظور از « **مَا يَتَّبِعُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللّهِ شُرَكَاء** » چیست؟ و چرا؟

4 – از آیه 67 ، در سوره های قبلی (به ترتیب نزول) چه سابقه ای دارید؟

5 – منظور از «سلطان» (آیه68) چیست؟

6 – با توجه به آیه 69 ، آیا «افترای راست» هم داریم؟

7 – منظور از «قوم یسمعون» (آیه67) چیست؟

8 – با توجه به همان آیه ، چرا آن دو آیه روشن ، برای «آن قوم» آیه است؟ (مثلا چرا برای «قوم یبصرون» آیه نیست؟)

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

از آیه های 58 و 59 فهمیده میشود مشرکانِ آن روزها یک نوع نظام «فقهی» (گرچه غیر مدون و نامکتوب) داشته اند ، و بر مبنای آن برخی چیزها را حرام و برخی چیزها را حلال میکرده اند که در این پاراگراف آنها را ناموجه قلمداد میکند، و از آیه های 58 و 70 فهمیده میشود منظور از آن، کسب منفعت مادی بود .

از آیه 65 معلوم می­شود آنها «قول»ی داشتند که مایه اندوه آنحضرت میشده، و اندکی توجه در متن پاراگراف بما میگوید آن «قول» ، اعتقاد به فرزند داشتن خداوند بود.

در پاراگراف قبل دیدیم که آنها با مالکیت مطلق خداوندی و نیز وقوع قیامت مشکل داشتند و آن حضرت محزون بودند که چرا آنها علیرغم اینهمه آیات و بینات باز هم بر عقاید غلطشان پای می فشردند .

**5 - پیشگوئی های تحقق یافته**

لحن محکم در آیات 61 و 62 و 65 و 66 تلویحا حاوی پیشگوئی موفقیت آنحضرت در پیشبرد رسالتش را دارد، که چنانکه واقعیات تاریخی بما میگوید تحقق یافت.

**6 – کلیدهای تفسیری**

**اصلی-فرعی:**

آیه های 60 و 61 فرع بر انتهای آیه 59 است .

سه آیه 63 و 64 و 65 فرع بر آیه 62 است.

آیه 70 فرع بر آیه 69 است و این واضح است.

آیه 67 بدون این که فرع بر آیه­ای باشد پرانتزی است زیرا اگر چشم خود را بر آن ببندیم و قبل و بعدش را به هم وصل کنیم می­بینیم روال سخن صاف و یکدست می­شود.

ما، در ذیل، چنانکه می بینید، آیات فرعی و پرانتزی را از حالت برجسته (بولد) خارج کرده و علاوه بر آن، پاراگراف را نیز به تقطیع بیشتر برده ایم تا بهتر متوجه شوید:

**ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:**

**1**

**قُلْ بِفَضْلِ اللّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُواْ هُوَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ ﴿58﴾**

**درس: اي پيامبر با جديت کار رسالتت را پي گير. تو و پيروانت در مقابل کافران بي منطق و غافل دردنيا پيروز و در آخرت نجات يافته خواهيد بود.**

**درب : ای پیامبر! به مردم نشان ده که چگونه اهمیت چیز مهم تر را نسبت به چیز کم اهمیت دریابند.**

**2**

**قُلْ أَرَأَيْتُم مَّا أَنزَلَ اللّهُ لَكُم مِّن رِّزْقٍ فَجَعَلْتُم مِّنْهُ حَرَامًا وَحَلاَلاً قُلْ آللّهُ أَذِنَ لَكُمْ أَمْ عَلَى اللّهِ تَفْتَرُونَ (59)** وَمَا ظَنُّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللّهِالْكَذِبَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لاَ يَشْكُرُونَ﴿60﴾ وَمَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ وَمَا تَتْلُو مِنْهُ مِن قُرْآنٍ وَلاَ تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلاَّ كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ وَمَا يَعْزُبُ عَن رَّبِّكَ مِن مِّثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الأَرْضِ وَلاَ فِي السَّمَاء وَلاَ أَصْغَرَ مِن ذَلِكَ وَلا أَكْبَرَ إِلاَّ فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ ﴿61﴾

**درس: اي پيامبر با جديت کار رسالتت را پي گير. تو و پيروانت در مقابل کافران بي منطق و غافل دردنيا پيروز و در آخرت نجات يافته خواهيد بود.**

**درب : ای مردم! احکامِ بدون پشتوانه الهی درست نکنید.**

**3**

**أَلا إِنَّ أَوْلِيَاء اللّهِ لاَ خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلاَ هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿62﴾** الَّذِينَ آمَنُواْ وَكَانُواْ يَتَّقُونَ ﴿63﴾ لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَياةِ الدُّنْيَا وَفِي الآخِرَةِ لاَ تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿64﴾ وَلاَ يَحْزُنكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلّهِجَمِيعًا هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ **﴿65﴾ أَلا إِنَّ لِلّهِ مَن فِي السَّمَاوَات وَمَن فِي الأَرْضِ وَمَا يَتَّبِعُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللّهِ شُرَكَاء إِن يَتَّبِعُونَ إِلاَّ الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلاَّ يَخْرُصُونَ ﴿66﴾** هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُواْ فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ فِيذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ **﴿67﴾ قَالُواْ اتَّخَذَ اللّهُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ هُوَ الْغَنِيُّ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَات وَمَا فِي الأَرْضِ إِنْ عِندَكُم مِّن سُلْطَانٍ بِهَذَا أَتقُولُونَ عَلَى اللّهِ مَا لاَ تَعْلَمُونَ ﴿68﴾ قُلْ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللّهِ الْكَذِبَ لاَ يُفْلِحُونَ ﴿69﴾** مَتَاعٌ فِي الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ نُذِيقُهُمُ الْعَذَابَ الشَّدِيدَ بِمَا كَانُواْ يَكْفُرُونَ **﴿70﴾**

**درس: اي پيامبر با جديت کار رسالتت را پي گير. تو و پيروانت در مقابل کافران بي منطق و غافل دردنيا پيروز و در آخرت نجات يافته خواهيد بود.**

**درب : ای پیامبر! اعتقادات مخالفانت، بی ماخذِ الهی و باطل و غلط است، لذا ناراحت و غمگین مباش.**

**7 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

در چند سال اخیر ، هی دائما مطلبی از اینجا و آنجا بگوشم راجع به تحریف قرآن میخورد ، طبیعی است که بنا بر آیاتی از قرآن از قبیل اناله لحافظون و غیره (که کم هم نیست) اهمیتی نمیدادم ، تا اینکه در معرض شنیدن یک تحقیق قرار گرفتم که نشان میداد مطلب بی تعارف یک شبههء القائی بوده که هی این آن را گفته و آن بر آن افزوده که نهایتا شیوعی پیدا کرده که چون واکاوی شد معلوم شد که هیاهوی بسیار برای هیچ بوده است .

اخیرا نیز هیاهوی دیگری وجود پیدا کرده که از لحاظ «هیاهوی بسیار برای هیچ» بودن ، شبیه مورد قبل است و آنهم این است که برخی علی الدوام بر این بوق می دمند که در درجه اول باید ببینیم که مخاطبان معاصر از آیات چه می فهمیده اند، این قلم نیز در ادیت جدید در هر پاراگراف تیتر سوال گونه فوق را گذاشته ام و معمولا چنین جوابی می یابد :

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در طول این مدت طولانی ، از نزول این سوره تا به امروز ، تغییر معناییِ چندانی نیافته ، و لذا مخاطب های اولیه نیز از این پاراگراف همان تلقی را میداشته اند که ما .

لذا ، با توجه به سه سطر فوق ، آنچه تا کنون فهمیده ایم این بوده که معاصران نزول، اکثر قریب به اتفاق حجم قرآن را همانطور می فهمیده اند که ما امروز می فهمیم . لذا آن هیاهوی اخیر نیز از نوع هیاهوی بسیار برای هیچ است .

**8 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

1 – توصیه به پیامبر (ص) که به پیروان خویش مژده بدهد و آنها را دلگرم کند و ضمن توجه دادن مردم به این صفات و آیات الهی، به کار رسالت خویش دلگرم باشد.

2 – توصیه به مردم که بیاد قیامت باشند و حلال و حرام بیجا نکنند و بدنبال چیز بهتر و مهمتر باشند.

**9 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تقریبا تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

**شرح مختصر**

**برکت یا آخرت؟**

منظور آیه58 از «از آنچه جمع میکنند»، واضح است، یا مال است و یا آنچه مایه دوام قدرت یا افزایش آن است.

اما ، منظور از «بفضل الله و برحمته» چیست؟

معنی ابتدائی آن میتواند همان چیزی باشد که در نزد عموم به برکت مشهور است، اما، معنیِ عالی ترِ آن عاقبتِ مطلوب اخروی است ، و این واضح است.

بنا بر معنی اول، منظور آیه این است که ای مردم! در مواهب خدادی تصرف صحیح کنید تا به آن فضل و رحمت الهی برسید (مثلا انفاق یادتان نرود و ریخت و پاش بیهوده نکنید و . . . )

بنا بر معنی دوم، منظور این است که جمع آوری مال و لوازم قدرت را اصل نگیرید و به کفایت اکتفا کنید و پس از رسیدن به حد کفایت دنبال عاقبت مطلوب اخروی باشید.

**جمع بند ی و تفسیر**

**بگو البته شايسته است به فضل خدا و رحمتش شادباشند. اين از آنچه جمع ميکنند بهتر است (58) بگو نظرتان چيست درباره اينکه خداوند روزيي براي شما فرستاده اما شما قسمتي از آن را حرام و بقيه را حلال مي کنيد؟ بگو آيا خداوند اجازه اي به شما داده يا به او افترا مي بنديد؟(59) و آنهايي که به خدا افتراي دروغ مي بندند درباره قيامت چه گمان ميکنند؟ البته که خداوند نسبت به مردم بخششگر است وليکن اکثر آنها شکرگزار نيستند (60)** **درهيچ موقعيتي قرار نمي گيري و هيچ چيزي از قرآن تلاوت نمي کني و شما هيچ عملي انجام نمي دهيد مگر اينکه آن هنگامي که به آن کار مشغوليد بر شما گواهيم . و هيچ چيزي حتي اگر به اندازه ذره اي هم باشد چه در زمين و چه در آسمان و چه کوچکتر و چه بزرگتر از آن ، از خداوند مخفي نمي ماند و در کتابي آشکار هست (61) بدانيد که دوستان خدا نه ترسي خواهند داشت و نه اندوهگين خواهند بود (62)** {همانها که ايمان آورده و تقوا پيشه نموده اند (63) آنها چه در زندگي دنيآ و چه در آخرت مژده خواهند داشت . کلمات خداوند تغيير نخواهد کرد . پيروزي بزرگ هم همان است (64) **و گفتار آنها اندوهگينت نکند . عزت تمامأ از آن خداست . همو شنواي دانا است}(65)** **بدانيد البته هر کس که در آسمانها و زمين است مال خداست ، و** (همچنین) **کسانی را که آنها غیر خداوند به دعا می خوانند** (نیز مال خداست) **، آنها چيزي را جز گمان پيروي نمي کنند و جز تخمين نميزنند (66)** هموست که شب را برايتان مايه آرامش قرار داد و روز را كه ببينيد . البته در آن براي کساني که گوش شنوا داشته باشند آیاتی هست (67) **و گويند خداوند فرزندي برگرفته ، منزه است از آن . بي نياز است . آنچه در آسمانها و زمين است مال اوست .** [بگو] **راجع به آن دليلي نداريد. آيا درباره خداوند چيزي ميگوئيد که نميدانيد؟(68) بگو کساني که افتراي دروغ به خدا مي بندند رستگار نخواهند شد (69)** برخورداريي در دنيا خواهند داشت و آنگاه بازگشتشان بسوي ما است . سپس آن عذاب شديد را بسبب آن کفري که ميورزيدند به آنها مي چشانيم (70)

**یونس5 آیات71تا93**

**وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ نُوحٍ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِن كَانَ كَبُرَ عَلَيْكُم مَّقَامِي وَتَذْكِيرِي بِآيَاتِ اللّهِ فَعَلَى اللّهِ تَوَكَّلْتُ فَأَجْمِعُواْ أَمْرَكُمْ وَشُرَكَاءكُمْ ثُمَّ لاَ يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً ثُمَّ اقْضُواْ إِلَيَّ وَلاَ تُنظِرُونِ ﴿71﴾ فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَمَا سَأَلْتُكُم مِّنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلاَّ عَلَى اللّهِ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿72﴾ فَكَذَّبُوهُ فَنَجَّيْنَاهُ وَمَن مَّعَهُ فِي الْفُلْكِ وَجَعَلْنَاهُمْ خَلاَئِفَ وَأَغْرَقْنَا الَّذِينَ كَذَّبُواْ بِآيَاتِنَا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنذَرِينَ ﴿73﴾ ثُمَّ بَعَثْنَا مِن بَعْدِهِ رُسُلاً إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَآؤُوهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُواْ لِيُؤْمِنُواْ بِمَا كَذَّبُواْ بِهِ مِن قَبْلُ كَذَلِكَ نَطْبَعُ عَلَى قُلوبِ الْمُعْتَدِينَ ﴿74﴾ ثُمَّ بَعَثْنَا مِن بَعْدِهِم مُّوسَى وَهَارُونَ إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ بِآيَاتِنَا فَاسْتَكْبَرُواْ وَكَانُواْ قَوْمًا مُّجْرِمِينَ ﴿75﴾ فَلَمَّا جَاءهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِندِنَا قَالُواْ إِنَّ هَذَا لَسِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿76﴾ قَالَ مُوسَى أَتقُولُونَ لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءكُمْ أَسِحْرٌ هَذَا وَلاَ يُفْلِحُ السَّاحِرُونَ ﴿77﴾ قَالُواْ أَجِئْتَنَا لِتَلْفِتَنَا عَمَّا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءنَا وَتَكُونَ لَكُمَا الْكِبْرِيَاء فِي الأَرْضِ وَمَا نَحْنُ لَكُمَا بِمُؤْمِنِينَ ﴿78﴾ وَقَالَ فِرْعَوْنُ ائْتُونِي بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ ﴿79﴾ فَلَمَّا جَاء السَّحَرَةُ قَالَ لَهُم مُّوسَى أَلْقُواْ مَا أَنتُم مُّلْقُونَ ﴿80﴾ فَلَمَّا أَلْقَواْ قَالَ مُوسَى مَا جِئْتُم بِهِ السِّحْرُ إِنَّ اللّهَ سَيُبْطِلُهُ إِنَّ اللّهَ لاَ يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ ﴿81﴾ وَيُحِقُّ اللّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ ﴿82﴾ فَمَا آمَنَ لِمُوسَى إِلاَّ ذُرِّيَّةٌ مِّن قَوْمِهِ عَلَى خَوْفٍ مِّن فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِمْ أَن يَفْتِنَهُمْ وَإِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الأَرْضِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ ﴿83﴾ وَقَالَ مُوسَى يَا قَوْمِ إِن كُنتُمْ آمَنتُم بِاللّهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُواْ إِن كُنتُم مُّسْلِمِينَ ﴿84﴾ فَقَالُواْ عَلَى اللّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا لاَ تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿85﴾ وَنَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿86﴾ وَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى وَأَخِيهِ أَن تَبَوَّءَا لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بُيُوتًا وَاجْعَلُواْ بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُواْ الصَّلاَةَ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿87﴾ وَقَالَ مُوسَى رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلأهُ زِينَةً وَأَمْوَالاً فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّواْ عَن سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَى أَمْوَالِهِمْ وَاشْدُدْ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَلاَ يُؤْمِنُواْ حَتَّى يَرَوُاْ الْعَذَابَ الأَلِيمَ ﴿88﴾ قَالَ قَدْ أُجِيبَت دَّعْوَتُكُمَا فَاسْتَقِيمَا وَلاَ تَتَّبِعَآنِّ سَبِيلَ الَّذِينَ لاَ يَعْلَمُونَ ﴿89﴾ وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ بَغْيًا وَعَدْوًا حَتَّى إِذَا أَدْرَكَهُ الْغَرَقُ قَالَ آمَنتُ أَنَّهُ لا إِلِهَ إِلاَّ الَّذِي آمَنَتْ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَأَنَاْ مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿90﴾ آلآنَ وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ وَكُنتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ ﴿91﴾ فَالْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بِبَدَنِكَ لِتَكُونَ لِمَنْ خَلْفَكَ آيَةً وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ عَنْ آيَاتِنَا لَغَافِلُونَ ﴿92﴾ وَلَقَدْ بَوَّأْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مُبَوَّأَ صِدْقٍ وَرَزَقْنَاهُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ فَمَا اخْتَلَفُواْ حَتَّى جَاءهُمُ الْعِلْمُ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُواْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿93﴾**

**ای پیامبر! خبر نوح را بر آنان بخوان ، آن هنگام که به قومش گفت اي مردم اگر موقعيت من و تذکري که راجع به آيات خداوند به شما ميدهم برايتان سنگين است بدانيد که توکلم بر خداست . و شما هم درباره کارتان و شريکانتان هماهنگ کنيد و هيچ غم و غصه اي نخوريد و تصميم خويش را درباره من بگيريد و هيچ مهلتي هم به من ندهيد (71) ولی اگر از تعالیم من روي برگردانديد ، بدانيد که من از شما مزدي نخواسته بودم . مزدم جز بر عهده خداوند نيست و من مأمورم از مسلمين باشم (72) پس تکذيبش کردند ولي او و همراهانش را در آن کشتي نجات داديم و آنها را جانشينان قرار داديم و كساني را که آياتمان را تکذيب کرده بودند غرق نموديم . پس بنگر عاقبت هشدار يافتگان چگونه بود (73) آنگاه پس از او رسولاني بسوي مردمانشان فرستاديم و آنها با دلايل روشن بسويشان رفتند اما اينطور نبود که آنها به چيزي که از پيش عملا تکذيبش کرده بودند با زبان ايمان بياورند . بر دلهاي تجاوزکاران چنین مهر ميزنيم (74) آنگاه پس از آنان موسي و هارون را با آياتمان بسوي فرعون و بزرگانش فرستاديم اما گردنکشي کردند و قومي مجرم شدند (75) و هنگاميکه حق از جانب ما بسويشان آمد گفتند اين جادوئي آشکار است (76) موسي گفت آيا درباره حق وقتي که بسويتان آمده چنين ميگوييد؟ آيا اين جادوست؟ در حاليکه کار جادوگران به ثمر نميرسد (77) گفتند آيا بسويمان آمدي که ما را از آنچه پدرانمان را بر آن يافتيم منصرف کني و در اين سرزمين بزرگي كنيد؟ و ما به شما دو نفر قطعاً ايمان نمي آوريم (78) و فرعون گفت همه جادوگران خبره را برايم بياوريد (79) پس هنگاميکه جادوگران آمدند موسي به آنان گفت بياندازيد آنچه را که مي اندازيد (80) و هنگاميکه انداختند موسي گفت هر جادوئي را که بياوريد خداوند به زودي باطلش ميکند. خداوند عمل مفسدان را درست درنمي آورد (81) و خداوند حق را با کلماتش درست درمي آورد و لو آنکه کافران خوششان نيايد (82) تعداد قابل توجهی از قومش جز عده اي از فرزندانشان ، از ترس فرعون و بزرگانش ايمان نياوردند مبادا که آزارشان کنند زيرا فرعون در آن سرزمين از گزافكاران بلند پرواز بود (83) و موسي گفت اي قومم اگر به خدا ايمان آورده ايد پس بر همو توکل کنيد اگر واقعا تسليم هستيد (84) پس گفتند بر خدا توکل کرديم. پروردگارا ما را آماج فتنه ظالمان مکن (85) و از رحمتت ما را از قوم کافران نجات ده (86) و به موسي و برادرش وحي کرديم که براي قومتان در مصر خانه هائي بگيريد و خانه هايتان را به حالت قبلهءمراجعات مردم درآورید و نماز بپا داريد و مومنان را مژده دهيد (87) و موسي گفت پروردگارا به فرعون و بزرگانش زينت و اموالي در زندگي دنيا داده اي که با آن مردم از راه تو بازميدارند. پروردگارا اموالشان را در مسير نابودي قرار ده و دلهاشان را سخت کن تا آنقدر ايمان نياورند که عذاب دردناک را ببينند (88) گفت دعايتان مستجاب شد پس استقامت کنيد و راه کساني را که علم ندارند پيروي مکنيد (89) و بني اسرائيل را از آن دريا گذرانديم و فرعون و لشکريانش از روي ظلم و تعدي دنبالشان کردند تا اينکه غرق او را در ربود ، در آن حال گفت ايمان آورده ام که خدائي نيست مگر آن کسی که بني اسرائيل به او ايمان آوردند و من از تسليم شدگانم (90) آيا اينک؟ وقت ایمان آوردن است؟ در حاليکه قبلا عصيان ميکردي و از مفسدان بودي (91) امروز بدنت را نجات ميدهيم تا نشانه اي براي پسينيانت باشد و البته بسياري از مردم از آياتمان غافلند (92) و بني اسرائيل را در منزلگاهي صحيح منزل داديم و از چيزهاي نيکو روزيشان کرديم و اختلاف نکردند مگر پس از اينکه آن علم بسويشان آمد. البته پروردگارت در روز قيآمت درباره آنچه که در آن اختلاف کرده اند بينشان قضاوت خواهد کرد (93)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: اي پيامبر با جديت کار رسالتت را پي گير . تو و پيروانت در مقابل کافران بي منطق و غافل دردنيا پيروز و در آخرت نجات يافته خواهيد بود .**

**درب: پيامبران سابق نيز تکذيب شدند اما صبر و توکل کردند و خودشان و پيروانشان نجات يافتند.**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 می فرماید : کافران درقبول امکان دریافت وحی بوسیله آدمی زاد مشکل دارند و اینهمه آیات واضح الهی غافلند وسرانجام آخرتی مومن و کافر تفاوت بسیارزیادی با یکدیگردارد ، پس ای مردم موضوع به این اهمیت را دست کم نگیرید .

در پاراگراف 2 می فرماید : «آدمیزاده، اکثراً، نادان و ناسپاس است» ، ای پیامبر! حوزه ماموریتت این است . رسالتت هم این است که روی ایــن مخلوقاتم کارکنی و آنها را ارتقاء دهی .

در پاراگراف 3 با توجه دادن مردم به آنهمه نعمتی که لحظه به لحظه ازسوی درگاه ربوبی دریافت میکنند عواطف انسانی شان برای پیدایش رفتارشاکرانه تحریک میگردد تا به خود آیند و به خداوند رو کنند و نیز اینکه به کیفیت بسیارمتعالی قرآن و اینکه هیچ بشری نمیتواند چیزی مانند آن را به وجود بیاورد توجه کنند و دست ازاین اوهامی که گرفتارشان کرده بکشند و خودرا یکسره در راه صحیح قراردهند ، و اینکه ای پیامبر ! اینک که عده زیادی ازاین مردم نسبت به امکان صحت تعالیمت کنجکاو شده اند ، توجه آنان رابه جوانب مختلف موضوع آخرت جلب کن .

در پاراگراف 4 باز هم تأکید بر توحید و نفی فرزند و شریک برای خداوند است و نیز میفرماید ای پیامبر ! سخن مخالفانت علاوه براینکه «گمانی» و«تخمینی» است ، نا معقول و نسنجیده ، و علاوه بر اینها ، بیفایده هم هست ، و اینکه توجه مردم را به مبدا لطف و رحمت و تشریع احکام جلب کن .

در این پاراگراف می فرماید : ای پیامبر ! رفتار مخالفانت در سخن نامعقول گفتن و لجبازی مانند رفتــارقوم نوح است ، لذا ، تو نیز به آنان همان را بگو که نوح به قومش گفت ، و بدان که اگر آنها نیز از حدودی تجاوز کردند به هلاکت دچارخواهند شد ، نیز میفرماید : ای پیامبر ! رهائی شماها نزدیک است ( وبه عنوان نقشه راه ، چیزی شبیه به موضوع آیــه 87 را عمل کنید )

**3 - سوالات**

1 – منظور از «علی» درآیه 83 چیست؟ (علیرغم؟ یا...؟)

2 - چه سابقه ای از کلمه «علی» که به معنی «علیرغم» بکار رفته باشد ، در سوره های قبل ، دارید؟

3 - « **خَوْفٍ مِّن فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِمْ أَن يَفْتِنَهُمْ** » (همان آیه) مربوط به چه کسی است (قومه؟ ذریه؟)

4 – در آیه 84 ، منظور از «قوم» چه کسانی است؟ (کل بنی اسرائیل؟ ذریه؟ یا...؟)

5 – منظور از «قبله» (آیه87) به معنی لغوی (= محل مراجعه) یا معنی اصطلاحی (= جهت ایستادن به هنگام نماز) آن است؟

6 – با توجه به آیه 88 ، چرا حضرت موسی دردعای خویش «ایمان نیاوردن» فرعونیان را از خداوند خواسته بود؟

7 - « **رَبَّنَا لِيُضِلُّواْ عَن سَبِيلِكَ** » (آیه88) با موضوع کدام کلید تفسیر مطابقت دارد؟

8 – منظور از «الذین لایعلمون» (آیه89) چه کسانی است؟

9 – در ابتدای آیه91 ، موضوع کدام کلید تفسیر اتفاق افتاده است؟

10 - دریافت کلی خویش را از موضوع آیه 87 بطور مشروح و مستدل بنویسید .

11 - تنوین روی «ف» در کلمه «خوف» ، از باب تعظیم است یا تحقیر؟

12- از مطالب این پاراگراف چه «حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها» میتوان زد؟

13 - این پاراگراف چه حالت کلی دارد؟ (امیدبخشی قوی همراه با نقشه راه؟ یا....؟)

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

1 - از آیه 71 فهمیده میشود که پیامبر (ص) پیام تهدید به قتل دریافت کرده بود .

2 - در ارتباط با آیه 74 ذکر این نکته لازم است که طرز زندگی قوم نوح طوری بود که مخالف تعالیم آن حضرت بود و اگر ایمان می­آوردند می­باید طرز زندگی خود را عوض می­کردند زیرا انحراف آنها خیلی زیاد شده بود بطوری که نمی­شد هم به طرز زندگی عادت شده خویش ادامه دهند و هم تعالیم نوح را (حتی بطور ظاهری) قبول کنند .

خلاصه اینکه منظور از «تکذیب» در آیه مذکور ، «تکذیب عملی» و منظور از «ایمان» ، «اظهار زبانی» است .

1 - از آیه 87 فهمیده میشود که در اوان نزول این قسمت از قرآن کار پیامبر آنقدر بالا گرفته بود که نیاز به یکنوع «ستاد» برای حرکت موثرتر احساس میشد.

2 – از آیه 88 یکی از فرق های عظیم پیامبر ما (ص) با سایر پیامبران فهمیده میشود ، آنحضرت هرگز حاضر نبود مخالفانش در کفر و الحادشان تثبیت شوند و بلکه آنحضرت مایل بود سران مخالفینش نیز به راه حق بیایند و خدا آنها را بپذیرد .

3 – از آیه 83 فهمیده میشود در اینجا ، ایمان به معنی «اظهار ایمان» است و نه به معنی صِرف خطور در قلب .

**5 – زاویه با تفاسیر رایج**

المیزان در موضوع آیه 87 فرمایشات عجیبی کرده و «قبله» را به معنی اصطلاحی آن–که جهتِ روکردن هنگام نماز باشد-گرفته، در حالیکه روال داستان بما میگوید معنی لغوی آن که به معنی «محل مراجعه» باشد به موضوع بهتر میخورد و گرنه معنی ندارد که خانه خودتان را «جهت» نمازِ مردم قرار دهید ، و باز هم از همین داستان نتیجه دیگری که عجیب تر است گرفته که بنی اسرائیل خانه و زندگی نداشته اند و مثلا در چادر زندگی میکرده اند ، و این چیزی است که حتی خود یهودیان نیز آن را قبول ندارند و این مطلب را به عنوان یکی از عناصر سختگیری های فرعونی در هیچ جا اظهار نکرده اند و معقول هم نیست زیرا بنی اسرائیل در زمان عزت یوسف (ع) با احترام وارد مصر شدند و حتما اول برای خویش خانه ها و زندگی مناسب آبرومند تمهید کرده اند و اگر چنین چیزی بود مورد اشاره قرآن قرار میگرفت ، همانطور که «یذبحون ابنائهم و یستحیون نسائهم» مورد توجه قرآن قرار گرفت و چند بار در قرآن ذکر شد.

1 - ترجیح معنی اصطلاحی کلمه « قبله » بر معنی لغوی آن که سببشده آیه نامفهوم جلوه کند

2 – افتادن در اشتباه دیگر به علت اشتباه اول (چادرنشینی)

**6 - پیشگوئی های تحقق یافته**

آیه92 از لحاظ باستان­شناسی معجزه است .

زیرا اینک معلوم است که همان فرعونی که معاصر حضرت موسی بوده و موضوع این آیات است ، جسدش شناسائی شده و موجود است و این چیزی نیست که در حد بضاعتِ علمیِ حتی متمدن­ترین جوامع آن روزها باشد چه رسد به بضاعت علمیِ اعرابِ معاصرِ زمانِ نزولِ این آیات.

چنانکه ملاحظه شد، مورد فوق، بطور وضوح، فوق ذهنیات اعراب 1400 سال قبل است (که مجتهد شبستری و سروش و برخی پیروان آنها که فعلا نام نمی بریم، که میگویند مطالب قرآن منحصر به معهودات معاصران نزول آیات نازله است، با این نوع شواهد مردود میشود)

**7 - کلید های تفسیری**

**معنی کلمات :**

آیه 93 می باید به اسکان بنی اسرائیل در ارض موعود پس از سرگرادانی 40 ساله آنان در بیابان (موضوع آیاتِ سوره مائده) بوده باشد، و لذا کلمه «صدق» به معنی رایج نیست، بلکه به معنی Right (مناسب) میباشد .

**نکته تاریخی :**

در آیه 74 **فَمَا كَانُواْ لِيُؤْمِنُواْ بِمَا كَذَّبُواْ بِهِ مِن قَبْلُ** می باید به این نکته توجه کرد که (چنانکه قبلا هم گفته ایم و بعدا هم اشاره خواهیم کرد) چون زندگی آنها به نان بت پرستی آغشته بود «بطور عملی» مخالف آموزه های توحیدیِ انبیاء بود و لذا نمیتوانستند انبیاء را تکذیب نکنند.

**ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:**

**1**

**وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ نُوحٍ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِن كَانَ كَبُرَ عَلَيْكُم مَّقَامِي وَتَذْكِيرِي بِآيَاتِ اللّهِ فَعَلَى اللّهِ تَوَكَّلْتُ فَأَجْمِعُواْ أَمْرَكُمْ وَشُرَكَاءكُمْ ثُمَّ لاَ يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً ثُمَّ اقْضُواْ إِلَيَّ وَلاَ تُنظِرُونِ ﴿71﴾ فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَمَا سَأَلْتُكُم مِّنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلاَّ عَلَى اللّهِ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿72﴾ فَكَذَّبُوهُ فَنَجَّيْنَاهُ وَمَن مَّعَهُ فِي الْفُلْكِ وَجَعَلْنَاهُمْ خَلاَئِفَ وَأَغْرَقْنَا الَّذِينَ كَذَّبُواْ بِآيَاتِنَا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنذَرِينَ ﴿73﴾**

**درس: اي پيامبر با جديت کار رسالتت را پي گير . تو و پيروانت در مقابل کافران بي منطق و غافل دردنيا پيروز و در آخرت نجات يافته خواهيد بود .**

**درب : ذکرِ جدیتی که نوح نبی در پیگیری رسالتش داشت ، و پیروزیی که در این جهان کسب نمود.**

**2**

**ثُمَّ بَعَثْنَا مِن بَعْدِهِ رُسُلاً إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَآؤُوهُم بِالْبَيِّنَاتِ** **فَمَا كَانُواْ لِيُؤْمِنُواْ بِمَا كَذَّبُواْ بِهِ مِن قَبْلُ كَذَلِكَ نَطْبَعُ عَلَى قُلوبِ الْمُعْتَدِينَ ﴿74﴾**

**درس: اي پيامبر با جديت کار رسالتت را پي گير . تو و پيروانت در مقابل کافران بي منطق و غافل دردنيا پيروز و در آخرت نجات يافته خواهيد بود .**

**درب : ذکرِ جدیتی که انبیاءِ پس از نوح در پیگیری رسالتشان داشتتند.**

**3**

**ثُمَّ بَعَثْنَا مِن بَعْدِهِم مُّوسَى وَهَارُونَ إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ بِآيَاتِنَا فَاسْتَكْبَرُواْ وَكَانُواْ قَوْمًا مُّجْرِمِينَ ﴿75﴾ فَلَمَّا جَاءهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِندِنَا قَالُواْ إِنَّ هَذَا لَسِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿76﴾ قَالَ مُوسَى أَتقُولُونَ لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءكُمْ أَسِحْرٌ هَذَا وَلاَ يُفْلِحُ السَّاحِرُونَ ﴿77﴾ قَالُواْ أَجِئْتَنَا لِتَلْفِتَنَا عَمَّا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءنَا وَتَكُونَ لَكُمَا الْكِبْرِيَاء فِي الأَرْضِ وَمَا نَحْنُ لَكُمَا بِمُؤْمِنِينَ ﴿78﴾ وَقَالَ فِرْعَوْنُ ائْتُونِي بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ ﴿79﴾ فَلَمَّا جَاء السَّحَرَةُ قَالَ لَهُم مُّوسَى أَلْقُواْ مَا أَنتُم مُّلْقُونَ ﴿80﴾ فَلَمَّا أَلْقَواْ قَالَ مُوسَى مَا جِئْتُم بِهِ السِّحْرُ إِنَّ اللّهَ سَيُبْطِلُهُ إِنَّ اللّهَ لاَ يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ ﴿81﴾ وَيُحِقُّ اللّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ ﴿82﴾**

**درس: اي پيامبر با جديت کار رسالتت را پي گير . تو و پيروانت در مقابل کافران بي منطق و غافل دردنيا پيروز و در آخرت نجات يافته خواهيد بود .**

**درب : ذکرِ جدیتی که حضرت موسی در پیگیری رسالتش داشت و پیروزیی که نصیبش شد.**

**4**

**فَمَا آمَنَ لِمُوسَى إِلاَّ ذُرِّيَّةٌ مِّن قَوْمِهِ عَلَى خَوْفٍ مِّن فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِمْ أَن يَفْتِنَهُمْ وَإِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الأَرْضِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ ﴿83﴾ وَقَالَ مُوسَى يَا قَوْمِ إِن كُنتُمْ آمَنتُم بِاللّهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُواْ إِن كُنتُم مُّسْلِمِينَ ﴿84﴾ فَقَالُواْ عَلَى اللّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا لاَ تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿85﴾ وَنَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿86﴾**

**درس: اي پيامبر با جديت کار رسالتت را پي گير . تو و پيروانت در مقابل کافران بي منطق و غافل دردنيا پيروز و در آخرت نجات يافته خواهيد بود .**

**درب : ذکرِ مشکلات داخلیِ بنی اسرائیل برای ایمان آوری داشتند و حضرت موسی با چه زحمتی برای آماده سازی آنها میکشید.**

**5**

**وَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى وَأَخِيهِ أَن تَبَوَّءَا لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بُيُوتًا وَاجْعَلُواْ بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُواْ الصَّلاَةَ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ** **﴿87﴾ وَقَالَ مُوسَى رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلأهُ زِينَةً وَأَمْوَالاً فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّواْ عَن سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَى أَمْوَالِهِمْ وَاشْدُدْ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَلاَ يُؤْمِنُواْ حَتَّى يَرَوُاْ الْعَذَابَ الأَلِيمَ ﴿88﴾ قَالَ قَدْ أُجِيبَت دَّعْوَتُكُمَا فَاسْتَقِيمَا وَلاَ تَتَّبِعَآنِّ سَبِيلَ الَّذِينَ لاَ يَعْلَمُونَ ﴿89﴾**

**درس: اي پيامبر با جديت کار رسالتت را پي گير . تو و پيروانت در مقابل کافران بي منطق و غافل دردنيا پيروز و در آخرت نجات يافته خواهيد بود .**

**درب : راهنمائیِ وحی برای سامان یافتنِ کار ایمان آوریِ بنی اسرائیل.**

**6**

**وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ بَغْيًا وَعَدْوًا حَتَّى إِذَا أَدْرَكَهُ الْغَرَقُ قَالَ آمَنتُ أَنَّهُ لا إِلِهَ إِلاَّ الَّذِي آمَنَتْ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَأَنَاْ مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿90﴾ آلآنَ وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ وَكُنتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ ﴿91﴾ فَالْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بِبَدَنِكَ لِتَكُونَ لِمَنْ خَلْفَكَ آيَةً وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ عَنْ آيَاتِنَا لَغَافِلُونَ ﴿92﴾**

**درس: اي پيامبر با جديت کار رسالتت را پي گير . تو و پيروانت در مقابل کافران بي منطق و غافل دردنيا پيروز و در آخرت نجات يافته خواهيد بود .**

**درب : ذکرِ چگونگیِ شکست نهائیِ مانع اصلی رسالت حضرت موسی (ع)**

**7**

**وَلَقَدْ بَوَّأْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مُبَوَّأَ صِدْقٍ وَرَزَقْنَاهُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ فَمَا اخْتَلَفُواْ حَتَّى جَاءهُمُ الْعِلْمُ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُواْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿93﴾**

**درس: اي پيامبر با جديت کار رسالتت را پي گير . تو و پيروانت در مقابل کافران بي منطق و غافل دردنيا پيروز و در آخرت نجات يافته خواهيد بود .**

**درب : ذکرِ گوشه ای از موفقیتِ پس از درگیری های رسالتیِ حضرت موسی.**

**8 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

آیه 92 چنین موقعیتی دارد.

توضیح : بدن فرعون مذکور (قابل فهم است که) می باید جستجو شده و از آب بیرون آورده شده و مومیائی گردیده و در مقبره مخصوص قرار داده شده باشد، اما، تازمان ناپلئون که به عناصر باستانی مصر تعرض شده و اقلامی از آن به اروپا انتقال یافته و اکنون در موزه های اروپائی وغیره قرار گرفته، بررسی های کارشناسی روی آنها صورت نگرفته بود و اینک که میدانیم جسد او با توجه به تشخیص وجود آب و نمک در آن مشخص میکند که این جسد با مشخصات مغروق (همانکه در آیه مذکور تصریح شده) مطابق است، بین این علمی که نسبت به این آیه داریم، نسبت به ذهنیات اعراب 1400 سال قبل مدت های مدید و حوادث عظیمی فاصله است که همه آنها (و این نتیجه) از معهودات آن مخاطبان بالاتر است.

**9 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در طول این مدت طولانی ، از نزول این سوره تا به امروز ، تغییر معناییِ چندانی نیافته ، و لذا مخاطب های اولیه نیز از این پاراگراف همان تلقی را میداشته اند که ما .

**10 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

1 - توصیه به آنحضرت که رفتار مخالفانت در سخن نامعقول گفتن و لجبازی مانند رفتــارقوم نوح است ، لذا ، تو نیز به آنان همان را بگو که نوح به قومش گفت ، و بدان که اگر آنها نیز از حدودی تجاوز کردند به هلاکت دچارخواهند شد .

2 – ارشاد آنحضرت که رهائی شماها نزدیک است ( وبه عنوان نقشه راه ، چیزی شبیه به موضوع آیــه 87 را عمل کنید )

**11 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

غیر از آیه های 72 و 73 و 75 و 76 و 79 ، بقیه آیات «برای اولین بار» است.

**شرح مختصر**

**قبله**

در آیه 87 که میفرماید «در شهر خانه هائی برای قوم تان قرار دهید و خانه هایتان را قبله کنید و نماز بپا دارید و مومنان را بشارت دهید» ، در حقیقت دارد شرح وظائف آن خانه ها را بر میشمارد. که در آن خانه ها آموزش دینی برای پیروان انجام شود و نیز آنها را از طریق بالا بردن روحیه شان برای رهائی از وضع موجودشان آماده کنند.

**اخلاق عالی پیامبر ما (ص)**

چنانکه از قرآن دانسته میشود، پیامبر ما (ص) حتی در بدترین و سخت ترین شرایط نیز برای تکذیبگران و مخالفان قسم خورده خویش به درگاه الهی برای آنان نفرین نکرد و برایشان هلاکت نخواستو این فرق عظیم بین آنحضرت و سایر انبیاء(ع) از آیه 88 دانسته میشود.

**نان بت پرستی**

چنانکه قبلا هم عرض کرده ایم، «ماکانوا لیومنوا بما کذبوا به من قبل»، در آیه 74، به این معنی است که آنها در بت پرستی شان منافعی داشته، و اصطلاحا نان بت پرستی را میخورده اند، ولذا نمیتوانسته اند با آموزه های توحیدی پیامبرشان موافق باشند.

**توکل سنگین پیامبرانه**

راجع به آیه 71 کلمه «شریکانتان» به معنی «آنهایی را که به خیال خویش با خداوند شریک قرار داده­اید» است .

البته چنانکه با دلایل زیادی از آیات قبل می­دانیم حضرت نوح در بین قوم خویش از لحاظ نیرو و ثروت بسیار ضعیف­تر بوده و دشمنان او قوی و زیاد و ثروتمند بودند و لذا مطلب آخر آیه 71 که می­گوید هیچ لازم نیست رو در بایستی کنید ، و« هر کاری که می­توانید » بکنید ، خیلی قابل توجه است و نشان می­دهد وقتی که توکل و ایمان شخصی قوی باشد چه شخصیت استواری پیدا می­کند .

**سه قانون الهی**

از این پاراگراف چنین فهمیده می­شود :

1- کار جادوگران به ثمر نمی­رسد (آیه 77)

2- خداوند کار مفسدان را درست در نمی­آورد (آیه 81)

3- خداوند حق را با کلماتش درست در می­آورد.(آیه 82)

درستی این سه سخن را تاکنون درطول تاریخ بشری دیده­ایم .

آنچه که تاریخ بشر را به جلو برده ، کار دانشمندان ، زحمتکشان ، عدالتخواهان ، فداکاران ، و در رأس آنها پیامبران بوده است اما هیچکس بیاد نمی­آورد که بشریت بعلت کار فلان جادوگر یا فلان خونریز یا فلان تخریبگر پیشرفت کرده باشد .

ضمنا در قانون سوم که فرموده «با کلماتش» ، باید بدانیم که معنی «کلمه» به همان معنی که نزد ما رایج است نیست بلکه در قرآن یکی از معانی «کلمه خدا» حضرت عیسی می­باشد و از اینجا شما تصور کنید که کلمه خدا بمعنی قانون خدا ، روح خدا ، مخلوقات بسیار بلند مرتبه خدا می­باشند .

**«ایمان» و «اظهار ایمان» (قبول مسئولیت)**

آنچه در آیه 83 آمده به این معنی است که «اظهار ایمان نکردند» و «ایمان قلبی خویش را اعلام نکردند». نه اینکه اصلاً ایمان به ذهنشان راه نیافته بود ، و در آیه 84 آنها را تشویق می­کند که ایمانتان را ظاهر کنید و در آیه­های 85 و 86 قبول کردند که ایمانشان را ظاهر کنند اما از نتایجش می­ترسیدند .

**جمع بندی و تفسیر**

**خبر نوح را بر آنان بخوان ، آن هنگام که به قومش گفت اي مردم اگر موقعيت من و تذکري که راجع به آيات خداوند به شما ميدهم برايتان سنگين است بدانيد که توکلم بر خداست . و شما هم درباره کارتان و شريکانتان هماهنگ کنيد و هيچ غم و غصه اي نخوريد و تصميم خويش را درباره من بگيريد و هيچ مهلتي هم به من ندهيد (71) اگر** (از تعالیم من) **روي برگردانديد ،** (بدانيد که) **من از شما مزدي نخواسته بودم . مزدم جز بر عهده خداوند نيست و من مأمورم از مسلمين باشم (72) پس تکذيبش کردند ولي او و همراهانش را در آن کشتي نجات داديم و آنها را جانشينان قرار داديم و كساني را که آياتمان را تکذيب کرده بودند غرق نموديم . پس بنگر عاقبت هشدار يافتگان چگونه بود (73) آنگاه پس از او رسولاني بسوي مردمانشان فرستاديم و آنها با دلايل روشن بسويشان رفتند اما اينطور نبود که آنها به چيزي که از پيش تکذيبش کرده بودند ايمان بياورند . چنين بر دلهاي تجاوزکاران مهر ميزنيم (74)** **آنگاه پس از آنان موسي و هارون را با آياتمان بسوي فرعون و بزرگانش فرستاديم اما گردنکشي کردند و قومي مجرم شدند (75) و هنگاميکه حق از جانب ما بسويشان آمد گفتند اين جادوئي آشکار است (76) موسي گفت آيا درباره حق وقتي که بسويتان آمده چنين ميگوييد؟ آيا اين جادوست؟ در حاليکه کار جادوگران به ثمر نميرسد (77) گفتند آيا بسويمان آمدي که ما را از آنچه پدرانمان را بر آن يافتيم منصرف کني و در اين سرزمين بزرگي كنيد؟ و ما به شما دو نفر قطعاً ايمان نمي آوريم (78) و فرعون گفت همه جادوگران خبره را برايم بياوريد (79) پس هنگاميکه جادوگران آمدند موسي به آنان گفت بياندازيد آنچه را که مي اندازيد (80) و هنگاميکه انداختند موسي گفت هر جادوئي را که بياوريد خداوند به زودي باطلش ميکند. خداوند عمل مفسدان را درست درنمي آورد (81) و خداوند حق را با کلماتش درست درمي آورد و لو اينکه کافران خوششان نيايد (82) کسي از قومش جز عده اي از فرزندانشان ، از ترس فرعون و بزرگانش ايمان نياوردند مبادا که آزارشان کنند زيرا فرعون در آن سرزمين از گزافكاران بلند پرواز بود (83) و موسي گفت اي قومم اگر به خدا ايمان آورده ايد پس بر همو توکل کنيد اگر واقعا تسليم هستيد(84) پس گفتند بر خدا توکل کرديم. پروردگارا ما را آماج فتنه ظالمان مکن (85) و از رحمتت ما را از قوم کافران نجات ده (86) و به موسي و برادرش وحي کرديم که براي قومتان در مصر خانه هائي بگيريد و خانه هايتان را** (به حالت) **قبله قرار دهيد و نماز بپا داريد و مومنان را مژده دهيد (87) و موسي گفت پروردگارا به فرعون و بزرگانش زينت و اموالي در زندگي دنيا داده اي که با آن از راه تو بازميدارند. پروردگارا اموالشان را در مسير نابودي قرار ده و دل هاشان را سخت کن تا آنقدر ايمان نياورند که عذاب دردناک را ببينند (88) گفت دعايتان مستجاب شد پس استقامت کنيد و راه کساني را که علم ندارند پيروي مکنيد (89) و بني اسرائيل را از آن دريا گذرانديم و فرعون و لشکريانش از روي ظلم و تعدي دنبالشان کردند تا اينکه غرق او را در ربود ، گفت ايمان آورده ام که خدائي نيست مگر آن کسی که بني اسرائيل به او ايمان آوردند و من از تسليم شدگانم (90) آيا اينک؟ در حاليکه قبلا عصيان ميکردي و از مفسدان بودي (91) امروز بدنت را نجات ميدهيم تا نشانه اي براي پسينيانت باشد و البته بسياري از مردم از آياتمان غافلند (92) بني اسرائيل را در منزلگاهي صحيح منزل داديم و از چيزهاي نيکو روزيشان کرديم و اختلاف نکردند مگر پس از اينکه آن علم بسويشان آمد. البته پروردگارت در روز قيآمت درباره آنچه که در آن اختلاف کردند بينشان قضاوت خواهد کرد (93)**

**یونس6 آیات94تا109**

**فَإِن كُنتَ فِي شَكٍّ مِّمَّا أَنزَلْنَا إِلَيْكَ فَاسْأَلِ الَّذِينَ يَقْرَؤُونَ الْكِتَابَ مِن قَبْلِكَ لَقَدْ جَاءكَ الْحَقُّ مِن رَّبِّكَ فَلاَ تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ ﴿94﴾ وَلاَ تَكُونَنَّ مِنَ الَّذِينَ كَذَّبُواْ بِآيَاتِ اللّهِ فَتَكُونَ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿95﴾ إِنَّ الَّذِينَ حَقَّتْ عَلَيْهِمْ كَلِمَتُ رَبِّكَ لاَ يُؤْمِنُونَ ﴿96﴾ وَلَوْ جَاءتْهُمْ كُلُّ آيَةٍ حَتَّى يَرَوُاْ الْعَذَابَ الأَلِيمَ ﴿97﴾ فَلَوْلاَ كَانَتْ قَرْيَةٌ آمَنَتْ فَنَفَعَهَا إِيمَانُهَا إِلاَّ قَوْمَ يُونُسَ لَمَّآ آمَنُواْ كَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ الخِزْيِ فِي الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَى حِينٍ ﴿98﴾ وَلَوْ شَاء رَبُّكَ لآمَنَ مَن فِي الأَرْضِ كُلُّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُواْ مُؤْمِنِينَ ﴿99﴾ وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَن تُؤْمِنَ إِلاَّ بِإِذْنِ اللّهِ وَيَجْعَلُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لاَ يَعْقِلُونَ ﴿100﴾ قُلِ انظُرُواْ مَاذَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ وَمَا تُغْنِي الآيَاتُ وَالنُّذُرُ عَن قَوْمٍ لاَّ يُؤْمِنُونَ ﴿101﴾ فَهَلْ يَنتَظِرُونَ إِلاَّ مِثْلَ أَيَّامِ الَّذِينَ خَلَوْاْ مِن قَبْلِهِمْ قُلْ فَانتَظِرُواْ إِنِّي مَعَكُم مِّنَ الْمُنتَظِرِينَ ﴿102﴾ ثُمَّ نُنَجِّي رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُواْ كَذَلِكَ حَقًّا عَلَيْنَا نُنجِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿103﴾ قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنتُمْ فِي شَكٍّ مِّن دِينِي فَلاَ أَعْبُدُ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللّهِ وَلَكِنْ أَعْبُدُ اللّهَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُمْ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿104﴾ وَأَنْ أَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا وَلاَ تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿105﴾ وَلاَ تَدْعُ مِن دُونِ اللّهِ مَا لاَ يَنفَعُكَ وَلاَ يَضُرُّكَ فَإِن فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذًا مِّنَ الظَّالِمِينَ ﴿106﴾ وَإِن يَمْسَسْكَ اللّهُ بِضُرٍّ فَلاَ كَاشِفَ لَهُ إِلاَّ هُوَ وَإِن يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلاَ رَآدَّ لِفَضْلِهِ يُصَيبُ بِهِ مَن يَشَاء مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿107﴾ قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءكُمُ الْحَقُّ مِن رَّبِّكُمْ فَمَنِ اهْتَدَى فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَن ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنَاْ عَلَيْكُم بِوَكِيلٍ ﴿108﴾ وَاتَّبِعْ مَا يُوحَى إِلَيْكَ وَاصْبِرْ حَتَّىَ يَحْكُمَ اللّهُ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ ﴿109﴾**

**ای پیامبر! اگر درباره چيزي از آنچه بر تو نازل کرده ايم در شکي هستي از کساني که قبل از تو آن کتاب را ميخوانند بپرس . البته حق از جانب پروردگارت بسويت آمده . پس از دو دلان مباش (94) و مبادا از کساني باشي که آيات خداوند را تکذيب نمودند كه از زيانکاران خواهي شد (95) کساني که کلمه پروردگارت بر آنان فرود آمد ايمان نمي آورند (96) حتي اگر همه جور معجزه اي بسويشان بيايد باز هم ايمان نخواهند آورد تا اينکه آن عذاب دردناک را ببينند (97) پس چرا هيچ شهري ايمان نياورد تا ايمانشان فايده اي به آنها برساند مگر قوم يونس که وقتي ايمان آوردند عذاب خفت بار در زندگي دنيا را از آنها دور کرديم و تا مدتي برخوردارشان نموديم (98) و اگر پروردگارت ميخواست ، تمام مردم روي زمين همگي شان مومن ميشدند ، آيا تو ميخواهي مردم را به زور مومن کني؟ (99) و هيچکس را نميرسد ايمان بياورد مگر به اذن خدا ، و همو پليدي را بر کساني که خرد نمي ورزند قرار ميدهد (100) بگو ببينيد در آسمانها و زمين چيست؟ و اين نشانه ها و هشدارها براي کساني که ايمان نمي آورند فايده اي نخواهد داشت (101) آيا چيزي غير از آن را انتظار دارند که بر سر اقوام قبلي آمد؟ بگو منتظر باشيد که من نيز به همراه شما جزء منتظرانم (102) آنگاه رسولانمان و مومنان را نجات خواهيم داد و البته نجات مومنان حقي است كه بر عهده ما است (103) بگو اي مردم اگر درباره دين من شکي داريد بدانيد که من آنچه را که شما غير از خداوند مي پرستيد نمي پرستم وليکن آن خداوندي را مي پرستم که جان شما را دريافت مي کند و مأمورم که از مومنان باشم (104) و اينکه رويم را به سوي دين بي انحراف کنم و مبادا از مشرکان باشم (105) و اينکه به غير از خداوند چيزي را که نفع و ضرري برايم ندارد به دعا نخوانم که اگر چنين کنم از ظالمان خواهم بود (106) و اگر خداوند ناراحتيي به تو برساند هيچ كسي غير از او نمیتواند بر طرفش كند و اگر بخواهد خيري به تو برساند هيچ كس نميتواند لطفش را جلوگيري کند. به هر کس از بندگانش که بخواهد لطف ميرساند و همو آمرزگار مهربان است (107) بگو اي مردم! حق از جانب پروردگارتان بسويتان آمد . هر که خواست راه هدايت در پيش گيرد به نفع خويش کرده و کسي که گمراه شد به ضرر خويش گمراه شده و من نگهبانِ مجبور کننده نيستم (108) و آنچه را که بسويت وحي ميشود پيروي کن و صبر کن تا خداوند حکم کند و همو بهترين حاكمان است (109)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: اي پيامبر با جديت کار رسالتت را پي گير. تو و پيروانت در مقابل کافران بي منطق و غافل دردنيا پيروز و در آخرت نجات يافته خواهيد بود.**

**درب : تو ای پیامبر! قطعا پیروز خواهی بود، کار خودت را پيگير باش ، و ضمنا بدان که با وجود جدیت تو، عده­ای ایمان نخواهند آورد، لذا، چنین کن.**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 می فرماید : کافران درقبول امکان دریافت وحی بوسیله آدمی زاد مشکل دارند و اینهمه آیات واضح الهی غافلند وسرانجام آخرتی مومن و کافر تفاوت بسیارزیادی با یکدیگردارد ، پس ای مردم موضوع به این اهمیت را دست کم نگیرید .

در پاراگراف 2 می فرماید : «آدمیزاده، اکثراً، نادان و ناسپاس است» ، ای پیامبر! حوزه ماموریتت این است . رسالتت هم این است که روی ایــن مخلوقاتم کارکنی و آنها را ارتقاء دهی .

در پاراگراف 3 با توجه دادن مردم به آنهمه نعمتی که لحظه به لحظه ازسوی درگاه ربوبی دریافت میکنند عواطف انسانی شان برای پیدایش رفتارشاکرانه تحریک میگردد تا به خود آیند و به خداوند رو کنند و نیز اینکه به کیفیت بسیارمتعالی قرآن و اینکه هیچ بشری نمیتواند چیزی مانند آن را به وجود بیاورد توجه کنند و دست ازاین اوهامی که گرفتارشان کرده بکشند و خودرا یکسره در راه صحیح قراردهند ، و اینکه ای پیامبر ! اینک که عده زیادی ازاین مردم نسبت به امکان صحت تعالیمت کنجکاو شده اند ، توجه آنان رابه جوانب مختلف موضوع آخرت جلب کن .

در پاراگراف 4 باز هم تأکید بر توحید و نفی فرزند و شریک برای خداوند است و نیز میفرماید ای پیامبر ! سخن مخالفانت علاوه براینکه «گمانی» و«تخمینی» است ، نا معقول و نسنجیده ، و علاوه بر اینها ، بیفایده هم هست ، و اینکه توجه مردم را به مبدا لطف و رحمت و تشریع احکام جلب کن .

در این پاراگراف می فرماید : ای پیامبر ! رفتار مخالفانت در سخن نامعقول گفتن و لجبازی مانند رفتــارقوم نوح است ، لذا ، تو نیز به آنان همان را بگو که نوح به قومش گفت ، و بدان که اگر آنها نیز از حدودی تجاوز کردند به هلاکت دچارخواهند شد ، نیز میفرماید : ای پیامبر ! رهائی شماها نزدیک است ( وبه عنوان نقشه راه ، چیزی شبیه به موضوع آیــه 87 را عمل کنید )

در این پاراگراف تاکیدی برمحورسخن پاراگراف قبل دارد ، همانکه داشت : «رهائی شما نزدیک است»

در این پاراگراف می فرماید : ای پیامبر! ایمان آوردن قوم نیز مکانیزم خاص خودش را دارد ، عجله نکن ، تو و پیروانت را نجات می­دهیم .

در این پاراگراف می فرماید : ای پیامبر ! راجع به پیروزی قریب الوقوع مطمئن باش وفعلا این رویــــه را درپیش بگیر .

**3 - سوالات**

1 – منظور از «ناس» (آیه های104و108) کیست؟

2 - چه سابقه ای از «لا اعبد .... و لکن اعبد» (آیه104) در سوره های قبل دارید؟

3 – چرا خداوند در آیه 104خود را به صفت «دریافت کننده جانها» معرفی فرموده؟

4 – در ابتدای آیه 105موضوع کدام کلید تفسیر اتفاق افتاده؟

5 - کل آیه107با کدام کلید تفسیر مطابق است؟

6 – چرا خداوند از بین صفات ممکن ، خود را به صفات انتهای آیه های 107 و 109 معرفی فرموده؟

7 – چرا در آیه 107 ضمیر«من» (یمسسک یردک فضله یصیب یشاء عباده هو) را به کار برده؟

8 – آیه های 105 و 106 را چگونه می بینید؟

9 – چرا در آیه 104 «یتوفیکم» را بکار برده؟

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

دو آیه 94 و 95 در چارچوب ذیل قابل درک است :

ظاهرا ناراحتی ها آن قدر زیاد شده بود که پیامبر(ص) احساسی شبیه به خستگی و بی­حوصلگی و امثال آن پیدا کرده بود و ممکن بود گاهی با خود گفتگویی میکرد کـــــه « خدایا ، پس این پیروزی کی می­رسد؟»

اگر مطالب آیات 96 تا 103 را با مطالب آیه های 94 و 95، با هم ببینید ، متوجه میشوید که روال کلام، روالِ «دلداری دادن» به آنحضرت است ، بطوریکه میفرماید به ایمان آوریِ برخی از آنها اصلا امید نبند (آیه های 96و97) و اینکه خداوند عاجز نیست که کاری کند همه ایمان بیاورند و ایمان آوردن مردم مکانیزمی دارد که تخطی ناپذیر است (آیه های 100 و 101) و تو (ای پیامبر) صبر کن و ادامه بده ، و بالاخره سرانجام مطلوب را خواهی دید (آیه های 102 و 103)

فحوای کلام در آیاتِ 104 تا 109 در دو چیز خلاصه میشود :

1 - موضع خودرا به روشنی اعلام کن (آیه های 104 و 105 و 108)

2 - از همه چیز جز خدا قطع امید کن (آیه های 106 و 107 و 109)

مجموع این دو محور نشان میدهد که که فشارهایی علیه نهضت اسلام پیش بینی و طراحی و اعمال شده بود و سران کفار انتظار نوعی تسلیم و مماشات و معامله از سوی آنحضرت را داشتند که با این موضع گیری مایوس شدند .

**5 - پیشگوئی های تحقق یافته**

آیه 103 به وضوح و صراحت پیشگوئی نجات را میکند و چنانکه دیده شد به تحقق پیوست.

در آیه 109 تلویحا وعده موفقیت میدهد زیرا میگوید صبر کن و خدا بهترین حاکم است.

**6 - زاویه با تفاسیر رایج**  و **7 - آیات مشکل**

آیه 94 از این لحاظ که احتمال «شک» را در مورد آنحضرت مطرح میکند و راه رفع آن را سوال از کسانی در همان آیه ذکر مینماید، از آن جهت که مفسران مختلف در وجوه معانی آن حرف های عجیب و غریبی زده اند ، جزء آیات مشکل است و ما در مورد آن در تیتر قبلی مطالبی عرض کرده ایم.

اما، در اینجا عرض میکنیم که عصاره محتوای سوره (همان که آن را «درس» نامیده ایم، به طریق روشن و واضحی استخراج شده که در این سوره دالّ است بر پیروزی دنیوی و نجات اخروی آنحضرت است، آنحضرت که به این مطلب شکی نداشته، زیرا رفتارش (صبر بر ناملایمات متنوعِ زیاد، و پرداختن به عبادت خاصِ سنگین، و کوتاه نیامدن از موضوع رسالتش،) ثابت کننده این امر است ، پس «شک» مذکور در چه چیز میتوانست موضوعیت داشته باشد؟

با توجه به کلمه «ممّا»، و سختگیریِ خداوند به پیامبران (ع)، فقط میتوان دیر شدنِ زمانِ پیروزی را، و چشم به آسمان بودنِ آنحضرت (با توجه به شدت ناملایمات) را سبب نزول آیه 94 که لحن عتابی دارد قلمداد کرد.

**8 - کلید های تفسیری**

**اصلی-فرعی :** آیه 97 فرع بر آیه 96 است، و نیز آیه 98 بدون این که فرع بر آیه­ای باشد پرانتزی است، دلیلش هم این که اگر چشم خویش را بر آن ببندیم می­بینم روال سخن صاف­تر و یکدست­تر می­شود.

**ریزکردن پاراگراف تاحد ممکن:**

**1**

**فَإِن كُنتَ فِي شَكٍّ مِّمَّا أَنزَلْنَا إِلَيْكَ فَاسْأَلِ الَّذِينَ يَقْرَؤُونَ الْكِتَابَ مِن قَبْلِكَ لَقَدْ جَاءكَ الْحَقُّ مِن رَّبِّكَ فَلاَ تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ ﴿94﴾ وَلاَ تَكُونَنَّ مِنَ الَّذِينَ كَذَّبُواْ بِآيَاتِ اللّهِ فَتَكُونَ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿95﴾**

**درس: اي پيامبر با جديت کار رسالتت را پي گير. تو و پيروانت در مقابل کافران بي منطق و غافل دردنيا پيروز و در آخرت نجات يافته خواهيد بود.**

**درب : در درجه اول خودت از حقانیت موقعیت خویش کاملا مطمئن باش.**

**2**

**إِنَّ الَّذِينَ حَقَّتْ عَلَيْهِمْ كَلِمَتُ رَبِّكَ لاَ يُؤْمِنُونَ ﴿96﴾** وَلَوْ جَاءتْهُمْ كُلُّ آيَةٍ حَتَّى يَرَوُاْ الْعَذَابَ الأَلِيمَ **﴿97﴾** فَلَوْلاَ كَانَتْ قَرْيَةٌ آمَنَتْ فَنَفَعَهَا إِيمَانُهَا إِلاَّ قَوْمَ يُونُسَ لَمَّآ آمَنُواْ كَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ الخِزْيِ فِي الْحَيَاةَ الدُّنْيَاوَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَى حِينٍ **﴿98﴾ وَلَوْ شَاء رَبُّكَ لآمَنَ مَن فِي الأَرْضِ كُلُّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُواْ مُؤْمِنِينَ ﴿99﴾ وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَن تُؤْمِنَ إِلاَّ بِإِذْنِ اللّهِ وَيَجْعَلُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لاَ يَعْقِلُونَ ﴿100﴾**

**درس: اي پيامبر با جديت کار رسالتت را پي گير. تو و پيروانت در مقابل کافران بي منطق و غافل دردنيا پيروز و در آخرت نجات يافته خواهيد بود. درب : ایمان آوری و کفرورزی قانونمند است.**

**3**

**قُلِ انظُرُواْ مَاذَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ وَمَا تُغْنِي الآيَاتُ وَالنُّذُرُ عَن قَوْمٍ لاَّ يُؤْمِنُونَ ﴿101﴾ فَهَلْ يَنتَظِرُونَ إِلاَّ مِثْلَ أَيَّامِ الَّذِينَ خَلَوْاْ مِن قَبْلِهِمْ قُلْ فَانتَظِرُواْ إِنِّي مَعَكُم مِّنَ الْمُنتَظِرِينَ ﴿102﴾ ثُمَّ نُنَجِّي رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُواْ كَذَلِكَ حَقًّا عَلَيْنَا نُنجِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿103﴾**

**درس: اي پيامبر با جديت کار رسالتت را پي گير. تو و پيروانت در مقابل کافران بي منطق و غافل دردنيا پيروز و در آخرت نجات يافته خواهيد بود. درب : ای پیامبر! راجع به پیروزیِ نهائی مطمئن باش.**

**4**

**قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنتُمْ فِي شَكٍّ مِّن دِينِي فَلاَ أَعْبُدُ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللّهِ وَلَكِنْ أَعْبُدُ اللّهَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُمْ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿104﴾ وَأَنْ أَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا وَلاَ تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿105﴾ وَلاَ تَدْعُ مِن دُونِ اللّهِ مَا لاَ يَنفَعُكَ وَلاَ يَضُرُّكَ فَإِن فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذًا مِّنَ الظَّالِمِينَ ﴿106﴾ وَإِن يَمْسَسْكَ اللّهُ بِضُرٍّ فَلاَ كَاشِفَ لَهُ إِلاَّ هُوَ وَإِن يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلاَ رَآدَّ لِفَضْلِهِ يُصَيبُ بِهِ مَن يَشَاء مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿107﴾ قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءكُمُ الْحَقُّ مِن رَّبِّكُمْ فَمَنِ اهْتَدَى فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَن ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنَاْ عَلَيْكُم بِوَكِيلٍ ﴿108﴾ وَاتَّبِعْ مَا يُوحَى إِلَيْكَ وَاصْبِرْ حَتَّىَ يَحْكُمَ اللّهُ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ ﴿109﴾**

**درس: اي پيامبر با جديت کار رسالتت را پي گير. تو و پيروانت در مقابل کافران بي منطق و غافل دردنيا پيروز و در آخرت نجات يافته خواهيد بود. درب : ای پیامبر! مواضع خویش را به روشنی اعلام کن و امیدت را غیر از به خداوند از هرچیز دیگری قطع کن.**

**9 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در طول این مدت طولانی ، از نزول این سوره تا به امروز ، تغییر معناییِ چندانی نیافته ، و لذا مخاطب های اولیه نیز از این پاراگراف همان تلقی را میداشته اند که ما .

**10 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

1 - اي پيامبر نگران پيروزي نباش. وعده ما تحقق خواهد يافت.

2 – ای پیامبر! با وجود جدیت تو ، عده­ای ایمان نخواهد آورد ، تو کار خودت را پيگير باش ، چنین کن و چنین بگو .

**11 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

غیر از آیه های 96 و 97 و 108 و 109 ، بقیه آیات «برای اولین بار» است.

**شرح مختصر**

**پیامبر(ص) و شک؟ پیامبر(ص) وتکذیب آیات الهی؟**

از سوره قلم به این طرف این نوع تعابیر را می­بینیم و از این پس نیز خواهیم دید. قبل از هر گونه توضیحی باید توجه شما را به بحثی که قبلاً تحت عنوان «عتاب پیامبران و پیامبر اکرم(ص)» در پاراگراف اول سوره عبس کرده­ایم جلب ­کنیم .

اما درباره آیه 94 باید عرض کنیم که این آیه بسیاری از مفسران ارجمند را به زحمت انداخته است زیرا تصور شک و دودلی برای پیامبر مشکل است و البته توجیهات مفصلی هم فرموده­اند که در نهایت دلچسب نیست .

چیزی که واضح است این است که پیامبر عظیم­الشأن ما به فرض اینکه شکی هم کرده باشد در اصل وحی و تعالیم مندرج در آن نمی­توانست بوده باشد و در نهایت با توجه به «درب» می­توانست در این بوده باشد که «خدایا! پس نجات مؤمنان از سلطه این کفار و مشرکان که وعده فرموده­ای چه وقت خواهد بود؟»

**از لحاظ فنی ، بی توجهی به کلمه «ممّا» از سوی مفسران ، (زیرا نفرموده «ما» و فرموده «ممّا» = مِن ما) سبب خطای مذکور شده است .**

اینک با توجه به همان بحثی که تحت عنوان «عتاب پیامبران و پیامبر(ص)» عرض کرده­ایم می­گوییم پیامبران از ما آدم­های معمولی بالاترند، بطوریکه هم وظایفشان از ما سنگین­تر است و هم مسئولیت­ هایشان از ما بالاتر است، و نسبت آنها به ما مانند نسبت بالغ به نابالغ است، یا مانند نسبت پروفسور به کودک دبستانی است، و لذا ممکن است چیزی برای ما یک امر عادی و مباح باشد اما برای آنها یک گناه کبیره نابخشودنی باشد، یونس(ع) یک کار عادی کرد ، یعنی استعفا داد اما در سیستم پیامبرانه ، کار او یک گناه عظیم عجیب بود که بخاطرش مجازات فوری شد.

**آیه «حقوق بشر»ی**

آیه 99 همعرض جمله معروف «لا اکراه فی الدین» در آیه مشهور موسوم به «آیه­الکرسی» است .

**ایمان همیشه همراه ناملایمات نیست ، بلکه گاهی هم برعکس است**

از آیه 98 به خوبی موضوع تیتر فوق فهمیده می­شود و شرح بیشتری هم لازم نیست.

**فعل خداوند قانونمند است**

از آیه 100 موضوع تیتر فوق به خوبی فهمیده می­شود و توضیح بیشتری نیز نیاز ندارد.

**جمع بندی و تفسیر**

**پس اگر درباره چيزي از آنچه بر تو نازل کرده ايم در شکي هستي از کساني که قبل از تو آن کتاب را ميخوانند بپرس . البته حق از جانب پروردگارت بسويت آمده . پس از دو دلان مباش (94) و مبادا از کساني باشي که آيات خداوند را تکذيب نمودند كه از زيانکاران خواهي شد (95)** **کساني که کلمه پروردگارت بر آنان فرود آمد ايمان نمي آورند (96)** {حتي اگر همه جور معجزه اي بسويشان بيايد (باز هم ايمان نخواهند آورد) تا اينکه آن عذاب دردناک را ببينند (97) پس چرا هيچ شهري ايمان نياورد تا ايمانشان فايده اي به آنها برساند مگر قوم يونس که وقتي ايمان آوردند عذاب خفت بار در زندگي دنيا را از آنها دور کرديم و تا مدتي برخوردارشان نموديم }(98) **و اگر پروردگارت ميخواست ، تمام مردم روي زمين همگي شان مومن ميشدند ، آيا تو ميخواهي مردم را به زور مومن کني؟(99) و هيچکس را نميرسد ايمان بياورد مگر به اذن خدا ، و پليدي را بر کساني که خرد نمي ورزند قرار ميدهد (100)** {بگو ببينيد در آسمانها و زمين چيست؟ و (اين) نشانه ها و هشدارها براي کساني که ايمان نمي آورند فايده اي نخواهد داشت (101) آيا چيزي غير از آن را انتظار دارند که بر سر اقوام قبلي آمد؟ بگو منتظر باشيد که من نيز به همراه شما جزء منتظرانم }(102) **آنگاه رسولانمان و مومنان را نجات خواهيم داد و البته نجات مومنان حقي است كه بر عهده ما است (103)** **بگو اي مردم اگر درباره دين من شکي داريد** (بدانيد که) **من آنچه را که شما غير از خداوند مي پرستيد نمي پرستم وليکن آن خداوندي را مي پرستم که** (جان) **شما را دريافت مي کند و مأمورم که از مومنان باشم (104) و اينکه رويم را به سوي دين بي انحراف کنم و مبادا از مشرکان باشم (105) و اينکه به غير از خداوند چيزي را که نفع و ضرري برايم ندارد به دعا نخوانم که اگر چنين کنم از ظالمان خواهم بود (106)** {و اگر خداوند ناراحتيي به تو برساند هيچ كسي غير از او بر طرفش نمي كند و اگر بخواهد خيري به تو برساند هيچ كسي نميتواند لطفش را جلوگيري کند. به هر کس از بندگانش که بخواهد ميرساند و همو آمرزگار مهربان است} (107)  **بگو اي مردم! حق از جانب پروردگارتان بسويتان آمد . هر که خواست راه هدايت در پيش گيرد به نفع خويش کرده و کسي که گمراه شد به ضرر خويش گمراه شده و من نگهبان مجبور کننده نيستم (108) و آنچه را که بسويت وحي ميشود پيروي کن و صبر کن تا خداوند حکم کند و همو بهترين حاكمان است (109)**

**سوره انبياء**

**﴿ بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾**

**اقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مَّعْرِضُونَ ﴿1﴾ مَا يَأْتِيهِم مِّن ذِكْرٍ مَّن رَّبِّهِم مُّحْدَثٍ إِلَّا اسْتَمَعُوهُ وَهُمْ يَلْعَبُونَ ﴿2﴾ لَاهِيَةً قُلُوبُهُمْ وَأَسَرُّواْ النَّجْوَى الَّذِينَ ظَلَمُواْ هَلْ هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ أَفَتَأْتُونَ السِّحْرَ وَأَنتُمْ تُبْصِرُونَ ﴿3﴾ قَالَ رَبِّي يَعْلَمُ الْقَوْلَ فِي السَّمَاء وَالأَرْضِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿4﴾ بَلْ قَالُواْ أَضْغَاثُ أَحْلاَمٍ بَلِ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا بِآيَةٍ كَمَا أُرْسِلَ الأَوَّلُونَ ﴿5﴾ مَا آمَنَتْ قَبْلَهُم مِّن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَفَهُمْ يُؤْمِنُونَ ﴿6﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلاَّ رِجَالاً نُّوحِي إِلَيْهِمْ فَاسْأَلُواْ أَهْلَ الذِّكْرِ إِن كُنتُمْ لاَ تَعْلَمُونَ ﴿7﴾ وَمَا جَعَلْنَاهُمْ جَسَدًا لَّا يَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَمَا كَانُوا خَالِدِينَ ﴿8﴾ ثُمَّ صَدَقْنَاهُمُ الْوَعْدَ فَأَنجَيْنَاهُمْ وَمَن نَّشَاء وَأَهْلَكْنَا الْمُسْرِفِينَ ﴿9﴾ لَقَدْ أَنزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿10﴾ وَكَمْ قَصَمْنَا مِن قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِينَ ﴿11﴾ فَلَمَّا أَحَسُّوا بَأْسَنَا إِذَا هُم مِّنْهَا يَرْكُضُونَ ﴿12﴾ لَا تَرْكُضُوا وَارْجِعُوا إِلَى مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَمَسَاكِنِكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْأَلُونَ ﴿13﴾ قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿14﴾ فَمَا زَالَت تِّلْكَ دَعْوَاهُمْ حَتَّى جَعَلْنَاهُمْ حَصِيدًا خَامِدِينَ ﴿15﴾**

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**حساب مردم نزديک شد ولی این کافران در غفلت بوده و از حق روي گردانند (1) هيچ پند جديدي از سوي پروردگارشان بسويشان نيامد مگر اينکه آنرا شنيدند ولی به بازي مشغولند (2) دلبسته هوسند و نجوايشان را پوشيده ميدارند و به یکدیگر می­گویند اي ظالمان! آيا اين پیامبر جز بشري مثل خودتان است؟ آيا در عين بصيرت به سحرِ او رو مي کنيد؟ (3) اما کسی که آنها سعی دارند او را به کفر سابقش برگردانند میگفت پروردگارم هر سخن را در آسمان ها و زمين ميداند و اوست كه شنواي داناست (4) اما آنهائی که با او به مجادله می پرداختند میگفتند بلکه این قرآن پراکنده گويي است ، يا آنرا از خودش در آورده و به خدا افترا زده ، يا شاعراست ، و گرنه بايد مانند پيامبران پيشين معجزه اي بياورد (5) ای پیامبر! هيچيک از پيشينيان آنها که هلاکشان کرده بوديم ايمان نياورده بودند آيا اينها ايمان مي آورند؟ (6) و قبل از تو نيز کسي را نفرستاديم مگر اينکه مرداني بودند که وحي بسويشان ميفرستاديم. پس ، ای مردم! از اهل خبره بپرسيد اگر نميدانيد (7) و آنها را کساني قرار نداده بوديم که بدن هائي باشند که به غذا احتياج نداشته باشند و جاودان بمانند (8) آنگاه آن وعده را برايشان به تحقق رسانديم و آنها و هر کس را که خواستيم نجات داديم و مسرفان را هلاک نموديم (9) البته بسويتان کتابي فرو فرستاديم که پندتان در آن است آيا تعقل نمي کنيد؟ (10) و چه بسا شهرهائي را که ظلم ميکردند درهم شکستيم و پس از آنان اقوامي ديگر بوجود آورديم (11) پس هنگامي که عذاب ما را احساس كردند آنگاه بود كه از آن گريزان شدند (12) به آنها خطاب میشد نگريزيد و بسوي آنچه که در آن هوسراني ميکرديد و نيز بسوي خانه هايتان برگرديد، باشد كه پرسش شويد (13) گفتند واي بر ما، ما ظالم بوديم (14) گفتارشان جز اين نبود تا اينکه آنها را همچون گياه درو شده پژمرده نموديم (15)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

تاکنون ، در چهار جلد قبلی این تفسیر ، در ابتدای پاراگراف اول هر سوره ، ذیل تیتر فوق ، لااقل دو جدول اول و آخر طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یا همان «درس» سوره) را می آوردیم ، اینک که خواننده محترم به اندازه کافی آنها را دیده ، و دانسته که طرز استخراج چگونه است ، به علت علاقه به رعایت اختصار ، دیگر جدول های مذکور را که دائما طولانی تر میشود ، ذکر نمیکنیم ، و اگر کسی بخواهد، میتواند همه آنها را در کتاب «راهنمای تحلیلی» ما (در سایت ما که در اول و آخر این کتاب معرفی کرده ایم) ببیند .

**درس: اي پيامبر! با قوت رسالتت را پي گير که مانند پيامبران گذشته موفق مي شوي.**

**درب : کافران به اهميت قيامت، و حقیقت وحی و خطر هلاکت دسته­جمعی حاصل از تکذیب توجه نمی­کنند.**

**2 - سوالات**

1 - حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟ (ارشاد پیامبر- ص- درباره قلمرو ماموریت او؟ نکوهش کافران؟ یا...؟)

2 – آیه 1 شبیه کدام آیه در سوره قمراست؟

3 - «محدث» (آیه2) با موضوع کدام کلید تفسیر مطابق است؟

4- ازمطالب این پاراگراف چه «حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها» میتوان زد؟

5 – در آیه 3 ، مطالب از «الذین» تا آخرآیه ، چه نوعی از سخن است؟ (نقل قول مستقیم؟ یا....؟)

6 – با توجه به آیه 3 ، چرا نجوا ؟

7 – با توجه به سوال قبلی ، این کسانی که بینشان نجوا درگرفته بود اما آن را پوشیده میداشتند ، چه کسانی بودند؟ (کافران معمولی که سمپات جریان اسلام شده بودند اما از ترس «سران» کفار جرات علنی کردن سمپاتی خود را نداشتند؟ یا....؟)

8 – از بین صفات ممکن ، چرا خداوند دو صفت انتهای آیه4 را ترجیح داده؟

9 – با توجه به آیه های 3 و 5 ، و نیز مطالب سوره های پیشین ، نسبت های ناروائی که به آنحضرت داده میشد را لیست کنید .

10 - تناقض های موجود بین نسبت های مذکور در آیه 5 را شرح دهید .

11 – آیا مطالب آیه 6 ، با مکّه پس ازهجرت منطبق است؟ در آنصورت منظور از مطالب آیه 6 ، چیست؟ (هشدار؟ پیشگوئی مشروط؟ یا.....؟)

12 - « **فَاسْأَلُواْ أَهْلَ الذِّكْرِ إِن كُنتُمْ لاَ تَعْلَمُونَ** » (آیه7) خطاب به چه کسانی است؟

13 - قطعه فوق ، با موضوع کدام کلید تفسیر مطابقت دارد؟

14 – منظور از «ذکر» (آیه10) چیست؟

15 – فاعل فعل «قال» (آیه 4) کیست؟

**3 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

از آیه 3 به وضوح فهمیده میشود که عده ای ایمان آورده و سعی میکرده اند بطور مخفیانه آن را تبلیغ کنند و عده ای دیگر سعی میکرده اند منصرفشان کنند .

با توجه به آیه 13 منظور از جمله «باشد که بازخواست شوید» چیست؟

بطور کلی ، بطوریکه تاکنون دیدیم ، هر جا که قرآن کفار را نکوهش می­کند ، نقطه تمرکز جملات نکوهشیِ آن متوجه «سران» کفار است. در این آیه نیز همین موضوع دیده می­شود و جمله «هوسرانی می­کردید» دلیل و شاهد آن است .

از طرف دیگر همین «سران» نوعی مرجعیت برای پائین دستی­های خویش و افراد عادی تحت نفوذ خویش داشتند و طبعاً در مصائب و بلاها مردم پائین به «سران» رجوع می­کنند و توضیح می­خواهند و چاره­خواهی می­کنند .

آیه 13 می­فرماید به محض اینکه آثار نزول بلا ظاهر می­شود ، شما که مایه گمراهی دیگران هستید ، شروع می­کنید به فرار و مسئله فردیِ خویش را حل کردن ، در حالیکه عادی­ترین وظیفۀ آدمیتیِ شما این است که به سراغ زیردستان خویش بروید و با آنها که خود شما به این مشکل دچارشان کرده­اید باشید و لااقل به سئوال آنها پاسخ دهید .

**4 – زاویه با تفاسیر رایج**

**1** :(المیزان) : غرض اين سوره گفتگو پيرامون مساله نبوت است كه مساله توحيد و معاد را زير بناى آن قرار داده،

آنچه که المیزان آن را غرض سوره نامیده ، همان چیزی است که ما آن را «درس» سوره می نامیم و با دقت از راه محاسبه استخراج میکنیم که این است : ای پیامبر! رسالت خویش را باقوت پیگیر باش که مانند پیامبران گذشته موفق خواهی شد .

**5 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در آیات 9 تا 15 میفرماید مکذبان پیشین را اینگونه از میدان بدر کردیم که این وعده ای و پیشگوئیِ تحقق یافته ای است که در مورد دشمنان آنحضرت و پیروانش نیز چنین خواهد شد ، و چنین نیز شد .

**6 - کلید های تفسیری**­­­­­­­­­

**واگذاری به مخاطب :** درآیه3، بین دو کلمه «النجوی» و «هل» عبارت «ویقولون» (= و می­گویند) در تقدیر بوده و به اصطلاح «محذوف به قرینه» است که در نظر گرفتن آن به مخاطب واگذار شده است.

**معنی کلمات : «**فیه ذکرکم» (آیه 10)، با توجه به درس و دربِ زیرپاراگراف مربوطه ، در اینجا «ذکر» به معنای «پند» است.

**پرانتزها :** آیه 3 نمونه ای از مصادیق آیه 2 است و لذا فرع بر آن است.

در باره آیه های 4و5 نیز در ذیل شرحی دایر بر پرانتزی بودن آنها عرض کرده ایم.

آیات 12 تا 15 فرع بر آیه 11 است و این واضح است.

آیات 7 و 8 و 9 نیز بدون این که فرع بر آیه­ای باشند پرانتزی هستند و دلیلش هم این است که اگر چشم خویش را بر آنها بسته و انتهای آیه 6 را به ابتدای آیه 10 وصل کنیم می­بینیم روال سخن صاف و یکدست و بی­دست­انداز است.

**تقطیع بیشتر (چنانکه ذیلا دیده میشود)** :

**1**

**اقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مَّعْرِضُونَ ﴿1﴾ مَا يَأْتِيهِم مِّن ذِكْرٍ مَّن رَّبِّهِم مُّحْدَثٍ إِلَّا اسْتَمَعُوهُ وَهُمْ يَلْعَبُونَ ﴿2﴾** لَاهِيَةً قُلُوبُهُمْ وَأَسَرُّواْ النَّجْوَى الَّذِينَ ظَلَمُواْ هَلْ هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ أَفَتَأْتُونَ السِّحْرَ وَأَنتُمْتُبْصِرُونَ **﴿3﴾**

**درس: اي پيامبر! با قوت رسالتت را پي گير که مانند پيامبران گذشته موفق مي شوي.**

**درب : نکوهش اهل غفلت و توصیف مختصرِ آنان.**

**2**

**قَالَ رَبِّي يَعْلَمُ الْقَوْلَ فِي السَّمَاء وَالأَرْضِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿4﴾ بَلْ قَالُواْ أَضْغَاثُ أَحْلاَمٍ بَلِ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا بِآيَةٍ كَمَا أُرْسِلَ الأَوَّلُونَ ﴿5﴾**

**درس: اي پيامبر! با قوت رسالتت را پي گير که مانند پيامبران گذشته موفق مي شوي.**

**درب : بروز اختلاف نظر در میان تکذیبگران یکی از عوامل موفقیت رسالت آنحضرت است.**

**3**

**مَا آمَنَتْ قَبْلَهُم مِّن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَفَهُمْ يُؤْمِنُونَ ﴿6﴾** وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلاَّ رِجَالاً نُّوحِي إِلَيْهِمْ فَاسْأَلُواْ أَهْلَ الذِّكْرِ إِن كُنتُمْ لاَ تَعْلَمُونَ ﴿7﴾ وَمَا جَعَلْنَاهُمْ جَسَدًا لَّا يَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَمَا كَانُوا خَالِدِينَ **﴿8﴾ ثُمَّ صَدَقْنَاهُمُ الْوَعْدَ فَأَنجَيْنَاهُمْ وَمَن نَّشَاء وَأَهْلَكْنَا الْمُسْرِفِينَ ﴿9﴾**

**درس: اي پيامبر! با قوت رسالتت را پي گير که مانند پيامبران گذشته موفق مي شوي.**

**درب : توجه دادن به پیامبر(ص) که به تکذیب ها چندان اهمیت ندهد و به پیروزیِ رسالتش دلگرم باشد.**

**4**

**لَقَدْ أَنزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿10﴾**

**درس: اي پيامبر! با قوت رسالتت را پي گير که مانند پيامبران گذشته موفق مي شوي.**

**درب : ای مردم! آنچه به نفع شماست در کتابی است که بر این پیامبر نازل شده است.**

**5**

**وَكَمْ قَصَمْنَا مِن قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِينَ ﴿11﴾** فَلَمَّا أَحَسُّوا بَأْسَنَا إِذَا هُم مِّنْهَايَرْكُضُونَ ﴿12﴾ لَا تَرْكُضُوا وَارْجِعُوا إِلَى مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَمَسَاكِنِكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْأَلُونَ ﴿13﴾ قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿14﴾ فَمَا زَالَت تِّلْكَ دَعْوَاهُمْ حَتَّى جَعَلْنَاهُمْ حَصِيدًا خَامِدِينَ ﴿15﴾

**درس: اي پيامبر! با قوت رسالتت را پي گير که مانند پيامبران گذشته موفق مي شوي.**

**درب : عاقبتِ فرایند تکذیب حق در همین جهان.**

**7 - آیات برجسته این پاراگراف**

آیه 7 (. . فاسئلوا اهل الذکر ان کنتم لاتعلمون) از نوع آیات برجسته است و نه تنها در برخی خوشنویسی ها دیده میشود بلکه بطور وسیعی در محاورات نیز بکار میرود، و گرچه در نگاه سنتیِ غالب، اهل الذکر را منحصر در 14 معصوم ارجمند قلمداد کرده اند که البته بر این انحصار اشکالات عدیده ای وارد است و ما در اینجا نمیخواهیم به آن بحث وارد شویم ، و درس و درب معنا را برایمان روشن میکند، که راهِ برون رفت از تردید در درستیِ رسالتش در این است که به اهل فن مراجعه شود و طبعا این مراجعه باید مطابق الگوی «یستمعون القول فیتبعون احسنه» (که قبلا در سوره شوری نازل شده بود) باشد، نه اینکه گزینشی و فقط مراجعه به کسانی شود که حرفی مطابق ذائقه مستمع مذکور خواهند زد.

**8 - آیات مشکل**

آیه 7 فوق از لحاظ اینکه مورد اختلاف نظر شدید در بین مفسران است ، به تیتر فوق هم میخورد، اما ، علاوه برآن، آیه های 4 و 5 نیز داخل این موضوع میشوند (اما نه برای ما که به درس و درب مجهزیم! که کاملا «مشکل» بودن فهم آیه های مذکور را مرتفع میکند)

**9 - کدام مطالب این پاراگراف «بی ربط» به نظر میرسد؟**

آیه های 4 و 5 به موضوع تیتر فوق نیز میخورَد، اگر نیک بنگریم، دو آیه مذکور «پرانتزی» هستند، دلیلش هم اینکه اگر چشم برآنها ببندیم و قبل و بعدشان را وصل کنیم خواهیم دید روال سخن صاف و بی سکته خواهد شد، و توجه به این نکته شبهه «بی ربط»ی را زایل میکند.

**10 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در طول این مدت طولانی ، از نزول این سوره تا به امروز ، تغییر معناییِ چندانی نیافته ، و لذا مخاطب های اولیه نیز از این پاراگراف همان تلقی را میداشته اند که ما .

یکی ممکن است معترض شود که «یعنی چه که بسیار این تیتر را تکرار میکنی و این جواب ثابت را هم زیرش میدهی؟»

در این خصوص باید خاطر نشان کنیم که یک شبهه ای اخیرا در سطح وسیع القا شده که مطالب قرآن اول باید از این لحاظ چِک شود که معاصران نزول از آن چه می فهمیده اند . ماهم با بیان دلیل فوق در حقیقت داریم پاراگراف به پاراگراف آن شبهه را چک میکنیم .

آنچه تا کنون فهمیده ایم این بوده که معاصران نزول اکثر قریب به اتفاق حجم قرآن را همانطور می فهمیده اند که ما امروز می فهمیم .

**11 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

علت کفر کافران ، اهميت ندادن به قيامت، و اهمیت ندادن به حقیقت وحی ، و اهمیت ندادن به خطرات حاصل از تکذیب است .

**12 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

غیر از آیه های 1 تا 3 و 6 و 9 و 11 ، بقیه آیات پاراگراف «برای اولین بار» است.

**شرح مختصر**

**غفلت غلیظ**

آنچه در این پاراگراف برجسته شده «غفلت» کافران است. مثلاً غفلتشان از نزدیک شدن «حساب»شان، غفلت از احاطه علم خداوند به همه چیز، غفلت از صداقت مطلق پیامبر(ص) و اهمیت فوق­العاده وحی، غفلت از آنچه بر سر پیشینیان آمد که همین رفتارهای اینها را می­کردند، غفلت از سرانجام محتومی که در صورت عدم اصلاحِ رفتارشان دچار آن خواهند شد، و خلاصه غفلت و غفلت و غفلت و غفلت!

**همه جور نسبتی به پیامبر(ص) می­دادند غیر از آنچه حق اوست**

با توجه به آیه­های 3 و 5، آنها علیرغم غفلت پر حجم خویش، به گرفتاری بزرگتری هم دچاربودند و آنهم اینکه کسی را که مانند خودشان نیست گمراه و «جادو زده» ولی خودشان را «صاحب بصیرت» تلقی می­کردند.

همه چیز به پیامبر(ص) نسبت داده میشد غیرازحقیقتِ موقعیتِ آنحضرت.

**فاعل «قال» کیست؟**

در رابطه با آیه 4 ، فاعل فعل «گفت» در ابتدای آیه کیست؟

اگر آیات قبل رابادقت ملاحظه کرده باشید، فاعل مذکور یکنفر از طرف های آن «نجوا» (آیه3) است .

**از اهل ذکر بپرسید یعنی چه؟**

در رابطه با آیه 7 مفسران محترم بحثهای مفصلی نموده و سئوالاتی مطرح کرده­اند مثلاً اینکه:

1- «بپرسید» انتهای آیه به چه کسانی برمی­گردد؟

2- منظور از «اهل ذکر» که باید از آنان پرسید چه کسانی است؟

3- منظور از «ذکر» چیست؟ آنگاه پاسخ­هایی داده­اند و مفسران بعدی روی پاسخ­های آنها بحث­هائی کرده و پاسخ­های جدیدی داده­اند و همینطور ...

اما با توجه به «درس» و «درب» ، جواب آن سئوال­ها بنظر روشن می­آید و بطور خلاصه می­خواهد بفرماید که مشکل اینان غفلت است و غفلتشان هم ارادی است ، و اگر اراده کنند از غفلت بدر آیند آسان است ، و می­توانند به اشخاص کارشناس و خبره موضوعات مربوط به وحی و دین و کتب آسمانی و پیامبران و این نوع موضوعات رجوع کنند.

**جمع بندی و تفسیر**

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**حساب مردم نزديک شد و آنها در غفلتي رويگردانند (1) هيچ پند** {جديد}**ي از سوي پروردگارشان بسويشان نيامد مگر اينکه آنرا شنيدند ولی به بازي مشغولند (2)** {دلبسته هوسند و نجوايشان را پوشيده ميدارند (و به یکدیگر می­گویند) اي ظالمان! آيا اين جز بشري مثل خودتان است؟ آيا در عين بصيرت به سحر رو مي کنيد؟}(3)  (آن شخصی که ایمان آورده بود) **گفت پروردگارم هر سخن را در آسمان ها و زمين ميداند و اوست كه شنواي داناست (4)** (اما آنهائی که با او به مجادله میپرداختند میگفتند) **بلکه** (این قرآن) **پراکنده گويي است ، يا آنرا افترا زده ، يا شاعراست ،** (وگرنه) **بايد مانند** (پيامبران) **پيشين معجزه اي بياورد (5)** [ای پیامبر] **هيچيک از پيشينيان آنها که هلاکشان کرده بوديم ايمان نياورده بودند آيا اينها ايمان مي آورند؟ (6)**  {و قبل از تو نيز کسي را نفرستاديم مگر اينکه مرداني بودند که وحي بسويشان ميفرستاديم. پس، از اهل ذکر بپرسيد اگر نميدانيد (7) و آنها را کساني قرار نداده بوديم که بدن هائي باشند که به غذا احتياج نداشته باشند و جاودان بمانند (8) آنگاه آن وعده را برايشان به تحقق رسانديم و آنها و هر کس را که خواستيم نجات داديم و مسرفان را هلاک نموديم (9) **البته بسويتان کتابي فرو فرستاديم که پندتان در آن است آيا تعقل نمي کنيد؟ (10) و چه بسا شهرهائي را که ظلم ميکردند درهم شکستيم و پس از آنان اقوامي ديگر بوجود آورديم (11)** {پس هنگامي که عذاب ما را احساس كردند آنگاه بود كه از آن گريزان شدند (12) نگريزيد و بسوي آنچه که در آن هوسراني ميکرديد و نيز بسوي خانه هايتان برگرديد، باشد كه پرسش شويد (13) گفتند واي بر ما، ما ظالم بوديم (14) گفتارشان جز اين نبود تا اينکه آنها را همچون گياه درو شده پژمرده نموديم} (15)

**انبیاء2 آیات16تا33**

**وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاء وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ ﴿16﴾ لَوْ أَرَدْنَا أَن نَّتَّخِذَ لَهْوًا لَّاتَّخَذْنَاهُ مِن لَّدُنَّا إِن كُنَّا فَاعِلِينَ ﴿17﴾ بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَلَكُمُ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ ﴿18﴾ وَلَهُ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ عِندَهُ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ ﴿19﴾ يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ ﴿20﴾ أَمِ اتَّخَذُوا آلِهَةً مِّنَ الْأَرْضِ هُمْ يُنشِرُونَ ﴿21﴾ لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿22﴾ لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ ﴿23﴾ أَمِ اتَّخَذُوا مِن دُونِهِ آلِهَةً قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ هَذَا ذِكْرُ مَن مَّعِيَ وَذِكْرُ مَن قَبْلِي بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ الْحَقَّ فَهُم مُّعْرِضُونَ ﴿24﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ مِن رَّسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ ﴿25﴾ وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ ﴿26﴾ لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُم بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ ﴿27﴾ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَى وَهُم مِّنْ خَشْيَتِهِ مُشْفِقُونَ ﴿28﴾ وَمَن يَقُلْ مِنْهُمْ إِنِّي إِلَهٌ مِّن دُونِهِ فَذَلِكَ نَجْزِيهِ جَهَنَّمَ كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ ﴿29﴾ أَوَلَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاء كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ ﴿30﴾ وَجَعَلْنَا فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَن تَمِيدَ بِهِمْ وَجَعَلْنَا فِيهَا فِجَاجًا سُبُلًا لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ ﴿31﴾ وَجَعَلْنَا السَّمَاء سَقْفًا مَّحْفُوظًا وَهُمْ عَنْ آيَاتِهَا مُعْرِضُونَ ﴿32﴾ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ ﴿33﴾**

**ای پیامبر! برای مخالفانت روشن کن که آسمان و زمين و بين آنها را به بازي نيافريده ايم (16) اگر ميخواستيم بازيچه بگيريم از نزد خويش برميگرفتيم زیرا كه كاردانيم (17) بلکه حق را بر باطل مي افکنيم تا آنرا در هم بشکند تا اینکه باطل نابود شود و واي بر کافران از آنچه وصف ميکنند (18) و هر کس که در آسمانها و زمين است از آن اوست و هر کس که نزد اوست از عبادت او گردنفرازي نمي کند و خسته نميشوند (19) و شب و روز به راز و نیاز با او ميگذرانند و سستي نميگيرند (20) آيا این مخالفانت از زمين خداياني برگرفته اند که به آنها زندگي دوباره ميدهند؟ (21) اگر خداياني غير از خداوند در آسمان و زمین موثر باشند حتما هر دوی زمین و آسمان فاسد خواهند شد و خداوندِ صاحبِ عرش از آنچه وصف ميکنند بالاتر است (22) هرچه کند بازخواست نميشود اما همه توسط او بازخواست ميشوند (23) يا اينکه غير از او خداياني برگرفته اند. به آنان بگو دليل رفتار خويش را توضیح دهند . ای پیامبر! به آنان بگو این قرآن حاویِ پندهایی برای من و پیروانم و پند پیامبرانِ قبل از من است ، ولي در عین حال متوجه باش که اکثرشان حق را نمي شناسند و از آن رويگردانند (24) و قبل از تو هيچ رسولي نفرستاديم مگر اينکه بسويش وحي مي كرديم که خدائي جز من نيست پس عبادتم کنيد (25) ای پیامبر! مخالفانت میگویند خداوند رحمان فرزندي برگرفته. منزه است بلکه آنها بندگاني گرامي اند (26) در هیچ قولی از او سبقت نمي گيرند و به فرمان او عمل مي کنند (27) به پيش رو و پشت سرشان علم دارد و شفاعت کسي را نمي کنند مگر اينکه او راضي باشد و به سبب خشيت او نگرانند (28) و اگر کسي از آنها بگويد من به غير از او خدا هستم جهنم را سزايش ميدهيم و با ظالمان چنين رفتار ميکنيم (29) آيا کافران توجه نمي كنند که آسمانها و زمين پيوسته بود و ما آنها را باز کرده و از آب همه چيز را زنده کرديم ، و ايمان نمي آورند؟ (30) و در زمين لنگرهايي قرار داديم تا مبادا آنها را بلرزاند و در آن دره ها و راه هائي قرار داديم شايد هدايت يابند (31) و آسمان را سقفي محفوظ نموديم ، ولی با وجود همه این آیات رويگردانند (32) و هموست که شب و روز و خورشيد و ماه را آفريد که همگي شان در چرخه اي شناورند (33)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: اي پيامبر! با قوت رسالتت را پي گير که مانند پيامبران گذشته موفق مي شوي.**

**درب : کافران به خداوند، حکمت آفرينش جهان، و موقعيت کارگزاران جهان نسبت به خداوند، و قدرت او، غفلت ميورزند.**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 می فرماید : ای پیامبر ! به مشکلات رسالتت آنقدر اهمیت نده ، زیرا همین الآن عدّه زیادی سمپات درداخل اردوگاه کفرداری که ازترس سران خویش جرات پیوستن بـه به دعوتت راندارند و ضمن نکوهش کفار لجوج ، که علی­رغم در دسترس داشتن عناصر ایمان­زا ، ایمان نمی­آورند ، می فرماید ای کافران ! تکلیف خودتان را در رابطه با این پیام الهی روشن کنید .

در این پاراگراف می فرماید : ای پیامبر ! این کافران از باب هشدار و تشویق ، سخن مستدل روشن ، و صبر و حوصله ، و چشم پوشی ، به اندازه کافی مورد مماشات و مدارا قرار گرفــته اند ، دیگر بین تو و آنان حجت تمام شده است. منتظر تحولات آینده باش .

**3 - سوالات**

1 - طرز سخن در آیه های 17 و 21 از چه نوع است؟ (طنز؟یا....؟)

2 – چرا خداوند در جاهائی از ضمیر «ما» (لدنّا..........) و در جاهائی از «من» (له ...) استفاده فرموده؟

3 – منظور از «ذکر» (آیه24) چیست؟

4 - حالت کلی این پاراگراف چیست؟ (تاکید قوی برتوحید الهی همراه با هشدار شدید؟ بستن راه هرگونه مجامله؟ یا....؟)

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

1- در آفرینش آسمانها و زمین، مقصود حکیمانه ای نبوده.

2- خداوند مخلوقاتی دارد که نوعی استقلال در حرکات و رفتارهای خود دارند.

3- آنها که به خداوند «نزدیک­تر» هستند دیگر نیازی به عبادت ندارند.

4- «عرش»ی وجود ندارد که پروردگاری بخواهد.

5- خداوند نه تنها فرزندی دارد، بلکه همه ملائکه فرزندان او هستند.

6- بسیاری از ملائکه می­توانند مستقلاً شفاعت بکنند.

البته اینکه کفار آن روزها چنین اعتقادی داشتند، یک ادعای صرف نیست بلکه مستند به مدارک و شواهد بسیار زیادی است مثلاً در اشعار شاعران آن زمان، در متون رایج ادیان آن زمان، در میتولوژی تقریباً همه اقوام و ملل، و حتی در قبایلِ موجودِ نزدیک به زمان ما (مثلاً سرخپوستان قرن 19 امریکا و قبایل زولو و اقوام مایا و اینکا و آزتک که خیلی به زمان ما نزدیک بوده­اند) آنقدر ادله و شواهد و سند و مدرک دال بر صحت ادعای فوق وجود دارد که کسی بخواهد اندک تحقیقی بکند، از طریق اینترنت به لیست­های بلندی از تحقیقات انجام شده در دانشگاه­ها، چه بصورت کتب درسی، و چه بصورت پایان­نامه­های مقاطع فوق لیسانس و دکترا دست خواهد یافت که فقط ذکر اسامی آنها چندین صفحه خواهد شد.

البته انجام چنین تحقیقی یک کار تخصصی است و بسیار هم شیرین است اما نه اینجا جای آن است و نه این نگارنده چنان احاطه­ای دارد اما هم من و هم شما بطور اجمالی می­دانیم که سخنان فوق بی­پایه نیست. و این یکی از وجوه مخفی اعجازی قرآنی است که کاری کرده و اعتقادات همه مردم را چنان اصلاح کرده که ما امروز تعجب می­کنیم که حتی تا همین دویست سال پیش نیز اقوام قدرتمندی بوده­اند که به وجود هزاران خدای مؤثر در هزاران زمینه امور زندگی اعتقاد داشته­اند و در جشنها و روزهای خاص مذهبی پسران و دخترانی را در معابد خویش سر می­بریده­اند و به خیال خویش تقدیم خدایان می­کردند تا حمایت آنها را جلب نمایند و سود ببرند یا مضار آنها را دفع کنند و باز هم سود ببرند.

امروز آن شرک­ها به پوششی از توحید آراسته شده که این یکی دیگر از وجوه اعجازی تأثیرات قرآنی در روی فکر کل بشریت است.

**5 – کلیدهای تفسیری**

**اصلی-فرعی :** آیه 17 فرع بر آیه 16 است و این واضح است. همچنین است وضع آیه 18 نسبت به آیه 17. آیه 20 نیز نسبت به آیه 19 فرعی است و این نیز واضح است.

دو آیه 21 و 22 بدون این که فرع بر آیه­ای باشند پرانتزی هستند، دلیلش هم این که اگر چشم خود را بر آنها ببندیم و قبل و بعد آنها را به یکدیگر وصل کنیم می­بینیم روال سخن صاف­­تر و یکدست­تر شده است. همینطور است وضع آیه 24 و 25 و 26. همچنین است وضع آیه 29.

بنابراین آیات اصلی این قسمت عبارت است از آیات 16 و 19 و 23 و 27 و 28 و 30 تا 33.

**تفکیک پاراگراف به قطعات ریزتر :**

**1**

**وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاء وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ ﴿16﴾ لَوْ أَرَدْنَا أَن نَّتَّخِذَ لَهْوًا لَّاتَّخَذْنَاهُ مِن لَّدُنَّا إِن كُنَّا فَاعِلِينَ ﴿17﴾ بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَلَكُمُ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ ﴿18﴾**

**درس: اي پيامبر! با قوت رسالتت را پي گير که مانند پيامبران گذشته موفق مي شوي.**

**درب : ای پیامبر! زندگی تان، و جهانِ پیرامونی تان کاملا جدی و حق است.**

**2**

**وَلَهُ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ عِندَهُ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ ﴿19﴾ يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ ﴿20﴾**

**درس: اي پيامبر! با قوت رسالتت را پي گير که مانند پيامبران گذشته موفق مي شوي.**

**درب : ای پیامبر! کلّ کارگزاران جهان با رغبت کامل به عبادت و اطاعت خداوند مشغولند.**

**3**

**أَمِ اتَّخَذُوا آلِهَةً مِّنَ الْأَرْضِ هُمْ يُنشِرُونَ ﴿21﴾ لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿22﴾ لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ ﴿23﴾ أَمِ اتَّخَذُوا مِن دُونِهِ آلِهَةً قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ هَذَا ذِكْرُ مَن مَّعِيَ وَذِكْرُ مَن قَبْلِي بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ الْحَقَّ فَهُم مُّعْرِضُونَ ﴿24﴾**

**درس: اي پيامبر! با قوت رسالتت را پي گير که مانند پيامبران گذشته موفق مي شوي.**

**درب : ای پیامبر! خداوند مطلقا تک و مسلط بر همه چیز است.**

**4**

**وَمَا أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ مِن رَّسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ ﴿25﴾**

**درس: اي پيامبر! با قوت رسالتت را پي گير که مانند پيامبران گذشته موفق مي شوي.**

**درب : ای پیامبر! همه انبیاء بر همین حقایق آموزش یافته اند.**

**5**

**وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ ﴿26﴾ لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُم بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ ﴿27﴾ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَى وَهُم مِّنْ خَشْيَتِهِ مُشْفِقُونَ ﴿28﴾ وَمَن يَقُلْ مِنْهُمْ إِنِّي إِلَهٌ مِّن دُونِهِ فَذَلِكَ نَجْزِيهِ جَهَنَّمَ كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ ﴿29﴾**

**درس: اي پيامبر! با قوت رسالتت را پي گير که مانند پيامبران گذشته موفق مي شوي.**

**درب : ای پیامبر! خداوند بطور مطلق بر کارگزاران جهان مسلط است.**

**6**

**أَوَلَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاء كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ ﴿30﴾ وَجَعَلْنَا فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَن تَمِيدَ بِهِمْ وَجَعَلْنَا فِيهَا فِجَاجًا سُبُلًا لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ ﴿31﴾ وَجَعَلْنَا السَّمَاء سَقْفًا مَّحْفُوظًا وَهُمْ عَنْ آيَاتِهَا مُعْرِضُونَ ﴿32﴾ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ ﴿33﴾**

**درس: اي پيامبر! با قوت رسالتت را پي گير که مانند پيامبران گذشته موفق مي شوي.**

**درب : ای پیامبر! همه چیز جهان بر اساس آفرینش خداوند و در کنترل اوست.**

**6 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در آیه 30 میفرماید : آيا کافران توجه نمي كنند که آسمانها و زمين پيوسته بود و ما آنها را باز کرده و از آب همه چيز را زنده کرديم، و ايمان نمي آورند؟(30)

توجه خوانندگان گرامی را به نظریه «انفجار عظیم» (Big Bang) که امروزه در علم فیزیک یک نظریه جا افتاده و پذیرفته­ای است جلب می­کنیم.

در این آیه می­فرماید جهان در ابتدا «پیوسته» بود، بعداً «باز» شد.

آیا آیه فوق بهترین بیان ساده نظریه «انفجار عظیم» نیست؟

**7 - کدام مطالب این پاراگراف «بی ربط» به نظر میرسد؟**

آیه 25 چنین موقعیتی دارد، زیرا «پرانتزی» است ، دلیلش هم اینکه اگر چشم خویش را بر آن ببندیم و قبل و بعدش را وصل کنیم خواهیم دید روال سخن صاف و بی سکته خواهد شد.

**8 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

آیات 30 تا 33 چنین موقعیتی دارند.

قبلا عرض کرده باشم که مجتهد شبستری و سروش و برخی دیگر که شهرت شان کمتر است این را تبلیغ میکنند که در قرآن چیزی که بالاتر از حد فهم اعراب 1400 سال پیش باشد وجود ندارد ، در حالیکه اگر نگاهی اندکی دقیق به آیات مذکور کنیم می بینیم که محتوای آنها اشاره به مطالبی دارد که قبل از قرن هجده میلادی (یعنی حدود هزار سال پس از نزول قرآن) نه تنها برای عربِ معاصرِ نزول قرآن بلکه برای کل بشریت شناخته شده نبود.

**9 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

در باره آیات این پاراگراف ، حتی امروز نیز ، با توجه به معانی والای آن ، حتی برخی مفسران هم ، درک مقبولی از آن ندارند ، چه رسد به مخاطبان اولیه ! در عین حالیکه کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در این هزار و چند صد سال ، تغییر معنای قابل توجهی نیافته اند !

در این خصوص باید خاطر نشان کنیم که یک شبهه ای اخیرا در سطح وسیع القا شده که مطالب قرآن اول باید از این لحاظ چِک شود که معاصران نزول از آن چه می فهمیده اند . ماهم با بیان دلیل فوق در حقیقت داریم پاراگراف به پاراگراف آن شبهه را چک میکنیم .

در این پاراگراف سطح علمی سخن از سطح امروز قرن 21 نیز بالاتر است .

که شبهه دیگری را رد میکند و آن شبهه این است که در قرآن هیچ مطلبی نیست که از سطح درک مخاطب های اولیه بالاتر باشد .

**10 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

علت کفر کافران : غفلت از علم و قدرت خداوند، غفلت از حکمت آفرينش جهان، و غفلت از موقعيت کارگزاران جهان نسبت به خداوند، و خلاصه غفلت از شئون خداوندی.

**11 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تقریبا تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

**شرح مختصر**

**درباره خداوند و کارگزاران جهان (یعنی ملائکه)**

در این پاراگراف، بسیاری از مطالبش برایمان آشناست و به صورتها و عبارات مختلف قبلاً دیده­ایم اما نکاتی هم دارد که جدید است اما چیزی که باید توجه ما را به خویش جلب کند این نکته است که اعم از نکات آشنای قدیمی و نکات جدید «ترکیب مجموعه آنها» در جهت تعریف و تبیین و توضیح موقعیت خداوند در «جهان» است.

اگر با این دید به این مجموعه آیات نگاه کنیم چنین نکاتی را کشف می­کنیم:

1- در آفرینش آسمانها و زمین یک مقصود حکیمانه و عاقلانه مورد نظر بوده است.

2- خداوند مالک همه مخلوقات است.

3- آنها که به خداوند «نزدیک­تر» هستند در عبادت ساعی­ترند.

4- خداوند پروردگار عرش (= مرکز مدیریت و فرماندهی کل جهان) است.

5- خداوند از هر چه تصور کنید بالاتر است.

6- خداوند فرزند ندارد.

7- همه حتی ملائکه مخلوقات خداوند هستند و در هیچ کاری نمی­توانند علیرغم اراده خداوند کاری کنند.

8- خداوند به همه احاطه اطلاعاتی دارد.

9- ملائکه نمی­توانند علیرغم خداوند شفاعتی کنند.

البته امروز، پذیرش این نکات اعتقادی برای ما آسان است اما برای اینکه از آن روزها تصوری داشته باشید، موارد نُه گانۀ فوق را مرور کنید و در انتهای جملات، فعل­هایِ خبریِ مثبت را منفی کنید.

اگر این کار را بکنید خواهید دید، محورهای اعتقادی رایج کفار آن روزها اینها بوده است ، که آن را در تیتر ذیل قرار داده ایم ،

**جنگ دائمی حق و باطل**

موضوع آیه 18 یک مفهوم عادی و ساده­ای دارد و قبلاً هم در سوره اسراء دیدیم که فرموده بود «بگو حق آمد و باطل نابود شد»

اما یک معنی عمیق­تری هم دارد که دارای بار فلسفی و فکری بالائی است و اگر به «درس» و «درب» توجه کنیم می­توانیم حدس­هائی بزنیم: آنچه به خداوند مربوط می­شود حق است:

1- مثلاً مقصود حکیمانه از آفرینش جهان و آنچه در آن است حق است و «عبث» یا باطل است.

2- یا مثلاً دینی که خود خداوند توصیه کرده حق است و خدایانی که مشرکان آنها را می­پرستند باطل است.

3- پیامبر و پیام او حق است و کاهنان و جادوگران و القائات آنها و شاعرانی که از خودشان مطالبی در می­آورند باطل است.

4- آنچه که خداوند برای جهان برنامه­ریزی نموده، (که مثلاً دین او شناخته شود، پذیرفته شود، جهانگیر شود، ...) حق است و برنامه­ریزی­های مغایر آن باطل است (مثلاً برنامه­ریزی آن کسی که داستانش را در سوره فیل دیدیم که می­خواست دین موردنظر خود را مطرح و مطلوب کند و کعبه را مزاحم می­دید و تصمیم به تخریب کعبه گرفته بود باطل بود و نابود شد).

5- و غیره و غیره ... (که بسیار زیاد است).

اینکه در آیه 18 فرموده «حق را بر باطل می­افکنیم تا آنرا در هم بشکند»، ظاهراً باید به این معنی باشد که «نماد»های حق، (مثلاً پیام حق و راه و روش حق) باطل را نابود می­کند.

مثلاً پیامبران و کتابهایشان، شرک و افکار و ادیان و راه و رسم باطل را از بین می­برند نه اینکه خداوند شخصاً و با روش­های اعجازی و خارق­العاده (مانند روش مستقیمی که در سوره فیل به آن اشاره شد) این کار را بکند.

لااقل پس از بعثت پیامبر ما (ص) که در دوره بلوغ بشریت است خداوند به آن نوع روش­های مستقیم و خارق­العاده نپرداخته (یا لااقل بسیار بسیار کم پرداخته است).

**«عبادت» یعنی «زندگی مطلوب»**

با توجه به آیه 19، از کلمه «عبادت» اولین چیزهائی که به ذهن ما می­آید، نماز و روزه و دعا و زکوه و حج و امثال آنهاست.

پس از آنها، کمی که به فکر خود رجوع کنیم روایاتی به یادمان می­آید که مثلاً می­گوید: کسب روزی حلال عبادات است، یا اینکه عبادتی بالاتر از کسب علم نیست. یا اینکه حسن خلق نصف عبادات است یا ... یا ... یا ...



از آنجا که کسب روزی حلال و جستجوی علم و حسن خلق، داخل مفهومی می­شود که ما آنرا «زندگی» می­نامیم، پس بطور منطقی در می­یابیم که عبادات چیزی «خارج از زندگی» نیست بلکه عبادت «عین زندگی خوب» است.

آیا «زندگی خوب» بدون کسب علم ممکن است؟ بعبارت دیگر، آیا «زندگی جاهلانه» می­تواند یک زندگی خوب باشد؟ و یا حتی زندگی خشن و بدخلقانه و یا حتی یک زندگی ساده شده و صد در صد بسیط، (مانند زندگی حیوانات) می­تواند خوب باشد؟ واضح است که نه ! پس یک زندگی مبتنی بر علم، و مبتنی بر حسن خلق، و مبتنی بر ساخته شدن آن بدست بشر، آن زندگیست که برای ما پسندیده شده و برحسب روایات مذکور، همان هم «عبادت» است.

بعبارت دیگر؛ عبادت عبارتست از «زندگی پسندیده»، و نماز و روزه و حج و زکوه و زیارات و دعاها و غیره، نیز «جزئی از آن زندگی پسندیده» است.

بنابراین اینکه فرموده «خسته نمی­شوند» مفهوم می­گردد.

معلوم است که هیچکس از «زندگی پسندیده»، «خسته» نمی­شود.

بنابراین، براساس آنچه تاکنون بدست آورده­ایم آیه 19 را اینطور می­فهمیم:

و هر کس که از لحاظ شخصیت و روحیات و از لحاظ تعالیم الهی، بالاتر است، از زندگی پسندیده خویش خسته نمی­شود و گردنفرازی هم نمی­کند.

**آیا خداوند «نزد» دارد؟**

بعبارت دیگر، آیا مکان خاصی هست که آنجا «نزد» خداست و جاهای دیگر «نزد» او نیست؟

واضح است که این تصورات صحیح نیست و خداوند محدود به زمان و مکان نیست و تاکنون آیاتی که این نوع تصورات را باطل می­کند، زیاد دیده­ایم .

بنابراین معنی «نزد او» چه می­شود؟

با توجه به آنچه که گذشت، باید بدانیم که معنی «نزد او» از لحاظ «مکان» و «زمان» جواب نمی­دهد بلکه باید مفاهیمی مانند شخصیت و روحیه و درک و فهم را مورد توجه قرار دهیم.

یعنی اینکه آنکس که درک و فهم و شخصیت و روحیات پسندیده بالاتری دارد، بیشتر به خداوند نزدیک است و از لحاظ «نزد او» بودن، «نزد تر» است.

**«فساد» در آسمان­ها و زمین، یعنی چه؟**

با توجه به آیه 22 فساد یعنی چه؟

اگر بتوانید چند چیز فاسد را بنظر آورده و سپس حالت سالم همان چیزها را هم بنظر آوریم، به یک تعریف از «فساد» می­رسیم و آنهم این است که: فساد عبارت است از خارج شدن سوژه موردنظر از حالت سلامت.

بنابراین فساد نسبت به سلامت تعریف می­شود یعنی «فساد» حالت «عدم سلامت» هر چیزیست.

بنابراین اینکه فرموده اگر در آسمانها و زمین غیر از خداوند، خدایان دیگری باشد حتماً آنها (یعنی آسمان و زمین) فاسد خواهند شد، یعنی از این حالت فعلی که همه چیز سر جای خویش بنظر می­رسد و اضطراب و اعوجاجی در آن بنظر نمی­رسد خارج خواهد شد و هر کدام از آنها می­خواهند در امور آن اعمال نظری مطابق درک و فهم و سلیقه خویش بنمایند و در نتیجه امور جهان از حالت فعلی (که یک نمونه­اش این است که می­توان پیش­بینی کسوف و خسوف ده هزار سال بعد را هم نمود و همه چیز بر مبنای علم و عقل و حکمت است) خارج خواهد شد.

چنانکه قبلاً هم عرض کردیم عرش، «نماد مدیریت» است و در کشتی هم عرشه محل هدایت کشتی است و در آیه 22، از میان هزاران صفت خداوند متعال از لحاظ صفت، «پروردگار عرش» را ذکر نموده که به مدیریت و ربوبیت همه جانبه آن حضرت راجع به همه نوع از موجودات اشاره­ای نموده باشد و نیز تأکیدی فرموده باشد که فساد موردنظر در آیه، بیشتر فساد از لحاظ پراکندگی امور عالم و از هم گسیختگی رشته تدبیر امور می­باشد.

**اعجاز ادبی**

به توجه به آنچه در آیه 19 عرض شد، «شب و روز به تسبیح می­گذرانند» هر چه باشد معلوم است که خداوند نمی­خواسته است به ما و قبل از ما به مخاطبان آن روزیِ قرآن چنین بگوید که مثلاً سکون و سکوت سنگ نیز تسبیح است.

بلکه از «درس» و «درب» فهمیده می­شود که می­خواسته به آن کافران بگوید گردنفرازی نکنید و بخاطر اینکه عبادت (به معنی نماز و زکوه و دعا و خیرات و رعایت عهد و امانت و اقامه شهادت و سایر احکام اخلاقی که تا زمان نزول این آیات نازل شده بود) برای شما مشکل بنظر می­آید اصل و ریشه آن را انکار نکنید و به خداوند فکر کنید و موقعیت او را در جهان و نقش او را در زندگی خودتان در نظر گیرید و به تعالیم پیامبر(ص) توجه کرده و به آن بگروید. و طبعاً پس از گرایش و ایمان باید عبادت کنید. و این عبادت برای شما سنگین بنظر نیاید زیرا چیز خوبی است و مانند زندگی است و آیا شما از زندگی خوب و پسندیده خسته می­شوید؟

بنابراین، یک معنی نسبتاً عمیق­تر همان آیات این است و یک معنی ظاهری­تر و آسان­تر آن همان است که بدون توجه به این بحث­هائی که عرض کردیم و نتایجی که به آن رسیدیم از ظاهر دو آیه 19 و 20 فهمیده می­شود که اگر شما گردنفرازی می­کنید و دو رکعت نماز و دو درهم زکوه بنظرتان خیلی سخت می­آید چندان اهمیتی ندارد، زیرا خداوند ملائکه و انسانها و موجوداتی دارد که دائماً در تسبیح و تقدیس اویند و خسته هم نمی­شوند و این یکی از جوه اعجازی قرآنی است که دو بیان بسیار عمیق و بسیار سطحی را در قالب کلماتی یکسان عرضه می­کند.

اما اگر به موضوع بحث خویش برگردیم، فرق عبادت انسان (و جن) و غیر آنها در این است که در انسان (و جن) عبادات آگاهانه، و اختیاری است اما در غیر انسان (و جن)، در ملائکه آگاهانه هست اما اختیاری نیست و در غیر ملائکه نه آگاهانه است و نه اختیاری.

بنابراین، همانطور که دیده می­شود، عبادت در نوع انسان و (جن) بالاترین، وسخت­ترین، و ارجمندترین نوع عبادات است زیرا در عین حال، هم عنصر آگاهی را لازم دارد، و هم عنصر اختیار را.

**اعجاز علمی**

آیات 33-30 پُر است از معجزات علمی. و گرچه خطاب به کافران آن روزها هم هست اما واقعاً کافران آن رزوها قابل این نبودند که مورد خطاب چنین آیاتی واقع شوند. علم اعلم علمای آن روزها در متمدن­ترین نقطه جهان در حد «المجسطی» بطلیموس بود و اصلاً قابل عرضه و در حد چنین آیاتی نبود.

مطالبی که امروزه مفهوم و معلوم است ولی آن روزها که هیچ بلکه حتی تا این دویست سال اخیر هم مفهوم و معلوم نبوده اینهاست:

1- آسمانها و زمین «پیوسته» بود و بعداً «باز» شد.

2- همه چیز از آب زنده شد.

3- در زمین «لنگر» هائیست تا از لرزش زمین جلوگیری کند.

4- دره­ها و راه­ها سبب «هدایت» است. (یعنی این نوع ساماندهی زمین سبب رشد زندگی بشر است)

5- آسمان «سقف محفوظ»ی است.

6- شب و روز و خورشید و ماه، در «فلک»ی شناورند.

البته درباره بعضی از مطالب بالا قبلاً در آیاتی شرح­های مختصری عرض کرده­ایم، اما لازم است علماء محترم زمین­شناسی، نجوم؛ زیست­شناسی، و غیره شرحی بر این آیات بنویسند و در آن صورت مایه دلگرمی مسلمانان جوان به ایمانشان، و افزودن برگی بر کتاب قطور معجزات قرآن خواهد گردید.

بنابراین، براساس آنچه تاکنون بدست آورده­ایم آیه 19 را اینطور می­فهمیم:

و هر کس که از لحاظ شخصیت و روحیات و از لحاظ تعالیم الهی، بالاتر است، از زندگی پسندیده خویش خسته نمی­شود و گردنفرازی هم نمی­کند.

بنابراین، براساس آنچه تاکنون بدست آورده­ایم آیه 19 را اینطور می­فهمیم:

و هر کس که از لحاظ شخصیت و روحیات و از لحاظ تعالیم الهی، بالاتر است، از زندگی پسندیده خویش خسته نمی­شود و گردنفرازی هم نمی­کند.

**جمع بندی و تفسیر**

**و آسمان و زمين و بين آنها را به بازي نيافريده ايم (16)**  {اگر ميخواستيم بازيچه بگيريم از نزد خويش برميگرفتيم كه ما كاردانيم (17) بلکه حق را بر باطل مي افکنيم تا آنرا در هم بشکند تا نابود شود و واي بر شما از آنچه وصف ميکنيد} (18) **و هر کس که در آسمانها و زمين است از آن اوست و هر کس که نزد اوست از عبادت او گردنفرازي نمي کند و خسته نميشوند (19)**  {شب و روز به تسبيح ميگذرانند و سستي نميگيرند (20) آيا از زمين خداياني برگرفته اند که به آنها زندگي دوباره ميدهند؟ (21) اگر خداياني غير از خداوند در آن دو باشند حتما فاسد خواهند شد و خداوند پروردگار عرش بالاتر است از آنچه وصف ميکنند} (22) **از آنچه ميکند بازخواست نميشود اما آنها بازخواست ميشوند (23)** {يا اينکه غير از او خداياني برگرفته اند. بگو دليل خويش بياوريد. اين پند همراهانم و پند كسانِ قبل از من است {{ولي اکثرشان حق را نمي شناسند و رويگردانند}} (24) {و قبل از تو هيچ رسولي نفرستاديم مگر اينکه بسويش وحي مي كرديم که خدائي جز من نيست پس عبادتم کنيد} (25) {و گفته اند خداوند رحمان فرزندي برگرفته. منزه است بلکه (آنها) بندگاني گرامي اند} (26) **در آن قول از او سبقت نمي گيرند و به فرمان او عمل مي کنند (27) به پيش رو و پشت سرشان علم دارد و شفاعت کسي را نمي کنند مگر اينکه او راضي باشد و به سبب خشيت او نگرانند (28)** {و اگر کسي از آنها بگويد من به غير از او خدا هستم جهنم را سزايش ميدهيم و با ظالمان چنين رفتار ميکنيم} (29) **آيا کافران توجه نمي كنند که آسمانها و زمين پيوسته بود و ما آنها را باز کرده و از آب همه چيز را زنده کرديم ، و ايمان نمي آورند؟ (30) و در زمين لنگرهايي قرار داديم تا مبادا آنها را بلرزاند و در آن دره ها و راه هائي قرار داديم شايد هدايت يابند (31) و آسمان را سقفي محفوظ نموديم اما آنها از آياتش رويگردانند (32) و هموست که شب و روز و خورشيد و ماه را آفريد که همگي شان در چرخه اي شناورند (33)**

**انبیاء3 آیات34تا47**

**وَمَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِّن قَبْلِكَ الْخُلْدَ أَفَإِن مِّتَّ فَهُمُ الْخَالِدُونَ ﴿34﴾ كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَنَبْلُوكُم بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ ﴿35﴾ وَإِذَا رَآكَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِن يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوًا أَهَذَا الَّذِي يَذْكُرُ آلِهَتَكُمْ وَهُم بِذِكْرِ الرَّحْمَنِ هُمْ كَافِرُونَ ﴿36﴾ خُلِقَ الْإِنسَانُ مِنْ عَجَلٍ سَأُرِيكُمْ آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونِ ﴿37﴾ وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ﴿38﴾ لَوْ يَعْلَمُ الَّذِينَ كَفَرُوا حِينَ لَا يَكُفُّونَ عَن وُجُوهِهِمُ النَّارَ وَلَا عَن ظُهُورِهِمْ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿39﴾ بَلْ تَأْتِيهِم بَغْتَةً فَتَبْهَتُهُمْ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ رَدَّهَا وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ ﴿40﴾ وَلَقَدِ اسْتُهْزِئَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُم مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِؤُون ﴿41﴾ قُلْ مَن يَكْلَؤُكُم بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مِنَ الرَّحْمَنِ بَلْ هُمْ عَن ذِكْرِ رَبِّهِم مُّعْرِضُونَ ﴿42﴾ أَمْ لَهُمْ آلِهَةٌ تَمْنَعُهُم مِّن دُونِنَا لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَ أَنفُسِهِمْ وَلَا هُم مِّنَّا يُصْحَبُونَ ﴿43﴾ بَلْ مَتَّعْنَا هَؤُلَاء وَآبَاءهُمْ حَتَّى طَالَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ أَفَلَا يَرَوْنَ أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا أَفَهُمُ الْغَالِبُونَ ﴿44﴾ قُلْ إِنَّمَا أُنذِرُكُم بِالْوَحْيِ وَلَا يَسْمَعُ الصُّمُّ الدُّعَاء إِذَا مَا يُنذَرُونَ ﴿45﴾ وَلَئِن مَّسَّتْهُمْ نَفْحَةٌ مِّنْ عَذَابِ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿46﴾ وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِن كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ ﴿47﴾**

**ای پیامبر! برای هيچ بشري قبل از تو جاودانگي قرار نداديم . آيا اگر بميري ، آنها جاودان خواهند ماند؟ (34) هر کسي چشنده مرگ است و شما را با شر و خير مي آزمائيم و بالاخره بسوي ما بازمي گردید (35) و هنگاميکه کافران تو را ببينند ، جز به مسخره ات نميگيرند و بین خودشان میگویند آيا اين همان کسی است که در باره خدايانمان حرف هایی ميزند؟ در حاليکه آنها خودشان به پندهاي خداوند رحمان کافرند (36) اکثر انسان ها گوئي که از شتاب آفريده شده اند . ای پیامبر! به اینان بگو خداوند میگوید بزودي آياتم را به شما نشان خواهم داد ، پس به عجله نخواهيدش (37) و ميگويند اين وعده قیامت کي خواهد بود اگر راست ميگوئيد (38) کاش کافران حالشان را آن هنگاميکه نميتوانند آن آتش را از صورتهاشان و پشتهاشان دورکنند و هيچ ياريي نميشوند میدانستند (39) بلکه بطور ناگهاني به سراغشان مي آيد و مبهوت ميشوند و نمی توانند آنرا برگردانند و مهلتي نيز نمي يابند (40) و البته رسولان قبل از تو نيز مسخره ميشدند و آنچه را که مسخره اش ميکردند بر سرشان فرود آمد (41) بگو چه کسي شما را شبها و روزها از خداوند رحمان حفظ خواهد کرد؟ بلکه آنها از ياد پروردگارشان روي گردانند (42) آيا خداياني دارند که آنها را در قبال ما حفظ کنند؟ آنها خودشان را هم نميتوانند ياري کنند و از جانب ما هم همراهيي نميشوند (43) بلکه اينها و پدرانشان را نيز برخوردار کرديم تا اينکه عمرشان طولاني شد. آيا نمي بينند که حوزه اقتدارشان دائما دارد کوچکتر و کوچکتر میشود؟ با این حال آيا آنها می پندارند غالب ميشوند؟ (44) بگو جز اين نيست که بوسيله وحي هشدارتان ميدهم و گرچه آنها برای شنیدن صدای حق ناشنوا باشند (45) و اگر وزش خفيفي هم از عذاب پروردگارت به آنان برسد حتما خواهند گفت واي بر ما ، ما ظالم بوديم (46) و روز قيامت ترازو هاي عدالت را ميگذاريم و هيچکس هيچ ظلمي نميشود و اعمالشان را اگر به وزن دانه خردلي هم باشد هم به حساب مي آوريم ، و خودمان براي حسابرسي کافی هستيم (47)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: اي پيامبر! با قوت رسالتت را پي گير كه مانند پيامبران گذشته موفق مي شوي.**

**درب: اي پيامبر عليرغم رفتارهاي غافلانه كافران با جديت به رسالتت بپرداز و چنين كن و چنين بگو .**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 می فرماید : ای پیامبر ! به مشکلات رسالتت آنقدر اهمیت نده ، زیرا همین الآن عدّه زیادی سمپات درداخل اردوگاه کفرداری که ازترس سران خویش جرات پیوستن بـه به دعوتت راندارند و ضمن نکوهش کفار لجوج ، که علی­رغم در دسترس داشتن عناصر ایمان­زا ، ایمان نمی­آورند ، می فرماید ای کافران ! تکلیف خودتان را در رابطه با این پیام الهی روشن کنید .

در پاراگراف 2 می فرماید : ای پیامبر ! این کافران از باب هشدار و تشویق ، سخن مستدل روشن ، و صبر و حوصله ، و چشم پوشی ، به اندازه کافی مورد مماشات و مدارا قرار گرفــته اند ، دیگر بین تو و آنان حجت تمام شده است . منتظر تحولات آینده باش .

در این پاراگراف می فرماید : ای پیامبر ضعف انسان و هولناکی آخرت و بیچارگی کافران و حق مطلق بودن این قرآن و احتمال هلاکت دستجمعی را بیاد آنان بیاور.

**3 - سوالات**

1- از مطالب این پاراگراف چه «حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها» میتوان زد؟

2 - حالت کلی پاراگراف چگونه است؟ (نکوهش؟ نکوهش و هشدار شدید؟ تهدید به عــذاب هلاکت؟ یا....؟)

3 – اگر قرار بود «لجبازی معاندانه» را نشان دهیم ، می باید زیرکدام کلمات خط بکشیم؟

4 - « **أَهَذَا الَّذِي يَذْكُرُ آلِهَتَكُمْ** » (آیه36) با کدام کلید تفسیر مطابق است؟

5- از مطالب این پاراگراف چه «حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها» میتوان زد؟

6 – در قطعه « **أَفَلَا يَرَوْنَ أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا أَفَهُمُ الْغَالِبُونَ** » (آیه44 ) طرز ســخن گفتن ازچه نوع است؟ (کنایه؟ طنز؟ یا....؟)

7 - قطعه فوق ، باکدام قطعه درهمین سوره «هم مفهوم» است؟

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روز ها**

قسمتی از زحمت­هائی که کافران برای پیامبر(ص) ایجاد می­کردند عبارت بود از:

1- توطئه قتل آنحضرت (آیه 34)،

2- مسخره کردن ایشان (آیه 36)،

3- تشکیک در رسالت آنحضرت (آیه 38)

4 – مسلمانان (و خود پیامبر–ص) دوران ناگواری را میگذراندند و «زودتررسیدن» یاری الهی را میخواستند (آیه 37)

البته زحمتهائی که آنان در راه رسالت ایجاد می­کردند بسیار بیشتر از اینهاست و شامل همه نوع مانع تراشی و سنگ­اندازی می­شود و قبلاً در آیه­ها و سوره­های مربوطه ، بسته به مورد ، شرح مختصری تقدیم کرده­ایم اما آنچه در اینجا آمده احتمالاً به این علت باشد که در مقطع زمانی نزول این آیات ، این سه گروه مزاحمت و سنگ­اندازی پررنگ­تر بوده است .

در آیه 44 آیا زمین بمعنی «کره زمین» است یا «جغرافیای محل سکونت شما»؟

با توجه به جمله «آیا آنها غالب می­شوند؟» که در انتهای آیه آمده، معنی اخیر درست است و معنی آیه این می­شود که ای کافران! آیا نمی­بینید که روز بروز از دامنه نفوذ شما کاسته و بر دامنه نفوذ این پیامبر(ص) افزوده می­شود؟

از این آیه فهمیده میشود در این ایام به دامنه تاثیر کلام وحی افزوده و از تاثیر مخالفان کم میشد .

**5 – کلیدهای تفسیری**

**اصلی-فرعی:** آیه 35 فرع بر آیه 34 است و این واضح است.

آیه 37 بدون این که فرع بر آیه­ای باشد پرانتزی است و دلیلش هم اینکه اگر چشم خویش را بر آن ببندیم و قبل و بعد آن را وصل نمائیم خواهیم دید روال سخن صاف و یکدست خواهد شد.

دو آیه 39 و 40 نیز فرع بر آیه 38 است و این نیز واضح است.

آیه 43 فرع بر آیه 42 است و این واضح است.

آیه 44 نیز فرع بر آیه 43 است و این نیز واضح است.

**ریزتر کردن پاراگراف تا حد ممکن :**

**1**

**وَمَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِّن قَبْلِكَ الْخُلْدَ أَفَإِن مِّتَّ فَهُمُ الْخَالِدُونَ ﴿34﴾ كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَنَبْلُوكُم بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ ﴿35﴾**

**درس: اي پيامبر! با قوت رسالتت را پي گير كه مانند پيامبران گذشته موفق مي شوي.**

**درب : ای پیامبر! نگران توطئه های قتل خویش مباش و با قوت رسالتت را پیگیر .**

**2**

**وَإِذَا رَآكَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِن يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوًا أَهَذَا الَّذِي يَذْكُرُ آلِهَتَكُمْ وَهُم بِذِكْرِ الرَّحْمَنِ هُمْ كَافِرُونَ ﴿36﴾**

**درس: اي پيامبر! با قوت رسالتت را پي گير كه مانند پيامبران گذشته موفق مي شوي.**

**درب : ای پیامبر! به تمسخرهای کافران توجه مکن و کار رسالتت را پیگیر.**

**3**

**خُلِقَ الْإِنسَانُ مِنْ عَجَلٍ سَأُرِيكُمْ آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونِ ﴿37﴾ وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ﴿38﴾ لَوْ يَعْلَمُ الَّذِينَ كَفَرُوا حِينَ لَا يَكُفُّونَ عَن وُجُوهِهِمُ النَّارَ وَلَا عَن ظُهُورِهِمْ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿39﴾ بَلْ تَأْتِيهِم بَغْتَةً فَتَبْهَتُهُمْ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ رَدَّهَا وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ ﴿40﴾**

**درس: اي پيامبر! با قوت رسالتت را پي گير كه مانند پيامبران گذشته موفق مي شوي.**

**درب : ای کافران! در باره قیامت عجله مکنید، به وقتش می آید، و شما را فرا خواهد گرفت و نخواهید توانست دفعش کنید.**

**5**

**وَلَقَدِ اسْتُهْزِئَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُم مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِؤُون ﴿41﴾**

**درس: اي پيامبر! با قوت رسالتت را پي گير كه مانند پيامبران گذشته موفق مي شوي.**

**درب : ای پیامبر! به تمسخرهای کافران توجه مکن و کار رسالتت را پیگیر.**

**6**

**قُلْ مَن يَكْلَؤُكُم بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مِنَ الرَّحْمَنِ بَلْ هُمْ عَن ذِكْرِ رَبِّهِم مُّعْرِضُونَ ﴿42﴾ أَمْ لَهُمْ آلِهَةٌ تَمْنَعُهُم مِّن دُونِنَا لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَ أَنفُسِهِمْ وَلَا هُم مِّنَّا يُصْحَبُونَ ﴿43﴾ بَلْ مَتَّعْنَا هَؤُلَاء وَآبَاءهُمْ حَتَّى طَالَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ أَفَلَا يَرَوْنَ أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا أَفَهُمُ الْغَالِبُونَ ﴿44﴾ قُلْ إِنَّمَا أُنذِرُكُم بِالْوَحْيِ وَلَا يَسْمَعُ الصُّمُّ الدُّعَاء إِذَا مَا يُنذَرُونَ ﴿45﴾**

**درس: اي پيامبر! با قوت رسالتت را پي گير كه مانند پيامبران گذشته موفق مي شوي.**

**درب : ای پیامبر! توجه آنان را به این موارد جلب کن.**

**7**

**وَلَئِن مَّسَّتْهُمْ نَفْحَةٌ مِّنْ عَذَابِ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿46﴾ وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِن كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ ﴿47﴾**

**درس: اي پيامبر! با قوت رسالتت را پي گير كه مانند پيامبران گذشته موفق مي شوي.**

**درب : ای پیامبر! وقتیکه قیامت برپا شود چنین خواهد شد.**

**6 - آیات برجسته این پاراگراف**

آیه 35 «کل نفس ذائقه الموت . . » که از آیات بسیار مشهور است و در تابلوهای خوشنویسی و یا کارهای هنری و معرق کاری ها در مساجد و زیارتگاه ها زیاد به چشم می آید.

**7 - آیات مشکل**

آیه 44 که در تفسیرش بین مفسران اختلاف زیادی است ، جزء تیتر فوق قرار میگیرد و ما نیز ذیلا (تحت شماره 9) به آن پرداخته ایم.

**8 - کدام مطالب این پاراگراف «بی ربط» به نظر میرسد؟**

آیه های 36 و 41 هر دو «پرانتزی» هستند، دلیلش هم اینکه اگر چشم خویش را بر هریک از آنها ببندیم، و قبلشان را به بعدشان وصل کنیم، خواهیم دید روال سخن صاف و بی سکته خواهد شد.

**9 – زاویه با تفاسیر رایج**

**1** :(المیزان) : " أَ فَلا يَرَوْنَ أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُها مِنْ أَطْرافِها"- مناسب‏تر با سياق اين است كه مراد از" نقص ارض از اطراف آن" انقراض بعضى امم ساكن آن باشد، چون براى هر امتى در زمين اجل و مهلتى است كه فرمود:" ما تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَها وَ ما يَسْتَأْخِرُونَ" «1» قبلا هم اشاره به اين معنا گذشت كه مراد از طول عمر ايشان، طول عمر جامعه ايشان است. و معناى آيه اين است كه: آيا نمى‏بينيد كه زمين (يعنى جمعيت آن) را رو به نقصان نهاده امتى بعد از امت ديگر در آن منقرض مى‏شود، و امر خدا آنان را هلاك مى‏كند، آيا اينان چه كسى را دارند از هلاكت جلوگيرشان شود؟ آيا اگر خداى تعالى عذاب و يا هلاكت را خواسته باشد، و يا خواسته باشد كه منقرضشان كند، ايشان بر خدا غلبه مى‏كنند؟!.

معنی درست تر این است که دارد به کفار می فرماید آیا نمی بینید هر روز از حوزه نفوذ عقاید (شرک) تان کم میشود ؟

**10 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در آیه 44 پیشگوئی میکند که ای پیامبر روز به روز از حوزه نفوذ و تاثیر فعالان مخالف تو کاسته میشود ، و چنانکه دیدیم چنین شد .

**11 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در طول این مدت طولانی ، از نزول این سوره تا به امروز ، تغییر معناییِ چندانی نیافته ، و لذا مخاطب های اولیه نیز از این پاراگراف همان تلقی را میداشته اند که ما .

یکی ممکن است معترض شود که «یعنی چه که بسیار این تیتر را تکرار میکنی و این جواب ثابت را هم زیرش میدهی؟»

در این خصوص باید خاطر نشان کنیم که یک شبهه ای اخیرا در سطح وسیع القا شده که مطالب قرآن اول باید از این لحاظ چِک شود که معاصران نزول از آن چه می فهمیده اند . ماهم با بیان دلیل فوق در حقیقت داریم پاراگراف به پاراگراف آن شبهه را چک میکنیم .

آنچه تا کنون فهمیده ایم این بوده که معاصران نزول اکثر قریب به اتفاق حجم قرآن را همانطور می فهمیده اند که ما امروز می فهمیم .

**12 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

توصیه به پيامبر(ص) که عليرغم رفتارهاي غافلانه كافران با جديت به رسالتش بپردازد و شبهه هایشان را چنین پاسخ گوید .

**13 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

غیر از آیه 38 ، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**چند اشاره کوتاه**

با توجه به آیه 35 ، دو کلمه خیر وشر به معنیِ «از زبان مخاطب» بکار رفته است.

«شر و خیر»ی که در آیه ذکر شده عبارت است از «آنچه بنظر شما شر می­رسد» و «آنچه به نظر شما خیر می­رسد»

درآیه 37 مطلبِ ذکرشده کنایه است از شدت عجول بودن آدمی و اینکه فرموده «از عجله آفریده شده» یعنی اینکه به شدت عجول است .

**جمع بندی و تفسیر**

**برای هيچ بشري قبل از تو جاودانگي قرار نداديم . آيا اگر بميري ، آنها جاودان خواهند ماند؟ (34)** {هر کسي چشنده مرگ است و شما را با شر و خير مي آزمائيم و بسوي ما بازمي گردید} (35) **و هنگاميکه کافران تو را ببينند ، جز به مسخره ات نميگيرند** (بین خودشان میگویند) **آيا اين است که در باره خدايانمان حرف ميزند؟ در حاليکه آنها خودشان به پندهاي خداوند رحمان کافرند (36)** {انسان (گوئي) از شتاب آفريده شده. بزودي آياتم را به شما نشان خواهم داد ، پس به عجله نخواهيد} (37) **و ميگويند اين وعده کي خواهد بود اگر راست ميگوئيد (38)** {کاش کافران (حالشان را ) ميدانستند آن هنگاميکه نميتوانند آن آتش را از صورتها شان و پشتهاشان دورکنند و هيچ ياريي نميشوند (39) بلکه بطور ناگهاني به سراغشان مي آيد و مبهوت ميشوند و نمی توانند آنرا برگردانند و مهلتي نيز نمي يابند} (40) **و البته رسولان قبل از تو نيز مسخره ميشدند و آنچه را که مسخره اش ميکردند بر سرشان فرود آمد (41) بگو چه کسي شما را شبها و روزها از خداوند رحمان حفظ خواهد کرد؟ بلکه آنها از ياد پروردگارشان روي گردانند (42)** آيا خداياني دارند که آنها را در قبال ما حفظ کنند؟ آنها خودشان را هم نميتوانند ياري کنند و از جانب ما هم همراهيي نميشوند (43) بلکه اينها و پدرانشان را نيز برخوردار کرديم تا اينکه عمرشان طولاني شد. {{آيا نمي بينند که وقتي ما به زمين مي پردازيم ، از اطرافش مي کاهيم؟ آيا آنها غالب ميشوند؟}} (44) **بگو جز اين نيست که بوسيله وحي هشدارتان ميدهم و ناشنوا** (صداي) **دعوت را آن هنگام که هشدارشان ميدهند نمي شنود (45) و اگر وزش خفيفي هم از عذاب پروردگارت به آنان برسد حتما خواهند گفت واي بر ما ، ما ظالم بوديم (46) و روز قيامت ترازو هاي عدالت را ميگذاريم و هيچکس هيچ ظلمي نميشود و اگر به سنگيني دانه اي از خردلي هم باشد آن را هم مي آوريم ، و خودمان براي حسابرسي کافی هستيم (47)**

**انبیاء4 آیات48تا91**

**وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى وَهَارُونَ الْفُرْقَانَ وَضِيَاء وَذِكْرًا لِّلْمُتَّقِينَ ﴿48﴾ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَهُم مِّنَ السَّاعَةِ مُشْفِقُونَ ﴿49﴾ وَهَذَا ذِكْرٌ مُّبَارَكٌ أَنزَلْنَاهُ أَفَأَنتُمْ لَهُ مُنكِرُونَ ﴿50﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ مِن قَبْلُ وَكُنَّا بِه عَالِمِينَ ﴿51﴾ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ ﴿52﴾ قَالُوا وَجَدْنَا آبَاءنَا لَهَا عَابِدِينَ ﴿53﴾ قَالَ لَقَدْ كُنتُمْ أَنتُمْ وَآبَاؤُكُمْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿54﴾ قَالُوا أَجِئْتَنَا بِالْحَقِّ أَمْ أَنتَ مِنَ اللَّاعِبِينَ ﴿55﴾ قَالَ بَل رَّبُّكُمْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الَّذِي فَطَرَهُنَّ وَأَنَا عَلَى ذَلِكُم مِّنَ الشَّاهِدِينَ ﴿56﴾ وَتَاللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَامَكُم بَعْدَ أَن تُوَلُّوا مُدْبِرِينَ ﴿57﴾ فَجَعَلَهُمْ جُذَاذًا إِلَّا كَبِيرًا لَّهُمْ لَعَلَّهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ ﴿58﴾ قَالُوا مَن فَعَلَ هَذَا بِآلِهَتِنَا إِنَّهُ لَمِنَ الظَّالِمِينَ ﴿59﴾ قَالُوا سَمِعْنَا فَتًى يَذْكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ إِبْرَاهِيمُ ﴿60﴾ قَالُوا فَأْتُوا بِهِ عَلَى أَعْيُنِ النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَشْهَدُونَ ﴿61﴾ قَالُوا أَأَنتَ فَعَلْتَ هَذَا بِآلِهَتِنَا يَا إِبْرَاهِيمُ ﴿62﴾ قَالَ بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَذَا فَاسْأَلُوهُمْ إِن كَانُوا يَنطِقُونَ ﴿63﴾ فَرَجَعُوا إِلَى أَنفُسِهِمْ فَقَالُوا إِنَّكُمْ أَنتُمُ الظَّالِمُونَ ﴿64﴾ ثُمَّ نُكِسُوا عَلَى رُؤُوسِهِمْ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا هَؤُلَاء يَنطِقُونَ ﴿65﴾ قَالَ أَفَتَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنفَعُكُمْ شَيْئًا وَلَا يَضُرُّكُمْ ﴿66﴾ أُفٍّ لَّكُمْ وَلِمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿67﴾ قَالُوا حَرِّقُوهُ وَانصُرُوا آلِهَتَكُمْ إِن كُنتُمْ فَاعِلِينَ ﴿68﴾ قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَى إِبْرَاهِيمَ ﴿69﴾ وَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ ﴿70﴾ وَنَجَّيْنَاهُ وَلُوطًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ ﴿71﴾ وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً وَكُلًّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ ﴿72﴾ وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاء الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ ﴿73﴾ وَلُوطًا آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَت تَّعْمَلُ الْخَبَائِثَ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَاسِقِينَ ﴿74﴾ وَأَدْخَلْنَاهُ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿75﴾ وَنُوحًا إِذْ نَادَى مِن قَبْلُ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ ﴿76﴾ وَنَصَرْنَاهُ مِنَ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿77﴾ وَدَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ إِذْ يَحْكُمَانِ فِي الْحَرْثِ إِذْ نَفَشَتْ فِيهِ غَنَمُ الْقَوْمِ وَكُنَّا لِحُكْمِهِمْ شَاهِدِينَ ﴿78﴾ فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ وَكُلًّا آتَيْنَا حُكْمًا وَعِلْمًا وَسَخَّرْنَا مَعَ دَاوُودَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَالطَّيْرَ وَكُنَّا فَاعِلِينَ ﴿79﴾ وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَّكُمْ لِتُحْصِنَكُم مِّن بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنتُمْ شَاكِرُونَ ﴿80﴾ وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ عَاصِفَةً تَجْرِي بِأَمْرِهِ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَكُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ عَالِمِينَ ﴿81﴾ وَمِنَ الشَّيَاطِينِ مَن يَغُوصُونَ لَهُ وَيَعْمَلُونَ عَمَلًا دُونَ ذَلِكَ وَكُنَّا لَهُمْ حَافِظِينَ ﴿82﴾ وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ﴿83﴾ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِن ضُرٍّ وَآتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُم مَّعَهُمْ رَحْمَةً مِّنْ عِندِنَا وَذِكْرَى لِلْعَابِدِينَ ﴿84﴾ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِدْرِيسَ وَذَا الْكِفْلِ كُلٌّ مِّنَ الصَّابِرِينَ ﴿85﴾ وَأَدْخَلْنَاهُمْ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُم مِّنَ الصَّالِحِينَ ﴿86﴾ وَذَا النُّونِ إِذ ذَّهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَن لَّن نَّقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَن لَّا إِلَهَ إِلَّا أَنتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنتُ مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿87﴾ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنجِي الْمُؤْمِنِينَ ﴿88﴾ وَزَكَرِيَّا إِذْ نَادَى رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ ﴿89﴾ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَى وَأَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ ﴿90﴾ وَالَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِن رُّوحِنَا وَجَعَلْنَاهَا وَابْنَهَا آيَةً لِّلْعَالَمِينَ ﴿91﴾**

**و البته به موسي و هارون آن کتاب دادیم که فرق گذارِ بین حق و باطل ، و روشنائي و پند براي متقیان بود (48) همان متقیانی که از پروردگارشان در نهان خشيت دارند و از قيامت نگرانند (49) و اين قرآن نیز پندي پر برکت است که نازلش کرده ايم آيا شما منکرش هستيد؟ (50) و البته قبلا به ابراهيم رشدش را داديم و نسبت به او دانا بوديم (51) آن هنگام که به پدرش و قوم خويش گفت اين تمثال ها چيست که بطور پيگير عبادتشان مي کنيد؟ (52) گفتند پدرانمان را چنين يافتيم که عبادتشان ميکردند (53) گفت البته هم خودتان و هم پدرانتان در گمراهيي آشکاريد (54) گفتند آيا با سخن حقي بسويمان آمده اي يا بازيگري ميکني؟ (55) گفت پروردگارتان همان پروردگار آسمانها و زمين است که آنها را آفريده و من بر اين گواهم (56) و به خدا قسم که پس از اينکه برگرديد و برويد کاري با بتهايتان خواهم کرد (57) پس آنها را تکه تکه کرد مگرآن را که بزرگشان بود شايد بسوي او بازگردند (58) پس از اینکه مردم متوجه واقعه شدند گفتند چه کسي اين کار را با خدايانمان کرده؟ البته که او از ظالمان است (59) گفتند شنيده ايم جواني ذکرشان ميکرد که به او ابراهيم مي گویند (60) گفتند او را نزد چشمان مردم بياوريد شايد گواه باشند (61) گفتند اي ابراهيم آيا تو اين کار را با خدايانمان کردي؟ (62) گفت بلکه اين بت بزرگ این کار را کرده ، لذا از آنها بپرسيد اگر سخن ميگويند (63) پس بازخواست کنندگان به خويش مراجعه کردند و گفتند البته ما خودمان ظالميم (64) آنگاه سر به زير انداختند و گفتند تو ميدانستي که آنها سخن نميگويند (65) گفت آيا غير از خداوند چيزي را پرستش مي کنيد که نه فايده اي برايتان و نه ضرري دارند؟ (66) ننگتان باد. بر آنچه که غير خدا عبادت ميکنيد. آيا نمي انديشيد؟ (67) بالاخره چنین تصمیم گرفتند که گفتند خدايان خويش را ياري نموده و او را بسوزانيد اگر اهل عمل هستيد (68) گفتيم اي آتش براي ابراهيم خنک و بي گزند باش (69) و خواستند حيله اي درباره اش کنند و ما آنها را زيانکار تر نموديم (70) و او را و لوط را نجات داده و بسوي سرزميني که در آن براي مردم برکت قرار داده بوديم گسیل داشتیم (71) و به او اسحق و علاوه بر آن يعقوب را داديم و همگي شان از صالحان بودند (72) و آنها را پيشواياني نموديم که به امر ما هدايت ميکردند و نيكو كاري و برپاداشتن نماز و دادن زکوة را يادشان داديم و عبادت ما ميکردند (73) و به لوط نيز حکم و علم داديم و از شهري که کارهاي زشت ميکردند نجاتش داديم که آنها قوم بدِ فاسقي بودند (74) و او را داخل رحمت خويش نموديم که از صالحان بود (75) و نوح که قبلا ندا کرده بود و اجابتش نموده و او و اهلش را از آن گرفتاري بزرگ نجاتش داده بوديم (76) و در مقابلِ مردمي که آياتمان را تکذيب مي نمودند ياريش نموديم که آنها مردم بدي بودند و همگي را غرق کرديم (77) و داوود و سليمان ، هنگامي که درباره كشتزاري قضاوت ميكردند که گوسفندان آن قوم شبانه چريده بودند و ما نيز گواه قضاوتشان بوديم (78) و آنرا به سليمان فهمانديم و به آنها حکم پيامبري و علم داديم و کوهها را براي داود رام کرديم که به همراه پرندگان با او تسبيح ميگفتند و ما فاعل اين کار بوديم (79) و به او ساختن لباسهائي را آموختيم که شما را از سختي تان در جنگ حفظ ميکند ، آيا شکر گزار هستيد؟ (80) و براي سليمان بادِ سرکش را رام کرديم که به فرمان او بسوي زميني که در آن برکت نهاده بوديم ميرفت و ما به همه چيز دانائيم (81) و از شيطان ها کساني بودند که براي او غواصي و کارهاي ديگر ميکردند و ما نگهبانشان بوديم (82)و ايوب آن هنگام که پروردگارش را ندا داد که گزندي بمن رسيده و تو مهربانترين مهرباناني (83) پس اجابتش کرديم و ناراحتي او را برطرف نموديم و پیروانش را به علاوه مثل آنان به او برگرداندیم که رحمتي از جانب ما و پندي براي عابدان بود (84) و اسمعيل و ادريس و ذاالکفل که همگي از صابران بودند (85) و آنها را داخل رحمت خويش قرار داديم که آنها از شایستگان بودند (86) و ذالنون آن هنگام که خشمناک ميرفت و گمان ميکرد او را در نظر نداریم ، که گرفتار شد و در آن ظلمات ندا در داد که خدائي جز تو نيست . منزهي . كه من البته از ظالمان بودم (87) پس اجابتش کرديم و از غم نجاتش داديم و مومنان را چنين نجات ميدهيم (88) و زکريا آن هنگام که پروردگارش را ندا داد که پروردگارا مرا تنها مگذار که تو بهترين وارثاني (89) پس اجابتش کرديم و يحيي را به او داديم وهمسرش را برايش ازنازائي اصلاح کرديم ، که آنها کساني بودند که درکارهاي نيک مي شتافتند و ما را با بيم و اميد ميخواندند و براي ما فروتن بودند (90) و آن زن که دامن خويش حفظ کرد و از روح خويش در آن دميديم و خودش و پسرش را براي جهانيان آيتي قرار داديم (91)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: اي پيامبر! باقوت رسالتت را پي گير كه مانند پيامبران گذشته موفق مي شوي.**

**درب : ای پیامبر! تو هم مانند پیامبران سابق موفق خواهی شد.**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 می فرماید : ای پیامبر ! به مشکلات رسالتت آنقدر اهمیت نده ، زیرا همین الآن عدّه زیادی سمپات درداخل اردوگاه کفرداری که ازترس سران خویش جرات پیوستن بـه به دعوتت راندارند و ضمن نکوهش کفار لجوج ، که علی­رغم در دسترس داشتن عناصر ایمان­زا ، ایمان نمی­آورند ، می فرماید ای کافران ! تکلیف خودتان را در رابطه با این پیام الهی روشن کنید .

در پاراگراف 2 می فرماید : ای پیامبر ! این کافران از باب هشدار و تشویق ، سخن مستدل روشن ، و صبر و حوصله ، و چشم پوشی ، به اندازه کافی مورد مماشات و مدارا قرار گرفــته اند ، دیگر بین تو و آنان حجت تمام شده است . منتظر تحولات آینده باش .

در پاراگراف 3 می فرماید : ای پیامبر ضعف انسان و هولناکی آخرت و بیچارگی کافران و حق مطلق بودن این قرآن و احتمال هلاکت دستجمعی را بیاد آنان بیاور.

در این پاراگراف می فرماید : ای پیامبر برمشکلات رسالتت صبر کن ، به موقع یاری خواهی شد .

**3 - سوالات**

1 - حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟ (دلگرم نمودن پیامبر- ص – و پیروانش؟ مایوس نمودن کافران؟ هردو؟ یا...؟)

2- از مطالب این پاراگراف چه «حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها» میتوان زد؟

3 – منظور از «حق» (آیه55) چیست؟

4 – از روی آیه63 ، «شرک» مورد اعتقاد آنها را حدس بزنید .

5 – منظور از «عالمین» (آیه71) چیست؟

6 - «ویعقوب نافله» (آیه72) با کدام کلید تفسیر مطابق است؟

7 – منظور از «امر» (آیه73) چیست؟

8 – چرا خداوند دراین پاراگراف از ضمیر «ما» (آتینا کنّا استجبنا کشفنا آتینا عندنا ادخلنا رحمتنا نقدر استجبنا نجّینا ننجی استجبنا وهبنا اصلحنا یدعوننا لنا نفخنا روحنا جعلنا و....) استفاده فرموده؟

9 - سه بار تکرار«فاستجبنا» در این پاراگراف نشانه وجود چه شرایط حاکم بر آنحضرت و پیروانش در آن روزها می باشد؟

10 – مصدر «نقدر» (آیه87) چیست؟ («قدرت»؟ «قدر»- اندازه گیری؟ یا؟)

11 – منظور از «ضرّ» (آیه83) چیست؟

12 – منظور از «مثلهم معهم» (آیه84) چیست؟

13 - «ادریس» در فرهنگ یونانی باستان (که بعدا در فرهنگ اسلامی نفوذ یافت)کدام شخصیت فلسفی – عرفانی مشهور است؟

14 – آیه 91 نشانه وجود چه فضای بسیار آلوده ای در چه زمان و مکانی است؟

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

از آیات 48 تا 50 چنین به نظر می­رسد سران کفار در مقابل نفوذ روز افزون قرآن در قلوب مردم به تکاپو افتاده و اینطور مطرح می­کردند که «دین واقعی دین یهودیان است» تا شاید اسلام را در مقابل یهودیت کمرنگ کنند.

از مطالب آیات 51 تا 70 (که آنقدر در چنین متن طولانی و مهیجی از ابراهیم تجلیل میشود) این موضوع حدس زده میشود که که تلویحا دارد به «سمپات»ها میرساند که اینقدر تابع روسای قبایلتان نباشید و ابراهیم وار در مقابل افکار و اعمال غلط و باطلشان بایستید .

در داستان داود و سلیمان تلویحا به مسلمانان نوید میدهد که ممکن است در اثر گرایش به تعالیم این پیامبر بزودی وضعتان خیلی فرق کند و نه تنها از گرفتاری های موجود خلاص شوید بلکه کاملا ممکن است قدرتمند و صاحب علم و قضاوت هم بشوید و حتی نیروهای طبیعی را نیز ممکن است رام کنید و کلا وضعتان متفاوت و بهتر خواهد شد .

در آیات 83 تا 91 با یاداوری داستان چند پیامبر یا نزدیک به پیامبری سابق به آنحضرت و پیروانش وعده برطرف شدن اوضاع ناگوار و رهایی و رسیدن ایام مطلوب و نیز راهکار رسیدن به آن را ارائه میدهد .

در داستان ایوب و اسمعیل و ادریس و ذاالکفل پیام صبر بر مشکلات ، و در داستان یونس پیام احتراز از ناامیدی ، و در داستان زکریا وعده اصلاح اوضاع زندگی و در داستان مریم تشویق به برقرار ماندن در تقوا و تحفظ را پیام میدهد.

**5 – کلیدهای تفسیری**

**اصلی-فرعی:** آیه 49 فرع بر آیه 48 است، لذا آیه­های 48 و 50 آیه­­های اصلی این پاراگراف است.

**معنی کلمات :** کلمه «عالمین» در انتهای آیه 71 به معنی ساکنان «آن سرزمین» است.

**ریز کردن پاراگراف به اجزاء کوچکتر :**

**1**

**وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى وَهَارُونَ الْفُرْقَانَ وَضِيَاء وَذِكْرًا لِّلْمُتَّقِينَ ﴿48﴾ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَهُم مِّنَ السَّاعَةِ مُشْفِقُونَ ﴿49﴾ وَهَذَا ذِكْرٌ مُّبَارَكٌ أَنزَلْنَاهُ أَفَأَنتُمْ لَهُ مُنكِرُونَ ﴿50﴾**

**درس: اي پيامبر! باقوت رسالتت را پي گير كه مانند پيامبران گذشته موفق مي شوي.**

**درب : ای پیامبر! تو هم مانند موسی و هارون موفق خواهی شد.**

**2**

**وَلَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ مِن قَبْلُ وَكُنَّا بِه عَالِمِينَ ﴿51﴾ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ ﴿52﴾ قَالُوا وَجَدْنَا آبَاءنَا لَهَا عَابِدِينَ ﴿53﴾ قَالَ لَقَدْ كُنتُمْ أَنتُمْ وَآبَاؤُكُمْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿54﴾ قَالُوا أَجِئْتَنَا بِالْحَقِّ أَمْ أَنتَ مِنَ اللَّاعِبِينَ ﴿55﴾ قَالَ بَل رَّبُّكُمْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الَّذِي فَطَرَهُنَّ وَأَنَا عَلَى ذَلِكُم مِّنَ الشَّاهِدِينَ ﴿56﴾ وَتَاللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَامَكُم بَعْدَ أَن تُوَلُّوا مُدْبِرِينَ ﴿57﴾ فَجَعَلَهُمْ جُذَاذًا إِلَّا كَبِيرًا لَّهُمْ لَعَلَّهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ ﴿58﴾ قَالُوا مَن فَعَلَ هَذَا بِآلِهَتِنَا إِنَّهُ لَمِنَ الظَّالِمِينَ ﴿59﴾ قَالُوا سَمِعْنَا فَتًى يَذْكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ إِبْرَاهِيمُ ﴿60﴾ قَالُوا فَأْتُوا بِهِ عَلَى أَعْيُنِ النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَشْهَدُونَ ﴿61﴾ قَالُوا أَأَنتَ فَعَلْتَ هَذَا بِآلِهَتِنَا يَا إِبْرَاهِيمُ ﴿62﴾ قَالَ بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَذَا فَاسْأَلُوهُمْ إِن كَانُوا يَنطِقُونَ ﴿63﴾ فَرَجَعُوا إِلَى أَنفُسِهِمْ فَقَالُوا إِنَّكُمْ أَنتُمُ الظَّالِمُونَ ﴿64﴾ ثُمَّ نُكِسُوا عَلَى رُؤُوسِهِمْ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا هَؤُلَاء يَنطِقُونَ ﴿65﴾ قَالَ أَفَتَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنفَعُكُمْ شَيْئًا وَلَا يَضُرُّكُمْ ﴿66﴾ أُفٍّ لَّكُمْ وَلِمَا** **تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿67﴾ قَالُوا حَرِّقُوهُ وَانصُرُوا آلِهَتَكُمْ إِن كُنتُمْ فَاعِلِينَ ﴿68﴾ قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَى إِبْرَاهِيمَ ﴿69﴾ وَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ ﴿70﴾ وَنَجَّيْنَاهُ وَلُوطًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ ﴿71﴾ وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً وَكُلًّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ ﴿72﴾ وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاء الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ ﴿73﴾**

**درس: اي پيامبر! باقوت رسالتت را پي گير كه مانند پيامبران گذشته موفق مي شوي.**

**درب : ای پیامبر! تو هم مانند ابراهیم موفق خواهی شد.**

**3**

**وَلُوطًا آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَت تَّعْمَلُ الْخَبَائِثَ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَاسِقِينَ ﴿74﴾ وَأَدْخَلْنَاهُ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿75﴾**

**درس: اي پيامبر! باقوت رسالتت را پي گير كه مانند پيامبران گذشته موفق مي شوي.**

**درب : ای پیامبر! تو هم مانند لوط موفق خواهی شد.**

**4**

**وَنُوحًا إِذْ نَادَى مِن قَبْلُ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ ﴿76﴾ وَنَصَرْنَاهُ مِنَ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿77﴾**

**درس: اي پيامبر! باقوت رسالتت را پي گير كه مانند پيامبران گذشته موفق مي شوي.**

**درب : ای پیامبر! تو هم مانند نوح موفق خواهی شد.**

**5**

**وَدَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ إِذْ يَحْكُمَانِ فِي الْحَرْثِ إِذْ نَفَشَتْ فِيهِ غَنَمُ الْقَوْمِ وَكُنَّا لِحُكْمِهِمْ شَاهِدِينَ ﴿78﴾ فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ وَكُلًّا آتَيْنَا حُكْمًا وَعِلْمًا وَسَخَّرْنَا مَعَ دَاوُودَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَالطَّيْرَ وَكُنَّا فَاعِلِينَ ﴿79﴾ وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَّكُمْ لِتُحْصِنَكُم مِّن بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنتُمْ شَاكِرُونَ ﴿80﴾ وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ عَاصِفَةً تَجْرِي بِأَمْرِهِ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَكُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ عَالِمِينَ ﴿81﴾ وَمِنَ الشَّيَاطِينِ مَن يَغُوصُونَ لَهُ وَيَعْمَلُونَ عَمَلًا دُونَ ذَلِكَ وَكُنَّا لَهُمْ حَافِظِينَ ﴿82﴾**

**درس: اي پيامبر! باقوت رسالتت را پي گير كه مانند پيامبران گذشته موفق مي شوي.**

**درب : ای پیامبر! تو هم مانند داود و سلیمان موفق خواهی شد.**

**6**

**وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ﴿83﴾ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِن ضُرٍّ وَآتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُم مَّعَهُمْ رَحْمَةً مِّنْ عِندِنَا وَذِكْرَى لِلْعَابِدِينَ ﴿84﴾**

**درس: اي پيامبر! باقوت رسالتت را پي گير كه مانند پيامبران گذشته موفق مي شوي.**

**درب : ای پیامبر! تو هم مانند ایوب موفق خواهی شد.**

**7**

**وَإِسْمَاعِيلَ وَإِدْرِيسَ وَذَا الْكِفْلِ كُلٌّ مِّنَ الصَّابِرِينَ ﴿85﴾ وَأَدْخَلْنَاهُمْ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُم مِّنَ الصَّالِحِينَ ﴿86﴾**

**درس: اي پيامبر! باقوت رسالتت را پي گير كه مانند پيامبران گذشته موفق مي شوي.**

**درب : ای پیامبر! تو هم مانند اسماعیل و ادریس و ذالکفل موفق خواهی شد.**

**8**

**وَذَا النُّونِ إِذ ذَّهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَن لَّن نَّقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَن لَّا إِلَهَ إِلَّا أَنتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنتُ مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿87﴾ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنجِي الْمُؤْمِنِينَ ﴿88﴾**

**درس: اي پيامبر! باقوت رسالتت را پي گير كه مانند پيامبران گذشته موفق مي شوي.**

**درب : ای پیامبر! تو هم مانند یونس موفق خواهی شد.**

**9**

**وَزَكَرِيَّا إِذْ نَادَى رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ ﴿89﴾ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَى وَأَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ ﴿90﴾**

**درس: اي پيامبر! باقوت رسالتت را پي گير كه مانند پيامبران گذشته موفق مي شوي.**

**درب : ای پیامبر! تو هم مانند ذکریا موفق خواهی شد.**

**10**

**وَالَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِن رُّوحِنَا وَجَعَلْنَاهَا وَابْنَهَا آيَةً لِّلْعَالَمِينَ ﴿91﴾**

**درس: اي پيامبر! باقوت رسالتت را پي گير كه مانند پيامبران گذشته موفق مي شوي.**

**درب : ای پیامبر! تو هم مانند مریم موفق خواهی شد.**

**6 - آیات برجسته این پاراگراف**

آیه 69 **: قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَى إِبْرَاهِيمَ ﴿69﴾** از لحاظ پُرکاربردی اش از نظر تکراردر منابر از آیه های مشهور است**.**

و آیه های 87 و 88 **وَذَا النُّونِ إِذ ذَّهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَن لَّن نَّقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَن لَّا إِلَهَ إِلَّا أَنتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنتُ مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿87﴾ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنجِي الْمُؤْمِنِينَ ﴿88﴾**

که در کتب ادعیه در باب نماز غفیله معروفیتی دارد و در برخی مساجد بصورت کاشیکاری نیز دیده میشود و برجستگیی آن از این لحاظ است.

**7 - آیات مشکل**

آیه های 79 تا 82 و 91 **:**

**وَدَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ إِذْ يَحْكُمَانِ فِي الْحَرْثِ إِذْ نَفَشَتْ فِيهِ غَنَمُ الْقَوْمِ وَكُنَّا لِحُكْمِهِمْ شَاهِدِينَ ﴿78﴾ فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ وَكُلًّا آتَيْنَا حُكْمًا وَعِلْمًا وَسَخَّرْنَا مَعَ دَاوُودَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَالطَّيْرَ وَكُنَّا فَاعِلِينَ ﴿79﴾ وَعَلَّمْنَاهُ** **صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَّكُمْ لِتُحْصِنَكُم مِّن بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنتُمْ شَاكِرُونَ ﴿80﴾ وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ عَاصِفَةً تَجْرِي بِأَمْرِهِ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَكُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ عَالِمِينَ ﴿81﴾ وَمِنَ الشَّيَاطِينِ مَن يَغُوصُونَ لَهُ وَيَعْمَلُونَ عَمَلًا دُونَ ذَلِكَ وَكُنَّا لَهُمْ حَافِظِينَ ﴿82﴾**

**وَالَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِن رُّوحِنَا وَجَعَلْنَاهَا وَابْنَهَا آيَةً لِّلْعَالَمِينَ ﴿91﴾**

مشکل به نظر رسیدنِ آیات فوق از این لحاظ است که مفسران راجع به آیات فوق سخنان مختلفی گفته اند ، وگرنه ما با «درس» و «درب» آنها را مفهوم می بینیم و مشکلی در آنها احساس نمیکنیم، و در این آیات قدرت هائی به آنها نسبت میدهد که سبب امیدواری و دلگرمی آنحضرت و پیروانش در اثر انتقال ذهنی به این نکته است که شما نیز از این فشارها و تضییقاتی که در آن هستید نجات خواهید یافت، مفسران بیشتر به این ورطه افتاده اند که توضیحاتی برای مصادیق بدهند که در این راه معمولا به روایاتی تمسک جسته اند که محل تامل است و یا به نقل اقوال دیگرانی پرداخته اند که همانها نیز قبلا به این ورطه افتاده بودند و چیزهایی را جستجو میکردند که برای فرستنده قرآن توضیح دادن آنها (مانند نام های برادران یوسف در سوره یوسف و یا اسامی اصحاب کهف در سوره کهف) مهم نبوده، و همانها هم که در این راه غیر ضرور سعیی کرده بودند سعیشان به اصابت نیانجامیده (تلاش غیر ضرور و به نتیجه نرسیدن) و اقوالشان مطلوب نیافتاده است.

**8 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

آیه های 81 و 82 :

**وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ عَاصِفَةً تَجْرِي بِأَمْرِهِ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَكُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ عَالِمِينَ ﴿81﴾ وَمِنَ الشَّيَاطِينِ مَن يَغُوصُونَ لَهُ وَيَعْمَلُونَ عَمَلًا دُونَ ذَلِكَ وَكُنَّا لَهُمْ حَافِظِينَ ﴿82﴾**

تندباد مذکور طی چه مکانیزمی و بطرف کدام سرزمین می رفته و برای حصولِ چه نتیجه ای؟

شیاطین مذکور البته به معنی لغوی است و یعنی افرادی شریر و سرکش که معلوم میشود سلیمان نبی (ع) آنها را مقهور کرده بوده و به بیگاری گرفته بوده ولی اینکه در غواصی مذکور دنبال چه بوده اند و به چه وسایلی مجهز بوده اند و . . . سوال های دیگر ، خارج از ذهنیات مخاطبان اولیه بوده است.

البته این آیات نیز شاهدی است بر رد نظر سروش و مجتهد شبستری و خرده پا های دیگری که پیروی آنها را کرده و این نکته غلط را انتشار میدهند که محتویات قرآن چیزی بیش از ذهنیان عرب 1400 سال قبل ندارد.

**9 – زاویه با تفاسیر رایج**

**1** (آیه 73):(المیزان) : " وَ جَعَلْناهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنا ...". ظاهر آيه به طورى كه آيات راجعه به امامت ذريه ابراهيم هم دلالت دارد، اين است كه ضمير در" جعلناهم" به ابراهيم و اسحاق و يعقوب برگردد.

و ظاهر جمله" يَهْدُونَ بِأَمْرِنا" اين است كه هدايت به امر، جارى مجراى مفسر معناى امامت است و اما آنچه در خصوص اين مقام خاطر نشان مى‏كنيم، اين است كه اين هدايت كه خدا آن را از شؤون امامت قرار داده، هدايت به معناى راهنمايى نيست، چون مى‏دانيم كه خداى تعالى ابراهيم را وقتى امام قرار داد كه سالها داراى منصب نبوت بود، هم چنان كه توضيحش در ذيل آيه" إِنِّي جاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِماماً" گذشت، و معلوم است كه نبوت منفك از منصب هدايت به معناى راهنمايى نيست، پس هدايتى كه منصب امام است معنايى نمى‏تواند غير از رساندن به مقصد داشته باشد، و اين معنا يك نوع تصرف تكوينى در نفوس است، كه با آن تصرف راه را براى بردن دلها به سوى كمال، و انتقال دادن آنها از موقفى به موقفى بالاتر، هموار مى‏سازد.

و چون تصرفى است تكوينى، و عملى است باطنى، ناگزير مراد از امرى كه با آن هدايت صورت مى‏گيرد نيز امرى تكوينى خواهد بود نه تشريعى، كه صرف اعتبار است، بلكه همان حقيقى است كه آيه شريفه" إِنَّما أَمْرُهُ إِذا أَرادَ شَيْئاً أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ فَسُبْحانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْ‏ءٍ" «1» آن را تفسير مى‏كند.

و مى‏فهماند كه هدايت به امر خدا از فيوضات معنوى و مقامات باطنى است كه مؤمنين به وسيله عمل صالح به سوى آن هدايت مى‏شوند، و به رحمت پروردگارشان ملبس مى‏گردند.

و چون امام به وسيله امر، هدايت مى‏كند- با در نظر گرفتن اينكه باء در" بامره" باء سببيت و يا آلت است- مى‏فهميم كه خود امام قبل از هر كس متلبس به آن هدايت است، و از او به ساير مردم منتشر مى‏شود، و بر حسب اختلافى كه در مقامات دارند، هر كس به قدر استعداد خود از آن بهره‏مند مى‏شود، از اينجا مى‏فهميم كه امام رابط ميان مردم و پروردگارشان در اخذ فيوضات ظاهرى و باطنى است، هم چنان كه پيغمبر رابط ميان مردم و خداى تعالى است در گرفتن فيوضات ظاهرى، يعنى شرايع الهى كه از راه وحى نازل گشته، و از ناحيه پيغمبر به ساير مردم منتشر مى‏شود.

و نيز مى‏فهميم كه امام دليلى است كه نفوس را به سوى مقاماتش راهنمايى مى‏كند هم چنان كه پيغمبر دليلى است كه مردم را به سوى اعتقادات حق و اعمال صالح راه مى‏نمايد، البته بعضى از اولياى خدا تنها پيغمبرند، و بعضى تنها امامند، و بعضى داراى هر دو مقام هستند، مانند ابراهيم و دو فرزندش.

ایرادات این بخش مهم است :

**1 –** از لحاظ ترتیب نزول (که تفسیر آیه را به آیه سوره بقره ارجاع داده که تا نزول آن سالهای زیادی مانده)

2 – «امر» را بجای اینکه به معنی لغوی بگیرد که جمع آن امور (یعنی کارها) میشود به یک معنی فلسفی که خود مولف المیزان به آن علاقمند است گرفته و به آیات کن فیکون اشاره کرده که ربطی به اینجا ندارد . که چه بشود؟ که عقیده ما شیعیان در باره امامت دارای مستند قرآنی بگردد!

**2 (آیه 87)** :(المیزان) : " وَ ذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغاضِباً فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ"- يعنى به ياد آر ذو النون را آن زمان كه با خشم از قومش بيرون رفت و پنداشت كه ما بر او تنگ نمى‏گيريم" نَقْدِرَ عَلَيْهِ" بطورى كه گفته‏اند به معناى تنگ گرفتن است.

ممكن هم هست جمله" إِذْ ذَهَبَ مُغاضِباً فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ" در مورد تمثيل وارد شده باشد و معنايش اين باشد كه: رفتن او و جدايى‏اش از قومش مانند رفتن كسى بود كه از مولايش قهر كرده باشد و پنداشته باشد كه مولايش بر او دست نمى‏يابد و او مى‏تواند با دور شدن از چنگ وى بگريزد و مولايش نمى‏تواند او را سياست كند. اين احتمال از اين نظر قوى نيست كه پيامبرى چون يونس شانش اجل از اين است كه حقيقتا و واقعا از مولايش قهر كند و به راستى بپندارد كه خدا بر او قادر نيست و او مى‏تواند با سفر كردن از مولايش بگريزد چون انبياى گرامى خدا ساحتشان منزه از چنين پندارها است، و به عصمت خدا معصوم از خطا هستند.

پس همانطور كه گفتيم آيه شريفه از باب تمثيل است نه حكايت يك واقعيت خارجى.

خیلی ممنون ! پس آنهمه مطالب دیگر در سوره های دیگر در باره حضرت یونس مثلا آیه 48 سوره قلم که میگوید ای پیامبر مانند یار آن ماهی نباش ، و آیات 139 تا 148 سوره صافات که فرار و کشتی پر و قرعه کشی و به دریا اندختن و یک لقمه آن ماهی شدن و سپس به بیابان افتادن و درخت کدو روییدن و بر او سایه انداختن و . . . همه اینها تمثیل است؟ یعنی در سوره قلم پیامبر را از تمثیل نهی میکند یا از رفتار یک یونس واقعی؟ و اگر اینطور باشد که با آیات اینقدر راحت باشیم ، پس داستانهای سایر پیامبران چه میشود؟ آنها هم تمثیل است؟ ای وای از مظلومیت قرآن که به یک روایتِ عصمت انبیاء فروخته میشود!

خطا :

1 – حاکم کردن روایت بر قرآن

2 – بی توجهی به ترتیب نزول

3 – بی سلیقگی تفسیری و ندیدن آنهمه نصوص

**10 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در آیات 48 تا 91 (14) نفر از پیامبران پیشین را نام می برد که چگونه خداوند آنها را یاری نموده و موفقشان کرده ، با این پیشگوئیِ تلویحی که در مورد تو و پیروانت نیز چنین خواهد شد .

**11 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

یکی ممکن است معترض شود که «یعنی چه که بسیار این تیتر را تکرار میکنی و این جواب ثابت را هم زیرش میدهی؟»

در این خصوص باید خاطر نشان کنیم که یک شبهه ای اخیرا در سطح وسیع القا شده که مطالب قرآن اول باید از این لحاظ چِک شود که معاصران نزول از آن چه می فهمیده اند . ماهم با بیان دلیل فوق در حقیقت داریم پاراگراف به پاراگراف آن شبهه را چک میکنیم .

آنچه تا کنون فهمیده ایم این بوده که معاصران نزول اکثر قریب به اتفاق حجم قرآن را همانطور می فهمیده اند که ما امروز می فهمیم .

**12 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

دلداری به پیامبر و پیروانش که خداوند کمک خواهد کرد و اوضاع و احوال تان به حالت بهتر تحول خواهد یافت .

**13 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

غیر از آیه های 49 و 72 و 76 و 77 ، بقیه آیات «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**«رشد» ابراهیم (ع) از چه لحاظ بود؟**

با توجه به آیه 51 «رشد»ی که به آن اشاره شد، چیست؟

1- چنانکه در آیه­های 52 تا 57 ذکر شده او در چند هزار سال قبل ، چنان شده بود که قوم و قبیله و ریش سفیدان و کسانی که بزرگ بنظر می­آیند در مقابل حق ، برای او بزرگ بنظر نمی­آمدند .

2- چنانکه از آیه­های 58 تا 67 فهمیده می­شود او «بطور عملی» نیز وارد «ماجرا» شد و البته علیت مطلب اول نسبت به این مطلب واضح است .

موضوع قوم و قبیله و بزرگان و ریش­سفیدان و پابند بودن مردم به اینکه در مقابل افراد و عناصر فوق عرض اندام نکنند حتی تا همین صد سال قبل نیز یک عامل بازدارنده بسیار مهم بود و با توجه به این نکته ، اهمیت عرض وجود حضرت ابراهیم آنهم در چندین هزار سال قبل تا حدودی معلوم می­شود . آن حضرت ، «خدایان» آنها را «مجسمه» می­خواند و آنها و «پدرانشان» را «گمراه» می­نامید و بالاخره «خدایان» آنها را تکه­پاره می­کرد .

با توجه به آیه 71 لوط در جریان «رشد» ابراهیم و سپس رسالتش از پیروان نزدیک او بوده است .

داستان ابراهیم نزدیک دو سوم کل این داستانها و داستان همه آن پیامبران سرجمع، حدود یک سوم است و از همین موضوع می­توانیم چیزهایی بفهمیم. مثلاً:

1- اهمیت «اعتقادات درست» به «زندگی درست» مثل دو به یک است.

2- اعتقادات درست، مثل فونداسیون است نسبت به بقیه عناصر ساختمان است و اول باید اعتقادات درست کسب کرد و پس از آن خودبخود «زندگی درست» هم پیدا می­شود.

3- مسلمانانِ معاصرِ نزول این آیات در مرحله اول بودند یعنی در حال کوشش برای دریافت اعتقادات صحیح از طرفی، و مبارزه با اعتقادات غلط از طرف دیگر، بودند. و طی این پاراگراف ها به آنان تلویحاً وعده موفقیت مرحله اول، و پس از موفقیت در آن، وعده گشایش در زندگی و پیروزی و حل همه مسائل زندگی و رفع ناراحتی­های آن داده می­شود.

**مثلهم معهم (در داستان ایوب ع) به چه معنی است؟**

داستان ایوب (ع) در تفاسیر چنان بد معنی شده که واقعا از لحاظ آسیب شناسیِ تفاسیر قابل توجه است.

البته ما در سوره صاد توضیح توضیح کافی داده ایم و لذا چندی صبر کنید تا بزودی به تفسیر آن بپردازیم، اما، در اینجا به همین مقدار اکتفا میکنیم که «اهل» معنی «پیرو» را هم میدهد که در اینجا به این معنی است نه به معنی اعضاء خانواده، که در معنی اخیر نامفهوم و نامعقول است، زیرا افراد خانواده که ناگهان دوبرابر نمیشود.

**جمع بندی و تفسیر**

**و البته به موسي و هارون آن فرق گذار ، و روشنائي ، و پند براي متقیان ، را داديم (48)** {همان کسانی که از پروردگارشان در نهان خشيت دارند و از قيامت نگرانند}(49) **و اين پندي پر برکت است که نازلش کرده ايم آيا شما منکرش هستيد؟ (50) و البته قبلا به ابراهيم رشدش را داديم و نسبت به او دانا بوديم (51) آن هنگام که به پدرش و قوم خويش گفت اين تمثال ها چيست که بطور پيگير عبادتشان مي کنيد؟(52) گفتند پدرانمان را چنين يافتيم که عبادتشان ميکردند (53) گفت البته هم خودتان و هم پدرانتان در گمراهيي آشکاريد (54) گفتند آيا با حقي بسويمان آمده اي يا بازيگري ميکني؟(55) گفت پروردگارتان همان پروردگار آسمانها و زمين است که آنها را آفريده و من بر اين گواهم (56) و به خدا قسم که پس از اينکه برگرديد و برويد کاري با بتهايتان خواهم کرد (57) پس آنها را تکه تکه کرد مگرآن را که بزرگشان بود شايد بسوي او بازگردند (58) گفتند چه کسي اين کار را با خدايانمان کرده؟ البته که او از ظالمان است (59) گفتند شنيده ايم جواني ذکرشان ميکرد که به او ابراهيم مي گویند (60) گفتند او را نزد چشمان مردم بياوريد شايد گواه باشند (61) گفتند اي ابراهيم آيا تو اين کار را با خدايانمان کردي؟(62) گفت** (نه) **بلکه اين** (بت) **بزرگشان کرد لذا از آنها بپرسيد اگر سخن ميگويند (63) پس به خويش مراجعه کردند و گفتند البته شما خودتان ظالميد (64) آنگاه سر به زير انداختند** و (گفتند) **تو ميدانستي که آنها سخن نميگويند (65) گفت آيا غير از خداوند چيزي را پرستش مي کنيد که نه فايده اي برايتان و نه ضرري دارند؟(66) ننگتان باد. بر آنچه که غير خدا عبادت ميکنيد. آيا نمي انديشيد؟(67) گفتند خدايان خويش را ياري نموده و او را بسوزانيد اگر اهل عمل هستيد (68) گفتيم اي آتش براي ابراهيم خنک و بي گزند باش (69) و خواستند حيله اي درباره اش کنند و ما آنها را زيانکار تر نموديم (70) و او را و لوط را بسوي سرزميني که در آن براي جهانيان برکت قرار داده بوديم نجات داديم (71) و به او اسحق و علاوه بر آن يعقوب را داديم و همگي شان از صالحان بودند (72) و آنها را پيشواياني نموديم که به امر ما هدايت ميکردند و نيكو كاري و برپاداشتن نماز و دادن زکوة را يادشان داديم و عبادت ما ميکردند (73)** **و به لوط نيز حکم و علم داديم و از شهري که کارهاي زشت ميکردند نجاتش داديم که آنها قوم بدِ فاسقي بودند (74) و او را داخل رحمت خويش نموديم که از صالحان بود (75) و نوح که قبلا ندا کرده بود و اجابتش نموده و او و اهلش را از آن گرفتاري بزرگ نجاتش داديم (76) و در مقابلِ مردمي که آياتمان را تکذيب مي نمودند ياريش نموديم که آنها مردم بدي بودند و همگي را غرق کرديم(77)** **و داوود و سليمان ، هنگامي که درباره كشتزاري قضاوت ميكردند که گوسفندان آن قوم شبانه چريده بودند و ما نيز گواه قضاوتشان بوديم (78) و آنرا به سليمان فهمانديم و همگيشان را حکم** (پيامبري) **و علم داديم و کوهها را براي داود رام کرديم که به همراه پرندگان با او تسبيح ميگفتند و ما فاعل اين کار بوديم (79) و به او ساختن لباسهائي را آموختيم که شما را از سختي تان** (در جنگ) **حفظ ميکند ، آيا شکر گزار هستيد؟ (80) و براي سليمان بادِ سرکش را** (رام کرديم) **که به فرمان او بسوي زميني که در آن برکت نهاده بوديم ميرفت و ما به همه چيز دانا ئيم (81) و از شيطان ها کساني بودند که براي او غواصي و کارهاي ديگر ميکردند و ما نگهبانشان بوديم (82)****و ايوب آن هنگام که پروردگارش را ندا داد که گزندي بمن رسيده و تو مهربانترين مهرباناني (83) پس اجابتش کرديم و ناراحتي او را برطرف نموديم و اهلش را به علاوه مثل آنان به او داديم که رحمتي از جانب ما و پندي براي عابدان بود (84) و اسمعيل و ادريس و ذاالکفل که همگي از صابران بودند (85) و آنها را داخل رحمت خويش قرار داديم که آنها از صالحان بودند (86) و ذالنون آن هنگام که خشمناک ميرفت و گمان ميکرد بر او توانائي نداريم ولي در آن ظلمات ندا داد که خدائي جز تو نيست . منزهي . كه من البته از ظالمان بودم (87) پس اجابتش کرديم و از غم نجاتش داديم و مومنان را چنين نجات ميدهيم (88) و زکريا آن هنگام که پروردگارش را ندا داد که پروردگارا مرا تنها مگذار که تو بهترين وارثاني (89) پس اجابتش کرديم و يحيي را به او داديم وهمسرش را برايش** (ازنازائي) **اصلاح کرديم که آنها کساني بودند که درکارهاي نيک مي شتافتند و ما را با بيم و اميد ميخواندند و براي ما فروتن بودند(90) و آن زن که دامن خويش حفظ کرد و از روح خويش در آن دميديم و خودش و پسرش را براي جهانيان آيتي قرار داديم (91)**

**انبیاء5 آیات92تا112**

**إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ ﴿92﴾ وَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُم بَيْنَهُمْ كُلٌّ إِلَيْنَا رَاجِعُونَ ﴿93﴾ فَمَن يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ لِسَعْيِهِ وَإِنَّا لَهُ كَاتِبُونَ ﴿94﴾ وَحَرَامٌ عَلَى قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ ﴿95﴾ حَتَّى إِذَا فُتِحَتْ يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ وَهُم مِّن كُلِّ حَدَبٍ يَنسِلُونَ ﴿96﴾ وَاقْتَرَبَ الْوَعْدُ الْحَقُّ فَإِذَا هِيَ شَاخِصَةٌ أَبْصَارُ الَّذِينَ كَفَرُوا يَا وَيْلَنَا قَدْ كُنَّا فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا بَلْ كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿97﴾ إِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ أَنتُمْ لَهَا وَارِدُونَ ﴿98﴾ لَوْ كَانَ هَؤُلَاء آلِهَةً مَّا وَرَدُوهَا وَكُلٌّ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿99﴾ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَهُمْ فِيهَا لَا يَسْمَعُونَ ﴿100﴾ إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُم مِّنَّا الْحُسْنَى أُوْلَئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ ﴿101﴾ لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا وَهُمْ فِي مَا اشْتَهَتْ أَنفُسُهُمْ خَالِدُونَ ﴿102﴾ لَا يَحْزُنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ وَتَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمُكُمُ الَّذِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ ﴿103﴾ يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاء كَطَيِّ السِّجِلِّ لِلْكُتُبِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُّعِيدُهُ وَعْدًا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ ﴿104﴾ وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ ﴿105﴾ إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِّقَوْمٍ عَابِدِينَ ﴿106﴾ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ ﴿107﴾ قُلْ إِنَّمَا يُوحَى إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَهَلْ أَنتُم مُّسْلِمُونَ ﴿108﴾ فَإِن تَوَلَّوْا فَقُلْ آذَنتُكُمْ عَلَى سَوَاء وَإِنْ أَدْرِي أَقَرِيبٌ أَم بَعِيدٌ مَّا تُوعَدُونَ ﴿109﴾ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ مِنَ الْقَوْلِ وَيَعْلَمُ مَا تَكْتُمُونَ ﴿110﴾ وَإِنْ أَدْرِي لَعَلَّهُ فِتْنَةٌ لَّكُمْ وَمَتَاعٌ إِلَى حِينٍ ﴿111﴾ قَالَ رَبِّ احْكُم بِالْحَقِّ وَرَبُّنَا الرَّحْمَنُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ ﴿112﴾**

**ای پیامبرانی که شما و پیروانتان را نجات دادیم! اینک اين امت شماست ، امتي یکجور ، و من پروردگارتان هستم پس مرا عبادت کنيد (92) اما ، به تدریج امت ها کار خويش را در بين خويش پاره پاره کردند غافل از اينکه همگي شان بسوي ما بازميگردند (93) پس هر کس که از کارهاي شايسته انجام دهد و مومن هم باشد نسبت به کوشش او ناسپاسي نميشود و ما خودمان بنفع او مي نويسيم (94) و بر هر شهري که هلاکش کرديم حرام شده است که رفتارِ غالبِ آنها مجددا در روی زمین غالب شود (95) تا نزدیک وقوع قیامت که ياجوج و ماجوج آزاد شوند و از هر بلندي سرازير گردند (96)و آن وعده حق نزديک شود و آنوقت چشمهاي کافران خيره ميمانَد که واي بر ما كه ما از اين غافل بوديم بلکه ظالم هم بوديم (97) به آنها خطاب میشود شما و آنچه که غير خدا عبادت ميكنيد، سوخت جهنميد که وارد آن خواهيد شد (98) اگر آ« معبودان قلابی خدا بودند وارد آن نميشدند اما همگي در آن جاودان خواهند بود (99) در آن ناله ها خواهند کرد و در آن نمي شنوند (100) آنان که از جانب ما نيکي برايشان رقم خورده ، از آن برکنار خواهند ماند (101) حتي زمزمه آن را نيز نخواهند شنيد و در آنچه دلشان بخواهد جاودان خواهند بود (102) و آن هراس بزرگتر نیز به سراغشان نخواهد آمد و غمگينشان نخواهد کرد و فرشتگان به استقبالشان خواهند آمد که اين همان روزي است که به شما وعده ميدادند (103) روزي که آسمان را در هم بپيچيم ، مانند در هم پيچيدن طومارهاي نوشته . همانطور که آفرينش نخستين را آغاز كرديم به همان حالت آن را به همان حالت باز مي گردانيم که البته انجام دهنده اش هستيم (104) و البته در زبور نیز پس از آن پند نوشتيم که زمين به بندگان صالحم به ارث ميرسد (105) که البته در اين براي مردم عبادت پيشه پيامِ رسائي هست (106) و ای پیامبر! ما تو را جز رحمتي براي جهانيان نفرستاديم (107) بگو جز اين نيست که بمن وحي ميشود که البته خدايتان خدائي است واحد ، آيا قبول ميکنيد؟ (108) پس اگر روي گرداندند بگو به همه تان اعلام کردم و نميدانم آنچه که به آن وعده تان ميدهند نزديک يا دور است (109) که او البته به آنچه از گفتارتان که آشکار يا پنهان ميداريد آگاه است (110) و نميدانم شايد آن مايه امتحاني برايتان باشد و يا برخورداريي تا زماني معين (111) ای پیامبر! در دعایت بگو : پروردگارا به حق حکم کن و به پیروانت بگو پروردگارمان خداي رحمان است که در مورد آنچه که آرزویش را ميکنيد مورد کمک خواهي است (112)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: اي پيامبر! باقوت رسالتت را پي گير كه مانند پيامبران گذشته موفق مي شوي.**

**درب : ای پیامبر! از قوم تو، هر دو گروه پیروان و تکذیبگران، به سرانجام بایسته خویش خواهند رسید ، لذا در مقابل این کافران که نسبت به این همه چیزهای مهم غفلت می­ورزند چنین بگوی.**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 می فرماید : ای پیامبر ! به مشکلات رسالتت آنقدر اهمیت نده ، زیرا همین الآن عدّه زیادی سمپات درداخل اردوگاه کفرداری که ازترس سران خویش جرات پیوستن بـه به دعوتت راندارند و ضمن نکوهش کفار لجوج ، که علی­رغم در دسترس داشتن عناصر ایمان­زا ، ایمان نمی­آورند ، می فرماید ای کافران ! تکلیف خودتان را در رابطه با این پیام الهی روشن کنید .

در پاراگراف 2 می فرماید : ای پیامبر ! این کافران از باب هشدار و تشویق ، سخن مستدل روشن ، و صبر و حوصله ، و چشم پوشی ، به اندازه کافی مورد مماشات و مدارا قرار گرفــته اند ، دیگر بین تو و آنان حجت تمام شده است . منتظر تحولات آینده باش .

در پاراگراف 3 می فرماید : ای پیامبر ضعف انسان و هولناکی آخرت و بیچارگی کافران و حق مطلق بودن این قرآن و احتمال هلاکت دستجمعی را بیاد آنان بیاور.

در پاراگراف 4 می فرماید : ای پیامبر برمشکلات رسالتت صبر کن ، به موقع یاری خواهی شد .

در این پاراگراف می فرماید : به همه پیامبران پس از اینکه مشکلات اولیه شان حل شد ندا دادیم که «ای پیامبران! این امت شماست که در مقابل قانون دین شما یکجور هستند و روش و قانون آن اقوامی که هلاک شدند دیگر برنمی­گردد ، نه تنها بزودی روزهای سخت شما پایان می یابد بلکه روش الهی مورد نظر شما که مبتنی بر تقوی و فضایل است ، مستقرمیشود و باقی خواهد ماند ، و روزی که بساط آسمان در هم پیچیده شود، کافران معذب و مؤمنان نجات یافته خواهند بود.

3 - **سوالات**

1 - درنیمه اول آیه97 موضوع کدام کلید تفسیراتفاق افتاده؟

2 - درابتدای آیه 98 چطور؟

3 - شش کلمه اول آیه 99 چطور؟

4 - همین سوال ها رادرباره بقیه آیه99 جواب دهید .

5 - (درابتدای آیه 101) ، چراخداوند نیک انجامی مومنان رابه خویش نسبت داده؟

6 - همین موضوع راباوضوح بیشتردرسوره هود داشتیم . محلّ آن رامشخص کنید .

7 - پنج کلمه آخر آیه 103 با موضوع کدام کلید تفسیر مطابقت دارد؟

8 – در آیه 104 « **كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ** » با موضوع کدام کلید تفسیر مطابقت دارد؟

9 – در همان آیه ، همان عبارت ، اگرکنکاش مناسب انجام شود به کشف یک «معجزه علمی» می انجامد . موضوع آن را بیابید ..

10 – منظور از «ذکر» (آیه105) چیست؟

11 - ارتباط موضوع آیه 107را با کل این پاراگراف مشخص کنید .

12 - «ه» در «لعله» (آیه111) اشاره به چیست؟ (نا معلوم بودن زمان وقوع قیامت؟ یا....؟)

13 - فاعل فعل «قال» (آیه112) کیست؟

14 - «هذا» (آیه106) اشاره به چه دارد؟

15 - ارتباط موضوع آیه 110 را با قبل و بعدآن مشخص کنید .

16- حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟ (امید بخشی؟ دلداری؟ ارشاد؟ هر سه؟ یا....؟) .

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

در این پاراگراف­ها که از آیات 45 شروع و به آیه 91 ختم می­شود، نمونه­هائی از الطاف و نعمت­های الهی را که به پیامبران و مؤمنان ارزانی داشته، به یاد می­آورد که به قرار ذیل می­باشند:

1- دادن ملاک تشخیص حق و باطل (حضرت موسی، آیه 48)،

2- دادن پند پربرکت (پیامبر اسلام، آیه 50)،

3- رشد (ابراهیم، آیه 51)،

4- نجات از طریق معجزه آسا (ابراهیم، آیه 69)،

5- نجات و ارسال بسوی زمینِ با برکت (ابراهیم، آیه 71)،

6- اولاد صالح در پیری (ابراهیم، آیه 72)،

7- حکمت و علم (لوط، آیه 74)،

8- نجات (لوط، آیه 74)،

9- اجابت دعا و نجات (نوح، آیه 76)،

10- نابودی دشمنان (نوح، آیه 77)،

11- تعلیم قضاوت (داوود و سلیمان، آیه 78)،

12- هماهنگ نمودن کوه­ها و طیور با داوود برای تسبیح (داوود، آیه 79)،

13- تعلیم ساختن زره (داوود، آیه 80)،

14- رام کردن باد سرکش (سلیمان، آیه 81)،

15- واداشتن شیاطین­ برای غواصی و کار (سلیمان، آیه 83)،

16- اجابت دعا و برطرف کردن ناراحتی­ها و دادن دو برابر نعمتهائی که از دست داده بود (ایوب، آیه 84)،

17- رحمت بر صابران (اسمعیل، ادریس، ذالکفل، آیه 85)،

18- اجابت و بخشش و نجات (یونس، آیه 88)،

19- نجات (مؤمنان، آیه 88)،

20- اجابت دعا و دادن اولاد در پیری (زکریا، آیه 90)،

21- دادن اولاد بطور معجزه آسا (مریم، آیه 91).

چنانکه دیده می­شود حدود 75% نمونه­های لطف و رحمت الهی که در این آیات ذکر شده ، ناظر بر نجات مؤمنان (آنهم به طریق فوق­العاده و معجزه­ای) و دادن نعمت­های بسیار بسیار مهم به آنان (آنهم به طریق فوق­العاده و معجزه­ای) می­باشد و از همینجا فهمیده می­شود همزمان با نزول این آیات مؤمنانِ پیروِ رسول خدا(ص) خیلی تحت فشار بودند و بنظرشان چنین می­آمد که راه­های چاره قطع است و این نوع آیات آتش امید و نجات­خواهی آنها را خیلی تیز می­کرد و آنها را در همبستگی هرچه قوی­تر به پیامبر(ص) تشویق می­نمود.

از دو آیه 98 و 99 فهمیده میشود سران کفار معاصرِ نزول این آیه ها ، غیر از «الهه» ها (که برخی از فرشتگان باشند) عبادت (= اطاعت) کسان دیگری را نیز میکردند ، و چه بسا منظور آیه ، همان اطاعتی باشد که از انسان های دیگر (که داعی شرک و یا داعی نتایج شرک و یا داعی متفرعات شرک بودند) میکردند .

آیه های 105 و 106 متضمن پیام روشن پیروزی برای جبهه رسول خدا (ص) است ، اما در آیه 109 (که بیشتر به نظر می آید روی سخن بطرف پیروان آنحضرت باشد) میگوید فکر نکنید این پیروزی خیلی زود حاصل شود ، و همچنین آیه 111 متضمن نوعی هشدار هم هست که مبادا شما هم مانند اقوام سلف خراب کنید ! (چنانکه مسلمانان هم اصلا خراب نکردند ! )

**5 – کلیدهای تفسیری**

**اصلی-فرعی:** آیه 93 فرع بر آیه 92 است و این واضح است.

آیه 94 به علت «ف» ابتدای آن، و نیز به علت مفهوم آن که به کلمه «تقطعوا» آیه 93 بر می­گردد فرع برآیه اخیر است و این نیز واضح است.

آیه 96 که حدّ ظرف زمانی آیه 95 را معین می­کند فرع بر همان آیه است و این نیز واضح است.

آیه 98 خطاب به اشخاص موضوع آیه 97 است و لذا فرع بر آن است.

آیه 99 نیز به اشخاص موضوع آیه 98 اشاره دارد و لذا فرع بر آن است.

آیه 100 به موضوع دو آیه قبل از خویش اشاره دارد و لذا فرع بر هر دو آنهاست.

آیه­های 102 و 103 شرح آیه 101 است و لذا فرع بر آن است.

آیه 106 از این لحاظ که دارد «یکی از فواید» پیام آیه 105 را می­رساند فرع بر آیه 105 است.

آیه 109 فرع بر آیه 108 است و این واضح است.

همچنین است آیه 110 که ادامه مطلب آیه 109 است و لذا مجموع آیه­های 109 و 110 فرع بر آیه 108 خواهند بود.

همچنین است وضع آیه 111 که موضوع آن هم ادامه موضوع آیه­های 109 و 110 است.

**ریز کردن پاراگراف تا حد ممکن :**

**1**

**إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ ﴿92﴾**

**درس: اي پيامبر! باقوت رسالتت را پي گير كه مانند پيامبران گذشته موفق مي شوي.**

**درب : ای پیروانِ این پیامبر! اینک شما یک جامعه ایمانیِ همگن اید، لذا رهنمودهای خداوندتان را پیرو باشید.**

**2**

**وَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُم بَيْنَهُمْ كُلٌّ إِلَيْنَا رَاجِعُونَ ﴿93﴾ فَمَن يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ لِسَعْيِهِ وَإِنَّا لَهُ كَاتِبُونَ ﴿94﴾**

**درس: اي پيامبر! باقوت رسالتت را پي گير كه مانند پيامبران گذشته موفق مي شوي.**

**درب : ای پیروانِ این پیامبر! همگنیِ جامعه ایمانی تان را نگسلید و امیدوارِ رفتار خوبِ الهی نسبت به خودتان باشید.**

**3**

**وَحَرَامٌ عَلَى قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ ﴿95﴾ حَتَّى إِذَا فُتِحَتْ يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ وَهُم مِّن كُلِّ حَدَبٍ يَنسِلُونَ ﴿96﴾**

**درس: اي پيامبر! باقوت رسالتت را پي گير كه مانند پيامبران گذشته موفق مي شوي.**

**درب : ای کافران! از اینکه آینده به کام اعتقادات غلط تان بچرخد مایوس باشید.**

**4**

**وَاقْتَرَبَ الْوَعْدُ الْحَقُّ فَإِذَا هِيَ شَاخِصَةٌ أَبْصَارُ الَّذِينَ كَفَرُوا يَا وَيْلَنَا قَدْ كُنَّا فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا بَلْ كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿97﴾ إِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ أَنتُمْ لَهَا وَارِدُونَ ﴿98﴾ لَوْ كَانَ هَؤُلَاء آلِهَةً مَّا وَرَدُوهَا وَكُلٌّ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿99﴾ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَهُمْ فِيهَا لَا يَسْمَعُونَ ﴿100﴾ إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُم مِّنَّا الْحُسْنَى أُوْلَئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ ﴿101﴾ لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا وَهُمْ فِي مَا اشْتَهَتْ أَنفُسُهُمْ خَالِدُونَ ﴿102﴾ لَا يَحْزُنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ وَتَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمُكُمُ الَّذِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ ﴿103﴾**

**درس: اي پيامبر! باقوت رسالتت را پي گير كه مانند پيامبران گذشته موفق مي شوي.**

**درب : ای کافران! بالاخره با حقیقت روبرو میشوید، اما حیف است در جایگاهِ برخویش تاسف خوران باشید.**

**4**

**يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاء كَطَيِّ السِّجِلِّ لِلْكُتُبِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُّعِيدُهُ وَعْدًا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ ﴿104﴾ وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ ﴿105﴾ إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِّقَوْمٍ عَابِدِينَ ﴿106﴾**

**درس: اي پيامبر! باقوت رسالتت را پي گير كه مانند پيامبران گذشته موفق مي شوي.**

**درب : ای پیامبر! به وعده ما دلگرم باش.**

**5**

**وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ ﴿107﴾**

**درس: اي پيامبر! باقوت رسالتت را پي گير كه مانند پيامبران گذشته موفق مي شوي.**

**درب : ای پیامبر! به بندگانم محبت کرده ام که تو را فرستادم، مگذار رفتارهای برخی از آنان تو را از حالتت خارج کند.**

**6**

**قُلْ إِنَّمَا يُوحَى إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَهَلْ أَنتُم مُّسْلِمُونَ ﴿108﴾ فَإِن تَوَلَّوْا فَقُلْ آذَنتُكُمْ عَلَى سَوَاء وَإِنْ أَدْرِي أَقَرِيبٌ أَم بَعِيدٌ مَّا تُوعَدُونَ ﴿109﴾ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ مِنَ الْقَوْلِ وَيَعْلَمُ مَا تَكْتُمُونَ ﴿110﴾ وَإِنْ أَدْرِي لَعَلَّهُ فِتْنَةٌ لَّكُمْ وَمَتَاعٌ إِلَى حِينٍ ﴿111﴾ قَالَ رَبِّ احْكُم بِالْحَقِّ وَرَبُّنَا الرَّحْمَنُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ ﴿112﴾**

**درس: اي پيامبر! باقوت رسالتت را پي گير كه مانند پيامبران گذشته موفق مي شوي.**

**درب : ای پیامبر! در گفتارهایت با مردم روی این محورها متمرکز شو.**

**6 - زاویه با تفاسیر رایج**

**إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ ﴿92﴾** در مورداین آیه در تفاسیر غوغا غوغا است**،** راجع به تک تک کلمات آیه سخنان متخالف گفته اند.

اما ، ما که به ترتیب نزول و درس و درب متکی هستیم حرفی زده ایم که ذیلا خواهید دید و خودتان آن را با آن حرفها مقایسه کنید.

آیه 95 **وَحَرَامٌ عَلَى قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ ﴿95﴾** همچنین است در باره این آیه.

**7 - آیات برجسته این پاراگراف**

**حَتَّى إِذَا فُتِحَتْ يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ وَهُم مِّن كُلِّ حَدَبٍ يَنسِلُونَ ﴿96﴾**

این آیه از آن لحاظ که به دو نوع از موجوداتِ هنوز ندیده و نشناخته اشاره دارد مورد استفاده مکرر وعاظ است و نیز در کتاب های اعجاز قرآن بحث هایی راجع به آن شده و هم کسانی که به خیال خودشان میخواهند به قرآن ایراد بگیرند مورد سوء استفاده واقع میشود.

**وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ ﴿107﴾**

این آیه، هم ورد زبانها است و هم از زبان وعاظ نمی افتد و هم اگر در مفهومش یکی دو ثانیه بیاندیشیم چنان به الطاف الهی و اهمیت وجود مقدس پیامبر اکرم منتقل میشویم که اگر کمی ادامه دهیم اشک جاری میشود.

**8 - آیات مشکل**

آیه های 92 و 93 و 95 و 99 و 112

مشکل بودن این آیات نیز از لحاظ اختلاف نظر مفسران است ، و گرنه برای ما که به ترتیب نزول کار میکنیم و به درس و درب متکی هستیم مشکل نیست، چنانکه ذیلا خواهید دید.

**9 - کدام مطالب این پاراگراف «بی ربط» به نظر میرسد؟**

آیه های 92 و 107 ، در حقیقت، نه تنها این دو آیه، بلکه هیچ آیه ای از قرآن «بی ربط» نیست ، بلکه فقط توسط برخی که به کلام الهی چندان آشنا نیستند «بی ربط به نظر میرسند» ، آنهم به این علت است که دو آیه مذکور «پرانتزی» میباشند، دلیلش هم اینکه اگر چشم خویش را بر آنها ببندیم و قبل و بعد آنها را وصل کنیم خواهیم دید روال سخن صافت و یکدست و بی سکته است.

**10 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

آیه های 95 و 96 و 104 و 105

سروش و مجتهد شبستری (و پیروان آنها) کلامی دارند که خلاصه اش این است که در قرآن سخنی نیست که خارج از معهودات مشافهین (یعنی فوق ذهنیات مخاطبان اولیه) باشد ، این سخن فوق العاده غلط و باطل است ، نمونه اش هم همان آیات فوق که نه تنها فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است، بلکه بعضی از آنها فوق ذهنیات ما نیز میباشد.

**11 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در آیه 104 میفرماید : روزي که آسمان را در هم بپيچيم مانند در هم پيچيدن طومارهاي نوشته. همانطور که آفرينش نخستين را آغاز كرديم آنرا باز مي گردانيم که البته انجام دهنده اش هستيم (104)

از آیه فوق فهمیده می­شود که در «آفرینش اول» آسمان «بسته» بود، و بعداً «باز» شد. بعبارت دیگر باز هم همان نظریه «انفجار عظیم» را در اینجا هم می­بینیم.

در آیه 105 در موضوعی تلویحیِ نزدیک به صریح وعده موفقیت به گفتمان آنحضرت میدهد .

در آیه 107 وعده روشنی میدهد که دین تو به حصار های مکه محصور نخواهد ماند.

**12 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

در باره آیات این پاراگراف ، حتی امروز نیز ، با توجه به معانی والای آن ، حتی برخی مفسران هم ، درک مقبولی از آن ندارند ، چه رسد به مخاطبان اولیه ! در عین حالیکه کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در این هزار و چند صد سال ، تغییر معنای قابل توجهی نیافته اند !

در این پاراگراف سطح علمی سخن از سطح امروز قرن 21 نیز بالاتر است .

که شبهه دیگری را رد میکند و آن شبهه این است که در قرآن هیچ مطلبی نیست که از سطح درک مخاطب های اولیه بالاتر باشد .

**13 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

1 - مژده و دلداری به پیامبر(ص) که از قوم تو، هر دو گروه پیروان و تکذیبگران، به سرانجام بایسته خویش خواهند رسید.

2 – توصیه به پیامبر (ص) که در مقابل این کافران که نسبت به این همه چیزهای مهم غفلت می­ورزند چنین بگوی.

**14 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تقریبا تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**منظور از«کُم» (= شما) در کلمه «امتکم» کیست؟**

منظور از کلمه «کم» پیامبرانی است که در پاراگراف­های قبل اسمشان آمد، و نیز همه پیامبرانی که وجود داشتند و اسمشان در قرآن نیامده است.

چرا؟

به دلیل خطاب یا «ایها الرسل» (=ای پیامبران) در آیه 51 سوره مؤمنون، که درست پس از آن، دو آیه دقیقاً شبیه دو آیه 92 و 93 آمده است.

**در چه هنگامی خطاب فوق (یعنی آیه 92) صادر شده؟**

هنگامی که خداوند آن پیامبران را موفق نمود و دشمنانشان را مغلوب و آنها و قومشان را نجات داد.

چرا؟

به دلیل اینهمه شرح موفقیت­های پیامبران ، که در پارگراف­های قبل از این پاراگراف در این سوره ، و نیز آیه­های 49 و 50 و 51 سوره مؤمنون ، فرموده است.

**منظور از آیه 92 در این سوره چه بوده؟**

خداوند تلویحاً دارد به پیامبر(ص) و پیروانش می­فرماید ای پیامبر! و ای مسلمانان! به زودی شما هم از این وضعیت به وضعیت مطلوب در خواهید آمد، اما آنطور نباشید که قبلی­ها شدند، یعنی مطابق آیه 53 سوره مؤمنون ، و ِآیه 93 این سوره، رفتار نکنید ، بلکه در همان حالت «امت واحده» بمانید (چنانکه ماندند!!)

**«قریه» در آیه 95 به معنی «عمل اهل قریه» است**

مفسران محترم سلف در تفسیر آیه 95 نوعاً به این معنی گرایش دارند که در آن محلی که آن قریه مورد عذاب بوده، پس از وقوع آن عذاب ، دیگر در آنجا آبادیی به وجود نخواهد آمد.

این معنی بعید است زیرا تعداد پیامبران ، به دلیل «ولکل قوم هاد» سوره رعد ، لاتعد و لاتحصی است ، و اگر قرار بود آن معنی درست باشد پس اینک در روی زمین نباید جای آبادی وجود داشته باشد، در حالی که می­بینیم امروز روی ربع مسکون کره زمین، یا جنگل است یا کشاورزی است، یا جاده و اتوبان است، یا نیروگاه برق است، یا تأسیسات مخابراتی است ، یاانواع صنایع است ، و خلاصه اینکه در اکثر ربع مسکون «زندگی» جریان دارد و این، آن گرایش تفسیری را رد می­کند.

پس چه؟

تفسیر درست­تر این است که :

«راه و روش زندگی» آن اقوام مغضوب و هلاک شده دیگر بر نمی­گردد.

**ان قلت**

کسی ممکن است بگوید : اگر حرف شما صحیح باشد، امروز می­باید در دنیا همجنس­بازی وجود نداشته باشد، در حالیکه می­دانیم در دوره مغول­ها و پس از آن، تاکنون، همیشه لواط وجود داشته، و به خصوص امروز این همه فیلم­هایی که به صورت سی دی و دی وی دی در داخل کشور ما به صورت وارداتی وجود دارد که در جهت تبلیغ و رفع کراهت لواط است، و معروف­ترین هنرپیشه­ها، (که گران­ترین دستمزدها را دارند) در آنها بازی کرده­اند، و نیز در بعضی کشورهای به اصطلاح پیشرفته ، لواط «قانونی» است ، و اینک ( که اواخر2011 میلادی است ) دو مرد با یکدیگر در کلیسا ازدواج رسمی کرده­اند، آیا این عمل قوم لوط نیست که برگشته؟

می­گوییم بله! گرچه اینها­ واقعیت دارد اما قوم لوط «روش غالب زندگی»شان لواط بود و قوم شعیب «روش غالب زندگی»شان کم­فروشی بود و قوم عاد «روش غالب زندگی» آنها «زدن بر سر ناتوان دست زور» بود، و ما عرض می­کنیم این چیز­ها برنمی­گردد، یعنی به فرموده آیه 95، روزی نخواهد آمد که «روش غالب زندگی» مردم «لواط» و «کم­فروشی» و «زدن بر سر ناتوان دست زور» باشد و اگر می­بینیم در اینجا و آنجا لواط و کم­فروشی و زور صریح و عریان دیده می­شود ، از لحاظ اکثریت مردم، این کارها پسندیده نیست بلکه نفرت­آور و چندش­آور و کریه است.

یعنی خداوند در آیه 95 می­فرماید :

«چیزهای ناپسندی را که اقوام هلاک شده پسندیده می­دانستند، و روش غالب زندگی آنها بود و هلاک شدند، دیگر به صورت روش غالب پسندیده مطرح نخواهد شد»

**یاجوج و ماجوج**

چنانکه در سوره کهف خواهیم دید «ذی القرنین» شکاف بین دو کوه را با ریختن مواد مذاب و خرده فلز پر کرد و لذا «یاجوج و ماجوج» دیگر نتوانستند نه از آن بالا روند و نه بر آن نقب بزنند و پشت آن «سد» محبوس ماندند و شرشان موقتاً دفع شد. «یاجوج و ماجوج»ی که در آیه 96 مطرح است آن چیزی نیست که در سوره کهف ذکر شده است. زیرا مطلب سوره کهف علیرغم شباهت و حتی انطباق لفظ، مربوط به گذشته دور است، در حالی که موضوع آیه 96 مربوط به آینده­ای است که هنوز به وقوع آن خیلی مانده است.

مفسرین محترم هم درباره آیه 96 تفسیری که به دل بچسبد و فکر قانع شود ندارند. در اینجا باید نکته­ای عرض شود و آنهم اینکه امروز بسیاری از آیات را می­بینیم که معجزه علمی یا معجزه تاریخی است.

یعنی اینکه امروز فهمیده می­شود اما قبلاً به خوبیِ امروزه فهمیده نمی­شد.

به همان قیاس می­توان انتظار داشت در قرآن کریم آیاتی هم باشد که حتی امروز هم فهمیده نشود و سال­ها بعد فهمیده شود و ممکن است این آیه نیز یکی از آنها باشد. در هر حال یکی از علائم نزدیک بودن وقوع قیامت، ظهور قوم یاجوج و ماجوج است که مثل سیل از تپه­هائی سرازیر می­شوند. ( البته دلیلی هم وجود ندارد که این «یاجوج و ماجوج» همان یاجوج و ماجوجی باشد که در سوره کهف ذکر شده است)

**فرضیه پیشنهادی:** پیشنهاد ما این است که این یاجوج و ماجوج، همان قومی که در سوره کهف و در داستان ذی القرنین آمده، نیست.

یاجوج و ماجوج مطرح در آیه 96، لااقل در امروز هنوز موجود نیست .

زیرا اگر بود، این خبرنگارهائی که دنبال کوچکترین چیز عجیب و غریب می­گردند تا آنرا با تبلیغات زیاد مطرح کنند و تیراژ مجله­شان یا قیمت آگهی کانال رادیو – تلویزیونی­شان را بالا ببرند تا حالا آنها را به نمایش درآورده بودند.

لذا آنها بعداً بوجود خواهند آمد.

بوجود آمدن آنها هم اینطور خواهد بود که با اینهمه کار مهندسی ژنتیک که دارد روی انسان و حیوان انجام می­شود و سعی می­شود ضریب توانائی مغزی انسان و حیوان بالاتر برود، یا این باصطلاح «مشابه­سازی»ها که با این گستردگی دارد انجام می­شود و این مراقبت­ها و حفاظت­های ضعیفی که بعلت خصوصی بودن لابراتورها اعمال می­شود باعث خواهد شد درب یکی از آزمایشگاه­ها مدتی باز بماند و موجوداتی بتوانند فرار کنند.

بعضی از آن فراریان جای دور از چشمی را پیدا خواهند کرد و آنرا برای زندگی خویش مناسب خواهند نمود و خود را نیز با آن وفق خواهند داد.

به احتمال زیاد چون جنگ­های محلی طولانی نیز در کل جهان زیاد است (مثلاً جنگ­های ایرلند بیش از چهل سال و در آنگولا حدود بیست و پنج سال و در ایران و عراق هشت سال) و زیادتر هم خواهد شد، آنها از جنگ­های محلیِ نزدیک به خود استفاده کرده و (در امنیت حاصله از بی­خبری طرفین و دیگران) بسرعت زیاد خواهند شد و بجائی خواهند رسید که دیگر نمی­توانند در جغرافیای خویش محدود بمانند و مانند «بربرها» که یکی از دلایل سقوط حکومت روم بودند، آنها هم به «جهان متمدن» وقت که دیگر مانند حکومت روم فرتوت و ضعیف و دارای مشکلات لاینحل داخلی است، سرازیر خواهند شد و کاری خواهند کرد که آیه 96 گوشه­ای از آن را بازگو می­کند.

اینک که اواسط سال 2015 است و این پاراگراف دارد ویرایش مختصر میشود پیدایش «داعش» را که ناگهان و در یک سال با کمک اسرائیل به وجود آمد و اینهمه وحشیگری و سفاکی را به نام مقدس اسلام میکند و حتی یک تیر هم بطرف اسرائیل شلیک نکرده ، و بیشترین سود را به اسرائیل رسانده ، یکی از شبیه ترین نمونه ها به یاجوج و ماجوج را دارد عملا نشان میدهد زیرا اینها گروهی هستند که شعار اسلام – اسلام میدهند و در رفتارشان ذره ای از حقیقت شعارشان دیده نمیشود و همه رفتارهای عمده آنها در جهت خلاف شعارشان است و گوئی گنگ و عقب مانده ذهنی (که معنی یاجوج و ماجوج باشد) هستند و لذا پیدایش چنان موجوداتی در اواخر تاریخ بشر نیز چندان دور از ذهن نیست .

**معذب شدن کسی که «معبود» واقع شده یعنی چه؟**

در رابطه با آیه 98 معذب شدن آنکس که غیر خدا را عبادت می­کند مفهوم و معقول است اما معذب بودن آنکس که عبادت می­شود، چه توجیهی دارد؟

در اینجا باید توجه خواننده محترم را جلب نمائیم که اگر به آیه اواخر سوره یس توجه فرموده باشید که می­گوید «ای بنی­آدم آیا با شما قرار نگذاشته بودم که عبادت شیطان نکنید ...» خواهیم فهمید که یک معنی عبادت، پیروی و اطاعت است.

با توجه به این مفهوم، موضوع آیه 98 روشن می­شود: کسی که غیر خدا را اطاعت می­کند، معذب بودن او مفهوم و معقول است اما کسی که مورد چنین اطاعت ناحقی قرار می­گیرد، از لحاظ نقشی که در این امر داشته مسئول است، مثلاً مردم را دعوت به اطاعت ناحق از خویش نموده و بعداً این قضیه عادت شده و یا مردم را تشویق و یا مجبور به اطاعت خویش نموده و بعدها این اطاعت ناحق عادت شده، و بصورت «روش آباء و اجدادی» تقدس هم یافته است.

او نیز از لحاظ نقشی که در آن اطاعتِ (= عبادتِ) خلاف داشته ، معذب خواهد بود و این تعذیب مفهوم و معقول و منطقی است .

به این ترتیب آیه­های 99 و 100 نیز مفهوم است.

**فعل خداوند قانونمند است**

در رابطه با آیه 101، و تیتر فوق، «از جانب ما برای آنها نیکی رقم خورده»، یعنی «مطابق قوانین ما لیاقت نیکی یافته­­اند»

**وقوع قیامت در سطح منظومه شمسی است**

در رابطه با آیه 104 پدید آمدن قیامت همانطور که قبلاً کراراً دیده­ایم در اینجا در آیه 104 مجدداً مورد اشاره واقع شده و توجه به کلمه «آسمان» قابل توجه است و نشان می­دهد که «در هم پیچیده شدن» مذکور در سطح منظومه شمسی خواهد بود و نه در کل جهان زیرا در آنصورت لازم بود کلمه «آسمانها» بکار رود.

**آیه «فلسفه تاریخ»ی**

آیه 105 چنانکه ملاحظه می­کنیم راجع به آینده بشریت القاء کننده دید مثبت است، (که شر در مقابل خیر رنگ می­بازد و خیر حاکم می­شود) و این یک نکته مهم «فلسفه تاریخ»ی و مغایر با فلسفه­های رایج موسوم به «پوچی» است و با نفس و ذات انسان که همواره در تکاپو بطرف تکامل و تعالی است همخوانی دارد.

**جمع بندی و تفسیر**

**اين امت شماست ، امتي یکجور ، و من پروردگارتان هستم پس مرا عبادت کنيد (92)** {و کار خويش را در بين خويش پاره پاره کردند (غافل از اينکه) همگي شان بسوي ما بازميگردند (93) پس هر کس که از کارهاي شايسته انجام دهد و مومن هم باشد نسبت به کوشش او ناسپاسي نميشود و ما خودمان بنفع او مي نويسيم} (94) **و بر هر شهريکه هلاکش کرديم حرام** (شده) **است که بازگردند (95)** {تا اينکه ياجوج و ماجوج آزاد شوند و از هر بلندي سرازير گردند} (96)**و آن وعده حق نزديک شد و آنوقت چشمهاي کافران خيره ميمانَد که واي بر ما كه ما از اين غافل بوديم بلکه ظالم هم بوديم (97)** {[به آنها خطاب میشود] شما و آنچه که غير خدا عبادت ميكنيد، سوخت جهنميد که وارد آن خواهيد شد (98) اگر آنها خدا بودند وارد آن نميشدند اما همگي در آن جاودان خواهند بود (99) در آن ناله ها خواهند کرد و در آن نمي شنوند} (100) **آنان که از جانب ما نيکي برايشان رقم خورده ، از آن برکنار خواهند ماند (101)** {حتي زمزمه آن را نيز نخواهند شنيد و در آنچه دلشان بخواهد جاودان خواهند بود (102) آن هراس بزرگتر غمگينشان نخواهد کرد و فرشتگان به استقبالشان خواهند آمد که آين همان روزي است که به شما وعده ميدادند} (103)  **روزي که آسمان را در هم بپيچيم ، مانند در هم پيچيدن طومارهاي نوشته . همانطور که آفرينش نخستين را آغاز كرديم آنرا باز مي گردانيم که البته انجام دهنده اش هستيم (104)** **و البته در زبور پس از آن پند نوشتيم که زمين به بندگان صالحم به ارث ميرسد (105) که البته در اين براي مردم عبادت پيشه پيامِ رسائي هست (106) و ما تو را جز رحمتي براي جهانيان نفرستاديم (107) بگو جز اين نيست که بمن وحي ميشود که البته خدايتان خدائي است واحد ، آيا قبول ميکنيد؟ (108) پس اگر روي گرداندند بگو به همه تان اعلام کردم و نميدانم آنچه که به آن وعده تان ميدهند نزديک يا دور است (109) که او البته به آنچه از گفتارتان که آشکار يا پنهان ميداريد آگاه است (110) و نميدانم شايد آن مايه امتحاني برايتان باشد و يا برخورداريي تا زماني معين (111) گفت پروردگارا به حق حکم کن و پروردگارمان خداي رحمان است که در مورد آنچه که وصفش را ميکنيد مورد کمک خواهي است (112)**

**سوره صافات**

**﴿ بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾**

**وَالصَّافَّاتِ صَفًّا ﴿1﴾ فَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا ﴿2﴾ فَالتَّالِيَاتِ ذِكْرًا ﴿3﴾ إِنَّ إِلَهَكُمْ لَوَاحِدٌ ﴿4﴾ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَرَبُّ الْمَشَارِقِ ﴿5﴾ إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاء الدُّنْيَا بِزِينَةٍ الْكَوَاكِبِ ﴿6﴾ وَحِفْظًا مِّن كُلِّ شَيْطَانٍ مَّارِدٍ ﴿7﴾ لَا يَسَّمَّعُونَ إِلَى الْمَلَإِ الْأَعْلَى وَيُقْذَفُونَ مِن كُلِّ جَانِبٍ ﴿8﴾ دُحُورًا وَلَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ ﴿9﴾ إِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ ﴿10﴾ فَاسْتَفْتِهِمْ أَهُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَم مَّنْ خَلَقْنَا إِنَّا خَلَقْنَاهُم مِّن طِينٍ لَّازِبٍ ﴿11﴾**

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**قسم به صف بستگانِ صف در صف (1) كه به تندي مي رانند (2) و خوانندگانی كه پند با عظمتی را می خوانند (3) که البته خداي شما يکي است (4) که پروردگار آسمانها و زمين و بين آنها و پروردگار مشرق هاست (5) البته آسمان نزدیکتر به شما را به زينت ستارگان آراستيم (6) و از هر موجود مزاحمی محفوظش داشتيم (7) هیچکس نمی تواند به گفتگوي بزرگان عاليمرتبه آسماني گوش سپارد و اگر کسی چنین قصدی داشته باشد از هر طرف رانده ميشود (8) به دورها، و عذابي سخت خواهند داشت (9) و گر کسي از آنها چیزی حتی کوچک را نیز برباید شهابي درخشان درتعقيب او خواهد بود (10) پس، ای پیامبر! از آنان که کفر میورزند بپرس آيا خلقت آنها محکمتر است يا آن كساني که در آسمانها آفريده ايم؟ اینان را که از گِلي چسبنده آفريده ايم (11)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

تاکنون ، در دو جلد اولیه این تفسیر ، در ابتدای پاراگراف اول هر سوره ، ذیل تیتر فوق ، لااقل دو جدول اول و آخرِ طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یا همان «درس» سوره) را می آوردیم ، اینک که خواننده محترم به اندازه کافی آنها را دیده ، و دانسته که طرز استخراج چگونه است ، به علت علاقه به رعایت اختصار ، دیگر جدول های مذکور را که دائما طولانی تر میشود ، ذکر نمیکنیم ، و اگر کسی بخواهد، میتواند همه آنها را در کتاب «راهنمای تحلیلی» ما (در سایت ما که در اول و آخر این کتاب معرفی کرده ایم) ببیند .

**درس: ايمان سبب نجات در دو جهان است.**

**درب : قسم به فرشتگاني كه در حوزه وحي مسئولند و مسير وحي كه مربوط به رساندن حقايق ايماني است كاملاً حفاظت شده مي باشد .**

**2 - سوالات**

1 - تنوین روی «صف» بابت تعظیم است یا تصغیر؟

2 – اساسا «صف» چه چیزی را به ذهن می آورد؟

3-کدام معنی «تلاوت» در آیه 3 مورد نظر است ؟ (خواندن؟ دنباله روی ؟ یا.....؟)

4 – در آیه های 2 و 3 چرا از صفت فاعلی مونث استفاده شده است؟

5 – منظور از «مشرق» (آیه5) معنی لغوی آن است یا اصطلاحی؟

6 – با توجه به آیه5 ، بین آسمان ها و زمین چه چیزهائی هست؟

7 – منظور از «من خلقنا» (آیه11) چه کسانی است؟

8 - در رابطه با آیه6 ، «کواکب» (=ستارگان) خیلی از زمین دور ، وخیلی ازآن بزرگترند و طبعا اینطورنیستند که در«کره هوا» قرار بگیرند ، بلکه وقتیکه ما به آسمان نگاه میکنیم چنین بنظرمان میاید که آنها درهمین نزدیکیها هستند سوال این است که این طـــرز سخن گفتن از چه نوع است؟ (به زبان مخاطب؟ به زبان مثال؟ یا.....؟)

9 – در ابتدای آیه 7 ، موضوع کدام کلید تفسیر اتفاق افتاده؟

10 – در ابتدای آیه 8 چه؟

11 - حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟

12 – در آیه 7 منظور از «شیطان» چیست؟ (به معنی لغوی آمده و منظور از آن موجودات مزاحم است؟ یا . . ؟)

**3 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

در آیه 4 روی وحدانیت خداوند و در آیه 5 روی ربوبیت آنحضرت در خصوص آسمانها و زمین و بین آنها و «مشرق»ها تاکید دارد، و از آن، این فهمیده میشود که در آن روزها از لحاظ اعتقادی دو مشکل در اذهان عمومی بوده، یکی وحدانیت خداوند و دیگری ربوبیت او .

در آیات 7 تا 10 مصدر وحی را آسمان و مسیر وحی را ایمن و موجودات مزاحم را از دسترسی به وحی ناتوان معرفی میفرماید، و از آن این فهمیده میشود که در اذهان مردم در آن روز ها خلاف این مطالب وجود میداشته است .

در آیه 11 مخالفان آنحضرت را دچار توهم و علت مخالفتشان را بی علمی تعلیل میکند .

**4 – کلیدهای تفسیری**

**اصلی-فرعی:**

آیه 5 فرع بر آیه 4 است و این واضح است.

دو آیه 2 و 3، هر دو مجموعاً فرع بر آیه 1 هستند و این نیز واضح است.

آیه 10 فرع بر آیه 9 است ، ( به دلیل «الّا») و این واضح است.

دو آیه 9 و 8 نیز که مدلول آیه 7 را توضیح می­دهند فرع بر آن هستند.

**ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:**

**1**

**وَالصَّافَّاتِ صَفًّا ﴿1﴾ فَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا ﴿2﴾ فَالتَّالِيَاتِ ذِكْرًا ﴿3﴾ إِنَّ إِلَهَكُمْ لَوَاحِدٌ ﴿4﴾**

**درس: ايمان سبب نجات در دو جهان است.**

**درب : اعتقاد به وحدانیت خداوند بسیار مهم است.**

**2**

**رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَرَبُّ الْمَشَارِقِ ﴿5﴾**

**درس: ايمان سبب نجات در دو جهان است.**

**درب : ذکر یکی از صفات الهی.**

**3**

**إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاء الدُّنْيَا بِزِينَةٍ الْكَوَاكِبِ ﴿6﴾ وَحِفْظًا مِّن كُلِّ شَيْطَانٍ مَّارِدٍ ﴿7﴾ لَا يَسَّمَّعُونَ إِلَى الْمَلَإِ الْأَعْلَى وَيُقْذَفُونَ مِن كُلِّ جَانِبٍ ﴿8﴾ دُحُورًا وَلَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ ﴿9﴾ إِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ ﴿10﴾**

**درس: ايمان سبب نجات در دو جهان است.**

**درب : وحی که عنصر اصلیِ موجبِ ایمان است، محفوظ است و خالص میمانَد.**

**4**

**فَاسْتَفْتِهِمْ أَهُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَم مَّنْ خَلَقْنَا إِنَّا خَلَقْنَاهُم مِّن طِينٍ لَّازِبٍ ﴿11﴾**

**درس: ايمان سبب نجات در دو جهان است.**

**درب : این خداوند واحدِ مورد ایمان، بینهایت عالم و قادر است.**

**5 - پیشگوئی های تحقق یافته**

کلمه «مشرق­ها» در آیه 5 از این لحاظ که با کرویت زمین همخوانی دارد، چیزیست که تا هزار سال پس از نزول این آیات هنوز توسط فیزیک­دانان مطرح نشده بود و از این لحاظ بار اعجازی دارد .

**6 – زاویه با تفاسیر رایج**

(المیزان) : در اين سوره بر مساله توحيد احتجاج شده،

بلکه عصاره محتوای سوره که از راه محاسبه استخراج کرده ایم چنین میگوید:

درس : ایمان سبب نجات در دو جهان است .

**7 - آیات مشکل**

**وَالصَّافَّاتِ صَفًّا ﴿1﴾ فَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا ﴿2﴾ فَالتَّالِيَاتِ ذِكْرًا ﴿3﴾ إِنَّ إِلَهَكُمْ لَوَاحِدٌ ﴿4﴾**

مشکل بودن آیات فوق از زیادیِ اختلافاتی است که مفسران بر سر تفسیر آن با یکدیگر پیدا کرده اند، و برای اینکه تصوری از آن داشته باشید در نرم افزارهایی که اکثر تفسیر های مطرح را در خود دارند و امروز بسیاری از تفسیرخوانان آنها را بر گوشی ها و کامپیوترهای خویش نصب کرده اند، ببینید ذیل همین آیات چه ها گفته اند!

اما، ما که به ترتیب نزول کار میکنیم و به درس و درب مجهزیم، مشکلی در این آیات نمی بینیم و چنانکه ذیلا می بینید به آسانی و به وجهی معقول و مقبول معنی شان کرده ایم.

**8 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

**رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَرَبُّ الْمَشَارِقِ ﴿5﴾**

**إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاء الدُّنْيَا بِزِينَةٍ الْكَوَاكِبِ ﴿6﴾ وَحِفْظًا مِّن كُلِّ شَيْطَانٍ مَّارِدٍ ﴿7﴾ لَا يَسَّمَّعُونَ إِلَى الْمَلَإِ الْأَعْلَى وَيُقْذَفُونَ مِن كُلِّ جَانِبٍ ﴿8﴾ دُحُورًا وَلَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ ﴿9﴾ إِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ ﴿10﴾**

**فَاسْتَفْتِهِمْ أَهُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَم مَّنْ خَلَقْنَا إِنَّا خَلَقْنَاهُم مِّن طِينٍ لَّازِبٍ ﴿11﴾**

یکی ممکن است معترض شود که «چرا این تیتر را اینهمه تکرار میکنی؟»

در این خصوص باید خاطر نشان کنیم که یک شبهه ای اخیرا در سطح وسیع القا شده که مطالب قرآن خارج از فهم مخاطب های اولیه نیست، که سروش و مجتهد شبستری از سرداران آن، و بقیهء اذناب و نوچه هایشان نیز در اینجا و آنجا به باد زدن به آتش آن مشغولند.

ماهم با ذکر تیتر فوق در حقیقت داریم آن شبهه را در هر پاراگراف چِک میکنیم.

آیا مخاطب های اولیه کوچکترین تصوری از «دارای مشرق ها و مغرب ها بودنِ» زمین داشته اند و اساسا میتوانسته اند داشته باشند؟

آیا مخاطب های اولیه کمترین تصوری از اینکه کره هوا مانع از صدمه دیدن ساکنان زمین از سوی مزاحمانِ خارج از زمین است، داشته اند؟ و اساسا میتوانستند داشته باشند؟

آیا مخاطب های اولیه اساسا میتوانستند کوچکترین تصوری از «راهزنی اجنه و شیاطین» در مورد وحی داشته باشند؟ و آیا حتی ما قرن بیست و یکمی ها کوچکترین تصوری در باره آن میتوانیم داشته باشیم؟

البته ذیلا شرحی – با توجه به بضاعه مزجات علمی خویش – برای موارد مذکور تقدیم کرده ایم.

**9 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

مخاطبان اولیه که بجای خود، مانیز امروز – چنانکه فوقا دیدیم - نمیتوانیم تصور روشنی از این امور که جزء مغیبات است داشته باشیم .

**10 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

وحیی که به پیامبر ما رسیده ، بدون امکان کوچکترین دخل و تصرفی بوده است.

**11 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تقریبا تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

**شرح مختصر**

**«سازمان» القاء کلمه حق**

آیه اول ، به بهترین وجهی « نظم» و «سازمان یافتگی» را به ذهن می­آورد و با توجه به آیه­های 2و3 آیه اول که بیانگر«نظم سازمانی» است ، در آن «سازمان» ، «سرعت عمل» و «پند» ازاولویت­های اصلی است.

بنابراین ، این قسم به نوعی سازمان وحی­رسانی اشاره دارد که قبلاً نیز در قسم­های ابتدای سوره مرسلات با آن آشنا شده­ایم .

در آیه 4 هدف اصلی کار این سازمانِ وحی­رسانی ، القاء کلمه توحید است و درحقیقت با توجه به این آیه ، باید به این نکته منتقل شد که این سازمان مکمل سازمان مطرح شده در قسم­های سوره مرسلات است .

**منشاء آفرینش حیات**

با توجه به آیه 11 در ترتیب نزول سوره­ها ، این اولین بار است که به منشاء خیلی دور پیدایش آدمی اشاره می­شود .

اما از این پس ، به عبارات مختلف ، و وجوه گوناگون ، این تعبیر پیگیری می­شود.

«گِلی چسبنده» ، به رسوبات اولیه چندین میلیون­ها سال قبل در دریاها اشاره دارد که منشاء حیات بوده است و این نوع تعبیر خیلی دور از فهمِ نه تنها مخاطبانِ اولیه، بلکه حتی کل جهانِ آن روزها بوده و یکی از پیشگوئی های تحقق یافته قرآنی است .

**حفاظ بودن «آسمان دنیا»**

کلمه «دنیا» (آیه 6) را اگر بمعنی لغوی آن، یعنی «نزدیکتر» بگیریم، در آنصورت «آسمان نزدیک­تر» همین «کره هوا» است ، که محدوده آن نیز، همان محدوده جاذبه زمین است.

این «کره هوا» از چه چیزهائی حفاظت می­کند؟

تاکنون این را فهمیده­ایم که ما را از «اجرام سماوی سرگردان» حفاظت می­کند و آنها بمحض نزدیک شدن به زمین در اثر اصطکاک با کره هوا و حرارت حاصله از آن تا به زمین برسند و اصابت کنند و احیاناً چیزی را خراب کنند، چیزی از آنها باقی نمانده است، مگر اینکه بسیار بزرگ باشند که علیرغم سوختن قسمت عمده­ای از وجودشان ، هنوز چیزی از آن بماند و باقیمانده به زمین اصابت کند که در آنصورت خرابی به بار می­آورد و اگر هم در نقاط غیرمسکونی به زمین بیفتد ، حفره­ای ایجاد می­کند که از این نوع حفره­ها در سطح زمین چند تائی وجود دارد .

و اگر این کره هوا ، چنین نقش حفاظتی نداشت کره زمین و حیات موجود بر روی آن ، زیر بمباران دائمی اینهمه اجرام آسمانی سرگردان که میلیونها عدد از آنها در هر ثانیه به زمین فرود می­آید ، کاملاً نابود می­شد .

این موضوع نیز هنوز سیصد سال نشده که شناخته شده و آیه 7 از این لحاظ بار اعجازی دارد.

**جاسوسی ممنوع**

در رابطه با آیات 7تا10 ، در سوره جن دیدیم که جنیان از استماع مطالب وحی پیامبر(ص) در آسمان منع شده­اند و اگر بخواهند استراق سمعی کنند؛ «شهاب ثاقب» دنبالشان می­کند .

تاکنون از سوره­های قبلی اینطور فهمیده­ایم که شیطان یکی از عوامل گمراهی آدمی است و یکی از آنان «ابلیس» نام دارد و او عوامل و فرزندانی دارد که آنها در کار گمراهی آدمیزادند و ابلیس از جنیان است و چنانکه در سوره­های تکویر، حاقه، شعراء و جاهای دیگر دیدیم، «وحی» از دخل و تصرف جن و شیاطین محفوظ است.

در این پاراگراف نوع این حفاظت تشریح می­گردد:

1- شیاطین (و جن) ، از استراق سمع مکالمات «بزرگان عالی­رتبه آسمانی» منع می­شوند و این منع از طریق «رانده شدن» آنان انجام می­شود .

2- این رانده شدن با سرکوبی نیز همراه است .

3- ممکن هم هست بالاخره بعضی از آنها موفق به استراق سمعی هم بشوند که در آنصورت مورد تیراندازی شهاب­های نافذ قرار خواهند گرفت و چنانکه از آیه 7 پیداست ، این مکانیزم حفاظتی در «آسمان دنیا» تعبیه شده است.

**جمع بندی و تفسیر**

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**قسم به صف بستگان صف در صف (1)**  {كه به تندي مي رانند (2) و خوانندگانی كه پند با عظمتی را می خوانند} (3) **که البته خداي شما يکي است (4)** {(که) پروردگار آسمانها و زمين و بين آنها و پروردگار مشرق هاست} (5) **البته آسمان نزدیکتر** (به شما) **را به زينت ستارگان آراستيم (6) و از هر موجود مزاحمی محفوظ داشتيم (7)** { [هیچکس] (نمی تواند) به (گفتگوي) بزرگان عاليمرتبه (آسماني) گوش سپارد و از هر طرف رانده ميشوند (8) (به) دور رانده مي شوند و عذابي سخت دارند (9) مگر کسي (از آنها) که چيزي را بربايد که شهابي درخشان درتعقيب او خواهد بود} (10) **پس از آنان** (که کفر میورزند) **بپرس آيا خلقت آنها محکمتر است يا** (آن) **كساني که** (درآسمانها) **آفريده ايم؟ آنان را از گِلي چسبنده آفريديم (11)**

**صافات2 آیات12تا74**

**بَلْ عَجِبْتَ وَيَسْخَرُونَ ﴿12﴾ وَإِذَا ذُكِّرُوا لَا يَذْكُرُونَ ﴿13﴾ وَإِذَا رَأَوْا آيَةً يَسْتَسْخِرُونَ ﴿14﴾ وَقَالُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿15﴾ أَئِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَئِنَّا لَمَبْعُوثُونَ ﴿16﴾ أَوَآبَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ ﴿17﴾ قُلْ نَعَمْ وَأَنتُمْ دَاخِرُونَ ﴿18﴾ فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ فَإِذَا هُمْ يَنظُرُونَ ﴿19﴾ وَقَالُوا يَا وَيْلَنَا هَذَا يَوْمُ الدِّينِ ﴿20﴾ هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ الَّذِي كُنتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ ﴿21﴾ احْشُرُوا الَّذِينَ ظَلَمُوا وَأَزْوَاجَهُمْ وَمَا كَانُوا يَعْبُدُونَ ﴿22﴾ مِن دُونِ اللَّهِ فَاهْدُوهُمْ إِلَى صِرَاطِ الْجَحِيمِ ﴿23﴾ وَقِفُوهُمْ إِنَّهُم مَّسْئُولُونَ ﴿24﴾ مَا لَكُمْ لَا تَنَاصَرُونَ ﴿25﴾ بَلْ هُمُ الْيَوْمَ مُسْتَسْلِمُونَ ﴿26﴾ وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءلُونَ ﴿27﴾ قَالُوا إِنَّكُمْ كُنتُمْ تَأْتُونَنَا عَنِ الْيَمِينِ ﴿28﴾ قَالُوا بَل لَّمْ تَكُونُوا مُؤْمِنِينَ ﴿29﴾ وَمَا كَانَ لَنَا عَلَيْكُم مِّن سُلْطَانٍ بَلْ كُنتُمْ قَوْمًا طَاغِينَ ﴿30﴾ فَحَقَّ عَلَيْنَا قَوْلُ رَبِّنَا إِنَّا لَذَائِقُونَ ﴿31﴾ فَأَغْوَيْنَاكُمْ إِنَّا كُنَّا غَاوِينَ ﴿32﴾ فَإِنَّهُمْ يَوْمَئِذٍ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ ﴿33﴾ إِنَّا كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ ﴿34﴾ إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ ﴿35﴾ وَيَقُولُونَ أَئِنَّا لَتَارِكُوا آلِهَتِنَا لِشَاعِرٍ مَّجْنُونٍ ﴿36﴾ بَلْ جَاء بِالْحَقِّ وَصَدَّقَ الْمُرْسَلِينَ ﴿37﴾ إِنَّكُمْ لَذَائِقُو الْعَذَابِ الْأَلِيمِ ﴿38﴾ وَمَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿39﴾ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ﴿40﴾ أُوْلَئِكَ لَهُمْ رِزْقٌ مَّعْلُومٌ ﴿41﴾ فَوَاكِهُ وَهُم مُّكْرَمُونَ ﴿42﴾ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ﴿43﴾ عَلَى سُرُرٍ مُّتَقَابِلِينَ ﴿44﴾ يُطَافُ عَلَيْهِم بِكَأْسٍ مِن مَّعِينٍ ﴿45﴾ بَيْضَاء لَذَّةٍ لِّلشَّارِبِينَ ﴿46﴾ لَا فِيهَا غَوْلٌ وَلَا هُمْ عَنْهَا يُنزَفُونَ ﴿47﴾ وَعِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ عِينٌ ﴿48﴾ كَأَنَّهُنَّ بَيْضٌ مَّكْنُونٌ ﴿49﴾ فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءلُونَ ﴿50﴾ قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ إِنِّي كَانَ لِي قَرِينٌ ﴿51﴾ يَقُولُ أَئِنَّكَ لَمِنْ الْمُصَدِّقِينَ ﴿52﴾ أَئِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَئِنَّا لَمَدِينُونَ ﴿53﴾ قَالَ هَلْ أَنتُم مُّطَّلِعُونَ ﴿54﴾ فَاطَّلَعَ فَرَآهُ فِي سَوَاء الْجَحِيمِ ﴿55﴾ قَالَ تَاللَّهِ إِنْ كِدتَّ لَتُرْدِينِ ﴿56﴾ وَلَوْلَا نِعْمَةُ رَبِّي لَكُنتُ مِنَ الْمُحْضَرِينَ ﴿57﴾ أَفَمَا نَحْنُ بِمَيِّتِينَ ﴿58﴾ إِلَّا مَوْتَتَنَا الْأُولَى وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ ﴿59﴾ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿60﴾ لِمِثْلِ هَذَا فَلْيَعْمَلْ الْعَامِلُونَ ﴿61﴾ أَذَلِكَ خَيْرٌ نُّزُلًا أَمْ شَجَرَةُ الزَّقُّومِ ﴿62﴾ إِنَّا جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً لِّلظَّالِمِينَ ﴿63﴾ إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ ﴿64﴾ طَلْعُهَا كَأَنَّهُ رُؤُوسُ الشَّيَاطِينِ ﴿65﴾ فَإِنَّهُمْ لَآكِلُونَ مِنْهَا فَمَالِؤُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ ﴿66﴾ ثُمَّ إِنَّ لَهُمْ عَلَيْهَا لَشَوْبًا مِّنْ حَمِيمٍ ﴿67﴾ ثُمَّ إِنَّ مَرْجِعَهُمْ لَإِلَى الْجَحِيمِ ﴿68﴾ إِنَّهُمْ أَلْفَوْا آبَاءهُمْ ضَالِّينَ ﴿69﴾ فَهُمْ عَلَى آثَارِهِمْ يُهْرَعُونَ ﴿70﴾ وَلَقَدْ ضَلَّ قَبْلَهُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ ﴿71﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا فِيهِم مُّنذِرِينَ ﴿72﴾ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنذَرِينَ ﴿73﴾ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ﴿74﴾**

**ای پیامبر! بساکه تعجب ميکني که اینها تعالیم ما را مسخره ميکنند (12) و هنگامي که پند داده ميشوند نمي پذيرند (13) و وقتي که نشانه اي ببينند به ريشخند ميگيرند (14) و ميگويند این چيزي جز جادويي آشکار نيست (15) و مثل می زنند که آيا هنگامي که مُرديم و خاک و استخوان شديم برانگيخته ميشويم؟ (16) همچنين نياكانمان؟ (17) بگو بله و خوار و ذليل خواهيد بود (18) و جز اين نيست که آن يک نهيب خواهد بود و سپس همگي نگران خواهند بود (19) و ميگويند واي بر ما اين روز قيامت است (20) به آنها خطاب میشود اين همان روز جدا کردن است که تکذيبش ميکرديد (21) و به ماموران قیامت فرمان داده میشود که ظالمان و همگونانشان و آنچه را که جز خداوند عبادتش ميکردند (22) بياوريد و راه جهنم را نشانشان دهيد (23) و متوقفشان کنيد که باز خواست شوند (24) در آن روز به آنان خطاب میشود چه تان شده؟ چرا يکديگر را ياري نمي کنيد؟ (25) بله، در آن روز تسليم خواهند بود (26) و پرسش كنان به يكديگر روي مي آورند (27) برخی به برخی دیگر ميگويند شما بوديد که به نزد ما ميآمديد که گمراهمان کنيد (28) آنها ميگويند نه، بلکه خودتان مومن نبوديد (29) ما بر شما تسلطي نداشتيم، خودتان سركش بوديد (30) و گفتار پروردگارمان بر ما فرود آمد که داريم آنرا مي چشيم (31) تازه اگر هم شما را گمراه کرديم ، به این سبب بود که خودمان هم گمراه بوديم (32) پس آنها در آنروز در عذاب مشترکند (33) با مجرمان چنين مي کنيم (34) آنها چنان بودند که وقتي به آنها گفته ميشد خدائي جز خداوند نيست گردنفرازي ميکردند (35) و ميگفتند آيا بايد خدايانمان را فقط براي گفتار يک شاعر مجنون رها کنيم؟ (36) بلکه آن کسی که او را چنین می نامیدند به حق آمده بود و پیامبرانِ قبلی را نیز تصديق ميکرد (37) و اینک البته شما چشنده عذاب دردناك خواهید بود (38) و كيفري نمي بينيد مگر براي آنچه انجام داده ايد (39) البته بندگان ناب خدا اوضاعشان خیلی متفاوت خواهد بود (40) آنها روزيي معلوم خواهند داشت (41) از همه نوع ميوه ها ، و بسیار محترم هم خواهند بود (42) در بهشتهايی پر نعمت (43) که بر تختهائي روبروي يکديگر تکیه زده و مصاحبت هایی دلپذیر خواهند داشت (44) کاسه هائي از نوشابه هاي روان براي استفاده شان گردانده ميشود (45) که رنگي سفيد خواهد داشت و براي نوشندگان لذيذ خواهد بود (46) که نه داراي ضرري بوده و نه از آن مست خواهند شد (47) و نزدشان زناني درشت چشم خواهد بود که فقط به همسران خويش نظر دارند (48) و مانند تخم پرندگان نهفته اند (49) آنگاه این خوشبختان پرسش كنان به يكديگر روي مي آورند (50) يکي از آنها ميگويد رفيقي داشتم (51) که ميگفت تو واقعأ از تصديق کنندگان این پیامبری؟ (52) آيا وقتيکه مرديم و خاک و استخوان شديم واقعأ دو باره احیاء شده و جزا خواهيم يافت؟ (53) آيا شما که اين چيزها را قبول داريد واقعأ اطلاع پيدا کرده ايد؟ (54) در همين حين سرک ميکشد و او را در وسط آتش مي بيند (55) و به او ميگويد به خدا که نزديک بود نابودم کني (56) و اگر نعمت پروردگارم نبود اینک مثل تو از بازداشت شدگان بودم (57) و با خوشحالی با خویش میگوید آيا اين ما هستيم که ديگر مرگ نداريم؟ (58) غير از آن مرگ اول؟ و دچار عذاب نميشويم؟ (59) البته اين همان پيروزي بزرگ است (60) پس البته اهل عمل ، بايد براي چنين هدفي بكوشند (61) آيا اين پيشكشي بهتر است يا درخت زقوّم؟ (62) كه آنرا مایه فتنه ای براي ظالمان قرار داديم (63) درختي است که از عمق جهنم در مي آيد (64) ميوه اش گوئي سرِ شيطانهاست (65) از آن ميخورند و شکم هايشان را از آن پر ميکنند (66) سپس روي آن آبي کثيف جوشان خواهند داشت (67) آنگاه بازگشتگاهشان آتش سوزان خواهد بود (68) آنان پدرانشان را گمراه يافتند (69) با وجود اين، شتابان دنبال آنان ميرفتند (70) و البته قبل از آنان اکثر پيشينيان گمراه شدند (71) در حاليکه در ميان آنان هشدار دهندگان را فرستاده بوديم (72) پس بنگر که عاقبت هشدار شوندگان چگونه شد؟ (73) مگر بندگان خالص شده خداوند که نجات يافتند (74)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: ايمان سبب نجات در دو جهان است .**

**درب : معرفي برخی از صفات كساني كه ايمان دارند و ندارند و عاقبت اخروي هردوی آنها.**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 که ابتدای سوره است می فرماید که معبود شما یکی است و «سازمان» جهان براساس توحید سازماندهی شده است و خداوند را به ذکرصفات شدت وعلوّ آنحضرت معرفی می فرماید و ضمنا از کافران به ظرافت انتقاد میکند که گویا راجع به خویش زیاده بینی و راجع به آفرینش آسمانها و زمین کم بینی دارند.

در این پاراگراف می فرماید : ای پیامبر ! تعجبت ازاین است که اینها به حقایق به آن مهمی اهمــیت نمی دهند؟ مهم نیست ، عده ای هم هستند که بسیاراهمیت میدهند و به نتایج عالیش هم دست می یابند .

**3 - سوالات**

1 – در آیه 22 منظور از «ازواج» چیست؟

2 – با توجه به آیه 15 این آیات روی آن کافران چه تاثیری داشت؟

3 – در ابتدای آیه 22 موضوع کدام کلید تفسیری اتفاق افتاده؟

4 – منظور از «صراط» (آیه 23) چیست؟

5 – آیه 37 با کدام کلید تفسیری مطابق است؟

6 - «الّا» در ابتدای آیه 40 ، چه را از چه مثتثنی میکند؟

7 – از آیه های 41 و 45 و 48 چه به ذهن تان می آید؟

8 – فاعل «قال» در آیه 54 کیست؟

9 – ظرف زمانی و مکانی آیه 54 را بیان کنید .

10 – در ابتدای آیه های 54 و 55 کدام کلید تفسیری اتفاق افتاده؟

11 – چرا در آیه 63 بجای ظالمین نفرموده کافرین؟

12 – برای آیه 68 ، چه معادلی در سوره های قبلی (البته به ترتیب نزول) می شناسید؟

13 – منظور از «اولین» (آیه 71) چیست؟

14 – مکانیزم «فانظر» (آیه 73) چیست؟

15 – از آیه 69 فهمیده میشود که اقوام سلف به «ضالین» بودن آباء خویش اذعان داشتند ، در اینصورت علت پیروی سرسختانه آنها از همانها چه بوده؟

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

از آیات 12 تا 15 و آیه 36 فهمیده میشود آنحضرت در مقابل این آیات (با وجود اینکه تا کنون اینهمه وحی دریافت کرده بود) موضع تحسین و اعجاب داشت اما کافران معاصر موضعشان بی توجهی و مسخره و جادو نامیدن آن ، و شاعر و مجنون نامیدن خود آنحضرت بوده است .

از آیه 34 فهمیده میشود علت کفر آنها «مجرمیت»شان بوده است .

از آیه 41 فهمیده میشود اوضاع آن مردم از لحاظ معیشتی خیلی با امروز فرق داشته و اینطور نبوده که امنیت غذائی داشته باشند ، و از آیه 47 فهمیده میشود نوشیدنی های سکر آور آن روزها دارای ضرر جسمانی برای مصرف کننده بوده ، و از آیه 48 فهمیده میشود ملاکات زیبائی زنان از نظر آنها با امروز خیلی فرق داشته ، و از آیات 52 تا 54 فهمیده میشود در باره تعالیم وحیانی بین برخی مردم معاصر نزول آیات بحثهای بین الاثنینی جدیی صورت میگرفته است .

از آیه 65 فهمیده میشود معاصران نزول این آیات تصوری که از شیطان داشته اند تصوری از چهره ای زشت بوده است .

از آیه 69 فهمیده میشود جبهه مخالف آنحضرت به غلط بودن رفتار خویش آگاهی داشته اند اما ضمنا به سبب عللی (لابد اقتصادی) دست از آن نمی کشیدند .

**5 – کلیدهای تفسیری**

**اصلی-فرعی:**

کل آیات 13 تا 39 همه در جهت توضیح کلمه «یسخرون» آیه 12 است و لذا همه آیات مذکور فرعی است .

کل آیات از 41 تا 60 اوضاع و احوال آخرتی مدلول آیه 40 را توضیح می­دهند و فرع بر آن هستند.

**تغییر مخاطب (التفات) :**

مخاطب آیات 12 تا «قلِ» آیه18 ، پیامبر (ص) است.

مخاطب سه کلمه آخر آیه 18 تا چهار آیه اول آیه 19 ، کافران است.

مخاطب سه کلمه آخر آیه 19 تا آخر آیه 20 پیامبر (ص) است.

مخاطب آیه 21 کافران است ، اما ظرف زمانی این خطاب روز قیامت است.

**معنی کلمات :**

کلمه «ازواجهم» در آیه 22 به معنی رایج نیست، بلکه به معنی «همراهانشان» است، و در قرآن در جاهای دیگری هم کلمه زوج به معنی همراه آمده (مثلا آیه 131 طه – که البته منحصر به آن نیست)

همچنین است کلمه «یمین» در آیه 28 که به معنی رایج (یعنی راست در مقابل چپ) نیست و بلکه به معنی قدرت است و در قرآن هم آنقدر شواهد دارد که نیاز به رفرنس دادن نیست.

**ریز کردن پاراگراف تا حد امکان :**

**1**

**بَلْ عَجِبْتَ وَيَسْخَرُونَ ﴿12﴾ وَإِذَا ذُكِّرُوا لَا يَذْكُرُونَ ﴿13﴾ وَإِذَا رَأَوْا آيَةً يَسْتَسْخِرُونَ ﴿14﴾ وَقَالُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿15﴾ أَئِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَئِنَّا لَمَبْعُوثُونَ ﴿16﴾ أَوَآبَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ ﴿17﴾ قُلْ نَعَمْ وَأَنتُمْ دَاخِرُونَ ﴿18﴾ فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ فَإِذَا هُمْ يَنظُرُونَ ﴿19﴾ وَقَالُوا يَا وَيْلَنَا هَذَا يَوْمُ الدِّينِ ﴿20﴾ هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ الَّذِي كُنتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ ﴿21﴾**

**درس: ايمان سبب نجات در دو جهان است .**

**درب : معرفي برخی از صفات فعالان کفر.**

**2**

**احْشُرُوا الَّذِينَ ظَلَمُوا وَأَزْوَاجَهُمْ وَمَا كَانُوا يَعْبُدُونَ ﴿22﴾ مِن دُونِ اللَّهِ فَاهْدُوهُمْ إِلَى صِرَاطِ الْجَحِيمِ ﴿23﴾ وَقِفُوهُمْ إِنَّهُم مَّسْئُولُونَ ﴿24﴾ مَا لَكُمْ لَا تَنَاصَرُونَ ﴿25﴾ بَلْ هُمُ الْيَوْمَ مُسْتَسْلِمُونَ ﴿26﴾**

**درس: ايمان سبب نجات در دو جهان است .**

**درب : بازداشت فعالان کفر و بازجوئی از آنان در قیامت.**

**3**

**وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءلُونَ ﴿27﴾ قَالُوا إِنَّكُمْ كُنتُمْ تَأْتُونَنَا عَنِ الْيَمِينِ ﴿28﴾ قَالُوا بَل لَّمْ تَكُونُوا مُؤْمِنِينَ ﴿29﴾ وَمَا كَانَ لَنَا عَلَيْكُم مِّن سُلْطَانٍ بَلْ كُنتُمْ قَوْمًا طَاغِينَ ﴿30﴾ فَحَقَّ عَلَيْنَا قَوْلُ رَبِّنَا إِنَّا لَذَائِقُونَ ﴿31﴾ فَأَغْوَيْنَاكُمْ إِنَّا كُنَّا غَاوِينَ ﴿32﴾ فَإِنَّهُمْ يَوْمَئِذٍ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ ﴿33﴾ إِنَّا كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ ﴿34﴾**

**درس: ايمان سبب نجات در دو جهان است .**

**درب : کافران در بازداشت بگومگوی «تقصیر تو بود» خواهند داشت.**

**4**

**إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ ﴿35﴾ وَيَقُولُونَ أَئِنَّا لَتَارِكُوا آلِهَتِنَا لِشَاعِرٍ مَّجْنُونٍ ﴿36﴾ بَلْ جَاء بِالْحَقِّ وَصَدَّقَ الْمُرْسَلِينَ ﴿37﴾**

**درس: ايمان سبب نجات در دو جهان است .**

**درب :** **توصیف برخی دیگر از صفات و افعال فعالان کفر.**

**5**

**إِنَّكُمْ لَذَائِقُو الْعَذَابِ الْأَلِيمِ ﴿38﴾ وَمَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿39﴾**

**درس: ايمان سبب نجات در دو جهان است.**

**درب : صدور قرار مجرمیت برای فعالان کفر.**

**6**

**إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ﴿40﴾ أُوْلَئِكَ لَهُمْ رِزْقٌ مَّعْلُومٌ ﴿41﴾ فَوَاكِهُ وَهُم مُّكْرَمُونَ ﴿42﴾ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ﴿43﴾ عَلَى سُرُرٍ مُّتَقَابِلِينَ ﴿44﴾ يُطَافُ عَلَيْهِم بِكَأْسٍ مِن مَّعِينٍ ﴿45﴾ بَيْضَاء لَذَّةٍ لِّلشَّارِبِينَ ﴿46﴾ لَا فِيهَا غَوْلٌ وَلَا هُمْ عَنْهَا يُنزَفُونَ ﴿47﴾ وَعِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ عِينٌ ﴿48﴾ كَأَنَّهُنَّ بَيْضٌ مَّكْنُونٌ ﴿49﴾**

**درس: ايمان سبب نجات در دو جهان است .**

**درب : اوضاع بندگان مومن، در همان شرایطی که کافران در آن وضعیت هستند، عالی است.**

**7**

**فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءلُونَ ﴿50﴾ قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ إِنِّي كَانَ لِي قَرِينٌ ﴿51﴾ يَقُولُ أَئِنَّكَ لَمِنْ الْمُصَدِّقِينَ ﴿52﴾ أَئِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَئِنَّا لَمَدِينُونَ ﴿53﴾ قَالَ هَلْ أَنتُم مُّطَّلِعُونَ ﴿54﴾ فَاطَّلَعَ فَرَآهُ فِي سَوَاء الْجَحِيمِ ﴿55﴾ قَالَ تَاللَّهِ إِنْ كِدتَّ لَتُرْدِينِ ﴿56﴾ وَلَوْلَا نِعْمَةُ رَبِّي لَكُنتُ مِنَ الْمُحْضَرِينَ ﴿57﴾ أَفَمَا نَحْنُ بِمَيِّتِينَ ﴿58﴾ إِلَّا مَوْتَتَنَا الْأُولَى وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ ﴿59﴾ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿60﴾ لِمِثْلِ هَذَا فَلْيَعْمَلْ الْعَامِلُونَ ﴿61﴾**

**درس: ايمان سبب نجات در دو جهان است .**

**درب : مومنان در آسودگیِ خیال ، گفتمانِ «عجب خطری از بیخ گوش ما گذشت ها!» دارند.**

**8**

**أَذَلِكَ خَيْرٌ نُّزُلًا أَمْ شَجَرَةُ الزَّقُّومِ ﴿62﴾** **إِنَّا جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً لِّلظَّالِمِينَ ﴿63﴾ إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ ﴿64﴾ طَلْعُهَا كَأَنَّهُ رُؤُوسُ الشَّيَاطِينِ ﴿65﴾ فَإِنَّهُمْ لَآكِلُونَ مِنْهَا فَمَالِؤُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ ﴿66﴾ ثُمَّ إِنَّ لَهُمْ عَلَيْهَا لَشَوْبًا مِّنْ حَمِيمٍ ﴿67﴾ ثُمَّ إِنَّ مَرْجِعَهُمْ لَإِلَى الْجَحِيمِ ﴿68﴾**

**درس: ايمان سبب نجات در دو جهان است .**

**درب : اوضاع بدِ کافران در قیامت خارج از تصور است.**

**9**

**إِنَّهُمْ أَلْفَوْا آبَاءهُمْ ضَالِّينَ ﴿69﴾ فَهُمْ عَلَى آثَارِهِمْ يُهْرَعُونَ ﴿70﴾ وَلَقَدْ ضَلَّ قَبْلَهُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ ﴿71﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا فِيهِم مُّنذِرِينَ ﴿72﴾**

**درس: ايمان سبب نجات در دو جهان است .**

**درب : توصیف برخی دیگر از صفات و افعال فعالان کفر.**

**10**

**فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنذَرِينَ ﴿73﴾ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ﴿74﴾**

**درس: ايمان سبب نجات در دو جهان است .**

**درب : ای پیامبر! بدان که به استثناء مومنان، عاقبت همگان این است.**

**6 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

کل آیات توصیف عذاب کافران و نعمت مومنان، و حوادث نزدیک به وقوع قیامت، از دم، خارج از ذهنیات مخاطبان اولیه بوده، زیرا، علیرغم اینکه میگویند عرب های هزار و چهارصد سال پیش با یهودیان و مسیحیان محشور بوده اند و مطالبی از آنها شنیده بودند و از طریق آنها مطالبی را که در قرآن آمده در ذهن داشته اند، باید بدانیم که این سخن سست و باطل است، زیرا :

1 – خود قرآن متعرض این مطلب شده، و تصریح کرده که ادبیات قیامتیِ قرآنی در ذهنیات عرب 1400 سال پیش نبوده، و مدرک این سخن نیز شش آیه اول سوره نباء است که قبلا در جای خود توضیح داده ایم.

و البته آیاتی که موید مدلول آیات مذکور باشند نیز کم نیستند.

2 – اطلاعاتی که گفته میشود عرب های 1400 سال پیش میتوانسته اند از یهودیان و مسیحیان گرفته باشند از 4 انجیل فعلی و تورات و تلمود فعلی که فراتر نبود. و اگر تورات و تلمود فعلی را دیده باشید تصدیق خواهید کرد که از لحاظ مطرح کردن و توصیف و تشریح قیامت و آخرت اصلا به گرد قرآن هم نمیرسند، و ادبیات قرآنی در باره قیامت و آخرت آنقدر صریح و دارای جزئیات و پرتکرار و پرتشریح است که مقایسهء متنیِ قرآن و تورات به راحتی این را نشان میدهد.

لذا ، کل آیاتی که در این پاراگراف هست و در آن از حوادث نزدیک به وقوع قیامت، و نعیم اخروی و عذاب اخروی سخن رفته، تماما، نه تنها «فوق ذهنیات» مخاطب های اولیه، بلکه فوق ذهنیات ما ها نیز هست.

**7 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در طول این مدت طولانی ، از نزول این سوره تا به امروز ، تغییر معناییِ چندانی نیافته ، و لذا مخاطب های اولیه نیز از این پاراگراف همان تلقی را میداشته اند که ما .

یکی ممکن است معترض شود که «یعنی چه که بسیار این تیتر را تکرار میکنی و این جواب ثابت را هم زیرش میدهی؟»

در این خصوص باید خاطر نشان کنیم که یک شبهه ای اخیرا در سطح وسیع القا شده که مطالب قرآن اول باید از این لحاظ چِک شود که معاصران نزول از آن چه می فهمیده اند . ماهم با بیان دلیل فوق در حقیقت داریم پاراگراف به پاراگراف آن شبهه را چک میکنیم .

آنچه تا کنون فهمیده ایم این بوده که معاصران نزول اکثر قریب به اتفاق حجم قرآن را همانطور می فهمیده اند که ما امروز می فهمیم .

**8 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

معرفي برخی از صفات كساني كه ايمان دارند و ندارند و عاقبت اخروي هردوی آنها.

**9 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

غیر از آیه های 12 تا 39 و 69 تا 74 ، بقیه آیات پاراگراف «برای اولین بار» است.

**شرح مختصر**

**تقصیر متقابل**

آیات 27تا33 ناظر به دعواهای گروهی از جهنمی­ها نسبت به گروهی دیگر است که آن­ها را عامل گمراهی خویش می­پندارند ولی آن­ها این ادعایشان را رد می­کنند و می­گویند خودتان هم مقصر بودید. موضوع فوق را بطور اشاره در چند سوره قبلی دیدیم، و در اینجا اندکی بازتر مطرح شده، و چنانکه بعداً خواهیم دید، در سوره­های آینده بیشتر باز شده و بالاخره در سوره اعراف در اوج خویش مطرح خواهد شد.

**این که گول نخوردی ، لطف خداوند بوده**

در رابطه با آیات 57-40 باید توجه داشته باشیم که قبلاً با این نوع آیات به اندازه کافی آشنا شده­ایم.

موضوعی که در پاراگراف قبل دیدیم در اینجا نیز دیده می­شود. اما بر عکس. به این معنی که در پاراگراف قبلی دیده بودیم که اغوا کننده­ای هست و اغوا شونده­ای. اما در این پاراگراف می­بینیم که اغوا کننده وجود داشته اما طرف مقابل اغوا نشده و گول نخورده اما این گول نخوردن خود را به خویش نسبت نداده بلکه لطفی از سوی خداوند دانسته.

صرفنظر از تواضعی که آن شخص ابراز کرد، باید توجه داشت که نظر او بیان یک حقیقت است. اغوا نشدن در مقابل اغواگر یک «امر وجودی» است و هر امر وجودی به خداوند مربوط است.

**نعمت بزرگ بهشتی**

یکی از نعمت های بزرگ در بهشت، امکان خبرگیری از اوضاع و احوال معذبانِ در جهنم است.

این موضوع از لحاظ های زیادی اهمیت دارد :

1 – توجه به الطاف الهی که مانع شد تحت تاثیر همگنان خویش قرار گیرند و از آنان نشوند.

2 – تشفی خاطر برای استهزائات و اذیت ها (اعم از روحی و غیره) که مومنان در زندگی دنیا از آنها کشیده اند اما بر ایمان خویش پایدار مانده اند.

3 – امکان مطالعات دقیق روی مکانیزم تاثیرات اقران بر اقران هم سطح و استخراج قوانین علمی که ممکن است به درد جوامع مشابه بخورد، یا در بقبه زندگی اخروی مومنان اثر خوب داشته باشد.

**جمع بندی و تفسیر**

**بلکه تعجب ميکني و مسخره ميکنند (12)** {و هنگامي که پند داده ميشوند نمي پذيرند (13) و وقتي که نشانه اي ببينند به ريشخند ميگيرند (14) و ميگويند چيزي جز جادويي آشکار نيست (15) آيا هنگامي که مرديم و خاک و استخوان شديم برانگيخته ميشويم؟(16) همچنين نياكانمان؟(17) بگو بله و خوار و ذليل خواهيد بود (18) و جز اين نيست که آن يک نهيب خواهد بود و سپس همگي نگران خواهند بود (19) و ميگويند واي بر ما اين روز قيامت است (20) اين همان روز جدا کردن است که تکذيبش ميکرديد (21) ظالمان و همگونانشان و آنچه را که (جز خداوند) عبادتش ميکردند (22) بياوريد و راه جهنم را نشانشان دهيد (23) و متوقفشان کنيد که باز خواست شوند (24) [در آن روز به آنان خطاب میشود] چه تان شده؟ چرا يکديگر را ياري نمي کنيد؟(25) بلکه در آن روز تسليم اند (26) و پرسش كنان به يكديگر روي مي آورند (27) ميگويند شما بوديد که به نزد ما ميآمديد (که گمراهمان کنيد) (28) ميگويند (نه) بلکه خودتان مومن نبوديد (29) ما بر شما تسلطي نداشتيم. خودتان سركش بوديد (30) و گفتار پروردگارمان بر ما فرود آمد که داريم آنرا مي چشيم (31) پس شما را گمراه کرديم و البته خودمان هم گمراه بوديم (32) پس آنها در آنروز در عذاب مشترکند (33) با مجرمان چنين مي کنيم (34) آنها چنان بودند که وقتي به آنها گفته ميشد خدائي جز خداوند نيست گردنفرازي ميکردند (35) و ميگفتند آيا بايد خدايانمان را فقط براي گفتار يک شاعر مجنون رها کنيم؟(36) بلکه به حق آمده بود و فرستادگان را تصديق ميکرد (37) و البته شما چشنده عذاب دردناكيد (38) و كيفري نمي بينيد مگر براي آنچه انجام داده ايد (39)} **مگر بندگان ناب خداوند (40) آنها روزيي معلوم خواهند داشت (41)**  {از ميوه ها ، و محترم خواهند بود (42) در بهشتهاي پر نعمت (43) بر تختهائي روبروي يکديگر (44) کاسه هائي از نوشابه هاي روان برايشان گردانده ميشود (45) به رنگي سفيد که براي نوشندگان لذيذ است (46) نه داراي ضرري است و نه از آن مست ميشوند (47) و نزدشان زناني درشت چشم که فقط به همسران خويش نظر دارند ميباشند (48) كه مانند تخم پرندگان نهفته اند (49) آنگاه پرسش كنان به يكديگر روي مي آورند (50) يکي از آنها ميگويد، رفيقي داشتم (51) ميگفت تو واقعأ از تصديق کنندگاني؟ (52) آيا وقتيکه مرديم و خاک و استخوان شديم واقعأ جزا خواهيم يافت؟ (53) آيا شما که اين چيزها را قبول داريد واقعأ اطلاع پيدا کرده ايد؟ (54) (در همين حين) سرک ميکشد و او را در وسط آتش مي بيند (55) ميگويد به خدا که نزديک بود نابودم کني (56) و اگر نعمت پروردگارم نبود از بازداشت شدگان بودم (57) آيا اين ما (هستيم) ديگر مرگ نداريم؟ (58) غير از آن مرگ اول؟ و دچار عذاب نميشويم؟}(59) **البته اين همان پيروزي بزرگ است (60) پس البته اهل عمل ، بايد براي چنين هدفي بكوشند (61)** **آيا اين پيشكشي بهتر است يا درخت زقوّم؟ (62) كه آنرا** (مایه) **فتنه ای براي ظالمان قرار داديم (63)** درختي است که از ريشه جهنم در مي آيد (64) ميوه اش گوئي سر شيطانهاست (65) از آن ميخورند و شکم هايشان را از آن پر ميکنند (66) سپس روي آن آبي کثيف جوشان خواهند داشت (67) آنگاه بازگشتگاهشان آتش سوزان خواهد بود (68)  **آنان پدرانشان را گمراه يافتند (69) با وجود اين، شتابان دنبال آنان ميرفتند (70) و البته قبل از آنان اکثر پيشينيان گمراه شدند (71) در حاليکه در ميان آنان هشدار دهندگان را فرستاده بوديم (72) پس بنگر که عاقبت هشدار شوندگان چگونه شد؟ (73) مگر بندگان خالص شده خداوند** (که نجات يافتند) **(74)**

**صافات3 آیات75تا148**

**وَلَقَدْ نَادَانَا نُوحٌ فَلَنِعْمَ الْمُجِيبُونَ ﴿75﴾ وَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ ﴿76﴾ وَجَعَلْنَا ذُرِّيَّتَهُ هُمْ الْبَاقِينَ ﴿77﴾ وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ﴿78﴾ سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ ﴿79﴾ إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿80﴾ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ﴿81﴾ ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْآخَرِينَ ﴿82﴾ وَإِنَّ مِن شِيعَتِهِ لَإِبْرَاهِيمَ ﴿83﴾ إِذْ جَاء رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ ﴿84﴾ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَاذَا تَعْبُدُونَ ﴿85﴾ أَئِفْكًا آلِهَةً دُونَ اللَّهِ تُرِيدُونَ ﴿86﴾ فَمَا ظَنُّكُم بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿87﴾ فَنَظَرَ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ ﴿88﴾ فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ ﴿89﴾ فَتَوَلَّوْا عَنْهُ مُدْبِرِينَ ﴿90﴾ فَرَاغَ إِلَى آلِهَتِهِمْ فَقَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ ﴿91﴾ مَا لَكُمْ لَا تَنطِقُونَ ﴿92﴾ فَرَاغَ عَلَيْهِمْ ضَرْبًا بِالْيَمِينِ ﴿93﴾ فَأَقْبَلُوا إِلَيْهِ يَزِفُّونَ ﴿94﴾ قَالَ أَتَعْبُدُونَ مَا تَنْحِتُونَ ﴿95﴾ وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ ﴿96﴾ قَالُوا ابْنُوا لَهُ بُنْيَانًا فَأَلْقُوهُ فِي الْجَحِيمِ ﴿97﴾ فَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَسْفَلِينَ ﴿98﴾ وَقَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَى رَبِّي سَيَهْدِينِ ﴿99﴾ رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿100﴾ فَبَشَّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ ﴿101﴾ فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِن شَاء اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ ﴿102﴾ فَلَمَّا أَسْلَمَا وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ ﴿103﴾ وَنَادَيْنَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ ﴿104﴾ قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿105﴾ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاء الْمُبِينُ ﴿106﴾ وَفَدَيْنَاهُ بِذِبْحٍ عَظِيمٍ ﴿107﴾ وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ﴿108﴾ سَلَامٌ عَلَى إِبْرَاهِيمَ ﴿109﴾ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿110﴾ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ﴿111﴾ وَبَشَّرْنَاهُ بِإِسْحَقَ نَبِيًّا مِّنَ الصَّالِحِينَ ﴿112﴾ وَبَارَكْنَا عَلَيْهِ وَعَلَى إِسْحَقَ وَمِن ذُرِّيَّتِهِمَا مُحْسِنٌ وَظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ مُبِينٌ ﴿113﴾ وَلَقَدْ مَنَنَّا عَلَى مُوسَى وَهَارُونَ ﴿114﴾ وَنَجَّيْنَاهُمَا وَقَوْمَهُمَا مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ ﴿115﴾ وَنَصَرْنَاهُمْ فَكَانُوا هُمُ الْغَالِبِينَ ﴿116﴾ وَآتَيْنَاهُمَا الْكِتَابَ الْمُسْتَبِينَ ﴿117﴾ وَهَدَيْنَاهُمَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿118﴾ وَتَرَكْنَا عَلَيْهِمَا فِي الْآخِرِينَ ﴿119﴾ سَلَامٌ عَلَى مُوسَى وَهَارُونَ ﴿120﴾ إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿121﴾ إِنَّهُمَا مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ﴿122﴾ وَإِنَّ إِلْيَاسَ لَمِنْ الْمُرْسَلِينَ ﴿123﴾ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿124﴾ أَتَدْعُونَ بَعْلًا وَتَذَرُونَ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ ﴿125﴾ وَاللَّهَ رَبَّكُمْ وَرَبَّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ ﴿126﴾ فَكَذَّبُوهُ فَإِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ ﴿127﴾ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ﴿128﴾ وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ﴿129﴾ سَلَامٌ عَلَى إِلْ يَاسِينَ ﴿130﴾ إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿131﴾ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ﴿132﴾ وَإِنَّ لُوطًا لَّمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿133﴾ إِذْ نَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ ﴿134﴾ إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ ﴿135﴾ ثُمَّ دَمَّرْنَا الْآخَرِينَ ﴿136﴾ وَإِنَّكُمْ لَتَمُرُّونَ عَلَيْهِم مُّصْبِحِينَ ﴿137﴾ وَبِاللَّيْلِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿138﴾ وَإِنَّ يُونُسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿139﴾ إِذْ أَبَقَ إِلَى الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ ﴿140﴾ فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنْ الْمُدْحَضِينَ ﴿141﴾ فَالْتَقَمَهُ الْحُوتُ وَهُوَ مُلِيمٌ ﴿142﴾ فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنْ الْمُسَبِّحِينَ ﴿143﴾ لَلَبِثَ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿144﴾ فَنَبَذْنَاهُ بِالْعَرَاء وَهُوَ سَقِيمٌ ﴿145﴾ وَأَنبَتْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِّن يَقْطِينٍ ﴿146﴾ وَأَرْسَلْنَاهُ إِلَى مِئَةِ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ ﴿147﴾ فَآمَنُوا فَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَى حِينٍ ﴿148﴾**

**نوح وقتیکه به دشواری برخورد صدايمان زد و ما هم به خوبی جوابش داديم (75) و او را و اهلش را از آن گرفتاري بزرگ نجات داديم (76) و خاندانش را باقي گذاشتيم (77) و در ميان اقوام بعدی در میان مردم جهان برایش (78) سلامي بر نوح بجا گذاشتیم (79) نيکوکاران را چنين پاداش ميدهيم (80) زيرا که از بندگان مومن ما بود (81) و بقيه را غرق کرديم (82) و از پيروان او ابراهيم بود (83) هنگامي که با قلبي سليم به سوي پروردگارش آمد (84) آن وقت که به پدرش و قومش مي گفت چه ميپرستيد؟ (85) آيا بجاي خداوند خداياني دروغين را ميخواهيد؟ (86) پس نسبت به پروردگار جهانيان چه گماني داريد؟ (87) آنگاه نگاهي به ستارگان انداخت (88) و گفت مريضم (89) پس همشهریانش او را بحال خويش گذاشته و رفتند (90) وقتیکه ابراهیم تنها شد بسوي خدايان آنها رفت و گفت چه تان است چرا نميخوريد؟ (91) چه تان است؟ چرا سخن نميگوييد؟ (92) پس پنهاني با ضربتي محكم آنها را زد (93) پس از مدتی همشهریانش سراسيمه بسوي او شتافتند و از او توضیح خواستند (94) گفت آيا چيزي را که خودتان ميتراشيد ميپرستيد؟ (95) در حاليکه خداوند شما و آنچه را عمل مي كنيد آفريده؟ (96) گفتند بناي بلندي برايش بسازيد و او را در آتش سوزان بيفکنيد (97) و نيرنگي برايش ترتيب دادند ولي ما آنهارا فروتر قرار داديم (98) و او پس از اینکه نجاتش دادیم از آنها کناره گرفت و گفت من بسوي پروردگارم ميروم و او البته بزودي هدايتم خواهد کرد (99) پروردگارا فرزندي از صالحان بمن عطا کن (100) پس مژده پسري موقر را به او داديم (101) و هنگامي که بالغ شد و در حج همراهش بود به او گفت: پسرکم! در خواب هایم می بینم که تو را ذبح ميکنم. نظرت چيست؟ گفت: پدر جان! آنچه را که مأمور هستي انجام ده. انشاء الله مرا صابر خواهي يافت (102) پس چون تسليم شدند و پيشاني او را بر زمين گذاشت (103) ندايش دادیم: اي ابراهيم! (104) تو موضوع رويايت را تصدیق کردی، و ما نيکوکاران را چنين پاداش ميدهيم (105) البته اين يک آزمايش آشکار بود (106) و با قرباني عظيمي جايگزينش داديم (107) و درميان بازماندگان برايش (108) سلامي بر ابراهيم بجا گذاشتیم (109) و نيکوکاران را چنين پاداش ميدهيم (110) که او البته از بندگان مومن ما بود (111) و او را به تولد اسحق مژده داديم که پيغمبري از شايستگان بود (112) و به او و به اسحق برکت داديم و از اولاد آنها کساني مومن بودند و کساني هم بطور آشکار به خويش ظلم ميکردند (113) و البته به موسي و هارون نيز لطف کرديم (114) و آنها و قومشان را از آن گرفتاري عظيم نجات داديم (115) و ياري شان کرديم و آنها غالب شدند (116) و آن کتاب روشنگر را به آنها داديم (117) و آنها را بجاده مستقيم هدايت کرديم (118) و در ميان بازماندگان براي آنها (119) سلامي بر موسي و هارون بجا گذاشتیم (120) و نيکوکاران را چنين پاداش ميدهيم (121) آنها از بندگان مومن ما بودند (122) و الياس هم از فرستادگان بود (123) هنگامي که به قومش گفت پروا نميکنيد؟ (124) که «بعل» را به دعا ميخوانيد و بهترين آفريدگار را وا مي گذاريد؟ (125) که خداوند است و پروردگار شما و نياكانتان است؟ (126) اما تکذيبش کردند و و در جرگه بازداشت شدگانِ اخروی گرديدند (127) مگر بندگان خالص شده خداوند که از میان آنها نجات یافتند (128) و براي او در میان مردمِ بعدی (129) سلامي بر الياسي ها قرار دادیم (130) و نيکوکاران را چنين پاداش ميدهيم (131) که او البته از بندگان مومن ما بود (132) و لوط هم از فرستادگان بود (133) هنگامي که او و اهلش را جمعأ نجات داديم (134) مگر پيرزني را که در عذاب شدگان ماند (135) آنگاه بقيه را هلاک کرديم (136) و شماها صبحگاهان بر آنها عبور ميکنيد (137) و نيز شب ها. آيا تعقل نمي کنيد؟ (138) و البته يونس هم از فرستادگان بود (139) هنگامي که با قهر و غضب نسیت به امت نافرمانش بسوي آن کشتي پر از جمعيت ميگريخت (140) و هنگامی که کشتی دچار تلاطم شد و نگران شدند و خواستند کشتی را سبک کنند و قرعه کشيدند و او از باختگان شد (141) و آن ماهي غول آسا او را لقمه اي کرد و او سزاوار نکوهش بود (142) پس اگر اینطور نبود که حتي در شکم آن ماهي هم جزء تسبيح گويان بود، (143) تا روز قيامت در شکم آن ميماند (144) اما او را به كرانه اي باير انداختيم و مريض هم بود (145) و بر او درختي از کدو رويانديم (146) و پس از بهبودیش او را بسوي صد هزار نفر بلکه بيشتر به رسالت فرستاديم (147) و ايمان آوردند و ما هم تا مدتي بهره مندشان کرديم (148)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: ايمان سبب نجات در دو جهان است.**

**درب : معرفي بعضي از پيشگامان ايمان و نتايج ايمانشان در همين جهان.**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 که ابتدای سوره است می فرماید که معبود شما یکی است و «سازمان» جهان براساس توحید سازماندهی شده است و خداوند را به ذکرصفات شدت وعلوّ آنحضرت معرفی می فرماید و ضمنا از کافران به ظرافت انتقاد میکند که گویا راجع به خویش زیاده بینی و راجع به آفرینش آسمانها و زمین کم بینی دارند.

در پاراگراف 2 می فرماید : ای پیامبر ! تعجبت ازاین است که اینها به حقایق به آن مهمی اهمــیت نمی دهند؟ (مهم نیست ، عده ای هم هستند که بسیاراهمیت میدهند و به نتایج عالیش هم دست می یابند)

در این پاراگراف می فرماید : بندگانی که توسط خداوند خالص شده اند (رجوع کنید به شرحی که دراوخرسوره هود تحت عنوان «امروجودی-امرعدمی» عرض کردیم) هم دراین جهان ، وهم درآخرت ، از زندگی مطلوبی برخوردار خواهندشد. و در این مقال دلداریی به آنحضرت و پیروانش نیز نهفته است .

**3 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

این پاراگراف نسبتاً طولانی (آیات 74 تا 148) متضمن اشاره­هائی به شرح حال پیامبران گذشته است، با این گرایش که ایمانشان سبب نجات و پیروزی بر دشمنانشان گردید (که پیامبر(ص) و پیروان آنحضرت نیز دلگرم شوند که مانند آنها، مورد لطف و رحمت الهی هستند و بزودی گرفتاری­هایشان پایان می­یابد و خصم شکست می­خورد)

**4 – زاویه با تفاسیر رایج**

**1** – آیه 88 تا 98:(المیزان) : " فَنَظَرَ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ فَقالَ إِنِّي سَقِيمٌ" شكى نيست در اينكه ظاهر اين دو آيه اين است كه خبر دادن ابراهيم (ع) از مريضى خود مربوط است به نظر كردن در نجوم، حال اين نگاه كردن در ستارگان يا براى اين بوده كه وقت و ساعت را تشخيص دهد، مثل كسى كه دچار تب نوبه است، و ساعات عود تب خود را با طلوع و غروب ستاره‏اى و يا از وضعيت خاص نجوم تعيين مى‏كند.

و يا براى آن بوده كه از نگاه كردن به نجوم، به حوادث آينده‏اى كه منجم‏ها آن حوادث را از اوضاع ستارگان بدست مى‏آورند، معين كند. و صابئى مذهبان به اين مساله بسيار معتقد بودند و در عهد ابراهيم (ع) عده بسيارى از معاصرين او از همين صابئى‏ها بوده‏اند.

بنا بر وجه اول، معنايش آيه چنين مى‏شود: وقتى اهل شهر خواستند همگى از شهر بيرون شوند تا در بيرون شهر مراسم عيد خود را به پا كنند، ابراهيم نگاهى به ستارگان انداخت و سپس به ايشان اطلاع داد كه به زودى كسالت من شروع مى‏شود، و من نمى‏توانم در اين عيد شركت كنم.

و بنا بر وجه دوم معنايش اين مى‏شود: ابراهيم در اين هنگام نگاهى به ستارگان كرد و طبق قواعد منجمين پيشگويى كرد كه به زودى من مريض خواهم شد، و در نتيجه نمى‏توانم با شما از شهر بيرون شوم.

ولى وجه اولى با وضع ابراهيم (ع) مناسب‏تر به نظر مى‏رسد، براى اينكه آن جناب با اينكه توحيدى خالص داشت، ديگر معنا ندارد براى غير خدا تاثيرى قائل باشد. و از سوى ديگر دليلى هم كه به قوت دلالت كند بر اينكه آن جناب در آن ايام مريض نبوده در دست نداريم، بلكه دليل داريم بر اينكه مريض بوده، براى اينكه از يك سو خداى تعالى او را صاحب قلبى سليم معرفى كرده و از سوى ديگر از او حكايت كرده كه صريحا گفته است: من مريضم و كسى كه داراى قلب سليم است، دروغ و سخن بيهوده نمى‏گويد.

اين بود آن وجهى كه ما در تفسير اين دو آيه اختيار كرديم. و مفسرين در توجيه آن وجوهى ذكر كرده‏اند كه از همه وجيه‏تر و بهتر اين است كه: نگاه كردنش به نجوم، و خبر دادنش از مريضى خود، از باب معاريض كلام است. و معاريض عبارت است از اينكه:

گوينده چيزى را بگويد كه شنونده از ظاهر آن معنايى بفهمد و خود او معناى ديگرى اراده كند. پس شايد نظر كردن آن جناب در ستارگان نظر كردن موحد در صنع خداى تعالى باشد، تا از آن راه بر وجود خداى تعالى و يكتايى او استدلال كند، ولى مردم خيال كردند كه نظر كردن او مثل نظر كردن منجم‏ها است، كه مى‏خواهد از وضع ستارگان بر پيش آمدن حوادثى استدلال كند. آن گاه فرموده:" من مريضم" و منظورش اين بوده كه او به زودى دچار بيمارى مى‏شود، چون آدمى در طول عمر بدون بيمارى نمى‏شود، هم چنان كه باز از همان جناب حكايت كرده كه گفت:" وَ إِذا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ" چيزى كه هست مردم خيال كردند منظور او اين است كه همين امروز كه روز عيد ايشان است مريض است، و آنچه در نظر آن جناب مرجح بوده كه اين همه زحمت به خود بدهد، اين بوده كه در شهر تنها بماند و آن هدفى را كه در نظر داشته انجام دهد، يعنى بت‏هاى اهل شهر را بشكند.

ليكن اين وجه- كه گفتيم بهترين وجوهى است كه مفسرين ذكر كرده‏اند- وقتى صحيح است كه آن جناب در آن روز مريض نبوده باشد و حال آنكه خواننده عزيز متوجه شد كه گفتيم هيچ دليلى بر اين معنا نيست. علاوه بر اين گفتن معاريض براى انبياء جايز نيست، زيرا باعث مى‏شود اعتماد مردم به سخنان ايشان سست گردد.

موضوع یک تمارض بوده تا فرصت کند به بتها نزدیک شود اما اینکه المیزان آنقدر خود را به تکلف انداخته تا همین موضوع ساده را بگوید بی وجه است زیرا ابراهیم (ع) در آن موقع هنوز پیامبر نبود و لذا به قول المیزان « معاریض » برای او اشکال نداشت، و دلیل هنوز به پیغمبری نرسیدن او در آیه 60 همین سوره است زیرا اگر شده بود باید اعلام میکرد .

**2** - (آیه های 102 تا 107):خطای پیامبرانه حضرت ابراهیم ع و «عتاب محترمانه» او (که) در اثر خطای تفسیریِ فوق یک نوع افتخار برای آنحضرت قلمداد شده است.

در ابتدا متن ذیل را که ترجمه آیاتی از سوره صافات است چند بار مرور کنید :

و گفت من بسوي پروردگارم ميروم و او البته بزودي هدايتم خواهد کرد (99) پروردگارا (فرزندي) از صالحان بمن بده (100) پس مژده پسري موقر را به او داديم (101) و هنگامي که (آن فرزند) بالغ شد و در سعي همراهش بود ، به او گفت : پسرکم ! در خواب می بینم که تو را ذبح ميکنم . نظرت چيست؟ گفت: پدر جان ! آنچه را که مأمور هستي انجام ده . انشاء الله مرا صابر خواهي يافت (102) پس چون تسليم شدند و پيشاني او را بر زمين گذاشت (103) ندايش داديم که اي ابراهيم! (104) تو موضوع رويايت را تصدیق کردی و نيکوکاران را چنين پاداش ميدهيم (105) البته اين يک آزمايش آشکار بود (106) و با قرباني عظيمي جايگزينش داديم (107) و درميان بازماندگان برايش بجا گذاشتيم : (108) سلامي بر ابراهيم (109) و نيکوکاران را چنين پاداش ميدهيم (110) که او البته از بندگان مومن ما بود (111)

اگر کمی دقت کنید خواهید دید آیات 102 تا 107 «پرانتزی» است ، دلیلش هم اینکه اگر چشم خویش را بر آن ببندیم و قبل و بعدش را ( انتهای آیه 101 را به ابتدای آیه 108) وصل کنیم می بینیم روال سخن کاملا صاف و هموار و بی دست انداز خواهد بود . دلیل مهم تر نیز این است که روح کلی این پاراگراف (که آیات 74 تا 148 را در بر میگیرد) این است که «آن پیامبر به فلان مشکلات دچار شد و ما نجاتش دادیم و طرف مقابلش را هلاک کردیم و برای او نام نیکی در تاریخ بشر قرار دادیم و نیکوکاران را چنین پاداش میدهیم»

ودر پاراگراف مذکور این فرمول را برای حضرت های نوح (ع) و ابراهیم (ع) و موسی (ع) و الیاس (ع) و لوط (ع) و یونس (ع) بکار گرفته و البته حجم مطلبِ مربوط به حضرت ابراهیم (ع) از همه مفصل تر است ، بطوریکه مثلا آنچه راجع به حضرت موسی (ع) فرموده 7 آیه و راجع به حضرت ابراهیم (ع) 30 آیه است . که خواندن کل آن پاراگراف را توصیه میکنیم :

اما آیات مورد بحث (یعنی آیات 102 تا 107) که در فضای کلیِ «به ابراهیم هم چنین لطفی کردیم» است ، نسبت به کل داستان ابراهیم (ع) «سکته دار» است ، زیرا کل داستان متضمن تحسین اوست ، اما آیات مورد بحث متضمن «عتاب»ی است که به او نموده ، و خطای او را مانند مورد حضرت ایوب (ع) جمع و جور فرموده ، و مانند حضرت یونس (ع) لطف خویش را مجددا نسبت به او برقرار نموده است .

اینک میتوانیم «پرانتزی» بودن آیات مورد بحث را در متن ذیل نشان دهیم :

و گفت من بسوي پروردگارم ميروم و او البته بزودي هدايتم خواهد کرد (99) پروردگارا (فرزندي) از صالحان بمن بده (100) پس مژده پسري موقر را به او داديم (101) {و هنگامي که (فرزندش) بالغ شد و در سعي همراهش بود ، به او گفت: پسرکم ! در خواب می بینم که تو را ذبح ميکنم . نظرت چيست؟ گفت : پدر جان! آنچه را که مأمورش هستي انجام ده . انشاء الله مرا صابر خواهي يافت (102) پس چون تسليم شدند و پيشاني او را بر زمين گذاشت (103) ندايش داديم : اي ابراهيم! (104) رويايت را تصدیق نمودی {{و نيکوکاران را چنين پاداش ميدهيم }}(105) البته اين يک آزمايش آشکار بود (106) و قرباني عظيمي به جايگزينی اش داديم} (107) و درميان بازماندگان برايش بجا گذاشتيم : (108) سلامي بر ابراهيم (109) و نيکوکاران را چنين پاداش ميدهيم (110) که او البته از بندگان مومن ما بود (111)

ملاحظه میکنید؟ اگر آیات مورد بحث را ندید بگیریم در روند مطلب سکته ای پدید نمی آید و نیز اگر به متن دقیق شویم ، کاملا معلوم میشود که آن تکه که «پرانتزی» اش نامیده ایم از جنس قبل و بعد خویش نیست .

اینک که متوجه این موضوع شده ایم ، اگر روی همان قطعه «پرانتزی» تمرکز کنیم دلایل زیادی پیدا میکنیم که تاییدگر «عتاب»ی بودن قطعه مذکور است :

1– اینکه آن حضرت به پسرش گفت «در خواب می بینم» (اری فی المنام) این معنی را میدهد که خود آن حضرت هم اعتقاد نداشت که خواب او وحی است زیرا گفته «می بینم» و نگفته «دیده ام» و معلوم میشود چندین بار دیده بوده ولی باور نکرده بوده ، و البته اینکه با آن پسر مشورت کرده و او گفته «پدر جان آنچه را مامورش هستی انجام ده» ، دلیلی بر چیزی نمیشود زیرا او پسر بچه ای بوده و به پدرش به عنوان پیامبر بزرگ الهی کوچکترین شکی نداشته و تصورات او را عین حقیقت تلقی کرده و آنقدر تسلیم حق بوده که بدون کوچکترین تردیدی تسلیم کشته شدن در راه چیزی که آن را حقیقت محض می پنداشته شده است ، و این داستان اگر برای پدرش یک خطا بود برای او یک افتخار است.

2– قسمت اصلی عتاب در جمله «قد صدّقت الرویا» است ، که به این معنی است که ای ابراهیم ! تو که به وحی دسترسی داشتی ، چرا در باره خوابت که خودت هم راجع به آن شک داشتی ، از ما استعلام نکردی؟ مگر همین خودت نبودی که در باره چگونگی زنده کردن مردگان از ما خواستی که موضوع را به تو نشان دهیم و در پاسخ سئوالِ «مگر راجع به آن ایمان نداریِ؟» ما گفتی «چرا ، ولی میخواهم دلم مطمئن شود» چطور در آنجا دنبال اطمینان قلبی بودی اما در اینجا که پای جان انسانها در میان است دنبال اطمینان نبودی و به خواب اطمینان کردی؟

3– جمله «و نیکوکاران را چنین پاداش میدهیم» یعنی اینکه **با وجود این خطائی که از** **او سر زد** ، سوابق درخشانش مانع شد که ما تنبیهش کنیم بلکه با جایگزینی قربانی خطایش را رفع و رجوع کردیم .

توجه دارید که جمله مذکور تکراری است و هم در اینجا آمده و هم در آیه 110 و در اینجا به معنیی است که نیازِ جمله «عتابی» را بر آوَرَد و در آیه 110 به همان معنیی است که راجع به حضرت های نوح و موسی و الیاس و لوط و یونس (علیهم السلام) و بالاخره راجع به خود آنحضرت نیز آمده ، و لذا دو آیه ء کاملا مشابهِ 105 و 110 به یک معنی نیست و اگر به یک معنی میبود ، قبیح بود (التکرار عند العقلاء قبیح) و معاذالله که فکر کنیم که ممکن است از خداوند قبیح سر بزند .

ملاحظه فرمودید؟

دلیل وقوع چنین خطای بزرگی در تشخیص معنی که در طول قرن های طولانی از این کتاب به آن کتاب و از این مفسر به آن مفسر منتقل شد ، چیزی نیست جز اینکه آن قسمت پرانتزی اصلی فرض شد ، و این مورد تنها مورد نیست ، و نظایر زیادی دارد ، چنانکه خواهیم دید . البته المیزان این خطا را ایجاد نکرد ، بلکه فقط از پیشینیان پیروی کرد ، اما ، ایراد این است که در روش کار المیزان چیزی نبود که این خطا را کشف کند .

**5 - کلید های تفسیری**

**ریز کردن پاراگراف تا حد امکان :**

**1**

**وَلَقَدْ نَادَانَا نُوحٌ فَلَنِعْمَ الْمُجِيبُونَ ﴿75﴾ وَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ ﴿76﴾ وَجَعَلْنَا ذُرِّيَّتَهُ هُمْ الْبَاقِينَ ﴿77﴾ وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ﴿78﴾ سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ ﴿79﴾ إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿80﴾ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ﴿81﴾ ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْآخَرِينَ ﴿82﴾**

**2**

**وَإِنَّ مِن شِيعَتِهِ لَإِبْرَاهِيمَ ﴿83﴾ إِذْ جَاء رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ ﴿84﴾ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَاذَا تَعْبُدُونَ ﴿85﴾ أَئِفْكًا آلِهَةً دُونَ اللَّهِ تُرِيدُونَ ﴿86﴾ فَمَا ظَنُّكُم بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿87﴾ فَنَظَرَ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ ﴿88﴾ فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ ﴿89﴾ فَتَوَلَّوْا عَنْهُ مُدْبِرِينَ ﴿90﴾ فَرَاغَ إِلَى آلِهَتِهِمْ فَقَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ ﴿91﴾ مَا لَكُمْ لَا تَنطِقُونَ ﴿92﴾ فَرَاغَ عَلَيْهِمْ ضَرْبًا بِالْيَمِينِ ﴿93﴾ فَأَقْبَلُوا إِلَيْهِ يَزِفُّونَ ﴿94﴾ قَالَ أَتَعْبُدُونَ مَا تَنْحِتُونَ ﴿95﴾ وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ ﴿96﴾ قَالُوا ابْنُوا لَهُ بُنْيَانًا فَأَلْقُوهُ فِي الْجَحِيمِ ﴿97﴾ فَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَسْفَلِينَ ﴿98﴾ وَقَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَى رَبِّي سَيَهْدِينِ ﴿99﴾ رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿100﴾ فَبَشَّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ ﴿101﴾ فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِن شَاء اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ ﴿102﴾ فَلَمَّا أَسْلَمَا وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ ﴿103﴾ وَنَادَيْنَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ ﴿104﴾ قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿105﴾ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاء الْمُبِينُ ﴿106﴾ وَفَدَيْنَاهُ بِذِبْحٍ عَظِيمٍ ﴿107﴾ وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ﴿108﴾ سَلَامٌ عَلَى إِبْرَاهِيمَ ﴿109﴾ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿110﴾ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ﴿111﴾ وَبَشَّرْنَاهُ بِإِسْحَقَ نَبِيًّا مِّنَ الصَّالِحِينَ ﴿112﴾ وَبَارَكْنَا عَلَيْهِ وَعَلَى إِسْحَقَ وَمِن ذُرِّيَّتِهِمَا مُحْسِنٌ وَظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ مُبِينٌ ﴿113﴾**

**3**

**وَلَقَدْ مَنَنَّا عَلَى مُوسَى وَهَارُونَ ﴿114﴾ وَنَجَّيْنَاهُمَا وَقَوْمَهُمَا مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ ﴿115﴾ وَنَصَرْنَاهُمْ فَكَانُوا هُمُ الْغَالِبِينَ ﴿116﴾ وَآتَيْنَاهُمَا الْكِتَابَ الْمُسْتَبِينَ ﴿117﴾ وَهَدَيْنَاهُمَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿118﴾ وَتَرَكْنَا عَلَيْهِمَا فِي الْآخِرِينَ ﴿119﴾ سَلَامٌ عَلَى مُوسَى وَهَارُونَ ﴿120﴾ إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿121﴾ إِنَّهُمَا مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ﴿122﴾**

**4**

**وَإِنَّ إِلْيَاسَ لَمِنْ الْمُرْسَلِينَ ﴿123﴾ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿124﴾ أَتَدْعُونَ بَعْلًا وَتَذَرُونَ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ ﴿125﴾ وَاللَّهَ رَبَّكُمْ وَرَبَّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ ﴿126﴾ فَكَذَّبُوهُ فَإِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ ﴿127﴾ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ﴿128﴾ وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ﴿129﴾ سَلَامٌ عَلَى إِلْ يَاسِينَ ﴿130﴾ إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿131﴾ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ﴿132﴾**

**5**

**وَإِنَّ لُوطًا لَّمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿133﴾ إِذْ نَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ ﴿134﴾ إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ ﴿135﴾ ثُمَّ دَمَّرْنَا الْآخَرِينَ ﴿136﴾ وَإِنَّكُمْ لَتَمُرُّونَ عَلَيْهِم مُّصْبِحِينَ ﴿137﴾ وَبِاللَّيْلِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿138﴾**

**6**

**وَإِنَّ يُونُسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿139﴾ إِذْ أَبَقَ إِلَى الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ ﴿140﴾ فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنْ الْمُدْحَضِينَ ﴿141﴾ فَالْتَقَمَهُ الْحُوتُ وَهُوَ مُلِيمٌ ﴿142﴾ فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنْ الْمُسَبِّحِينَ ﴿143﴾ لَلَبِثَ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿144﴾ فَنَبَذْنَاهُ بِالْعَرَاء وَهُوَ سَقِيمٌ ﴿145﴾ وَأَنبَتْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِّن يَقْطِينٍ ﴿146﴾ وَأَرْسَلْنَاهُ إِلَى مِئَةِ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ ﴿147﴾ فَآمَنُوا فَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَى حِينٍ ﴿148﴾**

**6 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

آیه های 137 و 138 نه تنها فوق ذهنیات مخاطبان اولیه بلکه حتی فوق ذهنیات ما نیز هست.

دو آیه مذکور خطاب به مردم مکهء حاضر در قرن ششم میلادی میگوید ای عرب های ساکن در مکهء قرن ششم میلادی! آثار خرابه های قوم لوط در زیر پاهای شما و در محدوده جغرافیای مسکونی شما موجود است، و بایک حفاری شما قابل کشف و بازیابی است.

چنانکه در قرن هجده پس از فتح مصر در زمان ناپلئون حفاری هائی صورت گرفت و آثاری از تمدن مصر باستان بدست آمد و طومارهائی به خط هیروگلیف پیدا و توسط شامپولیون ترجمه و اطلاعات زیادی توسط آن حفاری ها از قبیل سکه ها و ظروف و مجسمه ها و چه و چه کشف شد و زندگی زمانِ معاصرِ حضرت موسی از «ماقبل تاریخ» به دوره تاریخی منتقل شد ، با حفاری هائی در محدوده مسکونیِ مکهء قرن ششم میلادی نیز چیزهائی کشف خواهد شد که اطلاعات حیرت انگیزی به ما خواهد داد که سبب میشود زمان لوط نبی (ع) (و متعاقب آن زمان حضرت ابراهیم) از «ماقبل تاریخ» به دوره تاریخی منتقل گردد.

همچنین است آیات 139 تا 148 ، که از جندین لحاظ، نه تنها فوق ذهنیات مخاطب های اولیه، بلکه حتی از چندین لحاظ فوق ذهنیات ما مردمِ قرن بیست و یکمی است.

**7 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در آیات 74 تا 79 باذکر داستان نوح تلویحا میگوید که همانطور که نوح موفق شد و روشش مستقر گردید تو نیز موفق خواهی شد .

در آیات تا 109 موضوعی مشابه را با ذکر داستان ابراهیم بیان میکند .

در آیات تا 114 تا 120 موضوعی مشابه را با ذکر داستان موسی و هارون بیان میکند.

در آیات تا 123 تا 131 موضوعی مشابه را با ذکر داستان الیاس بیان میکند.

در آیات تا 133 تا 138 موضوعی مشابه را با ذکر داستان لوط بیان میکند .

در آیات تا 139 تا 148 موضوعی مشابه را با ذکر داستان یونس بیان میکند .

**8 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در طول این مدت طولانی ، از نزول این سوره تا به امروز ، تغییر معناییِ چندانی نیافته ، و لذا مخاطب های اولیه نیز از این پاراگراف همان تلقی را میداشته اند که ما .

اما ، در این مدت طولانی بین ما و مخاطب های اولیه ، یک اتفاقی افتاده که سبب شده ما مطالب این پاراگراف را بد بفهمیم ، و آنهم وقوع تفسیر های غلط از برخی موضوعات این پاراگراف است ، و چون بعضی از آنها را فوقا تحت عنوان «زاویه با تفاسیر رایج» نشان داده ایم ، بحث بیشتری نمیکنیم .

**9 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

معرفي بعضي از پيشگامان ايمان و نتايج ايمانشان در همين جهان به منظور دلداریِ آنحضرت و پیروانش .

**10 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

البته تا کنون در برخی از سوره ها ، به تناسب اوضاع و احوال زمان نزول و نیاز های پیروان آنحضرت ، گوشه هائی از وقایع زمان پیامبران گذشته (ع) ذکر شده ، و برخی از سوره ها ذکر پیامبرانی که در همین پاراگراف هم ذکر شده اند مذکورند ، اما ، در این پاراگراف ، این داستانها ویژگی هایی دارند که عبارت «برای اولین بار» را میتوان در باره آن بکار برد .

**شرح مختصر**

**نکاتی جدید در این داستانهای پیامبران**

**الف) حضرت ابراهیم(ع)**

1- از آیه 84 فهمیده می­شود که حضرت ابراهیم رأساً و مستقیماً هدایت خویش را یافته و دلش به ایمان به خداوند و دوری از بتها محکم شده بود. (و قاعدتاً طی مکانیزمی که در پاراگراف اول مورد اشاره قرار گرفته)

2- پس از ایمان یافتن مستقیم خویش و محکم شدن درباره آن، با «پدر و بستگان و مردم» به مناقشه پرداخته و با آنها برخوردی استدلالی می­نمود.

3- از آیات 88تا90فهمیده می­شود که قوم او ستاره­پرست بودند و برای ستارگان مراسمی برپا می­کردند و او را نیز جزء خودشان حساب می­کردند و در مراسم خویش شرکت می­دادند.

4- از آیات 91تا96فهمیده می­شود او در غیاب آنان به سراغ بت­های آنها رفت و متعرض آنها شد و کاری با آنها کرد که از نظر آنها بی­احترامی عظیم و مستوجب کشته شدن بود.

5 - از آیه 97 فهمیده می­شود آتشی که برای او ساخته بودند آتشی بسیار مهیب بوده که انداختن ابراهیم در آن، به آسانی ممکن نمی­شد و لازم بوده برای این منظور «بنای بلندی» ساخته شود.

6- از آیه­های 98و99معلوم می­شود موفق نشدند و حضرت ابراهیم سالم ماند و از آنها و از آنجا کناره گرفت و بسوی زندگی خاص مستقل خویش پیش رفت.

7- آیات 100تا103 راجع به فرزند حضرت ابراهیم است که با توجه به آیه 112 معلوم می­شود این فرزند، غیر از اسحق است که سرسلسله پیامبران بنی­اسرائیل است ، و از کلمه «سعی» در آیه 102 معلوم می­شود این همان اسمعیل است که در مکه بود زیرا «سعی» جزء اعمال حج است و حج هم در مکه است و از همینجا معلوم می­شود که تولد اسمعیل مقدم بر اسحاق بوده است.

و همچنین از همین آیه 102 معلوم می­شود که قربانی کردن برای خداوند یک رسم جا افتاده و یک عرف بوده که از همین واقعه قربانیِ انسانی لغو گردید.

8 – در این سوره ضمنا یک نکته مهم در داستان آنحضرت است که مفسران سلف در باره آن دچار خطا شده و عتاب آنحضرت را تایید الهی تصور کرده اند که ما از کتاب «صدها ایراد بر تفاسیر کلاسیک» (به همین قلم) فوقا عینا نقل کرده ایم.

**ب) حضرت الیاس(ع)**

با توجه به آیات 123تا127چنانکه اطلاعات تاریخی بما می­گوید «بعل» نام بت مورد پرستش تمدنی بود که در محل عراق فعلی مستقر و تا سرزمین مغرب (مراکش فعلی) نیز نفوذ یافته بود، و لذا الیاس باید پیغمبر این خطه باشد. آیا الیاس از نژاد بنی­اسرائیل بود یا از اولاد اسماعیل؟ سوره متعرض این مطلب نشده و ندانستن آن هم به بحث اصلی ضرری نمی­زند.

**ج) حضرت لوط(ع)**

با توجه به آیه­های 137و138 قبلاً در چندین مورد با داستان حضرت لوط آشنا شده­ایم آنچه در اینجا جدید است ذیلاً مورد دقت قرار گیرد:

1- کلمه «شما» در آیه 137 خطاب به چه کسانی است؟ بدیهی است منظور از آن، مخاطبان پیامبر اکرم(ص) است و از همین نکته معلوم می­شود که محل هلاکت آنها در نزدیکی­های مخاطبان اولیه آنحضرت بوده. (یعنی نزدیک مکه)

2- «آیا تعقل نمی­کنید» آیه 38 نشان می­دهد باید چیزی یا چیزهایی وجود داشته باشد که فکر را به کار بیاندازد و لذا معلوم می­شود که آثاری از قوم لوط بر جا مانده و قابل شناسائی بوده و این آثار در سر راه مخاطبان آنحضرت بوده و آنها به آسانی می­توانستند آن آثار را دیده و طبعاً می­باید در خصوص آنها تفکر و تعقل کرده باشند. این نکته از لحاظ باستان­شناسی دارای اهمیت انکارناپذیری است و متضمن یکی از معجزات علمی قرآنی نیز می­باشد و جا دارد مسئولان راجع به این مورد حساب ویژه­ای باز کنند و عده­ای متخصص ژرف­نگر را مسئول کشف آثار آن قوم نموده و به این ترتیب برگ زرین دیگری به کتاب پر صفحه معجزات قرآنی بیافزایند.

**د) حضرت یونس(ع)**

در رابطه با آیات 139تا148 داستان حضرت یونس که جدید است و در سوره­های قبلی جز اشاره­ای کوتاه در انتهای سوره قلم به آن ندیدیم و حاوی نکات عجیبی است:

1- آن چه «ماهی»ای بود که «او را لقمه­ای» کرد؟ و آنقدر هم بزرگ بود که او در شکم آن، هنوز می­توانست به نماز بایستد. زیرا بزرگترین نهنگ­هائی هم که امروزه می­شناسیم، چنین ظرفیتی ندارند.

2- دیگر اینکه آن ماهی امکان جاودانگی تا آخر این جهان را داشته. یعنی مرگ نداشته و حتی خود حضرت یونس نیز که امکان زندانی بودن جاوید در آنجا را پیدا کرده بود، حیرت­انگیز است.

3- معلوم می­شود تمدنی که حضرت یونس بر آن برانگیخته شده بود تمدن بزرگی بوده زیرا «صد هزار نفر و بلکه هم بیشتر» آنهم با مقیاس زندگی­هایِ ابتدائیِ آن زمانها، گستره وسیعی را شامل می­گردد.

4-از آیات 140تا142 معلوم می­شود که او در نوعی «قرعه­کشی برای به دریا انداختن» بازنده شده بود (که می­توان آنرا نوعی تنبیه الهی برای «استعفا از مسئولیت پیامبری» دانست)

**جمع بندی و تفسیر**

**و البته نوح ندايمان داد و خوب جوابش داديم (75) و او را و اهلش را از آن گرفتاري بزرگ نجات داديم (76) و خاندانش را باقي گذاشتيم (77) و در ميان اقوام بعدي بجا گذاشتيم (78) سلامي بر نوح در ميان جهانيان (79) نيکوکاران را چنين پاداش ميدهيم (80) زيرا که از بندگان مومن ما بود (81) و بقيه را غرق کرديم (82) و از پيروان او ابراهيم بود (83) هنگامي که با قلبي سليم به سوي پروردگارش آمد (84) آن وقت که به پدرش و قومش مي گفت چه ميپرستيد؟(85) آيا بجاي خداوند خداياني دروغين را ميخواهيد؟(86) پس نسبت به پروردگار جهانيان چه گماني داريد؟(87) آنگاه نگاهي به ستارگان انداخت (88) و گفت مريضم (89) پس** (او را بحال خويش گذاشته) **و رفتند (90) آنگاه بسوي خدايان آنها رفت و گفت نميخوريد؟(91) چه تان است؟ چرا سخن نميگوييد؟(92) پس پنهاني با ضربتي** محكم (آنها را زد) **(93) آنگاه آنها سراسيمه بسوي او شتافتند (94) گفت آيا چيزي را که خودتان ميتراشيد ميپرستيد؟(95) در حاليکه خداوند شما و آنچه را عمل مي كنيد آفريده (96) گفتند بناي بلندي برايش بسازيد و او را در آتش سوزان بيفکنيد (97) پس نيرنگي برايش ترتيب دادند ولي ما آنهارا فروتر قرار داديم (98) و گفت من بسوي پروردگارم ميروم و او البته بزودي هدايتم خواهد کرد (99) پروردگارا** (فرزندي) **از صالحان بمن بده (100) پس مژده پسري موقر را به او داديم (101) و هنگامي که بالغ شد و در سعي همراهش بود به او گفت: پسرکم! در خواب ديدم که دارم تو را ذبح ميکنم. نظرت چيست؟ گفت: پدر جان!آنچه را که مأمور هستي انجام ده. انشاء الله مرا صابر خواهي يافت (102) پس چون تسليم شدند و پيشاني او را بر زمين گذاشت (103) ندايش داديم که اي ابراهيم! (104) تو موضوع رويايت را به راستي آوردي و ما نيکوکاران را چنين پاداش ميدهيم (105) البته اين يک آزمايش آشکار بود (106) و با قرباني عظيمي جايگزينش داديم (107) و درميان بازماندگان برايش بجا گذاشتيم: (108) سلامي بر ابراهيم (109) و نيکوکاران را چنين پاداش ميدهيم (110) که او البته از بندگان مومن ما بود (111) و او را به اسحق مژده داديم که پيغمبري از شايستگان بود (112) و به او و به اسحق برکت داديم و از اولاد آنها کساني مومن بودند و کساني هم بطور آشکار به خويش ظلم ميکردند (113) و البته به موسي و هارون نيز لطف کرديم (114) و آنها و قومشان را از آن گرفتاري عظيم نجات داديم (115) و ياري شان کرديم و آنها غالب شدند (116) و آن کتاب روشنگر را به آنها داديم (117) و آنها را بجاده مستقيم هدايت کرديم (118) و در ميان بازماندگان براي آنها بجا گذاشتيم: (119) سلامي بر موسي و هارون (120) نيکوکاران را چنين پاداش ميدهيم (121) آنها از بندگان مومن ما بودند (122) و الياس هم از فرستادگان بود (123) هنگامي که به قومش گفت پروا نميکنيد؟(124) آيا «بعل» را ميخوانيد و بهترين آفريدگار را وا مي گذاريد؟(125) خداوند را که پروردگار شما و نياكانتان است؟(126) پس تکذيبش کردند و جزء بازداشت شدگان گرديدند (127) مگر بندگان خالص شده خداوند (128) و براي او در بازماندگان قرار داديم: (129) سلامي بر الياسي ها (130) نيکوکاران را چنين پاداش ميدهيم (131) که او البته از بندگان مومن ما بود (132) و لوط هم از فرستادگان بود (133) هنگامي که او و اهلش را جمعأ نجات داديم (134) مگر پيرزني را که در عذاب شدگان ماند (135) آنگاه بقيه را هلاک کرديم (136) و شما صبحگاهان بر آنها عبور ميکنيد (137) و (نيز) شب ها. آيا تعقل نمي کنيد؟(138) و البته يونس هم از فرستادگان بود (139) هنگامي که بسوي آن کشتي پر** (از جميت) **ميگريخت (140) پس قرعه کشيدند و او از باختگان شد (141) و آن ماهي او را لقمه اي کرد و او سزاوار نکوهش بود (142) پس اگر نبود که** (حتي در شکم ماهي هم) **جزء تسبيح گويان بود، (143) تا روز قيامت در شکم آن ميماند (144) پس او را به كرانه اي باير انداختيم و مريض بود (145) و بر او درختي از کدو رويانديم (146) و او را بسوي صد هزار نفر بلکه بيشتر،** (به رسالت) **فرستاديم (147) و ايمان آوردند و ما هم تا مدتي بهره مندشان کرديم (148)**

**صافات4 آیات149تا182**

**فَاسْتَفْتِهِمْ أَلِرَبِّكَ الْبَنَاتُ وَلَهُمُ الْبَنُونَ ﴿149﴾ أَمْ خَلَقْنَا الْمَلَائِكَةَ إِنَاثًا وَهُمْ شَاهِدُونَ ﴿150﴾ أَلَا إِنَّهُم مِّنْ إِفْكِهِمْ لَيَقُولُونَ ﴿151﴾ وَلَدَ اللَّهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿152﴾ أَصْطَفَى الْبَنَاتِ عَلَى الْبَنِينَ ﴿153﴾ مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ﴿154﴾ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿155﴾ أَمْ لَكُمْ سُلْطَانٌ مُّبِينٌ ﴿156﴾ فَأْتُوا بِكِتَابِكُمْ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ﴿157﴾ وَجَعَلُوا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجِنَّةِ نَسَبًا وَلَقَدْ عَلِمَتِ الْجِنَّةُ إِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ ﴿158﴾ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿159﴾ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ﴿160﴾ فَإِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ ﴿161﴾ مَا أَنتُمْ عَلَيْهِ بِفَاتِنِينَ ﴿162﴾ إِلَّا مَنْ هُوَ صَالِ الْجَحِيمِ ﴿163﴾ وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ ﴿164﴾ وَإِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُّونَ ﴿165﴾ وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ ﴿166﴾ وَإِنْ كَانُوا لَيَقُولُونَ ﴿167﴾ لَوْ أَنَّ عِندَنَا ذِكْرًا مِّنْ الْأَوَّلِينَ ﴿168﴾ لَكُنَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ﴿169﴾ فَكَفَرُوا بِهِ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿170﴾ وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ ﴿171﴾ إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنصُورُونَ ﴿172﴾ وَإِنَّ جُندَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ ﴿173﴾ فَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّى حِينٍ ﴿174﴾ وَأَبْصِرْهُمْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ ﴿175﴾ أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ ﴿176﴾ فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ فَسَاء صَبَاحُ الْمُنذَرِينَ ﴿177﴾ وَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّى حِينٍ ﴿178﴾ وَأَبْصِرْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ ﴿179﴾ سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿180﴾ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ ﴿181﴾ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿182﴾**

**ای پیامبر! از آنان بپرس آيا دختران را که خودتان جنس پست میشمارید براي خدا می پسندید و پسران را براي خودتان میخواهید؟ (149) آيا ما ملائکه را ماده آفريده ايم و آنها شاهد اين موضوع هستند؟ (150) بدانيد آنها از دروغگوئي شان است که ميگويند (151) خداوند فرزندي زاده و آنها که چنین میگویند حتما از دروغگويانند (152) آيا خداوند دختران را بر پسران ترجيح داده که ملائکه را از دختران قرار داده و به فرزندی گرفته؟ (153) چه تان شده چگونه حکم ميکنيد؟ (154) آيا انديشه نمي كنيد؟ (155) آيا دليل روشني داريد؟ (156) پس کتابتان را بياوريد اگر راست ميگوئيد (157) و آنها علاوه بر این بين خداوند و بين جنّيان نیز نسبتي قرار دادند در حاليکه خودِ آن جنيان دانسته اند که جزء بازداشت شدگانند (158) منزه است خداوند از آنچه وصفش مي کنند (159) البته بندگان خالص شده خداوند چنین باطل هائی نمیگویند (160) پس البته شما و آنچه ميپرستيد (161) فتنه اي عليه خداوند بپا نخواهيد کرد (162) جز اينكه به درون آتش سوزان خواهيد افتاد (163) و خود فرشتگان هم از اینگونه سخنان در باره خویش برائت میجویند و میگویند از ما نيست مگر کسي که جايگاهي معلوم دارد (164) و البته ما همواره در صف خدمت و اطاعت خدائیم (165) و تسبيح گويانيم (166) و البته این کافران علاوه بر آن سخنان باطل مي گفتند: (167) اگر نزد ما پندي از گذشتگان بود (168) البته ما هم جزء بندگان خالص شده خداوند ميبوديم (169) پس به آن قرآن کفر ورزيدند و بزودي عاقبت خویش را خواهند دانست (170) و البته قبلا کلمه ما راجع به بندگان فرستاده مان صادر شده بود (171) که آنها حتما ياري خواهند شد (172) و اينکه لشکر ما حتمأ غالب خواهد گرديد (173) پس تا مدتي از آنان روي برگردان (174) و در کار آنها بنگر و خودشان هم بزودي خواهند ديد که چه عاقبتی خواهند داشت (175) آيا عذاب ما را به عجله ميخواهند؟ (176) پس وقتيکه عذاب ما به محدوده آنها رسيد ، حالت آنها که قبلا هشدار یافته بودند بد خواهد بود (177) پس، تا مدتي از آنان روي برگردان (178) و بنگر و بزودي آنها هم خواهند ديد (179) منزه است پروردگارت، همان پروردگار پيروزمند، از آنچه وصف ميکنند (180) و سلام بر فرستادگان (181) و ستايش مخصوص پروردگار جهانيان است (182)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: ايمان سبب نجات در دو جهان است.**

**درب: ارزيابي ريشه هاي محتمل فكري كافران و ردّ آن و ذكر يك قانون الهي در مورد تاييد پيامبران و نيروهاي مومن و نيز توصيه هايي به پيامبر كه در مقابل اين كافران چنين كن و چنين بگو.**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 که ابتدای سوره است می فرماید که معبود شما یکی است و «سازمان» جهان براساس توحید سازماندهی شده است و خداوند را به ذکرصفات شدت وعلوّ آنحضرت معرفی می فرماید و ضمنا از کافران به ظرافت انتقاد میکند که گویا راجع به خویش زیاده بینی و راجع به آفرینش آسمانها و زمین کم بینی دارند.

در پاراگراف 2 می فرماید : ای پیامبر ! تعجبت ازاین است که اینها به حقایق به آن مهمی اهمــیت نمی دهند؟ (مهم نیست ، عده ای هم هستند که بسیاراهمیت میدهند و به نتایج عالیش هم دست می یابند)

در پاراگراف 3 می فرماید : بندگانی که توسط خداوند خالص شده اند (رجوع کنید به شرحی که دراوخرسوره هود تحت عنوان «امروجودی-امرعدمی» عرض کردیم) هم دراین جهان ، وهم درآخرت ، از زندگی مطلوبی برخوردار خواهندشد. و در این مقال دلداریی به آنحضرت و پیروانش نیز نهفته است .

در این پاراگراف می فرماید : ای پیامبر ! به این کافران که عقایدشان باطل ، ودلایلشان برای ایمان نیاوردن دروغ است فعلا اهمیتی نده ، تا زمان مناسب که برسد ، وآنگاه ، البته برخورد مناسب با آنها صورت خواهد گرفت و راجع به یاری ما مطمئن باش ، اماهنوز وقت آن نرسیده ، لـذا لازم است مدتی کوتاه منتظربمانی . تا آن موقع ، فعلا روشت این باشد که به آنها اهمیتی ندهی .

**3 - سوالات**

1 - حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟ (دلداری به پیامبر- ص- و پیروانش؟ دلداری و ارشاد همزمان آنحضرت؟ یا......؟)

2 – منظور از «کلمه» (آیه171) چیست؟

3 - «حین» (آیه های 174 و 178) اشاره به بازهء زمانی کوتاه دارد یا بلند؟

4 – از آیه180 چه «حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها» میتوان زد؟

5 – چرا خداوند در اینجا از ضمیر«ما» (کلمتنا عبادنا جندنا عذابنا....) استفاده فرموده؟

6 – چرا خداوند از بین صفات ممکن ، برای معرفی خویش از صفاتی مانند ربّ العزّه و ربّ العالمین استفاده فرموده؟

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

ازآیه 158 معلوم می­شود که مشرکان ، غیر از اینکه بین ملائکه و بین پیامبران و خداوند نسبت­هائی (مثلاً پدر و فرزندی) برقرار کرده بودند بین جنیان و خداوند نیز چنین نسبت­هائی قرار داده بودند .

آیات 167تا169 از زبان مشرکان معاصر این آیات است که می­گویند اگر مانند گذشتگان کتابی بر ما نازل شده بود البته ما هم صالح می­شدیم . (یعنی قرآن را لااقل در حد کتابهای گذشتگان هم نمی­دانستند)

آیه 170 نیز همین مطلب اخیر را با صراحت بیشتر ذکر می­کند و راجع به نتیجه آن نیز که یا عذاب در آخرت و یا شکست در این جهان است ، هشدار می­دهد .

همچنین از آیه 149 و 150 و 153 مهلوم میشود که در باور های مخالفان معاصر نزول این آیات تناقضی آشکار است که از طرفی جنس مونث را پست می انگاشتند و از طرف دیگر برای آنها مقام های بسیار بالای الوهیتی قائل بودند .

از آیه های 176 و 177 فهمیده میشود جبهه مخالف آنحضرت به هشدار های آنحضرت کوچکترین اهمیتی نمیدادند و ـ چنانکه قبلا هم در سوره های پیشین دیدیم – میگفتند «اگه راست میگی این عذابی که حرفش را میزنی برامون بیار»

**5 - پیشگوئی های تحقق یافته**

آیات 171 تا 182 صراحتا دارای این وعده هاست :

1 – پیامبران یاری خواهند شد (آیه 172)

2 – نیروهای الهی پیروزِ نهائی خواهند بود (آیه 173)

3 – ای پیامبر ! پس از مدتی کوتاه موفق خواهی شد (آیه 178)

4 – موفقیت تو آنقدر نزدیک است که معاصرانت آن را خواهند دید (آیه 179)

و چنانکه میدانیم همه این پیشگوئی ها به تحقق پیوسته است .

**6 – کلیدهای تفسیری**

**پرانتزها :**

آیه­های 151 و 152 فرع بر آیه 150 است و این واضح است.

همچنین است وضع آیه­های 154 و 155 و 156 و 157 نسبت به آیه 153.

نیزچنین است وضع آیه 159 نسبت به آیه 158.

همینطوراست وضع آیه­های 161 و 162 و 163 نسبت به آیه 160.

همچنین است وضع آیه 170 نسبت به دو آیه ماقبل خویش.

آیه­های 172 و 173 فرع بر آیه 171 است و این واضح است.

آیه­های 176 و 177 هم فرع بر مجموع آیه­های 174 و 175 است.

**عصاره مطلب :**

آیه­های 149 و 150 و 153 و 158 ردیه­ای است بر اینکه کافران سعی می­کرده­اند برای خداوند «دور و بری» و «حاشیه» و «نزدیکانی» جعل کرده و خود را به آنها بچسبانند و ماده اصلی شرک نیز همین است که این «اطرافیان» و «حاشیه­ها» و «نزدیکان» به صورت فرزند و اجنّه مطرح می­شده است.

در آیات 164 تا 166 واقعیت به این صورت مطرح می­­شود که خداوند «اطرافیان و حاشیه و نزدیکان» ندارد بلکه ملائکه­ای دارد که صفات عمده­ آنها در رابطه با خداوند بیان شده است.

در آیات 167 تا 170 قول کافران نقل می­شود که اگر «پند»ی می­داشتیم ایمان می­آوردیم اما دروغ می­گویند.

بنابراین، این پاراگراف، سه محور دارد:

1- خداوند «اطرافیان و نزدیکان» (به آن معنی رایج مشرکانه) ندارد.

2- خداوند «بندگان خالص شده» (ملائکه و پیامبران و ...) دارد.

3- کافران که می­گویند اگر چنین و چنان می­شد ما بهترین بندگان می­شدیم دروغ می­گویند و به زودی هم متوجه حقایق خواهند شد.

**خلاصه اینکه می فرماید کافران راجع به خداوند و چگونگی اداره جهان اشتباه ، و برای ایمان نیاوردن هم بهانه­گیری می­کنند .**

از آنجا که تعداد قابل توجهی توصیه ارشادی هم به پیامبر دارد (فتول عنهم ، ابصرهم ، تول عنهم ، ابصر ، که عبارت از دوبار «از آنان رویگردان» و دوبار «بنگر» باشد) به عصاره مطلب ، علاوه بر آنکه در چند سطر فوق عرض کردیم ، میباید آنچه را که ذیلا هم می بینید اضافه کرد :

**«ای پیامبر، حتماً موفق خواهی شد، لذا فعلاً چندان اهمیتی به آنان مده و منتظر باش»**

**ریز کردن پاراگراف تا حد امکان**

**1**

**فَاسْتَفْتِهِمْ أَلِرَبِّكَ الْبَنَاتُ وَلَهُمُ الْبَنُونَ ﴿149﴾ أَمْ خَلَقْنَا الْمَلَائِكَةَ إِنَاثًا وَهُمْ شَاهِدُونَ ﴿150﴾ أَلَا إِنَّهُم مِّنْ إِفْكِهِمْ لَيَقُولُونَ ﴿151﴾ وَلَدَ اللَّهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿152﴾ أَصْطَفَى الْبَنَاتِ عَلَى الْبَنِينَ ﴿153﴾ مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ﴿154﴾ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿155﴾ أَمْ لَكُمْ سُلْطَانٌ مُّبِينٌ ﴿156﴾ فَأْتُوا بِكِتَابِكُمْ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ﴿157﴾**

**درس: ايمان سبب نجات در دو جهان است.**

**درب: ای کافران! چه دلیلی برای این اعتقاد به این باطلی دارید؟**

**2**

**وَجَعَلُوا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجِنَّةِ نَسَبًا وَلَقَدْ عَلِمَتِ الْجِنَّةُ إِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ ﴿158﴾ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿159﴾ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ﴿160﴾**

**درس: ايمان سبب نجات در دو جهان است.**

**درب: بطلان اعتقادات کافران** **فقط محدود به** **فرزند قائل شدن برای خداوند نیست.**

**3**

**فَإِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ ﴿161﴾ مَا أَنتُمْ عَلَيْهِ بِفَاتِنِينَ ﴿162﴾ إِلَّا مَنْ هُوَ صَالِ الْجَحِيمِ ﴿163﴾**

**درس: ايمان سبب نجات در دو جهان است.**

**درب: ای کافران! نه شما و نه معبودان باطل تان فتنه ای برای خداوند محسوب نمیشوید.**

**4**

**وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ ﴿164﴾ وَإِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُّونَ ﴿165﴾ وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ ﴿166﴾**

**درس: ايمان سبب نجات در دو جهان است.**

**درب: ملائکه هریک درجاتی دارند، اما خودشان عابدند نه معبود.**

**5**

**وَإِنْ كَانُوا لَيَقُولُونَ ﴿167﴾ لَوْ أَنَّ عِندَنَا ذِكْرًا مِّنْ الْأَوَّلِينَ ﴿168﴾ لَكُنَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ﴿169﴾ فَكَفَرُوا بِهِ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿170﴾**

**درس: ايمان سبب نجات در دو جهان است.**

**درب: ای پیامبر! کافران برای بقاء در کفر بهانه می آورند.**

**6**

**وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ ﴿171﴾ إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنصُورُونَ ﴿172﴾ وَإِنَّ جُندَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ ﴿173﴾ فَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّى حِينٍ ﴿174﴾ وَأَبْصِرْهُمْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ ﴿175﴾**

**درس: ايمان سبب نجات در دو جهان است.**

**درب: ای پیامبر! به یاری ما و موفقیت خودت مطمئن باش، و مدتی از آنها روی بگردان، که بزودی خواهی و خواهند دید.**

**7**

**أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ ﴿176﴾ فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ فَسَاء صَبَاحُ الْمُنذَرِينَ ﴿177﴾**

**درس: ايمان سبب نجات در دو جهان است.**

**درب: ای پیامبر! کافران که به عنوان یک بهانه یکریز میگویند اگر راست میگوئی آن عذاب را برما فرود آر، وقتی با آن مواجه شوند بد احوال خواهند بود.**

**8**

**وَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّى حِينٍ ﴿178﴾ وَأَبْصِرْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ ﴿179﴾ سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿180﴾ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ ﴿181﴾ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿182﴾**

**درس: ايمان سبب نجات در دو جهان است.**

**درب: ای پیامبر! فعلا به حال خویش رهاشان کن و به ما واگذارشان کن.**

**7 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در طول این مدت طولانی ، از نزول این سوره تا به امروز ، تغییر معناییِ چندانی نیافته ، و لذا مخاطب های اولیه نیز از این پاراگراف همان تلقی را میداشته اند که ما .

**8 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

توصیه ارشادی به پیامبر(ص) که به این کافران که عقایدشان باطل ، ودلایلشان برای ایمان نیاوردن دروغ است فعلا اهمیتی نده .

**9 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

غیر از آیات 149 تا 157 ، و آیه های 159تا 163 و 174 تا 176 و 178 و 179 ، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است.

**شرح مختصر**

**چند دریافت مستقیم وکوتاه**

ازآیه 160فهمیده میشود که بندگان خالص شده خداوند چنین نسبتهائی برقرار نمی­کنند و خداوند را به یکتایی می­شناسند .

آیات 161تا163 در بیان این مطلب است که کسی که جهنمی باشد خودش عامل اصلی جهنمی شدن خویش است .

آیات 164تا166 از زبان ملائکه است که یعنی ما دختران خداوند نیستیم بلکه مخلوقاتی از جهان بیکران آفرینش او هستیم .

**جمع بندی و تفسیر**

**پس ، از آنان بپرس آيا دختران براي خدا و پسران براي آنان است؟ (149) آيا ملائکه را ماده آفريده ايم و آنها شاهد اين موضوع هستند؟ (150) بدانيد آنها از دروغگوئيشان است که ميگويند: (151) خداوند فرزندي زاده و آنها حتما دروغگويانند (152) آيا دختران را بر پسران ترجيح داده؟ (153) چه تان شده چگونه حکم ميکنيد؟ (154) آيا انديشه نمي كنيد؟ (155) آيا دليل روشني داريد؟ (156) پس کتابتان را بياوريد اگر راست ميگوئيد (157) و بين او و بين جنيان نسبتي قرار دادند در حاليکه خودِ آن جنيان دانسته اند که جزء بازداشت شدگانند (158) منزه است خداوند از آنچه وصفش مي کنند (159) مگر بندگان خالص شده خداوند** (که چنین نمیگویند) **(160) پس البته شما و آنچه ميپرستيد (161) فتنه اي عليه او بپا نخواهيد کرد (162) جز اينكه به درون آتش سوزان خواهيد افتاد (163) و**[فرشتگان گویند] **از ما نيست مگر کسي که جايگاهي معلوم دارد (164) و البته ما صف بستگانيم (165) و تسبيح گويانيم (166) و همانا** [کافران] **مي گفتند: (167) اگر نزد ما پندي از گذشتگان بود (168) البته ما هم جزء بندگان خالص شده خداوند ميبوديم (169) پس به آن کفر ورزيدند و بزودي خواهند دانست (170)** **و البته قبلا کلمه ما راجع به بندگان فرستاده مان صادر شده بود (171) که آنها حتما ياري خواهند شد (172) و اينکه لشکر ما حتمأ غالب خواهد گرديد (173) پس تا مدتي از آنان روي برگردان (174) و در آنها بنگر و بزودي خواهند ديد** (چه عاقبتی خواهند داشت) **(175) آيا عذاب ما را به عجله ميخواهند؟(176) پس وقتيکه** (عذاب ما) **به محدوده آنها رسيد ، صبحِ هشدار شدگان بد خواهد بود (177)** (پس) **تا مدتي از آنان روي برگردان (178) و بنگر و بزودي خواهند ديد (179) منزه است پروردگارت كه همان پروردگار پيروزمند است ، از آنچه وصف ميکنند (180) و سلام بر فرستادگان (181) و ستايش مخصوص پروردگار جهانيان است (182)**

**سوره ص**

**﴿ بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾**

**ص وَالْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ ﴿1﴾ بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي عِزَّةٍ وَشِقَاقٍ ﴿2﴾ كَمْ أَهْلَكْنَا مِن قَبْلِهِم مِّن قَرْنٍ فَنَادَوْا وَلَاتَ حِينَ مَنَاصٍ ﴿3﴾ وَعَجِبُوا أَن جَاءهُم مُّنذِرٌ مِّنْهُمْ وَقَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا سَاحِرٌ كَذَّابٌ ﴿4﴾ أَجَعَلَ الْآلِهَةَ إِلَهًا وَاحِدًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عُجَابٌ ﴿5﴾ وَانطَلَقَ الْمَلَأُ مِنْهُمْ أَنِ امْشُوا وَاصْبِرُوا عَلَى آلِهَتِكُمْ إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ يُرَادُ ﴿6﴾ مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي الْمِلَّةِ الْآخِرَةِ إِنْ هَذَا إِلَّا اخْتِلَاقٌ ﴿7﴾ أَأُنزِلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ مِن بَيْنِنَا بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِّن ذِكْرِي بَلْ لَمَّا يَذُوقُوا عَذَابِ ﴿8﴾ أَمْ عِندَهُمْ خَزَائِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ ﴿9﴾ أَمْ لَهُم مُّلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَلْيَرْتَقُوا فِي الْأَسْبَابِ ﴿10﴾ جُندٌ مَّا هُنَالِكَ مَهْزُومٌ مِّنَ الْأَحْزَابِ ﴿11﴾**

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**ص- قسم به قرآنِ پنددار (1) ليکن کافران در غرور و مخالفتي بزرگ هستند (2) چه اقوامي را قبل از آنان هلاک کرديم که هنگامِ دیدنِ نتیجه رفتارشان به فرياد درآمدند که ديگر فايده اي نداشت (3) آیا اینان تعجب کرده اند که هشدار دهنده اي از ميان خودشان بسويشان آمده که گفته اند اين جادوگري بسيار دروغگوست (4) که همه خدايان را يکي کرده؟ و گفته اش چيز بسيار عجيبي است (5) ای پیامبر! نگران مباش، سران و بزرگانشان اين راه را انتخاب کردند که به زیر دستان خویش گفته اند به این پیامبر گوش نکنید و به مشي خويش ادامه دهيد و بر خدايان خويش پايداري کنيد که اين چيزي است كه از شما میخواهیم (6) همچنين به آنها گفته اند این چیزهایی که این پیامبر میگوید را از هيچ قوم ديگري نشنيده ايم و اينها چيزي جز دروغ ساخته و پرداخته نیست (7) آيا ازميان ما، اين وحي فقط براونازل شده؟ ای پیامبر! نگران مشو ، آنها با این نوع سخنان نسبت به تذکرات خداوند در شکي هستند زیرا هنوز عذاب را نچشيده اند (8) آيا انبارهاي رحمت پروردگار عزتمند بخشنده ات نزد آنان است که چنین میگویند؟ (9) يا اينکه فرمانروايي آسمانها و زمين و بين آندو از آن آنان است ، پس اگر چنین باشد، این تکذیب کنندگانت بايد بتوانند با اسباب و وسايل به آسمانها بالا روند (10) اينان لشکري شکست خورده هستند و از نوع همان احزاب هلاک شده پیشین ميباشند (11)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: ايات و نعمت های مهمي كه به پيامبران داده شده، در اثر توجه و دقت در اطاعت خداوند وتواضع و توجه دائمي به سوي او بوده است.**

**درب : ای پیامبر! كافران غرق خودپسندي و خود محوري هستند و ایرادها شان نیز ناشی از همین است .**

**2 - سوالات :**

1 - تنوین موجود در انتهای دوکلمه عزة و شقاق (آیه2) از باب تعظیم است یا تصغیر؟

2– از لحاظ دستورزبان ، «بل» (آیه2) چه نقشی دارد؟

3 – منظور از «فی عزة» (آیه 2) چیست؟ (در توهم عزة؟ یا . . ؟)

1 - « **لَاتَ حِينَ مَنَاصٍ**» (آیه3) چه نوع از سخن است؟ (کنایه؟یا....؟)

2 - «**انطَلَقَ»** (آیه6) چطور؟

3 – منظور از **الْمِلَّةِ الْآخِرَةِ** (آیه7) چیست؟

4 - حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟ («باز»کردن مطلب پاراگراف قبل؟ یا....؟)

5 - چرا خداوند در اینجا خودرا «عزیز» (=دست نیافتنی) و «وهّاب» (بخشنده) معرفی فرمود؟

**3 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

از آیه 2 فهمیده میشود سران کافران معاصر نزول خودرا در موقعیت برتر حساب میکردند .

از آیات 4 تا 8 فهمیده میشود سران کفار هنوز همان قول سابق خویش را حفظ کرده و آنحضرت را ساحر و کذاب و گوینده سخن من در آری میخواندند و اینکه وحی به شخصی از میان خودشان نازل شود را مایه تعجب میدیدند و موضعشان بی تفاوتی و ادامه دادن روش مالوف بود .

از آیه های 9 و 10 فهمیده میشود که استدلال وحی برای باطل کردن آن گفتمان این است که آسمان و زمین مال ما است و ما بهتر میدانیم لطف خود را کجا خرج کنیم ، و بهتر است آنها مواظب خویش باشند که به عاقبت مشابهان سلف خویش گرفتار نشوند.

**4 – زاویه با تفاسیر رایج**

**1**:(المیزان) : در اين سوره گفتار پيرامون رسول خدا (ص) دور مى‏زند و اينكه آن جناب با ذكرى از ناحيه خدا كه بر او نازل شده مردم را انذار مى‏كند .

آنچه فوقا می بینید «غرض» سوره است به نقل از المیزان (که کارکرد «عصاره محتوای سوره» را دارد .

ما عصاره محتوای سوره ها را از راه محاسبه استخراج کرده ایم که این است :

آیات و نعمت های مهمی که به پیامبران داده شده ، در اثر توجه و دقت در اطاعت خداوند و تواضع و توجه دائمی به سوی او بوده است .

**5 - پیشگوئی های تحقق یافته**

1 - در این پاراگراف کتابی که دارد بر آنحضرت نازل میشود «قرآن» نامیده شده ، و اگر به ترتیب نزول به قرآن نگاه کنیم و حجم از ابتدا تاکنون را نسبت به کل محاسبه کنیم ، به حجمی کمتر از 40% از کل میرسیم .

اینکه رسالت آنحضرت دوام خواهد یافت و آنحضرت موفق خواهد شد 60% بقیه را نیز دریافت کند ، یک پیشگوئی تحقق یافته است .

2 – در این پاراگراف و بخصوص آیه 11 چنان با تحقیر به جبهه مخالف آنحضرت اشاره میفرماید و چنان پیشگوئی هزیمت آنان را میکند که آن را میتوان پیشگوئی روشن ارزیابی نمود ، و چنانکه همگان میدانند این نیز یک پیشگوئی تحقق یافته است.

**6 – کلیدهای تفسیری**

**اصلی-فرعی:**

آیات 5 تا 8 فرع بر آیه­های 3 و 4 است.

**ریز کردن پاراگراف تا حد امکان :**

**1**

**ص وَالْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ ﴿1﴾ بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي عِزَّةٍ وَشِقَاقٍ ﴿2﴾**

**درس: آيات و نعمت های مهمي كه به پيامبران داده شده، در اثر توجه و دقت در** **اطاعت خداوند وتواضع و توجه دائمي به سوي او بوده است.**

**درب : ای پیامبر! این کافران خود پسند، و مایل به تافته جدابافتگیِ خویش اند.**

**2**

**كَمْ أَهْلَكْنَا مِن قَبْلِهِم مِّن قَرْنٍ فَنَادَوْا وَلَاتَ حِينَ مَنَاصٍ ﴿3﴾ وَعَجِبُوا أَن جَاءهُم مُّنذِرٌ مِّنْهُمْ وَقَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا سَاحِرٌ كَذَّابٌ ﴿4﴾ أَجَعَلَ الْآلِهَةَ إِلَهًا وَاحِدًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عُجَابٌ ﴿5﴾ وَانطَلَقَ الْمَلَأُ مِنْهُمْ أَنِ امْشُوا وَاصْبِرُوا عَلَى آلِهَتِكُمْ إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ يُرَادُ ﴿6﴾ مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي الْمِلَّةِ الْآخِرَةِ إِنْ هَذَا إِلَّا اخْتِلَاقٌ ﴿7﴾ أَأُنزِلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ مِن بَيْنِنَا بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِّن ذِكْرِي بَلْ لَمَّا يَذُوقُوا عَذَابِ ﴿8﴾**

**درس: آيات و نعمت های مهمي كه به پيامبران داده شده، در اثر توجه و دقت در اطاعت خداوند وتواضع و توجه دائمي به سوي او بوده است.**

**درب : ای پیامبر! این کافران چنین می اندیشند و چنین رفتار میکنند.**

**3**

**أَمْ عِندَهُمْ خَزَائِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ ﴿9﴾ أَمْ لَهُم مُّلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَلْيَرْتَقُوا فِي الْأَسْبَابِ ﴿10﴾ جُندٌ مَّا هُنَالِكَ مَهْزُومٌ مِّنَ الْأَحْزَابِ ﴿11﴾**

**درس: آيات و نعمت های مهمي كه به پيامبران داده شده، در اثر توجه و دقت در اطاعت خداوند وتواضع و توجه دائمي به سوي او بوده است.**

**درب : ای پیامبر! این کافران راجع به خویش چه توهماتی دارند!**

**7 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

آیه 3 چنین است. زیرا مخاطب های اولیه که هیچ، حتی ما نیز اطلاعات کافی و حتی لازم را، از، نحوه زندگی، و چرائی و نحوه انقراضشان، و نه حتی از جغرافیای سکونت شان، نداریم.

**8 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

در این خصوص باید خاطر نشان کنیم که یک شبهه ای اخیرا در سطح وسیع القا شده که مطالب قرآن اول باید از این لحاظ چِک شود که معاصران نزول از آن چه می فهمیده اند .

اینک که تا اینجا تقریبا 40% حجم قرآن را پاراگراف به پاراگراف دیده ایم ، دانسته ایم که شبهه القائی مذکور چیزی بیش از یک طبل توخالی نیست که از دور صدای تاثیرگذار میدهد و وقتی که نزدیکش بشوی می بینی خبری نیست .

آنچه تا کنون فهمیده ایم این بوده که معاصران نزول اکثر قریب به اتفاق حجم قرآن را همانطور می فهمیده اند که ما امروز می فهمیم ، الا شذّ و ندر .

**9 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

پیام دلداری و امید به موفقیت کاملِ مطلق ، به آنحضرت و پیروانش ، که چندان به مساعی این جماعت مخالف معاند وقعی نگذارید که اینان منهزم و مضمحلِ بزودی میباشند ولی حالی شان نیست و بزودی حالی شان هم میشود .

**10 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

غیر از آیه 4 و 8 ، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است.

**شرح مختصر**

**قرآنِ پند دار**

در این سوره قرآن را که ما معمولا به نام های قبلی اش که کریم و مجید و عزیز و امثال آن باشد یاد میکنیم ، با نامی یاد فرموده که معمولا کسی به آن نام یادش نمیکند و اصطلاحا آن نامش جانیفتاده است، که «ذی الذکر» باشد یعنی قرآنِ پند دار.

**جمع بندی و تفسیر**

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**ص- قسم به قرآن پنددار (1) ليکن کافران در غرور و مخالفتي بزرگ هستند(2)** **چه اقوامي را قبل از آنان هلاک کرديم که به فرياد درآمدند که ديگر فايده اي نداشت (3) تعجب کردند که هشدار دهنده اي از ميان خودشان بسويشان آمده و کافران گفتند اين جادوگريست بسيار دروغگو (4)** {همه خدايان را يکي کرده؟ چيز بسيار عجيبي است (5) سران و بزرگانشان اين راه را انتخاب کردند که به مشي خويش ادامه دهيد و بر خدايان خويش پايداري کنيد که اين چيزيست (كه از شما) خواسته شده (6) چنين چيزي را از هيچ قوم ديگري نشنيده ايم و اين چيزي نيست مگر يک دروغ ساخته و پرداخته (7) آيا ازميان ما، اين (وحي فقط) براونازل شده؟ {{بلکه آنها نسبت به تذکراتم در شکي هستند بلكه هنوز عذابم را نچشيده اند}} (8) **آيا انبارهاي رحمت پروردگار عزتمند بخشنده ات نزد آنان است؟(9) يا اينکه فرمانروايي آسمانها و زمين و بين آندو از آن آنان است ، پس بايد** (بتوانند) **با اسباب و وسايل** (به آسمانها) **بالا روند (10) اينان لشکري شکست خورده هستند و از** (نوع همان) **احزاب** (قبلي و هلاک شده) **ميباشند (11)**

**ص2 آیات12تا48**

**كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ ﴿12﴾ وَثَمُودُ وَقَوْمُ لُوطٍ وَأَصْحَابُ الأَيْكَةِ أُوْلَئِكَ الْأَحْزَابُ ﴿13﴾ إِن كُلٌّ إِلَّا كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ عِقَابِ ﴿14﴾ وَمَا يَنظُرُ هَؤُلَاء إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً مَّا لَهَا مِن فَوَاقٍ ﴿15﴾ وَقَالُوا رَبَّنَا عَجِّل لَّنَا قِطَّنَا قَبْلَ يَوْمِ الْحِسَابِ ﴿16﴾ اصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَاذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُودَ ذَا الْأَيْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ ﴿17﴾ إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ ﴿18﴾ وَالطَّيْرَ مَحْشُورَةً كُلٌّ لَّهُ أَوَّابٌ ﴿19﴾ وَشَدَدْنَا مُلْكَهُ وَآتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ وَفَصْلَ الْخِطَابِ ﴿20﴾ وَهَلْ أَتَاكَ نَبَأُ الْخَصْمِ إِذْ تَسَوَّرُوا الْمِحْرَابَ ﴿21﴾ إِذْ دَخَلُوا عَلَى دَاوُودَ فَفَزِعَ مِنْهُمْ قَالُوا لَا تَخَفْ خَصْمَانِ بَغَى بَعْضُنَا عَلَى بَعْضٍ فَاحْكُم بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَلَا تُشْطِطْ وَاهْدِنَا إِلَى سَوَاء الصِّرَاطِ ﴿22﴾ إِنَّ هَذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعْجَةً وَلِيَ نَعْجَةٌ وَاحِدَةٌ فَقَالَ أَكْفِلْنِيهَا وَعَزَّنِي فِي الْخِطَابِ ﴿23﴾ قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعْجَتِكَ إِلَى نِعَاجِهِ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنْ الْخُلَطَاء لَيَبْغِي بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَّا هُمْ وَظَنَّ دَاوُودُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ ﴿24﴾ فَغَفَرْنَا لَهُ ذَلِكَ وَإِنَّ لَهُ عِندَنَا لَزُلْفَى وَحُسْنَ مَآبٍ ﴿25﴾ يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ ﴿26﴾ وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاء وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذَلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ ﴿27﴾ أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ ﴿28﴾ كِتَابٌ أَنزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِّيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُوْلُوا الْأَلْبَابِ ﴿29﴾ وَوَهَبْنَا لِدَاوُودَ سُلَيْمَانَ نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ ﴿30﴾ إِذْ عُرِضَ عَلَيْهِ بِالْعَشِيِّ الصَّافِنَاتُ الْجِيَادُ ﴿31﴾ فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَن ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ ﴿32﴾ رُدُّوهَا عَلَيَّ فَطَفِقَ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَالْأَعْنَاقِ ﴿33﴾ وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَأَلْقَيْنَا عَلَى كُرْسِيِّهِ جَسَدًا ثُمَّ أَنَابَ ﴿34﴾ قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَّا يَنبَغِي لِأَحَدٍ مِّنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنتَ الْوَهَّابُ ﴿35﴾ فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُخَاء حَيْثُ أَصَابَ ﴿36﴾ وَالشَّيَاطِينَ كُلَّ بَنَّاء وَغَوَّاصٍ ﴿37﴾ وَآخَرِينَ مُقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ ﴿38﴾ هَذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿39﴾ وَإِنَّ لَهُ عِندَنَا لَزُلْفَى وَحُسْنَ مَآبٍ ﴿40﴾ وَاذْكُرْ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ ﴿41﴾ ارْكُضْ بِرِجْلِكَ هَذَا مُغْتَسَلٌ بَارِدٌ وَشَرَابٌ ﴿42﴾ وَوَهَبْنَا لَهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُم مَّعَهُمْ رَحْمَةً مِّنَّا وَذِكْرَى لِأُوْلِي الْأَلْبَابِ ﴿43﴾ وَخُذْ بِيَدِكَ ضِغْثًا فَاضْرِب بِّهِ وَلَا تَحْنَثْ إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ ﴿44﴾ وَاذْكُرْ عِبَادَنَا إبْرَاهِيمَ وَإِسْحَقَ وَيَعْقُوبَ أُوْلِي الْأَيْدِي وَالْأَبْصَارِ ﴿45﴾ إِنَّا أَخْلَصْنَاهُم بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى الدَّارِ ﴿46﴾ وَإِنَّهُمْ عِندَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفَيْنَ الْأَخْيَارِ ﴿47﴾ وَاذْكُرْ إِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَذَا الْكِفْلِ وَكُلٌّ مِّنْ الْأَخْيَارِ ﴿48﴾**

**ای پیامبر! قبل از این تکذیبگران ، قوم های نوح و عاد و فرعون که سلطنتش ریشه دار بود نیز پیامبرانشان را تکذيب کردند (12) و نیز ثمود و قوم لوط و ياران اَيْکه . آنها همان احزابی بودند که نابود شدند (13) همگي آنها پيامبران را تکذيب کردند و مجازاتم محقق گشت (14) اينان نيز چيزي را انتظار ندارند مگر صدائي بلند را که پس از آن مهلتي نخواهند داشت (15) با وجود این ، جاهلانه در جهت تکذیب تو میگويند پروردگارا سهم ما را قبل از روز حساب فورا از آن عذابی که این پیامبر ادعا میکند بده (16) ای پیامبر! بر آنچه ميگويند صبر کن و بنده مان داوود را ياد کن که نيرومند و بسيار توبه كار بود (17) کوه ها را رامش کرديم که شامگاهان و صبحگاهان با او تسبيح ميگفتند (18) و همچنين پرندگان را نيز که نزد او گرد ميآمدند و بسوي او بازمي گشتند (19) و فرمانروائي او را محکم کرديم و به او حکمت و سخن پايان بخش در قضاوت داديم (20) آيا داستان آن دو طرف دعوا را هنگامي که به محراب او درآمدند شنيده اي؟ (21) هنگامي که بر داوود وارد شدند ، از آنان بيمناک شد. گفتند مترس. دو طرف يک دعوا هستيم که يکي بر ديگري تجاوز روا داشته. لذا بين ما به حق حکم کن و ناحق مگو و ما را به راه راست هدايت کن (22) اين برادر من است که نود و نه گوسفند دارد و من فقط يکي دارم و ميگويد آن را هم بمن واگذار و در کلامش هم درشتي ميکند (23) داود گفت البته در اينکه گوسفندت را براي مخلوط کردن با گوسفندانش از تو ميخواهد به تو ظلم كرده و البته بسياري از شريکان چنين اند که بعضي شان به بعضي ظلم مي کنند مگر آنانکه ايمان آورده و عمل شايسته ميکنند و چقدر هم آنها کم هستند و داوود گمان کرد ما در اين قضيه او را امتحان كرده ايم لذا از پروردگارش از این لحاظ که در قضاوت عجله کرده بود استغفار کرد و به سجده افتاد و توبه کرد (24) اما اين موضوع را بر او بخشوديم و البته او نزد ما جايگاه نزديک و سرانجام نيکو دارد (25) به او خطاب کردیم اي داوود! تو را در زمين جانشين قرار داديم. لذا بين مردم به حق حکم کن و از هواي نفس پيروي مکن زيرا که تو را از راه خدا گمراه ميکند. البته آنها که از راه خدا گمراه شوند بخاطر اينکه روز حسابرسي را فراموش کرده اند عذابي شديد خواهند داشت (26) و آسمان و زمين و آنچه را که بين آنهاست به باطل نيافريده ايم. اين گمان آنان است که کفر ورزيده اند، و واي بر کافران از آن آتش (27) آيا آنان را که ايمان آورده و عمل شايسته کرده اند مانند مفسدانِ زمين قرار ميدهيم؟ يا اينکه با اهل تقوا مانند گناهکاران رفتار مي کنيم؟ البته که چنین نخواهیم کرد (28) کتابي پر برکت بسويت فرستاديم تا در آياتش انديشه کنند و تا اينکه خردمندان پند گيرند (29) و به داود سليمان را داديم ، که بنده اي خوب و بسيار بازگشت کننده بود (30) وقتي ، غروب هنگام ، آن اسبان تيز تک را به تماشايش آوردند (31) آنقدر متوجه آنها بود که از عبادتش غافل شد ، پس با تاسف گفت من دوستي مال را به ياد پرودگارم ترجيح دادم تا اينکه آفتاب غروب كرد (32) آنها را بمن برگردانيد . پس بنا کرد به گردنها و ساقهای آنها دست کشيدن (33) و البته سليمان را نيز آزموديم و بر تخت او جسدي افکنديم، پس بسوي ما توبه نمود (34) گفت پروردگارا مرا بيامرز و بمن سلطنتي ده که هيچکس پس از من به آن نرسد. که تو بسيار بخشنده اي (35) پس باد را رام او کرديم که به امر او هر جا که ميخواست به نرمي ميوزيد (36) و نيزاز شيطان ها و جن ها و اشخاص خلافکار عده اي را رام او کرديم که برايش بنايي و غواصي ميکردند (37) و ديگراني را نيز در غل و زنجير نمود (38) وبه او خطاب کردیم ای سلیمان! اين عطاي ما است ، هر که را خواهي از این نعمت که به تو داده ایم برخوردار کن و از هر که خواهي دريغ ورز (39) و البته او در نزد ما جايگاهي نزديک و سرانجامي نيک دارد (40) ای پیامبر! بنده مان ايوب را يادآر . هنگامي که پروردگارش را صدا زد که عوامل شر مرا به خستگی و ناراحتي و تلخکامی انداخته اند (41) به او یاد دادیم که پايت را به این زمين بزن . اين آبي است که مايه تن شوئی ، و نيز نوشيدنيي خنك است (42) در اثر آن نوشیدن وآن غسل ، حالتش بهبود، و نیروئی درخور یافت و مانند سابق در کار مقابله با عوامل شر فعال شد و در اثر بهبود یافتنش و تجدید فعالیتش پیروانش به او بازگشتند ، و عده ای دیگر نیز که تقریبا همانقدر بودند به پیروی او درآمدند. تا رحمتي از ما و تذکري براي خردمندان باشد (43) به او ندا دادیم که ای ایوب! قسمتی از هر کدام از نیروهایت را که خواستی اختیار کن و با آن به مقابله آن عامل شر برو و او را از آن شرور بازدار ، اما در این مورد زیاده روی مکن. البته او را صبور يافتيم ، بنده ای خوب و بسيار توبه کار بود (44) و ای پیامبر! همچنین يادآر بندگانمان ابراهيم و اسحق و يعقوب را که نيرومند و بينا بودند (45) که ما البته آنها را به آخرت انديشي خالص کرده بوديم (46) و البته آنها در نزد ما از بین خوبان برگزيده شده اند (47) و نيز اسمعيل و يسع و ذالکفل را نيز بياد آر که همه از نيکان بودند (48)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: آيات و نعمت های مهمي كه به پيامبران داده شده، در اثر توجه و دقت در اطاعت خداوند وتواضع و توجه دائمي به سوي او بوده است.**

**درب : ذکر آيات و نعمت هایي كه به حضرت داود و سلیمان و ایوب و چند پیامبر دیگر (ع) و نیز قرآن که به پیامبر اسلام (ص) داده شده و در عين حال ذکر توجه و دقتي كه آنها در عبادت و توبه به سوي خدا داشته اند .**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 که ابتدای سوره است می فرماید : کافران پندناپذیر و خودبزرگ­بین و در نتیجه مخالف حق­اند و ای پیامبر ! به این کافران امیدی مبند (فعلااصلاح ناپذیرند) و کافران نسبت به عظمت دستگاه الهی و رحمت واسعه خداوند و خطر امکان هلاکت دستجمعی بی­توجهند .

در این پاراگراف بـه رسول اکرم(ص) تلویحا میفرماید که اینها آنقدر در راه کفر وتکذیب افراط کرده اند که بعید نیست مانند اقوام سابق به عذاب هلاکت دستجمعی هم دچارشوند (اما اینکه بـه آن نوع عذاب معذبشان نمیکنیم حکمتی دارد که بعدا معلوم میشود ) و ضمنا به داود و سلیمان و ایوب و چند پیامبر دیگر (ع) آیات و نعمت­هایی داده شده و آنها نیز متوجه موقعیت خویش نسبت به خداوند بوده اند. و همچنین بطور تلویحی دارد وعده پیروزی اردوگاه پیامبراکرم(ص) وپیروانش رامیدهد اما مسلمانان را نسبت به تخلفات احتمالی–پس از پیروزی– برحذرمیدارد و به آنحضرت یادآوری میفرماید که ای پیامبر! به تو نیز قرآن را داده ایم.

**3 - سوالات**

1 – از لحاظ کلید های تفسیری ، کل آیات 12 تا 16 چه موقعیتی دارند؟

2 – لحن آیه 16 چه نوع از کلام است؟ (دهن کجی؟ یا . . )

3 - «هم» در کلمه «قبلهم» (آیه 12) اشاره به چه کسانی دارد؟

4 – در همان آیه «ذواالاوتاد» کنایه از چیست؟

5 – منظور از «اصحاب الایکه» (آیه 13» چیست؟

6 – با توجه به آیه26 ، حدّ و حدود خلیفگی حضرت داود (ع) چه بود؟

7 - آیات17تا21چه تاثیری در روحیه مسلمانان آن روزها میتوانست داشته باشد؟

8 – المیزان در تفسیر آیات این پاراگراف یک فقره سخن بشدت غیر مقبول دارد، مربوط به کدام نقطه از پاراگراف است و تفصیلش چیست و جوابش چه ؟

9 – بحث معروف «عصمت انبیاء» در علم کلام ، چه حد و حدودی دارد و خطای اصلی آن بحث در چیست؟

10 – کل داستانِ موضوع آیات 21 تا 24 ، آنطور که المیزان گفته که تمثیل است ، اگر اینطور بوده باشد ، تکلیف عبارت «هل اتاک» در آیه 21 چه میشود ؟ به عبارت دیگر موضوع هل اتیک یک موضوع واقعی است یا خیالی ؟

11 – کلمه شیطان در داستان ایوب (ع) به معنی لغوی بکار رفته یا اصطلاحی؟

12 – همین سوال را راجع به عناصر آیه 42 جواب دهید .

13 – اساسا در کل داستانهای مربوط به حضرت ایوب در کل قرآن هیچ قرینه و اماره و اشاره ای وجود دارد که نشان دهد همسر او یکی از عناصر داستان های او هست؟

14 – در آیه 43 کلمه اهل به چه معنا بکار رفته؟ (افراد خانواده؟ پیروان؟ یا . . ؟)

15 - چگونه شد که پس از نوشیدن آب خنکِ آن چشمه و غسل در آن ناگهان اهل او دو برابر شدند؟

16 – منظور از عبارت «اولی الایدی و الابصار» (آیه 45) چیست؟

17 – از آیه 44 چه میفهمید؟

18 – داستان ایوب ع چه شباهتی به داستان پیامبر ما ص دارد؟

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

از آیه 16 فهمیده میشود هنوز ماده اصلی محاجّه آنان این بود که میگفتند «اگه راست میگی اون عذابی که حرفشو میزنی بر ما فرود بیار»

از آیه های 27 و 28 معلوم میشود که تصور کافران این بود که جهان به باطل آفریده شده و عاقبت پس از مرگ برای مومن خوش عمل و شخص بدکار یکی است.

از آیه 29 فهمیده میشود قرآن بسیار پرمنفعت است و می باید در آیاتش دقت شود و خردمندان از مطالبش پند گیرند .

کل این پاراگراف (آیات 30 تا 40) در جهت دلداری و ترفیع روحیات آنحضرت و پیروانش است که تلویحا میگوید سلیمان که یک پیامبر فرعی از یکی از ادیان سابق است به لطف ما به چنین جایگاهی رسید ، شما هم مقداری صبر کنید وضع شما هم روبراه میشود .

در این پاراگراف قابل حدس است که پیامبر (ص) در جریان پیگیری رسالتش به مشکلاتی دچار شده و خود را از حل آنها ناتوان می بیند و چشمش به آسمان است، و خداوند به او میفرماید چاره ای جز صبر ندارد زیرا حل مشکلات او (مانند داود و سلیمان) از مسیر قدرت و ثروت نمیگذرد و می باید ایوب وار از طریق صبر و تجمیع نیرو مشکلاتش را از میان بردارد .

**5 – زاویه با تفاسیر رایج**

**1 - حضرت داود** :(المیزان) : معناى آيه اين است كه: داوود (ع) بدانست كه اين واقعه امتحانى بوده كه ما وى را با آن بيازموديم و فهميد كه در طريقه قضاوت خطا رفته. پس، از پروردگار خود طلب آمرزش كرد از آنچه از او سرزده و بى‏درنگ به حالت ركوع درآمد و توبه كرد.

خصوصيات اين داستان دلالت مى‏كند بر اينكه اين واقعه يك واقعه طبيعى، (هر چند به صورت ملائكه) نبوده، چون اگر طبيعى بود بايد آن اشخاص كه يا انسان بوده‏اند و يا ملك، از راه طبيعى بر داوود وارد مى‏شدند، نه از ديوار. و نيز با اطلاع وارد مى‏شدند، نه به طورى كه او را دچار فزع كنند. و ديگر اينكه اگر امرى عادى بود، داوود از كجا فهميد كه جريان صحنه‏اى بوده براى امتحان وى. و نيز از جمله" فَاحْكُمْ بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَ لا تَتَّبِعِ الْهَوى‏" بر مى‏آيد كه خداى تعالى او را با اين صحنه بيازموده تا راه داورى را به او ياد بدهد و او را در خلافت و حكمرانى در بين مردم استاد سازد. همه اينها تاييد مى‏كنند اين احتمال را كه مراجعه كنندگان به وى ملائكه بوده‏اند كه به صورت مردانى از جنس بشر ممثل شده بودند.

در نتيجه اين احتمال قوى به نظر مى‏رسد كه واقعه مذكور چيزى بيش از يك تمثل نظير رؤيا نبوده كه در آن حالت افرادى را ديده كه از ديوار محراب بالا آمدند، و به ناگهان بر او وارد شدند يكى گفته است: من يك ميش دارم و اين ديگرى نود و نه ميش دارد، تازه مى‏خواهد يك ميش مرا هم از من بگيرد. و در آن حالت به صاحب يك ميش گفته: رفيق تو به تو ظلم مى‏كند

در اینجا هم حاکم کردن روایات – عصمت انبیاء ، آنهم با آن توسّع نا معقول - بر قرآن صورت گرفته ، که خیلی باعث تاسف است ، و اگر کسی بگوید با این نوع تفسیر تکلیف «اذکر» آیه 17 چه میشود چه جواب خواهد داد؟ آیا پیامبر (ص) می باید داود واقعی را بیاد می آورد یا – مطابق این تفسیر – داود خیالی را ؟ !

**2 – حضرت سلیمان (ع)**

المیزان در این مورد نقل قول هایی از تفاسیر دیگر کرده و روایاتی را ذکر کرده که بعضا ، هم در نقل قول ها و هم در روایات ، مطالبی نا معقول نیز وجود دارد ، مثلا اینکه سلیمان به ملائکه دستور داد خورشید را به حالت قبل از غروب بر گردانند که او بتواند عبادت غروبگاهیش را انجام دهد ، که اینهم از آن حرفها است ، انگار که ملائکه صاحب ندارند ، در حالیکه توضیح مطلب روشن تر از این حرفهاست ، و ما در اینجا به روش خودمان که توجه به عصاره محتوای سوره (یعنی «درس») باشد توضیحی را که به سهولت مفهوم میشود عرض میکنیم :

بنا به عصاره محتوای سوره ، این سوره در جهت دلداری دادن به پیامبر (ص) و پیروان آنحضرت است ،

میدانیم که سلیمان یک پیغمبر فرعی از شریعت حضرت موسی(ع) بود ، و پیامبر ما (ص) حتما به این موضوع توجه داشت ، خداوند در این پاراگراف دارد تلویحا به آنحضرت میگوید که میدانیم جریان ماموریتت در مرحله سختی قرار دارد و دشمنانت قوی و خودت و یارانت کم و ضعیف هستید ولی توجه داشته باشید که من که خدای شما باشم عاجز نیستم اوضاع مطلوبی برایتان فراهم کنم و تو در نزد ما از سلیمان کمتر نیستی که قدرت و ثروتی داشت و اسبان جنگی را برای او سان میدادند و آنها آنقدر خوب و تماشائی بودند که گاهی او را از عبادتش هم غافل میکردند ، و او دستور داد آنها را به او بازگردانند تا خود را بوسیله دل کندن از آنها جریمه کند و علیرغم اینکه پادشاهیی و تخت و بارگاهی هم داشت ولی دلخوشی نداشت و حوادث تلخی هم برایش پیش می آمد مثلا درست روی تخت پادشاهی خویش شاهد جسدی گردید و فهمید این نیز مانند قضیه اسبان تیزتک بلیه دیگری است که نتیجه آلودگی های ثروت و مکنت است و لذا از خداوند سلطنتی خاص خویش (و شاید نزدیکتر به معنویت پیامبرانه) درخواست کرد . خلاصه اینکه ای پیامبر قدرت و ثروت فعلا به دردت نمیخورد ولی اگر وقتش برسد چیزی که به سلیمان هم دادیم برای تو نیز ممکن خواهد بود .

خطابودن روایت مذکور از این قرینه نیز فهمیده میشود که سلیمان قدرت و سلطنتش را از راه دعا به درگاه خداوند بدست آورده بود و اینطور نبود که هرکاری را بتواند در کائنات بکند و دعای او به درگاه الهی پس از شیفتگیش نسبت به اسب ها و پس از دیدن جسد بر تختش بود .

**3 – حضرت ایوب (ع)**

داستان حضرت ایوب در نزد ما آنقدر مشهور است که تلویزیون ما یک سریال در باره آن حضرت ساخته و سالها پیش نمایش داده و بعدا هم در شبکه های دیگر نمایشش را تکرار کرده است .

معمولا برای ساخت یک فیلم یایک سریال مدتی نسبتا طولانی مطالعاتی صورت میگیرد و ضمنا جامعه ما نسبت به مطالب دینی حساس است و مراجع تقلید و کسانی که خود را دلواپس می نامند و زورشان زیاد است واکنش نشان میدهند و لذا سازنده فیلم و سریال های دینی خیلی احتیاط میکند که فیلم و سریال هیچ گوشه ای به هیچ جای باور های عمومی نزند و لذا سریال مذکور یک ویترین خوب است برای نمایش اعتقادات و درجه آمیختگی اش با خرافات در برخی از زمینه های تاریخیِ مرتبط با پیامبران سلف.

در سریال مذکور نشان داده میشود که ایوب چگونه برای نعمت ها شاکر و برای ناملایمات صابر است و خداوند او را به ملائکه نشان میدهد که ببینید چه بنده ای است و به او مباهات میکند!!

شیطان از این مطلب شاکی است و به خدا میگوید اگر اموالش را هم از دست بدهد باز هم همینطور می مانَد؟

خداوند اموالش را از او میگیرد و او فقیر میشود ولی او باز هم همانطور صابر میمانَد.

شیطان بازهم به خداوند مراجعه میکند که ایوب خانواده اش را هنوز دارد ، اگر آنها را از دست بدهد بازهم شاکر و صابر خواهد ماند؟

خداوند هم فرزندان و ایل و تبار ایوب را میمیراند ولی ایوب باز هم کما فی السابق صابر می ماند .

شیطان نزد خدا میرود و از او میخواهد که اختیار بدن ایوب را به او یعنی شیطان بدهد تا او به خدا نشان دهد که او از آن پس چندان صابر و شاکر نخواهد بود و خدا هم قبول میکند!! شیطان ایوب را به مریضی ای فجیع و دلخراش دچار میکند که همه نفرت میکنند و از او پراکنده میشوند و فقط یکی از زنانش که هنوز زنده مانده برایش می مانَد.

این زن در این ایام دلخراش به کارگری درِ خانه این و آن میرود تا لقمه نانی تهیه کند و برای خودش و شوهرش به خانه بیاورد .

در یکی از این خانه هایی که زن در آنجا به کارگری مشغول است شیطان به شکل انسان در می آید و به آن زن پیشنهاد میکند که گیسوی بلندش را در ازاء پول قابل توجهی بفروشد و آن زن هم مشروط به مخفی ماندن این معامله از سرِ اضطرار قبول میکند ، شیطان هم فورا گیسوی اورا به شوهرش نشان میدهد و چون آن روزها فروش گیسو کار ناپسندی بوده و توسط روسپیان انجام میشده ، زن ایوب را نزد شوهرش به زنا متهم میکند و او را سرزنش میکند که با این ادعای پیامبریِ خدا نانخور زن زناکارش است!

ایوب که کارش به اینجا رسیده دیگر صبر از کف میدهد و قسم میخورد که حدّ زنا بر همسرش اقامه کند و ضمنا به درگاه خدا دعا میکند و رفع ناراحتی هایش را از او طلب میکند ، خدا هم به او چشمه ای را نشان میدهد که از آن بنوشد و در آب آن غسل کند و به این ترتیب بیماری اش شفا می یابد و خانواده از دست رفته اش هم زنده میشوند و خداوند یک برابر دیگر هم به خانواده اش اضافه میکند و در باره قَسَمی هم که خورده که زنش را حدّ بزند راه کلاه شرعی را به او یاد میدهد که دسته ای علف نرم به اندازه صدتا تهیه کند و با آن یک بار او را بزند که معادل صد ضربه بوده باشد .

این است داستان ایوب در مدارک و منابع ما که مورد استفاده آن سریال قرار گرفته است.

آیا در باره این داستان سراسر جعل و کذب و خرافه می باید حرفی هم بزنیم یا اینکه خواننده اجلّ از این است که نیاز به نقد این داستان داشته باشد؟

هرچه باشد ، معنی کلمات و عناصر این داستان را در ذیل تیتر «کلید های تفسیری» عرض کرده ایم ، که آن ، ضمن بیان قرآنی ماجرا ، جواب این مطالب را هم خواهد داد .

اما ، از ذکر چند مورد خیلی درشت که قباحتش واضح است نمیتوان گذشت :

1 - در این داستان خدا بازیچه شیطان شده (هی شیطان جِر میزند و هی خدا عقب نشینی میکند)

2 – شیطان مطرود و مدحور کجا و اینهمه دیالوگ زود به زود با خدا کجا (مثل اینکه خدا فراموش کرده که شیطان را مطرود و مدحور کرده ، معاذالله!)

3 – خدا برای خاطر عزیز! شیطان لن تجد لسنه الله تحویلا و . . تبدیلا را زیر پا گذاشته (آنهم نه یکبار بلکه چندبار!)

4 – نکند در دوره ایوب (ع) سزای زنای محصنه صد ضربه بوده و بعدا شدیدتر شده،؟!! در حالیکه علی القاعده می باید به عکس بوده باشد ، زیرا هرچه که در تاریخ به عقب میرویم درجه خشونت بیشتر میشود و لذا حالا که سزای زنای محصنه بیش از صد ضربه است ، قدیم ها نمیتوانسته به اندازه زنای غیرمحصنه بوده باشد .

5 – ما نمیدانستیم خدا اینقدر پارتی باز است که خودش راه کلک و کلاه شرعی را به پیغمبرش یاد میدهد (پس اگر ماهم از این کارها کنیم عیبی ندارد لابد!!)

6 – این چه پیغمبری است که گول شیطان را در باره زنش میخورد؟! (ان جائکم فاسق بنباء فتبینوا چه میشود؟ فاسق تر از شیطان هم قابل تصور است که او به همین راحتی سخن او را راجع به همسر امتحان داده اش می پذیرد)

7 – در کل قرآن ، کجا کوچکترین قرینه ای هست که همسر ایوب (ع) یکی از پرسوناژهای قضیه او باشد؟

8 - و و و و

9 – یعنی اینهمه علماء بزرگ سلف اینهمه چیز های واضح را نمی دیده اند؟

**6 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در آیات 41 تا 44 با ذکر یک نمونه عالیِ یک مرد صبور که به پاداشی بزرگ رسید همان وعده تلویحی را به نحوی دیگر تکرار فرموده و پیشگوئی بهبود و گشایش و رفع مشکلات برای آنحضرت نموده که بعدا تحقق یافت .

همچنین در آیات 45 تا 48 نیز بطور تلویحی پیشگوئی مشابهی نموده که تحقق آن را نیز همگان دیده اند .

**7 – کلیدهای تفسیری**

**پرانتزها :**

آیه های 27 و 28 و 29 بطور واضح «پرانتزی» است ، دلیلش هم اینکه اگر چشم خویش را بر آنها بسته و قبل و بعد آنها را وصل کنیم خواهید دید روال سخن صاف و یکدست خواهد شد .

در ابتدای آیه 42 ، تغییر مخاطب (التفات) صورت گرفته است .

**معنی کلمات :**

**شیطان :** در آیه 41 «شیطان» را باید بمعنی لغوی (یعنی اشخاص اهل شر و خلافکاری و مزاحمت) گرفت ، زیرا کمی بالاتر درداستان سلیمان ع نیز به همین معنی آمده بود که در اینصورت معنی آیه مفهوم است .

اما اگر بمعنی اصطلاحی آن (یعنی شیطان در مقابل انسان – یعنی موجوداتی که در ذهن آدمی وسوسه می­کنند) بگیریم ، معنی آیه این می­شود که گول شیطان را خوردم ، که البته چنین معنیی با مکانت والای پیامبری هیچ سازگاری ندارد . بعلاوه اینکه معنی اخیر برای آن کلمه با آیه ای از قرآن معارض است که میگوید شیطان (به آن معنی) در «فیزیک» جهان تصرفی ندارد و حوزه عمل او فقط ذهن آدمیان است ، آنهم نه همه آدمیان ، زیرا مخلَصین مستثنا میباشند (و بنا برهمین استنای اخیر الذکر ایوب نمیتوانسته است گول شیطان را خورده باشد)

یعنی حضرت ایوب با یک موجود شرور معاصر بوده که میتواند طاغوت زمانه اش باشد ، مثلا کدخدای ده شان یا فرماندار شهرشان که مانند ابن زیاد و حجاج بن یوسف خیلی شرور و خبیث بوده است .

**نُصب :** کلمه ای در قرآن آمده باشد و با این کلمه همریشه باشد در سوره کهف و در داستان حضرت موسی آمده که خداوند از او نقل قول کرده که «لقد لقینا من سفرنا هذا نصبا»

در سفر ، آنهم سفرهای حدود پنج هزار سال قبل ، به مسافر چه میرسید جز رنج و خستگی؟

لذا کلمه فوق به معنی خستگی زیاد است ، زیرا کلمه مذکور مصدر است .

**عذاب :** واضح است که کلمه فوق به معنی عذاب اخروی نیست زیرا اولا آخرت که پس از قیامت است و قیامت هم که هنوز وقوع نیافته ، لذا کلمه مذکور به همان معنی لغوی اش بکار رفته که به معنی درک و احساس ناراحتی و ناخوشایندیِ پی در پی است.

یعنی آن طاغوت معاصرِ آن حضرت روزگارش را تیره کرده و نیروی او را از شدت توطئه های پی درپی تحلیل برده بود .

**اهل :** اولین معنیی که در باره کلمه اهل به ذهن میرسد افراد خانواده است ، که البته معنی مذکور در اینجا درست در نمی آید ، زیرا افراد خانواده به این سرعتی که از آیه فهمیده میشود دوبرابر نمیشود ، بلکه معنیِ بهتر همان است که خداوند به نوح (ع) راجع به پسرش فرموده بود «انه لیس من اهلک انه عمل غیر صالح» یعنی در داستان نوح کلمه اهل به معنی پیرو و مومن و صالح آمده است که در اینجا نیز با موضوع تناسب دارد و ضمنا میتواند در مدت کوتاه نیز در اثر ایمان و گرایش عده ای جدید دو برابر هم بشود .

با توجه به آیه 43 یعنی در اثر عمل آن طاغوت و خستگی مفرط آنحضرت پیروانش نیز از دورش پراکنده شده بودند که با توجه به کمک الهی از طریق چشمه خنکی که از نزدیکِ زیر پایش جوشیده بود ، هم آب خنک و هم حمام آب سرد قوایش را به او باز گرداند و او دوباره با قوت و صلابت قبلی ، و بلکه هم قوی تر از قبل ، از جلوی طاغوت درآمد ، که این حالت جدیدش سبب شد پیروانش به دور او برگشتند و عده ای دیگر را هم با خود آوردند ، که اینک معادله تغییر کرده و او قوی تر از قبل و طاغوت ضعیف شده ، و هنگام مقابله جدی فرارسیده بوده است .

**ید :** کلمه ید نیز به همان معنایی که فورا به ذهن می آید در اینجا کاربرد ندارد زیرا در همین پاراگراف آن پیامبران عالیقدر را «اولی الایدی» توصیف فرموده ، یعنی صاحبان دستها ، و مگر سایر پیامبران بی دست بودند؟! بلکه ید در اینجا به معنی قوت و نیرو میباشد که در جمله یدالله فوق ایدیهم آمده است .

یعنی اینک حضرت ایوبِ قویتر ازسابق با نیروئی که جدیدا یافته می باید ضربه نهائی را به طاغوت بزند و او را مغلوب کند .

**ضغثا و فاضرب :** همریشه با کلمه ضغثا را در عبارت «اضغاث احلام» در سوره یوسف داریم و لذا معنی ضغث در اینجا چیزی است که هویت و تشخص خاصی ندارد و اگر با «نیرو»ی فوق الذکر قرین باشد به معنی سیاهی لشکر خواهد بود ، یعنی لازم نیست نیروهای مومن دوآتشه ات را اختیار کنی بلکه از همین آدمهای معمولیِ دم دستی کسانی را «خذ» (بگیر) کن و با همانها او را (یعنی آن طاغوت را) بزن ، یعنی از اریکه قدرت بکش پائین تا دیگر نتواند تو را دچار نصب و عذاب کند .

**لاتحنث :** همریشه با این کلمه را در سوره واقعه دیده ایم ، آنجا که فرموده و کانوا یصرون علی الحنث العظیم . که معنیی در حدود گناه بزرگ میدهد ، مانند آن تکذیب های لجوجانه ای که میکردند ، بنابر این ، این «لاتحنث» یعنی اینکه ای پیغمبرما! ای جناب ایوب! حالا که اوضاع فرق کرده و با اندک نیروئی میتوانی آن طاغوت را بزنی، بزن ، ولی از حد نگذران که دچار گناهی بزرگ (در اینجا یعنی اسراف) شده باشی .

**ریز کردن پاراگراف تا حد امکان :**

**1**

**كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ ﴿12﴾ وَثَمُودُ وَقَوْمُ لُوطٍ وَأَصْحَابُ الأَيْكَةِ أُوْلَئِكَ الْأَحْزَابُ ﴿13﴾ إِن كُلٌّ إِلَّا كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ عِقَابِ ﴿14﴾ وَمَا يَنظُرُ هَؤُلَاء إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً مَّا لَهَا مِن فَوَاقٍ ﴿15﴾ وَقَالُوا رَبَّنَا عَجِّل لَّنَا قِطَّنَا قَبْلَ يَوْمِ الْحِسَابِ ﴿16﴾**

**درس: آيات و نعمت های مهمي كه به پيامبران داده شده، در اثر توجه و دقت در اطاعت خداوند وتواضع و توجه دائمي به سوي او بوده است.**

**درب : بی توجهی به آیات و نعمت های الهی و سرکشی به اینجا میرساند.**

**2**

**اصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَاذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُودَ ذَا الْأَيْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ ﴿17﴾ إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ ﴿18﴾ وَالطَّيْرَ مَحْشُورَةً كُلٌّ لَّهُ أَوَّابٌ ﴿19﴾ وَشَدَدْنَا مُلْكَهُ وَآتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ وَفَصْلَ الْخِطَابِ ﴿20﴾**

**درس: آيات و نعمت های مهمي كه به پيامبران داده شده، در اثر توجه و دقت در اطاعت خداوند وتواضع و توجه دائمي به سوي او بوده است.**

**درب : همان**

**3**

**وَهَلْ أَتَاكَ نَبَأُ الْخَصْمِ إِذْ تَسَوَّرُوا الْمِحْرَابَ ﴿21﴾ إِذْ دَخَلُوا عَلَى دَاوُودَ فَفَزِعَ مِنْهُمْ قَالُوا لَا تَخَفْ خَصْمَانِ بَغَى بَعْضُنَا عَلَى بَعْضٍ فَاحْكُم بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَلَا تُشْطِطْ وَاهْدِنَا إِلَى سَوَاء الصِّرَاطِ ﴿22﴾ إِنَّ هَذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعْجَةً وَلِيَ نَعْجَةٌ وَاحِدَةٌ فَقَالَ أَكْفِلْنِيهَا وَعَزَّنِي فِي الْخِطَابِ ﴿23﴾ قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعْجَتِكَ إِلَى نِعَاجِهِ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنْ الْخُلَطَاء لَيَبْغِي بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَّا هُمْ وَظَنَّ دَاوُودُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ ﴿24﴾ فَغَفَرْنَا لَهُ ذَلِكَ وَإِنَّ لَهُ عِندَنَا لَزُلْفَى وَحُسْنَ مَآبٍ ﴿25﴾**

**درس: آيات و نعمت های مهمي كه به پيامبران داده شده، در اثر توجه و دقت در اطاعت خداوند وتواضع و توجه دائمي به سوي او بوده است.**

**درب : پیامبران هم، علیرغم درجه بالایشان، ظرائف دقیقی را می باید رعایت میکردند.**

**4**

**يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ ﴿26﴾**

**درس: آيات و نعمت های مهمي كه به پيامبران داده شده، در اثر توجه و دقت در اطاعت خداوند وتواضع و توجه دائمي به سوي او بوده است.**

**درب : داود (ع) به مقام خلیفه اللهی نیز مفتخرشد.**

**5**

**وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاء وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذَلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ ﴿27﴾ أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ ﴿28﴾**

**درس: آيات و نعمت های مهمي كه به پيامبران داده شده، در اثر توجه و دقت در اطاعت خداوند وتواضع و توجه دائمي به سوي او بوده است.**

**درب : این جهان به حکمت آفریده و اداره میگردد، و رشد یافتنِ دائمیِ مومنان از هدف های حکمتِ مذکور است.**

**6**

**كِتَابٌ أَنزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِّيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُوْلُوا الْأَلْبَابِ ﴿29﴾**

**درس: آيات و نعمت های مهمي كه به پيامبران داده شده، در اثر توجه و دقت در اطاعت خداوند وتواضع و توجه دائمي به سوي او بوده است.**

**درب : این کتاب حاوی مطالبی است که مومنان را به درجات پیامبران نزدیک میکند.**

**7**

**وَوَهَبْنَا لِدَاوُودَ سُلَيْمَانَ نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ ﴿30﴾ إِذْ عُرِضَ عَلَيْهِ بِالْعَشِيِّ الصَّافِنَاتُ الْجِيَادُ ﴿31﴾ فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَن ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ ﴿32﴾ رُدُّوهَا عَلَيَّ فَطَفِقَ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَالْأَعْنَاقِ ﴿33﴾ وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَأَلْقَيْنَا عَلَى كُرْسِيِّهِ جَسَدًا ثُمَّ أَنَابَ ﴿34﴾ قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَّا يَنبَغِي لِأَحَدٍ مِّنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنتَ الْوَهَّابُ ﴿35﴾ فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُخَاء حَيْثُ أَصَابَ ﴿36﴾ وَالشَّيَاطِينَ كُلَّ بَنَّاء وَغَوَّاصٍ ﴿37﴾ وَآخَرِينَ مُقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ ﴿38﴾ هَذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿39﴾ وَإِنَّ لَهُ عِندَنَا لَزُلْفَى وَحُسْنَ مَآبٍ ﴿40﴾**

**درس: آيات و نعمت های مهمي كه به پيامبران داده شده، در اثر توجه و دقت در اطاعت خداوند وتواضع و توجه دائمي به سوي او بوده است.**

**درب : پیامبران هم، علیرغم درجه بالایشان، ظرائف دقیقی را می باید رعایت میکردند.**

**8**

**وَاذْكُرْ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ ﴿41﴾ ارْكُضْ بِرِجْلِكَ هَذَا مُغْتَسَلٌ بَارِدٌ وَشَرَابٌ ﴿42﴾ وَوَهَبْنَا لَهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُم مَّعَهُمْ رَحْمَةً مِّنَّا وَذِكْرَى لِأُوْلِي الْأَلْبَابِ ﴿43﴾ وَخُذْ بِيَدِكَ ضِغْثًا فَاضْرِب بِّهِ وَلَا تَحْنَثْ إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ ﴿44﴾**

**درس: آيات و نعمت های مهمي كه به پيامبران داده شده، در اثر توجه و دقت در اطاعت خداوند وتواضع و توجه دائمي به سوي او بوده است.**

**درب : پیامبران هم، علیرغم درجه بالایشان، ظرائف دقیقی را می باید رعایت میکردند.**

**9**

**وَاذْكُرْ عِبَادَنَا إبْرَاهِيمَ وَإِسْحَقَ وَيَعْقُوبَ أُوْلِي الْأَيْدِي وَالْأَبْصَارِ ﴿45﴾ إِنَّا أَخْلَصْنَاهُم بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى الدَّارِ ﴿46﴾ وَإِنَّهُمْ عِندَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفَيْنَ الْأَخْيَارِ ﴿47﴾ وَاذْكُرْ إِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَذَا الْكِفْلِ وَكُلٌّ مِّنْ الْأَخْيَارِ ﴿48﴾**

**درس: آيات و نعمت های مهمي كه به پيامبران داده شده، در اثر توجه و دقت در اطاعت خداوند وتواضع و توجه دائمي به سوي او بوده است.**

**درب : همان.**

**8 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

چنانکه دیده اید ، داستان آنحضرت چنان به خرافات و اباطیل و بنی اسرائیلیات مشوب است که کاملا واقعیت را وارونه جلوه میدهد و چیزی که لایق تعالیم قرآن باشد از آن بدست نمی آید .

بطور قطع و یقین مخاطبان اولیه که هنوز به روایات اسرائیلی و قصص الانبیاء و روایات مجعول و کذب دسترسی نیافته بودند مطالب این پاراگراف را خوب و مستقیم و بی عیب می فهمیده اند ، و البته می فهمیده اند ، زیرا اگر مشکلی در فهم داشته بوده اند به آنحضرت مراجعه و سوال میکرده اند و چون از چنین سوالاتی خبری نداریم ، اگر این نتیجه را بگیریم که چنین سولاتی نشده زیرا داستان را می فهمیده اند ، چندان بیراه نیست ، بخصوص اینکه ما در این تفسیر از خارجِ قرآن استفاده ای نکرده ایم .

**9 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

دلداری به پیامبر (ص) که صبوری بیشتری در پیش گیرد ، زیرا که وضع به همین حال و منوال باقی نمی ماند و تغییر خواهد کرد و بهبود خواهد یافت .

**10 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تقریبا تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

**شرح مختصر**

**فهمیدن منظور داستان های قرآنی آسانتر است**

موضوع تیتر فوق واضح است و شرحی نمیطلبد و لذا ما در پاراگراف های داستانی شرح زیادی لازم نمی بینیم ، مگر در برخی موارد استثنائی که وقتی به آن استثنائات رسیدیم اگر عرایض توضیحیی لازم بود عرض میکنیم .

**خطای حضرت داود (ع) چه بود؟**

با توجه به آیات 21تا25 اشتباه حضرت داوود در آن قضیه این بود که بدون اینکه نظر طرف دیگر دعوی را بپرسد ، یک حکمِ کلی را به آن مورد خاص نفاذ داد در حالی که باید دقت بیشتری به کار می­برد .

**خطای حضرت سلیمان(ع) چه بود؟**

براساس آیه 32 ، ظاهراً گوئی محو تماشای اسبهای قوی و با نشاط شده و از عبادت مربوط به غروب غفلت کرده بود ، ونیز بر اساس آیه 33 ، ظاهراً می باید آن عمل کفاره­ای باشد برای آن غفلتی که به او دست داده بود ، و لذا ظاهراً باید بعضی روایاتی را که در این باب وارد شده پذیرفت که «او با این کار آنها را برای قربانی مشخص می­کرد»

براساس آیه 34 ، و به قرینه آیه 35 ، می باید جسد خود او (در یک فرایند مرگ موقت یا فلج) ، یا جسد کسی بوده باشد که سلیمان به او امیدها بسته بود (مثلافرزندش) ، که پس از تنبه ، دعاهای آیه 35 را برای پیشبرد رسالتش کرد که مستجاب هم شد .

البته چون میدانیم پس از وفات آنحضرت اساس سیادت بنی اسرائیل و نیز دین یهود به سرعت متزلزل و دچار فروپاشی گردید نتیجه میگیریم که آن دعایی که کرده (و مستجاب هم شده بود) کمکی به رسالتش نکرد ، و چه بسا استجابت دعای او به این خاطر بود که خداوند میخواست پیامبران بعدی بدانند که قدرت و ثروت به امر نبوت و رسالت کمک عمیق و موثر نمیکند .

**خطای حضرت ایوب چه بود؟**

خطای آن پیامبر خدا این بود که در مورد مبارزه با طاغوت زمان خویش چشم به آسمان دوخته و انتظار روشهای اعجازی داشت و در این فکر نبود که به روش های انسانی از قبیل مبارزه رودررو و پیگیری در آن نیز میتواند کار حق طلبانه اش را پیش ببرد .

**چند دریافت مستقیم و کوتاه**

آیه­های36و37: این دو آیه در سوره نمل (در خود متن قرآنی) تفسیر شده که ما نیز شرح آن را در آنجا عرض خواهیم کرد. اما همین مقدار را در اینجا ذکر می­کنیم که «شیطان» دو معنی دارد: لغوی و اصطلاحی ، و در اینجا معنی لغوی آن ذکر شده ، یعنی موجوداتی شرور و اهل خلاف و ایجاد مزاحمت و امثال آن .

آیه 39: یعنی این عطای ما را بنفع هر که خواهی بکار ببر (نه اینکه این عطای ما را به هر که خواهی عطا کن)

آیه 40: خداوند دوری و نزدیکی ندارد لذا «جایگاه نزدیک» به معنی­ «جایگاهِ از لحاظ معنوی نزدیک» است.

آیه 48: به قرینه «یسع» و «ذالکفل» ، فهمیده میشود که این حضرت نیز از انبیاء بنی اسرائیل است و آن حضرت اسمعیلِ جدّ پیامبر ما (ص) نیست ، بلکه همان کسی است که در نزد مسیحیان «ساموئل» و در نزد یهودیان «اشموئیل» نام دارد و ظاهراً می باید همان پیامبری بوده باشد که در داستان «طالوت»، در سوره بقره، ذکرش خواهد آمد.

**جمع بندی و تفسیر**

**قبل از آنان اقوام نوح و عاد و فرعون ميخدار تکذيب کردند (12) و ثمود و قوم لوط و ياران اَيْکه . آنها همان احزاب بودند** (که نابود شدند) **(13) همگي آنها پيامبران را تکذيب کردند و مجازاتم محقق گشت (14) اينان نيز چيزي را انتظار ندارند مگر صدائي بلند را که پس از آن مهلتي نخواهند داشت (15) گويند پروردگارا سهم ما را** (از عذاب) **فورا قبل از روز حساب بده (16)** **بر آنچه ميگويند صبر کن و بنده مان داوود را ياد کن که نيرومند و بسيار توبه كار بود (17) کوه ها را رامش کرديم که شامگاهان و صبحگاهان با او تسبيح ميگفتند (18) و** (همچنين) **پرندگان را نيز که نزد او گرد ميآمدند و بسوي او بازمي گشتند (19) و فرمانروائي او را محکم کرديم و به او حکمت و سخن پايان بخش** (در قضاوت) **داديم (20) آيا داستان آن** (دو طرف) **دعوا را هنگامي که به بالاي محراب آمدند شنيدي؟(21) هنگامي که بر داوود وارد شدند ، از آنان بيمناک شد. گفتند مترس. دو طرف يک دعوا هستيم که يکي بر ديگري تجاوز روا داشته. لذا بين ما به حق حکم کن و ناحق مگو و ما را به راه راست هدايت کن (22) اين برادر من است که نود و نه گوسفند دارد و من فقط يکي دارم و ميگويد آن را هم بمن واگذار و در کلامش هم درشتي ميکند (23) گفت البته در اينکه گوسفندت را براي مخلوط کردن با گوسفندانش از تو ميخواهد به تو ظلم كرده و البته بسياري از شريکان چنين اند که بعضي شان به بعضي ظلم مي کنند مگر آنانکه ايمان آورده و عمل شايسته ميکنند و چقدر هم آنها کم هستند و داوود گمان کرد ما** (در اين قضيه) **او را امتحان كرده ايم لذا از پروردگارش استغفار کرد و به سجده افتاد و توبه کرد (24) اما اين موضوع را بر او بخشوديم و البته او نزد ما جايگاه نزديک و سرانجام نيکو دارد (25)** [به او خطاب کردیم] **اي داوود! تو را در زمين جانشين قرار داديم. لذا بين مردم به حق حکم کن وازهواي نفس پيروي مکن زيرا که تو را از راه خدا گمراه ميکند. البته آنها که از راه خدا گمراه شوند بخاطر اينکه روز حسابرسي را فراموش کرده اند عذابي شديد خواهند داشت (26)** **و آسمان و زمين و آنچه را بين آنهاست به باطل نيافريده ايم.** {اين گمان آنان است که کفر ورزيده اند} **و واي بر کافران از آن آتش (27) آيا آنان را که ايمان آورده و عمل شايسته کرده اند مانند مفسدان زمين قرار ميدهيم؟ يا اينکه با اهل تقوا مانند گناهکاران رفتار مي کنيم؟** [البته که چنین نخواهیم کرد] **(28) کتابي پر برکت بسويت فرستاديم تا در آياتش انديشه کنند و تا اينکه خردمندان پند گيرند (29)** **و به داود سليمان را داديم ، که بنده اي خوب و بسيار بازگشت کننده بود (30) وقتي ، غروب هنگام ، آن اسبان تيز تک را به تماشايش آوردند (31)** (آنقدرمتوجه آنها بود که از عبادتش غافل شد ، پس با تاسف) **گفت من دوستي مال را به ياد پرودگارم ترجيح دادم تا اينکه آفتاب غروب كرد (32) آنها را بمن برگردانيد . پس بنا کرد به گردنها و ساقهای آنها دست کشيدن (33) و البته سليمان را نيز آزموديم و بر تخت او جسدي افکنديم . پس بسوي ما توبه نمود (34) گفت پروردگارا مرا بيامرز و بمن سلطنتي ده که هيچکس پس از من به آن نرسد. که تو بسيار بخشنده اي (35) پس باد را رام او کرديم که به امر او هر جا که ميخواست به نرمي ميوزيد (36) و نيزاز شيطان ها** (عده اي را) **رام او کرديم که برايش بنايي و غواصي ميکردند (37) و ديگراني را نيز در غل و زنجير نموديم (38)** [وبه او خطاب کردیم] **اين عطاي ما است ، به هر که خواهي عطا کن و از هر که خواهي دريغ ورز (39) و البته او در نزد ما جايگاهي نزديک و سرانجامي نيک دارد (40)** **و بنده مان ايوب را ياد آر . هنگامي که پروردگارش را صدا زد که عوامل شر مرا به خستگی و ناراحتي و تلخکامی انداخته (41)** [به او یاد دادیم که ] **پايت را به این زمين بزن. اين** (آبي است که) **مايه شستن ، و نيز نوشيدنيي خنك است (42) و اطرافیانش را بعلاوه همانندشان به او بخشيديم . تا رحمتي از ما و تذکري براي خردمندان باشد (43)** [ای ایوب] **قسمتی از نیرویت را بگير و با آن** [عامل شر را] **بزن ، و گناه مکن . البته او را صبور يافتيم . بنده ای خوب و بسيار توبه کار بود (44) و ياد آر بندگانمان ابراهيم و اسحق و يعقوب را که نيرومند و بينا بودند (45) که ما البته آنها را به آخرت انديشي خالص کرده بوديم (46) و البته آنها در نزد ما از بین خوبان برگزيده شده اند (47) و نيز اسمعيل و يسع و ذالکفل را نيز بياد آر که همه شان از نيکان بودند (48)**

**ص3 آیات49تا64**

**هَذَا ذِكْرٌ وَإِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لَحُسْنَ مَآبٍ ﴿49﴾ جَنَّاتِ عَدْنٍ مُّفَتَّحَةً لَّهُمُ الْأَبْوَابُ ﴿50﴾ مُتَّكِئِينَ فِيهَا يَدْعُونَ فِيهَا بِفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ وَشَرَابٍ ﴿51﴾ وَعِندَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ أَتْرَابٌ ﴿52﴾ هَذَا مَا تُوعَدُونَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ ﴿53﴾ إِنَّ هَذَا لَرِزْقُنَا مَا لَهُ مِن نَّفَادٍ ﴿54﴾ هَذَا وَإِنَّ لِلطَّاغِينَ لَشَرَّ مَآبٍ ﴿55﴾ جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا فَبِئْسَ الْمِهَادُ ﴿56﴾ هَذَا فَلْيَذُوقُوهُ حَمِيمٌ وَغَسَّاقٌ ﴿57﴾ وَآخَرُ مِن شَكْلِهِ أَزْوَاجٌ ﴿58﴾ هَذَا فَوْجٌ مُّقْتَحِمٌ مَّعَكُمْ لَا مَرْحَبًا بِهِمْ إِنَّهُمْ صَالُوا النَّارِ ﴿59﴾ قَالُوا بَلْ أَنتُمْ لَا مَرْحَبًا بِكُمْ أَنتُمْ قَدَّمْتُمُوهُ لَنَا فَبِئْسَ الْقَرَارُ ﴿60﴾ قَالُوا رَبَّنَا مَن قَدَّمَ لَنَا هَذَا فَزِدْهُ عَذَابًا ضِعْفًا فِي النَّارِ ﴿61﴾ وَقَالُوا مَا لَنَا لَا نَرَى رِجَالًا كُنَّا نَعُدُّهُم مِّنَ الْأَشْرَارِ ﴿62﴾ أَتَّخَذْنَاهُمْ سِخْرِيًّا أَمْ زَاغَتْ عَنْهُمُ الْأَبْصَارُ ﴿63﴾ إِنَّ ذَلِكَ لَحَقٌّ تَخَاصُمُ أَهْلِ النَّارِ ﴿64﴾**

**ای پیامیر! اينها پندي است. و البته تقوا داران سرانجامي نيک خواهند داشت (49) بهشت هائي جاودان که درب هاي آن برايشان گشوده است (50) در آن تکيه زده و دستور ميوه و نوشيدني خواهند داد (51) و نزدشان همسراني است که جز به شوهران خويش نظري ندارند (52) و به آنان گفته میشود اين است چيزي که براي روز حساب به شما وعده داده شده (53) البته اين رزق ماست كه تمامي ندارد (54) چنين است و البته طغيانگران نيز بد سرانجامي خواهند داشت (55) جهنمي که در آن انداخته ميشوند که بد جايگاهي است (56) که در آن بايد آبي داغ و چرکين و متعفن بچشند (57) و چيزهاي ديگري مانند آنها (58) و ماموران جهنم هنگام ورود عده ای جدید به جهنمیان میگویند اين گروه انبوه که دارند به جهنم انداخته میشوند نیز باشمايند . آنها جواب ميدهند خوششان مباد ، زيرا که داخل آتش خواهند شد (59) جهنمیان جدید به اينها ميگويند خودتان خوشتان مباد ، شما اين عذاب را براي ما فراهم کرده ايد و چه بدقرارگاهي است (60) ميگويند پروردگارا هر کس که اين را برايمان فراهم کرده او را در آتش دو چندان عذاب فرما (61) و همچنین ميگويند چه مان شده که مردمي را که جزء اشرار مي شمرديم نمي بينيم؟ (62) آيا آنها را دست كم ميگرفتيم و بعكس تصور ما نجات يافتند يا در اينجا به چشممان نمي آيند؟ (63) ای پیامبر! اين گوشه ای از دعواي اهل آتش است ، و کاملا هم حق است (64)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: ايات و نعمت های مهمي كه به پيامبران داده شده، در اثر توجه و دقت در اطاعت خداوند وتواضع و توجه دائمي به سوي او بوده است.**

**درب: تفاوت نتيجه رفتار خدامحورانه با خود محورانه در جهان ديگر.**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 که ابتدای سوره است می فرماید : کافران پندناپذیر و خودبزرگ­بین و در نتیجه مخالف حق­اند و ای پیامبر ! به این کافران امیدی مبند (فعلااصلاح ناپذیرند) و کافران نسبت به عظمت دستگاه الهی و رحمت واسعه خداوند و خطر امکان هلاکت دستجمعی بی­توجهند .

در پاراگراف 2 بـه رسول اکرم(ص) تلویحا میفرماید که اینها آنقدر در راه کفر وتکذیب افراط کرده اند که بعید نیست مانند اقوام سابق به عذاب هلاکت دستجمعی هم دچارشوند (اما اینکه بـه آن نوع عذاب معذبشان نمیکنیم حکمتی دارد که بعدا معلوم میشود ) و ضمنا به داود و سلیمان و ایوب و چند پیامبر دیگر (ع) آیات و نعمت­هایی داده شده و آنها نیز متوجه موقعیت خویش نسبت به خداوند بوده اند. و همچنین بطور تلویحی دارد وعده پیروزی اردوگاه پیامبراکرم(ص) وپیروانش رامیدهد اما مسلمانان را نسبت به تخلفات احتمالی–پس از پیروزی– برحذرمیدارد و به آنحضرت یادآوری میفرماید که ای پیامبر! به تو نیز قرآن را داده ایم.

در این پاراگراف می فرماید : ای کافران ! چه چیزی واقعا می ارزد که خود را به چنیــن عاقبتی دچار ، و خود را از چنان عاقبتی محروم کنید؟

**3- سوالات**

1 – در اینجا شش بار کلمه «هذا» آمده ، و همه آنها نیز «هم مفهوم» نیستند ، مفهوم هریک را بیان کنید .

2 – در آیه 51 ، تنوین سه کلمه آخر ، از باب تعظیم است یا تصغیر؟

3 – در ابتدای آیه53 ، موضوع کدام کلید تفسیر اتفاق افتاده؟

4- دروسط آیه 59 ، چه ؟

5 - درآیه 62 ، فاعل «قالوا» کیست؟

6 - منظور آنها از « **رِجَالًا كُنَّا نَعُدُّهُم مِّنَ الْأَشْرَارِ**» (آیه62) چیست؟

7 - « **زَاغَتْ عَنْهُمُ الْأَبْصَارُ**» (آیه 63 ) چه نوعی از سخن است؟ (کنایه؟ اصطلاح؟ یا....؟)

8 - «حق» در آیه 64 به چه معنی بکاررفته؟ ( ازاین لحاظ که این اتفاقات حتما خواهد افتاد؟ یا اینکه خود این تخاصم چیز درست و بجائی است؟ یا....؟)

9 - حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟ (امیدبخش برای مومنان؟ هشدار دهنده برای کافران؟ هردو؟ یا.....؟)

10 - برای این «بگومگو»ی موجود در این پاراگراف چه سابقه ای در سوره های قبلی دارید؟

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

از آیه های 62 و 63 فهمیده میشود مخالفان آنحضرت ، پیروان او را بی اهمیت و ناچیز میدیدند ، به عبارت دیگر ، چنین فهمیده میشود که اکثر پیروان آنحضرت از اقشار فرودست بوده اند .

**5 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

کلّ مطالب این پاراگراف فوق ذهنیات ما قرن بیست و یکمی ها میباشد چه رسد به مخاطبان اولیه!

**6 - کلید های تفسیری**

**ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:**

**1**

**هَذَا ذِكْرٌ وَإِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لَحُسْنَ مَآبٍ ﴿49﴾ جَنَّاتِ عَدْنٍ مُّفَتَّحَةً لَّهُمُ الْأَبْوَابُ ﴿50﴾ مُتَّكِئِينَ فِيهَا يَدْعُونَ فِيهَا بِفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ وَشَرَابٍ ﴿51﴾ وَعِندَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ أَتْرَابٌ ﴿52﴾ هَذَا مَا تُوعَدُونَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ ﴿53﴾ إِنَّ هَذَا لَرِزْقُنَا مَا لَهُ مِن نَّفَادٍ ﴿54﴾**

**درس: ايات و نعمت های مهمي كه به پيامبران داده شده، در اثر توجه و دقت در اطاعت خداوند وتواضع و توجه دائمي به سوي او بوده است.**

**درب: ذکر نمونه ای از نعمت های باتقوایان در جهان دیگر.**

**2**

**هَذَا وَإِنَّ لِلطَّاغِينَ لَشَرَّ مَآبٍ ﴿55﴾ جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا فَبِئْسَ الْمِهَادُ ﴿56﴾ هَذَا فَلْيَذُوقُوهُ حَمِيمٌ وَغَسَّاقٌ ﴿57﴾ وَآخَرُ مِن شَكْلِهِ أَزْوَاجٌ ﴿58﴾**

**درس: ايات و نعمت های مهمي كه به پيامبران داده شده، در اثر توجه و دقت در اطاعت خداوند وتواضع و توجه دائمي به سوي او بوده است.**

**درب: ذکر نمونه ای از عاقبت سرکشان در جهان دیگر.**

**3**

**هَذَا فَوْجٌ مُّقْتَحِمٌ مَّعَكُمْ لَا مَرْحَبًا بِهِمْ إِنَّهُمْ صَالُوا النَّارِ ﴿59﴾ قَالُوا بَلْ أَنتُمْ لَا مَرْحَبًا بِكُمْ أَنتُمْ قَدَّمْتُمُوهُ لَنَا فَبِئْسَ الْقَرَارُ ﴿60﴾ قَالُوا رَبَّنَا مَن قَدَّمَ لَنَا هَذَا فَزِدْهُ عَذَابًا ضِعْفًا فِي النَّارِ ﴿61﴾ وَقَالُوا مَا لَنَا لَا نَرَى رِجَالًا كُنَّا نَعُدُّهُم مِّنَ الْأَشْرَارِ ﴿62﴾ أَتَّخَذْنَاهُمْ سِخْرِيًّا أَمْ زَاغَتْ عَنْهُمُ الْأَبْصَارُ ﴿63﴾ إِنَّ ذَلِكَ لَحَقٌّ تَخَاصُمُ أَهْلِ النَّارِ ﴿64﴾**

**درس: ايات و نعمت های مهمي كه به پيامبران داده شده، در اثر توجه و دقت در اطاعت خداوند وتواضع و توجه دائمي به سوي او بوده است.**

**درب: ذکر نمونه ای دیگر از عاقبت سرکشان در خهان دیگر.**

**7 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

در باره آیات این پاراگراف ، حتی امروز نیز ، با توجه به معانی والای آن ، حتی برخی مفسران هم ، درک مقبولی از آن ندارند ، چه رسد به مخاطبان اولیه !

در عین حال که کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در این هزار و چند صد سال ، تغییر معنای قابل توجهی نیافته اند !

**8 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

تفاوتِ نتيجه رفتارِ این جهانیِ مومنان و کافران در جهان ديگر .

**9 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تقریبا تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

**شرح مختصر**

**دعوا و بگومگوی اهل جهنم**

مطالب آیات 59تا64 شرح دعوای اهل جهنم با یکدیگر است که بر طبق آن ، هر گروهی سعی می­کند گناه خود را گردن دیگری بیاندازد و عده­ای می­گویند در زندگی دنیا شما رئیس ما بودید و ما را مجبور کردید و لذا عذاب ما باید مال شما باشد ، آن­ها هم در جواب می­گویند درست است که ما رئیس و بالادست بودیم اما اگر شما نمی­خواستید پیروی ما را بکنید ما که نمی­توانستیم مجبورتان کنیم؛ و خلاصه اینطور با هم درگیر می­شوند که این هم خودش یک نوع عذاب است.

**جمع بندی و تفسیر**

**اين پنديست. و البته تقوا داران سرانجامي نيک خواهند داشت (49) بهشت هائي جاودان که درب هاي آن برايشان گشوده است (50) در آن تکيه زده و دستور ميوه زياد و نوشيدني خواهند داد (51) و نزدشان همسراني است که جز به شوهران خويش نظري ندارند (52) اين است چيزي که براي روز حساب به شما وعده داده (53) البته اين رزق ماست كه تمامي ندارد (54) اين است و البته طغيانگران نيز بد سرانجامي خواهند داشت (55) جهنمي که در آن انداخته ميشوند و بد جايگاهي است (56) اين است. پس بايد آبي داغ و چرکين و متعفن بچشند (57) و چيزهاي ديگري مانند آنها (58)** [به آنها خطاب ميشود] **اين گروه انبوه، با شمايند .** [جواب ميدهند] **خوششان مباد ، زيرا که داخل آتش خواهند شد (59)** [آنها به اينها] **ميگويند خودتان خوشتان مباد ، شما اين** (عذاب) **را براي ما فراهم کرده ايد و چه بدقرارگاهي است (60) ميگويند پروردگارا هر کس که اين را برايمان فراهم کرده او را در آتش دو چندان عذاب فرما (61) و ميگويند چه مان شده که مردمي را که جزء اشرار مي شمرديم نمي بينيم؟(62) آيا آنها را دست كم ميگرفتيم** (و بعكس تصور ما نجات يافتند) **يا در اينجا به چشممان نمي آيند؟(63) البته ، اين** (گوشه ای از) **دعواي اهل آتش ، و** (کاملا) **حق است (64)**

**ص4 آیات65تا88**

**قُلْ إِنَّمَا أَنَا مُنذِرٌ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ﴿65﴾ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ ﴿66﴾ قُلْ هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ ﴿67﴾ أَنتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ ﴿68﴾ مَا كَانَ لِي مِنْ عِلْمٍ بِالْمَلَإِ الْأَعْلَى إِذْ يَخْتَصِمُونَ ﴿69﴾ إِن يُوحَى إِلَيَّ إِلَّا أَنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿70﴾ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِن طِينٍ ﴿71﴾ فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِن رُّوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ ﴿72﴾ فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ ﴿73﴾ إِلَّا إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنْ الْكَافِرِينَ ﴿74﴾ قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَن تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِيَدَيَّ أَسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنتَ مِنَ الْعَالِينَ ﴿75﴾ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ ﴿76﴾ قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ ﴿77﴾ وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَى يَوْمِ الدِّينِ ﴿78﴾ قَالَ رَبِّ فَأَنظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿79﴾ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ ﴿80﴾ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ﴿81﴾ قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿82﴾ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ ﴿83﴾ قَالَ فَالْحَقُّ وَالْحَقَّ أَقُولُ ﴿84﴾ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنكَ وَمِمَّن تَبِعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿85﴾ قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ ﴿86﴾ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ ﴿87﴾ وَلَتَعْلَمُنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ ﴿88﴾**

**ای پیامبر! به اینها بگو جز اين نيست که من هشدار دهنده اي هستم و جز خداوند واحد قهّارخدائي نيست (65) همو که پروردگار آسمانها و زمين و بين آنهاست و عزتمند آمرزشگر است (66) بگو آن خبرِ قیامت خبري بسیار مهم است (67) که شما از آن رويگردانيد (68) هيچ علمي نسبت به آن بزرگان عاليمرتبه آسمانی ، آن هنگام که مشاجره ميکردند ، ندارم (69) بمن جز اين وحي نميشود که هشدار دهنده اي آشکارم (70) ای پیامبر! آن هنگام را ياد كن که پروردگارت به ملائکه گفت آفريدگار بشري از خاک خواهم بود (71) پس هر گاه او را پرداختم و از روح خويش در او دميدم برايش به سجده بيفتيد (72) آنگاه ملائکه همگي سجده نمودند (73) مگر ابليس که گردنفرازي کرد و از کافران گرديد (74) خداوند گفت اي ابليس! چه چيز مانعت شد که براي چيزي که با قدرت خويش آفريدمش سجده کني؟ آيا خود را بزرگ ديدي يا واقعأ از بزرگ مرتبه گاني؟ (75) گفت من از او بهترم. مرا از آتش و او را از خاک آفريده اي (76) گفت، پس، از اينجا بيرون شو که رانده شده اي (77) و تا روز قيامت از رحمت من دور خواهي بود (78) گفت پروردگارا! تا روزي كه برانگيخته ميشوند مهلتم ده (79) گفت باشد، تو از مهلت يافتگاني (80) تا روزي که وقت معلومي دارد (81) گفت قسم به عزّتت كه همگانشان را گول خواهم زد (82) مگر آن بندگانت که خالص شده باشند (83) گفت حق اين است که ميگويم (84) حتمأ جهنم را از تو واز کساني که پيرويت کنند پر ميکنم (85) ای پیامبر! به اینها بگو من براي آن رسالت از شما مزدي نميخواهم و من از آن متکلفان که چيزي بخود ببندند اما واقعا آنطور نباشند نیستم (86) اين قرآن چيزي جز پندي براي جهانيان نيست (87) و البته خبرش را پس از چندي خواهيد دانست (88)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: آيات و نعمت های مهمي كه به پيامبران داده شده، در اثر توجه و دقت در اطاعت خداوند وتواضع و توجه دائمي به سوي او بوده است.**

**درب: تحليل علل روانشناختي رفتار خود محورانه تکذيبگران مخالف پيامبر اکرم (ص) و توصیه به آنحضرت که بازهم توجه آنها را به مطالب اساسی عقیدتی جلب کن.**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 که ابتدای سوره است می فرماید : کافران پندناپذیر و خودبزرگ­بین و در نتیجه مخالف حق­اند و ای پیامبر ! به این کافران امیدی مبند (فعلااصلاح ناپذیرند) و کافران نسبت به عظمت دستگاه الهی و رحمت واسعه خداوند و خطر امکان هلاکت دستجمعی بی­توجهند .

در پاراگراف 2 بـه رسول اکرم(ص) تلویحا میفرماید که اینها آنقدر در راه کفر وتکذیب افراط کرده اند که بعید نیست مانند اقوام سابق به عذاب هلاکت دستجمعی هم دچارشوند (اما اینکه بـه آن نوع عذاب معذبشان نمیکنیم حکمتی دارد که بعدا معلوم میشود ) و ضمنا به داود و سلیمان و ایوب و چند پیامبر دیگر (ع) آیات و نعمت­هایی داده شده و آنها نیز متوجه موقعیت خویش نسبت به خداوند بوده اند. و همچنین بطور تلویحی دارد وعده پیروزی اردوگاه پیامبراکرم(ص) وپیروانش رامیدهد اما مسلمانان را نسبت به تخلفات احتمالی–پس از پیروزی– برحذرمیدارد و به آنحضرت یادآوری میفرماید که ای پیامبر! به تو نیز قرآن را داده ایم.

در پاراگراف 3 می فرماید : ای کافران ! چه چیزی واقعا می ارزد که خود را به چنیــن عاقبتی دچار ، و خود را از چنان عاقبتی محروم کنید؟

در این پاراگراف می فرماید : اخلاق ابلیسی درست نقطه مقابل اخلاق پیامبرانه است و علت رفتارهــای اینها قبول القائات ابلیسی و شیطانی است که نقطه محوری آن خودبینی است ، و اینکه ای پیامبر! از اینکه مطالب اساسی عقیدتی را باز هم با اینها مطرح کنی خسته مشو و به اینها بگو حتما بزودی خواهید فهمید حقیقت چیست .

**3 - سوالات**

1 – چرا خداوند از بین صفات ممکن ، خود را به صفات مندرج در این قطعه معرفی نمود؟

2- از مطالب این پاراگراف چه «حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها» میتوان زد؟

3 - حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟ (ارشاد؟ تقریر؟ ارشاد تقریری ؟ یا.....؟)

4- منظور از « **يَخْتَصِمُونَ** » (آیه69) چیست؟

5 - «نباء عظیم» (آیه 67) اشاره به چه دارد؟ (جاافتادن اعتقاد به توحید؟ آخرت؟ یا . . ؟) و چرا؟

6 - چراخداوند دراینجا از ضمیر«من» (انی خالق سویت نفخت روحی قال خلقت یدی لعنتی اقول املئن) استفاده فرموده؟

7 – در کلمه «انّی» (آیه71) چه حالتی وجود دارد؟ (تاکید؟ یا...؟)

8 – چرا بجای «خالق» (آیه71) نفرموده «اخلق»؟

9 - تنوین روی انتهای کلمه «بشرا» (آیه71) از باب تعظیم است یا تصغیر؟

10 - برای کلمه «سوّی» (آیه72) چه سابقه ای درسوره های قبل سراغ دارید؟

11 - «نفخت» (آیه72) چه نوع از سخن است؟ (به زبان مثل؟ به زبان مخاطب؟ یا.....؟)

12 – منظور از «سجده» (آیه73) چیست؟ (بیعت برای اطاعت؟ یا....؟)

13 – منظور از آیه 73 چیست؟ (هماهنگی همه کارگزاران جهان برای امکان زندگی مناسب بشر مورد بحث آیه71؟ یا....؟)

14 - بین موضوع دو آیه 71 و 72 فاصله زمانی هست یا بلافاصله است؟

15 - (با توجه به آیه 76) چرا ابلیس به آن نتیجه رسید؟ مگر آتش نسبت به خاک برتر است؟ (برچه اساس؟) و به فرض صحت افضلیت مذکور ، برکدام اساس آن نتیجه گیری مقبول است؟

16 – منظور از «مخلصین» (آیه83) چه کسانی هستند؟

17 – با توجه به سابقه این موضوع در همین تفسیر ، «حوزه» فعالیت شیاطین کجاست؟

18 – کلّ آیات 71 تا 85 با کدام کلید تفسیری مطابق است؟

19 - «وقت المعلوم» اشاره به چه زمانی دارد؟ (قیامت؟ انتهای تاریخ بشریت؟ وقتی که بشریت آنقدر رشد یافته شود که دیگر وسوسه های شیطانی نتواند در او کارگر شود؟ یا . . ؟)

20 - «متکلف» (آیه 86) به چه معنا است؟ (زورگو – اعم از اینکه برخود یا دیگران باشد - ؟ مدعیِ چیزی که واقعیت نداشته باشد؟ یا . . ؟)

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

از آيه 86 فهمیده میشود که مخالفان آنحضرت تصور میکردند که انگیزه ایشان از ادعاء دریافت وحی یکی انگیزه مادی و دیگری انگیزه سروری یافتن است .

**5 – کلیدهای تفسیری**

**اصلی و فرعی :** آیه 66 فرع بر آیه 55 است و این واضح است.آیه­های 68 و 69 و 70 نیز فرع بر آیه 67 است.

**مطلب، تفسیر، اشاره :** با توجه به کلید شماره 1/2، آیه 85 یکی از موارد واضح آن است. در سوره­های قبل داشتیم که «حتماً جهنم را از انسان و جن پر خواهم کرد» اینک آن آیه با آیه 85 تفسیر که میگوید «جهنم را از آن دسته از افراد انسانی و جنی که از تو پیروی کنند پرمیکنیم»

**ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:**

**1**

**قُلْ إِنَّمَا أَنَا مُنذِرٌ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ﴿65﴾ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ ﴿66﴾ قُلْ هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ ﴿67﴾ أَنتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ ﴿68﴾ مَا كَانَ لِي مِنْ عِلْمٍ بِالْمَلَإِ الْأَعْلَى إِذْ يَخْتَصِمُونَ ﴿69﴾ إِن يُوحَى إِلَيَّ إِلَّا أَنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿70﴾**

**درس: آيات و نعمت های مهمي كه به پيامبران داده شده، در اثر توجه و دقت در اطاعت خداوند وتواضع و توجه دائمي به سوي او بوده است.**

**درب: ای پیامبر! علیرغم آیات و نعمت های مهمی که به تو داده شده تواضع در پیش گیر و فقط موقعیت هشدار دهندگی خویش را به یادشان بیاور.**

**2**

**إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِن طِينٍ ﴿71﴾ فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِن رُّوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ ﴿72﴾ فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ ﴿73﴾ إِلَّا إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنْ الْكَافِرِينَ ﴿74﴾ قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَن تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِيَدَيَّ أَسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنتَ مِنَ الْعَالِينَ ﴿75﴾ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ ﴿76﴾ قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ ﴿77﴾ وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَى يَوْمِ الدِّينِ ﴿78﴾ قَالَ رَبِّ فَأَنظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿79﴾ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ ﴿80﴾ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ﴿81﴾ قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿82﴾ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ ﴿83﴾ قَالَ فَالْحَقُّ وَالْحَقَّ أَقُولُ ﴿84﴾ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنكَ وَمِمَّن تَبِعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿85﴾**

**درس: آيات و نعمت های مهمي كه به پيامبران داده شده، در اثر توجه و دقت در اطاعت خداوند وتواضع و توجه دائمي به سوي او بوده است.**

**درب: ابلیس در مقابل آیات و نعمت های الهی دقت و توجه و تواضع نشان نداد که چنان شد.**

**3**

**قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ ﴿86﴾ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ ﴿87﴾ وَلَتَعْلَمُنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ ﴿88﴾**

**درس: آيات و نعمت های مهمي كه به پيامبران داده شده، در اثر توجه و دقت در اطاعت خداوند وتواضع و توجه دائمي به سوي او بوده است.**

**درب: ای پیامبر! فعلا چندان راجع به کافران حساس مباش و حقانیت موضعت را به اجمال بگو .**

**6 - پیشگوئی های تحقق یافته**

از آیه 88 با توجه به درس و درب چنین مفهوم است که «به زودی» حقانیت قرآن و مطالب آن، معلوم خواهد شد.

چون پس از چند سال، بطور گسترده باور و اعتقاد به قرآن و مطالب آن وقوع یافت، این آیه نیز در زمره پیشگویی­های تحقق یافته درآمد.

**7 - آیات برجسته این پاراگراف**

آیات 71 تا 85 که نظر بر داستان شیرین آفرینش انسان است، مانند سایر پاراگراف های دیگر در سوره های دیگر از لحاظ های متنوعی برجستگی دارد که چون در کتاب خویش (پیدایش انسان، برگزیدگی آدم، ماهیت شیطان) مشروحا به آن پرداخته ایم و شرحش طولانی است در اینجا به آن نمی پردازیم و خواننده کنجکاو را به همانجا دعوت میکنیم که در سایت ما در دسترس است و آدرسش را هم در ابتدا و انتهای همین کتاب ذکر کرده ایم.

**8 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

آیات 71 تا 85 که دقیا چنین موقیتی دارد و این موضوع واضح است، ضمنا 69 نیز چنین است.

**9 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

در باره آیات این پاراگراف ، حتی امروز نیز ، با توجه به معانی والای آن ، حتی برخی مفسران هم ، درک مقبولی از آن ندارند ، چه رسد به مخاطبان اولیه !

در عین حال که کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در این هزار و چند صد سال تغییر معنای قابل توجهی نیافته اند !

**10 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

1 - اخلاق ابلیسی درست نقطه مقابل اخلاق پیامبرانه است و علت رفتارهــای کفار قبول القائات ابلیسی و شیطانی است که نقطه محوری آن خودبینی است .

2 - ای پیامبر! از اینکه مطالب اساسی عقیدتی را باز هم با اینها مطرح کنی خسته مشو و به اینها بگو حتما بزودی خواهید فهمید حقیقت چیست .

**11 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

غیر از آیات 65 تا 68 ، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**آن «خبر بزرگ» که کفار از آن روگردان بودند چه بود؟**

موضوع آیه­های 67 و 68 علی­رغم تفسیرهایی که مفسران ارجمند مختلف کرده­اند بطور وضوح اشاره به همان مطلبی دارد که ابتدای سوره نباء مطرح شده است ، وقتی­ که چنین نصّ واضحی داریم دیگر چه جای ذکر مطالب شاذّ و نادر و غیره است.

آیه 67 این سوره به وضوح می­گوید «هو نباء عظیم» و آیه 2 سوره نباء نیز به وضوح می­گوید «عن النباءِ العظیم»

تقریباً در تمامی طول مدت رسالت پیامبر(ص) نیز موضوع قیامت و آخرت همواره مورد تبلیغ پیامبر(ص) و مخالفت کفار بوده و لذا دیگر چه جای مطرح کردن چیزهایی است که با این نصّ به این واضحی مغایر باشد؟

**«دست» خداوند**

امروزه دیگر این تصور که خداوند مانند یک مجسمه­ساز مجسمه­ای از گِل ساخت و سپس در آن فوت کرد و آن، همان آدم ابوالبشر شد، طرفدار قابل توجهی ندارد. و بلکه این الگو جا افتاده است که پیدایش انسان در روی زمین نیز مانند پیدایش سایر مخلوقات از روی یک نقشه گستردۀ طولانی مدت و با یک مکانیزمِ قابلِ درکِ علمی صورت گرفته است و با آنچه مورد بحث علوم زمین­شناسی و زیست­شناسی است، تناسب دارد.

لذا اینکه فرموده «با دست خود»، باید آن را به «قدرت خود» معنی کنیم.

سجده نمودن ملائکه نیز، از آنجا که ملائکه نماد نیروهای عامل در جهان هستی هستند، باید به معنی رام بودن جهان هستی برای پیدایش و زندگی انسان باشد. ماحصل مطلب این است که خداوند فرمود توجه ویژه­ای به پیدایش انسان در روی زمین دارد و می­خواهد همه عوامل جهان هستی در این جهت هماهنگ باشند و همه عوامل غیر از ابلیس هماهنگ شدند.

در سوره کهف خواهیم دید که ابلیس از جن بود و لذا اساساً جزء ملائکه (= نیروهای عامل در جهان هستی) نبود و اینکه هماهنگ نشد ، نشان دهنده اختیار و آزادی اوست و از این لحاظ مانند انسان است که می­تواند چیزی را بپذیرد و یا نپذیرد و او هم صرف­نظر از علتش، نپذیرفت. (گرچه استدلال او در آیه 76 بسیار کودکانه و حتی خارج از عقل معمولی است)

البته چنانکه در سوره­های رحمان و احقاف و جن دیدیم ، جن نیز مخلوقی آزاد و مختار است.

**«از آن» خارج شو ( آیه 77 ) یعنی چه؟**

از آیه­های 72 و 74 فهمیده می­شود که باید «نوعی مجمع ملائکه» را تصور کنیم که ابلیس نیز راهی در آن داشت و در آیه 77 قابلیت عضویت در آن مجمع را از دست داد و علت از دست دادن این قابلیت اولاً ندیدن این حقیقت بود که عقل خالق بالاتر از عقل مخلوق است و لذا اگر عقل مخلوق حکم به برتری چیزی بر چیز دیگر می­کند، و عقل خالق برعکس آن است، بهتر است مخلوق به این نتیجه برسد که بدلایلی که بر او روشن نیست، باید حکم خود را کنار گذاشته و به حکم خالق تمکین کند.

ملائکه این جمع­بندی را داشتند و ابلیس نداشت و لذا از آن پس لایق عضویت در آن مجمع نبود و اخراج شد.

**رحمت و نعمت**

از آیه 78 فهمیده می­شود که «رحمت» الهی، وجود همین عقل و فهم است که در بخش فوق به آن اشاره شد و نعمت هایی که به شخص مورد رحمت می­رسد، نتایج آن است. زیرا «لعنت» به معنی «فقدان رحمت الهی» است.

بنابراین «از رحمت من دور خواهی بود» یعنی از نعمت هایی که نتیجه داشتن آن نوع عقل است که ملائکه داشتند و تو نداری دور خواهی بود.

با این بیان بسیاری از آیات مربوط به جن روشن­تر می­گردد. مثلاً اینکه جن نیز مانند انسان اختیار و آزادی دارد و نیز اینکه از آتش آفریده شده (یعنی «مادی» نیست یعنی عناصر جدول مندلیف در ساختمان وجودی او نیست) و نیز اینکه محکوم بجاذبه زمین نیست و به راحتی می­تواند به آسمانها برود و برگردد. و اینکه سعی می­کند از آسمانها «استراق سمع»ی بکند زیرا قبلاً پدربزرگ­شان یکی از اعضاء «مجمع ملائکه» بوده و فی­الجمله آشنائیی با آن عوالم دارند و نیز اینکه پس از سعی در استراق سمع تعقیب می­شوند زیرا عضویت خود را از دست داده­اند و برگشتن به مکانی که حقی در آن ندارند یک حرکت دزدانه است و با واکنش روبرو می­شوند و غیره و غیره، و بسیاری از آیات با توضیح فوق مفهوم­تر می­گردد.

**جمع بندی و تفسیر**

**بگو جز اين نيست که من هشدار دهنده اي هستم و جز خداوند واحد قهّارخدائي نيست (65)** {که پروردگار آسمانها و زمين و بين آنهاست و عزتمند آمرزشگر است}(66)  **بگو آن** (خبرِ قیامت) **خبري بزرگ است (67) که شما از آن رويگردانيد (68) هيچ علمي نسبت به آن بزرگان عاليمرتبه** (آسمانی) **، آن هنگام که مشاجره ميکردند ، ندارم (69) بمن جز اين وحي نميشود که هشدار دهنده اي آشکارم (70)** **آن هنگام** (را ياد كن) **که پروردگارت به ملائکه گفت آفريدگار بشري از خاک خواهم بود (71) پس هر گاه او را پرداختم و از روح خويش در او دميدم برايش به سجده بيفتيد (72) آنگاه ملائکه همگي سجده نمودند (73) مگر ابليس که گردنفرازي کرد و از کافران گرديد (74) گفت اي ابليس!چه چيز مانعت شد که براي چيزي که با دست خويش آفريدمش سجده کني؟ آيا خود را بزرگ ديدي يا واقعأ از بزرگ مرتبه گاني؟(75) گفت من از او بهترم. مرا از آتش و او را از خاک آفريده اي (76) گفت، پس ، از اينجا بيرون شو که رانده شده اي (77) و تا روز قيامت از رحمت من دور خواهي بود (78) گفت پروردگارا ! پس تا روزي كه برانگيخته ميشوند مهلتم ده (79) گفت** (باشد) **تو از مهلت يافتگاني (80) تا روزي که وقت معلومي دارد (81) گفت قسم به عزّتت كه همگانشان را گول خواهم زد (82) مگر آن بندگانت که خالص شده باشند (83) گفت حق اين است که به حق ميگويم (84) حتمأ جهنم را از تو واز کساني که پيرويت کنند پر ميکنم (85)** **بگو من براي آن** (رسالت) **از شما مزدي نميخواهم و من از آن متکلفان نيستم** (کهچيزي بخود ببندنداما واقعا آنطور نباشند) **(86) اين** (قرآن) **چيزي جز پندي براي جهانيان نيست (87) و البته خبرش را پس از چندي خواهيد دانست (88)**